# حزب پان ایرانیست

۱۳۸۸-۱۳۳۰ ش

مظفر شاهدی

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

بسم الله الرحمن الرحیم

# حزب پان ایرانیست (۱۳۸۸-۱۳۳۰س)

نویسنده:

## مظفر شاهدی

ناشر چاپی:

موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست ----- ۵
حزب پان ایرانیست(۱۳۸۸-۱۳۳۰س) ----- ۱۰
مشخصات کتاب ----- ۱۰
اشاره ----- ۱۰
فهرست مطالب ----- ۱۲
یادداشت نویسنده ----- ۲۲
فصل اول: نخستین تکاپوها و فرآیند شکل گیری حزب پان ایرانیست ----- ۲۴
زمینه ----- ۲۴
پان ----- ۲۵
مفهوم پان ایرانیسم ----- ۲۵
نخستین تکاپوها ----- ۲۶
مکتب پان ایرانیسم ----- ۲۸
مبانی فکری مکتب پان ایرانیسم ----- ۳۱
در عرصه عمل ----- ۳۲
بذرهای اختلاف و چنددستگی ----- ۳۶
قضاوت و جمع بندی رکن ۲ ستاد ارتش ----- ۳۸
دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت ----- ۴۵
تشکیل حزب ملت ایران ----- ۴۶
فصل دوم: از دکتر مصدق تا انقلاب سفید ----- ۵۱
نخست وزیری دکتر مصدق ----- ۵۱
پس از کودتا ----- ۶۳
انقلاب سفید ----- ۷۰
تکامل انقلاب مشروطیت! ----- ۷۶
فصل سوم در راه اعتمادسازی (۱۳۴۶-۱۳۴۲) ----- ۸۱

تجدید وفاداری و اجازه فعالیت ---------- ۸۱
راهکار و برنامه فعالیت حزبی ---------- ۸۶
فعالیت های برون مرزی ---------- ۸۹
برخورد با مخالفان حکومت ---------- ۹۲
نظام شاهنشاهی پهلوی ---------- ۹۵
پیاده نظام سیاست های شاه ---------- ۹۸
اعراب، انگلیس، اکراد ---------- ۹۹
دامنه ناسیونالیسم؛ جایگاه مذهب تشیع ---------- ۱۰۴
روابط حزب پان ایرانیست و ساواک ---------- ۱۰۷
فصل چهارم: تشکیلات و مدیریت، اعضا و عضوپذیری و نشریات حزبی ---------- ۱۰۹
تشکیلات و مدیریت ---------- ۱۰۹
اساسنامه و مرامنامه و کنگره های حزبی ---------- ۱۰۹
مدیریت ---------- ۱۱۳
ساختار و سازمان ---------- ۱۱۷
نیروی گارد ---------- ۱۱۹
عضویت و اعضا ---------- ۱۳۰
نشریات حزبی ---------- ۱۳۱
فصل پنجم: حزب پان ایرانیست در نیمه دوم دهه چهل ---------- ۱۴۸
دانشگاه، دانشجویان و حزب پان ایرانیست ---------- ۱۴۸
کردهای عراق و دولت بغداد ---------- ۱۵۵
در خارج از کشور ---------- ۱۶۰
بحرین ---------- ۱۶۸
افکار نژادپرستانه ---------- ۱۷۴
حمایت های ساواک ---------- ۱۸۳
در برابر دولت هویدا ---------- ۱۹۴
انتخابات انجمن های شهر ---------- ۲۰۱

حزب پان ایرانیست و انتخابات دوره بیست و دوم مجلس شورا ---------- ۲۲۲
فصل ششم: تجزیه بحرین ---------- ۲۲۹
آزمون دشوار پان ایرانیست ها ---------- ۲۲۹
انشعاب ---------- ۲۴۷
تجربه یک دوره بحرانی ---------- ۲۶۰
انجمن های شهر و مجلس ---------- ۲۸۳
تسلیم نهایی ---------- ۲۸۷
حمایت از رژیم و تداوم بی مهری ---------- ۲۹۴
جشن های دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی ایران ---------- ۳۰۰
عبور از بحران ---------- ۳۰۵
طرح توسعه فعالیت ها در فضای نومیدی ---------- ۳۱۰
دور باطل سرخوردگی و چاپلوسی ---------- ۳۱۵
کنگره ششم (فوق العاده) ---------- ۳۱۷
پان ایرانیست ها در معرض حملات رادیو پیک ایران ---------- ۳۲۹
موضع دولت عراق در برابر پان ایرانیست ها ---------- ۳۳۵
فصل هفتم: از میان پرده انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورا تا پایان بازی احزاب (۱۳۵۳-۱۳۵۰) ---------- ۳۵۱
انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی ---------- ۳۵۱
دور جدید یأس و سرخوردگی ---------- ۳۶۳
کژ و فرهای کم حاصل ---------- ۳۷۶
دولت هویدا و نقش ساواک ---------- ۳۸۲
الف. دولت ---------- ۳۸۲
ب. نقش ساواک ---------- ۳۸۹
حزب ایرانیان ---------- ۳۹۸
انتخابات انجمن های شهر؛ کنگره آموزشی ---------- ۴۰۲
الف. انتخابات انجمن های شهر ---------- ۴۰۲
ب. کنگره آموزشی ---------- ۴۰۵

حزب رهبرمحور ---------- ۴۱۱
جزایر سه گانه ایرانی ---------- ۴۱۳
سالگردهای بیست ویکم آذر ماه و کودتای بیست و هشتم مرداد ---------- ۴۱۷
الف. بیست ویکم آذر ---------- ۴۱۷
ب. کودتای بیست و هشتم مرداد ---------- ۴۱۹
کنگره دهه انقلاب سفید ---------- ۴۲۲
در تکاپوی انتخابات دوره بیست وچهارم مجلس شورا ---------- ۴۳۱
فصل هشتم: از تک حزب رستاخیز تا انقراض رژیم شاهنشاهی در ایران (۱۱ اسفند ۱۳۵۳-۲۲ بهمن ۱۳۵۷) ---------- ۴۳۹
تأسیس حزب رستاخیز و انحلال حزب پان ایرانیست ---------- ۴۳۹
در خدمت حزب رستاخیز ---------- ۴۴۵
قضاوت و جایگاه اعضای حزب سابق پان ایرانیست ---------- ۴۴۷
حضور در دوره بیست و چهارم مجلس شورا (مجلس رستاخیز) ---------- ۴۵۳
در برابر دولت آموزگار ---------- ۴۶۷
خروج از حزب رستاخیز ---------- ۴۷۸
تجدید فعالیت حزب پان ایرانیست ---------- ۴۷۸
استراتژی جدید ---------- ۴۸۷
انتظار حاکمیت؛ واکنش افکار عمومی ---------- ۴۹۷
نظر امام خمینی(ره) ---------- ۵۰۰
آخرین تلاش ها در آخرین روزها؛ از شریف امامی تا بختیار ---------- ۵۰۲
اشاره ---------- ۵۰۲
شریف امامی ---------- ۵۰۲
اشاره ---------- ۵۰۲
اقدامات پیشگیرانه ---------- ۵۱۳
اعتصابات کارگری ---------- ۵۱۳
در برابر دولت ازهاری ---------- ۵۱۷
طرح حضور در کابینه احتمالی صدیقی ---------- ۵۱۸

طرح حضور در شورای سلطنت ---------- ۵۲۰
ادعای نخست وزیری ---------- ۵۲۲
دولت بختیار و آخرین تلاش های پان ایرانیست ها ---------- ۵۲۵
سقوط رژیم پهلوی و سرگردانی پزشکپور ---------- ۵۲۵
فصل نهم: پان ایرانیست ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۸۸-۱۳۵۷ شمسی) ---------- ۵۳۱
چرخش در مواضع ---------- ۵۳۱
حزب پان ایرانیست در صف ضدانقلاب ---------- ۵۳۹
فرار محسن پزشکپور به خارج از کشور ---------- ۵۴۲
آخرین موضع گیری ها ---------- ۵۵۳
ناسیونالیسم و ملی گرایی ---------- ۵۵۵
نتیجه ---------- ۵۶۶
منابع و مآخذ ---------- ۵۶۹
فهرست اعلام ---------- ۵۷۹
عکس ها ---------- ۶۲۷
درباره مرکز ---------- ۶۳۷

# حزب پان ایرانیست(۱۳۸۸-۱۳۳۰س)

## مشخصات کتاب

سرشناسه : شاهدی، مظفر، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور : حزب پان ایرانیست(۱۳۸۸-۱۳۳۰س)/به کوشش مظفر شاهدی.

مشخصات نشر : تهران:موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی،۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۹۲۴ص.

شابک : ۸۵۰۰۰ریال:۹۷۸-۶۰۰-۵۷۸۶-۰۵-۷

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه:ص.۸۸۳-۹۲۴.

موضوع : حزب پان ایرانیست

موضوع : حزب های سیاسی -- ایران -- تاریخ -- اسناد و مدارک

موضوع : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ -- اسناد و مدارک

موضوع : ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷

شناسه افزوده : موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

رده بندی کنگره : DSR۱۵۳۵ /پ۲ ش۲ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲۴۰۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۲۱۶۷۷

ص:۱

## اشاره

## فهرست مطالب

یادداشت نویسنده ۹

فصل اول/ نخستین تکاپوها و فرآیند شکل گیری حزب پان ایرانیست ۱۱

زمینه ۱۱

پان ۱۲

مفهوم پان ایرانیسم ۱۲

نخستین تکاپوها ۱۳

مکتب پان ایرانیسم ۱۵

مبانی فکری مکتب پان ایرانیسم ۱۸

در عرصه عمل ۱۹

بذرهای اختلاف و چنددستگی ۲۳

قضاوت و جمع بندی رکن ۲ ستاد ارتش ۲۵

دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت ۳۱

تشکیل حزب ملت ایران ۳۲

فصل دوم/ از دکتر مصدق تا انقلاب سفید ۳۷

نخست وزیری دکتر مصدق ۳۷

پس از کودتا ۴۸

انقلاب سفید ۵۵

تکامل انقلاب مشروطیت! ۶۰

فصل سوم/ در راه اعتمادسازی (۱۳۴۶-۱۳۴۲) ۶۵

تجدید وفاداری و اجازه فعالیت ۶۵

راهکار و برنامه فعالیت حزبی ۷۰

فعالیت های برون مرزی ۷۳

برخورد با مخالفان حکومت ۷۶

نظام شاهنشاهی پهلوی ۷۹

پیاده نظام سیاست های شاه ۸۲

اعراب، انگلیس، اکراد ۸۳

دامنه ناسیونالیسم؛ جایگاه مذهب تشیع ۸۸

روابط حزب پان ایرانیست و ساواک ۹۱

فصل چهارم/ تشکیلات و مدیریت، اعضا و عضوپذیری و نشریات حزبی ۹۳

تشکیلات و مدیریت ۹۳

اساسنامه و مرامنامه و کنگره های حزبی ۹۳

مدیریت ۹۷

ساختار و سازمان ۱۰۱

نیروی گارد ۱۰۳

عضویت و اعضا ۱۱۴

نشریات حزبی ۱۱۵

فصل پنجم/ حزب پان ایرانیست در نیمه دوم دهه چهل ۱۳۱

دانشگاه، دانشجویان و حزب پان ایرانیست ۱۳۱

کردهای عراق و دولت بغداد ۱۳۸

در خارج از کشور ۱۴۳

بحرین ۱۵۱

افکار نژادپرستانه ۱۵۷

حمایت های ساواک ۱۶۶

در برابر دولت هویدا ۱۷۶

انتخابات انجمن های شهر ۱۸۳

حزب پان ایرانیست و انتخابات دوره بیست و دوم مجلس شورا ۲۰۴

فصل ششم/ تجزیه بحرین ۲۱۱

آزمون دشوار پان ایرانیست ها ۲۱۱

انشعاب ۲۲۸

تجربه یک دوره بحرانی ۲۴۱

انجمن های شهر و مجلس ۲۶۴

تسلیم نهایی ۲۶۸

حمایت از رژیم و تداوم بی مهری ۲۷۵

جشن های دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی ایران ۲۸۱

عبور از بحران ۲۸۶

طرح توسعه فعالیت ها در فضای نومیدی ۲۹۰

دور باطل سرخوردگی و چاپلوسی ۲۹۵

کنگره ششم (فوق العاده) ۲۹۷

پان ایرانیست ها در معرض حملات رادیو پیک ایران ۳۰۹

موضع دولت عراق در برابر پان ایرانیست ها ۳۱۵

فصل هفتم/ از میان پرده انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورا ... ۳۳۱

انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی ۳۳۱

دور جدید یأس و سرخوردگی ۳۴۱

کرّ و فرهای کم حاصل ۳۵۴

دولت هویدا و نقش ساواک ۳۶۰

الف. دولت ۳۶۰

ب. نقش ساواک ۳۶۷

حزب ایرانیان ۳۷۶

انتخابات انجمن های شهر؛ کنگره آموزشی ۳۸۰

الف. انتخابات انجمن های شهر ۳۸۰

ب. کنگره آموزشی ۳۸۳

حزب رهبرمحور ۳۸۹

جزایر سه گانه ایرانی ۳۹۱

سالگردهای بیست ویکم آذر ماه و کودتای بیست و هشتم مرداد ۳۹۵

الف. بیست ویکم آذر ۳۹۵

ب. کودتای بیست و هشتم مرداد ۳۹۷

کنگره دهه انقلاب سفید ۴۰۰

در تکاپوی انتخابات دوره بیست وچهارم مجلس شورا ۴۰۹

فصل هشتم/ از تک حزب رستاخیز تا انقراض رژیم شاهنشاهی در ایران... ۴۱۷

تأسیس حزب رستاخیز و انحلال حزب پان ایرانیست ۴۱۷

در خدمت حزب رستاخیز ۴۲۳

قضاوت و جایگاه اعضای حزب سابق پان ایرانیست ۴۲۵

حضور در دوره بیست و چهارم مجلس شورا (مجلس رستاخیز) ۴۳۱

در برابر دولت آموزگار ۴۴۵

خروج از حزب رستاخیز ۴۵۶

تجدید فعالیت حزب پان ایرانیست ۴۵۶

استراتژی جدید ۴۶۴

انتظار حاکمیت؛ واکنش افکار عمومی ۴۷۳

نظر امام خمینی(ره) ۴۷۶

آخرین تلاش ها در آخرین روزها؛ از شریف امامی تا بختیار ۴۷۸

شریف امامی ۴۷۸

اقدامات پیشگیرانه ۴۸۹

اعتصابات کارگری ۴۸۹

در برابر دولت ازهاری ۴۹۳

طرح حضور در کابینه احتمالی صدیقی ۴۹۴

طرح حضور در شورای سلطنت ۴۹۶

ادعای نخست وزیری ۴۹۸

دولت بختیار و آخرین تلاش های پان ایرانیست ها ۵۰۱

سقوط رژیم پهلوی و سرگردانی پزشکپور ۵۰۱

فصل نهم/ پان ایرانیست ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی... ۵۰۷

چرخش در مواضع ۵۰۷

حزب پان ایرانیست در صف ضدانقلاب ۵۱۵

فرار محسن پزشکپور به خارج از کشور ۵۱۸

آخرین موضع گیری ها ۵۲۹

ناسیونالیسم و ملی گرایی ۵۳۱

نتیجه ۵۴۲

منابع و مآخذ ۵۴۵

فهرست اعلام ۵۵۳

عکس ها ۵۷۳

## یادداشت نویسنده

تاکنون درباره حزب «پان ایرانیست» پژوهش جامع دقیقی صورت نگرفته است. چند کتابی که پیش از این هم چاپ و منتشر شده است، اطلاعات ناقص و اندکی پیرامون این حزب به مخاطبان می دهد. به ویژه کارنامه فعالیت سیاسی این حزب در سال های طولانی گذشته تقریباً هیچ گاه توسط پژوهشگران بررسی دقیق نشده است، و حتی گستره ابهام را از شکل، محتوا و عملکرد آن افزایش می دهد رهبران، کارگردانان و اعضای آگاه تر حزب پان ایرانیست هم تاکنون پیرامون این حزب مطالب قابل توجهی منتشر نکرده اند. انتظار می رود پس از گذشت این همه سال از آغاز و تداوم فعالیت این حزب گردانندگان و اعضای قدیمی و مطلع تر آن خاطرات و مطالب متعدد و در عین حال قابل استناد و مقرون به واقعیتی را ارائه دهند. شاید انتشار کتاب حاضر و دیدگاه های مطرح شده در آن، انگیزه قوی تری به اعضای قدیمی این حزب بدهد تا دیده ها، شنیده ها و دانسته های خود پیرامون حزب پان ایرانیست را منتشر و در معرض داوری قرار دهند. آنچه پژوهش حاضر را از منابع تاکنون موجود، متمایز می کند اسناد و مدارک آرشیوی فراوانی است که محتوای کتاب بر بنیاد آن شکل گرفته است. مستندات اصلی این اثر انبوه اسناد محرمانه و طبقه بندی شده ساواک است که طی دو- سه دهه پایانی عمر رژیم پهلوی، روزانه و منظم درباره جایگاه و عملکرد، رهبران، کارگردانان و اعضای مؤثرتر آن در بخش های مختلف ایران و نیز خارج از کشور تهیه شده بود.

اثری که پیش روی خوانندگان قرار دارد روایتی مستند از زندگی تقریباً شصت ساله

حزب پان ایرانیست است و به این سؤال مهم و اساسی پاسخ می دهد که چرا حزب پان ایرانیست هیچ گاه در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران نقش و جایگاهی تأثیرگذار پیدا نکرد و نزد مردم ایران شأن و اعتباری به دست نیاورد؟

در این کتاب تمام مباحث بر اساس اسناد و از پیش داوری پرهیز شده است. لازم به ذکر است آنچه در این اثر در کانون توجه قرار دارد، بررسی تحلیلی نقش، عملکرد و جایگاه حزب پان ایرانیست در مقطعی مهم و حساس از تاریخ ایران زمین بوده و قصد این نبوده است که حیات سیاسی، حزبی، اجتماعی و فرهنگی تک تک اعضای این حزب مورد نقد و پژوهش قرار گیرد.

به رغم تلاش صورت گرفته در پژوهش حاضر پیشاپیش احتمال راه یافتن خطا در مطالب کتاب را مردود ندانسته و دریچه انتقاد سازنده و حتی مخرب گشاده است و بسیار شادمان خواهم شد که تذکرات و نقادی ها پیرامون حزب پان ایرانیست (در گذشته و حال)، راه را برای انجام پژوهش های مستندتر و عاری از نقص و اشتباه هموار سازد.

مظفر شاهدی

تهران، بهار ۱۳۸۹

## فصل اول: نخستین تکاپوها و فرآیند شکل گیری حزب پان ایرانیست

### زمینه

پیشینه تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی در ایران، به نخستین سال های پس از پیروزی انقلاب مشروطیت بازمی گردد. پس از پایان دوره موسوم به «استبداد صغیر» و در آستانه تشکیل دوره دوم مجلس شورای ملی دو حزب «اجتماعیون عامیون» و «اجتماعیون اعتدالیون» که با عناوین دموکرات (انقلابی) و اعتدالی هم از آنها یاد شده است، فعالیت خود را آغاز کردند. در این برهه شاهد تشکیل و فعالیت کم فروغ تر دو حزب کوچکتر اتفاق و ترقی هم هستیم. با این حال، به دلایل عدیده، این دو حزب، هیچ گاه شکل واقعی «حزب» به مفهوم سیاسی و مدنی آن را پیدا نکردند.

با استقرار سلطنت مطلقه رضاشاه، تشکیل و فعالیت احزاب، گروه ها و جمعیت های سیاسی به کلی بلاموضوع شد.

پس از شهریور ۲۰ و سقوط و تبعید رضاشاه، در سایه حضور و حمایت بیگانگان، احزابی در ایران شکل گرفتند. هیچ یک از این احزاب بر مبنای فرهنگ و مقتضیات ملی و فرهنگی و فکری مردم ایران نبود. از همین رو، هیچ یک از آن احزاب ریز و درشت، شکل و حالت یک حزب سیاسی مؤثر و منسجم را پیدا نکردند و در واقع دکان های سیاسی محقری بودند. حزب توده، در این میان، یک استثنا بود. این حزب با جاذبه سوسیالیسم و با

حمایت بی دریغ اتحاد شوروی و استفاده از تجربیات تشکیلاتی مأموران ورزیده اطلاعاتی شوروی توانست در محافل روشنفکر و تحصیل کرده تا حدودی برای خود جای پایی باز کند و در عرصه سیاست نیز اثرگذار شود. اما همین حزب نیز به دلیل دوری مواضع فکری و جهان بینی اش از عقاید دینی و مذهبی مردم ایران، برخلاف نامش هرگز نتوانست در میان توده مردم ایران رسوخ کند.

ایرانِ پس از شهریور ۲۰، فقط عرصه ظهور احزاب رنگارنگ نبود. بلکه عرصه ظهور افکار و عقاید رنگارنگ و مرام های سیاسی و فکری وارداتی هم بود. واژه های دمکراسی، سوسیال دمکراسی، سوسیالیسم، کمونیسم، ناسیونالیسم و ده ها ایسم دیگر ناگهان صفحات روزنامه ها و کتاب ها را پر کردند و سخنرانی ها را رونق دادند. در میان این ایسم ها، یکی هم پان ایرانیسم بود و حزبی به همین نام تأسیس شد.

## پان

واژه پان (Pan) که ریشه در زبان لاتین دارد، به معانی «همه، عموم، سرتاسر، طرفدار اتحاد عمومی، کل، تمام، همگانی» و نظایر آن به کار رفته است و عمدتاً نه به صورت مستقل بلکه پیشوند عبارات دیگری قرار می گیرد. با این حال فقط از اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی به بعد که تب احساسات ملی گرایی در کشورهای اروپایی و سپس در آسیا و آفریقا بالا گرفت، واژه پان وارد ادبیات سیاسی جهان شد.(۱)

پان اسلاویسم، پان ژرمنیسم، پان ترکیسم، پان اسلامیسم، پان عربیسم و پان آفریکانیسم از مهمترین جنبش های فکری و سیاسی وحدت طلبانه بودند که در سده های نوزدهم و بیستم در عالم فکر و سیاست ظهور کردند.

## مفهوم پان ایرانیسم

به درستی معلوم نیست که واژه پان ایرانیسم از چه زمانی وارد ادبیات سیاسی ایران شده

ص:۱۲

---

۱- داریوش آشوری، فرهنگ سیاسی، چاپ دوم، تهران، مروارید، ۱۳۴۷، ص ۵۶. علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران، بهرنگ، ۱۳۶۶، ص ۱۸۸.

است. گفته می شود، این عبارت نخستین بار در سال ۱۳۰۶ش به نوشته های دکتر محمود افشار یزدی راه یافته و او در سال ۱۳۱۱ش در مقاله ای نقطه نظرات خود را پیرامون گستره و مفهوم قومی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی پان ایرانیسم بیان کرد. افشار یزدی مدت ها بعد و در سال ۱۳۲۴ش هم در مقاله ای از مجله آینده به تبیین و تفسیر پان ایرانیسم مورد نظر خود پرداخت. چنان که محتوای نوشته های مذکور نشان می دهد، نویسنده از عبارت پان ایرانیسم، اشتراکات و مفاهیم فکری، فرهنگی و تمدنی و نه احیاناً وحدت و یکپارچگی سیاسی و حکومتی را دنبال می کند. او معتقد بود: «پان ایرانیسم یا اتحاد ایرانیان یک معنی خاص دارد و منظور از آن اتحاد کلیه ایرانی نژادان است برای حفظ عظمت و احترام تاریخ چند هزار ساله مشترک و زبان ادبی و ادبیات مشترک. مقصود آن نیست که با این عنوان تمام طوایف ایرانی نژاد به وحدت سیاسی و یک دولت برسند، قدر مشترک وحدت، یگانگی نژاد، وحدت تاریخ سیاسی و ادبی و اشتراک در احساسات و آمال آینده است. عامل کم اهمیت تر، عامل سیاسی و جغرافیایی است. در حقیقت ملت غیر از دولت و ملیت سوای تابعیت است. پان ایرانیسم که من مبتکر آن معرفی شده ام و حقیقت هم دارد چیزی جز این نیست. من از لفظ پان ایرانیسم مفهوم و مطلوب سیاسی را به همان گونه که ترکان از پان تورانیسم می طلبند، نمی خواهم. پان ایرانیسم در نظر من باید ایده آل یا هدف اشتراک مساعی تمام ساکنین قلمرو زبان فارسی باشد در حفظ زبان و ادبیات مشترک باستانی و احیاء آن در بخش هایی که امروز مرده است».(۱)

## نخستین تکاپوها

هیچ یک از کسانی که در یکی دو سال نخست پس از شهریور ۲۰ فعالیت های سیاسی خود را در تشکل هایی که بعداً حزب پان ایرانیست از درون آنها پدید آمد، دنبال کردند، سابقهٔ فعالیت سیاسی و حزبی و اندوخته فکری و سیاسی چندانی نداشتند. قریب به اکثریت آنان نوجوانانی بودند که در چند دبیرستان تهران تحصیل می کردند و به زحمت سنشان از شانزده یا هفده سال فراتر می رفت. این نوجوانان ناهمگون در سال های آینده



---

۱- به نقل از: هوشنگ طالع، تاریخچه مکتب پان ایرانیسم، چاپ اول، تهران، سمرقند، ۱۳۸۱، صص ۱۲۰-۱۰۸.

سرنوشت های سیاسی متفاوتی پیدا کرده و بنا به علایق و مقاصدی که در آنها پیدا شده راه های گاه کاملاً معارض و متضادی در پیش گرفتند. در آن سال های نخست دهه ۱۳۲۰ پیش از آنکه هوشمندی، دانش و فراست سیاسی و اجتماعی و فرهنگی دلایل پیوند آنان با مسائل و رخدادهای کشور باشد، شور و احساس و نیز فضای سیاسی، اجتماعی و نظامی ناشی از اشغال کشور توسط متفقین و نیز نابسامانی و نابهنجاری های فرهنگی دامنگیر جامعه ایران، آنان را به تحرک واداشته بود.

سرخوردگی و یأس ناشی از فروپاشی و شکست بسیار سریع ارتش رضاخان از نیروهای متجاوز متفقین و مهم تر از آن، اشغال کشور از جمله مهمترین دلایلی بود که گروه هایی از نوجوانان و جوانان را به واکنش وامی داشت.(۱) علاوه بر همهٔ اینها تمایلات افراطی ملی گرایانه و شووینیستی متأثر از اندیشه های فاشیستی اروپایی نیز توسط عده ای از طرفداران آلمان در ایران تبلیغ می شد.

در همین زمان در درون ارتش هم معدودی تشکل های سیاسی مشکوک که با پیشه ساختن مشی ناسیونالیستی و ملی گرایانه قصد تقابل با حزب توده و حمایت از دربار را داشتند، پدید آمد که تفکرات آنها با کسانی که بعدها مقدمات تشکیل حزب پان ایرانیست را فراهم آوردند، نزدیک می نمود. «حزب آریا» به صحنه گردانی سرلشکر حسن ارفع که ضمن تمایلات شبه نازیستی، خود را مدافع شاه و دربار می دانست، از جمله مهم ترین این گروه ها بود.(۲)

در چنین اوضاعی نخستین و مهمترین هسته تشکیلاتی که بعدها به تأسیس حزب پان ایرانیست منجر شد، در اواخر سال ۱۳۲۲ و با حضور عده ای از جوانان و نوجوانان پدید آمد. این تشکل جدید که در روز بیست و یکم بهمن ماه ۱۳۲۲ اعلام موجودیت کرد، انجمنی نیمه مخفی و زیرزمینی با عنوان «گروه انتقام» بود. شناخته شده ترین پایه گذاران



---

۱- ناصر انقطاع، پنجاه سال تاریخ با پان ایرانیست ها: آرمان خواهان و آرمان فروشان، چاپ اول، لس آنجلس، ۱۳۷۹ش/۲۰۰۱م، صص ۸-۷. شمس قنات آبادی، سیری در نهضت ملی شدن نفت، خاطرات شمس قنات آبادی، ج ۱، چ ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷، صص ۲۶۵-۲۶۲.

۲- غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران از کودتا تا انقلاب، ۲ ج، ج ۱، چاپ اول، تهران، رسا، ۱۳۷۱، صص ۵۱-۴۸. غلامرضا عزیزی، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)، ص ۵۰.

انجمن عبارت بودند از: علیرضا رئیس، داریوش همایون، فرید سیاح سپانلو، حق نویس، علینقی عالیخانی، علی زندی، غفوری نژاد، جواد تقی زاده، خداداد فرمانفرمائیان، فریدون تقی زاده، شهپر یزدی، احمد مختاری، صارم کلالی، ابوالقاسم پورهاشمی، ناصر ماضدی، مهدی عبده، مهدی بهره مند، بیژن فروهر، جمشید رحمانی و نستور ولادیکا که مادری ایرانی و پدری یونانی داشت. اگرچه طی چند سال بعد محسن پزشکپور در تشکیلات منتهی به تأسیس حزب پان ایرانیست نقش مهمتری بر عهده گرفت، اما در ردیف پایه گذاران انجمن نامی از او و نیز داریوش فروهر و محمدرضا عاملی تهرانی در میان نیست.(۱)

## مکتب پان ایرانیسم

در پانزدهم شهریور ۱۳۲۶، محسن پزشکپور، فرید سیاح سپانلو، محمدرضا عاملی تهرانی و پرویز صفی یاری بیانیه ای انتشار دادند که فی الواقع می توان آن را «مانیفیست» مکتب پان ایرانیسم نامید. هر چند این واژه اولین بار از طریق نوشته های دکتر محمود افشاریزدی به زبان فارسی راه یافته است، در این بیانیه کوتاه که گفته می شود پزشکپور در تدوین آن نقش اساسی داشته است، آمده بود:

ما بنیانگذاران انجمن که نخستین پایه ایران پرستی را بر روی شانه های خود برپا کردیم، امروز در این ساعت به خاطر آنکه انجمن مقدس خود را وارد یک راه تغییرناپذیر به سوی یک هدف مقدس جاوید رهسپار سازیم و به خاطر آنکه هرگز نگذاریم این شعله های آتش وطن پرستی که امروز از قلوب ما زبانه می کشد خاموش گردد و به خاطر آنکه آرزو و ایده

مشترکی را که همگی در قلب داریم تقدیم جامعه ایرانی نموده و مبنای تعلیمات و فلسفه و کلیه عقاید انجمن خویش سازیم، می گوییم پان ایرانیزم آن آرزوی مقدس است که بر قلوب جملگی حکومت می کند. اکنون به خدای خود و شرافت انجمن خود و به خون همیشه شهید و سرباز فداکار انجمن، علیرضا رئیس سوگند یاد می کنیم که برای همیشه و تا ابد جز پان ایرانیزم برای خود هدف و آرزویی تخصیص ندهیم و انجمن و ایران را جز به



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۹-۸. هوشنگ طالع، پیشین، صص ۲۹-۲۶.

سوی این آینده درخشان و دوست داشتنی نرانیم.

ای آیندگان، ای کسانی که روزی زمام امور انجمن کنونی ما را در دست می گیرید، مردان مبارز، آنهایی که برای عظمت ایران به سازمان مقدس ما می پیوندید، زمامداران، ای افرادی که بر نواده های داریوش و سیروس حکومت می کنید، ای خواننده عزیز، شاید وقتی که این سطور را می خوانی اجساد ما خاک شده باشد، شاید که مکان ما کنج زندان باشد و شاید به جرم وطن دوستی آواره کوه و دشت باشیم، یا قلوب ما را که کانون آتش ایران پرستی است تیرهای جانگداز دشمنان میهن سوراخ سوراخ نموده باشد، اما از تو می خواهیم و به تو می گوییم و تو را

به اهورامزدا، خدای بزرگ ایران قسم می دهیم که به پاس احترام روح شهدای ایران و به یاد بنیانگذاران انجمن و به خاطر عظمت ایران و برای همیشه، تو نیز یک آرمان داشته باشی و معتقد به یک عقیده کلی گردی، آن هم پان ایرانیزم، و شاید این آرزو در زمان ما، در دوره تو یا بعد از تو به حقیقت بپیوندد، اما باشد، تو موظفی ذره ای از این اخگر را که در سینه داری در قلوب دیگران و آیندگان وارد کنی تا سینه به سینه بگردد و خاموش نشود. مطمئن باش روزی می رسد که این آتش پلیدی ها را بسوزاند و جز پاکی چیزی بر جای نگذارد. تا آن روز این وصیت ماست. شما هاله سیاه را از دور پرچم ایران برنگیرید. این هاله نشانه عزاداری و ماتم ماست. تا وقتی که به هدف مقدس خود نرسیده اید، تا زمانی که عظمت ایران را اعاده ننموده اید، شما را به ناموس وطن سوگند این هاله سیاه را برنگیرید و نعره کشان بگویید به پیش برای محو این هاله سیاه، به پیش برای آن روز تاریخی و مقدس، آن روز سعادت بار فرحبخش، آن روز برای نخستین بار پرچم سه رنگ ما بدون هاله سیاه در دست جوانان فداکار ایران، سربازان غیور

انجمن در اهتزاز خواهد بود.(۱)

باستان گرایی عصر رضاخان و شووینیسم متأثر از نازیسم هیتلری در این عبارات موج می زند. محققان هم با اشاره به مشی سیاسی پان ایرانیست ها در طول دهه ۱۳۲۰ ناسیونالیسم و ملی گرایی مورد عنایت آنان را متأثر از «ایدئولوژی استبداد، ایدئولوژی رضاشاه، فرزند او [محمدرضا] و وابستگانشان» دانسته اند.(۲)



---

۱- سایت اینترنتی حزب پان ایرانیست. نیز بنگرید به: ماهنامه ناسیونالیسم، ش ۳۱، خرداد ۱۳۴۴، صص ۳-۱.

۲- برای نمونه بنگرید به: محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ص ۲۱۶.

پـان ایرانیست هـا از همـان آغـاز آلمـان دوستی خود را بروز می دادنـد و می دانیم که رضاشاه هم کمابیش چنین تمایلاتی از خـود نشـان می داد. این گرایش به رفتارهـای نـازیستی و تمجیـد از افرادی ماننـد هیتلر به مثـابه الگویی برای تقویت حس ملی گرایـانه و ناسیونالیستی آنهـا، در رفتارهـا و نوشـته هـای آنـان به وفور به چشم می خورد. در منابع گوناگون از «گرایش های ناسـیونالیستی افراطی» پیشـگامان حزب پان ایرانیست که در همان حال «طرفـدار آلمان» بودنـد، سـخن به میان آمـده است و به ویژه «تمایلات فاشـیستی» رهبران درجه اول آن تا سال ها کماکان به قوت خود باقی بود و این خود به رژیم محمدرضا پهلوی یاری می رساند تا از این گرایش به مثابه «ابزار تبلیغاتی مفیدی برای نظام شاهنشاهی» بهره ببرد.(۱)

نورالـدین کیـانوری، دبیرکـل حزب تـوده، معتقـد است که «اینهـا یعنی همین پـان ایرانیست هـا برای تظـاهرات ضـدتوده ای از آمریکا پول می گرفتند. این گروه ها فقط برای مبارزه با حزب توده درست شده بودند».(۲)

بعضـی از صـاحب نظران بـدون اینکه به موضوع احتمال نفوذ کشورهایی نظیر انگلسـتان یا آمریکا در میان پان ایرانیست ها در دهه ۱۳۲۰ اشاره کنند، عمده دلیل تشکیل و فعالیت

آنـان را وجـود حزب توده در عرصه سیاسـی و اجتمـاعی ایران دانسـته انـد.(۳) هرچـه بـود، حزب پـان ایرانیست و مکتب پـان ایرانیسم هیچ گاه در جامعه ایران شأن و اعتباری پیدا نکرد.(۴)

برخی دیگر، روند شکل گیری مکتب پان ایرانیست و تداوم فعالیت آن را به طرح های رکن دوم ستاد ارتش نسبت داده اند تا از مجموعه رخدادهای سیاسی و اجتماعی جاری

ص:۱۷

---

۱- محمدعلی همایون کاتوزیان، پیشـین، ص ۱۹۲. نیز بنگریـد به: جیمز بیل و ویلیام راجر لوئیس، مصـدق، نفت، ناسیونالیسـم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشـنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشـر نو، ۱۳۶۸، صص ۴۳-۴۲. مهدی زرقانی، چشم انداز شعر معاصـر ایران، چـاپ اول، تهران، ثالث، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱. نیز بنگریـد به: سوزان سیاوشـی، لیبرال ناسـیونالیسم در ایران، ترجمه محمدعلی قدسی، چاپ اول، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰، ص ۷۸.

۲- نورالدین کیانوری، گفتگو با تاریخ، ص ۵۹۱.

۳- محمدعلی سفری، قلم و سیاست، ج ۴، صص ۷۱۶-۷۱۵.

۴- این مهم حتی در اسـناد بر جای مانـده از ساواک هم منعکس شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: کانون نویسندگان ایران به روایت اسناد ساواک، ص ۱۴۷ و حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ج ۵، صص ۳۴۷-۳۴۴..

کشور تکیه گاهی برای دربار و شاه مهیا کنند؛ و انشعاب بعدی جناح پزشکپور و طرفداری آشکار آن از شاه را در آغازین سال های دهه ۱۳۳۰ مهم ترین برهان مدعای خود می دانند.(۱)

## مبانی فکری مکتب پان ایرانیسم

واقعیت این است که بسیاری از پیشگامان، دستگاه رهبری و دیگر پیوستگان به مکتب پان ایرانیسم هر از چند گاه تغییر موضع داده و در احزاب و گروه های مختلف عضویت می یافتند؛ و حتی در همان سال های نخست فعالیت چنان تحرکات مشکوکی از خود بروز داده و تضادهایی با یکدیگر پیدا کردند که به سختی می توان از مکتب، تشکل و احیاناً حزب متحد و یکدست پان ایرانیسم سخن به میان آورد؛ و یا احیاناً شعائر، ایدئولوژی و آرمان های ولو تند و غیرعادی آنان را برآمده از اعتقاد و ایمان قلبی ارزیابی کرد.(۲)

مبانی فکری و ایدئولوژیک گردانندگان مکتب پان ایرانیسم، در جزوه ای به تدریج تدوین و تنظیم و در اواخر سال ۱۳۲۸ منتشر شد. این جزوه با عنوان بنیاد، مبانی فکری و عقیدتی و نیز آرمان های مکتب پان ایرانیسم را در دو بخش کلی که هر یک چند بند و سرفصل موضوعی را در بر می گیرد، صورت بندی کرده است. بخش اول با عنوان پان ایرانیسم، شامل سه بند می شود. در بند اول با موضوع «پایه اندیشه های نهضت»

اصول فکری پان ایرانیست ها در چهار ماده (۱. اصول منطق ۲. قدم به تاریخ اجتماع ۳. منطق پدیده های اجتماع و ۴. مبانی پان ایرانیسم) طبقه بندی و تبیین شده است. از جمله در توضیح و تشریح مبانی پان ایرانیسم آمده است: «مکتب ناسیونالیسم گزیده نیاز ملی ماست. احکام مکتب ناسیونالیسم در مورد ملت ایران زاییده تاریخ ما و حاوی آرمان ملی ما و رهبر اجتماع ماست. ملت ایران در حال فترت و تجزیه نیازمند وحدت است. اجتماع ایران اسیر افکار ضعیف و نیازمند اندیشه های ملی است. آرمان پان ایرانیسم متکی بر ناسیونالیسم تاریخی است. دکترین پان ایرانیسم متکی بر ناسیونالیسم اجتماعی است.



---

۱- غلامرضا نجاتی، مصدق؛ سال های مبارزه و مقاومت، ج ۱، صص ۱۵۲-۱۵۱.

۲- در اینجا مقصود اکثر کسانی است که داعیه رهبری و هدایت انجمن، مکتب و سپس حزب پان ایرانیست را داشتند و بعدها هم مسیر سیاسی و فکری متفاوتی را در پیش گرفتند.

ناسیونالیسم، جهان بینی ماست». در بند دوم از بخش نخست بنیاد هم آرمان پان ایرانیسم در اهداف زیر خلاصه شده است: «نجات شما در ایجاد ایران بزرگ است. این راهنمای تاریخ جهان به ملت کهنسال ایران است: ایران بزرگ آرمان بزرگ می خواهد. این حکم تاریخ ما بر ملت ماست: فلات ایران از آن ایرانیان است و قدرت ملت ایران بسته به وحدت فلات. پس این است خواست و نیاز ملت ایران: فلات ایران به زیر یک پرچم».

در بند سوم از بخش اول بنیاد با عنوان «بخشی از دکترین پان ایرانیسم»، به این موارد اشاره شده است: ۱. زندگی و اخلاق ۲. فرهنگ نوین ملی ۳. خانواده ۴. حکومت ۵. مسائل سیاسی.

## در عرصه عمل

انتشار بیانیه مکتب پان ایرانیسم، علیرغم شعارهای داغ و تند و تیز ملی گرایانه آن، عده زیادی را به این «مکتب» جذب نکرد. غیر از محسن پزشکپور، محمدرضا عاملی تهرانی، علی محمد شکری، علینقی عالیخانی و محمد مهرداد که کادر رهبری «مکتب» را تشکیل می دادند، شناخته شده ترین اعضای آن عبارت بودند از:

منوچهر آق بیاتی، هوشمند آشتی، آذر ارژنگی، جلال ابوالهدی، اکرم و مهین ارژنگی، احمد اشرف، عبدالله افسرپور، پرویز امیدی، محمدامین صالحی، ناصر انقطاع، قدرت الله بختیاری نژاد، مهدی بهره مند، امیرقاسم بهزادی، داریوش و شاهپور پروین، محسن پزشکپور، جمال پسیان، هادی پورتراب، امیرحسین پیشداد، حسین تجدد، همایون تعاون، جواد تقی زاده، تقی توکلی، حسین تهرانی، منوچهر تیمسار، حسن حسابی، اسدالله حقدادی،

مظفر حیرانی، حسین مصدق، خسرو نخجوانی، کریمعلی خزاعی، علاءالدین و کاظم خطیر، عباس روح بخش، عباس رضوی، جواد روحانی، محمدعلی زرشکی، کامران و مهرداد سالور، فرید سیاح سپانلو، مهوش و پریوش سرخوش، احمد سرشار، احمد سعادت نژاد، اسماعیل سندوزی، فخرالدین سورتیجی، خسرو و علی شاکری، محمد شاکرین، پرویز شمس توفیقی، حسنعلی صارم کلالی، منوچهر صدیق، مهدی صدیقی، اردشیر و ایرج ظفری، هوشنگ طالع یزدی، حسین طبیب، باقر و علینقی عالیخانی، محمدرضا عاملی تهرانی، ناصر عسکر کاشی، حسین علی زاده، مهدی علوی، حسن

غفوری غروی، اسماعیل فریور، داریوش فروهر، رحمت الله قاسمی، حسن کامبخش، بهمن کامیار، منوچهر کمالی، مرتضی و مجتبی کیانوری، محمدعلی و عباس و محمد لشکری، علی لطفی، محمد مجلسی، بهزاد محیط، محمدعلی معدلت، محمدحسین معصومی، محمد مقدسی، منوچهر ملکی، محمد مهرداد، عزت الله نادری، باقر و جواد نطاق، پرویز نکیسا، پرویز ورجاوند، بیژن فروهر، داریوش همایون.

مهمترین اولویت برنامه سیاسی مکتب پان ایرانیسم، مبارزه و مقابله با حزب توده بود. گردانندگان حزب توده هم از هیچ فرصتی برای انتقاد، استهزا و احیاناً اتهام و برخورد فیزیکی با اعضای مکتب مذکور فروگذار نمی کردند. چنانکه وقتی جزوه بنیاد منتشر شد، حزب توده مدعی شد، متن آن توسط بهرام شاهرخ تهیه گردیده که پس از مدت ها حضور در رادیو برلن در آلمان، شایع شده بود برای انگلیسیان جاسوسی می کند.

از سوی دیگر شعار مکتب پان ایرانیسم با عنوان «فلات ایران به زیر یک پرچم» که عمدتاً بازگشت قلمروهای تجزیه شده طی یکصدوپنجاه سال اخیر تاریخ ایران به خاک اصلی کشور را طلب می کرد، مورد تمسخر حزب توده بود. شعارهای پان ایرانیستی و ملی گرایانه مکتب که رگه هایی از اسلام ستیزی و باستان گرایی را در خود داشت، با علایق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اکثریت مردم کشور همخوان نبود.

برخی اعضای قدیمی مکتب پان ایرانیسم تصریح کرده اند که ارتباط مشکوک برخی اعضای رهبری آن با بیگانگان و نیز محافل قدرت و حکومت در ایران حتی در همان زمان هم قابل کتمان نبود؛ چنانکه برخی، فعال شدن دوباره انجمن نیمه مخفی پیشین در

شکل و محتوای مکتب پان ایرانیسم را به طرح های رکن ۲ ستاد ارتش نسبت می دادند.(۱)

از جمله تشکل هایی که برخی اعضای آن طی یکی دو سال پایانی دهه ۱۳۲۰ بر کادر رهبری و گردانندگان مکتب پان ایرانیسم تأثیر گذاشت، انجمن هنری جام جم بود که مدیریت آن بر عهده ضیاء مدرس و شاپور زندنیا قرار داشت. این افراد با برخی اعضای مهم مکتب در ارتباط بودند، داریوش همایون که قبل از آن با انجمن و مکتب پان ایرانیسم در ارتباط بود، در سال ۱۳۲۷ مدتی با انجمن هنری جام جم همکاری می کرد و پس از



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۲۵-۱۷.

آنکه نتوانست بـا کادر رهبری آن سازگاری نشان دهـد، بار دیگر از آن جـدا شـده ارتباط خود را با مکتب پان ایرانیسم بهبود بخشید.(۱) در همان زمانِ همکاری همایون با انجمن هنری جام جم، جزوه ای با عنوان ناسیونالیسم ما توسط گردانندگان این انجمن تهیه و منتشر شد که مضامین و محتوای سیاسی و ایدئولوژیک آن مشابهت های زیادی با جزوه بنیاد داشت. این جزوه هم عقاید ناسیونالیستی و ایران گرایی افراطی را تبلیغ و ترویج می کرد و ضمن حمله به کمونیسم، بهائیت و یهودیان انتقادات شدیدی را نیز متوجه اسلام، علما و مروجان دینی می نمود که به زعم آنها مانع از گام نهادن ایران در مسیر ترقی و پیشرفت می شدند.(۲) این گونه ملی گرایی افراطی و ناسنجیده که رگه های آشکاری از نگرش های فاشیستی تند را نیز چاشنی تبلیغات خود می کرد، و نیز جوانی و ناپختگی سیاسی و جاه طلبی گردانندگان آنها، فرصت مغتنمی برای دستگاه های اطلاعاتی و سیاسی به ویژه انگلیس و آمریکا فراهم می کرد تا گردانندگان و اعضای مؤثر آن را در راستای مقاصد خود مورد بهره برداری قرار دهند.(۳)

در سال ۱۳۲۹ شاهد تأسیس تشکل کوچک و کم دوام تری با عنوان «گروه نجات ملی» هستیم که باز هم افرادی مانند داریوش همایون، ضیاء مدرس، شاپور زندنیا و تعداد دیگری که با پان ایرانیست ها ارتباط نزدیکی داشتند، احتمالاً تنها اعضای آن را تشکیل

می دادند. این گروه خیلی زود از هم پاشید و افرادی از آن به مکتب پان ایرانیسم پیوسته و تعدادی نیز در حزب سومکا عضویت یافتند.(۴)

از دیگر تشکل های ناسیونالیستی نزدیک به عقاید پان ایرانیست که در اوایل سال ۱۳۳۰ اعلام موجودیت کرد، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا) بود که توانست گروهی از اعضای مکتب پان ایرانیسم را نیز به خود جذب کند. داوود منشی زاده رهبر سومکا که سالیانی طولانی را در آلمان سپری کرده و با دستگاه حکومتی آن کشور و



---

۱- داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، ص ۱۵.

۲- ناسیونالیسم ما، تهران، انجمن هنری جام جم، ۱۳۲۹ (به نقل از: صفاءالدین تبرائیان، وزیر خاکستری، صص۱۱۴-۱۰۹).

۳- ناسیونالیسم ما، تهران، انجمن هنری جام جم، ۱۳۲۹ (به نقل از: صفاءالدین تبرائیان، وزیر خاکستری، صص ۱۱۷-۱۱۵. داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، صص ۷۴-۷۰.

۴- داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، صص ۷۳-۷۰.

نیز حزب نـازی همکـاری و ارتبـاط نزدیکی پیـدا کرده و حـتی همراه بـا ارتش هیتلر بـا متفقین وارد جنـگ شـده بـود، عقـاید فاشیستی بسیار تندی داشت. وی در اواخر دهه ۱۳۲۰ وارد ایران شـد و در اردیبهشت ۱۳۳۰ موجودیت حزب سومکا را اعلام کرد. اعضـای این گروه نظیر نـازی هـای آلمان هیأتی شـبه نظامی داشـته و پیراهن سـیاه بر تن می کردنـد، منشـی زاده را پیشوا خطـاب کرده و معمولاً ـ به اسـلحه هـای سـرد و احیانـاً گرم مجهز بوده و بـا مخالفان سیاسـی خود برخوردهای فیزیکی خشن و قهرآمیزی داشـتند و در برخورد بـا یکـدیگر سـلام هـای هیتلری می دادنـد. نزدیکی عقایـد حزب سومکا به پان ایرانیست ها و استقبالی که گروهی از آنان از این تشـکل نوظهور نشان دادند، باعث این تصور شد که سومکا از مکتب پان ایرانیسم منشعب شـده است. برخی اعضـای جاه طلب تر مکتب پـان ایرانیسمماننـد داریـوش همـایون به سومکـا پیوسـتند و فردی نظیر محسـن پزشـکپور که در آن برهه در ردیف اصـلی ترین گردانند گان مکتب بود، همچنانکه فعالیت و عملکرد سیاسی آتی او هم نشان می دهد، به شدت مجذوب اندیشه های فاشیستی، اقتدارگرایانه و رهبرمحور حزب سومکا بودند.

حزب سومکا توجه چندانی به مردم سالاری و نظام پارلمانی و مشـروطه نداشت و رهبرمحوری مهمترین شاخصه آن بود و این معنا تا حـدی نظر مساعـد معدودی از مهمترین کارگردانان مکتب پان ایرانیسم را به سوی خود جلب می کرد.(۱) طی یکی - دو سال نخست دهه ۱۳۳۰ ارتباطات و همکاری هایی میان سومکا و پان ایرانیست ها وجود

داشت و تأثیرپـذیری آنـان از یکـدیگر و مشـابهت فعـالیت هایشـان، بر آگاهـان امور، پوشـیده نبود. بـا این حـال حزب سومکا احتمالاً ـ یـک دست تر بود و بیش از مکتب و سـپس حزب پـان ایرانیست تحت نفوذ محافـل سیاسـی و نظامی نزدیک به دربار قرار گرفت و با اهـداف و مقاصد آن همسو شد. هر دو تشـکل در تحولات یکی دو سال نخست دهه ۱۳۳۰ نقش ها و مواضع گاه متضاد ولی بسـیار مشـکوکی ابراز کردند(۲) و عملکرد سومکـا و بـه ویژه بخش مهمی از دسـتگاه کـارگردانی و اعضـای تأثیرگذار مکتب و سپس حزب پان ایرانیست در



---

۱- ناسیونالیسم ما، تهران، انجمن هنری جام جم، ۱۳۲۹ (به نقل از: صفاءالدین تبرائیان، پیشین، صص ۱۶۲-۱۵۹. جعفر مهدی نیا، زندگی سیاسی رزم آرا، ص ۴۰۹. غلامرضا عزیزی، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا))، صص ۵۹-۵۴.

۲- غلامرضا عزیزی، پیشین، صص ۵۲-۵۱ و صص ۷۴-۷۱ و صص ۱۷۳-۱۷۱.

راستای دفاع از حقوق و منافع ملت ایران نبود.(۱)

## بذرهای اختلاف و چنددستگی

همچنانکه پیشتر هم ذکر شد، حتی قبل از آنکه مکتب پان ایرانیسم شکل بگیرد، اخباری وجود داشت که نشان می داد، حداقل بخش تأثیرگذار رهبری انجمن تحت سیطره رکن ۲ ستاد ارتش قرار گرفته بود. عده ای حتی بخش هایی از دستگاه رهبری و کارگردانان پان ایرانیست ها را متهم کرده اند برای سازماندهی عملیات ضدتوده ای خود از خواست و طرح های مأموران سیا و احیاناً دستگاه اطلاعاتی بریتانیا پیروی کرده و در قبال اقدامات خود از این سازمان ها پول دریافت می کردند. تشکیلات موسوم به «بدامن» که اساساً با هدف مبارزه با حزب توده و کمونیسم طراحی شده و بودجه آن را سیا و احیاناً دستگاه اطلاعاتی بریتانیا تأمین می کردند، در پیشبرد مقاصدش در ایران اتکای درجه اولی به تشکل پان ایرانیست ها و برخی گروه های همسو داشت. مارک ج. گازیوروسکی در این باره چنین یادآور شده است:

بدامن یک برنامه تبلیغاتی و سیاسی بود که از طریق شبکه ای به سرپرستی دو تن ایرانی با نام های رمز نرن (Nerren) و سیلی (Cilley) اداره می شد و ظاهراً بودجه سالانه ای

معادل یک میلیون دلار داشت. در بخش تبلیغات «بدامن»، مقالات و کاریکاتورهای ضدکمونیستی تهیه و در اختیار جراید گذارده می شد. همچنین پخش کتب و نشریاتی در انتقاد از اتحاد جماهیر شوروی و حزب توده و شایعه پراکنی و غیره را انجام می داد. بخش عملیات سیاسی، شامل حمله مستقیم به هواخواهان و وابستگان شوروی در ایران بود. این عملیات که به اصطلاح «سیاه» نام داشت، در جهت روگردانی ایرانیان علیه حزب توده، حمله به هواخواهان شوروی وسیله گروه های مزدور خیابانی برای درهم ریختن تظاهرات توده ای ها و کمک های مالی به سازمان های راست گرای ضدکمونیست مانند احزاب «سومکا» و «پان ایرانیسم» که پیوسته در خیابان های تهران با دستجات توده ای زد و خورد



---

۱- درباره فعالیت و عملکرد پان ایرانیست ها طی سال های پایانی دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ باز هم سخن به میان خواهد آمد. نیز بنگرید به: سازمان های متشکله اتحاد نیروهای جبهه ملی، صص ۲۷-۲۶.

می کردند، رهبری می شد.(۱)

بخشـی از عملیـات طرح بـدامن ایجاد نقار و چنددسـتگی میان احزاب و گروه های مختلف فعال در عرصه سیاسـی و اجتماعی ایران طی سـال های اواخر دهه ۱۳۲۰ و اوایل دهه ۱۳۳۰ بود که در همین راسـتا قسمتی از دلایل انشعاب میان پان ایرانیست ها در همان سال نخست دهه ۱۳۳۰ به عملیات بدامن مربوط می شد.(۲) این اظهارات گازیوروسکی زمانی بیشتر با واقعیت قرین می شود که بدانیم محسن پزشکپور و محمدرضا عاملی

تهرانی شـاخص ترین اعضـای رهـبری مکتب از مـدت هـا قبـل بـا لمبتون، مـأمور اطلاعـاتی انگلیس در تهران؛ و نیز بـا افراد و محافلی از مخالفان دولت دکتر محمد مصدق ملاقات های مخفیانه ای داشـتند. ناصـر انقطاع از اعضای مکتب پان ایرانیسم که خود از نزدیک شاهـد ماجرای برملا شـدن آن ارتباطات و اقـدامات خلاف قاعده محسن پزشـکپور و محمدرضا عاملی تهرانی بود، در خاطراتش این ارتباطات و نحوه افشای آن در تشـکیلات و عکس العمل پزشـکپور پس از افشای روابطش با لمبتون را مفصل شرح داده است.(۳)

برملا شدن ارتباط پنهانی پزشکپور و عاملی تهرانی، دو تن از تأثیرگذارترین اعضای کادر رهبری مکتب پان ایرانیسم با لمبتون و دیگر افراد و محافل مخالف نهضت ملی شدن صـنعت نفت در دربار و حکومت، بسیاری از اعضای صدیق مکتب را متحیر و آنان را نسبت به افکار و اندیشه های آرمانخواهانه ای که تصور می شد مکتب پان ایرانیسم در پی آن است، سخت دچار یأس و نومیدی کرد. به همین دلیل در تابسـتان ۱۳۳۰ جمع زیـادی از این افراد سـرخورده ارتبـاط خود را با مکتب پان ایرانیسم قطع کردنـد و در همان حال میان گردانند گان و باقی ماند گان در عضویت مکتب پان ایرانیسم اختلافی حل ناشدنی بروز کرد و به تبع آن انشـعابی در مکتب صورت گرفت. محسن پزشـکپور و طرفـدارانش تشـکل جدیـدی با عنوان «حزب ملت ایران بر بنیاد پـان ایرانیسم» دایر نمودنـد و مخالفـان هم که موضوع جاسوسـی پزشـکپور را برملا ـ سـاخته بودنـد «سازمـان پـان ایرانیست» را تأسیس



---

۱- مـارک ج. گازیوروسـکی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ص ۲۷. مـارک ج. گازیوروسـکی، سـیاست خارجی آمریکا و شاه، صص ۱۴۰ و ۱۸۲ – ۱۶۹ و ۲۱۰ و ۲۷۵.

۲- مارک ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، صص ۱۸۲-۱۶۹.

۳- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۴۷-۴۳.

کردنـد. داریوش فروهر که نتوانسـته و یا نخواسـته بود به هیـچ یک از این دو گروه بپیونـدد «حزب نبرد ایران» را بنیان نهاد. هر یک از این تشکل های جدید برای خود نشریات ارگان، تشکیلات و پرچم هایی با نقش و علایم ویژه پدید آوردند.(۱)

در اواخر تابسـتان ۱۳۳۰ پزشـکپور و طرفـدارانش بـا داریـوش فروهر و حزب او متحـد شدنـد و حزب ملـت ایران بر بنیـاد پـان ایرانیسم را تشکیل دادند.(۲)

## قضاوت و جمع بندی رکن ۲ ستاد ارتش

در حالی که حزب پان ایرانیست تحت رهبری محسن پزشکپور آغازین ماه های حیات خود را سپری می کرد و گروه های پان ایرانیست دیگری هم انشـعاباتی را پشت سـر گـذارده و به فعالیت های نه چنـدان قابل توجه خود ادامه می دادند، رکن ۲ ستاد ارتش در بیست و هشـتم اسفند ماه ۱۳۳۰ ضـمن گزارشـی پیرامون تاریخچه تشکیل و فعالیت گروه های پان ایرانیستی در دهه ۱۳۲۰ و نیز دیـدگاه های فکری، سیاسـی و سـرزمینی و ملی آنها درباره منشأ و دلایل پیدایش و گسترش فعالیت پان ایرانیسـت های مذکور مسائل و موضوعات جالب توجه تری را دخیل دانست:

رکن دوم ستاد ارتش

۱۰۱۳۸/۱ شعبه (۷)

۲۸/۱۲/۱۳۳۰

موضوع: تاریخچه تشکیل جمعیت پان ایرانیسم و فعالیت آنها

الف: مقدمه

از پنـج سـال قبـل عـده ای از جوانان میهن پرست دانشـگاه تهران و دبیرسـتان های پایتخت تصـمیم به ایجاد یک اتحادیه میهن پرستانه و یک مرام حقیقی ایران که روح ایرانی قدیم را زنده کند می گیرند و نام آن را پان ایرانیسم می گذارند.

(پان در لغت پهلوی به معنای وسیع و پهن می باشد).



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۵۰-۴۸.

۲- ناصر انقطاع، پیشین، ص ۵۰.

این جمعیت ظاهراً برای اجرای مقاصد زیر تشکیل گردید:

۱- فلات آسیای نزدیک را به زیر یک پرچم بیاورد (مقصود از فلات آسیای نزدیک کشور قدیم ایران است که در زمان هخامنشیان

شامل کشورهای قفقاز – افغانستان – عربستان شمالی – فلسطین – ماوراء [می شد]).

۲- مبارزه با نژادهای الحاقی و ساکن در فلات آسیای نزدیک (یهود – عرب های مصر که از نژاد فراعنه هستند، مغول ها و نژادهای عربی و اسلاو که از آسیای دور آمده اند – ارامنه)

۳- مبارزه با افکاری که جهان را به زیر یک پرچم دعوت می کند (به اصطلاح با افکار انترناسیونال سوسیالیستی).

۴- ترویج فکر تفوق نژاد آریایی ایرانی که در کتاب مقدس زرتشتیان اشاره شده است.

۵- مبارزه با هرگونه تبلیغات ضدملی ایرانی.

۶- مبارزه با افکار بیگانه پرستی و احترام نژادهای غیرایرانی.

صرف نظر از صورت ظاهر امر که فوقاً ذکر شد باطناً می توان این افکار را زاییده دماغ اعضای لژ سوم فراماسون هند دانست که عموم اعضای آن زرتشتیان مقیم هند می باشند و چندان هم تازگی ندارد. فقط چیز تازه آن این است که راه را برای ترویج و تبلیغ این فکر در ایران به وجود آورده اند.

در سال ۱۳۲۶ امیرتیمور کلالی این موضوع را به گوش چند نفر از جوانان خواند و آنان نیز قریب به دو سال به ترویج سرّی آن پرداختند و اینک که عده متناسبی در تهران و زمینه های مهیائی در شهرستان ها به دست آورده اند شروع به تظاهرات علنی نموده اند.

(باید دانست که امیرتیمور کلالی از اعضای فراماسون در ایران است).

در تمام این مدت که به فعالیت سری پرداخته بودند پول کافی در اختیار داشتند و اخیراً قدرت مالی آنها بیشتر شده است و حتی خودشان نمی توانند منکر این بشوند که کمکی به آنان می شود زیرا همه شان جوانانی هستند که اگر بسیار فقیر نباشند مسلماً ثروتمند هم نمی باشند. منتهی خودشان می گویند زرتشتیان مقیم هند این مساعدت ها را می کنند.

از این مقدمات چنین نتیجه گرفته می شود که انگلیسی ها این جمعیت را درست کرده اند و به اضافه باید بدانیم لژ سوم فراماسون معمولاً مأمور اجرای عملیات پردامنه و نقش وارونه است.

ص:۲۶

ب: مقاصد سیاسی و سرّی

۱- چون ایرانیان دعاوی چندی نسبت به

بحرین و خوزستان عربی و چند جزیره در اطراف خلیج فارس دارند و روس ها هم به شدت از صاحبان چنین افکاری حمایت می کنند و به طرفداران خود دستور داده بودند که با ترویج این نوع افکار برای استرداد بحرین و خوزستان عربی و جزایر مزبور انگلیسی ها را هو کنند در همان روزها که احساس شد حزب توده قدرت خود را از دست خواهد داد انگلیسیها شروع به کار کردند و در این اواخر که توانسته اند عده ای را به دور این فکر جمع کنند و همچنین پس از حصول اطمینان از شکست سیاسی آمریکا در خاور نزدیک می خواهند روسیه را به جرم تصرف قفقاز هو کنند و با پهن کردن موضوع قفقاز در افکار مردم ایران موضوع بحرین و امثاله را از خاطرها محو سازند.

۲- از مبارزه با نژادهای الحاقی هدف اصلی مرعوب کردن یهودیان و احیاناً فشار به حکومت اسرائیل است.

۳- چون کمونیست ها کلیه مردم جهان را به زیر یک پرچم دعوت می کنند این دسته با افکار آنان می جنگند.

ج: تشکیلات

از بین جوانان مؤسس این جمعیت سه نفر به نام محسن پزشکپور، محمدرضا عاملی،

علینقی عالیخانی، کتابی به نام (مکتب پان ایرانیسم) نوشته و آن را در چندین نسخه ماشین کرده و مبنای عمل خود قرار دادند. نفوذ این عده رفته رفته در دانشگاه تهران توسعه پیدا کرده و به این عده زندنیا، تیمسار، مدرس و صدوقی اضافه شدند و تصمیم می گیرند محلی را برای ترویج مکتب پان ایرانیسم اجاره کنند و برای این منظور در خیابان منوچهری جنب انجمن روزنامه نگاران محلی را اجاره می کنند و روزنامه ای نیز به نام (روزنامه ساسانی) به مدیریت صادق بهداد منتشر می سازند و در اولین فرصت مکتب پان ایرانیسم را به صورت کتابی چاپ می کنند که یک جلد آن پیوست است. در این موقع عده آنها در حدود ۱۵۰ نفر شده بود که کلیه آنها از بین دانشجویان و دانش آموزان بودند و دکتر زنگنه و دکتر افشار از این جمعیت پشتیبانی می کردند. در همین هنگام اختلاف نظری بین جمعیت پیدا می شود که در نتیجه دو دسته از آن منشعب می شود.

ص:۲۷

۱- قریب و شرکت به جانسپاران میهن ملحق می گردند.

۲- زندنیا و مدرس جمعیت ناسیونالیست های انقلابی را تشکیل داده و مجله

ناسیونالیست ها را منتشر کردند.

چون نفرات دیگر هم از قبیل امیرعظیما و موسی امامی (برادر امامی، قاتل هژیر) و فروهر (پسر سرهنگ فروهر) در خیابان فردوسی اواسط کوچه نکیسا محلی را اجاره کرده و حزب نبرد ملت را بر مکتب پان ایرانیسم ایجاد نمودند و روزنامه آپادانا را به مدیریت امیرعظیما منتشر کردند و هدف عمده آنها مبارزه با حزب توده بوده ولی با وجود این چند نفر از اعضای اصلی جمعیت پان ایرانیسم همچنان در سازمان سابق خود باقی مانده و این جمعیت را حفظ کردند. از این عده می توان اشخاص زیر را نام برد:

محسن پزشکپور، محمدرضا عاملی تهرانی، علینقی عالیخانی، پسیان، دکتر کیانوری، دکتر فریور، مهندس آق بیاتی، حسن کامبخش.

بالاخره در چند ماه قبل سران دسته های فوق تصمیم می گیرند اختلافات را کنار گذاشته و برای پشتیبانی دولت دکتر مصدق و به طور کلی مبارزه با توده ای ها حزب جدیدی تأسیس کنند و پس از مذاکرات زیاد سرانجام در ۵ ماه قبل با یکدیگر ائتلاف کرده و حزب ندای ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم را ایجاد می کنند و برای آن

محلی را در جنب میدان بهارستان اول کوچه نظامیه اجاره می کنند. در این جا بود که فعالیت شدیدی را آغاز کرده و در ۱۴ آذر با همکاری حزب زحمتکشان نزاع سختی با توده ایها نموده و شکست سختی به حزب مزبور می دهند.

قبل از انتخابات نیز اعلامیه ای منتشر کرده و به فرمان پان ایرانیسم شرکت در انتخابات را برای اعضای خود ممنوع کرده و کاندیدی را معرفی نمی نمایند ولی به طور غیرمستقیم به آقای مکی رأی می دهند.

این ائتلاف مدت زیادی به طول نمی انجامد و چند روز قبل از این یعنی پس از انتخابات دوره ۱۷ باز مجدداً اختلافاتی بین آنها ایجاد می شود و دسته پزشکپور به عظیما و فروهر می گویند شما از نام پان ایرانیسم سوء استفاده کرده و در انتخابات پول هایی گرفته اید و از این به بعد از شما جدا خواهیم شد. در نتیجه باز هم از یکدیگر جدا شده، دسته فروهر و عظیما در همان محل حزب ندای ملت ایران مانده و دسته پزشکپور به محل سابق خود

(جنب انجمن روزنامه نگاران) رفته و حزب (پان ایرانیسم بر مکتب پان ایرانیسم) را تأسیس می کنند و در اولین مجمع عمومی حزب اشخاص زیر به سمت

کمیته موقت حزب انتخاب می شوند:

۱- مهندس آق بیاتی، لیسانس دانشکده فنی، کارمند اداره برق

۲- دکتر فریور، دانشجوی سال ۶ دانشکده پزشکی

۳- دکتر محمدرضا عاملی، دانشجوی سال ۶ دانشکده پزشکی

۴- محسن پزشکپور، دانشجوی سال ۳ حقوق

اکنون این چهار نفر همه کاره حزب مزبور می باشند و فعلاً این حزب مشغول تدوین اساسنامه خود می باشد. درآمد این عده منحصر به حق عضویت افراد و کمک های مالی کلیه اعضای آن و تک فروشی روزنامه آنها می باشد. این عده یعنی پان ایرانیست های حقیقی پس از ایجاد حزب روزنامه (ندای پان ایرانیسم) را به مدیریت حسن کامبخش، کارمند دبیرخانه دانشگاه تحت نظر هیأت تحریریه منتشر ساختند.

این عده تاکنون دو کتاب رسمی از طرف خود منتشر کرده اند، یکی (بنیاد مکتب پان ایرانیسم) و دیگری کتاب (ما چه می خواهیم) که اولی قدری پیچیده تر می باشد و به پیوست است و در کتاب دومی مطالب واضح تر بیان شده است.

این عده تا کسی را به خوبی نشناسند به داخل خود راه نمی دهند. عده فعلی آنها

در حدود ۴۰۰ نفر می باشد و در هر یک از دبیرستان های پایتخت لااقل ده نفر پان ایرانیست وجود دارد.

در دزفول، گرگان، اهواز، مشهد شعباتی دارند که مرام آنها را ترویج می کنند.

کارگردانان دسته دوم یعنی (حزب ندای ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم) عبارتند از:

۱- فروهر جوان ۲۵ ساله پسر سرهنگ فروهر افسر بازنشسته ارتش که همیشه اسلحه پارابلوم متعلق به پدرش را در کمر دارد.

۲- امیر عظیما.

۳- جهانگیر عظیما افسر احتیاط.

۴- طباطبایی.

۵- موسی امامی، برادر امامی قاتل هژیر.

عده بالا فعلاً امور حزب را اداره می کنند و در انتخابات هم پول هایی گرفته اند.

عده فعلی این حزب در حدود ۲۰۰ نفر می باشد و دارای تشکیلات صحیحی هم نیستند. فقط دور هم جمع می شوند و حزب آنها خیلی بچه گانه است. این عده روزنامه ابرمرد را ناشر افکار خود نموده اند و خرج تشکیلات آنها را هم فروهر و عظیما می دهند و حق عضویت ها هم قدری در گردش کار مؤثر است.

دسته دیگری از پان ایرانیست ها هم چندی قبل از این دسته منشعب شده و تصمیم می گیرند روزنامه ای منتشر نموده و در سازمان دیگری پان ایرانیسم را توسعه دهند. رئیس این دسته مهرداد می باشد که با کمک چند نفر از رفقایش روزنامه پرچمدار را انتشار می دهد و در عرض چند روز تمام دیوارهای شهر را برای معرفی روزنامه خود سیاه می کنند.

از روز ۱۴ آذر و زد و خورد بین پان ایرانیست ها و توده ای ها و غارت روزنامه جانسپاران اختلاف فوق العاده شدیدی بین این دسته و گروه جانسپاران میهن به وجود آمده بودکه حتی واقعه ترور مهرداد، مدیر روزنامه پرچمدار را نیز می توان به این مطلب مربوط دانست.

یک برگ کارت عضویت و دو برگ از شعارهای جمعیت پان ایرانیسم به پیوست است.

در نتیجه انشعابات مکرر و پراکندگی های زیادی که در بین جمعیت پان ایرانیسم به وجود آمد روز به روز اختلافات بین آنان شدت پیدا کرد و همواره مشاجراتی بین آنان به وقوع می پیوندد، کما اینکه چندی قبل مهرداد به پزشکپور می گوید که از اسم پان ایرانیست سوءاستفاده می کند و باید از این عنوان دست بردارد و شایع

است که در آن جلسه مهرداد، پزشکپور را با طپانچه تهدید و از او سند می گیرد که پزشکپور به پان ایرانیست ها خیانت کرده است (معلوم نیست این خبر تا چه حد موثق باشد).

با توجه به مطالب بالا و انشعابات مختلف دسته های پان ایرانیسم در حال حاضر تفرقه آنها به صورتی در آمده که به شرح زیر به شش دسته تقسیم شده اند:

دسته ۱- پزشکپور، توفیقی، صادق بهداد (روزنامه ساسانی)

دسته ۲- عظیما و رفقایش (روزنامه آپادانا)

دسته ۳- مهرداد، تیمسار، لشکری (روزنامه پرچمدار)

دسته ۴- طباطبائی و رفقایش (روزنامه ندای پان ایرانیسم)

دسته ۵- شیروانی

دسته ۶- ناسیونالیست های انقلابی (مجله ناسیونالیست)

با این ترتیب می توان سازمان پان ایرانیست ها را در حال اضمحلال دانست.

د- پان ایرانیسم در اروپا

در حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر از ایرانیان در اروپا پیرو و مجری افکار پان ایرانیسم هستند که همه از محصلین می باشند و در

آن جا اقداماتی می کنند که برای شناسایی این جمعیت مفید باشد. مثلاً در مهمانی های رسمی به عناوینی حضور پیدا کرده و کارت اسم خود را با قید عضویت این حزب می گذارند. در سال جاری مسیحی از طرف آنها به تمام رجال و شخصیت های مهم فرانسه تبریک گفته شده بود که غالباً جواب داده بودند، از جمله ونسان اوربول.

کسانی که در اروپا برای این جمعیت فعالیت می کنند عبارتند از: داریوش فروهر، فریار (پسر دکتر فریار رئیس اداره اطلاعات سازمان ملل متفق در ایران)، علی کرباسچیان، محسن پزشکپور، حسن حق نویس (پسر سناتور)، نصرالله ملک زاده (پسر سناتور).(۱)

## دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت

تحولات دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت، فرصت مغتنمی فراهم آورد تا پان ایرانیست ها در مبارزه همزمان با «شرکت نفت انگلیس و ایران» و نیز حزب توده شهرت پیدا کنند.(۲)

ظاهراً اصرار و علاقه افرادی نظیر داریوش فروهر که در فعالیت های خود در چارچوب این تشکل مشی صادقانه تری دنبال می کردند، مجموعه پان ایرانیست ها را در زمره مدافعان نهضت ملی شدن صنعت نفت وارد ساخت. بگذریم از اینکه حمایت آنان از این

نهضت همواره تحت الشعاع برخوردهای تنش آفرینشان با حزب توده و هواداران آن قرار داشت.(۳)

به دنبال تشکیل جبهه ملی در آبان ماه ۱۳۲۸ پان ایرانیست ها هم از آن حمایت کرده و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- رحیم زهتاب فرد، خاطرات در خاطرات، صص ۱۶۸-۱۶۷. حزب ایران: مجموعه ای از اسناد و بیانیه ها، صص ۲۳۸-۲۳۴. اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، ج ۱، صص ۱۱-۱۰.

۳- روحانی مبارز آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ج ۱، ص ۱۲۷.

به آن پیوستند. با این حال در میان بیست نفری که در آستانه تأسیس این جبهه در دربار متحصن شدند، نامی از اعضای تشکل پـان ایرانیست هـا نیست. در واقع گرداننـدگان و کـادر رهبری این تشـکل در آن برهه در میـان رجال و شخصـیت ها و فعالان سیاسـی طراز اول کشور موقعیتی نداشتند و پیوستن آنان به جبهه ملی هم از علایق داریوش فروهر نشأت می گرفت که ارتباط فکری و سیاسـی بیشـتری بـا رهـبری جبهه داشت. ضـمن اینکه اگر گفته اعضـای قـدیمی مکتب پـان ایرانیست مبنی بر ارتبـاط پنهانی پزشـکپور با دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی انگلیس در تهران واقعیت داشته باشد(۱) حضور پزشکپور و جناح نزدیک به او در جبهه ملی نمی توانست بـدون اطلاع و احیاناً نظر مساعـد محافل انگلیسـی و نیز دربار بوده باشـد.(۲) این موضوع باعث شده است تا ارزیابی نقش و عملکرد جناح نزدیک به محسن پزشـکپور و همفکران او در مکتب و سپس حزب پان ایرانیسـت در آن مقطع بسیار حساس از تاریخ ایران چندان آسان نباشد.(۳)

## تشکیل حزب ملت ایران

یکی دو مـاهی که از ائتلاـف فروهر و پزشـکپور سپری می شـد دلایـل و براهین روشن تری به دست آمـد که از تـداوم ارتباط پزشکپور با محافلی در دربار و مخالفان دولت دکتر محمد مصدق حکایت می کرد. چنین به نظر می رسید که دربار و محافلی در رکن ۲ ستاد ارتش و دیگر طرفداران دربار و احیاناً عوامل انگلیسی قصد دارند با هدایت و تقویت

مـالی و لجستیکی حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم و یکی دو تشـکل دیگر (نظیر حزب سومکا و حزب آریا) و نیز تشـکل تازه تأسـیس «جانسپاران میهن» (که مستقیماً توسط ارتش و دربار ساخته و پرداخته شده بود)، موقعیت دربار را در برابر نخست وزیر وقت، دکتر محمد مصدق و رهبران نهضت ملی شدن صنعت نفت تحکیم بخشند. به تدریج شواهد

ص:۳۲

---

۱- قبلًا در این باره سخن به میان آمده است.

۲- جـواد منصوری، قیـام ۱۵ خرداد بـه روایت اسـناد، ج ۱، صص ۹۴-۹۳. عزت الله نـوذری، تاریـخ احزاب سیاسـی در ایران، صص ۶۳-۶۲. ب. کیا، ارتش تاریکی، صص ۵۴-۵۲. وب سایت اینترنتی: encyclopedia islamica.com

۳- مسـعود حجازی، رویدادها و داوری ها؛ خاطرات مسعود حجازی، صص ۱۸-۱۷. عبدالرحیم ذاکرحسین، مطبوعات سیاسی ایران در عصـر مشـروطیت، صص ۲۴۰-۲۳۹. اسـنادی از جنبش دانشـجویی در ایران، ج ۱، ص ۲۵. سـایت اینترنتی حزب پان ایرانیست.

دیگری به دست می آمد که نشان می داد، محسن پزشکپور در اختلاف و شکاف روزافزون میان دکتر محمد مصدق و شاه و دربار، از شاه جانبداری خواهد کرد. با این حال تا ماه ها پس از جدایی فروهر از پزشکپور، او خود را از معتقدان به نخست وزیر (مصدق) می دانست.(۱)

با بالا گرفتن اختلاف میان فروهر و پزشکپور، سرانجام در هفدهم دی ماه ۱۳۳۰ فروهر و هوادارانش از حزب جدا شدند و حزب ملت ایران را تشکیل دادند.

«حزب ملت ایران بر مبنای پان ایرانیسم [مقصود تشکل تحت مدیریت فروهر پس از انشعاب است] حزبی بود با اعتقادات افراطی ناسیونالیستی با تمایلات شبه فاشیستی که در حوزه های آن آثار هیتلر و حزب نازی آلمان مورد بحث و تعلیم قرار می گرفت. این حزب از حزب پان ایرانیسم [مقصود تشکل تحت رهبری مشترک فروهر و پزشکپور است] انشعاب کرده بود. به روایت خودشان حزب پان ایرانیسم پزشکپور از آن انشعاب کرده است.(۲) داریوش فروهر فعالیت خود را از مکتب پان ایرانیسم که بعدها به نام حزب پان ایرانیسم شکل گرفت، شروع کرد و پس از بروز اختلاف بر سر دربار و مصدق، فروهر جانب مصدق را گرفت، ولی پزشکپور گرایش های شاه دوستی خود را حفظ کرد. برخوردهای خیابانی توده ای ها و جبهه ملی ها اغلب بین پان ایرانیست ها و افراد سازمان جوانان که زیر سرپوش کانون جوانان دموکرات پنهان شده بودند روی می داد. پیرامون پان ایرانیسم عده ای اوباش حرفه ای جمع شده و برخوردها را به راحتی به کشتار می کشاندند».(۳)

هر چند داریوش فروهر هم نظیر بسیاری از پان ایرانیست های دهه ۱۳۲۰ مشی ملی گرایانه افراطی داشت و در برخوردهای قهرآمیز و گاه خونین با حزب توده نقش قابل توجهی ایفا می کرد؛ با این حال چنین به نظر می رسید که از هنگام نخست وزیری دکتر محمد مصدق به تدریج در دیدگاه های شوونیستی او تعدیل ایجاد شده و مشی سیاسی

ص:۳۳

---

۱- غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۱، صص ۱۵۴-۱۵۳. حسین الهی، احزاب و سازمان های سیاسی در خراسان، صص ۱۹۴-۱۹۲. محمدعلی همایون کاتوزیان، مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، صص ۱۷۶-۱۷۴. غلامرضا نجاتی، مصدق؛ سال های مبارزه و مقاومت، ج ۱، صص ۱۵۲-۱۵۱.

۲- در واقع پزشکپور برای اجتناب از رسوایی بیشتر پیش دستی کرده و با اعلام تشکیل حزب پان ایرانیسم از حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم انشعاب کرد.

۳- بیژن جزنی، تاریخ سی ساله ایران، ج ۱، صص ۸۸-۸۷.

خود را با افق فکری دکتر مصدق و جناح نزدیکتر به او در جبهه ملی (نظیر حزب ایران) سازگارتر کرده بود. پس از انشعاب، تشکل تحت هدایت فروهر همان عنوان «حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم» را حفظ کرد، تا اوایل دهه ۱۳۴۰ش که برای پرهیز از همسو و هم نام شدن با پان ایرانیست های تحت سلطه پزشکپور عبارت «بر بنیاد پان ایرانیسم» را از پسوند «حزب ملت ایران» برداشت.(۱)

ناصر انقطاع از اعضای قدیمی مکتب و سپس سازمان پان ایرانیست که از نزدیک شاهد رخدادهای درونی تشکل های پان ایرانیستی بود، جدایی فروهر از پزشکپور را چنین روایت کرده است:

دو سه ماه پس از انشعاب نخست، و سپس یکی شدن دو حزب نبرد ایران و ملت ایران، زیر نام «حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم»، این حزب تصمیم می گیرد که در روز ۲۱ آذر آن سال (۱۳۳۰)، به انگیزه سالگرد بازگشت استان آذرآبادگان به خاک میهن، جشن شایسته ای برپا کند و این رویداد را بزرگ بدارد. گروه رهبری حزب بر آن می شود که برای انجام چنین گردهمایی و احیاناً تظاهرات

خیابانی، به گردآوری پول از هموندان خود بپردازد، تا بتواند هزینه جشن یادشده را تأمین کند.

در انجام این خواست، موضوع در نیروها (حوزه های حزبی) مطرح می شود و هر کس به فراخور توان خویش پولی می پردازد. و روی هم رفته، مبلغی پیرامون ۳۰۰ تومان گردآوری می شود که گرچه مبلغ فوق العاده ای نبود، اما در آن روزها می شد که با آن جشن نسبتاً آبرومندی را برپا کرد.

برنامه کار را از هر سو آماده کردند، ولی در شب جشن، ناگهان دیدند چندین کامیون پر از جمعیت که همه شان ناشناس بودند، با فریادهای «زنده باد پان ایرانیست» و «زنده باد حزب ملت ایران» جلوی در حزب نگه داشتند و شعاردهندگان از آنها پیاده شدند و در میان شگفتی هموندان اصلی، پای به درون باشگاه حزب گذاردند.

ص:۳۴

---

۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۲ [چاپ جدید]، صص ۷۹۳-۷۹۲. چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۸، ص ۳۰۲. همان، ج ۶، صص ۲۸۳-۲۸۲. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک (فیضیه)، ج ۲، ص ۱۵۳. کانون نویسندگان ایران به روایت اسناد ساواک، ص ۲۳۶ و ۴۱۷. جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۱۷۰.

فروهر با شگفتی موضوع را از پزشکپور می پرسد و فروهر می گوید: بسیج کردن این همه آدم با پرچم ها و کرایه کامیونها، هزینه ای سنگین دارد. پول آن را چه کسی می دهد؟

پزشکپور پاسخ می دهد: خرج اینها را

بازاریان می دهند!

داریوش فروهر بسیار خشمگین می شود و می گوید: من زیر بار این جور کارها نمی روم و باید حساب و کتابی در کار باشد، و هر تصمیمی با رایزنی و تأیید شورای رهبری انجام شود، و جریان دیدار با پیراسته و میس لمبتون تکرار نشود!

از همان شب میان فروهر و پزشکپور تیرگی پدید آمد و به ویژه آنکه دو سه روز دیگر روشن می شود که «موسی امامی» و شخص دیگری به نام «میرمحمد صادقی» که با موسی امامی به حزب پیوسته بودند مأمور رکن دوم ستاد ارتش هستند، یا با دستور این رکن، دست به چنین کاری زده و پول کلانی هم گرفته اند (درست یا نادرست بودن این شایعه برای نویسنده روشن نشد).

دوباره جنجال برمی خیزد و این بار حزب ملت ایران دو شاخه می شود. در حقیقت نه داریوش فروهر می توانست با پزشکپور بسازد، و نه پزشکپور تحمل آدمی مثل فروهر را داشت. با همه کوشش هایی که بسیاری از یاران آنها، از جمله «میرمحمد صادقی» کردند که تجزیه دوم روی ندهد، آنها از هم جدا شدند.

پزشکپور که آدم فرصت طلب و زمان شناسی بود، حس می کند که به زودی فروهر با او

درگیر می شود و چه بسا رویداد خانه لشکری و نوشتن اقرارنامه در این جا نیز به گونه ای دیگر تکرار شود. زیرا شنیده بود که داریوش فروهر چنین تصمیمی را دارد. این بود که روزی مکتبی های پیشین را، که شمارشان به سی تن می رسید، در خانه ای گرد آورد و ضمن سخنان گسترده ای گفت که ما بر آن شده ایم که از حزب ملت ایران جدا شویم! آیا همگی حاضرید؟

کسانی که در آن جا حاضر بودند همگی گفتند: آری!

در نتیجه عاملی تهرانی، فضل الله صدر، محسن پزشکپور، مهدی صدیقی، اسماعیل فریور و شماری دیگر از هواداران آنها، سازمان تازه ای را به نام «حزب پان ایرانیست» بنیاد نهادند و روزنامه ای هم منتشر کردند به نام «ندای پان ایرانیست» و ستاد مرکزی خود را نیز در خیابان ژاله، نزدیک به میدان ژاله گشودند و از مکتبی ها تنها «عباس خاقانی و بهرام نمازی و

خسرو سیف و میرعبدالباقی و سبقتی و علی اصغر بهنام» در کنار فروهر باقی ماندند. ولی بعداً جوانان و نوجوانان دیگری مانند علی مسعودی، حسین مهری و شمس توفیقی به او پیوستند (علی مسعودی هم اکنون در اورنج کانتی به سر

می برد و حسین مهری نیز برنامه ساز رادیوی «صدای ایران» در لس آنجلس است).

پس از مدتی، حزب پان ایرانیست از آنجا به خیابان شاپور، نزدیک چهارراه آشیخ هادی، بازارچه کل عباسعلی، رفت و اندکی بعد، چون فروهر نیز روزنامه ای به نام «ندای پان ایرانیست» را منتشر کرد، آنها نام روزنامه شان را «خاک و خون» گذاشتند و شگفتا که با این همه پیشینه مشکوک و رسوایی هایی که پزشکپور پدید آورده بود، باز هم او را به دبیرمسئولی حزب برگزیدند.(۱)

بدین ترتیب در واپسین ماه های سال ۱۳۳۰ پان ایرانیست ها سه تشکل مستقل داشتند: حزب پان ایرانیست با رهبری محسن پزشکپور، حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم با هدایت داریوش فروهر و سازمان پان ایرانیست که شورای رهبری پنج نفره ای داشت و دبیر مسئول آن علی محمد لشکری بود.

از هنگامی که نخستین تلاش های گروهی از نوجوانان و جوانان عمدتاً شاغل به تحصیل در دبیرستان های تهران برای فعالیت های شبه سیاسی و حزبی در سال های ۱۳۲۲-۱۳۲۱ تکوین یافت، تا تأسیس نهایی حزب پان ایرانیست در حدود ماه های آذر تا دی قریب به ده سال به طول انجامید. در این فاصله جز بیگانه ستیزی مفرط و خصایل وطن پرستانه و ناسیونالیستی تند و غیرمنطقی که عمدتاً تظاهر بیرونی مخربی داشت، چیز دیگری در کارنامه این تشکل ها نبود.

ص:۳۶

---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۵۳-۵۱.

## فصل دوم: از دکتر مصدق تا انقلاب سفید

### نخست وزیری دکتر مصدق

حزب پان ایرانیست به رهبری پزشکپور در دوران نخست وزیری مصدق، عملکرد شفاف و قابل دفاعی نداشت. به ویژه تشکل تحت هدایت پزشکپور از سوی دیگر تشکل های پان ایرانیست متهم بود برای از میان برداشتن رقبای خود از جاسوسی و همکاری با دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی وفادار به دربار دریغ نمی کند. در آن دوران بخش زیادی از نیرو و وقت پان ایرانیست های رقیب مصروف تضعیف و تخریب موقعیت یکدیگر می شد.(۱)

با اینکه گروه های پان ایرانیستی متخاصم هنوز خود را مدافع نهضت ملی و دولت دکتر محمد مصدق می دانستند، شواهد کمی وجود داشت که نشان دهد اقدامات حتی صدیق ترین افراد پان ایرانیست در راستای تقویت موقعیت دولت دکتر محمد مصدق و نیز منافع ملی است. درگیری های دائمی پان ایرانیست ها با حزب توده در تهران و دیگر شهرهای کشور در تداوم بحران های سیاسی و اجتماعی آن برهه نقش کمی نداشت؛ به ویژه از آن جهت که پان ایرانیست ها از گروه های مختلف همگی اقدامات و عملیات مخرب



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۷۵-۶۳. بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

فصل دوم

از دکتر مصدق تا انقلاب سفید

نخست وزیری دکتر مصدق

حزب پان ایرانیست به رهبری پزشکپور در دوران نخست وزیری مصدق، عملکرد شفاف و قابل دفاعی نداشت. به ویژه تشکل تحت هدایت پزشکپور از سوی دیگر تشکل های پان ایرانیست متهم بود برای از میان برداشتن رقبای خود از جاسوسی و همکاری با دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی وفادار به دربار دریغ نمی کند. در آن دوران بخش زیادی از نیرو و وقت پان ایرانیست های رقیب مصروف تضعیف و تخریب موقعیت یکدیگر می شد.(۱)

با اینکه گروه های پان ایرانیستی متخاصم هنوز خود را مدافع نهضت ملی و دولت دکتر محمد مصدق می دانستند، شواهد کمی وجود داشت که نشان دهد اقدامات حتی صدیق ترین افراد پان ایرانیست در راستای تقویت موقعیت دولت دکتر محمد مصدق و نیز منافع ملی است. درگیری های دائمی پان ایرانیست ها با حزب توده در تهران و دیگر شهرهای کشور در تداوم بحران های سیاسی و اجتماعی آن برهه نقش کمی نداشت؛ به ویژه از آن جهت که پان ایرانیست ها از گروه های مختلف همگی اقدامات و عملیات مخرب

خود را به نام حمایت از دکتر مصدق و نهضت ملی انجام می دادند و تبعات سوء ناشی از آن همواره دامنگیر دولت باقی می ماند که قادر به جلوگیری و توقف آن تحرکات هم نبود.(۲) در بسیاری از موارد حتی نیروهای انتظامی قادر به پیشگیری از اقدامات تنش آفرین و خشن پان ایرانیست ها نبودند. گزارش های متعددی وجود داشت که از درگیری و زد و خوردهای پان ایرانیست ها با مأموران انتظامی و دولتی حکایت می کرد. پان ایرانیست ها، حتی فروهر و تشکل تحت حمایت او، چنان خود را آزاد می دانستند که از مضروب و مجروح ساختن مأموران انتظامی دولت هم فروگذار نمی کردند. بدین ترتیب موضوع چگونگی مهار دسته های گوناگون پان ایرانیست ها که منشأ تقویت و تحریک برخی از آنها روشن نبود، برای دولت وقت، معضلی به نظر می رسید.(۳)

پان ایرانیست های فروهری عمدتاً بخش هایی از حاکمیت و فعالان سیاسی را مورد هجوم قرار می دادند که با دربار و مخالفان مصدق همدل بودند؛ و پان ایرانیست های پزشکپوری هم به رغم آنکه تا مدت ها خود را حامی دکتر مصدق وانمود می کردند، اقدامات قهرآمیز و تحریک کننده خود را عمدتاً در محافل و مجامعی گسترش می دادند که تضعیف موقعیت دولت را به دنبال داشت.(۴)

پس از حوادث سی ام تیر ۱۳۳۱ و بازگشت دکتر مصدق، فروهر و پزشکپور برای جلب نظر مساعد دکتر مصدق به گونه ای از رقابت و چاپلوسی متوسل شدند. به نوشته ناصر انقطاع:

حزب پان ایرانیست به رهبری پزشکپور چندان دلبستگی به پشتیبانی از مصدق

نشان نمی داد و همین نکته گویای آن بود که از مرجع و مقامی دستور می گیرد. ولی البته با



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۷۵-۶۳. بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- غلامرضا عزیزی، پیشین، ص ۸۸. خانبابا تهرانی، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، ص ۲۰. نورالدین کیانوری، گفتگو با تاریخ، صص ۷۷۰-۷۶۹. ناصر نجمی، با مصدق و دکتر فاطمی، صص ۵۵-۵۴. مسعود کوهستانی نژاد، اختیارات، اصلاحات و لوایح قانونی دکتر محمد مصدق، صص ۴۴۸-۴۴۷. فؤاد روحانی، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، صص ۲۸۳-۲۸۲. بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۳۰-۱۲۳.

۴- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۳۰-۱۲۳.

روش های دکتر مصدق نیز به گونه ای صریح و روشن مخالفت نمی کرد. اما پس از رویداد تاریخی سی ام تیرماه ۱۳۳۱ که مردم برای بازگردانیدن دکتر مصدق به جایگاه نخست وزیری به پا خاستند و او را دوباره زمامدار اداره کشور کردند، پزشکپور به پیروی از خوی فرصت طلبی ناگزیر شد ولو به ظاهر گهگاه مصدق و کوشش های او را بستاید. به ویژه آنکه فروهر موفق شده بود از دکتر مصدق وقت دیدار بگیرد و با تنی چند از دوستانش با نخست وزیر روبه رو شود. رقابت سختی میان حزب پان ایرانیست پزشکپور و حزب ملت ایران فروهر در این زمینه درگرفت و پزشکپور و یارانش به هر در می زدند تا آنها هم بتوانند با مصدق دیدار کنند. در انجام این خواسته مهدی صدیقی از هواداران پزشکپور نشریه ای درباره رویدادهای سی ام تیرماه چاپ و پخش کرد و گروهی را برداشت و از محل حزب در خیابان ژاله با چند اتوبوس و یک بلندگو به سوی خانه مصدق به راه افتاد. گروه یادشده در ساعت یک پس از نیمروز به خانه دکتر مصدق می رسند و درست در همین

هنگام پزشکپور و [محمدرضا] عاملی تهرانی و اسماعیل فریور نیز پیدایشان می شود. در این هنگام شمس الدین امیرعلایی وزیر کشور آن روزها از خانه مصدق بیرون می آید و می گوید: آقای نخست وزیر خواهش کرده اند که تنها سه تن به نمایندگی دیگران با ایشان دیدار کنند. بی درنگ پزشکپور پیش می رود و فریور و عاملی و خود را معرفی می کند. صدیقی که می بیند زحمت ها را او کشیده و نزدیک است سرش بی کلاه بماند جلو سه نفر را می گیرد و می گوید: میتینگ را من سر و سامان داده ام. شما کجا بودید؟ من باید بروم. دکتر امیرعلایی که از این برخورد شگفت زده شده بود، می گوید: بسیار خوب چهار تن بیایند. صدیقی می گوید: هنگامی که به اتاق دکتر مصدق رسیدیم، پزشکپور مشتی دروغ و ناروا سر هم کرد و از فداکاری های خود سخن ها گفت، به طوری که من در عین شگفتی شرمنده شدم که چگونه می شود به مرد بزرگ و تیزهوشی چون مصدق تا این اندازه دروغ بگویند. [بدین ترتیب] در این گیرودار حزب ملت ایران و حزب پان ایرانیست پزشکپور برای هر چه

بیشتر نزدیک شدن به مصدق مسابقه گذارده بودند.(۱)

برخلاف کارگردانان و دستگاه رهبری، اعضای میانی و عادی تر حزب پان ایرانیست با



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۵۶-۵۵.

علاقه منـدی و صـداقت تقریباً تمام و کمال از نهضت ملی و دولت دکتر مصـدق حمایت می کردنـد و چنـدان در جریان زد و بندهای احتمالی رهبران خود با محافل مشـکوک داخلی و خارجی قرار نداشـتند.(۱) تا ماه ها پس از قیام سـی ام تیر مسـئولان محلی و نیز برخی اعضـای حزب پان ایرانیست در تهران و دیگر شـهرهای کشور با ارسال نامه یا به طرق دیگر مراتب ارادت و حمـایت خود از نخست وزیر وقت را به او ابراز می کردنـد و علی الظـاهر دکتر مصـدق هم علاـقه منـد بود حمـایت حزب پان ایرانیست از دولت و اقـدامات او ادامه پیـدا کنـد. ظـاهراً در آن برهه حزب پـان ایرانیست از کمـک هـای مـالی دولت مصـدق برخوردار بود.(۲) برخوردهـای تنـد و قهرآمیز پان ایرانیست و تشکل هایی نظیر سومکا و حزب زحمتکشان با حزب توده طی بهـار و تابسـتان ۱۳۳۱ بـاعث شـد تـا بـه رغم مخـالفت نماینـدگان، دکـتر مصـدق طرح تمدیـد حکـومت نظـامی را به مجلس بقبولاند.(۳) شواهـد نشـان می داد، تشـکل هـای پـان ایرانیستی در کنار برخی دیگر از گروه های سیاسـی و حزبی، در مسائلی چون درخواست تصویب لایحه اختیارات مصـدق در مجلس، به مثابه گروه های فشار عمل می کردند.(۴) تشکل های مختلف پان ایرانیست در جریان حوادث مربوط به تقاضای تمدیـد اختیارات دکتر مصدق از مجلس شورای ملی در دی ماه ۱۳۳۱ با به راه انـداختن تظاهرات و ایجاد آشوب و بلوا نمایندگان مجلس و مخالفان لایحه اختیارات را به انحاء گوناگون تحت فشار قرار می دادند. گو اینکه شواهد نشان می دهد، دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست و به

طور مشـخص محسن پزشـکپور چندان راغب نبود در دفاع از خواست های اخیر دکتر مصدق سـردمدار جلوه کند، با این حال منـابع موجود از مشـارکت و حضور اعضای میانی تر و عادی این حزب در تظاهرات و آشوب های مـذکور حکایت می کنـد. روزنامه پایگاه آزادی در سی ام دی ۱۳۳۱ در این باره چنین گزارش کرده است:



---

۱- اسـنادی از قیام سی تیر ۱۳۳۱، صص ۷-۶. مصدق؛ دولت ملی و کودتا، به کوشـش عزت الله سـحابی، صـص ۱۳۷- ۱۳۶، صص ۱۰۳-۱۰۲، صص ۸۷-۸۶ . اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۳۲-۱۳۱. محمد ترکمان، تهران در آتش: کابینه قوام و حوادث سی ام تیر، ص ۴۳۱. مسعود کوهستانی نژاد، اختیارات، اصلاحات و لوایح قانونی دکتر مصدق، ص ۱۰۲.

۲- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۶۳-۱۳۳. هوشنگ نهاوندی به روایت اسناد ساواک، ص ۴۸۴.

۳- فخرالدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، ص ۴۲۲.

۴- مسعود کوهستانی نژاد، پیشین، صص ۱۱۹-۱۱۸و ص ۳۵۶.

دولتی ها متوسل به اعضای محدود احزاب دولتی: حزب ایران، نیروی سوم و پان ایرانیست شدند و این عده صبح ۲۹ دی با پرچم و عکس مصدق و با وسایلی که از طرف دولت در دسترس آنان گذارده شده بود جلو مجلس اجتماع کردند. این عده که تعدادشان از ۵۰۰ نفر تجاوز نمی کرد از ساعت ۱۰ صبح جلو درب مجلس اجتماع نموده و با بلندگو مشغول فحاشی و هتاکی به نمایندگان مخالف لایحه اختیارات شدند. مأمورین انتظامی نه تنها به آنها چیزی نمی گفتند، بلکه آنان را تحریک و تشجیع به سخنرانی و فحاشی می کردند. در جلو مجلس هر کس کوچک ترین اعتراضی می کرد و صحبتی بر له آیت الله کاشانی می نمود او را دنبال کرده و مضروب و مجروح می کردند.

به طوری که یکی از این افراد از شدت ضرب و از ترس جان ناچار شد درکامیون سربازان رفته و خود را از دست این عده خلاص نماید. این عده تا ساعت ۲ بعد از ظهر جلو مجلس بودند، تا اینکه جلسه ختم شد و بلندگو مرتباً می گفت حالادکتر

شایگان می آید و برای مردم صحبت می کند و با این بهانه از تفرقه مردم جلوگیری می کردند، تا اینکه صفایی نماینده قزوین بیرون آمد و در پشت بلندگو چنین گفت: به طوری که از قیافه مجلس پیداست تا عصر امروز لایحه اختیارات به تصویب می رسد. و بدین ترتیب تظاهرکنندگان متفرق شدند.

اما در بازار، از صبح اهالی بازار سر کار و کسب خود آمدند و مانند هر روز مغازه ها را باز کرده و شروع به کاسبی کردند و ناگهان عده ای از اعضای وابسته به احزاب دولتی و دار و دسته خلیل ملکی در حالی که لباس اونیفرم در تن و چوب و چماق هایی در دست داشتند و مرتباً شعار بر ضد آیت الله کاشانی می دادند به بازار ریخته و کسبه را به اجبار وادار به بستن مغازه ها نمودند. این عده مرتباً می گفتند (وای به حال کسی که تعطیل نکند) و بازاری ها از ترس غارت مغازه ها را بستند و عده زیادی از کسبه و پیشه وران به منزل آیت الله کاشانی رفتند و شکایت کردند که: عده ای با لباس اونیفرم به بازار ریخته و ما را مجبور کرده اند که مغازه های خود را ببندیم. این عده تقاضا داشتند که آیت الله به ایشان اجازه

دهند که بروند و مغازه ها را باز کنند، ولی آیت الله در جواب آنان گفتند: اقدام به این کار نکنید و هیچ تظاهراتی ننمایید و اگر دولتی ها خواستند آشوب به پا کنند شما عکس العمل از خود نشان ندهید.

ص:۴۱

عـده ای از بازاری ها و کسـبه و پیشه وران در انتهای بازار جمع شده و چندین نفر شـروع به سـخنرانی نمودند. یکی از ناطقین پس از آنکه حملات شدیدی به دولت و اطرافیانش کرد، خلیل ملکی و گروه او را مورد حمله قرار داد. ناطق سپس گفت: ما همگی طرفـدار آیت الله کاشـانی پیشوای خود هستیم و امر ایشـان را اطـاعت می کنیم. نـاطق دیگری گفت: مـدت هـاست که برای طرد قطعی اسـتعمارگران ملت ایران مبارزه می کند. دکتر مصدق و طرفدارانشان نه تنها در این مبارزه سـهیم نیسـتند بلکه آنـان پـای امپریـالیزم را به این کشور باز کردنـد و حالا هم با کمک این اسـتعمار وحشـی دسـته هایی را به راه انـداخته تا مانع مبارزه ملت ایران علیه استعمار شوند.

این عـده با نظم و ترتیب به تظاهرات خود ادامه داده و نزدیک ظهر متفرق شدند. مقارن ظهر سـرتیپ کمال رئیس شـهربانی به بازار آمد و عده ای از بازاریان به او

اعـتراض کردنـد. دیروز دولتی هـا سـعی بسـیار می کردنـد که دبیرسـتان هـا و دانشـگاه را نیز تعطیـل کننـد و دانش آموزان و دانشـجویان را وادار به تظاهرات کننـد، ولی در این کار هم موفق نگردیدنـد و بجز در یک دبیرسـتان که عده ای کلاس ها را ترک گفتند، در سایر دبیرستان ها و دانشگاه کسی زیر بار دولتی ها نرفت.

از ساعت ۵ بعـد از ظهر عـده ای از اعضای وابسته به احزاب ایران، نیروی سوم و پان ایرانیست ها که جمعاً در حدود ۲۰۰ نفر می شدنـد، مجـدداً در جلو مجلس جمع شـده و در تعقیب تظاهرات صـبح شـروع به سـخنرانی و تعرض به نماینـدگان مخالف لایحه اختیارات نمودند. در همین حین، یک عده که شـعار می دادند از طرف خیابان اکباتان به میدان بهارستان نزدیک شدند و تظاهرکننـدگان به خیال اینکه آنها نیز موافق دولت هسـتند به اسـتقبال آنان رفتنـد؛ ولی این عـده به محض اینکه وارد میدان بهارسـتان شدنـد شـروع به تظـاهراتی به نفع آیت الله کاشـانی نموده و فریـاد می زدنـد: «کاشـانی زنـده بـاد»، در نتیجه تصـادم شدیدی بین این دو دسته رخ داد و زد و خورد درگرفت. در این اثنا از طرف پان ایرانیست ها نارنجک هایی منفجر گردید

و جنجـال بزرگی به پـا شـد. زد و خورد با شـدت ادامه داشت و عـده ای از طرفین مجروح شدنـد و پان ایرانیست ها و اعضای نیروی سوم با چوب و چماق به جان مردم افتادنـد و عـده بسیاری را مضـروب و مجروح ساختنـد. تظاهرات و زد و خوردها تا ساعت ۹ بعد از ظهر ادامه داشت و وقتی خبر تصویب لایحه تمدید

اختیارات به گوش آنان رسید، متفرق گردیدند.(۱)

در پاییز و زمستان ۱۳۳۱ که به نظر می رسید میان محسن پزشکپور و دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست با دربار روابط نزدیک تر و هماهنگ تری ایجاد شده باشد، برخورد و موضع گیری پزشکپور در برابر دکتر مصدق و طرفداران او بسیار محتاطانه پیش می رفت. برخلاف سازمان پان ایرانیست و حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم که کماکان با شدت و حدت تمام از دکتر مصدق و اقدامات او حمایت می کردند، حزب پان ایرانیست و به ویژه رهبری آن چندان تمایلی به طرفداری قاطع از نخست وزیر وقت نشان نمی داد.(۲)

در اواسط سال ۱۳۳۱ آشکارتر شده بود که حزب پان ایرانیست در راستای دفاع از شاه و دربار گام برمی دارد و تحرکات و فعالیت های در واقع خشن و قهرآمیز اعضای آن در هماهنگی و ارتباط با تشکل های مشکوک و منحرفی نظیر حزب سومکا، حزب آریا و جانسپاران میهن صورت عملی به خود می گیرد. رکن دوم ارتش در بیست وهشتم مرداد ۱۳۳۱ گزارش داد: «عده ای از حزب پان ایرانیست و حزب سومکا از چهارراه مخبرالدوله با شعار زنده باد شاه و دکتر مصدق به طرف بهارستان حرکت کرده و اغلب آنها چوب در دست داشتند. ضمناً در طرف غرب میدان بهارستان تجمع و مشغول سخنرانی بودند».(۳)

همین منبع از اغتشاش گری گروهی از اعضای حزب پان ایرانیست در روز بیست وهفتم مرداد ۱۳۳۱ خبر می دهد که «با چوب به خیابان اسلامبول ریخته و قدری از اثاثیه دستفروش هایی را که در کنار خیابان بوده آتش می زنند».(۴) تحلیل ناصر انقطاع، که خود را پان ایرانیست واقعی می داند، از این حوادث چنین است:

در گرماگرم مبارزات ملی شدن نفت و فعالیت سه سازمان [پان ایرانیستی] که ضمن رقابت و احیاناً دشمنی با یکدیگر دارای تز ناسیونالیستی تند نیز بودند (در آغاز سال ۱۳۳۱) ناگهان یکی – دو تشکیلات نوظهور دیگر پا به میدان گذاردند که از همان آغاز روشن بود که

ص:۴۳

---

۱- روزنامه پایگاه آزادی، ش ۵۷، ۳۰ دی ۱۳۳۱، صص ۲-۱ (به نقل از مسعود کوهستانی نژاد، پیشین، صص ۳۴۰-۳۳۹).

۲- مسعود کوهستانی نژاد، پیشین، ص ۲۲۵ و صص ۳۱۹-۳۱۸.

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۴- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

با پول شرکت نفت و پشتیبانی دربار برای لجن مال کردن پان ایرانیست ها پدید آمده اند. یکی از آنها حزب سومکا بود. این حزب در راستای مخالفت با جنبش ملی شدن نفت و دشمنی با دکتر مصدق گام برمی داشت، ولی شعارهای تند ناسیونالیستی همانند پان ایرانیست ها می داد. هنوز چند ماهی از برپایی حزب سومکا نگذشته بود که حزب دیگری به نام آریا با شعارهای تقریباً مانند شعارهای حزب سومکا و برخی از شعارهایی که تنها ویژه پان ایرانیست ها بود موجودیت خود را اعلام کرد. کارگردانان پشت پرده هر دو

حزب یاد شده را تنها و تنها برای لجن مال کردن پان ایرانیست ها بنیاد گذارده و آنها را به شکل کاریکاتورهایی از حزب نازی به میدان فرستاده بودند تا هم مردم را نسبت به پان ایرانیست های راستین [و نه حزب پان ایرانیست که علی الظاهر با آنها هماهنگ عمل می کرد] بدبین و سردرگم کنند و هم با دادن شعارهایی شبیه به شعارهای پان ایرانیست ها با تمام قوا با دکتر مصدق مخالفت کنند. حزب پان ایرانیست به رهبری پزشکپور در برابر این دو تشکیلات تقریباً خاموش ماند، شاید هم دستور مخالفت نداشت. تشکیلات دیگر جانسپاران میهن بود که همه شعارهای پان ایرانیست ها را برگزیده بود، اما در عین حال بدترین دشنام ها را هم به دکتر مصدق می داد.(۱)

در واپسین ماه های سال ۱۳۳۱ احزاب و گروه های تشکیل دهنده جبهه ملی و حامیان نهضت ملی، حزب پان ایرانیست تحت رهبری محسن پزشکپور را دیگر در ردیف حامیان این نهضت و جبهه ملی نمی دانستند و به رغم برخی اعلامیه ها و موضع گیری های حزب مذکور که وانمود می کرد هنوز در صف مقدم حامیان دکتر مصدق و نهضت ملی است، با افشاگری ها و جوسازی های پان ایرانیست های رقیب در حزب ملت ایرانِ فروهر و نیز سازمان پان ایرانیست، حزب پان ایرانیست و دستگاه رهبری آن در مظان اتهام وابستگی به دربار و احیاناً محافل انگلیسی قرار گرفته بود. پان ایرانیست های تحت هدایت فروهر و نیز

سازمان پان ایرانیست که مشی همدلانه تری را در حمایت از دولت مصدق دنبال می کردند، بارها پزشکپور و حزب پان ایرانیست او را علناً به جاسوسی برای دربار، رکن دوم ستاد ارتش و نیز ارتباط با دستگاه های اطلاعاتی بیگانه متهم نموده و درگیری های فیزیکی



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۵۸-۵۶.

خونینی را با آنان تجربه کرده بودند.(۱)

با این حال همچنانکه اسناد موجود نشان می دهد، اعضا و تشکیلات محلی حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف که گویا چندان هم از ارتباطات و خط مشی دستگاه رهبری و صحنه گردانان این حزب در تهران اطلاع دقیقی نداشتند، در دفاع از دولت مصدق و آرمان های نهضت ملی پایدارتر بودند. به رغم افشاگری های تشکل های پان ایرانیستی رقیب و دیگران، محسن پزشکپور و چند تن از کارگردانان اصلی حزب پان ایرانیست نمی خواستند با تأیید ارتباط خود با دربار و احیاناً دیگر محافل، هواداران اندک حزب در بخش های مختلف کشور را نیز از دست بدهند و میدان را به نفع رقبا و مخالفان خالی کنند. به همین دلیل در حالی که از ماه های پایانی سال ۱۳۳۱ به بعد، دیگر رهبری و تشکیلات حزب پان ایرانیست در تهران را در ردیف طرفداران جدی جبهه ملی، دکتر مصدق و نهضت ملی نمی بینیم، اما اعضا و تشکیلات این حزب در برخی از شهرها و مناطق کشور نقش فعالانه و تأثیرگذارتری در حمایت از دولت مصدق و نهضت ملی ایفا می کردند.(۲) بگذریم از اینکه در آن برهه زد و خوردهای شدید اعضای حزب پان ایرانیست با اعضا و هواداران حزب توده در تهران و دیگر نقاط کشور، نقش قابل توجهی در گسترش بحران و ناامنی در فضای سیاسی و اجتماعی کشور داشت و خواسته یا ناخواسته به مقصود مقامات سیاسی و اطلاعاتی بریتانیا یاری می رسانید که سخت می کوشیدند با بزرگ نمایی خطر حزب توده و کمونیسم در ایران هم پیمانان آمریکایی خود را به لزوم از میان برداشتن ولو قهرآمیز دولت مصدق متقاعد سازند.(۳)

ایجاد آن همه درگیری های ریز و کلان با اعضای حزب توده و پاره ای از افراد و

گروه های دیگر در تهران و سایر شهرهای کشور در حالی که دولت و مجلس علاوه بر دست و پنجه نرم کردن با مشکلات عدیده در داخل، به شدت سرگرم مقابله با دولت انگلستان و شرکت سابق نفت بودند، حتی از منظر خوشبین ترین آگاهان و ناظران هم

ص:۴۵

---

۱- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۵۴-۱۵۲. علی اکبر رزم جو، حزب پان ایرانیست، اسناد ۸ تا ۲۰. اسنادی از مطبوعات ایران، ۱۳۴۰-۱۳۲۰ ه ش، صص ۱۴۷-۱۴۶. ناصر انقطاع، پیشین، صص ۷۵-۶۸.

۲- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۲۲-۱۲۱.

۳- شهلا بختیاری، حزب پان ایرانیست به روایت اسناد، صص ۱۴۵-۱۲۹ (اسناد ۱/۱۲ تا ۲/۱۶).

پذیرفتنی و توجیه پذیر نمی نمود.(۱) پس از بروز اختلاف میان دکتر محمد مصدق و آیت الله کاشانی، حزب پان ایرانیست تا واپسین دوره نخست وزیری مصدق در برابر این دو، موضع غیردوستانه و مخالفت آمیزی اتخاذ کرد.(۲) عملکرد بحران آفرین و مشکوک گروه هایی نظیر حزب پان ایرانیست در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق، بعدها با صراحت بیشتری در پژوهش های تاریخی محققان منعکس شد:

عوامل امپریالیستی برای به آشوب کشاندن تظاهرات و ایجاد هرج و مرج به دو گونه اقدام می کردند. شیوه اول از طریق دخالت نیروهای انتظامی و نظامی و شیوه دوم با به کارگیری نیروهای چاقوکش و چماقدار و ایجاد درگیری و بلوا بود.

نمونه بارز دخالت نیروهای انتظامی و نظامی را می توان در وقایع ۲۳ تیر ۱۳۳۰، ۱۷ آبان ۱۳۳۰، ۱۴ آذر ۱۳۳۰، ۸ فروردین ۱۳۳۱، ۳۰ تیر ۱۳۳۱، ۴ آبان ۱۳۳۱ و... مشاهده کرد. در هر یک از این درگیری ها تعدادی از تظاهرکنندگان کشته و مجروح شدند. چنانکه در واقعه ۲۳ تیر ۱۳۲۰، حداقل ۱۸ تن کشته و بیش از ۷۰ نفر زخمی شدند. در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ نیز که دامنه

حادثه از تهران به سایر شهرها کشیده شد حداقل ۶۳ تن جان خود را بر اثر تیراندازی مأموران از دست دادند و ۱۷۲ تن نیز مجروح شدند.

نمونه دیگر به عنوان یکی از هزاران نمونه، واقعه ۱۴ آذر ۱۳۳۰ بود. با این تفاوت که این بار غارتگران ظاهراً به طرفداری از مصدق شعار می دادند. در روز ۱۴ آذر ۱۳۳۰، چاقوکشان وابسته به احزاب زحمتکشان، پان ایرانیست، سومکا و... با شعار زنده باد مصدق، زنده باد جبهه ملی، مرگ بر حزب توده ایران در خیابان ها به راه افتادند و هر آنچه بر سر راه خود دیدند نابود کردند و به آتش کشیدند. به نوشته روزنامه کیهان تظاهرکنندگان به خانه صلح هجوم بردند. بعد از آنکه کلیه وسایل و لوازم داخل خانه صلح... را خُرد و بلااستفاده نمودند... مقداری از روزنامه ها و اوراق را آتش زدند... چاپخانه روزنامه به سوی آینده، محل جمعیت جوانان دموکرات و تئاتر سعدی نیز به همان ترتیب غارت و آتش زده شد. جمعیت آزادی ایران و جمعیت مستأجران نیز به چپاول رفت.



---

۱- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۶۲-۱۴۶.

۲- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۴۵-۱۴۱.

دو نمونه فوق تنها گوشه کوچکی از آن گونه اقدامات بود. نگاهی به

روزنامه های آن دوران نشان خواهد داد که چگونه این اراذل و اوباش در تهران و شهرستان ها به طور منظم و سازمان یافته و به دفعات به چنین اقداماتی دست می زدند.(۱)

گازیوروسکی در کتاب «سیاست خارجی آمریکا و شاه»، به قرار گرفتن فعالیت و اقدامات حزب پان ایرانیست در راستای خواست های دو کشور بریتانیا و آمریکا در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق که نهایتاً به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انجامید، چنین اشاره کرده است:

در سال ۱۹۴۸ سیا عملیاتی را با نام رمز بدامن (Bedamen) آغاز کرد که برای تضعیف شوروی و حزب توده در ایران طرح ریزی شده بود. گرچه بدامن اساساً یک عملیات تبلیغاتی بود ولی از اوایل دهه ۱۹۵۰ عملیات جاسوسی مخفی را نیز دربر گرفت... مأموران سیا مقاله ها و کاریکاتورهای ضدکمونیستی را در روزنامه های ایران به چاپ رساندند، شایعه پراکنی آغاز شد. همین که در اوایل دهه ۱۹۵۰ حزب توده بار دیگر سر برآورد عملیات بدامن نیز دست به اقدام سیاسی پنهانی زد. حمله به همدستان شوروی اساساً شامل استخدام ولگردهای کوچه و خیابان برای بر هم زدن گردهمایی های

حزب توده و دادن پول به گروه های ضدکمونیستی از جمله حزب پان ایرانیست و حزب سومکا بود که معمولاً با گروه های توده ای در خیابان ها به زد و خورد می پرداختند. برنامه بدامن به گونه ای به کار رفت که پایگاه مردمی جبهه ملی را متزلزل کرد. تلاش هایی در راه جداسازی حزب زحمتکشان و حزب پان ایرانیست از مصدق و ایجاد شکاف در این سازمان ها انجام شد. بر پایه گفته یک افسر سیا سفارت آمریکا در تهران به یک مغز اندیشمند مرموز اشاره می کند که پان ایرانیست ها را رهنمود می داد و احتمالاً ـ این فرد رئیس برنامه بدامن نیز بوده است. در این زمان سیا کار از میان برداشتن مصدق را از راه شبکه بدامن آغاز کرده بود. اعضای سیا شرکت کننده در این برنامه فعالیت های مربوطه را یک برنامه هماهنگ شده بی ثبات سازی و تلاش همه جانبه به شمار می آوردند... نقش سیا در سازمان دادن گروه توده ای قلابی که نقش مهمی در کودتا بازی کرد در مصاحبه های محرمانه من با دست کم

ص:۴۷

---

۱- مصدق، دولت ملی و کودتا، به کوشش عزت الله سحابی، صص ۱۳۴-۱۳۲. نیز نک: سازمان های متشکله اتحاد نیروهای جبهه ملی، صص ۲۷-۲۶.

پنج افسر بازنشسته سیا مورد تأیید قرار گرفت. حزب توده پس از آنکه دریافت گروهی قلابی به نام آن حزب برای تحریک به خیابان ها آورده شده اند گروه ها

و دستجات خود را از خیابان ها بیرون آورد. چند تن از منابع گفتند که نرن و سیلی احتمالاً افراد تماس خود با رهبران پان ایرانیست را برای بسیج بخشی از جمعیت مزبور به کار گرفته اند. این موضوع با مشاهدات کارکنان سفارت آمریکا مطابقت دارد که گفتند جمعیت مزبور شامل ترکیبی غیرعادی از پان ایرانیست ها و اعضای حزب توده بود. [در آستانه سقوط دولت مصدق] تظاهرکنندگان به طرفداری از زاهدی شامل اعضای حزب سومکا و پان ایرانیست بودند.(۱)

## پس از کودتا

بدین ترتیب شواهد و قراین موجود از مشارکت پیدا و پنهان حزب پان ایرانیست در پروژه توطئه گرانه ای حکایت می کند که تحت هدایت سرویس های اطلاعاتی و دستگاه های بریتانیا و آمریکا و عوامل داخلی آنها نهایتاً کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را رقم زد و به سقوط دولت دکتر محمد مصدق انجامید.(۲) سندی که در پی می آید و متن تلگرام سرپرست حزب پان ایرانیست در رامهرمز خطاب به نخست وزیر رژیم کودتا در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۳۲ است، به خوبی گویای موضع این حزب در برابر تشکل های حامی مصدق و نیز در برابر رژیم کودتاست:

جناب آقای نخست وزیر، تهران، کپیه اهواز، جناب تیمسار فرماندهی معظم لشکر، کپیه ریاست محترم شهربانی اهواز

توده ای های بی دین و توده ای های بی وطن و اخلالگران حزب ایران به کمک مستقیم رئیس شهربانی، افراد ما را می زنند، می کشند و مستانه عربده می کشند. به حزب ما حمله کردند، افراد ما را کتک زدند، رئیس شهربانی توده ای ها را آزاد و افراد ما را در خود شهربانی شخصاً کتک کاری و الآن آنها را زندان کردند. چون برای ما طاقت فرسا است به داد ما برسید، به تجاوزات رئیس شهربانی و حامیان توده ای و حزب ایران پایان بدهید. تا حصول نتیجه



---

۱- مصدق، دولت ملی و کودتا، به کوشش عزت الله سحابی، صص ۱۴۰ و ۱۷۴-۱۶۹ و ۱۸۲ و ۱۸۸-۱۸۷.

۲- البته دولت دکتر مصدق نیز در آن سال ها بسیار پراشتباه عمل کرد و در اینجا تأکید بر اقدامات و وابستگی های پان ایرانیست ها دلیل بر برائت دولت مصدق از خطاها و کژروی ها نیست.

حتی اگر سال ها به طول انجامد، تمام افراد حزب ما در تلگراف خانه متحصن هستند.(۱)

در سال های آینده حزب پان ایرانیست پا به پای رژیم، کودتای ۲۸ مرداد را «قیام ملی» می خواند؛ و هر سال به مناسبت آن روز، در روزنامه ارگان حزب و جلسات و سخنرانی های کارگردانان حزب مطالبی در تجلیل از کودتا اظهار می شد.(۲)

رژیم کودتا از عملکرد حزب پان ایرانیست راضی بود؛ اما دو تشکل دیگر پان ایرانیستی، سازمان پان ایرانیست و حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم، به سرعت مورد هجوم حکومت کودتا قرار گرفته و رهبران و اعضای برجسته آنها دستگیر و روانه زندان شدند که نشان می داد، اینان از مخالفت با دربار و کودتاگران خارجی عدول نکرده اند. اما تشکیلات و مراکز حزب پان ایرانیست در تهران و سایر شهرهای کشور گویا از هجوم حکومت کودتا مصون ماند، و کسی هم متعرض پزشکپور و دیگر کارگردانان این حزب نشد. ناصر انقطاع

که در جای جای کتاب خود از ارتباط پنهانی پزشکپور با عوامل اطلاعاتی بریتانیا و نیز دربار سخن به میان می آورد، معلوم نیست چرا «شگفت آور» می داند که پس از کودتا «پزشکپور و یارانش از بازداشت و پی جویی برکنار ماندند».(۳) برخی اسناد از دستگیری و آزادی سریع پزشکپور طی همان روزهای پس از کودتا سخن به میان آورده و با اذعان به همراهی و هم رأیی او با حکومت کودتا و دربار تصریح می کنند که همین مشی پزشکپور باعث شد بسیاری از اعضای حزب پان ایرانیست در تهران و دیگر شهرهای کشور ارتباط خود را با حزب فوق قطع کرده و به حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم و احیاناً دیگر احزاب و گروه های مخالف حکومت بپیوندند.

پزشکپور تا مدت ها ترجیح داد و یا ناگزیر بود که از فعالیت های سیاسی و حزبی کناره گیری کند. این مشی و موضع گیری پزشکپور و دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست، البته سوءظن و خشم اعضای صدیق حزب را از رهبری آن بیش از پیش شدت بخشید که اینک آشکارا در ردیف حامیان حکومت کودتا قرار می گرفتند.(۴) با گذشت زمان، افرادی از



---

۱- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، ص ۱۶۵.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۸۳ و ۸۵.

۴- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران، صص ۱۹۷-۱۹۶. روح الله بهرامی، فعالیت های سیاسی - اجتماعی نخشب به روایت اسناد، ص ۱۳۵. اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، ج ۳، صص ۱۴۸۱-۱۴۸۰.

دستگاه رهبری و کارگردانی حزب پان ایرانیست ارتباط نزدیکتری با محافل سیاسی و اطلاعاتی دولت های پس از کودتا و نیز دربـار پیـدا می کردنـد و در همـان حـال نظر مساعـد شـاه برای بهره گیری از حضور و فعالیت این حزب در فضای اجتماعی و سیاسی مطلوب او بیشتر جلب می شد.(۱)

شواهدی هم وجود دارد که حکومت کودتا و فرمانداری نظامی تا اطمینان یافتن از وفاداری حزب پان ایرانیست به نظم سیاسی جدید و رفع سوءظن از دسـتگاه رهبری و اعضای برجسـته حزب، آمد و شدها، جلسات و گفتگوهای محرمانه آنان را تا ماه ها تحت مراقبت داشت و در همین راسـتا منـازل برخی رهبران این حزب مورد بازرسـی قرار گرفت و تعـدادی از صـحنه گردانان حزب به فرمانداری نظامی جلب و بازجویی شدند. با این حال

اتهام و جرم سنگینی متوجه آنان نشد.(۲)

همچنانکه مطلوب حکومت کودتا بود، حزب پان ایرانیست مـدت ها فعالیتی نداشت؛ تا جایی که به نظر می رسـید تشـکل پان ایرانیستی تحت هدایت پزشکپور به تدریج به دست فراموشی سپرده می شود. در این برهه تنها تشکل پان ایرانیستی مورد اعتنا، حزب ملت ایران بر بنیـاد پـان ایرانیسم بـود که داریـوش فروهر آن را رهـبری می کرد و به دلیـل تـداوم مخـالفت بـا حکـومت همواره تحت مراقبت دستگاه های اطلاعاتی و انتظامی قرار داشت.(۳)

برخی منابع از همکاری پزشکپور و اعضایی از حزب پان ایرانیست او با نیروهای انتظامی و فرمانداری نظامی در مقابله قهرآمیز بـا تظـاهرات و اعتراضـات نهضت مقاومت ملی در سال های پس از کودتا سـخن به میان می آورنـد. از جمله این موارد هنگام برگزاری میتینـگ بزرگ نهضت مقـاومت ملی در اعتراض به تصویب قرارداد کنسرسـیوم بود که این گردهمایی گویا «توسـط دار و دسـته جمعیت جوانمردان (چاقوکشان و فاحشه های تهران) و حزب پان ایرانیست محسن پزشکپور با حمایت علنی پلیس و فرمانداری نظامی تهران به



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، ص ۱۳۵.

۲- اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، ج ۳، صص ۱۴۸۱-۱۴۸۰.

۳- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۶، صص ۲۹۶-۲۹۱.

خاک و خون کشیده شد».(۱)

همچنـان که اسـناد بعـدی سـاواک نشـان می دهـد، از همـان اوان تشـکیل حزب پـان ایرانیست در سال ۱۳۳۰، مـأموران واحد اطلاعات حزب توده- که زیر نظر سازمان نظامی این حزب فعالیت می کرد- در پوشـش های مختلف در میان پان ایرانیست ها و البته دیگر احزاب و گروه هـای سیاسـی مخـالف نفوذ کرده و این رونـد تا هنگام کشف سازمان نظامی حزب توده و احتمالاً متلاشی شدن واحد اطلاعات آن طی سال های ۱۳۳۴-۱۳۳۳ ادامه داشت.(۲) در طول دهه ۱۳۳۰ و پس از آن، برخی اعضای حزب پـان ایرانیسـت و دیگر تشـکل هـای پـان ایرانیسـتی به حزب تـوده و گروه هـای چپ گرویدنـد و گروهی هم خـود را با تمایلات تشکل های نزدیک به جبهه ملی سازگارتر کردند.(۳)

در طول سـال هـای میانی دهه ۱۳۳۰ رژیم کودتـا هنـوز آمـادگی نـداشت به احزابی نظیر حزب پـان ایرانیست مجوز گسـترش فعالیت بدهـد و این در حالی بود که رهبری این حزب در ردیف وفاداران به حکومت به شـمار می آمد. در آن برهه حکومت در حـال بررسـی طرح تأسـیس احزابی سـر به راه تر بود و می ترسـید بـا تجدیـد فعـالیت احزابیماننـد حزب پـان ایرانیست که رهبران آن به رغم اعلام وفاداری هنوز در سلک معتمدین وارد نشده بودند، مهار فضای سیاسی و اجتماعی کشور بار دیگر از دست حاکمیت خارج شود.

در این برهه حزب پـان ایرانیست نه رسـماً بلکه عملاًـ فعـالیتش متوقف شـده بود و به ویژه اعضـای میانی و عادی این حزب در تهران و دیگر شهرهای کشور به تدریج حضور خود در این حزب را پایان یافته تلقی می کردند. با این حال محسن پزشکپور و معـدودی دیگر از اعضای شـناخته شـده تر این حزب در تهران هر از گاه آمـد و شدهایی با یکدیگر داشـتند که البته دیگر نام آن، فعالیت سیاسـی و حزبی نبود. برخی اعضای قدیمی این حزب گفته اند، در آن سال ها پزشـکپور حزب پان ایرانیست را به صورت خانقـاه درآورده بود و این خود بیش از پیش بر گستره یـأس و سـرخوردگی اعضـا و هواداران آن دامن می زد. بـدین ترتیب، حزب پان ایرانیست از همان مسیر نه چندان قابل قبول حزبی و سیاسی پیشین هم بسیار



---

۱- رسول مهربان، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری و انقلابی ایران، ص ۱۳۰.

۲- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۶، صص ۲۰۷-۲۰۵.

۳- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۸، صص ۳۳۸-۳۳۴. خانبابا تهرانی، پیشین، ص ۳۵۴.

گرفته بود.

در سال ۱۳۳۷ شاهد فعالیت «انجمن هنری و ادبی آناهیتا» هستیم که ساواک آن را «وابسته به حزب پان ایرانیست» و امیر بهزادی از «اعضای برجسته حزب پان ایرانیست» را رئیس آن انجمن ذکر نموده است. درباره گستره و کیفیت فعالیت این انجمن که ساواک هم پیدا و پنهان آن را مراقبت می کرد، اطلاعات بسنده ای وجود ندارد. همچنانکه اسناد ساواک نشان می دهد جز برگزاری برخی مراسم جشن و سرور در مناسبت های گوناگون و احیاناً ارائه سخنرانی های کم محتوا فعالیت قابل ذکر دیگری بر آن مترتب نشد.(۱) در همان سال ۱۳۳۷ سخن از تشکیل «جمعیتی به نام انجمن آتشکده به رهبری [محسن] پزشکپور» در میان بود که علاوه بر اعضای حزب پان ایرانیست افرادی از حزب ایران هم در نشست های آن شرکت می کردند. با توجه به اینکه گزارش ساواک پیرامون فعالیت

«انجمن هنری و ادبی آناهیتا» تاریخ نهم اسفند ماه ۱۳۳۷ را بر پیشانی دارد، گمان می رود «انجمن آتشکده» که احتمالاً از اواخر سال ۱۳۳۶ فعالیتش را آغاز کرده بود، بعدها و حداقل از اواخر سال ۱۳۳۷ با عنوان جدید «انجمن هنری و ادبی آناهیتا» به کار خود ادامه داده باشد. اسناد موجود پیرامون چند و چون و نیز گستره زمانی فعالیت هیچ یک از این دو انجمن و جمعیتی که با مدیریت محسن پزشکپور و عمدتاً با حضور اعضای حزب پان ایرانیست جلساتش را ترتیب می داد، اطلاعات قابل اعتنایی ارائه نمی دهند.(۲)

در حالی که دو حزب حکومت ساخته مردم و ملیون از همان آغاز مورد بی اعتنایی مردم قرار گرفتند و این موجب نگرانی حکومت به ویژه حامیان سلطه جوی خارجی آن بود، رژیم کودتا تصمیم گرفت تا با اجازه فعالیت محدود به چند حزب و تشکل کوچک و در عین حال وفادار که در هر حال قادر به جلب نظر مساعد مردم هم نباشند، چنان وانمود سازند که نظام سیاسی حاکم، فضای سیاسی و اجتماعی کشور را برای حضور و مشارکت عموم مردم آماده ساخته است. در این طرح که تقریباً از اواسط سال ۱۳۳۶ و با کارگردانی افرادی مانند اسدالله علم (دبیرکل حزب مردم) دنبال می شد، در نظر بود حزب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پـان ایرانیست تحت رهبری محسن پزشـکپور، حزب زحمتکشـان بقایی و احیاناً یکی - دو تشـکل غیرقابل اعتنای دیگر تقویت شده و اجازه فعالیت محدود به آنها داده شود. با این حال با آشـکار شدن زودهنگام ناتوانی مفرط این تشـکل ها در جلب نظر مساعـد مردم، موضوع تجدیـد فعالیت آنها در آن مقطع مسـکوت مانـد. عملکرد سوء این احزاب در سال های قبل از آن و نیز وفاداری رهبران و کارگردانان آنها به حکومت آشـکارتر از آن بود که بتوانند در راسـتای مقصود رژیم و نیز حامیان انگلیسی و آمریکایی آن گامی مؤثر بردارنـد و مردم را فریب دهنـد.(۱) رژیم، از این طرح پیشاپیش شـکست خورده هدف مهمتری را دنبال می کرد و آن جلوگیری از تجدید فعالیت پیدا و پنهان افراد، احزاب و گروه های سیاسـی و حزبی مخالف حکومت بود. گفتـه می شـد ایـن طرح از آن جهـت مـورد حمـایت دربـار و نیز سازمـان جدیدالتأسـیس سـاواک قرار گرفـت که حزب پـان ایرانیست، حزب زحمتکشان و

چنـد تشـکل مورد عنایت دیگر تجارب تقریباً موفقی در مقابله با مخالفان دربار طی حداقل یک سال قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انـدوخته بودنـد. هر چنـد در آن برهه فعـالیت حزب پـان ایرانیست، چنـدان محـل اعتنـا نبود، امـا همچنان به دسـتور شاه ساواک کمک های مالی درخوری به دستگاه رهبری آن کرد.(۲)

برهه دیگری که رژیم پهلوی در صـدد برآمـد حزب پـان ایرانیست را در راسـتای مقاصـد خود فعال کنـد، اواخر سال ۱۳۳۸ و اوایل سال ۱۳۳۹ بـود. در آن مقطع در پی سـرکوبگری هـای فزاینـده و ناکارآمـدی مفرط دولت و نیز سوء عملکرد دو حزب حکومت ساخته مردم و ملیون که با نگرانی و نارضایتی حامیان بیگانه حکومت هم مواجه شـده بود، مقـدمات ایجاد فضای باز سیاسـی در کشور فراهم آمد. به ویژه آمریکاییان نگران بودند با گسترش بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی راه نفوذ و سلطه کمونیسم و گروه های چپ در ایران باز شود. در چنین وضـعی احزاب و گروه هایی نظیر حزب ایران و شخصـیت های متمایل به جبهه ملی سابق امکان فعالیت نسبی پیـدا کردنـد و در حالی که مقدمات برگزاری انتخابات دوره بیسـتم مجلس شورای ملی در تابستان ۱۳۳۹ فراهم



---

۱- مظفر شاهدی، مردی برای تمام فصول: اسدالله علم و سلطنت محمدرضا پهلوی، صص ۳۳۷-۳۳۶.

۲- مارک ج. گازیوروسکی، پیشین، صص ۳۵۱-۳۵۰.

می شـد، جبهه ملی دوم تشـکیل و برخی افراد منتقد ولی وفادار به حکومت به انگیزه شـرکت در انتخابات در عرصه سیاسـی و اجتماعی کشور فعال شدنـد. به این دلیل، طرح تقویت و فعال ساختن حزب پان ایرانیست پزشـکپور در جایگاه یکی از تشـکل های وفادار به حکومت مورد توجه ساواک و تصـمیم سازان رژیم پهلوی قرار گرفت. برخی آگاهان از ارتباط نزدیک بعضـی از رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست با مقامات بلنـدپایه ساواک سـخن به میان آورده اند که برای اعتمادسازی و فراهم آوردن مقدمات و جلب رضایت شاه برای موافقت با تجدید فعالیت این حزب از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند.(۱)

در طول سال های دهه ۱۳۳۰ پاره ای از دانشـجویان و فعالان سیاسی ایرانی در خارج از کشور از ایده های سیاسی و سرزمینی پـان ایرانیست هـا طرفـداری می کردنـد و احیانـاً برخی از آنان رسـمی یا غیررسـمی، عضو و هوادار سیاسـی این حزب بودنـد. احتمالاً حزب ملت ایران

داریوش فروهر طرفـداران جـدی تری در میـان دانشـجویان و فعالاـن سیاسـی خـارج از کشور داشت. بـا این حـال هنگامی که کنفدراسـیون محصـلین و دانشـجویان ایرانی در اروپـا پس از یکی دو سال مقـدمه چینی در سال ۱۳۳۹ اعلام موجودیت کرد، افرادی از اعضا و هواداران حزب پان ایرانیست هم با آن همکاری می کردند و ظاهراً در آغاز امر نسبت به حاکمیت، نگرشی انتقادی داشـتند. دوری از فضای سیاسـی و اجتماعی ایران، خصایل دوران جوانی، عدم آگاهی دقیق از مشی نه چندان روشـن رهبری حزب و نیز فضای نسبتاً باز سیاسـی سال های ۱۳۳۹-۱۳۳۸ می توانست دلایـل این نگرش تقریباً انتقادآمیز دانشـجویان پـان ایرانیسـت عضـو کنفدراسـیون را توضـیح دهـد. بـا ایـن همـه، هر چـه زمـان بیشـتری سـپری می شـد پـان ایرانیسـت هـای کنفدراسیون از مشـی کلی این تشـکل دانشـجویی فاصله گرفته و ارتباطشان با آن به نقطه پایانی میل می کرد، تا جایی که در آغـازین سال های دهه ۱۳۴۰ حزب پـان ایرانیست بر مجموعه فعالیت ها، خط مشـی و عملکرد دانشـجویان عضو این حزب در خارج از کشور (در چارچوب اهداف و خواست های رژیم پهلوی) تسلط کاملی پیدا کرد.(۲)



---

۱- حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی: ۱۳۶۸-۱۳۲۰، ص ۳۰۸. ناصر انقطاع، پیشین، صص ۱۳۶-۱۳۵.

۲- مهدی خانباباتهرانی، پیشـین، ص ۲۵۷. مطالعات سیاسی، ج ۲، به کوشـش نادر توسلی، ص ۹۸. محمدعلی سفری، پیشین، ج ۴، صص ۷۵۹-۷۵۶. منوچهر آزمون به روایت اسناد ساواک، صص ۲۲۶-۲۲۵. چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۱، بخش ۱، صص ۴۶۹-۴۶۷. همان، ج ۱۲، صص ۲۳۸-۲۳۵.

## انقلاب سفید

به رغم تمـام پرده پوشـی ها و تلاش هایی که صورت می گرفت تا برنامه های اصـلاحی اواخر دهه ۱۳۳۰ و آغازین سال های دهه ۱۳۴۰ را ابتکارات شـخص شاه قلمداد کند، همگان می دانستند که انقلاب سفید شاه پروژه ای آمریکایی و شاه ناگزیر از اجرای آن بـود. بخشـی از این پروژه هـدف مبـارزه و مقـابله بـا حزب توده، کمونیسم و جلوگیری از نفوذ و سـلطه شوروی در ایران را دنبـال می کرد و از میـان برداشـتن و منزوی سـاختن دیگر احزاب، گروه هـا و اقشـار گسـترده مردم کشور که بـا رژیم پهلوی مخـالفت می کردنـد، دیگر مقصود نانوشـته آن بود. در برهه دشوار نخست وزیری هشداردهنـده دکتر علی امینی، شـاه فرصت یـافت تـا به حامیان آمریکایی خود ثابت کنـد بهتر از هر کس دیگری خواهـد توانست برنامه های اصـلاحی موسوم به انقلاب سـفید را مـدیریت و هـدایت کنـد. در همین دوران فرصتی هم برای توجه دوباره و جـدی تر رژیم پهلوی به حزب پان ایرانیست و لزوم تجدید

فعالیت آن فراهم شـد. حزب پان ایرانیست و پان ایرانیست ها به دلیل سابقه طولانی مخالفت و مقابله با حزب توده طی دو دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰، در برهه حساس اخیر احتمالاً بیش از هر گروه سیاسـی و حزبی دیگری می توانستند نقش سوپاپ اطمینان را بر عهـده بگیرنـد و در جایگـاه یـک حربه تبلیغـاتی قابـل اعتنـا نگرانی آمریکاییان را از خطر نفوذ حزب توده و کمونیسم کاهش دهنـد. بر همین اسـاس بـا فراهم شـدن مقـدمات اعلام حضور حزب پان ایرانیست در عرصه سیاسـی و اجتماعی کشور، ترتیبی داده شد تا با توافق و هماهنگی مسئولان امر در ساواک، شعب این حزب در مناطق کارگری کشور نظیر خوزستان تقویت شود و در دیگر مناطقی که گمان می رفت به رغم تمام سرکوبگری ها هنوز حزب توده و اندیشه کمونیسم حامیانی دارد حزب پان ایرانیسم به فعالیت بپردازد.(۱) ساواک برای ارزیابی موقعیت اعضا و توان حزب پان ایرانیست اجازه داد این حزب در فروردین ماه ۱۳۴۰ کنگره ای بر پا کند.(۲)

تحولات بعدی نشان داد، وظیفه حزب پان ایرانیست در این برهه، صرفاً در مقابله و

ص:۵۵

---

۱- مظفر شاهدی، حزب رستاخیز؛ اشتباه بزرگ، ج ۱، صص ۱۱۰-۱۰۹.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مبارزه بـا حزب توده و گروه هـای چپ و کمونیستی خلاصه نشـده و دامنه آن به مخالفت و برخورد با دیگر گروه ها و اقشار مخالف حکومت نظیر اسلامگرایان و جبهه ملی نیز باید سرایت می کرد. بدین ترتیب در این فضای جدید، حزب پان ایرانیست از یک سو به تمجید و تحسین شاه پرداخته و از سوی دیگر مخالفان و منتقدان داخلی و خارجی آن را به باد حمله و انتقاد می گرفت. برای یک دست تر شـدن دسـتگاه رهبری حزب و تفوق بدون شائبه و دائمی محسن پزشـکپور و جناح نزدیک به او بر آن، تمهیـداتی فراهم شـد تـا در کنگره چهـارم حزب، شورای رهبری منحـل شود و رهبری حزب به یک نفر که همانا محسـن پزشکپور بود واگذار گردد.(۱)

در همان آغاز دهه ۱۳۴۰ دربار انتظار و توقع فوری تری هم از حزب پان ایرانیست داشت و آن مخالفت و انتقاد از دولت علی امینی بود که بـا فشار آمریکاییان به شاه تحمیل شـده بود. اسـناد موجود نشان می دهـد کارگردانان و اعضای تأثیرگـذارتر این حزب در

جلسـات و گردهمـایی هـای خود، علی امینی را متهم می کردنـد ارتبـاط خود را بـا ملت ایران گسسـته و بـا نقض آزادی های سیاسی و اجتماعی مردم کشور در راستای اهداف و خواست های بیگانگان حرکت می کند.(۲) اداره کل سوم ساواک در آن زمان سخت مراقب بود حزب پان ایرانیست در چارچوب های تعیین شده مطلوب حاکمیت عمل کند.

به خواسـته دربار، و نه دولت، در دوره نخست وزیری علی امینی حزب پان ایرانیست در جرگه حامیان و مدافعان جبهه ملی در آمـد که از مـدت ها قبل و با پادرمیانی افرادی نظیر اسدالله علم با دربار بر ضد نخست وزیر وقت متحد شده بود و به طمع خام مواعیـد شاه برای اعطای مقام وزارت و یا حتی نخست وزیری، مخالفت و انتقاد از امینی را پیشه خود ساخته بود.(۳) جبهه ملی که اینک در زمره علاقه منـدان حزب پان ایرانیست قرار گرفته بود، از ماه های پایانی دولت دکتر مصـدق این حزب را به دلیل ارتباطات مشـکوکش با دربار، رکن ۲ سـتاد ارتش و احیاناً محافـل اطلاعاتی بیگانه طرد کرده بود. در سال های پس از کودتا هم حزب پان ایرانیست نسبت به نهضت مقاومت ملی نگرشی انتقادآمیز اتخاذ کرده



---

۱- علی اکبر رزم جو، پیشین، صص ۸۶-۸۴.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- مظفر شاهدی، مردی برای تمام فصول، صص ۳۹۴-۳۸۲.

بود و در جریان تشکیل جبهه ملی دوم در واپسین سال های دهه ۱۳۳۰ هم نامی از آن در میان نبود. جالب تر آنکه حزب پان ایرانیست برخلاف موضع بعدی خود در دوران نخست وزیری اسدالله علم، از علی امینی انتقاد می کرد که از برگزاری انتخابات جلوگیری کرده و با طرح انجمن های ایالتی و ولایتی قصد دارد روحیه تجزیه طلبی را در کشور تقویت کند.

گزارش ساواک به تاریخ بیست وپنجم آذر ۱۳۴۰ از اظهارات محمدرضا عاملی تهرانی نفر دوم حزب پان ایرانیست در کنفرانس عمومی این حزب در بیستم آذر ۱۳۴۰ در دفتر وکالت محسن پزشکپور خواندنی است:

از ۲۰۰ سال پیش دول همسایه ایران یعنی شوروی و انگلیس نقشه تجزیه ایران را کشیدند و بعد از معاهده ننگین ترکمنچای

و گلستان دولت روس چشمش به آذربایجان بود تا اینکه در ۱۳۲۴ غائله آذربایجان را به وجود آورد و این خود آغاز تجزیه ایران بود و اکنون دولت وقت (دولت دکتر امینی) با عنوان انجمن ایالتی و ولایتی تصمیم دارد که این بار به کلی ایران را به قسمت های مختلف تجزیه نماید و هیأت حاکمه چون می داند که دیگر دوران آقایی او بر این ملت زجردیده پایان یافته و اگر انتخابات آزادی شروع شود دیگر جبهه ملی ایران و طبقات روشنفکر هرگز به وکلای سابق اجازه انتخاب شدن را نمی دهند و آنها نمی توانند تحت عنوان وکیل بودن هر عمل خلافی را چه از جهت سیاسی و یا اقتصادی مرتکب شوند (مانند رئیس مجلس سابق سردار فاخر حکمت که یک فروشنده و واردکننده هروئین می باشد) بنابراین تصمیم دارند که به عنوان انجمن های ایالتی و ولایتی ایران را تجزیه نموده تا هر کدام در یک ایالت علم خودمختاری را برانگیزند ]برافرازند[ و من در اینجا به طبقه روشنفکر این ملت اخطار می کنم دولت امینی تصمیم گرفته با جبهه ملی و به خصوص با دانشگاه و طبقه روشنفکر ملت ایران سخت مبارزه کند و دلیل محکم این موضوع نیز طومارهایی است که از طرف

انجمن های محلی هر روز در صفحات آخر روزنامه کیهان و اطلاعات به چاپ می رسد که تمام این طومارها به یک انشاء نوشته شده و من نمی دانم انجمن محلی که باید درباره آسفالت خیابان و جوی ها کار داشته باشد چه کار به دانشجویان دارد و جبهه ملی ایران تا خط مشی مبارزه را معلوم نکند و نامی روی خود نگذارد او را به عنوان حزب توده می بینند ولی وقتی مثلاً تحت عنوان ناسیونالیسم

مبارزه ای پیگیر آغاز نماید دیگر کسی نمی تواند لکه چپی بودن را به آنها ببندد.(۱)

مخالفت حزب پان ایرانیست با دولت علی امینی تا هنگام برکناری او ادامه یافت و اعضای نه چندان قابل توجه این حزب در جلسات، گردهمایی ها، تظاهرات و تحرکات ضددولتی دانشگاهیان و دانشجویان و دیگر محافل مخالف امینی حضور فعالی داشتند. اسناد موجود حکایت از آن دارد که روش و اقدامات حزب پان ایرانیست در دوران نخست وزیری علی امینی سخت نظر مساعد شاه را به خود جلب کرده بود و به تبع آن انتظار می رفت با آغاز نخست وزیری اسدالله علم این حزب از موقعیت مطلوب تری در چشم حاکمیت برخوردار شود. در آن برهه حزب پان ایرانیست و رهبری آن، چنان خود را به دربار نزدیک کرده بود که داریوش فروهر برای در امان نگه داشتن حزب خود از پیامدهای این ننگ مجبور شد پسوند «بر بنیاد پان ایرانیسم» را از «حزب ملت ایران» بردارد تا میان خود و پان ایرانیست های تحت هدایت پزشکپور خط کشی کند.(۲)

با آغاز نخست وزیری اسدالله علم، جبهه ملی به تدریج مورد بی توجهی حکومت و

دولت واقع شد و مغبون از تحولات چندین ماهه اخیر، مأیوسانه در صف مخالفان حاکمیت قرار گرفت. حزب پان ایرانیست هم در راستای خواست حکومت بار دیگر در صف منتقدان جبهه ملی به تأیید سیاست های دولت جدید پرداخت که به سرعت در حال آماده ساختن مقدمات اعلام برنامه های اصلاحی موسوم به انقلاب سفید (انقلاب شاه و مردم) بود. در این زمان حزب پان ایرانیست با نظارت و مراقبت ساواک اجازه یافت کنگره دیگری برپا کند تا ضمن تأکید مجدد بر تداوم رهبری محسن پزشکپور بر حزب، موضع خود را در قبال تحولات جدید، احزاب و گروه های سیاسی مخالف و موافق حکومت و دیگر مسائل مبتلابه، تصحیح و تصریح کند. ساواک در بیست وچهارم شهریور ۱۳۴۱ در این باره گزارش کرده است:

طبق اطلاع واصله از طرف حزب پان ایرانیست به رهبری محسن پزشکپور در مورد تشکیل کنگره حزب مزبور که قرار بوده روز ۲۲/۶/۴۱ انجام گیرد بخشنامه ای به عنوان مسئولین

ص:۵۸

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست) جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۴۶. سیدحسن تقی زاده به روایت اسناد ساواک، صص ۱۴۴-۱۴۳.

شهرستان ها صادر شده است مبنی بر اینکه طبق پرسشنامه های ارسالی افرادی که حق شرکت در کنگره را دارند بایستی تا روز ۲۲/۶/۴۱ خود را به بخش تدوین برنامه و کنگره حزب معرفی تا محل تشکیل کنگره به آنها اطلاع داده شود. ضمناً برنامه ای که تاکنون جهت کنگره از طرف حزب پان ایرانیست در نظر گرفته شده است به شرح زیر می باشد:

۱- گزارش یک ساله کار حزب توسط دبیر مسئول (محسن پزشکپور) و کمیته عالی رهبری که تعدادشان ۹ نفر است.

۲- تعیین خط مشی آینده حزب (که برنامه ای

است در حدود سی و چند ماده).

۳- تصویب برنامه آینده حزب توسط کنگره.

۴- روشن نمودن وضع حزب و نحوه فعالیت آن در مقابل جبهه ملی و احزاب دیگر.

۵- روشن شدن وضع حزب از لحاظ قوه فعالیت (آشکارا یا زیرزمینی).

۶- انتخاب اعضای کمیته رهبری.(۱)

از قطعنامه تصویبی کنگره فوق چنین برمی آید که حزب پان ایرانیست با تضمین حرکت در راستای سیاست ها، خواست ها و مقاصد رژیم پهلوی اجازه یافته بود به تدریج دامنه فعالیت های خود را در کشور گسترش داده و در مقابل مخالفان و منتقدان حکومت بایستد. در این قطعنامه هشت ماده ای که در بیست وپنجم شهریور ۱۳۴۱ از سوی کنگره تأیید شده است چنین می خوانیم:

۱- خط مشی آینده بر روی ناسیونالیزم.

۲- مبارزه عمیق با هرگونه نفوذ کمونیست ها و مارکسیست ها.

۳- مبارزه با هرگونه استعمار فرهنگی و اجتماعی به هر گونه که در ایران بروز کند.

۴- ایجاد تشکل کامل در حزب و اتخاذ روش های مستقل حزبی در مقابل هر گونه دستجات ملی.

۵- حزب ملی است و حق استفاده از کلیه قوانین موجود را دارا می باشد.

۶- تهیه و اقدام مقدماتی برنامه ساده

پان ایرانیستی برای مبارزه علنی.

۷- تغییر در اساسنامه برای تشکیل کنگره از شهریور به مردادماه.

۱- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۴۴۳.

۸- اگر کمیته تا سه ماه تشکیل جلسه نداد کنگره می تواند نسبت به کلیه افراد منتخب مجدداً تشکیل و اعضای جدیدی را به جای آنها انتخاب نماید.(۱)

## تکامل انقلاب مشروطیت!

در ادامه تأیید همه جانبه از رژیم شاه محسن پزشکپور پس از برگزاری همه پرسی در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱، تأکید کرد که «ششم بهمن نقطه عطفی در تاریخ ایران است که انقلاب مشروطیت را کامل کرد». این اظهارات پزشکپور دقیقاً تکرار سخنان شاه درباره انقلاب سفید بود.(۲) کمیته عالی رهبری حزب پان ایرانیست در بیست و هفتم دی ۱۳۴۱ در اعلامیه ای تصریح کرد، در رأی گیری شرکت کرده و «در امر تصویب ملی پاسخ آری خواهد داد». چند روز پس از برگزاری رفراندوم هم در بیانیه ای شادمانه اظهار داشت که «حزب ما نخستین سازمان سیاسی کشور بود که صریحاً در مورد امر تصویب ملی نظر خود را ابراز نمود». در بیانیه حزب آمده بود:

از آنجا که ما پان ایرانیست ها جز به مصالح ملت خود نمی اندیشیم و جز اصیل دانستن خواسته های ملت ایران و بزرگداشت روش هایی که ملت ایران را به آرمان های تاریخی و اجتماعی خود نزدیک می کند اتخاذ شیوه و روشی دیگر را جایز

نمی دانیم. در هر هنگام با هر ندا و هر آهنگ و اقدامی که ملت ایران را حتی برای یک گام به آرمان های تاریخی و اجتماعی خود نزدیک کند هم صدا و هم آهنگ می گردیم.

حزب پان ایرانیست در بهمن ماه ۱۳۴۵ جزوه دیگری پیرامون انقلاب به اصطلاح سفید شاه با عنوان «رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاه ایران»، منتشر کرد و از آن واقعه به عنوان «رستاخیز شاه و مردم» نام برد. نویسنده این جزوه، محمدرضا عاملی تهرانی بود. در این جزوه، اتهامات شاه به علمای اسلام و مخالفان انقلاب سفید عیناً تکرار شده بود:

این ادعا نیست، حقیقت و واقعیت است، که حزب پان ایرانیست، از میان احزاب آشکار و غیرآشکار، تنها حزبی بود که به محض اعلام مراجعه به آراء عمومی برای انجام تحولات



---

۱- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۴۴۴.
۲- مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ج ۱۲، ص ۲۱۱.

بزرگ اجتماعی ایران، از سوی «شاهنشاه ایران زمین» پاسخ آری داد و در روز ششم بهمن ماه، صفوف رزمندگان آگاه دل پان ایرانیست در «تصویب ملی» شرکت کردند و انجام چنین تحولاتی عظیم و آزادگی بخش را تأیید نمودند. چرا؟ چرا حزب پان ایرانیست، بدون هیچ گونه تردید و تأمل، به ندای شاهنشاه پاسخ آری داد؟

پاسخ بدین پرسش است که ریشه های عمیق رستاخیز ششم بهمن ماه را آشکار می سازد و هدف های شکوهمندی را که نهضت معطوف به آن است آشکار می کند و مبارزه بزرگ و طولانی را که نژاد ایرانی برای رسیدن به

آرمانهای شامخ این نهضت در پیش دارد روشن می سازد.

برای انجام این بررسی باید به وضع اجتماعی و سیاسی ایران و نژاد ایرانی، به هنگام اعلام «تصویب ملی» آگاه گردیم. ملت ایران در قید اسارت نظامات فاسد حاکمه ای قرار داشت که مولود یکصد و پنجاه سال سیاست های استعماری و ضدایرانی بود.

«قیام شش بهمن»، رستاخیز پرشکوه تاریخ ایران زمین برای شکستن این زنجیرهای بردگی بود، بدین خاطر این قیام برپا گردید که نظامات فاسد حاکمه را در هم بکوبد و به بردگی و استعمارزدگی نژاد ایرانی پایان دهد.(۱)

فئودالیسم افکار و اندیشه های اکثریت قریب به اتفاق مردم این سرزمین را نیز در زیر شلاق می گرفت و اسیر و برده می ساخت.

از سوی دیگر عمال ارتجاع سیاه به صورت بخشی از رژیم ارباب و رعیت وظیفه بردگی فکری و روانی مردم ایران را به عهده داشتند، آنها بر سر سفره هر خان یغماگر

و هر فئودال ستمگر نشسته بودند.

رژیم ارباب و رعیتی و رژیم خان گری، ارتجاع سیاه را مسند و بارگاه داده بودند. در هر روستا و میان هر ایل و عشیره، برای او کرسی قدرت گذارده بودند، او نیز وظیفه افسون اندیشه ها و افکار را به عهده داشت. او نیز از لزوم تبعیت مردم میهن ما از رژیم بردگی سخن می گفت، او زنجیرهای بردگی را موهبت خداوندی معرفی می کرد و هر گونه کوششی را



---

۱- انقلاب ششم بهمن رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران، حزب پان ایرانیست، بهمن ۱۳۴۵، صص ۷-۵.

برای رسیدن به آزادگی و دفاع از شرف خانوادگی و شرف ملی گناهی نابخشودنی می دانست!

بدینسان ارتجاع سیاه، دست در دست فئودالیسم و خان گری، برای غارت ملی و هستی و اندیشه و شرف ملت ایران می کوشیدند و صفی سیاه و نابکار برای بردگی ملت ایران به وجود آورده بودند.

لکن، اتحاد مثلث فئودالیسم، خان گری و ارتجاع سیاه، از سوی فئودالیسم اداری و سازمان های به اصطلاح قانونی نیز حمایت می گردید، همان قوانین و همان سازمان هایی که سیاست های استعماری و عوامل غارتگری و اتحاد سیاه مثلث فئودالیسم و خان گری و ارتجاع سیاه به

وجود آورده بودند.(۱)

حزب پان ایرانیست از یک سو «شاهنشاه» را به خاطر برپایی «رستاخیز ششم بهمن ماه» می ستود و از سوی دیگر خود را «تنها حزب وابسته به ملت ایران» قلمداد می کرد که گویی از بستر ناسیونالیسم ایران برخاسته و برای یگانگی و آزادگی نژاد ایرانی نبرد می کند.(۲)

حزب پان ایرانیست ضمن تقسیم انقلابات جهان به دو نوع سرخ و سفید، انقلاب سفید شاه را در محتوا بسیار اساسی تر از انقلابات رخ داده در گوشه و کنار جهان ارزیابی کرده و چاپلوسانه تنها دلیل «اساسی» بودن آن را به «هدایت بنیانگذار و رهبری کننده انقلاب» یعنی شخص شاه مربوط می دانست و تأکید می کرد، جز آن حزب هیچ گروهی، حتی کسانی که در رأس دولت عهده دار اجرای مفاد انقلاب سفید هستند، قادر نبوده و نیستند فلسفه وجودی و مبانی فکری و محتوای انقلاب سفید شاه را درک کنند:

اصالت یک انقلاب ملی در آن است که مبانی و اصول آن در سطحی هر چه گسترده تر نه تنها قابل درک باشد بلکه انبوه مردم بدان ایمان داشته باشند، آنان که به تعلیمات ناسیونالیسم آشنایی دارند می دانند که محال است مردم بتوانند به نوعی از اصول اجتماعی ایمان پیدا کنند، مگر آنکه آن اصول بر قوانین حیات ملی یعنی ناسیونالیسم تطبیق داشته باشد. علت آنکه باید گروهی هر چه بیشتر به مبانی انقلاب آشنا باشند آن است که

ص:۶۲

---

۱- انقلاب ششم بهمن رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران، حزب پان ایرانیست، بهمن ۱۳۴۵، صص ۱۰-۹.

۲- انقلاب ششم بهمن رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران، حزب پان ایرانیست، بهمن ۱۳۴۵، صص ۱۲-۱۱.

کادرهای رهبری انقلاب که در حقیقت ضامن پیروزی انقلاب می باشند باید بتوانند به

طور پیوسته و گسترده موجودیتشان ادامه و افزایش پیدا کند و انجام امر ادامه و افزایش میسر نخواهد بود مگر آنکه ذخیره مطمئنی برای آن وجود داشته باشد.

انبوه مردمی که به مبانی انقلاب ناسیونالیستی مؤمن باشند در حکم ذخیره ای است که رهبری انقلاب می تواند کادرهای خود را برای اجرای برنامه های انقلابی از میان آنها انتخاب نماید.

اگر این نیروی ذخیره به تعداد زیاد وجود نداشته باشد گسترش برنامه های انقلابی و ادامه آن در زمان های بعد میسر نخواهد گشت و ناگزیر انقلاب از دست بانیان آن خارج خواهد شد و به دست سایر عوامل زورمند اجتماع خواهد افتاد.

خصوصیت دیگر یک انقلاب اصیل آن است که بتواند از میان انبوه هواخواهان مؤمن کادرهای زبده و کارآمد خود را پرورش دهد، تا به دست آنان بتواند برنامه های لازم را پیاده کند.

هنوز آن دستگاهی که بتواند در سطح وسیع دانش ناسیونالیستی را گسترش دهد و پرورده های با ایمان خود را سازمان دهد و کادر اجراکننده و ادامه دهنده انقلاب ناسیونالیستی ایران را به وجود آورد، در کشور ما دیده نمی شود. تنها حزب

پان ایرانیست است که بدین وظیفه حساس و خطیر توجه دارد و کوشش های خود را در راه تحقق امر لازم به کار بسته است. حزب پان ایرانیست تجلیل از انقلاب ششم بهمن را به معنی دقیق آن به کار می برد. تجلیل واقعی از انقلاب آن است که مبانی ناسیونالیستی آن هر چه بهتر در سطحی هر چه گسترده تر تعلیم داده شود و زنان و مردان ناسیونالیست ایران زمین بسیج شوند تا کادر اجراکننده انقلاب را پدید آورند.

وجود چنین کادری که بر انبوه نیروهای ناسیونالیست اتکا داشته باشند بزرگ ترین ضامن پیروزی هدف های آینده انقلاب خواهد بود و برنامه حزب پان ایرانیست که همواره در جهت گسترش ناسیونالیسم ایران زمین بوده است از این پس معطوف پرورش، سازمان دادن و به کار بردن کادر انقلاب ناسیونالیستی ایران خواهد بود.(۱)



---

۱- انقلاب ششم بهمن رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران، حزب پان ایرانیست، بهمن ۱۳۴۵، صص ۳۸-۳۷ و صص ۴۵-۴۲.

## فصل سوم در راه اعتمادسازی (۱۳۴۶-۱۳۴۲)

### تجدید وفاداری و اجازه فعالیت

در کنـار دو حزب مردم و ایران نوین که به گونه ای دست آموزتر، سـیاست هـا و مقاصـد حـاکمیت و حامیـان خـارجی آن را دنبال می کردند، شاه بیشتر می خواست حزب پان ایرانیست با شکل و ظاهری مستقل بر مجموعه سیاست ها، اقدامات و موضع گیری هـای او صـحه نهـاده و مخالفان و منتقـدان سیاسـی اش را مورد حمله و انتقاد قرار داده و از نظام شاهنشاهی پهلوی دفاع کنـد. در آن زمان شاه از بابت هیـچ یک از مخالفان خود نگرانی نـداشت. حزب توده سـرکوب شـده بود؛ جبهه ملی سـکوت اختیار کرده بود و عملاً وجود خارجی نـداشت. تنها صـدای مخالف و البته شدیـداً نگران کننده صدای روحانیت بود. در آبان ۱۳۴۳، یـک سـال و نیـم پس از فـاجعه پـانزدهم خرداد و همزمـان بـا تبعیـد امـام خمینی، محسـن پزشـکپور و دو تـن دیگر از کارگردانـان حزب پان ایرانیست به حضور شاه «شـرفیاب» شدنـد. ساواک در بیست و پنجم آبان ۱۳۴۳ نتیجه این «شرفیابی» را چنین گزارش کرده است:

طبق اطلاع محسن پزشکپور، دکتر فضل الله صدر و دکتر عاملی که هر سه نفر از کارگردانان حزب پان ایرانیست می باشند به

یکی از دوسـتان خود اظهار داشـته انـد که روز جمعه گذشـته از ساعت ۱۰:۳۰ الی سـاعت ۱۲:۰۰ حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاه شرفیاب بوده اند و

ص:۶۵

مقرر گردیده تشکیلاتی به وجود آورده و علیه روحانیون و متعصبین مذهبی شروع به فعالیت و مبارزه کنند.(۱)

در همان روزها ساواک در گزارش دیگری طرح شاه برای مهار حزب جدیدالتأسیس ایران نوین و دولت حسنعلی منصور را مهم ترین دلیل موافقت شاه با تجدید و تقویت فعالیت حزب پان ایرانیست برمی شمارد. جالب تر آنکه علینقی عالیخانی، عضو پیشین انجمن و مکتب پان ایرانیسم در دهه ۱۳۲۰ که اینک به رغم نارضایتی ایران نوینی ها درکابینه وقت (حسنعلی منصور) وزیر اقتصاد شده بود، با اشاره شاه موظف شد در راه تقویت موقعیت حزب پان ایرانیست بکوشد. ساواک در بیست و هشتم آبان ۱۳۴۳ در این باره چنین گزارش کرده است:

حسن کرباسی یکی از بازرگانان بازار می گفت اعلیحضرت همایون شاهنشاه به محسن پزشکپور وکیل دادگستری و رهبر جمعیت پان ایرانیست ها اجازه داده اند به اتفاق دوستان خویش مجدداً سازمان سیاسی خود را تشکیل داده مرامنامه ناسیونال سوسیالیزم را در بین جوانان تبلیغ نمایند و دکتر عالیخانی وزیر اقتصاد نیز این دسته را تقویت خواهد کرد.

کرباسی اضافه کرده در بین بازاریان و

کسانی که از موضوع فوق مطلع شده اند چنین گفته می شود که اعلیحضرت همایون شاهنشاه مکتب حزب ایران نوین را کافی برای تقویت احساسات ملی مردم ندانسته اند و روی همین اصل به دسته دیگری اجازه فعالیت سیاسی داده اند و این امر می رساند که حکومت آینده را دکتر عالیخانی وزیر اقتصاد و محسن پزشکپور و دار و دسته پان ایرانیست های سابق تشکیل خواهند داد.(۲)

از نوشته های برخی پان ایرانیست های رقیب و مخالف حزب پان ایرانیست پزشکپور، چنین برمی آید که در آغازین سال های دهه ۱۳۴۰ شاه علاقه مند بود با بهره گیری از شعارهای پان ایرانیستی، ناسیونالیستی و باستان گرایی مفرط پان ایرانیست های اخیر به مثابه یک ابزار تبلیغاتی، به مقابله با کشورهای عربی مخالف خود در منطقه برخیزد که تحت رهبری های جمال عبدالناصر با گونه ای از شعارهای پان عربیسم و طرح تغییر نام خلیج



---

۱- انقلاب ششم بهمن رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران، حزب پان ایرانیست، بهمن ۱۳۴۵، صص ۳۸-۳۷ و صص ۴۵-۴۲.

۲- انقلاب ششم بهمن رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران، حزب پان ایرانیست، بهمن ۱۳۴۵، صص ۳۸-۳۷ و صص ۴۵-۴۲.

فارس، به سیاست های شاه در تقابل با جهان عرب و اسلام و ارتباط نزدیکش با اسرائیل و جهان غرب حمله می کردند.(۱)

بدین ترتیب از اواسط آبان و اوایل آذر ۱۳۴۳ حزب پان ایرانیست با نظر موافق شاه و هدایت و حمایت ساواک به تدریج فعالیت های خود را در چارچوب خواست ها، علایق و انتظارات حاکمیت (و نه لزوماً دولت) آغاز کرد و با سازماندهی مجدد مجموعه اعضا و هواداران خود در تهران و سایر مناطق کشور، شعب و تشکیلات خود را اساساً در مناطق مورد تأیید ساواک و حکومت برپا ساخت. حزب هفته نامه ای هم به نام «خاک و خون» به عنوان ارگان خود منتشر کرد. به گفته پزشکپور، شاه از میان سه اسم پیشنهادی برای

ارگان حزب نام «خاک و خون» را پسندیده بود.(۲) با این حال همچنانکه پیش بینی می شد شاه علاقه مند نبود پان ایرانیست های پزشکپوری در قامت و گستره حزب سیاسی تمام عیار و تأثیرگذار در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور ظاهر شده و دامنه انتظارات آنان جز در راستای تکالیفی که برای شان صورت بندی شده بود، فراتر برود. به همین دلیل ساواک از همان آغاز بر مجموعه فعالیت ها، موضع گیری ها، شعائر، ایده های سیاسی و اجتماعی و آمد و شدهای رهبران، کارگردانان، مسئولان و دیگر اعضای این حزب مراقبت و نظارت شدیدی اعمال می کرد.(۳) این معنا در دستورالعمل های هشداردهنده اداره کل سوم ساواک به ساواک استان ها و شهرستان ها به وضوح قابل ردیابی است؛ از جمله در مراسله ای از اداره کل سوم ساواک به ساواک اصفهان به تاریخ نهم تیر ماه ۱۳۴۴، در این باره چنین می خوانیم:

حزب پان ایرانیست تا زمانی که طبق مقررات جاری عمل نماید فعالیتش بلامانع است لکن چنانچه این فعالیت ها از چهارچوب قانون تجاوز نماید مسلماً مضره تشخیص داده شده و از فعالیت و توزیع نشریات حزب مزبور جلوگیری به عمل خواهد آمد. ضمناً خواهشمند است دستور فرمایید چنانچه اقداماتی به منظور تأسیس شعبه ای از حزب



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۱۳۹-۱۳۵.

۲- در این باره نک: ناصر انقطاع، پیشین، صص ۱۳۹-۱۳۵.

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

موصوف در حوزه استحفاظی آن ساواک به عمل می آید این اداره کل را نیز آگاه نمایند.(۱)

و نیز در دهم آذر ۱۳۴۳ طی گزارشی مشابه به ساواک آبادان هشدار داده شده بود:

روز جاری (۱۰/۹/۴۳) آقایان دکتر صدر و

مهندس ظفری به منظور شروع فعالیت های حزب پان ایرانیست در مناطق استحفاظی آن ساواک به خوزستان مسافرت خواهند نمود. مراتب جهت اطلاع اعلام می گردد. دستور فرمایند ضمن مراقبت چنانچه برخلاف مقررات اقدامی به عمل نیاورند کاری به کارشان نداشته باشند – دکتر فروزین.(۲)

همچنانکه سند زیر هم نشانگر آن است، مقامات سیاسی و اداری در تهران و سایر مناطق کشور در همکاری و ارتباط نزدیک با ساواک به دقت مراقب بودند که حزب پان ایرانیست پای را از گلیم تعیین شده بیرون نگذارد و چنان تصور نکند که می تواند گستره فعالیت و تبلیغات خود را از آنچه حاکمیت بدان علاقه نشان داده است، فراتر ببرد:

استانداری خوزستان طی شماره ۱۱۶۸/م-۷/۱۰/۴۳ رونوشت کشف شده تلگراف رمز شماره ۴/۴۱۲۱-۶/۱۰/۴۳ جناب آقای نخست وزیر درباره فعالیت های حزب پان ایرانیست را جهت اطلاع و اقدام فوری به این ساواک ارسال داشته است.

در این تلگراف اظهار شده (توجه فرمایید زیاده روی نشود. به عرض رسید. فرمودند هرگونه تظاهری باید منطبق با اصول و منافع، و دور از هرگونه بهانه جویی باشد و روی هم رفته به طور خیلی محرمانه از ادامه شدید این رویه جلوگیری و راهنمایی شود.)

اینک ضمن گزارش مراتب بالا به عرض می رساند که در اجرای امریه یاد شده ساواک های تابعه ارشاد گردیده اند تا در زمینه فعالیت های حزب موردبحث به همان نحو اقدام کنند.(۳)

از همان آغاز ساواک سخت مراقب بود که کادر رهبری و نیز اعضای قدیم و جدید حزب پان ایرانیست در تهران و سایر شهرها و مناطق کشور از میان وفاداران به نظام شاهنشاهی پهلوی برگزیده شوند و احیاناً تحت تأثیر مخالفان و منتقدان سیاسی حکومت از اقشار مختلف قرار نگیرند. اداره کل سوم ساواک دستورالعمل های مؤکدی در این باره به ساواک های استان ها و شهرهای مختلف صادر کرده بود. به ویژه پیشینه، عملکرد و

ص:۶۸

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

موضع گیری اعضای برجسته و تأثیرگذار و کادر رهبری و تشکیلاتی این حزب با وسواس و دقت بیشتری ارزیابی و بررسی می شد.(۱) ساواک برای تمام کادر رهبری و اعضای برجسته این حزب پرونده انفرادی تشکیل داد و ضمن جمع آوری سوابق سیاسی و فعالیت های اجتماعی و حتی جزئیات زندگی فردی و خانوادگی، اقدامات و عملکرد جاری آنان را به دقت زیرنظر گرفت.(۲) در همان ماه های نخست فعالیت حزب، محسن پزشکپور از اعضای برجسته و سابقه دارتر حزب سوگند وفاداری گرفت و پنهان هم نکرد که در صورت جلب نظر مساعد حاکمیت، راه برای گسترش کمّی و کیفی حزب گشوده و احتمالاً اجازه خواهند یافت به مجلس شورای ملی نمایندگانی روانه کنند. ساواک در پنجم خرداد ۱۳۴۴ در این باره چنین گزارش کرده است:

طبق اطلاع واصله ساعت ۵۰/۱۹ روز ۴/۳/۴۴ حزب پان ایرانیست در محل حزب تشکیل جلسه داده ابتدا مراسم سوگند وفاداری وسیله آقای دکتر صالح انجام گردیده و سپس

آقای پزشکپور در مورد برنامه های آینده حزب چنین اظهار داشته [که] هیأت رهبری برنامه وسیعی طرح نموده تا حزب را از صورت فعلی خارج و فعالیت آشکار و علنی بنماید و هر یک از اعضاء را مسئول تشکیل یک حوزه که مرکب از توده هایی از طبقات مختلف مردم باشد، نموده ایم و چنانچه عضوی که چند سال متمادی در حزب بوده لیاقتی از خود نشان نداد و قدرت اجرای چنین برنامه ای را نداشته باشد، او را طرد نماییم و منظور اصلی از تدوین این برنامه ها این است که حزب باید در چند سال آینده بزرگ ترین و فعالترین احزاب در این کشور باشد و در تمام شهرستان ها شعبی دایر نماییم و سعی کنیم که در انتخابات دوره بیست و دوم نمایندگانی به مجلسین بفرستیم.

ناطق اضافه نموده: اجرای این برنامه ها منوط به همکاری کلیه اعضاء می باشد که بتوانند افراد بیشتری را به حزب دعوت نمایند و همچنین به جریانات سیاسی روز توجه داشته باشند و مسائل مهم کشور در اینجا مطرح شود تا افراد توجه بیشتری به حزب پیدا کنند و برنامه هایی که در دست اقدام است به مرور برای اعضا تشریح

و تفسیر خواهد شد.(۳)

ص:۶۹

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

## راهکار و برنامه فعالیت حزبی

در اواسط سال ۱۳۴۲ ساواک از دستگاه رهبری این حزب خواست برای توجیه بیشتر و روشن تر چگونگی همکاری و ارتباطشان با حاکمیت، «هدف ها و روشی را که در آینده در نظر دارند اتخاذ کنند» برای بررسی و اعلام نظر در اختیار آن سازمان و دیگر مقامات مسئول قرار دهند. در این میان شاه هم در پاییز ۱۳۴۵ به محسن پزشکپور دستور داده بود برای چگونگی توسعه فعالیت حزب خود طرحی تهیه و ارائه کند و همچنانکه گزارش بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک خطاب به مدیرکل آن اداره نشان می دهد این طرح در بیست و نهم دی ۱۳۴۵ تهیه و در اختیار نخست وزیر (هویدا) و نصیری رئیس ساواک قرار گرفته بود:

محترماً به عرض می رساند. آقای محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست در ملاقاتی که با مشارالیه به عمل آمد اظهار داشت به فرمان مطاع ملوکانه مقرر شده بود حزب پان ایرانیست طرحی برای گسترش فعالیت خود تهیه و از طریق جناب آقای نخست وزیر به شرف عرض برساند.

این طرح تهیه و نسخه ای از آن به حضور آقای نخست وزیر داده شده و نسخه دیگری از آن را جهت تقدیم به حضور تیمسار ریاست ساواک تسلیم نمودند که عیناً به ضمیمه از عرض می گذرد.

ضمناً تقاضا داشتند در صورتی که تیمسار ریاست ساواک موافقت فرمایند به اتفاق

آقای دکتر عاملی تهرانی قائم مقام رهبر حزب به حضور تیمسار شرفیاب شوند.(۱)

طرح تفصیلیِ محسن پزشکپور که کلیات آن مورد قبول شخص شاه و مقامات مسئول در دولت و ساواک قرار گرفت، پایه ای برای گسترش فعالیت های کمی و کیفی حزب پان ایرانیست در داخل و خارج از کشور (و البته در چارچوب خواست ها و علایق و انتظارات رژیم پهلوی در این برهه جدید از حیات حزب پان ایرانیست) شد.

بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک که بنا به خواسته رئیس ساواک (نصیری) و دستور ناصر مقدم (مدیرکل سوم آن سازمان) مسئول بررسی و ارزیابی طرح محسن پزشکپور



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پیرامون کیفیت و گستره فعالیت حزب پان ایرانیست شده بود، در بیستم بهمن ماه ۱۳۴۵ به شرح زیر طرح مذکور را سودمند و اساساً در راستای اهداف، مقاصد و علایق رژیم پهلوی ارزیابی کرد:

نظریه

با توجه به فعالیت های گذشته حزب پان ایرانیست، مطالبی که در مورد کوشش های گذشته حزب ذکر گردیده مورد تأیید بوده و این حزب توانسته است با انتشار روزنامه خاک و خون و نشریات دیگر در داخل کشور نظر طبقات مختلف را به خود جلب و با تشکیل کنفرانس ها و جلسات حزبی و تشریح هدف های ناسیونالیستی و با پیروی از منویات شاهنشاه آریامهر درصدد مقابله با فساد اداری برآمده و در این زمینه بعضی از مسئولین مملکتی را مورد انتقاد قرار

داده و پیشنهاداتی نیز در مورد اصلاح موارد مختلف ارائه نموده است و همچنین در زمینه مسائل خلیج فارس و خوزستان مطالب ارزنده و جالبی در روزنامه های خود درج و به ویژه در منطقه خوزستان تبلیغات این حزب علیه ناصر مورد توجه بوده و از طرف دیگر انتقادات حزب مزبور از دولت عراق به منظور طرفداری و پشتیبانی از کردان عراق قابل ملاحظه و تا حدی در برابر خواسته های بی مورد دولت عراق و عبدالناصر در قسمت غرب ایران مؤثر بوده و در خارج از کشور نیز با انتشار روزنامه ناسیونالیسم و تشکیل کنفرانس هایی در این زمینه فعالیت داشته است.

برنامه فعالیت آتی این حزب نیز در مجموع خوب و موارد مشخص آن از نظر این بخش به شرح زیر از عرض می گذرد.

(الف) گسترش اندیشه های نهضت: با توجه به اینکه حزب مزبور دارای ایدئولوژی ناسیونالیسم بوده و خواهان عظمت شاهنشاهی ایران می باشد بلامانع و انعکاس آن وسیله نشریات و کتب حزبی و درج در جراید و مطبوعات کشور در بین طبقات مختلف مردم مفید خواهد بود.

(ب) گسترش سازمان های حزبی در

شهرستان ها: توسعه سازمان های این حزب در بخش ها و روستاها با در نظر گرفتن ایدئولوژی حزب مذکور در دو منطقه کردستان و خوزستان که در حال حاضر تا حدی درگیر مسائل سیاسی و اجتماعی خاصی می باشند و تبلیغات بیگانگان مورد توجه است ضروری به نظر می رسد و در خارج از کشور نیز با

توسعه انتشار نشریه ها و کتاب ها به زبان فارسی و خارجی و تشکیل کنگره ها و سمینارها به وسیله اعضای فعال می توان گسترش نفوذ حزب مزبور را جهت مقابله با افکار ضدایرانی بالا برد و اینکه در برنامه حزب پیشنهاد واگذاری غیرمستقیم با افراد فعال حزبی در خارج از کشور گردیده، این امر در صورتی مفید است که به صورت همگانی و نوعی پاداش درنیامده و در موارد خاص و جهت افراد مؤثر و مؤمن و فعال در نظر گرفته شود.

(ج) هنگامی که برنامه فعالیت و گسترش حزب مزبور به طور طبیعی و بدون تظاهر با در نظر گرفتن افکار و عقاید حزبی در تهران و شهرستان ها اجرا گردد رهبران و سایر اعضای صالح حزب می توانند به عنوان کاندیدا به طور عادی فعالیت انتخاباتی نموده و در صورت تشکیل هسته پارلمانی حزب مزبور می تواند با داشتن دکترین خود

یعنی بزرگداشت نظم شاهنشاهی و ناسیونالیسم ایران گام های مؤثری برداشته و از طرف دیگر با شرکت حزب مزبور در انتخابات و موفقیت آن در اعزام نمایندگانی به مجلس شورای ملی عمق آزادی انتخابات به نحو بیشتر و مطلوب تری نمایان خواهد گردید.(۱)

محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست، در اوایل سال ۱۳۴۶، برای گسترش کمی و کیفی فعالیت حزب خود در مناطق و استان های غربی ایران (آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه) که به ویژه به دلیل همجواری با مرزهای شرقی عراق، به لحاظ امنیتی اهمیت خاصی داشتند، طرح عملیاتی دیگری را تسلیم ساواک کرد:

برنامه گسترش عملیات حزب پان ایرانیست در غرب «ایران زمین»

هدف عملیات

۱- گسترش اندیشه رستاخیز شاهنشاهی ایران – ناسیونالیسم ایران زمین – پان ا یرانیسم.

۲- ایجاد و گسترش سازمان های حزبی در شهرها و روستاها به ویژه مناطق حساس مرزی.

۳- پی گیری ژرف در عملیات با هدف های زیر:

الف. تربیت کادر زبده حزبی که افراد آن از ایمان کامل، انضباط آهنین و آگاهی

به دکترین ناسیونالیسم – پان ایرانیسم و «نظم شاهنشاهی ایران» برخوردار باشند.

ب. تظاهرات و عملیاتی که اثر هدایت کننده بر کوشش های همه تیره های ایرانی و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

شاخه های فرهنگی ملت ایران داشته باشد.

ج. پی گیری برنامه های عمرانی و اجتماعی منطقه به منظور بهره برداری تبلیغاتی برای گسترش اندیشه های رستاخیز.

پهنه عملیات:

منظور از غرب ایران زمین در این برنامه استان های آذربایجان غربی – کردستان و کرمانشاهان می باشد.

نظریه ساواک درباره این طرح چنین بود:

نظریه

با توجه به روش و ایده حزب پان ایرانیست که فعالیت های خود را تاکنون با در نظر گرفتن مصالح عالیه مملکت و بزرگداشت نظم شاهنشاهی ایران انجام و اقدامات حزب مزبور به خصوص در دفاع از خلیج فارس و خوزستان مورد تأیید واقع و گسترش فعالیت آن فعلاً بلامانع تشخیص داده شده و از طرفی طرح مزبور مبنی بر فعالیت و گسترش تشکیلات در قسمت غرب ایران زمین نیز در مجموع خوب و موجب تشدید حس میهن پرستی و شاهدوستی و

بالاخره در آماده کردن مردم آن منطقه برای مبارزه و مقابله با افکار مخرب و تبلیغات ضدایرانی مؤثر است، بنابراین اجرای طرح مذکور بلامانع می باشد.(۱)

### فعالیت های برون مرزی

پس از سرکوب قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، دیگر در داخل ایران فضایی برای فعالیت سیاسی وجود نداشت. اما خارج از کشور، با وجود هزاران دانشجوی ایرانی در اروپا و آمریکا، فضای مناسبی برای فعالیت علیه رژیم شاه بود. این فعالیت ها به زودی در رسانه های گروهی و افکار عمومی غربی تأثیر گذاشت؛ و موجب دردسر برای رژیم شاه شد.

حزب پان ایرانیست که فلسفه وجودی اش در این روزها، «مقابله با افکار مخرب و تبلیغات ضدایرانی» بود، نیز تلاش کرد در میان دانشجویان و فعالان سیاسی خارج از



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

کشور جایی برای خود باز کند.

از اوایل اسفند ماه ۱۳۴۳ محسن پزشکپور و کارگردانان حزب پان ایرانیست با راهنمایی ها و کمک های ساواک، فعالیت ها و برنـامه هـای خود را برای تقویت حضور اعضـای وفـادار به این حزب در کشورهای مختلف اروپایی گسترش دادنـد. در همین ارتباط افرادی از کارگردانان حزب برای توسـعه تشکیلات برون مرزی و توجیه و توضیح مشی جدید حزب راهی اروپا شدند. در آغاز امر سـخت تلاش می شد موضوع وابسـتگی حزب به حکومت که در آن شرایط دشوار، امر بسیار مذمومی شمرده می شد، در قالب مسائلی نظیر ناسیونالیسم، ایرانگرایی و ضرورت مبارزه با پدیده ناصریسم و حقوق ایران در خلیج فارس به حاشیه رانده شود؛ چنانکه در یکی از همین نخستین طرح ها محسن پزشـکپور از نمایندگان اعزامی به اروپا خواست پیام زیر را به پان ایرانیست های مقیم بخش های مختلف آن قاره گوشزد کرده و خواستار همکاری و همفکری آنان با رهبری حزب در

ایران شوند:

ما در پی اقـداماتی که برای احقاق حقوق تاریخی ملت ایران در خلیـج فارس و غرب ایران کرده ایم و خطرات اعراب و جمال عبدالناصـر را گوشزد کرده ایم نتایج درخشانی کسب نموده ایم. اینک شما را نیز به این کار دعوت می نماییم تا ایرانیان مقیم اروپا را نیز در جریان امر بگذارید.(۱)

ساواک تمهیدات لازم را برای تشکیل شعب اروپایی حزب پان ایرانیست در برخی از شهرهای آن قاره فراهم آورده و به دنبال آن رهـبری حزب در گردهمـایی هـای ولـو انـدک پـان ایرانیست هـا و دیگر حامیـان حکومت سـخنرانی هـایی در حمـایت از سیـاست هـای داخلی و خـارجی رژیم پهلـوی ایراد کرده و مخالفـان سیاسـی رژیم پهلـوی را به بـاد انتقـاد گرفت. سـاواک در شانزدهم فروردین ماه ۱۳۴۴ در این باره از قول محسن پزشکپور چنین گزارش کرده است:

اولین کنفرانس حزبی با شـرکت اکثر ایرانیان و دانشـجویان ایرانی مقیم اکسـزتر انگلستان که تعداد آنها به هفتاد نفر می رسید برگزار گردیده و ضمن آن درباره تاریخچه حزب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پان ایرانیست و ناسیونالیسم و نقش این حزب در بیدار کردن ملت ایران در برابر تحریکات جمال عبدالناصر و تجهیز نیروهای ملی و نقش خرابکارانه جبهه ملی مطالبی ایراد شده

است.

حزب پان ایرانیست در نظر دارد که به وسیله نمایندگان اعزامی خود به اروپا کنفرانس های مشابهی در کشورهای آلمان، اطریش، فرانسه ترتیب داده و در پایان فرستادگان حزب پان ایرانیست مصاحبه مطبوعاتی خود را در انگلستان به عمل آوردند.(۱)

به گزارش ساواک در فروردین ۱۳۴۴، دکتر فضل الله صدر، نفر دوم حزب پان ایرانیست و مهندس پرویز مظفری، عضو حزب، به چند کشور اروپایی سفر کردند و در شهرهای مختلف علیه سیاست های جمال عبدالناصر کنفرانس دادند و مصاحبه مطبوعاتی برگزار کردند.(۲)

با همه احوال، تلاش حزب برای پیدا کردن پایگاهی در میان دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج از کشور به جایی نرسید(۳) و پزشکپور به مسئولان امر توصیه می کرد که شرایط مهار کننده و نظارتی بیشتر و دشوارتری ایجاد کنند و حتی المقدور مانع از حضور گسترده دانشجویان ایرانی در خارج از کشور شوند.(۴) با وجود عدم موفقیت حزب پان ایرانیست در اروپا، حزب، دامنه فعالیت های خود را به آمریکا نیز کشاند.(۵)

اما رژیم شاه، آن چنان منفور بود که کمترین همسویی با آن موجب بی اعتباری هر حزب و گروهی می شد. حزب پان ایرانیست نیز از این «قاعده» مستثنی نبود؛ و مردم و مخالفان در داخل و خارج، حزب را تشکیلاتی وابسته به دولت و ساواک تلقی می کردند.(۶)

ساواک ضمن اشاره به پرداخت وجوهاتی به اعضای حزب پان ایرانیست در خارج از

کشور، از عدم پذیرش این مبالغ از سوی برخی از اعضای حزب سخن به میان می آورد؛ شاید این عده ساده لوح گمان می کردند رهبری حزب در تظاهر سیاسی، حزبی و ایده های



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- خلیل ملکی به روایت اسناد ساواک، صص ۳۱۳-۳۱۱.

۴- بایگانی مؤسسه مطالعات ... (اسناد حزب پان ایرانیست).

۵- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۶- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آرمانگرایانه و وطن دوستانه خود مشی مستقلی دارد.(۱)

## برخورد با مخالفان حکومت

از جمله مهم ترین دلایلی که حکومت را ترغیب کرد به تجدید فعالیت پان ایرانیست ها در سال های نخست دهه ۱۳۴۰ رضایت دهد، برخورد با مخالفان سیاسی در محافل و خارج از کشور و احیاناً ایجاد تفرقه و چنددستگی در میان معترضان و منتقدان حکومت در میان اقشار و گروه های مختلف بود. البته طی یکی دو سال نخست دهه ۱۳۴۰ برخورد مخالفت آمیز پان ایرانیست ها با منتقدان حکومت نظیر اسلامگرایان و بخش تندروتر جبهه ملی و نیز علی امینی در مقام نخست وزیری، موقعیت آنان را نزد شاه و دربار بهبود بخشیده بود.(۲) آنچه بود از همان آغاز، حکومت با کارگردانی ساواک ترتیبی اتخاذ کرد تا تشکیلات و فعالیت های حزب پان ایرانیست در مناطقی از کشور که بیشتر بیم مخالفت های سیاسی و اجتماعی وجود داشت، تقویت شده و ساز و کار لازم برای مقابله کارامدتر این حزب با مخالفان تسهیل گردد.(۳)

همچنانکه مطلوب حکومت هم بود، پان ایرانیست های پزشکپوری از همان آغاز مخالفان سیاسی حکومت را متهم می کردند به مسائل ناسیونالیستی و سرزمینی ایران توجهی ندارند؛ از جمله جبهه ملی را متهم می کردند که در دام اعضا و عوامل حزب توده و کمونیسم گرفتار آمده و این باعث شده است به موضوع حقوق ایران در خلیج فارس و امثال آن بی توجه بمانند. پان ایرانیست ها تقریباً همواره مراقب و مترصد بودند سیاست ها، خواست ها و مدعیات شاه را شنیده و بلافاصله در شعارها و علایق سیاسی و حزبی خود مطرح کنند. چنانکه وقتی شاه در سخنرانی های خود تقریباً تمام احزاب و گروه های سیاسی قبل از کودتای ۲۸ مرداد را وابسته به بیگانگان و ناتوان از درک منافع و مصالح

ملی کشور ارزیابی کرد، پان ایرانیست ها هم همین ادعا را مطرح کردند. از جمله فضل الله صدر از کارگردانان حزب پان ایرانیست که گفته می شد ارتباط بسیار نزدیکی با ساواک

ص:۷۶

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- مارک ج. گازیوروسکی، پیشین، ص ۳۷۸.

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

دارد، اظهار داشت: «در ایران احزابی که به وجود آمدند در پی منافع شخصی بودند و برخی برای تخریب و مبارزه با راه های صحیح ملت ایران به وجود آمده بودند». او مدعی شد «در سال های اخیر تنها دو حزب به معنای واقعی به وجود آمد، یکی حزب کمونیست توده بود که خارج از کشور تقویت می شد و به خواست خدا از بین رفت و دیگر حزب ما [حزب پان ایرانیست] می باشد که بر اصول و عقاید ناسیونالیستی ملت ایران استوار است و تنها این حزب است که راه های صحیح و تاریخی ملت ایران را نمایان و دنبال می کند».(۱) همزمان با تجلیل و تمجید از شاه و سیاست های او حزب پان ایرانیست، انتقادات حساب شده ای هم متوجه دولت جدیدالتأسیس حزب ایران نوین (حسنعلی منصور و سپس امیرعباس هویدا) می کرد و مدعی بود که بسیار بیش از دولت وقت و حزب ایران نوین می تواند منویات شاه را در چارچوب اصلاحات انقلاب سفید درک کرده و به منصه ظهور برساند.(۲) از سوی دیگر حاکمیت مراقب بود حملات و انتقادات حزب پان ایرانیست از مخالفان سیاسی حکومت با سر و صدای بیشتری در نشریات، روزنامه ها و رسانه های گروهی داخل و احیاناً خارج از کشور منعکس شود. پزشکپور و صحنه گردانان اصلی حزب پان ایرانیست برای باورپذیرتر کردن هر چه بیشتر وفاداری شان به شخص شاه و حاکمیت او، از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند.(۳) چنانکه وقتی شاه در فروردین ماه ۱۳۴۴ در کاخ مرمر هدف گلوله قرار گرفت، پان ایرانیست ها اعلام کردند که «دشمنان ملت [؟] ایران همگی در یک صف متشکل شده اند، اعم از کمونیست ها و امپریالیسم انگلیس و عمال امپریالیسم سیاه و سایر عناصر مخرب ملی نما و برای نابودی ملت ایران فعالیت می کنند».(۴)

حملات این حزب به گروه های ملی گرا و اعضای جبهه ملی حتی شدیدتر از حمله به

حزب توده و کمونیست ها بود که به نظر می رسید در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور موقعیتشان آسیب پذیرتر شده بود. محسن پزشکپور در بیست و چهارم مرداد ۱۳۴۴ در یک



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۴- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نشست حزبی گفت:

ما از روزی که تشخیص دادیم ۶ ماده پیشنهادی ششم بهمن یک گام برای سربلندی ملت ایران است و با اجرای آن دست فئودال ها و غارتگران دیگر تا اندازه ای از حقوق ملت ایران کوتاه خواهد گردید و این کار یکی از هدف های ما نیز بود، موافقت مشروط خود را اعلام نمودیم و به آن رأی مثبت دادیم. با این کار دشمنان ملت ایران حملات خودشان را به ما شروع کردند. آنها راه ملت ایران را انتخاب نکردند چون منافع خودشان و عمالشان در خطر بود. این روبه صفتان از ترس به گوشه ای فرار کرده و جز دشنام دادن و افترا زدن کاری دیگر صورت نمی دهند. همان طور که قبلاً نیز به دوستان گفتم در آینده نزدیک تمام آنها را مفتضح خواهم کرد.(۱)

محمدرضا عاملی تهرانی نفر دوم حزب پان ایرانیست هم در بیست و پنجم مهر ۱۳۴۴ در جمع گروهی از اعضای برجسته حزب یادآور شد:

عده ای تصور می کنند که حزب پان ایرانیست فقط برای مبارزه با حزب منحله توده و

بنا به دستور عوامل مختلفی به وجود آمده است. ما با سایر احزاب که با حکومتی روی کار می آیند و با سقوط آن از بین می روند فرق بسیار داریم. ما از ناسیونالیسم الهام گرفته ایم و با تمام بیگانگان و عوامل وابسته به آن چه در داخل و چه در خارج کشور مبارزه خواهیم نمود.(۲)

بی اعتباری حزب به حدّی بود که در همان زمان هم برخی افراد و گروه های اجتماعی و قومی که حزب پان ایرانیست علی الظاهر از حقوق و خواست های آنان دفاع کرده و سیاست های گروه های مخالف و نیز کشورهای خارجی در قبال آنها را مورد انتقاد قرار می داد، به شدت نسبت به صداقت و استقلال رأی رهبر این حزب تردید پیدا کرده بودند. از جمله کردها «محسن پزشکپور را مأمور ساواک» می دانستند و «نسبت به این قبیل سخنرانی ها [در حمایت از حقوق کردهای عراقی] با تردید» می نگریستند و معتقد بودند «این برنامه ها با نقشه ساواک انجام می شود تا کسانی را که نسبت به مسئله کردیت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

علاقه دارند، بشناسند».(۱)

پزشکپور در چهاردهم بهمن ماه ۱۳۴۴ در یک جلسه حزبی مخالفان رفراندوم ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ را خائن دانسته و تصریح کرد:

ما علیرغم سکوت احزاب و دسته های سیاسی هر کس و هر شخصی در هر مقامی که باشد و برای این ملت و مملکت کار کند را می ستاییم و با آن موافقیم و چنانکه مشاهده نمودید در رفراندوم ششم بهمن

شرکت نمودیم و به آن رأی مثبت دادیم چون ایمان و عقیده داشتیم این اقدامات به نفع ملت ایران و نسل آینده این کشور است، ولی آنان با عدم شرکت خود خیانت بزرگی را به ملت ایران نمودند.(۲)

شواهدی وجود دارد که نشان می دهد دستگاه رهبری این حزب و به ویژه محسن پزشکپور در آن مقطع ارتباطاتی با محافل سیاسی و احیاناً اطلاعاتی آمریکا در تهران داشت. چنانکه ساواک در هفدهم فروردین ماه ۱۳۴۵ در گزارشی یادآور شده بود به دستور محسن پزشکپور «سه نامه که از طرف دوستان آمریکایی آمده بود توسط مهندس آفتاب روشاد [مرتضی آفتاب روشاد عضو حزب پان ایرانیست] ترجمه شد». ساواک که نسبت به محتوای این نامه ها مشکوک و علاقه مند شده بود از مأموران خود می خواست تا معلوم کنند محتوای نامه ها چه بوده است.(۳)

### نظام شاهنشاهی پهلوی

ناسیونالیسم، ایران پرستی و ایده های ایران بزرگ حزب پان ایرانیست همواره با تمجید و وفاداری به نظام شاهنشاهی ایران عجین شده بود و در واقع ناسیونالیسم مورد ادعای آنان با محوریت نظام شاهنشاهی معنا و مفهوم پیدا می کرد.

به ویژه پزشکپور در بسیاری از سخنرانی ها و اظهارات خود گریزی به «خدمات اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر» می زد و از نقش او در توسعه کشور سخن به میان می آورد و اظهار تأسف می کرد که «بعد از شاه فقید [رضاخان] دولت های خارجی ما را در شرایطی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نگه داشته اند که همیشه مجبور شویم دست گدایی به طرف آنها دراز» کنیم.(۱) پزشکپور در هجدهم آبان ۱۳۴۴ هم مدعی شد: «رضاشاه تنها فردی بود که پس از نادرشاه روی کار آمد و درست فکر کرد. چون او از خون این ملت بود و از ناسیونالیسم ایران الهام گرفته

بود و می دانست که این کشور به چه چیز احتیاج دارد».(۲)

پزشکپور از تاریخ ایران و «شاهنشاهی» ایران نیز تفسیر خاصی ارائه می کرد:

نهضت ما برای ادامه و برقراری شاهنشاهی ایران فعالیت می نماید! البته بین سلطنت و شاهنشاهی فرق وجود دارد. مثلاً سلطنت شاه سلطان حسین صفوی و یا سلطان های آل بویه را از دوره شاهنشاهی ایران نمی دانیم، ولی سلطنت نادرشاه قسمتی از شاهنشاهی ایران بوده، همچنانکه سلطنت پادشاهان هخامنشی، ساسانیان، اشکانیان، صفویه و سلطنت رضاشاه کبیر را جلوه ای از شاهنشاهی ایران و ناسیونالیسم ایران می دانیم، زیرا آنها قسمتی از نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران بوده اند.(۳)

ایدئولوژی پان ایرانیستی حزب و رهبران آن نیز، با توجه به شرایط روز، دچار تحول شد و کم کم از پان ایرانیسم به ناسیونالیسم گرایید. اداره کل سوم ساواک، در آبان ۱۳۴۴ به این مهم اشاره کرده است:

عقاید افراد عضو حزب پان ایرانیست مبتنی بر اندیشه های میهن پرستانه افراطی است به حدی که خواهان وحدت کلیه سرزمین ایران که در دو قرن اخیر بر اثر ماجراهای سیاسی و نظامی دستخوش تجزیه گشته اند می باشد و به همین دلیل نام پان ایرانیسم را بر خود نهاده اند. اما این حزب در تبلیغات و تعلیمات خود (اشاره به جمله فوق) از شرح و توضیح پان ایرانیسم به تدریج کاسته و بیشتر به توضیح مبانی فکری پان ایرانیسم که مبتنی بر همان ناسیونالیسم می باشد پرداخته

است و پان ایرانیست ها به طور کلی معتقدند به اینکه گرچه پان ایرانیسم هیچ گاه از ناسیونالیسم جدا نبوده ولی ضرورت زمان و دیپلماسی مملکت ایجاب می نماید که در شرایط کنونی فقط ناسیونالیسم اجتماعی ضرورت دارد نه



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ناسیونالیسم تاریخی (که حزب پان ایرانیسم را شامل می شود).(۱)

محسن پزشکپور طی سخنرانی های متعدد خود در نشست های حزبی، نظام شاهنشاهی را تنها راز بقای حاکمیت ملی ایرانیان در طول تاریخ گذشته کشور دانسته و مدعی بود:

تاریخ گذشته ایران شاهد پیروزی و برتری ملت ایران در تمام ادوار تاریخ بوده است و این پیروزی ها و موفقیت ها فقط در سایه نظام شامخ شاهنشاهی ایران به وجود آمده است. ما نمی توانیم دوره های فترت را که بعضی اوقات در طول تاریخ درخشان روی داده جزئی از نظام شاهنشاهی بنامیم. مثلاً ـ ما نمی توانیم سلطنت دیلمیان و یا قاجاریه را جزئی از شاهنشاهی بدانیم ولی سلطنت کوتاه سامانیان را می توان گوشه ای از این نظام دانست زیرا آنان با خودشان فرهنگ و شکوه ایرانی را همراه داشتند و شاهنشاهی ایران جلوه گاه کاملی از تمدن

و فلسفه و فرهنگ ایران بود و نظام شاهنشاهی ایران در طول زندگی بشری در پیشگاه فرهنگ انسانی مسئولیت هایی بزرگ به عهده داشت. نظام شاهنشاهی ایران تنها شکل حکومت و نام آن نیست. شاهنشاهی ایران زمین مانند حکومت های مطلق سلطنتی که در اردن و یا عراق سابق و کشور هلند و امثال آنان است نیست. شاهنشاهی ایران نظام اجتماعی و تاریخی ملت ایران است که در قالب شاهنشاهی ملت ایران تجلی نموده، ملت ایران میراث تمدن و فرهنگ عظیمی از گذشته است که در ایران بزرگ و آباد زیست می نمود و تا زمانی که کسی بر نقش تاریخی که این ملت کهن به عهده داشته واقف نگردد نمی تواند راه پیروزی ملت ایران را دریابد. شاهنشاهی ایران جلوه گاه همه آن رشته های عمیق نژادی و فرهنگی است که در طول تاریخ به عهده داشته و دارد. تا ملت ایران درنیابد که راه پیروزی او کدام است مجریان این راه بزرگ را نمی تواند انتخاب نماید و چگونه ممکن است کسانی که هنوز راه تاریخی ملت ایران را نمی شناسند بتوانند آن راه را اجراء نمایند؟ این پرچم آبی آسمانی که جلوه ای از شاهنشاهی ایران است ناگهان به وجود

نیامده، این پرچم سمبل مبارزات پرافتخار یک ملت است که در راه بزرگی و عظمت دنیایی گام برداشته و برمی دارد و بدین مناسبت نظام شاهنشاهی ایران بایستی در ایران بزرگ برقرار شود زیرا تمام شاخه های نژادی ا یران زمین مسئولین اجرای این طرح انسانی و نژادی بوده و هستند و ما



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برای برقراری یک نظام شاهنشاهی تا سرحد پیروزی راه خود را ادامه خواهیم داد.(۱)

## پیاده نظام سیاست های شاه

رهبری حزب پان ایرانیست نیک دریافته بود که تبعیت بدون چون و چرا از سیاست ها و نقطه نظرات شاه تنها راه تضمین تداوم فعالیت آنان در عرصه سیاسی کشور خواهد بود.

محسن پزشکپور فرصت طلبانه ادعا می کرد که مخالفان داخلی و خارجی رژیم پهلوی «دشمنان ملت ایران» هستند که «ترقیات ایران در زمینه امور اجتماعی و اعتقادی» که ناشی از اجرای اصول انقلاب سفید شاه است، آنان را به شدت عصبانی و نگران کرده و «وظیفه دستگاه های مسئول» می دانست تا «مردم را در جریان گذارده و حقایق را به ملت ایران بگویند تا همه در راه پیروزی و بهروزی کشور گام بردارند».(۲)

از آنجا که علمای دین و روحانیون از سرسخت ترین مخالفان اصلاحات آمریکایی انقلاب سفید بودند، گاه در جلسات حزب پان ایرانیست مطرح می شد: «دشمنان ما از مقام روحانیت سوء استفاده می کنند ولی با اجرای اصول انقلاب شش گانه شاهنشاه آریامهر کاری از پیش نخواهند برد».(۳) محسن پزشکپور بعدها تا آنجا پیش رفت که در جریان

میتینگ حزب پان ایرانیست تقریباً به صراحت علما و اسلامگرایان مخالف اصلاحات انقلاب سفید شاه را که آیت الله امام خمینی(ره) در رأس همه آنان جای داشتند، مورد حمله قرار داده و «در مقابل صحن [حضرت معصومه (س)] اظهار داشت کسانی بودند که با اصلاحات [انقلاب سفید] ایران مخالفت می کردند و از بین رفتند و اکنون نیز کسانی هستند که مخالفت می نمایند».(۴)

همزمان با اعلام سیاست به اصطلاح مستقل ملی از سوی شاه که به نوعی ناظر به شکل گیری دوره جدیدی در روابط او با دو بلوک شرق و غرب بود و همان گونه که آمریکاییان هم علاقه مند بودند، می خواست وانمود سازد روابط سلطه پذیرانه او با غرب

ص:۸۲

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۴- حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۴۷.

عاری از واقعیت است، بار دیگر حزب پان ایرانیست پیشگام حمایت از این سیاست به اصطلاح مستقل ملی شاه شد و در راستای دفاع از این سیاست شاه، تبلیغات پر سر و صدایی به راه انداخت. رهبران حزب در سخنرانی ها، میتینگ ها و نشست های حزبی با تمجید از شاه به تجزیه و تحلیل ابعاد گوناگون این سیاست جدید پرداختند. از جمله محسن پزشکپور در کنفرانس های «مطبوعاتی و سیاسی» مکرراً به تشریح و تفسیر «اصول سیاست [مستقل] ملی» شاه پرداخت و باز هم حزب فرصت یافت در قالب و چارچوب همین سیاست شاه به تبیین و تجزیه و تحلیل ناسیونالیسم و پان ایرانیسم مورد عنایت خود همت گمارد.(۱) دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست در دلایل موافقت و پیروی خود از سیاست مستقل ملی شاه و معنی و مفهوم آن، چنین اظهار عقیده کرد:

شاید حکومت ها در گذشته اجبار داشتند که ایران همیشه به غرب تمایل داشته باشد و یک تز غربی حکومت می کرد لیکن حالا به رهبری شاهنشاه آریامهر تز ایران چنین است که باید سیاست مستقل و ملی را در این مملکت اجرا کرد و سیاست ملی در این

برهه یعنی اینکه از هر کس ارزان تر و بهتر داد باید خرید. ... هنوز گروهی از مجلات و روزنامه ها از اینکه به رهبری شاهنشاه آریامهر با کشورهای بلوک شرق معاملاتی بشود ناراحت هستند و گاهی مطالبی درج می کنند. اینها همان گروهی هستند که همیشه طرفدار بردگی ایران بوده اند. سیاست مستقل ملی یعنی داد و ستد با همه و هر کس به نفع ملت ایران گام بردارد باید با او معامله کرد. خط مشی خاک و خون نیز دفاع از این تز می باشد.(۲)

### اعراب، انگلیس، اکراد

پان ایرانیست ها حتی از همان دهه ۱۳۲۰ هیچ گاه نسبت به کشورهای عربی و بالاخص همسایگان ایران در غرب و جنوب کشور نظر مساعد و خوشایندی نداشتند. این موضوع ریشه در تفکرات ایران پرستی و پان ایرانیستی نژادی و سرزمینی آنان داشت. اما با گسترش اختلافات میان ایران و بعضی از کشورهای عربی و بالاخص با ظهور جمال عبدالناصر در



---

۱- حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۴۷.

۲- حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۴۷.

مصر و کودتای عبدالکریم قاسم در عراق، پان ایرانیست ها با حرارت و جدیت بیشتری به مقابله با اعراب برخاستند و نوشته ها، سخنرانی ها و موضع گیری های آنان بیش از پیش لحن و مضمونی ضدعربی پیدا کرد. این روند در آغازین سال های دهه ۱۳۴۰ که ارتباط رژیم پهلوی با جمال عبدالناصر قطع شد و با حکومت عراق به تیر گی کم سابقه ای گرایید و مدعیات پان عربیستی ناصر در خلیج فارس و کشورهای عربی سر و صدایی برپا کرد، بیش از پیش تشدید شد. به ویژه آنکه رژیم پهلوی هم با گسترش روابط خود با آمریکا و غرب

و مهمتر از آن اسرائیل به وضوح نشان داده بود نمی تواند (و باید گفت نمی خواهد) نسبت به کشورهای مسلمان عرب که بعضاً در صف مقدم نبرد با اسرائیل هم بودند، سیاست همدلانه ای در پیش بگیرد. بنابراین از منظر کشورهای عرب مسلمان به رغم همراهی و همدلی مردم ایران با اعراب در نبردشان با اسرائیل، ایران کشوری خائن محسوب می شد.

در نتیجه، جنگ تبلیغاتی شدیدی به رهبری عبدالناصر علیه ایران به راه افتاد. در این شرایط فرصتی به دست پزشکپور و دار و دسته پان ایرانیستش افتاد تا خودی بنمایانند؛ و هم با توجه به انگیزه های به اصطلاح ناسیونالیستی خود به مقابله با تبلیغات ناصریستی بپردازند، و هم از این راه به شاه خدمت، و مفید بودن خود را به او ثابت کنند. اعزام چند نفر به اروپا و برگزاری مصاحبه های مطبوعاتی و کنفرانس بر ضد عبدالناصر و ارسال نامه به دبیرکل سازمان ملل در اعتراض به تبلیغات ناصر در همین راستا بود. با همه احوال این فعالیت، خیلی هم بی مزد و منت نبود:

اخیراً هوشنگ کریم دیزانی عضو سابق حزب پان ایرانیست که مدت چهار ماه است از آلمان به تهران آمده و گویا در آن جا در رشته کشاورزی مشغول تحصیل بوده ولی تحصیلات خود را ناتمام گذارده است به دکتر فضل الله صدر مراجعه و اظهار داشته که چون شما در سازمان امنیت دارای دوستانی هستید اگر ممکن است مرا در آن جا استخدام کنید. ولی دکتر صدر در جواب گفته است شما به درد آن جا نمی خورید چون رشته شما کشاورزی است و بهتر است با مالکان زمین ها تماس بگیرید و شغل آبرومندی برای خود پیدا کنید.

ضمناً هوشنگ کریم دیزانی در مورد علت استعفای خود از حزب به محمد جهانگیری و

حسین خانمحمدی اظهار داشته که رهبران حزب شما را به پول فروخته اند و مبالغ هنگفتی دریافت می دارند و اگر بخواهند من باز هم با حزب همکاری کنم باید سهمی هم به ما

ص:۸۴

بدهند.(۱)

باز هم گزارشی از ساواک را مرور می کنیم که در دهم مرداد ۱۳۴۵ به ارتباط نزدیک رهبران حزب پان ایرانیست با آن سازمان و تأمین منابع مالی آنان اشاره صریحی دارد:

هوشنگ کریم دیزانی عضو سابق حزب پان ایرانیست ضمن صحبت خصوصی اظهار نمود افراد حزب پان ایرانیست همگی آلت دست رهبران حزب مذکور قرار گرفته اند و کورکورانه و بدون چون و چرا اوامر آنان را اجرا می نمایند و رهبران حزب نیز همگی مأمور سازمان امنیت هستند و از آن دستگاه حقوق می گیرند. به طور مثال دکتر فضل الله صدر در مسافرتی که سال گذشته به اروپا نمود مبلغ پنجاه هزار تومان خرج کرد. او این پول را از کجا آورده بود؟

نامبرده گفت او از سازمان امنیت حقوق می گیرد که در قبال آن در اروپا نطق هایی به نفع دولت ایران ایراد بنماید و بی آنکه در بیمارستان کار کند حقوق دریافت می نماید چون سفارش او از طرف بعضی از مقامات شده است.

یادشده سپس گفت تنها کسی که در حزب پان ایرانیست پاک و مورد احترام می باشد دکتر محمدرضا عاملی تهرانی است.(۲)

پان ایرانیست ها از اوایل سال ۱۳۴۳ انتقاداتی را نیز متوجه دولت انگلستان کردند که به زعم آنان از سیاست های ضدایرانی کشورهای عربی در خلیج فارس حمایت می کرد. در این باره پزشکپور و برخی دیگر از کارگردانان حزب سخنرانی هایی ایراد کرده و کنفرانس هایی برپا ساختند. پزشکپور از توطئه های مشترک انگلیسی ها، کمونیست ها و «ناصریست ها» بر ضد منافع ایران سخن به میان آورده و ضمن محکوم ساختن این رویه انگلیسی ها، دولت هویدا را مورد شماتت قرار می داد که در قبال این اقدامات ضدایرانی آن کشور و هم پیمانان عربش در خلیج فارس سکوت کرده است. او همچنین دولت انگلستان را متهم می کرد قصد دارد با «ایجاد یک فدراسیون از شیخ نشین های خلیج فارس که دشمن جدید و قوی و تازه ای برای ایران خواهد شد» عملاً در تقابل با منافع ایران گام



---

۱- حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۴۷.
۲- حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۴۷.

برمی دارد.(۱) پان ایرانیست ها همچنین به ملاحظات انگلستان در امور بحرین معترض بودند که به طرق گوناگون می کوشد زمینه های تجزیه آن منطقه را از ایران فراهم کند.

از دیگر موضوعات مورد علاقه پان ایرانیست ها حمایت از حقوق کردهای عراقی در برابر رژیم بغداد بود. پان ایرانیست ها در راستای همان ایده ناسیونالیسم نژادی و سرزمینی، خود را مدافع اکراد عراق می دانستند. در آن برهه رژیم پهلوی به دلیل اختلافات سیاسی دامنه دارش با حکومت مرکزی عراق نفوذ مداخله جویانه ای در کردستان عراق و در میان کردهای آن کشور می کرد. در این میان به ویژه موساد برای ناامن ساختن کردستان عراق و تجهیز و شوراندن کردهای آن کشور بر ضد حکومت مرکزی عراق همکاری بسیار نزدیک و گاه بسیار تعیین کننده ای با ساواک داشت. رژیم پهلوی مایل بود که حزب پان ایرانیست در جایگاه بازوی تبلیغاتی و سیاسی حکومت و در پوشش دفاع از حقوق و خاستگاه تاریخی و نژادی کردهای عراقی، از یک سو ارتباط آنان با مقامات سیاسی و

اطلاعاتی ایران را تسهیل کند و از سوی دیگر موضوع مقابله کردها با رژیم بغداد و کمک های ایران به کردها را توجیه پذیرتر نماید.

ساواک ترتیبی داده بود تا شعب و تشکیلات حزب پان ایرانیست با نظارت مأموران آن سازمان در مناطق غربی کشور و از جمله کردستان ایران که هم جوار کردستان عراق بود، تشکیل و تقویت شود و در همان حال نشریات این حزب درباره حقوق و مصالح کردهای عراقی مطالب و مقالات سفارشی چاپ و منتشر کنند. میان رهبری حزب پان ایرانیست با ملامصطفی بارزانی رهبر حزب کردستان عراق هم که خود روابط بسیار نزدیکی با ساواک داشت، مراودات سیاسی و تبلیغاتی هر از گاهی وجود داشت.

جالب تر آن بود که افرادی از اکراد ایرانی و نیز عراقی که پیگیر حقوق کردهای عراق در مقابل دولت عراق بودند نسبت به صداقت محسن پزشکپور و رهبری حزب پان ایرانیست در دفاع از حقوق اکراد عراق به شدت سوء ظن داشتند و در مجالس و محافل خود آنها را مأموران ساواک عنوان می دادند و تظاهرات و برنامه های حزبی و تبلیغاتی آنها در دفاع از حقوق کردهای عراقی را در راستای مقاصد سیاسی ساواک و

ص:۸۶

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حکومت پهلوی در آن نواحی ارزیابی می کردند.(۱)

ساواک تسهیلاتی فراهم آورده بود تا موضع گیری ها، سخنرانی ها و کنفرانس های رهبران حزب پان ایرانیست در دفاع از حقوق اکراد عراقی که می توانست از تمایلات تجزیه طلبانه برخی افراد و گروه های کردستان ایران هم بکاهد، از رادیو کردی ایران پخش شود. برخی گردانندگان رادیو کردی در تهران میان رهبران حزب پان ایرانیست با رهبران کردستان عراق نقش واسطه را ایفا می کردند. پان ایرانیست ها مدعی بودند، کردهای عراقی که به زعم آنان آریایی نژاد و در واقع ایرانی بودند، پس از گسستن یوغ سلطه حکومت مرکزی به خاک اصلی خود یعنی ایران ملحق خواهند شد. محسن پزشکپور در ششم اردیبهشت ماه ۱۳۴۵ مدعی شد، ملامصطفی بارزانی اظهار داشته است «آرزوی او و یارانش پیوستن به ایران و تشکیل ایرانی بزرگ در نظام شاهنشاهی می باشد. [ضمناً] از طرف حزب پان ایرانیست قرار است نمایندگانی به ملاقات ملامصطفی بارزانی

بروند تا ضمن این ملاقات برای مردم ایران روشن شود که بارزانی علاقه مند است با چند استان اشغالی خود به ایران بپیوندد».(۲) این اظهارات و مدعیات پزشکپور که علی الظاهر با سیاست های وقت حکومت، همخوانی چندانی نداشت، با تذکر ساواک روبه رو شد که به او یادآور می شدند در این باره تعادل پیشه کند. نمایندگان حزب پان ایرانیست که در اواسط تیر ۱۳۴۵ در کردستان عراق با ملامصطفی بارزانی ملاقات کردند، به او پیشنهاد داده بودند میان دو حزب پان ایرانیست و دموکرات کردستان عراق همکاری نزدیکی برقرار شود که او ضمن موافقت با این پیشنهاد، عملی شدن آن را منوط به اخذ «اجازه از شاهنشاه آریامهر» کرده بود.(۳)

در اواخر سال ۱۳۴۵ چنین به نظر می رسید که با توجه به کاهش موقت بحران سیاسی میان حکومت های تهران و بغداد، رژیم پهلوی راغب بود حزب پان ایرانیست فعالیت های ضدعراقی خود را تعدیل کرده و در حمایت از حقوق کردهای عراقی اندکی محتاطانه رفتار کند. با این حال کماکان این اعتقاد در ساواک وجود داشت که تداوم حضور حزب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پـان ایرانیست در کردسـتان ایران و نقشـی که می توانـد در تحکیم موقعیت رژیم پهلوی در آن منـاطق ایفـا کرده و در مقـاطع مختلف به مثابه حربه ای تبلیغاتی در مقابله حساب شده با حکومت عراق در کردسـتان آن کشور عمل کند، ضروری است. اما هشـدار می داد: «نحوه کـار حزب مـذکور در این منطقه بسـیار ظریف و حساس بوده، و با اینکه ایجاد و ایـدئولوژی حزب پان ایرانیست در مقابـل ایـدئولوژی کُردیت ضـرورت کامـل دارد، معهـذا رُل گرداننـدگان حزب پـان ایرانیست بایستی تحت یک برنامه صحیح و دقیق انجام گیرد. در غیر این صورت نتیجه معکوس حاصل خواهد شد».(۱)

## دامنه ناسیونالیسم؛ جایگاه مذهب تشیع

در دهه ۱۳۴۰ پان ایرانیست ها دیگر چنـدان بر شـعار «تمام فلات ایران زیر یک پرچم» پافشاری نمی کردند، با این حال علاقه مند بودند آن ایده با ارتباط فکری، سیاسی و

استراتژیک کشورهای به زعم آنان آریایی نژاد منطقه و به طور مشـخص ایران، افغانستان، هند و پاکستان،تقویت و دنبال شود. پان ایرانیست ها هنـد و پاکسـتان را مورد سـرزنش قرار می دادنـد که با تـداوم درگیری و مخاصـمه و عقد پیمان با کشورهای دیگر برای مقابله با یکدیگر در واقع در راستای تضعیف نژاد آریایی گام برمی دارند.(۲)

پان ایرانیسم و ناسـیونالیسم مـدعایی پان ایرانیست ها در آن برهه بسـیار مبهم و کلی ارائه می شد و نه در آن برهه و نه در هیچ زمان دیگری توضـیح ندادند که اساساً نظام آرمانی سیاسـی آنان چه ویژگی هایی باید داشـته باشد. تا جایی که اسـناد موجود نشـان می دهـد، اینـان هیـچ گاه برای حقوق و منافع و خواست های سیاسـی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران (حتی همـان آریـایی نژادان مورد عنـایت خود آنـان) در چـارچوب یـک نظـام مردم سالاـر و حـتی مشـروطه اهمیـتی قائـل نبودنـد و همچنـانکه رفتارهـا و منش رهـبری این حزب کوچـک گـواه آن بـود، ناسـیونالیسم و پـان ایرانیسم مـورد نظر آنهـا عمـدتاً می توانست در چارچوب نظام های فاشیستی و اقتدارگرا معنی و مفهوم پیدا کند. محمدرضا عاملی تهرانی

ص:۸۸

---

۱- بایگانی مؤسـسه مطالعات و پژوهشـهای سیاسـی (اسـناد حزب پان ایرانیست). چپ در ایران به روایت اسـناد ساواک، ج ۱، ص ۴۰۱-۳۹۹.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

قـائم مقـام اول حزب پـان ایرانیست گفته بود: «از نظر ما حکومت مشـروطه خوب است ولی مهم آن است که آرمان های ملت عملی شود و به همین جهت شـکل حکومت زیـاد مطرح نیست. ملت هـا خواسـتار سـعادت و ترقی هسـتند که بایـد این کار به دست هیأت حاکمه صورت گیرد.»(۱)

هر چند پان ایرانیست ها هیچ گاه آشکارا نشان ندادند، که با دین اسلام مخالف هستند، با این حال علاقه مند بودند این دین و البته سـایر ادیـان و فرق دینی موجود در ایران را در راسـتای همـان ایـده هـای ناسـیونالیستی، ایران گرایی و پان ایرانیستی خود تبیین و تفسیر کننـد. از منظر آنـان ادیـان و مـذاهبی بیشتر قابـل احترام بودنـد که با وحـدت ملی و نژادی و نیز سـرزمینی ایران انطباق گسترده تری داشـته باشـند. آنان صـراحتاً اظهار می داشتند، اسلام و عرب را دو موضوع جداگانه برمی شمارند و ضمن اینکـه فلسـفه دیـن اسـلام را می پذیرفتنـد، بـا این حـال بلافاصـله بـا ذوق و شـوق اضـافه می کردنـد، برخلاـف برخی دیگر از کشورهای

اسـلامی، هیـچ گاه قوم عرب، که از منظر آنان نژادی بیگانه و در واقع دشـمن آریانژادان به شـمار می رفت، نتوانست فرهنگ، مدنیت، نژاد و اسـتقلال سیاسـی و سرزمینی ایرانیان و به اصطلاح قوم آریایی را در خود مستحیل سازد. پان ایرانیست ها البته با صراحت بیشتری مـذهب تشیع را مظهر ناسـیونالیسم ایرانی قلمـداد می کردند که نقش تاریخی قابل توجهی در وحدت ملی و سرزمینی ملت ایران بر عهده داشته است. پان ایرانیست ها نسبت به دین زرتشت و زرتشتیان ایران و دیگر کشورهای جهان هم که به زعم آنـان از آریـایی نژادان بودنـد، بـا نظر مساعـدتری می نگریسـتند، چنانکه محسن پزشـکپور یک بار در هفـدهم تیر ۱۳۴۴ ضـمن اشاره به اینکه ایرانیان «از قـدیم خـداپرست» بوده انـد - مقصود او دین زرتشتی بود - درباره نقش و جایگاه دین اسلام و مذهب تشیع در جامعه ایرانی چنین اظهار عقیده کرد:

مـذهب شیعه یکی از مظاهر ناسـیونالیستی ملت ایران می باشد و این ایرانیان بوده اند که فرهنگ اسـلامی را به وجود آورده و بزرگـترین فقهـا و نویسـندگان اسـلامی همگی ایرانی بـوده انـد. مـا دین اسـلام را قبـول نمودیم ولی عرب نشـدیم لکن بودند کشورهایی که پس از



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تسلط اعراب بر آنها ملیت خود را برای همیشه از دست دادند در حالی که ما با پذیرفتن دین اسلام هرگز به صورت یک کشور عربی درنیامدیم.(۱)

پان ایرانیست ها پنهان نمی کردند که می توان با تأسی و حمایت از مذهب تشیع، وحدت ملی ایرانیان را در برابر اعراب و کشورهای عربی تقویت کرد و به عبارت دیگر مذهب تشیع را در خدمت منافع ملی و ناسیونالیستی ایران قرار داد. چنانکه محسن پزشکپور در

چهارم آذر ۱۳۴۴ با اشاره به ارسال ضریح جدید بارگاه حضرت ابوالفضل علیه السلام از ایران به عراق و استقبال پرشور شیعیان آن کشور از آن، تصریح نمود: «استقبالی که از ضریح حضرت ابوالفضل(ع) در عراق از طرف شیعیان به عمل آمد، شکست بزرگی برای عارف [رئیس جمهور نظامی عراق] و طرفداران او بود. ملت ایران با این کار بار دیگر پیوند خود را با مذهب شیعه که یکی از جلوه گاه های بزرگ ناسیونالیسم ایران است، ثابت نمود.»(۲)

در این میان، پان ایرانیست ها ظاهراً بهائیت را قبول نداشتند؛ البته نه به دلیل اینکه آن دین، قلابی و برخلاف تعالیم اسلام بود. تهرانی در چهاردهم آذر ۱۳۴۴ در دفتر مرکزی این حزب در تهران در این باره به مخاطبانش یادآور شد:

از نظر ما نبایستی دین باعث طبقه بندی یک ملت باشد و اقلیت های مذهبی را نباید به صورت افراد جداگانه یک کشور در نظر گرفت بلکه از نظر ملیت و نژاد و تاریخ و سنن مشترك ملیت ها را تقسیم بندی می کنند. زرتشتی ها ایرانیانی هستند که دین اسلام را قبول نکردند ولی با قبول نکردن یک مذهب که ملیت آنها از بین نمی رود. بهائی ها هم چون خواستار حکومت جهان وطنی هستند و تاریخ و ملیت را فراموش کرده اند از دشمنان اندیشه پان ایرانیسم می باشند.(۳)

همچنین پان ایرانیست ها نسبت به دین یهود و یهودیانی که در ایران زندگی می کردند نیز نظر مساعدی نداشتند. این موضوع البته ارتباطی به نوع موضع گیری آنان در قبال

دولت اسرائیل نداشت، بلکه نشأت گرفته از نوعی آنتی سامیتیزم، و بقایای اندیشه های



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

هیتلری بود. پان ایرانیست ها در برخی سخنرانی های خود از نژاد غیرایرانی یهودیان ساکن در ایران سخن به میان می آوردند که باید خاک ایران را ترک کنند. آنها مثل همه یهودستیزان معتقد بودند که فلسطین اشغالی میهن یهودیان است. از جمله در چهاردهم آذر ۱۳۴۴ یکی از رهبران حزب پان ایرانیست گفته بود: «اقلیت یهود باید به میهن خودشان مراجعت نمایند، چون ایرانی نیستند».(۱) این گفته، خواسته یا ناخواسته همان سیاستی را دنبال می کرد که صهیونیست ها در جهان دنبال می کنند، یعنی خروج یهودیان از سرزمین های دیگر به سوی به اصطلاح ارض موعود.

یک بار هم محسن پزشکپور در بیست و هشتم بهمن ماه ۱۳۴۴ با نکوهش کسانی که طی سالیان گذشته طرح تغییر خط فارسی را مورد توجه قرار داده بودند، سعید نفیسی را در رأس تمام علاقه مندان به تغییر خط فارسی جای داد که به عقیده او قبلاً دین «جهود» داشت و سپس «تغییر مذهب داده، مسلمان» شد. بدین ترتیب چنین به نظر می رسد که یهودیان در ردیف ایران نژادانی که به وحدت ملی ایران یاری رسانند، جای نمی گرفتند.(۲)

## روابط حزب پان ایرانیست و ساواک

بنابر شواهد موجود، حتی برخی از بلندپایه ترین رهبران و اعضای حزب پان ایرانیست به دلیل ارتباط نزدیکی که با ساواک داشتند، احتمالاً ـ خود عهده دار تقدیم گزارش های جلسات، تصمیم سازی ها و موضع گیری های حزب به این سازمان می شدند. برای نمونه در سند زیر که تاریخ تنظیم آن بیست وهشتم آبان ۱۳۴۳ است، می توان مشاهده کرد که چگونه «رهبران حزب»، خود را در حدّ یک منبع ساواک تنزل داده اند؛ و پس از به اصطلاح «تخلیه» خلیل ملکی تمام اطلاعات کسب کرده را از سیر تا پیاز به ساواک داده اند.

هشدار ساواک در ذیل سند که «کوچکترین اقدام مستقیم باعث شناسایی منبع خواهد

شد» کفایت می کند که نتیجه بگیریم، گزارش دهندگان همان مخاطبان خلیل ملکی یا به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

عبارت بهتر، رهبران حزب بوده اند.

بعد از ظهر چهارشنبه ۲۷/۸/۴۳ مجلس جشن ازدواج آقای دکتر هوشنگ طالع عضو حزب پان ایرانیست در باشگاه دانشگاه برگزار گردید. در این جشن آقای خلیل ملکی (شوهر خاله آقای طالع)، محسن پزشکپور، دکتر محمدرضا عاملی نیز حضور داشتند. ابتدا آقای محسن پزشکپور ضمن صحبت خصوصی از آقای خلیل ملکی سؤال کردند که روابط شما با جبهه ملی چگونه است؟ نامبرده پاسخ داد که ما به طور خیلی مخفی با آقای دکتر مصدق رابطه داریم و ایشان دستور داده اند که کمیته دوم جبهه ملی را منحل و مشغول تدارک و تشکیل جبهه ملی سومی هستند و رهبری آن نیز با من خواهد بود.

آقای پزشکپور سؤال کرد که به نظر شما جبهه ملی سوم کاری از پیش خواهد برد؟ خلیل ملکی گفت از نظر ما تشکیلات بی معنی است و توصیه و سفارش هایی که دکتر مصدق برای ما می کند این خاصیت را دارد که لکه هایی را که به ما چسبانده اند پاک کرده و وجهه خوبی در اجتماع پیدا نماییم تا بتوانیم مجدداً رهبری را به عهده بگیریم. در اینجا محسن پزشکپور

سؤال نمود شما به چه وسیله با آقای دکتر مصدق در تماس هستید؟ ناطق افزود من به طور خیلی مخفی با ایشان تماس دارم. سپس محسن پزشکپور درباره دو نشریه ای که در اروپا چاپ می شود و یکی از آنها به نام (سوسیالیسم مادی است) از خلیل ملکی سؤال کرد که این دو نشریه چگونه و زیر نظر چه کسی به چاپ می رسد؟ نامبرده گفت این دو نشریه تحت نظر من در اروپا چاپ می شود و به وسیله مسافرینی که از آلمان می آیند ته چمدانشان و یا زیر لباس ها می آورند و یا داخل مجله (به وسیله پست) ارسال می دارند و هر بار که چاپ شود پانصد شماره برای ما می فرستند. در اینجا ناطق در مورد سؤال یکی از حاضرین که دوستان شما چرا زندانی شده اند ملکی جواب داد آنها به دستور اینجانب خود را مسئول کمیته دانشگاه معرفی کردند تا مسئولین واقعی به دام نیفتند. پزشکپور سؤال نمود آیا شما در تمام جلسات کمیته ها شرکت می کنید؟ ملکی گفت من به عنوان مشاور و راهنمای این جلسات هستم ولی هیچ وقت شرکت نمی کنم.

رهبر عملیات: کوچکترین اقدام مستقیم

باعث شناسایی منبع خواهدگردید.(۱)



---

۱- خلیل ملکی به روایت اسناد ساواک، صص ۲۷۲-۲۷۱.

## فصل چهارم: تشکیلات و مدیریت، اعضا و عضوپذیری و نشریات حزبی

### تشکیلات و مدیریت

تا واپسین روزهای دهه ۱۳۳۰ حزب پان ایرانیست نمودار سازمانی و ساختار تشکیلاتی منظم و قاعده مندی نداشت، و هر چند عملاً- محسن پزشکپور نفر اول و همه کاره حزب محسوب می شد، اما در ظاهر حزب را «کمیته عالی رهبری» پنج و سپس هفت نفره ای هدایت می کرد و محسن پزشکپور هم دبیر مسئول بود. محمدرضا عاملی تهرانی، فضل الله صدر و اسماعیل فریور از دیگر اعضای شناخته شده تر کمیته عالی رهبری حزب بودند. در اوایل سال ۱۳۴۰ محسن پزشکپور به عنوان رهبر حزب پان ایرانیست و محمدرضا عاملی تهرانی هم قائم مقام او شناخته می شدند. در جریان برگزاری کنگره چهارم حزب با اصلاح اساسنامه حزب پان ایرانیست رهبری رسمی و بلامنازع محسن پزشکپور بر حزب تثبیت شد.(۱)

### اساسنامه و مرامنامه و کنگره های حزبی

برای حزب پان ایرانیست هیچ گاه مرامنامه ای تدوین نشد. فقط در خردادماه ۱۳۴۶



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

محمدرضا عاملی تهرانی پس از آنکه دیگر احزاب را مورد شماتت قرار داد که دستگاه رهبری و اعضای جوراجور آنها متن بی سروته و غیرقابل باوری را با عنوان مرامنامه تهیه و تصویب کرده و هیچ گاه هم محتوای آن را مورد اعتنا قرار نمی دهند، حزب پان ایرانیست و فلسفه پیدایش آن را فراتر از آن ارزیابی کرد که نیاز به تنظیم و تدوین مرامنامه هایی از این دست داشته باشد. عاملی تهرانی مدعی بود، حزب پان ایرانیست نه یک حزب عادی بلکه رستاخیزی ملی است که بر بنیان ناسیونالیسم و رستاخیز شاهنشاهی شکل گرفته است.

غالب احزاب موجودیت خود را از تجمع عده ای از افراد شروع می کنند که در هنگام تجمع اولیه دارای سابقه هم فکری نیستند و از اصول اجتماعی و سیاسی معینی پیروی نمی کنند. این عده که از وحدت نظر و وحدت کلمه در میان آنها اثر و خبری نیست بنا به علل مختلف درصدد برمی آیند که حزبی تشکیل دهند و برای اینکه از الگوی معمولی تشکیل احزاب تبعیت کرده باشند در جلسات اول درصدد برمی آیند که مرامنامه و اساسنامه ای تدوین کنند. برای این کار معمولاً دو سه نفری را تعیین می کنند که مرامنامه و اساسنامه ای بنویسند. آن دو سه نفر هم چند مرامنامه احزاب داخلی و خارجی را جمع آوری می کنند و بنا به سلیقه خودشان موادی را در کنار هم قرار می دهند و به اصطلاح عقاید و حرف های خوب را ردیف می کنند و سپس مرامنامه تنظیم شده را به

مجمع مؤسس می آورند و در ضمن چند جلسه پرجنجال مواد آن را حک و اصلاح می کنند و جزئی هماهنگی هم را که قبلاً در تنظیم آن وجود داشت از بین می برند و بدین سان دفترچه ای حاوی مرام حزب به وجود می آید؛ پس از آن بر حسب موقعیت حزب وارد زد و بندهای سیاسی می شود و غالباً مفاد مرامنامه به دست فراموشی سپرده می شود. چنانکه اکثراً اعضای حزب از محتویات آن بی خبر هستند و اگر یک روز بر حسب اتفاق آن را بخوانند تعجب خواهندکرد که چگونه زمانی این همه مطالب ناجور را در کنار هم قرار داده اند. فرض در این گونه احزاب آن است که حزب نماینده تجمع جمعی از افراد است و مرامنامه نیز فصل مشترک افکار و عقاید آنان است و در واقع این گونه احزاب فقط کانونی برای تأمین منافع بعضی از اشخاص و گروه های اجتماعی است و اتکا به محتویات مرامنامه نه لازم است و نه مورد نظر. در مورد حزب پان ایرانیست مسئله مرامنامه به نحو دیگری عنوان می شود زیرا حزب پان ایرانیست

ص:۹۴

هسته مرکزی و متشکل یک نهضت اجتماعی و یا بهتر بگوییم یک رستاخیز ملی است... وجه مشترک پیروان این رستاخیز شناسایی اصول ناسیونالیسم

و ایمان بدان است و حزب از تشکل معتقدان به ناسیونالیسم ایران زمین تشکیل می گردد. بنابراین حزب پان ایرانیست از تجمع عده ای با سلیقه های گوناگون پدید نیامده است تا مرامنامه ای تدوین کنند که نماینده فصل مشترک عقاید آنان باشد، بلکه حزب پان ایرانیست جایگاه سازمان یافتن پیروان با ایمان ناسیونالیسم و رستاخیز شاهنشاهی ایران زمین می باشد. این گروه نیازی بدان ندارند تا با ترکیب قطعاتی از مرامنامه دیگران... خود را نمودار سازند بلکه اعتقاد و ایمان به ناسیونالیسم وجه اشتراک آنان است و دلیل هماهنگی و سازمان یافتن آنان.(۱)

حزب پان ایرانیست تا بهمن ماه ۱۳۳۹ حتی اساسنامه دقیقی نداشت. نخستین و احتمالاً تنها اساسنامه این حزب که طی چند سال آتی ضمائمی هم پیدا کرد، در جریان دومین کنگره حزب و در دوازدهم بهمن ماه ۱۳۳۹ مورد تصویب و تأیید قرار گرفت.

اساسنامه اولیه حزب پان ایرانیست (مصوب بهمن ماه ۱۳۳۹) شامل چهار رکن و ۲۳ بند بود که شرح وظایف و حوزه اختیارات ارکان آن را تبیین و توضیح می داد.(۲)

طی کنگره های چهارم، پنجم و ششم حزب پان ایرانیست، ضمیمه هایی به اساسنامه افزوده شد که همه آنها در راستای تحکیم و تقویت محسن پزشکپور در جایگاه رهبری و هدایت بلامنازع و انحصاری حزب تنظیم می شد. بدین ترتیب طی کنگره چهارم که به

تدریج دوره نوینی در حیات حزب پان ایرانیست آغاز شده و حاکمیت آماده بود در راستای مقاصد خود برای حزب مذکور نقش جدیدی تعریف کند، همچنانکه مطلوب و خواسته محسن پزشکپور و احیاناً ساواک بود، کمیته عالی رهبری حزب (که از هفت عضو اصلی و عضو علی البدل متشکل می شد) حذف و از آن پس رهبری تمام و کمال آن به شخص پزشکپور واگذار شد. در این مصوبه جدید که مدعی شدند به تصویب و تأیید «اکثریت قاطع» شرکت کنندگان در کنگره رسیده بود، چنین آمده است:

نظر به مناسبت وضع سیاسی کشور، نظر به لزوم تجدید حیات سازمان های حزبی و کوشش



---

۱- روزنامه خاک و خون، ش ۲۳۲، یکشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۴۶، صص ۳-۱.

۲- علی اکبر رزم جو، پیشین، صص ۸۶-۸۱.

در یکپارچگی و فشردگی صفوف حزب، پیشنهاد می شود برای دوره آینده کلیه اختیارات کمیته عالی رهبری و دبیر مسئول توأماً به سرورپندار [اسم مستعار حزبی محسن پزشکپور] به عنوان رهبری حزب تفویض شود. ضمناً قبول این پیشنهاد در حکم انحلال کمیته عالی رهبری کنونی تلقی گردد و در این دوره کمیته عالی رهبری انتخاب نشود. اعضای کمیته عالی رهبری امضاکننده این پیشنهاد بدین وسیله استعفای خود را از سمت عضویت کمیته عالی رهبری اعلام می دارند.

کنگره پنجم نیز بر لزوم تداوم رهبری انحصاری محسن پزشکپور بر حزب پان ایرانیست طی چهار سال آتی حزب که مقارن با برگزاری کنگره ششم می بود تأیید و تصریح ورزید. در این مصوبه جدید، کنگره پنجم نقش پزشکپور در گسترش فعالیت های حزب پرداخت و:

در دو سال و ده ماه گذشته با توجه به اصل رهبری و تمرکز قوه اجرایی

درخشان ترین، پرشکوه ترین و پرثمرترین کوشش های پان ایرانیستی به پهنه مبارزات سیاسی ایران کشانده شد و با قاطعیت و صراحت هرچه تمام تر اصول و مبانی پان ایرانیسم در دل شهرها و روستاهای ایران گسترش یافت.

این درسی آموزنده و تجربه ای گرانبها بود، از اینکه یکپارچگی صفوف به هم فشرده حزب و هماهنگی همه ارگان ها و سازمان های حزبی و کسب این همه افتخار در پهنه مبارزات سیاسی ممکن و میسر نمی شد مگر در پناه اصل رهبری که کنگره چهارم با تصویب آن نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی ملت ایران به وجود آورد. از این رو ما سربازان جانباز و فنا در آرمان حزب به پیشگاه کنگره پنجم پیشنهاد می کنیم که همه اختیاراتی را [که] کنگره چهارم با تصویب آن نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی ملت ایران به وجود آورد به عنوان رهبر حزب به سرور محسن پزشکپور تفویض کرده، بار دیگر برای مدت چهار سال که ضمناً تاریخ کنگره ششم خواهد بود تصویب و تفویض گردد.

کنگره ششم حزب در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ بار دیگر در تمجید و تحسین از نقش محسن پزشکپور در پیشبرد اهداف و آرمان های حزب پان ایرانیست حد نشناخت و رهبری

انحصاری او بر حزب تا برپایی کنگره هفتم را به شرح زیر مورد تأیید قرار داد:

از آنجا که کوشش های سرور محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست در گسترش اندیشه

خدایی پان ایرانیسم و مکتب ناسیونالیسم ایران زمین با توجه به امکانات موجود مقرون کامیابی بوده است، از آنجا که مبارزات روشنگر گروه پارلمانی پان ایرانیست که از هدایت های مستقیم رهبر حزب برخوردار بوده است، به عنوان شیوه راستین مبارزات آرمان خواهانه ملت ایران شناخته شده است، از آنجا که تفویض اختیارات کمیته های عالی رهبری و دبیر مسئول حزب و قاطعیت تصمیم های تاریخی آن در برخورد با حوادث خطیر شناخته شده است، ما امضاکنندگان مراتب زیرین را تأیید و تصویب می نماییم:

۱- مراتب سپاس کنگره را به پاس کوشش ها و راهنمایی های بی دریغ و آرمان خواهانه سرور محسن پزشکپور برای شان پیشکش می داریم.

۲- مقام رهبری حزب که حاوی اختیاراتی است که به موجب اساسنامه حزب به کمیته عالی رهبری و دبیرمسئول حزب اعطا شده است، مانند پیش به سرور محسن پزشکپور برای مدت چهار سال که ضمناً تاریخ تشکیل کنگره هفتم می باشد، تفویض می گردد.

و این آخرین ضمیمه ای بود که تا هنگام اعلام انحلال حزب پان ایرانیست در اسفند ماه ۱۳۵۳ (به دنبال تأسیس حزب رستاخیز) بر اساسنامه آن افزوده شد. بدین ترتیب همچنانکه از محتوای اساسنامه و ضمیمه های چندگانه آن برمی آید حداقل از اوایل دهه ۱۳۴۰ به بعد شخص محسن پزشکپور تنها مرجع تصمیم سازی های خرد و کلان حزب محسوب می شد و قرینه ای هم وجود ندارد که نشان دهد دیگرانی در حزب احیاناً در برابر خواست ها و تصمیمات او مخالفتی جدی ابراز کرده باشند.

## مدیریت

از همان سال های نخست تشکیل حزب پان ایرانیست به بعد، همواره محمدرضا عاملی تهرانی به نوعی مغز متفکر حزب محسوب شده و در همان حال در جایگاه دومین فرد در رهبری و مدیریت حزب از او یاد شده است. از آغاز دهه ۱۳۴۰ مسلم بود که عاملی تهرانی قائم مقام اول حزب پان ایرانیست است و تا مدت ها بایگانی اسناد و مدارک حزب در منزل او نگهداری می شد. چندی بعد نام فضل الله صدر هم به عنوان قائم مقام دوم پزشکپور در حزب پان ایرانیست بر سر زبان ها افتاد که گفته می شد حتی بیش از دیگر کارگردانان حزب با ساواک در ارتباط است. محسن پزشکپور که در سیزدهم اسفند ماه

۱۳۴۳ به ترتیب از عاملی تهرانی و صدر به عنوان قائم مقام اول و دوم خود نام می برد و خود نه دبیرکل بلکه رهبر حزب شناخته می شد، خود و این دو تن را کادر رهبری حزب کرد. در همین تاریخ پزشکپور تشکیلات حزب را شامل سه نیرو دانست، که نیروی اول با عنوان «دفتر سیاسی» رهبر حزب و دو قائم مقامش تنها اعضا و تصمیم سازان آن بودند؛ نیروی دوم، یعنی «دفتر مرکزی حزب»، موظف بود «به امور اداری تهران و شهرستان ها و امور تبلیغاتی و تهیه آمار و بررسی گزارش ها» بپردازد. مسئولیت این نیروی دوم به دستور پزشکپور بر عهده محمدرضا عاملی تهرانی بود. نیروی سوم حزب، یعنی «نیروی اجرائیه» را نیز فضل الله صدر هدایت می کرد.(۱)

به دلیل مأموریت های خارج از کشور صدر، پزشکپور یادآور شد که تا بازگشت او به

ایران خود مسئولیت مستقیم نیروی سوم حزب را عهده دار خواهد شد. پزشکپور وظیفه نیروی اجرائیه را «امور انتشاراتی و پخش آن و امور بازرسی» ذکر کرد و مسئولیت این دو وظیفه را از جانب خود بر عهده هوشنگ طالع و محمد جهانگیری نهاد. پزشکپور وعده داد، به دلیل تغییراتی که به زودی در گسترش فعالیت حزب داده می شود در کادر تشکیلاتی و نیز مسئولیت های حزبی شهرستان ها و استان ها هم تحولاتی رخ خواهد داد.(۲) طی یکی دو سال آتی در ترکیب کادر رهبری و حوزه مسئولیت آنها تغییراتی به وجود آمد.

در پانزدهم اسفند ماه ۱۳۴۵ ساواک در گزارشی اعضای حزب پان ایرانیست در تشکیلات تهران را در سه درجه طبقه بندی کرد. بنابر آمار ساواک تمام اعضای رسمی و آزمایشی و نیز هواداران شناخته شده حزب پان ایرانیست در تهران در اسفند ماه ۱۳۴۵ کمتر از هشتاد تن بود. ساواک افراد درجه یک حزب را هفت تن، اعضای درجه دو حزب را بیست و هفت تن و اعضای درجه سه حزب را در آن تاریخ چهل و پنج تن اعلام کرده بود. در آن تاریخ از محسن پزشکپور به عنوان رهبر حزب و مدیر و صاحب امتیاز روزنامه خاک و خون (ارگان رسمی حزب) نام برده شده بود؛ محمدرضا عاملی تهرانی قائم مقام اول رهبری و نظریه پرداز حزب بود؛ و از فضل الله صدر در جایگاه قائم مقام دوم رهبری و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مسئول سازمان های خارج از ایران حزب یاد شده بود. در آن برهه، هوشنگ طالع مسئول دفتر مرکزی حزب و عضو دفتر سیاسی و نیز مسئول تماس با تشکیلات اروپایی حزب پان ایرانیست بود؛ سیدحسین طیب، اسدالله مقدادی و عباس روح بخش هم اعضای دفتر سیاسی حزب در تهران بودند. در آن زمان در میان اعضای درجه دو حزب پان ایرانیست در تهران افراد زیر مسئولیت هایی در کادر تشکیلاتی و اجرایی حزب بر عهده داشتند: مرتضی آفتاب روشاد، مسئول تماس با تشکیلات حزب در آمریکا؛ حسین خان مصدق، مسئول امور انتشارات حزب و توزیع نشریات حزبی؛ محمد جهانگیری، صاحب جمع آوری اموال حزب و مسئول نشریات حزبی و امور کنفرانس ها؛ و امیرهوشنگ حمیدی، عضو تحریریه روزنامه خاک و خون.(۱)

در اواخر خرداد ۱۳۴۳ مسئولیت امور مالی حزب پان ایرانیست به مجید ضامنی سپرده شد. در اواسط دی ماه ۱۳۴۷ ساواک از شایعاتی سخن به میان آورد که علی الظاهر محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست برای جلب نظر داریوش فروهر و همکاری او با حزب مذکور به عنوان قائم مقام رهبری مذاکراتی به عمل آورده است. با این حال موضوع پیگیری نشد و احتمالاً ـ فروهر حاضر نشد با این حزب وابسته به حاکمیت که در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور شأن و اعتباری نداشت، همراهی کند.(۲)

در اوایل تیر ۱۳۴۸ در حوزه وظایف و اختیارات دو قائم مقام حزب پان ایرانیست تغییراتی روی داده بود. در این برهه ساواک از محمدرضا عاملی تهرانی در جایگاه قائم مقام اول و مسئول سازمان های غرب و مسئول دفتر برنامه ریزی و آموزش ایدئولوژیک حزب نام می برد، و فضل الله صدر قائم مقام دوم پزشکپور را سرپرست سازمان های خارج از کشور و مسئول روابط عمومی حزب ذکر می کند.(۳) در اواخر مهر ۱۳۴۸ اسماعیل فریور (شوهرخواهر پزشکپور) و عضو گروه پارلمانی پنج نفره حزب پان ایرانیست در دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی به دستور پزشکپور به سرپرستی سازمان های حزبی پان ایرانیست در شمال ایران منصوب شده بود. ساواک در شانزدهم



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بهمن ماه ۱۳۴۸ محسن پزشکپور، محمدرضا عاملی تهرانی، فضل الله صدر، اسماعیل فریور و هوشنگ طالع را به ترتیب مهم ترین و تعیین کننده ترین رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست ذکر کرده است.(۱)

به دنبال طرح تجزیه بحرین از ایران و مخالفت پان ایرانیست ها با آن، که فشار حکومت و در درجه اول دولت هویدا بر رهبری حزب پان ایرانیست افزایش یافت، مدتی شایع شد که به زودی محسن پزشکپور از رهبری حزب کناره گیری و فضل الله صدر که به طرح تجزیه بحرین رأی مثبت داده بود، در رأس این حزب قرار خواهد گرفت.(۲) اما این اتفاق نیفتاد و پزشکپور کماکان در رهبری حزب پان ایرانیست باقی ماند. در این میان

فضل الله صدر اندکی پس از تصویب لایحه تجزیه بحرین و مخالفت هایش با رهبری حزب پان ایرانیست، به دستور پزشکپور از حزب اخراج شد و قائم مقامی او در حزب هم به سر آمد.

ترکیب رهبری حزب پان ایرانیست تا هنگام اعلام انحلال آن در اسفند ماه ۱۳۵۳ تغییر چندانی نکرد. به دنبال اعلام خروج محسن پزشکپور و دیگر اعضای برجسته حزب منحل شده پان ایرانیست از حزب رستاخیز در خرداد ۱۳۵۷ که تقریباً به سرعت بار دیگر حزب پان ایرانیست اعلام موجودیت کرده و فعالیت های خود را در حمایت از رژیم رو به زوال پهلوی از سر گرفت، محسن پزشکپور باز هم رهبر بلامنازع حزب شد و محمدرضا عاملی تهرانی در جایگاه قائم مقام رهبر حزب قرار گرفت. عاملی تهرانی پیش از آن مدتی قائم مقام حزب رستاخیز شده بود. قائم مقامی عاملی تهرانی در حزب پان ایرانیست دیری نپایید و هنگامی که با تشکیل کابینه جعفر شریف امامی (در پنجم شهریور ۱۳۵۷) به عنوان وزیر اطلاعات و جهانگردی در دولت عضویت یافت، محسن پزشکپور، هوشنگ طالع را به عنوان قائم مقام جدید خود برگزید.(۳)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کادر رهبری حزب پان ایرانیست تغییراتی رخ داد و به رغم آنکه محسن پزشکپور کماکان فصل الخطاب و رهبر بلامنازع این حزبِ به شدت

ص:۱۰۰

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). روزنامه مرد امروز، ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹.

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آسیب دیده و غیرقابل اعتنا بود، با این حال به تدریج افراد دیگری در کادر رهبری این حزب پذیرفته شده و علی الظاهر هم اکنون گروهی هفت یا هشت نفره عضو شورای رهبری حزب پان ایرانیست هستند. پایگاه اینترنتی پان ایرانیست در سیزدهم تیر ۱۳۸۷ اعضای شورای رهبری این حزب را به ترتیب زیر معرفی کرد: محسن پزشکپور، کرمانی، ابراهیم میرانی، قدرت الله جعفری، سهراب اعظم زنگنه، زهرا صفاپور، شهریاری و منوچهر یزدی.(۱)

## ساختار و سازمان

در تمام سال های دهه ۱۳۳۰ و نیز چند سال نخست دهه ۱۳۴۰، حزب پان ایرانیست هنوز تشکیلاتی منسجم نداشت. فقط در اوایل مهرماه ۱۳۴۴ بود که نخستین سازمان اداری و مدیریتی حزب پان ایرانیست به شرح زیر صورت بندی شد:

کادر شماره ۱- شامل دفتر سیاسی که با واسطه دفتر سیاسی سه کادر برای حزب به وجود آمده است: کادر زبدگان، بخش عملیات اجرایی، بخش تشکیلاتی

کادر زبدگان مرکب از هیأت تحریریه بولتن و هیأت تحریریه روزنامه مرکب از نویسندگان حزبی خواهد بود و افرادی که برای جشن ها و طرح و برنامه های تشریفاتی و دیگر مراسم عمومی حزبی در نظر گرفته می شوند عضو این کادر خواهند بود.

کادر شماره ۲- بخش عملیات اجرایی شامل آموزش و تبلیغات. بخش مالی – بازرسی و اطلاعات. کارهای دفتری. بایگانی. آمار. بخش گسترش. طرح و برنامه.

کادر شماره ۳- کادر تشکیلاتی. بخش تشکیلات حزبی. بخش حزبی خارج از مرکز.

تهیه مطالب برای ماهنامه ناسیونالیسم. نشریه خارج از کشور حزب. تماس با شهرستان ها. ارسال نشریه های تبلیغاتی به شهرستان ها.(۲)

همزمان با اعلام برپایی و آغاز به کار تشکیلات اداری و مدیریتی جدید، محسن

پزشکپور تصریح کرد، که از آن پس فعالیت حزب پان ایرانیست بر حسب استراتژی جدید



---

۱- سایت اینترنتی: http://pan-iranist.blogfa.com

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

گسترش روزافزونی پیدا خواهد کرد. در بهمن ماه ۱۳۴۵ سخن از آن بود که به زودی اعضای حزب پان ایرانیست در بخش های مختلف شغلی و اجتماعی در دسته هایی با عنوان نیرو سازماندهی شده و ریاست آنان را فردی با سمت نیرودار بر عهده خواهد گرفت. در اواسط سال ۱۳۴۶ در مجموعه تشکیلات حزب پان ایرانیست سازمان هایی در حال شکل گیری بود. سازمان زنان از مهمترین بخش های حزب پان ایرانیست در آن برهه محسوب می شد که در برخی شعب شهرستان و استان حزب هم فعالیت هایش را آغاز کرده بود. سیما سورتیجی، مینو سورتیجی و منیژه سورتیجی، هایده خاوری، خانم پورهاشمی و خانم بخشنده مهمترین اعضا و گردانندگان سازمان زنان حزب پان ایرانیست در سال ۱۳۴۶ به شمار می آمدند. پزشکپور بارها تأکید می کرد حزب برای توسعه فعالیت های سازمان زنان از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

در یازدهم دی ۱۳۴۶ اعلام شد، همه اعضای حزب پان ایرانیست در چهار گروه مختلف و با عنوان کلی نیرو طبقه بندی شده اند که عبارت بودند از:

الف – جلسات حزب از هفته ای یک بار به دو بار در بعد از ظهر روزهای دوشنبه و چهارشنبه تعیین گردیده است.

ب – کلیه اعضای حزب پان ایرانیست به چهار نیرو تقسیم بندی شده اند.

۱- نیروی کارمندی به مسئولیت آقای سیدمحمد باقری کارمند بانک کشاورزی

۲- نیروی کارگری به مسئولیت شاهرخ صفوی کارمند سازمان آب و برق دزفول

۳- نیروی دانش آموزی به مسئولیت رحیم طهماسبیان آموزگار آموزش و پرورش دزفول

۴- نیروی تماسی به مسئولیت محمد تیمور کارمند بانک کشاورزی دزفول

تاریخ تشکیل نیروهای فوق به ترتیب نیروی کارمندی عصرهای دوشنبه و نیروی کارگری عصرهای جمعه و نیروی دانش آموزی عصرهای پنجشنبه و نیروی تماسی عصرهای چهارشنبه می باشد.

ضمناً طرح ریزی برنامه های جدید حزبی وسیله آقای محمدحسین آدمیت انجام گردیده است.(۱)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

چند ماه بعد و در تیر ۱۳۴۷ نیروهای جدیدتری هم بر تشکیلات اداری حزب افزوده شد که عبارت بودند از: نیروی فرهنگیان (آموزگاران) و نیروی زنان. با این حال همچنانکه از گزارش های موجود برمی آید، این تشکیلات جدید سازمانی و نیز نیروهای مختلف حزبی به دلیل عدم اعتنای مردم و فقدان عضو کافی، تا مدت ها هیچ فعالیتی نداشتند.

## نیروی گارد

اما مهمترین نیرویی که در حزب پان ایرانیست شکل گرفت و محسن پزشکپور به شدت از آن استقبال کرد، نیروی گارد بود. اعضای نیروی گارد، لباس های یکدست (یونیفرم) به تن می کردند و با آموزش های مختصر رزمی، وظیفه نگهبانی از مرکز حزب و نیز پاسداری از جلسات، کنفرانس ها، کنگره ها و دیگر مراسم و جشن های حزب را عهده دار بودند. به ویژه محسن پزشکپور که گاه رفتار و سکناتش تقلیدی از هیتلر بود، نیروی گارد را موظف کرده بود هنگام برخورد با او مانند نیروهای انتظامی آلمان هیتلری سلام کنند و هر چند شعارشان عباراتی مانند «پاینده ایران» بود، اما حرکات دست و بدن آنان با نازی های آلمان مشابهت کاملی داشت. اعضای نیروی گارد از میان جوانان درشت اندام انتخاب می شدند. هیأت شبه نظامی نیروی گارد و شیوه خاصی که به هنگام ادای احترام نسبت به رهبری حزب به جای می آوردند، پزشکپور را آشکارا به وجد می آورد. همواره مورد

اعتمادترین و جدی ترین افراد حزب در رأس نیروی گارد قرار می گرفت و مقررات شبه نظامی سختگیرانه تری در قبال اعضای این نیرو اعمال می شد.(۱) ساواک در پنجم آذر ۱۳۴۷ درباره اهمیت نیروی گارد و طرح گسترش دامنه و حوزه های فعالیت آن در مرکز حزب در تهران و نیز استان ها چنین گزارش کرده است:

از نیمه دوم سال ۴۶ حزب پان ایرانیست در مرکز مسئولیت دکتر هوشنگ طالع عضو فراکسیون پارلمانی حزب مزبور اقدام به تأسیس نیروی ویژه حزب پان ایرانیست تحت عنوان «نیروی گارد» نموده است.

افراد وابسته به این نیرو از زبده ترین و باایمان ترین اعضای حزب بوده و با در نظر گرفتن

ص:۱۰۳

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

انضباط و فعالیت آنان در سال های گذشته از بین اعضای حزب مذکور انتخاب می گردند. منظور از تشکیل نیروی مزبور کنترل اعضای آزمایشی حزب و جلوگیری از هرگونه بی نظمی ها در کنفرانس ها و میتینگ های حزبی می باشد و رهبران حزب در نظر دارند از افراد مورد بحث به عنوان گروه های تجسسی، ضربتی در مواقع لزوم، تشریفاتی و اسکورت استفاده نمایند و بدین منظور آشنایی عناصر فوق به فنون خاص هنگام انتخاب در نظر گرفته می شود.

نگهبانی محل های حزب با افراد مذکور

بوده و قرار است پس از تقویت نیروی فوق بازرسی حزب نیز به عهده عناصر آن واگذار شود و از اعضای آن جهت تشکیل نیروی موصوف به شهرستان هایی که شعب حزب در آنها وجود دارد اعزام شوند.

مسئولین مربوطه ضمن تشکیل جلسات در محل حزب در مورد وظایف و آشنایی افراد به فنون مورد لزوم مطالبی اظهار و توصیه های لازم جهت تقویت سازمان آن در مورد معرفی افراد ورزیده و موجد شرایط به اعضای آن می نمایند.

در اهواز نیز شعبه نیروی گارد حزب پان ایرانیست تشکیل گردیده و جلساتی نظیر مرکز در محل حزب شهرستان مزبور برگزار می شود لیکن تاکنون در سایر شهرستان ها شعب نیروی فوق تأسیس نگردیده و رهبران حزب در نظر دارند به تدریج نسبت به ایجاد آن اقدام نمایند.(۱)

در تیر ۱۳۴۸ در ترکیب و تعداد نیروهای حزب تغییراتی رخ داده بود. نیروهای شناخته شده تر حزب در آن مقطع عبارت بودند از: نیروی نفت، نیروی مهندسین، نیروی بانوان، نیروی دوشیزگان، نیروی نوباوگان، نیروی دانش آموزان، نیروی دانشجویان، نیروی گارد، نیروی کارگری و نیروی کارمندان. در این برهه حزب تعدادی سازمان و شورای مشورتی جنبی هم بر تشکیلات خود افزوده بود که مهمترین آن ها، شوراهای مشورتی

روستایی و کارگری بودند.(۲)

این سازمان ها البته موجودیت شان از روی کاغذها و پرونده های حزب فراتر نرفت.

ص:۱۰۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در بهمن ۱۳۴۶ ساواک در گزارشی هشدارآمیز از ایجاد یک واحد اطلاعاتی در شعبه حزب پان ایرانیست در اهواز خبر داد:

اخیراً در حزب پـان ایرانیست اهواز یک واحـد اطلاعاتی به مسـئولیت ایرج ایرانپور یکی از افراد زبـده حزبی تشـکیل گردیـده است. این واحـد وظیفه دارد در مورد امور داخلی حزب شامـل انضـباط و اعمـال و رفتـار و به طور کلی وضع اعضـای حزب و همچنین در زمینه مسائـل خـارجی منجمله اوضـاع عمومی مردم و منطقه و وضع دسـتگاه های دولتی و احزاب دیگر و مخالفین حزب اطلاعاتی کسب و پس از تقسیم بندی در اختیار مسئول تشکیلات حزب در اهواز قرار دهد.

به نظر می رسد تشکیل واحد مذکور بیشتر جهت کسب اطلاع از نقاط ضعف احزاب دیگر به ویژه حزب ایران نوین و آگاهی از مخالفت هایی که با حزب پان ایرانیست به عمل می آید صورت گرفته است.

نظریه رئیس ۲۶ – ایجاد یک واحد اطلاعاتی گامی است به جلو جهت گسترش فعالیت های حزبی و آگاهی از نقاط ضعف و قوت حزب

ایران نوین.

نظریه ۶ ه – احتمـال دارد این واحـد در شـناسایی منـابع دسـتگاه های اطلاعاتی نیز وظیفه ای داشـته باشـد و یا در آینـده چنین وظیفه ای به او محول شود. در این صورت رعایت حفاظت بیشتر منابع در این هدف ضروری به نظر می رسد.(۱)

در تیرماه ۱۳۴۷ هم سـخن از آن بود که به زودی در شـعبه حزب پان ایرانیست در خوزستان، یک گروه ضداطلاعات «از زبده ترین افراد حزب تشکیل تا در اسرع وقت کار خود را در این خصوص آغاز نماید».(۲)

چنـد روز بعـد محمـدرضا عـاملی تهرانی، قائم مقام پزشـکپور پیرامون گستره حوزه مسئولیت و وظایف این سازمان اطلاعات، اظهار داشت:

برای به وجود آوردن این سازمـان در حـال حاضـر بایـد بیوگرافی تمـام وکلاـ و وزرا و نحوه وابسـتگی آنها به احزاب و سابقه سیاسی آنان جمع آوری شود و در مورد هر کدام بیوگرافی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مفصل و دقیقی در حدود امکان جمع آوری گردد. دکتر عاملی سپس افزود اعضایی را که در تشکیلات اروپایی و آمریکایی حزب فعالیت دارند نیز باید کنترل نمود و بیوگرافی آنها را به دست آورد و باید دقت نمود که در چه سازمان هایی رفت و آمد دارند تا وقتی که

به ایران بازمی گردند از نظر حزب شناخته شده باشند و همچنین در داخل ایران نیز از مسئولین شهرستان ها و در تهران هم دقت بیشتری روی افراد داشته باشیم، روحیه های آنان و خصوصیاتشان را دقیق بررسی کنیم. در صورت امکان اطلاعاتی راجع به احزاب موجود، نحوه تشکیل جلسات آنها و تعداد مسئولین جلسات جمع آوری گردد.(۱)

آیین نامه سازمان های اجرایی و نیز نمودار سازمانی حزب پان ایرانیست که توسط محمدرضا عاملی تهرانی تدوین و تنظیم شده بود، در پنجم آذر ۱۳۵۱ ابلاغ شد. آیین نامه سازمان های اجرایی طی سه فصل و در مجموع ده بند و به شرح زیر بود:

آیین نامه سازمان های اجرایی حزب پان ایرانیست

فصل یکم – کلیات و تعریف ها

بند یکم – سازمان های اجرایی حزب کلیه سازمان هایی است که از سوی رهبر حزب مستقیماً [ناخوانا] از راه تفویض اختیار تشکیل می گردد و در راه تحقق آرمان های نهضت انجام وظیفه می نمایند.

بند دوم – واحدهای سازمان های اجرایی حزب بر حسب نوع وظیفه و فعالیت سه گونه می باشند:

۱- واحدهای تشکیلاتی – که جایگاه سازمان

گرفتن اندامان حزب اعم از آزمایشی و رسمی است.

۲- واحدهای اداری – که به منظور تأمین خدمات ستادی سازمان های دیگر حزبی تشکیل می گردد.

۳- واحدهای کوشش ویژه – که از واحدهای تشکیلاتی و اداری نیرو می گیرند و در جهت تأمین هدف های سیاسی و اجتماعی حزب در محیط خارجی حزب به عمل می پردازند.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بنـد سوم – کوچکـترین واحـد تشـکیلاتی حزب بنـا به تعریف اساسـنامه نیرو می باشـد. مجموعه چنـد [ناخوانـا] یـک گروه و مجموعه چند گروه یک شاخه را تشکیل می دهد.

بنـد چهارم – مجموعه نیروها و واحـدهای سازمانی مربوط، در یک واحد جغرافیایی، «تشـکیلات» نامیده می شود (تشـکیلات تهران – تشـکیلات خرمشـهر حزب پـان ایرانیست). مجمـوعه نیروهـا و واحـدهای سازمـانی مربوط برای یـک گروه اجتمـاعی «سازمان» نامیده می شود (سازمان زنان – سازمان دانشجویان حزب پان ایرانیست)

یادآوری – تشـکیلات می توانـد دارای چنـد سازمان باشـد و نیز سازمان می توانـد در واحدهای جغرافیایی دیگر دارای شـعبه باشد.

بند پنجم - «بخش» واحد سازمانی است که

برای انجام قسمتی از وظایف اداری یا کوشش های ویژه تشکیل می شود. مجموعه چند بخش یک دفتر را به وجود می آورد.

فصل دوم – سازمان واحدهای تشکیلاتی

بند ششم – واحد تشکیلاتی به «تشکیلات» و یا «سازمان» تعریف شده در بند چهارم اطلاق می شود.

بند هفتم – مسئول هر تشکیلات یا سازمان از سوی رهبر حزب به طور مستقیم یا به موجب تفویض اختیار تعیین می گردد.

بند هشتم – سازمان هر واحد تشکیلاتی برابر نمودار سازمانی «شماره یک» خواهد بود.

یـادآوری – در واحـدهای تشـکیلاتی که تکامـل نیـافته باشـند، به غیر از نیروها واحـد سازمانی شـماره × تشـکیل می گردد و وظایف اداری و کوشش های ویژه را نیز انجام می دهد.

فصل سوم – سازمان مرکزی

بنـد نهم – سازمـان مرکزی حزب مجموعه واحـدهای سازمانی است که در مرکز حزب زیر نظر رهبر حزب برای هـدایت کلیه سازمان های حزبی و کوشش در تحقق آرمان های حزب انجام وظیفه می نماید.

بند دهم – سازمان مرکزی حزب برابر

نمودار سازمانی «شماره دو» خواهد بود.(۱)

ص:۱۰۷

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نمودار سازمانی شماره ۲

حزب پان ایرانیست برای تنظیم روابط میان اعضا، واژه ها و علائمی هم برگزیده و آنان را به رعایت تشریفات خاص ملزم ساخته بود.

برخی رهبران و کارگردانان اصلی حزب، دارای اسامی مستعاری بودند که گفته می شد با هدف «رعایت اصول انضباط اندیشه ای و تشکیلاتی» و نیز «حفظ سلامت» اعضا صورت می گیرد. مهمترین و ماندگارترین این القاب و اسامی مستعار پندار و آژیر بودند که

به ترتیب برای محسن پزشکپور و محمدرضا عاملی تهرانی به کار می رفت. همچنین مقرر شده بود اعضای حزب هنگام خطاب قرار دادن یکدیگر عنوان «سرور» را پیشوند اسامی خطاب شدگان قرار دهند. این کاربرد سرور گاه باعث استهزای مخاطبان و اعضای حزب از سوی افراد غیرحزبی می شد. با این حال پزشکپور سخت پافشاری می کرد که واژه سرور

ص:۱۰۸

که به زعم او به معنای پایان بندگی در روابط فیمابین انسان ها بود، همچنان برای مخاطبان عضو حزب پان ایرانیست به کار گرفته شود. از دیگر واژه های مورد استفاده اعضای حزب پان ایرانیست «پاینده ایران» بود که به هنگام مواجهه افراد حزبی با یکدیگر و نیز به وقت جدا شدن از هم (به جای واژه های سلام و خداحافظ که در فرهنگ اسلامی ایرانی مردم ایران عبارات عمیق و دقیق تری بوده و کاربرد فراوانی داشته اند) به کار می رفت. کاربرد این عبارت هم اساساً از نگرش های افراط گرایانه پان ایرانیستی و ناسیونالیستی آنان نشأت می گرفت.

حزب پان ایرانیست نشان ویژه ای برای خود طراحی کرده بود که شامل دو خط موازی و یک اریب قاطع (≠) می شد و به آن عنوان «نشان مخالف» داده بود. محسن پزشکپور در معنی این نشان مخالف گفته بود «نشان از مخالفت ما دارد با نظامات غیرملی و غیرناسیونالیستی» و محمدرضا عاملی تهرانی هم در تفسیر این نشان اظهار عقیده کرده بود که گویای آن است که: «ما خواستار نظام شکوهمند شاهنشاهی که نشانه وحدت تیره های نژاد ایرانی و نشانه همبستگی شاخه های نژادی و فرهنگی ملت ایران است، می باشیم و با هرگونه نفاق و پراکندگی و تجزیه در میان ایرانیان مخالف هستیم».

حزب پان ایرانیست برای خود سه پرچم یا درفش مختلف طراحی کرده بود که عبارت بودند از: درفش حزب، درفش گارد و درفش رهبری. درفش حزب از سه رنگ سبز و سفید و سرخ تشکیل می شد که علاوه بر نقش نشان مخالف مذکور بر رنگ سرخ، دور تا دور درفش را نیز نواری سیاه رنگ احاطه می کرد. پان ایرانیست ها در تفسیر معنی این نوار سیاه که آن را نشان عزاداری می دانستند، معتقد بودند «بیانگر سوگواری و ماتم پان ایرانیست ها به خاطر پراکندگی و جدایی تیر ه های نژادی و تجزیه برخی از سرزمین های نیاخاک نژادی ایرانی است» و این نوار سیاه تا هنگام قرار گرفتن نژاد و سرزمین تاریخی ایران تحت لوای یک پرچم کماکان از پرچم حزب، حذف نخواهد شد. گارد حزب هم دارای درفشی با

رنگ های سرخ و سفید و سیاه بود. این درفش نشان «جانبازی بیشتر افراد» عضو نیروی گارد و نیز یادآور دفاع آنان از نژاد ایرانی و سرزمین های تاریخی ایران زمین بود. درفش رهبری حزب هم که نشان از خودمحوری و خودشیفتگی محسن پزشکپور داشت، به رنگ سرخ بود و عقابی زرین که علامت حزب پان ایرانیست را در چنگال داشت بر آن

نقش بسته بود؛ ضمن اینکه نظیر دیگر درفش های حزب، درفش رهبری را هم نواری مشکی احاطه کرده بود.

حزب پـان ایرانیست برای مراسم رسـمی خـود اونیفورم مخصوصـی (به رنـگ خـاکستری) طراحی کرده بود که اعضـا موظف بودنـد آن را بر تن کنند. این اونیفورم تقلیدی از نوع پوشـش نازی های آلمان هیتلری بود. پیش از حزب پان ایرانیست، حزب سومکـا اعضـایش را به پوشـیدن اونیفورم مخصوص ملزم سـاخته بود. فلسـفه وجودی لبـاس و اونیفورم ویژه اعضای حزب پان ایرانیست، چنین تفسیر می شد:

محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست در مورد نحوه تبلیغ حزبی اظهار داشت افراد حزبی باید همه جا تبلیغ حزبی نمایند و تنها به شـرکت در جلسات اکتفا ننموده و در همه جا وظیفه سـخنگویی را انجام دهند. نامبرده سـپس در مورد لباس مخصوص افراد حزب پان ایرانیست بیان نمود این شـیوه تاریـخ ایران است که از حمله اسـلام به ایران متـداول و مرسوم شده و هر نهضتی که از دل تاریـخ برای سـربلندی ایران به وجود آمـد دارای خصوصـیاتی ویژه بود، از جمله سـیاه جامگـان ابومسـلم خراسانی و حزب پان ایرانیست نیز به شیوه کهن و تاریخ خویش دارای این خصوصیات می باشد.

برپایی تشـکیلات و ساختار اداری و مدیریتی حزب پان ایرانیست در شـهرها و اسـتان های مختلف، با تأخیر و ناهماهنگی های بیشتری مواجه بود. در بیست و شـشم دی مـاه ۱۳۴۶ سـاواک گزارش کرد، تا آن هنگام در چهل وپنـج شـهر کشور حزب پان ایرانیست شـعب خـود را افتتـاح کرده و افرادی را مسـئول اداره آنهـا نموده است. در برخی از این شـهرها، حزب حـتی عضوی نـداشت و موضوع اعلام تشـکیل شـعب بر هیـچ گونه فعالیت حزبی و سیاسـی مترتب نبود. بر مبنای گزارش ساواک، فقط در یازده شـهر حضور پان ایرانیست ها نمود واقعی داشت؛ و این حضور در بیشتر این شهرها فقط یک تابلو حزبی بود که بر سردر شعب حزب نصب شده بود.

حتی در شـهرهای بزرگی نظیر مشـهد تعـداد اعضـا و هواداران حزب پـان ایرانیست به حـدی نـاچیز بود که سـاواک در برخی گزارش های ارسالی، اسامی همه آنها را ذکر می کرد.

در برخی شـهرها مسئولان تشکیلات حزب آشکارا رفتاری مفسده انگیز داشته و به بدکارگی و انواعی از فساد شهره بودند. از جمله اینان مسئول حزب در خرم آباد بود که بنا

به گزارش ساواک در هجدهم خرداد ماه ۱۳۴۷:(۱)

افراد حزب پان ایرانیست خرم آباد به علت اینکه طرز رفتار و برخورد رهبر حزب (سیدکریم جزایری) با آنان خوب نیست کمتر در جلسات حزب شرکت جسته و اکثراً از رهبر حزب بدگویی می نمایند.

ملاحظات منبع – چون کریم جزایری رهبر حزب پان ایرانیست خرم آباد فردی است جاه طلب، خودخواه و پول پرست در نتیجه کلیه اعضای حزب از وی متنفر و بدبین می باشند.

ملاحظات رهبر عملیات – مفاد گزارش فوق

صحیح به نظر می رسد.

۲- چندی قبل نامبرده در هتل آزیتا ضمن صرف مشروبات الکلی با صدای بلند شروع به صحبت می نماید و چون چند نفر خارجی و سرکار سرهنگ خالصی مأمور خلع سلاح و خانواده اش در آن جا بوده اند از طرف مدیر هتل به وی اطلاع داده می شود قدری آهسته صحبت نماید لکن نامبرده به این تذکر مدیر هتل توجه ننموده و اظهار می نماید من در این شهر برای خود شخصیتی هستم و از طرف حزب پان ایرانیست کاندیدای نمایندگی بوده ام چرا شما به بنده توهین می نمایید که با وساطت سروان بازنشسته این موضوع خاتمه پیدا می نماید.

ملاحظات – با اقدامات مسئول حزب پان ایرانیست به هیچ وجه علاقه ای از طرف افراد حزبی به شرکت و فعالیت در حزب مذکور نشان داده نمی شود.(۲)

اعضای حزب در دزفول هم شکایت داشتند که رهبری حزب بدون مطالعه لازم افراد نالایق و بی اعتنا به امور حزبی را مسئول شعبه تعطیل شده حزب در آن شهر کرده است. ساواک در چهارم آذر ماه ۱۳۴۷ از قول یکی از معترضین (عبدالمحمد مسعودنیا) نوشته بود:

عبدالمحمد تیمور که مسئولیت حزب را عهده دار است به وضع تشکیلات توجهی ندارد و مدت هاست دفتر حزب تعطیل و برق حزب را

قطع کرده اند و نیز چند ماهی است که اجاره محل حزب پرداخت نشده و نامبرده صلاحیت اداره کردن حزب را ندارد و بایستی کس



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

دیگری به جای وی تعیین گردد. حسین عطریان پاسخ داد که تعویض محمد تیمور از سمت مسئول تشکیلات فقط از اختیارات رهبر حزب آقای محسن پزشکپور می باشد و تیمور حکم رسمی از طرف ایشان دارد و هیچ عضوی نمی تواند او را تعویض نماید و چون بین مسعود نیا و عطریان در این مورد مشاجره لفظی پیش آمد قرار شد برای حل موضوع آقای صفارپور به دزفول عزیمت نماید و تاکنون تاریخ ورودی اعلام نشده است.(۱)

و نیز در دوازدهم آذر ماه ۱۳۴۷ ساواک طی گزارش دیگری تصریح کرده بود:

مهندس هوشنگ شهنواز یکی از افراد حزب پان ایرانیست اظهار داشت به علت نبودن فرد مسئول و شایسته ای در تشکیلات حزب پان ایرانیست شهرستان دماوند تشکیلات حزبی شهرستان مزبور که به کوشش مهندس ظفری ایجاد شده بود تعطیل گردیده است.(۲)

ساواک در گزارش دیگری از قول برخی اعضای معدود حزب پان ایرانیست در دزفول نوشته بود که مسئول حزب در آن شهر «احساس مسئولیت نمی کند و نمی تواند به نام

یک مسئول لایق، شعبه حزب در دزفول را رهبری کند و اغلب وقت خود را با اشخاص ناصالح و صرف عیاشی می نماید و تاکنون نتوانسته پانزده نفر اعضاء حزب را به بیست نفر افزایش دهد».(۳)

ساواک همچنین کسانی از مسئولان حزبی در شهرهای مختلف را شاهد می آورد که عمدتاً به هدف کسب موقعیت های مطلوب تر سیاسی، مدیریتی و اقتصادی فعالیت خود را در حزب پان ایرانیست ادامه می دادند و در وضعیتی که به تدریج درمی یافتند حزب مذکور چنانکه باید، علایق آنان را عملی نمی دارد، تأسف می خوردند که چرا این همه وقت را در احزابی نظیر حزب ایران نوین سپری نکرده اند تا به هر آنچه آرزویش را داشتند، دست پیدا کنند.(۴) گزارش های دیگری هم وجود داشت که نشان می داد، برخی مسئولان حزبی در شهرهای مختلف کشور به رغم اشتهاری که به فساد و بدکار گی داشتند و این کژی آنان بر کسی از آگاهان امور پوشیده نبود، اما به دلیل حمایت قاطع دستگاه رهبری حزب از



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۴- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آنان، کسی را یارای مخالفت با آنان نبوده و کماکان در مسئولیت حزبی خود ابقا می شدند. مواردی از این دست بسیار است. فقط به عنوان نمونه به گزارش ساواک در دوازدهم مرداد ۱۳۴۸ توجه کنید:

آقـای کریم پور از وجوه شـهریه و حق عضویت هـای افراد سوءاسـتفاده کرده و آقای کامیاب کامیابی اسـماً مسـئول امور مالی تشـکیلات می باشد و در نتیجه سؤال دکتر طالع از ایشان آقای کامیابی اظهار داشت من هیچ گونه دخالتی در وجوه نداشـتم و بارها از آقای کریم پور خواستم که قبوض و لیست مربوطه را در اختیارم بگذارد، امروز فردا می کرد.

آقایان اسـماعیل غنی پور و یحیی نیکوکار چون از اقـدامات دکتر طالع در مورد اعمال نادرست آقای کریم پور نتیجه احساس نکردنـد و دیدنـد که دکتر طالع از کریم پور حمایت می کنـد پیش رفته و زبان به اعتراض گشودنـد. آقای دکتر طالع در میان افراد شدیـداً نظرات آنان را رد کرده و به آنان حمله کرد. نتیجه آقای اسـماعیل غنی پور به هنگام سـخن گفتن به گریه افتاد و خطـاب به دکتر طـالع گفت شـما از یـک نفر دزد و خیانتکار حمایت می کنیـد در حالی که گفتارتان مبارزه با فساد و خیانت است. من نمی فهمم اصل هدف حزب چگونه است. دکتر طالع اظهار داشت شـما هنوز به سـیاست آشنایی ندارید و نمی دانید که هـدف و اصول هر حزبی فقـط گفتـار ظاهر نیست بلکه یک سـری موضوعاتی هم هست که من قادر نیسـتم در اختیار شـما قرار دهم. همین است اگر دوست دارید با ما فعالیت می کنید و اگر نخواستید خود مختارید. آقای اسـماعیل غنی پور با نهایت ناراحتی گفت من ناچارم از همین جا با شما خداحافظی کنم و بقیه عمر را از اشتباه خارج شوم افسوس که چه آرزوهایی

در سر داشتم و گول حرف های فریبنده را می خوردم.(۱)

گزارش هایی که از ساواک های قزوین، کرمانشاه و بویراحمد در مورد وضعیت حزب پان ایرانیست در دست است، نشان می دهد که در این مناطق هیچ کس این حزب را جدی نمی گرفت و حزب عضوی نداشت و؛ از پرداخت اجاره محل عاجز مانده بود. سـفارت آمریکا در تهران نیز در اول اسـفند ۱۳۴۶ موقعیت احزاب سیاسـی به طور کلی و جایگـاه حزب پان ایرانیست در نزد مردم کشور را چنین مورد قضاوت قرار داده بود:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مردم اصولاً به احزاب سیاسی علاقه ای نشان نمی دهند. آنان حزب ایران نوین را یکی از بازوهای بوروکراسی دولتی به حساب می آورند. حزب پان ایرانیست نیز طرفداران چندانی نداشته و معمولاً «سازمان مضحک» به حساب می آید.(۱)

## عضویت و اعضا

کسانی که شرایط عضویت رسمی آنان در حزب محرز شده بود معمولاً ملزم بودند در حضور رهبر حزب یا نماینده ویژه او ادای سوگند کنند. در متن سوگند و تعهدنامه ای که سازمان پان ایرانیسم برای نیروهای خود تهیه کرده بود و پس از سال ها رهبری حزب پان ایرانیست فقط با قرار دادن واژه حزب به جای واژه سازمان در آن، اعضای آزمایشی خود را ملزم می کرد ذیل آن را امضا کنند، چنین آمده بود:

من برای مبارزه در راه بزرگی ایران آماده ام.

من آرزو دارم به فرمان سازمان در راه

برآوردن آرمان های پان ایرانیسم گام بردارم. من به یگانگی، بزرگی و سرافرازی ایران ایمان قاطع، نسبت به موازین تشکیلاتی و مسئولین سازمان که پرچمدار جنبش ملت پرستانه پان ایرانیسم می باشد اطاعت کامل دارم.

من اسرار سازمان را پوشیده می دارم. دستورهای آن را از دل و جان می پذیرم. دوستی و محبت هم آهنگ سازمانی را بهترین و پایدارترین دوستی ها و محبت های خود می دانم.

آرزوی من این است که هر چه زودتر دوران آزمایش را به پایان برسانم و خود را در مرحله ای پرافتخار تر از مبارزات سازمان ببینم.

من می دانم که برای رسیدن به این آرزو باید برای سازمان و در راه آرمان هایش از هیچ کوششی خودداری نکنم.

من، برای ایران، برای پان ایرانیسم، برای سازمان.

حالا، فردا و برای همیشه... چون سربازی فداکار خواهم جنگید.

پاینده ایران(۲)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بدین ترتیب رهبری حزب از اعضا و تازه واردان صرفاً اطاعت محض و بدون شائبه

می خواست. متن سوگندنامه اعضای رسمی حزب پان ایرانیست حتی از آن هم آشکارتر و صریح تر طلب اطاعت و فرمانبرداری می کرد. در بخش هایی از این سوگندنامه آمده بود:

فرامین مسئولان حزبی را فرمانبردار می باشم و هیچ راز حزبی را با هیچ کس در میان نمی گذارم، مگر آنچه را که و بدان کس که حزب دستور می دهد... بشود که خدای بزرگ مرا سرباز فرمان بردار و کوشنده بی شکست حزبم نگهدارد.(۱)

عدم استقبال مردم کشور مهمترین مانع جذب نیرو و عضو جدید در حزب پان ایرانیست در تمام سال های دهه ۱۳۴۰ و پس از آن بود. در طول دهه ۱۳۴۰ و پس از آن حتی یک تن از کسانی که در میان مردم کشور از اقشار مختلف ارج و قربی داشته و از شأن سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی قابل قبولی برخوردار باشد، در حزب پان ایرانیست عضویت پیدا نکرد. ساواک در هفدهم اسفند ماه ۱۳۴۴ از قول یکی از فعالان حزب پان ایرانیست که مقرر بود افراد جدیدی را برای عضویت در حزب شناسایی و معرفی کند، گزارش کرده بود:

ناطق گفت یکی از نامه رسان های اداره را برای شرکت در حزب آماده کرده ام و در مورد آقایان بیگلری و رفیعی که از طرف آقای فرخ به حزب معرفی شده اند باید بگویم آنها نمی توانند سینما و گردش را در هفته کنار بگذارند و به جلسه حزب بیایند، ولی با این حال باز هم بهتر از هیچ است. نامبرده گفت من با چند راننده تماس گرفتم ولی سطح فکر آنها چندان خوب

نیست.(۲)

## نشریات حزبی

در طول دهه ۱۳۳۰ حزب پان ایرانیست دارای روزنامه و ارگان رسمی پایدار و منظمی نبود. از جمله نشریات و روزنامه هایی که تا واپسین ماه های سال ۱۳۳۲ و اوایل سال ۱۳۳۴ به طور نامنظم و هر از گاه یک بار در نقش ناشر افکار حزب پان ایرانیست و گاه دیگر گروه های پان ایرانیستی ظاهر می شدند باید از ساسانی، ندای پان ایرانیسم، جوانان



---

۱- علی اکبر رزم جو، پیشین، صص ۹۰-۸۹.

۲- علی اکبر رزم جو، پیشین، صص ۹۰-۸۹.

پان ایرانیسم و فردوسی نام برد. ماهنامه ناسیونالیسم هم مهم ترین ناشر افکار حزب پان ایرانیست در خارج از کشور به شمار می رفت که انتشار آن از سال ۱۳۳۹ در اروپا آغاز شد. از دیگر نشریات و رسایل و جزوات حزب پان ایرانیست که در طول سال های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ هر از گاه، در اروپا و آمریکا منتشر می شدند باید از تشکیلات حزب پان ایرانیست، نسل جوان، پندار، پیام ما، پیام پندار، یک گام دیگر، جهان به ناسیونالیسم می گراید و مکتب های سیاسی نام برد. با این حال تا نیمه دهه ۱۳۴۰ حزب پان ایرانیست ارگان مطبوعاتی منسجم و تعیین کننده ای نداشت. به ویژه در داخل کشور روزنامه و یا نشریه پرتیراژی وجود نداشت که ناشر افکار این حزب باشد. از سال های نخست دهه ۱۳۴۰ رهبری حزب هر از گاه بولتن هایی در سطح محدود تهیه کرده و از طرق گوناگون برای برخی اعضای مهمش در تهران و سایر شهرهای کشور ارسال می کرد و نیز تعدادی از این بولتن ها برای افراد و شخصیت های سیاسی - اجتماعی قابل اعتماد فرستاده می شد.

محتوای این نشریات هم جز تکرار مکررات و تعریف و تمجید از رهبری خردمندانه «شاهنشاه» و مطالبی از این قبیل نبود. برای نمونه طبق گزارش ساواک:

اهم مطالب مندرج در شماره اخیر نشریه نسل جوان عبارت است از:

الف – یادی از ۲۱ آذر.

ب – خبری از آن سوی مرزها.

ج – کنفرانس سیاسی حزب پان ایرانیست.

د- جهان بینی و آرمان خواهی.

و نیز رئوس مطالب آخرین شماره ماهنامه ناسیونالیسم نیز به شرح زیر است:

الف – بیایید همه با هم سرود آزادگی و برتری ایران زمین را سر دهیم.

ب – بنیاد کتاب مقدس ما.

ج – خون شهدای سوم شهریور می جوشد.

د – سرود مهرپرستان.

ه - نگاهی به تکوین حزب پان ایرانیست.(۱)



---

۱- علی اکبر رزم جو، پیشین، صص ۹۰-۸۹.

برخی روزنامه ها و نشریات غیرحزبی هم هر از گاه افکار و عقاید سیاسی و اخبار مربوط به فعالیت، موضعگیری و عملکرد حزب پان ایرانیست را منعکس می کردند. از جمله این نشریات روزنامه اراده آذربایجان به مدیرمسئولی رحیم زهتاب فرد (از اعضای مهم حزب همیشه در اقلیت مردم که معمولاً ـ در مجالس آن روزگار عضویت می یافت) بود.(۱) محسن پزشکپور در دوازدهم فروردین ۱۳۴۴ به توافق خود با مسئولان روزنامه اراده آذربایجان جهت درج مطالب حزب پان ایرانیست اشاره کرد و گفت «با مسئولین روزنامه اراده آذربایجان درباره نشر مقالات و اخبار حزبی مذاکره نموده و قرار است این روزنامه جریان مشروح کنفرانس های حزبی در استان خوزستان را منتشر سازد».(۲) البته طی سال های بعدی فعالیت حزب پان ایرانیست هم روزنامه اراده آذربایجان در برهه های مختلف به انتشار اخبار این حزب اقدام می کرد و همچنانکه اسناد نشان می دهد، ساواک از همان آغاز چارچوب همکاری این روزنامه با حزب پان ایرانیست و دلایل درج مطالب حزب مذکور در روزنامه آن را به دقت تحت مراقبت داشت. مقرر شده بود بعد از اوایل سال ۱۳۴۴ روزهای شنبه هر هفته مطالب حزب پان ایرانیست در این روزنامه منتشر شود. در

مقابل، رهبران حزب متعهد شده بودند هر هفته چند صد شماره از روزنامه را که حاوی مطالب مربوط به حزب می شد، خریداری کنند. در همان حال هر چه زمان بیشتری سپری می شد، چنانکه ارزیابی های ساواک نشان می دهد، مواضع نشریه ناسیونالیسم، ارگان مطبوعاتی حزب در خارج از کشور با سیاست رژیم شاه انطباق بیشتری می یافت.(۳)

در اوایل تیر ۱۳۴۴ بود که رهبران حزب اعلام کردند، موفق شده اند امتیاز انتشار روزنامه جدیدی با عنوان خاک و خون را دریافت کنند. در این برهه کماکان نشریات ناسیونالیسم، نسل جوان و نیز بولتن های داخلی حزب منتشر می شد و هر از گاه جزوات و کتابچه هایی هم که مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جاری کشور و حاکمیت را مورد بررسی و ارزیابی قرار می دادند، از سوی حزب چاپ و در اختیار مخاطبان قرار می گرفت.(۴)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۴- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

از اواسط مهرماه ۱۳۴۴ پیرامون انتشار قریب الوقوع روزنامه خاک و خون به عنوان ارگان رسمی حزب پان ایرانیست، تبلیغات متعددی به راه افتاد و رهبران حزب مدعی شدند «این روزنامه صدای آزادگان ایران پرست» و «جلوه ای تابناک از رزمی مقدس برای ایجاد ایران آباد و بزرگ» خواهد شد.(۱)

در آغاز امر روزنامه خاک و خون در روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه و در چهار صفحه منتشر می شد. صاحب امتیاز و مدیرمسئول آن محسن پزشکپور بود، فضل الله صدر سردبیری آن را بر عهده داشت و محمدرضا عاملی تهرانی، هوشنگ طالع، مسلم علیخانی، فضل الله امینی، محسن پزشکپور و هوشنگ حمیدی مهم ترین نویسندگان و تهیه کنندگان مطالب آن بودند.(۲)

مراقبت می شد که روزنامه خاک و خون در تمام روزنامه فروشی های پایتخت و بسیاری دیگر از شهرهای کشور توزیع شود و محسن پزشکپور در بخشنامه ای شبه اطلاعاتی- امنیتی از اعضای حزب خواسته بود:

به قرار اطلاع روز ۱۴/۱۰/۴۴ در محل حزب

پان ایرانیست از طرف رهبر حزب بخشنامه ای به دیوار الصاق شده که طی آن از اعضا خواسته شده که به روزنامه فروشی ها مراجعه نمایید تا چنانچه روزنامه خاک و خون روی بساط آنها نبود اسم روزنامه فروش را یادداشت و به دفتر حزب گزارش نمایند.(۳)

حتی رجال و دولتمردان درجه اول حکومت هم معتقد بودند که ساواک بر مجموعه مطالب و محتوای روزنامه خاک و خون و هدایت آن نظارت کامل دارد. ساواک در چهارم تیر ماه ۱۳۴۵ در این باره گزارش کرده:

آقای شاهنده مدیر روزنامه فرمان اظهار می داشت که روزنامه خاک و خون در چند شماره قبل شدیداً به جمعیت حکومت متحده جهانی حمله کرده بود و این حمله برای اعضای جمعیت و همچنین آقای مهندس شریف امامی بسیار سخت و ناگوار آمده و به عنوان اینکه این روزنامه بستگی به دستگاه سازمان امنیت دارد به آنجا شکایت و گله کرده اند و مقامات



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- علی اکبر رزم جو، پیشین، صص ۱۰۰-۹۹.

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

سازمان پاسخ داده اند که مطالب مطبوعات به ما مربوط نیست و جزو وظایف وزارت اطلاعات است. (۱)

سفیر عراق در تهران نیز که از مطالب ضدعراقی روزنامه خاک و خون و حمایت آن از

کردهای عراقی به مثابه هم نژادان آریایی ایرانیان، عصبانی بود و تداوم آن رویه را مانع از افزایش سطح روابط میان دو کشور می دانست، تردیدی نداشت که ساواک در تعیین محتوا و تهیه مطالب آن نقش درجه اولی بر عهده دارد. حسن دوجیلی، سفیر وقت عراق در تهران در هجدهم تیر ماه ۱۳۴۶ در این باره به مترجم سفارت که احتمالاً با ساواک هم در ارتباطی نزدیک بود، گفته بود:

راجع به اینکه در بعضی از شیخ نشین های خلیج فارس جراید ایران را آتش زده و تظاهراتی انجام شد سفیر عراق می گفت در این موقع که ناصر با تمام قوا و با شرکت کلیه ممالک عربی با اسرائیل جنگ می کند عرب ها نمی توانند مشاهده کنند که جراید ایران به او بدگویی و هتاکی کنند و من ظرف چند روز گذشته با عده زیادی از مدیران مطبوعات ایران صحبت کردم و انشاءالله موضوع تمام می شود و تمام سعی من بر این است که روز به روز مابین ایران و عراق حسن روابط بیشتری برقرار باشد. سفیر عراق ضمن انتقاد از مندرجات روزنامه خاک و خون [ارگان حزب پان ایرانیست] افزود این روزنامه با مطالب دروغی که می نویسد باعث تیرگی روابط ایران و عراق می شود زیرا هیچ روزنامه ای در ایران بدون اجازه دولت نمی تواند منتشر شود و نه می تواند خودسرانه مطلبی بنویسد و به طور مثال همین مقالاتی را که به نام مجعول صالح

هم میهن آن سوی مرز می نویسد سراپا دروغ است و داستان نویس های سازمان ا منیت ایران این مقالات دروغ را در خاک و خون می نویسند و این روزنامه همه اش سعی دارد روی نژاد بحث کند و کلیه اکراد را آریایی بنویسد. به هر حال گاهی اوقات اگر اصطکاکی بین روابط دولتین ایران و عراق پیش آید این ورق پاره منفور که هیچ خواننده ندارد باعث آن است ولی باز هم ما به این نوشته ها بی اعتنا هستیم فقط از دولت ایران گله داریم که به وسیله سازمان امنیت این روزنامه را اداره می کند و علاوه بر محسن پزشکپور (رهبر حزب پان ایرانیست) عده دیگری از همکاران این روزنامه از



---

۱- روزنامه فرمان به روایت اسناد ساواک، ص ۲۷۶.

سازمان پول می گیرند... من و دکتر پیراسته [سفیر ا یران در عراق] سعی می کنیم که روز به روز حسن روابط را بهتر کنیم.(۱)

تا جایی که به نشریات خارج از کشور حزب پان ایرانیست مربوط می شد، ساواک معمولاً پیشاپیش مطالب منتشره در آنها را مورد بررسی و ارزیابی دقیق قرار داده و پس از آنکه مطمئن می شد مطالب آن در همسویی کامل با سیاست های حاکمیت و موضع گیری ها و اقدامات شخص شاه است، اجازه می داد در داخل کشور توزیع شود.(۲)

از جمله نشریات حزب پان ایرانیست در سال ۱۳۴۷ چاپ و انتشار کتاب «رابطه

حکومت و مردم» و جزوه ای با عنوان «مبانی مکتب پان ایرانیسم» هر دو به قلم محمدرضا عاملی تهرانی و جزوه ای با عنوان «سرآغاز و هفت پیمان حزبی» بود که علاوه بر اعضای حزب برای بسیاری از رجال، دولتمردان، نمایندگان مجلس و تأثیرگذاران در فعالیت های حزب پان ایرانیست ارسال شدند. در برخی از شهرهای کشور حزب پان ایرانیست حتی برای نمایندگی فروش و توزیع نشریات خود هم دفتر یا مکانی را در اختیار نداشت و این نشریات و در واقع روزنامه خاک و خون با کمک مسئولان روزنامه آیندگان (با مدیرمسئولی داریوش همایون) توزیع شده و به فروش می رسید.(۳)

ساواک از عوامل توزیع و فروش این روزنامه در کشور آمار تقریباً دقیقی تهیه کرده بود و حتی ترکیب جمعیتی، شغلی و اجتماعی خریداران و خوانندگان روزنامه خاک و خون هم از نگاه گزارشگران و کارشناسان ساواک پنهان نبود. همچنانکه اسناد نشان می دهد، از اواسط سال ۱۳۴۷ رهبران و دست اندرکاران امور در حزب پان ایرانیست تبلیغات گسترده ای پیرامون روزنامه خاک و خون به راه انداخته و در پی راهکارهایی جدید برای بالا بردن تیراژ روزنامه و جذاب ساختن آن برای مردم کشور از اقشار مختلف بودند. از جمله این راهکارها که در هفتم آذر ماه ۱۳۴۷ پیرامون آن توافق حاصل شد، عبارت بودند از:

۱- تهیه صندوق پستی برای خاک و خون ۲- آگهی تبلیغاتی دستی و دیواری ۳- ارسال پرسشنامه به اشخاص متفرقه و استفسار نظریه آنان در مورد خاک و خون و هدف های حزب



---

۱- روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، ج ۱، صص ۲۷۲-۲۷۱.
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پان ایرانیست و همچنین ایرادات و انتقادات از روزنامه مذکور ۴- تهیه اسامی اکراد مقیم آذربایجان شرقی که سابقه ذهنی در مورد حزب پان ایرانیست و روزنامه خاک و خون دارند ۵- استفاده از وجود استادان دانشگاه که دارای افکار

روشن و اجتماعی می باشند ۶- نصب تابلو در سه قسمت (بلوار – فرودگاه – ایستگاه).(۱)

با این حال استقبال عمومی از روزنامه خاک و خون بسیار نازل و محدود باقی ماند و هرگاه کمک های مالی مستقیم و غیرمستقیم دولت و حکومت نبود انتشار این روزنامه خیلی زود متوقف می شد.

مهمترین این کمک ها از طریق آگهی های دولتی تقریباً دائمی صورت عملی به خود می گرفت و این باعث می شد به رغم تمام مدعیات، حزب پان ایرانیست و روزنامه خاک و خون در انتقاد از دولت و دستگاه های دولتی همواره جانب احتیاط را نگه دارد. چنانکه وقتی به دنبال انتقاد روزنامه خاک و خون از راه آهن دولتی، وزارت اطلاعات از ارجاع آگهی های دولتی به این روزنامه خودداری کرد، ساواک طی گزارشی هشدارآمیز (در سی ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸) به شرح زیر پیش بینی کرد، هر گاه این روند تا چند روز تداوم پیدا کند، روزنامه خاک و خون ناگزیر فعالیتش را متوقف خواهد کرد:

از روز شنبه ۲۷/۲/۴۸ آگهی های دولتی که قبلاً- به عنوان سهمیه از طریق وزارت اطلاعات در اختیار روزنامه خاک و خون قرار می گرفته قطع شده است. با مراجعاتی که از طرف مسئولین روزنامه به قسمت مربوطه شده اظهار کرده اند که دستور داده شده تا اطلاع ثانوی از دادن آگهی به روزنامه مذکور خودداری شود.

ضمناً وزارت اطلاعات روز ۲۳/۲/۴۸ اقدام به توقیف روزنامه خاک و خون نموده و علت آن را درج مقاله ای تحت عنوان «جریه

راه آهن مرکز توطئه ضد ملی» بیان داشته است.

در این مقاله شدیداً از رئیس کل جریه راه آهن دولتی ایران که اخیراً عده ای از کارکنان راه آهن را که عضو حزب پان ایرانیست هستند احضار و آنها را مورد تهدید و تطمیع قرار داده که از فعالیت به نفع این حزب خودداری نمایند، انتقاد به عمل آمده است.

روزنامه مورخه ۲۳/۲/۴۸ بعداً از توقیف خارج و منتشر شده و گفته می شود علت قطع



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آگهی های دولتی هم درج همان مقاله بوده است.

نظریه منبع:

اخیراً به شدت در راه آهن علیه فعالیت های حزب پان ایرانیست مبارزه می شود و درج مقاله هم به دنبال تضییقاتی بوده که از طرف اداره کل راه آهن برای اعضای حزب فراهم نموده است. ضمناً قطع آگهی های دولتی موجب خواهد شد که روزنامه خاک و خون نتواند به انتشار بیش از یکی یا دو شماره دیگر ادامه دهد.

ملاحظات ۳۱۲: قبلاً راجع به ایجاد تضییق در راه آهن برای اعضای حزب گزارش تقدیم گردیده و برای این بخش علت قطع آگهی های مزبور روشن نمی باشد و نظریه منبع راجع

به توقف انتشار روزنامه خاک و خون به علت ضعف مالی حزب پان ایرانیست مورد تأیید است.(۱)

رهبران حزب عمدتاً برای مقاصد تبلیغاتی هر از گاه نسخی از آن روزنامه را برای برخی مقامات سیاسی، اداری، متنفذان محلی و دیگرانی که می توانستند در ارتقای موقعیت حزب و روزنامه مؤثر واقع شوند، به رایگان ارسال می کردند. ضمن اینکه برخی رهبران و مسئولان اکراد عراقی مخالف رژیم بغداد هم از دریافت کنندگان روزنامه خاک و خون بودند.(۲) کاستی های روزنامه خاک و خون در درج مطالب مورد توجه رهبران حزب پان ایرانیست را نشریات، جزوات و کتابچه هایی تکمیل می کرد که عمدتاً به قلم محمدرضا عاملی تهرانی با موضوعات گوناگون تهیه می شد. از جمله این نشریات که گاه تجدید چاپ و به طرق گوناگون در اختیار مخاطبان قرار می گرفت، باید از «انقلاب شاه و مردم»، «رابطه حکومت و مردم»، «سیاست رفاهی» و «سخنی کوتاه پیرامون حزب پان ایرانیست» نام برد.

هنگامی که رژیم پهلوی آماده بود تا موافقت خود را با تجزیه بحرین از ایران اعلام کند، به شدت مراقبت می شد تا مبادا روزنامه خاک و خون و دیگر نشریات حزب پان ایرانیست مطالبی در تباین با سیاست رسمی حاکمیت و در واقع شخص شاه چاپ و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، ص ۲۰۹.

منتشر کننـد. بـا این حـال برای پان ایرانیست ها که سالیان طولانی از حاکمیت بـدون بازگشت ایران بر جزیره بحرین دفاع می کردند، بسیار دشوار بود که بتوانند یکباره نشریات خود را از درج مطالبی در تداوم آن خواسته خود منع کنند. رهبران حزب پان ایرانیست که وانمود می کردنـد شـخص شاه نظیر آنان مخالف تجزیه بحرین است، قصد داشـتند با انتشار و توزیع گسترده یـک شـماره فوق العـاده در تهران و دیگر شـهرهای کشور جنجـال تبلیغـاتی بزرگی بر ضـد طرح تجزیه بحرین به راه اندازنـد. ساواک که با توقیف و ضـبط زودهنگام این شماره از روزنامه خاک و خون مانع از عملی شدن نقشه حزب پان ایرانیست شده بود،

در پانزدهم فروردین ماه ۱۳۴۹ در این باره چنین گزارش کرده است:

بـه دنبـال اظهـارات مخـالفت آمیز اخیر محسـن پزشـکپور رهـبر حزب پـان ایرانیسـت در مجلس شـورای ملی پیرامـون بحرین تشـکیلات اهواز حزب پان ایرانیست در یک حالت بلاتکلیفی و سرگردانی به سر می برد زیرا اولاً مسئول تشکیلات با استفاده از تعطیلات نوروزی در مسافرت شیراز بوده و ثانیاً دستوری از طرف حزب متعاقب جریانات اخیر نرسیده بود تا سرانجام مهدی صفـارپور مسـئول حزب در اهواز از مسـافرت مراجعت و قرار شـده بود صـبح روز جمعه ۱۴/۱/۴۹ وقتی که شـماره فوق العاده روزنـامه خـاک و خون از تهران می رسـد هر یـک از اعضـا تعـدادی از این روزنـامه هـا را در کوچه هـا و خیابان ها به فروش رسانیده تا نظریات مخالف حزب به گوش همگان برسد. ولی صبح روز جمعه پس از اینکه معلوم شد روزنامه توقیف گردیده است برنامه مزبور تغییر نمود و با بلنـدگو و میکروفن نصب شـده در محل حزب اعضای حزبی شـروع به دادن شـعار نمودنـد و ایـن شـعار همگی دربـاره بحرین و مـالکیت ایران بر بحرین و حمله به اسـتعمار انگلیس بـوده و گفته شـده ایران مالـک مسـلم بحرین است و استعمار انگلیس است که طی یکصدوپنجاه سال با زور و

تزویر این سـرزمین ایرانی را از ایران جـدا نموده است و طی همین شـعارها از مردم دعوت به عمل آمـده که در ساعت ۳۰/۱۷ روز مزبور در کنفرانس حزب پان ایرانیست متشکله در محل دفتر حزب شرکت نمایند.(۱)

به دنبال آن ساواک مراقبت از چاپخانه روزنامه خاک و خون و دیگر نشریات حزب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پان ایرانیست را با شدت بیشتری پی گرفت. اقدام ساواک در توقیف شماره فوق العاده روزنامه خاک و خون حتی بر خوشحالی رهبران حزب افزود که تصور می کردند این اقدام بر شأن و موقعیت آنان و حزبشان در نزد مردم کشور افزوده است!

چون گمان می رفت روزنامه خاک و خون در دفاع از حق حاکمیت ایران بر بحرین فراتر از آستانه تحمل شاه و حاکمیت گام بردارد، از اواسط فروردین ماه ۱۳۴۹ دستور توقیف آن صادر شد.

به دنبال تداوم توقیف روزنامه خاک و خون دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست تصمیم گرفت روزنامه ناسیونالیسم ارگان حزب در خارج از کشور را که نشر آن متوقف شده بود، دوباره منتشر کند تا توقیف خاک و خون جبران شود. ساواک در هفتم تیر ماه ۱۳۴۹ در این باره چنین گزارش کرده بود:

دکتر هوشنگ طالع یکی از افراد گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست اظهار داشت به دستور محسن پزشکپور قرار است نشریه ناسیونالیسم ارگان دانشجویان خارج از کشور که مدتی بود انتشار نمی یافت مجدداً چاپ و منتشر شود و نظرات و مطالب حزب که در اینجا کنترل می شود و اجازه

انتشار آن را نمی دهند در نشریه ناسیونالیسم که در کشور آلمان تهیه می گردد چاپ شود.

نظریه رهبر عملیات: ۱- هرگونه اقدام پیرامون مفاد خبر باعث شناخته شدن منبع خواهد گردید. ۲- به صحت گزارش منبع می توان اعتماد نمود.(۱)

در پنجم اسفند ماه ۱۳۴۹ ساواک گزارش داد، دو نشریه (مباحث ناسیونالیسم ایران و اصول ناسیونالیسم) از سوی حزب پان ایرانیست منتشر و در میان اعضای برجسته آن توزیع شده است.

ساواک در پنجم خرداد ماه ۱۳۵۰ برخی نشریاتی را که گردانندگان حزب در نبود روزنامه خاک و خون برای مخاطبان خود منتشر می کردند به این شرح نام برده است: به تو ای خائن بدنام (که اشعاری است در نکوهش دکتر فضل الله صدر عضو اخراج شده حزب پان ایرانیست)، اصول ناسیونالیسم، جهان به ناسیونالیسم آگاه می گراید، گفتار آژیر در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

کلاس درس، و مباحث ناسیونالیسم. در ذیل همین گزارش ساواک تصریح می کند «چون روزنامه خاک و خون ارگان حزب پان ایرانیست توقیف گردیده، لکن مسئولین حزب مذکور سعی دارند افکار پان ایرانیستی را از طریق نشریه پلی کپی شده در اختیار افراد قرار دهند».(۱)

در این میان پزشکپور و دیگر رهبران حزب پان ایرانیست از هر فرصتی برای انتقاد از توقیف روزنامه خاک و خون و لزوم تجدید انتشار این روزنامه بهره می برند. چنانکه به گزارش ساواک یک بار پزشکپور در صحن علنی مجلس به این موضوع پرداخته بود.(۲)

در حالی که پیشاپیش آشکار بود در دور آتی انتخابات رژیم اجازه نخواهد داد عضوی از حزب پان ایرانیست راهی دوره بیست و سوم مجلس شورا شود، رهبری حزب پان ایرانیست

مدعی شد، اگر روزنامه خاک و خون هرچه سریع تر رفع توقیف نشود، در انتخابات آینده شرکت نخواهد کرد.

در دوم مرداد ماه ۱۳۵۰ ساواک خبر داد، سرپرست حزب پان ایرانیست در شهر آبادان طی تلگرافی به شرح زیر از شخص شاه خواست تا موجبات انتشار دوباره روزنامه خاک و خون را فراهم آورد:

پیشگاه گرانقدر آریامهر شاهنشاه ایران زمین

مدتی است از انتشار روزنامه خاک و خون صدای آزادان ایران پرست جلوگیری می شود.

مستدعی است امر مقتضی جهت انتشار مجدد شرف صدور فرمایند. طلائی - مسئول حزب پان ایرانیست آبادان.(۳)

مقارن با برگزاری انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورا محسن پزشکپور و برخی دیگر از مسئولان حزب پان ایرانیست دولت هویدا را به خاطر لغو امتیاز روزنامه خاک و خون گاه به شدت مورد انتقاد و حمله قرار دادند و مدعی بودند، این روزنامه صرفاً به خاطر انتقاد از دولت و دفاع از حقوق مردم ایران لغو امتیاز شده است.

در طول تابستان سال ۱۳۵۰ به دلیل تداوم توقیف روزنامه خاک و خون، انتقادات و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

فشارهای حزب پان ایرانیست به دولت هویدا با سر و صدای بیشتری دنبال شد. در بیست و یکم شهریور ۱۳۵۰ ساواک طی گزارشی خبر از آن داد که به دنبال نظر مساعد شاه به تدریج آن محدودیت های اعمال شده بر حزب مذکور رفع شده و مقدمات انتشار مجدد روزنامه خاک و خون در راستای سیاست جدید حاکمیت فراهم می شود. در بخش هایی از این گزارش چنین می خوانیم:

بولتن مورخه ۱۰/۶/۵۰ که موضوع آن مربوط به ارسال اعلامیه از طرف تشکیلات حزب

پان ایرانیست انگلستان برای وزارت امور خارجه و برخی از سردبیران جراید بوده و در آن از شهدای سوم شهریور تجلیل به عمل آمده و عنوان گردیده توقیف غیرقانونی روزنامه بیدارکننده «خاک و خون» حزب پان ایرانیست نشانه دیگری است از وحشت هیأت حاکمه از بیداری مردم، به استحضار رسیده و مقرر گردیده:

«مگر قرار نبود روزنامه خاک و خون توقیف نباشد»

همان طوری که استحضار دارند متعاقب مخالفت حزب پان ایرانیست در فروردین ماه سال ۴۹ با سیاست دولت در مورد مسئله بحرین مقرر گردید محدودیت هایی برای فعالیت حزب پان ایرانیست به طور غیرمحسوس فراهم گردد و مسئولان حزب مزبور که در آن موقع در نظر داشتند نظریات خود را درباره مسئله بحرین از طریق روزنامه خاک و خون به آگاهی مردم برسانند طبق اوامر صادره مقرر شد از انتشار روزنامه مزبور جلوگیری که در همان وقت محل چاپ روزنامه مزبور با تشریفات قانونی بازرسی و ضمن ممانعت از انتشار این روزنامه دو تن از اعضای حزب پان ایرانیست نیز بازداشت گردیدند که بعداً پرونده آنها به اداره دادرسی

نیروهای مسلح شاهنشاهی ارجاع و درباره آنان قرار منع پیگرد صادر و به قطعیت نیز رسیده است.

بعد از این جریان مسئولان حزب پان ایرانیست مدتی در قبال عدم انتشار روزنامه مزبور سکوت اختیار نمودند ولی بعد از مدتی از مسئولان وزارت اطلاعات خواهان توضیح در مورد علت توقیف روزنامه خاک و خون گردیدند که موضوع از طریق آقای زرنگار مدیرکل وزارت اطلاعات در تاریخ ۱۰/۱۲/۴۹ به آگاهی ساواک رسید که موضوع به عرض رسید و مقرر گردید به پزشکپور تذکر داده شود که در اجرای اوامر صادره با دکتر محمدرضا عاملی تهرانی قائم مقام حزب مذکور در این مورد مذاکره و نامبرده اظهار داشته:

ص:۱۲۶

فقط یک نامه از طرف حزب پان ایرانیست به وزارت اطلاعات نوشته شده و این نامه هم بر این اساس بوده که آقای نخست وزیر اظهار داشته بودند انتشار روزنامه مانعی ندارد ولی گفته شده به این روزنامه آگهی داده نشود ولی بعد از آنکه پاسخی در مورد نامه مورد بحث از وزارت اطلاعات نرسیده موضوع مورد تعقیب قرار نگرفته است.

متعاقب فرمان شاهنشاه آریامهر دایر بر

اینکه از حزب پان ایرانیست رفع تضییق به عمل آید، مسئولان حزب پان ایرانیست گزارشی به شرف عرض مبارک همایونی رسانده و در آن عنوان نمودند که در چند نقطه از کشور از فعالیت حزب پان ایرانیست جلوگیری شده و وزارت اطلاعات هنوز تضییقاتی برای حزب مزبور فراهم می آورد که مقرر گردید: عین اوامر مبارک شاهنشاه آریامهر به ساواک ها و وزارت اطلاعات و شهربانی ابلاغ شود که در اجرای اوامر صادره اقدامات لازم صورت گرفته است.

در استفساری که از وزارت اطلاعات در مورد روزنامه خاک و خون به عمل آمده پاسخ داده شده در تاریخ ۵/۱۲/۴۹ محسن پزشکپور تلگرافی دائر بر رفع توقیف از روزنامه خاک و خون به وزارت اطلاعات مخابره نموده که از طرف وزارتخانه مزبور پاسخی به شرح زیر به پزشکپور داده شده است:

سوابق و دستوری که دال بر عدم انتشار روزنامه خاک و خون باشد ملاحظه نگردیده ولی به طور کلی روزنامه خاک و خون همان طوری که اطلاع دارید طبق تبصره ۲ ماده پنج لایحه قانونی مطبوعات چنانچه ظرف مدت یک سال منتشر نگردد خود به خود

امتیاز آن لغو می شود. روزنامه خاک و خون نزدیک یک سال است که انتشار نمی یابد. بعد از این موضوع وزارت اطلاعات در تاریخ ۲۳/۲/۵۰ به محسن پزشکپور اعلام نموده نظر به اینکه یک سال تمام است روزنامه خاک و خون منتشر نشده لذا به موجب دستور تبصره ۲ ماده پنج لایحه قانونی مطبوعات امتیاز آن روزنامه لغو شده است.(۱)

در دی ماه ۱۳۵۰ ساواک گزارش کرد، رهبران حزب پان ایرانیست برای جبران مضیقه های رسانه ای و خبررسانی خود با برخی روزنامه ها و نشریات وابسته به حزب مردم ارتباط پیدا کرده اند و اخبار آن حزب و موضع گیری رهبران آن در نشریات کم تیراژی از آن



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

دست که بعضاً در شهرستان ها منتشر می شوند، مجال انتشار پیدا می کند. ضمن اینکه انتشار هر از گاه جزوات، نشریات و کتابچه هایی حاوی آخرین اظهارات و نقطه نظرات رهبران حزب درباره مسائل مختلف به تعداد محدود و گاه کپی شده کماکان تداوم داشت.(۱)

از جمله نشریات نزدیک به حزب مردم که گاه مطالب رهبران حزب پان ایرانیست و دیدگاه های این حزب پیرامون مسائل مختلف را چاپ و منتشر می کردند، باید از مهد آزادی، اراده آذربایجان و مجله تهران مصور نام برد.(۲)

حزب پان ایرانیست در خرداد ماه ۱۳۵۱ جزوه ای با عنوان «توتالیتاریسم و سیستم تک حزبی» را که نوشته فردی به نام ریشارد لونتال بود به قلم فردی به نام کیانژاد ترجمه و منتشر کرد که در آن صریحاً از نظام تک حزبی حاکم بر کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی در بخش های مختلف جهان انتقاد شده بود.

در طول یکی دو سال نخست دهه ۱۳۵۰ که حزب پان ایرانیست روزنامه و نشریه قابل توجهی در اختیار نداشت بار دیگر انتشار بولتن های داخلی مورد توجه قرار گرفت و در همان حال بهره گیری از دستگاه های تکثیر و کپی و استنسیل رواج بیشتری در آن حزب پیدا کرد. در بیست و نهم تیر ماه ۱۳۵۱ ساواک از چهارده نشریه و جزوه منتشره حزب پان ایرانیست با موضوعات مختلف نام می برد که به طرق گوناگون و توسط رهبران و دست اندرکاران تهیه شده و از طریق دستگاه های کپی و تکثیر و توزیع می شد. این نشریات عبارت بودند از: اصول ناسیونالیسم، توتالیتاریسم و سیستم تک حزبی، جنبه پرورش انقلاب آموزشی، مباحث ناسیونالیسم ایران، طرح نو درباره آموزش و پرورش ملی، آهنگ های خون، شناخت نیرومندی و قدرت، سخنی پیرامون اقتصاد ناسیونالیستی، گفتاری پیرامون سیاست بازرگانی خارجی ایران، حزب پان ایرانیست و مسئله نفت، ناسیونالیسم، مبانی پان ایرانیسم، و مفهوم عمیق و گسترده صنعتی بودن.

سرانجام در بیست و سوم اسفند ماه ۱۳۵۱ در یکی از جلسات حزب پان ایرانیست



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). مجله تهران مصور به روایت اسناد ساواک، صص ۲۹۲-۲۸۸.

اعلام شد، توقیف روزنامه خاک و خون پایان یافته و از آغاز سال ۱۳۵۲ انتشار آن از سر گرفته خواهد شد و پزشکپور از اعضای برجسته حزب خواست پیرامون انتشار این روزنامه تبلیغات گسترده و پر سر و صدایی به راه بیندازند. ضمن اینکه ساواک هم به مأموران نفوذی خود در حزب پان ایرانیست هشدار می داد موضوع انتشار مجدد روزنامه خاک و خون، محتوای مطالب در دست تهیه و نویسندگان و تهیه کنندگان مطالب روزنامه را به دقت تحت مراقبت قرار دهند:

ساعت ۳۰/۱۶ مورخه ۲۳/۱۲/۵۱ نیروی فرهنگیان حزب پان ایرانیست در محل حزب با حضور سروران صفارپور، راپوکی، قزلباش، شهریار، امیری و ضرغامی تشکیل گردید. ابتدا سرور صفارپور اظهار داشت بزرگترین مژده را باید به شما بدهم و آن این است که اجازه انتشار روزنامه خاک و خون داده شده و در سال ۵۲ فعالیت

وسیع و گسترده ای خواهیم داشت که یکی از آنها روزنامه است و تصمیم داریم که در هفته ۵ شماره انتشار دهیم. سرور راپوکی سؤال کرد آیا مطلب داریم که بتوانیم روزی یک روزنامه تهیه کنیم. سرور صفارپور گفت اگر نتوانیم مطلب تهیه کنیم باید در حزب را ببندیم. سپس سرور شهریار اظهار داشت من عده ای از دانش آموزان برگزیده دبیرستان را هر هفته به حزب می آورم و در روزهای پنج شنبه که جلسه هست تماس جالبی داریم که مورد توجه بچه ها و حزب است. سپس در پایان جلسه افراد حاضر در نیرو به اتاق محسن پزشکپور رفتند و خبر انتشار روزنامه را تبریک گفتند. پزشکپور گفت سعی کنید از حالا مشترک جمع نمایید و به آنها قبض اشتراک بفروشید. ما حداقل باید چهار هزار مشترک در جنوب داشته باشیم و در خاتمه قرار شد روز دوم فروردین دیدار حزبی باشد. پزشکپور گفت هر کدام از افراد حزب از حالا به ترتیب در روزنامه ها تبریک گفته موجی ایجاد نمایید.

نظریه شنبه: ۱- در حزب هیجان زیادی است و همه به هم تبریک می گویند و تلاش برای انتشار روزنامه است که بعد از عید شروع

بشود و با تلفن این موضوع را به اکثر شهرستان ها گفته اند و همه آمادگی خود را اعلام نموده اند.

۲- حزب تصمیم دارد که با نوشتن در روزنامه ها اولین نشریه را با سر و صدای زیاد توزیع نماید. به نظر می رسد دفتر خاک و خون در شهرداری دایر گردد.

نظریه یکشنبه: ۱- مفاد گزارش خبر تأیید می شود.

ص:۱۲۹

۲- به شنبه آموزش داده شد در صورت امکان از مطالبی که به منظور چاپ در روزنامه آماده می شود خلاصه ای تهیه و گزارش نماید تا بدین وسیله از نحوه افکار و تمایلات مقاله نویسان اطلاع حاصل گردد.(۱)

در برگه اشتراک دوره جدید روزنامه خاک و خون هم شعارها و تبلیغات سیاسی و حزبی گوناگونی درج شده بود. در نمونه ای از این برگه ها، نوشته ها و مطالب زیر درج شده است:

روزنامه

برگ اشتراک

شماره ۲۳۳۶

خاک و خون

دوره دوم

خاک و خون، صدای آزادگان ایران پرست

خاک و خون، رهگشای امیدهای فردای نزدیک

جامعه ایرانی

بر نهادهای کهن آیین ملت سرفراز ایران

خاک و خون، نمودار رستاخیز آزادگی طلب همه تیره های ایرانی

خاک و خون، مدافع سرسخت بهروزی و پیروزی همه سرزمین های ایرانی نشین

خاک و خون، جلوه ای تابناک از رزمی مقدس بر ضد هرگونه استعمار و استثمار

خاک و خون، خروش همه قشرهای مترقی و دگرگون طلب ملت ایران

به تاریخ ۱/۳/۵۲ مبلغ ۳۰۰ ریال بابت وجه اشتراک یکصد شماره ...... دریافت گردید.

نام و امضای دریافت کننده مسئول امور مشترکین(۲)

پس از حدود سه سال و دو ماهی که از توقیف و لغو امتیاز روزنامه خاک و خون سپری می شد، نهایتاً نخستین شماره دوره جدید انتشار این روزنامه در بیستم خرداد ماه ۱۳۵۲ از چاپ خارج شد. دور جدید روزنامه خاک و خون تا مدت کوتاهی

پس از انحلال احزاب پان ایرانیست، ایران نوین، مردم و ایرانیان در اسفند ماه ۱۳۵۳ و تشکیل حزب واحد رستاخیز ادامه یافت.

ص:۱۳۰

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

## فصل پنجم: حزب پان ایرانیست در نیمه دوم دهه چهل

### دانشگاه، دانشجویان و حزب پان ایرانیست

در تمام سال های پس از شهریور ۲۰، دانشگاه و محافل دانشجویی از مهم ترین پایگاه های مخالفان رژیم پهلوی بودند. نظر به اهمیت قشر دانشجو و تأثیرگذاری آن در معادلات سیاسی داخلی، رژیم همواره تلاش می کرد تا در میان دانشجویان نفوذ پیدا کند و آنان را با سیاست های خود همراه سازد یا حداقل سر آنها را به مسائل غیرسیاسی گرم نماید؛ اما کمترین توفیقی در این کار پیدا نکرد. از جمله اقدامات رژیم برای نفوذ در محافل دانشجویی، اجازه فعالیت به احزاب دولتی نظیر ایران نوین، مردم و بعدها رستاخیز بود. این احزاب آن قدر بدنام بودند که حتی در میان اقشار غیردانشجو و کم سواد هم نمی توانستند طرفدار پیدا کنند؛ چه برسد به دانشگاه و دانشجویان. حتی دانشجویان فاقد دیدگاه و انگیزه های سیاسی نیز از نزدیک شدن به هر آنچه نشان رژیم بر خود داشت، احتراز می کردند.

حزب پان ایرانیست های پزشکپوری، که رسالت خود را خدمت به رژیم شاهنشاهی می دانست، نیز با شعارهای توخالی و احساسی ناسیونالیستی و مخالفت های قلابی، تصور می کرد می تواند عده ای را به عنوان «دانشجویان عضو حزب پان ایرانیست» به دور خود جمع کند. از همین رو دست به ایجاد تشکیلات دانشجویی زد.

اما رژیمی که خود مطمئن بود کمترین پایگاهی در میان دانشجویان ندارد؛ و ناکامی احزاب دولتی را در جذب دانشجویان به عیان مشاهده می کرد، چنان از محیط دردسرساز دانشگاه ترسیده بود که جرأت نداشت اجازه فعالیت در محیط دانشگاه راحتی به حزبی نظیر پان ایرانیست بدهد. حزب پان ایرانیست که از اوایل دهه چهل به فعالیت های محدودی در دانشگاه ها پرداخته بود، به زحمت توانسته بود پس از چند سال تلاش در حدود بیست نفر را به خود جذب نماید.(۱) با اینکه همین عده معدود زیر رهبری معتمدان رژیم، همچون پزشکپور و عاملی تهرانی و زیر مراقبت شدید ساواک قرار داشتند، موجب نگرانی شدید ساواک بودند. سند زیر به خوبی گویای نگرانی های ساواک است:

ریاست ساواک تهران

فضل الله امینی انجدانی دانشجوی سال دوم هنرسرای عالی

عطف به ۲۸۹۹۲/ه ۲- ۲۳/۹/۴۶

در زمینه چگونگی فعالیت های حزب پان ایرانیست در دانشگاه تهران و همچنین اقدامات نامبرده بالاـ تذکر لازم به نحو مقتضی به مسئولین حزب مزبور داده شد. خواهشمند است دستور فرمایید یک قطعه عکس مشارالیه را جهت تکمیل پرونده تهیه و ارسال دارند.

مدیرکل اداره سوم. مقدم

رؤسا و مسئولان دانشگاه ها هم، که خود اکثراً برکشیده رژیم بودند، ترجیح می دادند سری را که درد نمی کند دستمال نبندند؛ و با فعالیت سیاسی احزاب دولتی در دانشگاه چندان موافق نبودند. به عنوان مثال، رئیس هنرسرای عالی (دانشگاه علم و صنعت بعدی) در نامه ای به تاریخ دهم اسفند ۱۳۴۷ به «تیمسار معظم سپهبد نصیری ریاست محترم سازمان امنیت و اطلاعات کشور» می نویسد:

گاهگاه مشاهده می شود که بعضی از دانشجویان در اجرای نیات احزاب مختلفه تلاش هایی می نمایند. از آنجا که در محیط علم و دانش می باید منحصراً مذاکرات و مباحثات علمی صورت گیرد باعث تأسف خواهد بود که اذهان جوانان پرشور دستخوش کشمکش های احزاب مختلف سیاسی قرار گیرد.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اینک ضمن معطوف نمودن ذهن آن مقام به این مسئله تقاضا دارد در صورت لزوم موضوع را به شرف عرض همایونی رسانده تا در صورت مصلحت اوامری صادر فرمایند که احزاب یا از پذیرفتن دانشجویان خودداری نمایند و یا دانشجویان تحت شرایط و تعهدات خاصی به عضویت احزاب درآیند به نحوی که هرگونه فعالیت حزبی آنان در محیط دانشکده ها اقدام ناصحیح و خلاف نظم منظور گردد و مؤاخذات و تنبیهاتی در پی داشته باشد. هرگونه اقدامی در این زمینه نظم و انضباط دانشکده ها را بیش از پیش حفظ خواهد نمود. «پی نوشت تیمسار ریاست معظم ساواک» اداره کل بررسی و نظر بدهد. فکر می کنم در خارج از دانشگاه هم نباید کوچک ترین اجازه فعالیت سیاسی داده شود.(۱)

در پی این نامه رئیس ساواک به اداره کل سوم ساواک دستور داد ترتیبی فراهم آورد تا این احزاب فعالیت های دانشجویی خود را به خارج از محیط دانشگاه منتقل کنند. در پانزدهم اسفند ۱۳۴۷ پرویز ثابتی رئیس اداره یکم عملیات و بررسی اداره کل سوم ساواک در این باره خطاب به اداره دوم عملیات و بررسی این اداره کل چنین نوشته بود:

درباره شرکت دانشجویان در احزاب سیاسی

عطف به ۱۵/۱۲/۴۷-۱۱۰۳۹۵/۳۲۲

فعالیت دانشجویان به نفع احزاب سیاسی در محیط دانشگاه های کشور به منظور جلوگیری از تشنجات و دسته بندی ها از نظر این اداره به مصلحت نمی باشد. لذا اصلح است ضمن تماس با رهبران احزاب ایران نوین، مردم و پان ایرانیست به آنان توجه داده شود که از هرگونه تلاش و تبلیغات عناصر خود در دانشگاه ها خودداری و در صورتی که طرفدارانی از دانشجویان داشته باشند ترتیبی اتخاذ نمایند که تشکیل جلسات و فعالیت آنها دور از محیط دانشگاه ها انجام و حفظ امنیت و آرامش فکری دانشجویان که حائز اهمیت می باشد در نظر گرفته شود.(۲)

با این حال رئیس اداره یکم عملیات و بررسی ساواک، یعنی پرویز ثابتی، نظر دیگری داشت. شاید وی به درستی تصور می کرد که اگر احزابی نظیر پان ایرانیست، موفق به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

جـذب عـده ای دانشـجو شونـد، فرصت مغتنمی برای رژیم خواهد بود. اگر چه ثابتی در اجرای اوامر «تیمسار معظم» به رهبران حزب تـذکر داده که در محیـط دانشـگاه فعـالیت نکننـد، امـا در لابلای گزارش خود، مخـالفت تلویحی خود را بـا نظر رئیس ساواک نشان داده است:

همان طوری که طی نامه شماره ۱۰۷۷۶۲/۳۱۲-۱۸/۱۲/۴۷ نیز اعلام گردیده از لحاظ صیانت امنیت و آرامش محیط های عالی آموزشـی کشور فعـالیت احزاب سیاسـی قـانونی در داخل مؤسـسات مزبور به مصـلحت نیست و در اجرای این نظر با مسـئولین حزب پان ایرانیست مذاکره و آنان ضـمن تأکید این مطلب که هیچ گاه دست به اقدامی در داخل دانشگاه ها و سایر مؤسسات عالی آموزشـی کشور نخواهند زد اضافه کردند که به دنبال شروع فعالیت و انتشار روزنامه خاک و خون و انجام امور تبلیغاتی دیگر طی چند سال اخیر تعدادی از دانشجویان با ایدئولوژی پان ایرانیسم آشنا شده و تدریجاً به حزب مزبور مراجعه و تقاضای عضویت و همکاری کرده اند. با توجه به اینکه اگر حزبی در یک جامعه فعالیت داشـته باشد و فعالیت آن به رسـمیت شـناخته شود یکی از نیروهای عمـده و خلاق و همچنین گرداننـدگان آتی آن دانشـجویان هسـتند لذا حزب پان ایرانیست نمی تواند از پذیرش دانشجویانی که برای عضویت در حزب مراجعه می کنند خودداری

نماید و به همین مناسبت دانشجویانی که تا به حال مراجعه کرده و مراحل آموزشی را گذرانیده اند به عضویت حزب درآمده و نیروی دانشـجویی این حزب فعلاًـ تعـداد قابـل توجهی دانشـجوی عضو دارد که در خـارج از محیـط هـای تحصـیلی خود در کانون حزب جلسات هفتگی دارند و ضـمناً به آنها تأکید شده که از فعالیت در محیط تحصیلی خود اجتناب نمایند. با توجه به مراتب بالا و اینکه مجدداً تأکید گردیده که این حزب در داخل محیط عالی آموزشـی دست به فعالیت نزند اشعار می دارد که به نظر این اداره نیز عـدم پـذیرش دانشـجویان علاقمند و مؤمن از طرف حزب اقدامی عملی نیست و همین مسئله موجب بروز شایعـات و تعـابیر غیرصـحیح و نـامطلوبی از لحاظ فعالیت آزاد احزاب قانونی خواهـد بود و لـذا پـذیرش دانشـجویان در حزب مزبور با شرط عدم فعالیت در محل های تحصیلی بلامانع می باشد.

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی - ثابتی(۱)

ص:۱۳۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

از آنجا که حزب پان ایرانیست در میان دانشجویان دانشگاه نفوذی قابل توجه نداشت و دانشجویان عضو حزب انگشت شمار بودند، تصمیم گرفته شد جلسات حزبی گروه

دانشجویی و نیروی دانش آموزی و محصلین حزب با هم و مشترک برگزار شود. با این حال همچنانکه آمارها و گزارش های موجود نشان می دهد باز هم شرکت کنندگان در این مراسم و جلسات مشترک دانشجویی و دانش آموزی به زحمت از بیست تا سی تن فزونی می گرفت. اما همه اینها باعث نمی شد رهبران حزب تبلیغ نکنند که در دانشگاه ها حضوری فعال دارند.

روند محدودسازی حزب پان ایرانیست در محیط دانشگاه ها به ویژه پس از واقعه تجزیه بحرین شدت بیشتری گرفت و فشار مقامات دولتی و نیز ساواک برای جلوگیری از فعالیت های دانشجویی این حزب آشکارتر شد. در واکنش به این برخوردها بود که سرانجام محسن پزشکپور در اواخر سال ۱۳۵۰ طی نامه ای خطاب به دفتر ویژه اطلاعات که حسین فردوست در رأس آن قرار داشت، ضمن هشدار نسبت به رشد گرایش های ضدحکومتی در میان دانشجویان، تقاضا کرد اجازه داده شود حزب پان ایرانیست نظیر سالیان گذشته فعالیت های دانشجویی خود را تداوم بخشد. در بخش هایی از این شکایت نامه محسن پزشکپور خطاب به دفتر ویژه اطلاعات چنین آمده بود:

۱- به طوری که به خوبی مشهود است در حال حاضر در اجتماع و به خصوص در بین جوانان و روشنفکران کشور ما طرز فکرهایی به وجود آمده که علاوه بر اینکه مشکلات کنونی را به وجود آورده اعلام خطری است برای آینده مملکت.

گزارشاتی که ما داریم حکایت از این می کند که در دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز یک نوع طرز فکر تجزیه طلبانه بین دانشجویان آذربایجانی — کرد و در مواردی هم بلوچ احساس می شود، مثلاً در دانشگاه تبریز از دانشجویان آذربایجانی کمتر به حزب پان ایرانیست می گروند.

اینها مسائلی است که حتماً باید به رهبر مملکت گزارش شود. مسلماً دولت هم این مسائل را درک کرده منتها چون مسئولیت دارد نمی خواهد به عرض برساند ولی ما با علاقه ای که به کشور و به رژیم کشورمان داریم این حقایق را که احساس می کنیم باید به عرض برسانیم.

به خاطر داریم که پس از انقلاب شاه و مردم همه مخالفان حتی مارکسیست لنینیست ها

ناچار به سکوت شدند ولی اکنون پس از گذشت ده سال یک روحیه معکوس پیدا شده، به خصوص در بین روشنفکران که آن طور که ما برخورد کردیم اساسی ترین و پرمخاطره ترین مسئله است برای آینده و آن هم آینده نزدیک. مقابله با این مخاطره تنها با یک اقدام تبلیغات سطحی امکان ندارد باید در این باره یک بررسی بنیادی و ژرف انجام شود.

گزارشات خارج از کشور وضع سخت تری را نشان می دهد. باید ]با[ توجه به روح انقلاب که ده سال پیش جامعه متشتت و مأیوس و از هم گسیخته مردم را امیدوار کرد این مسئله خیلی اساسی مورد بررسی قرار گیرد که چرا با همه امکانات وسیعی که از لحاظ امنیتی، مالی، سیاست اطمینان بخش خارجی و غیره فراهم بوده

الآن با چنین نتایجی روبه رو هستیم.

در مصر دانشجویان به پا می خیزند و جنگ قاطع می خواهند و در این جا اسلحه می گیرند خود را به کشتن می دهند، به خاطر حمایت از برنامه های بعث عراق. چرا؟ این دانشجو از کجا آمده است؟ این مسئله ای است که باید بررسی شود آیا ما بنیاد تاریخی محکم تر، فرهنگ عمیق تر، اصول انقلاب روشن تر، رسالت تاریخی و امکانات مالی بیشتر نداریم، پس چرا؟ اگر پاسخ صحیح پیدا نکنیم جامعه ما مواجه با خطرات سخت تر و قطعی تری خواهد شد.

۲- حزب پان ایرانیست که از بدو تأسیس در جهت مبارزه با بیگانگان و در راه ناسیونالیسم ایران نقش فعال و آکتیوی داشته، سال ها با برخورداری از امکانات محدود کار خود را می کرد و در داخل و خارج از کشور مبارزه را دنبال می نمود. روزنامه خاک و خون حزب ما در بسیاری از نقاط دنیا منجمله کشورهای همجوار پخش می شد و همین امر موجب می شد که گروه های وسیع تری را جلب کنیم و کوشندگان حزبی به عنوان یک تشکیلات قانونی کارشان را دنبال کنند. در واقع تشکیلات پان ایرانیست به صورت تنها شبکه

اطمینان بخش و مؤثر علیه افکار خائنانه بود. امروز تشکیلات پان ایرانیست در وضع نامشخصی قراردارد که این وضع نامشخص از نظر کادر رهبری و افراد مشکلات به وجود آورده است.

مثلاً در مورد مسئله سه جزیره وسیع ترین تظاهرات را پان ایرانیست انجام داد و برای اولین بار در دانشگاه ترتیب تظاهراتی را به همین مناسبت داد که بی سابقه بود و چون در این مورد

ترتیب یک مصاحبه مطبوعاتی، رادیو و تلویزیونی گذاشته شد، جلو پخش این مصاحبه را گرفتند و به روزنامه ها هم دستور دادند مصاحبه را چاپ نکنند. باز به همین ترتیب در مورد رانده شدگان دستور داده شد روزنامه ها اعلامیه حزب ما را چاپ نکنند.

ما غالباً با اعتراضات سخت افراد حزبی روبه رو هستیم. به ما می گویند یعنی چه؟ اگر حزب ملی و قانونی هستیم این چه نوع رفتاری است که با ما می شود و تا کی ادامه دارد؟ به ما جسته و گریخته گفته می شود پس شما عوامل خاص دستگاه دولت هستید [و] اگر این طور نیست چرا عکس العمل نشان نمی دهید. چرا دائم ما را به بردباری دعوت می کنید.

۳- روزنامه خاك و خون ناشر افکار حزب ما هنوز توقیف است. وقتی آقای سام وزیر اطلاعات بود، به من گفت که می خواهد موضوع را حل کند و از من خواست مجدداً تقاضای امتیاز برای خاك و خون کنم به او گفتم این کار را اگر من بکنم یعنی لغو امتیاز را قبول دارم که واقعاً این طور نبوده و در مورد عدم اجازه انتشار خاك و خون کار خلاف قانون انجام شده است به ایشان پیشنهاد کردم فرمول دیگری را بررسی کنند که قرار شد تا یک هفته نتیجه را به من بگویند که متأسفانه اکنون که شش هفت ماه گذشته هیچ خبری از وزارت اطلاعات به حزب داده نشده است.

۴- چندی قبل از طرف ساواک به نزد من آمدند و گفتند در دبیرستان ها حزب پان ایرانیست فعالیتی نکند. من گفتم پس لابد انتظار دارید مسلسل به دست ها در دبیرستان ها فعالیت داشته باشند. چرا نباید اندیشه سربلندی ایران، آزادی ایران، بزرگی ایران در دبیرستان ها توسعه یابد.

۵- در برنامه اجرای تظاهرات روز سه شنبه ۱۰/۱۲ از حزب پان ایرانیست دعوت نشد معلوم نیست چرا؟ مسلماً اگر ما دعوت شده بودیم قطعنامه چنین نبود و با نظرات

عمیق تری مطرح می شد. ما به جای اینکه از حزب بعث عراق که یک بازیچه بیش نیست یک غول بسازیم در قطعنامه اشاره می کردیم که حکومت بعثی عراق از لحاظ نژادی و مذهبی وابسته به اکثریت مردم عراق نیست و از نظر حقوق بین الملل یک حکومت تلقی نمی شود.(۱)

دفتر ویژه اطلاعات پس از مدت کوتاهی نامه مذکور را جهت بررسی به دفتر ساواک

ص:۱۳۷

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ارسال کرد. ساواک هم در بیست و هشتم اسفند ماه ۱۳۵۰ درباره محتوای این نامه و سابقه محدودسازی فعالیت حزب پان ایرانیست در دانشگاه و مدارس پس از واقعه تجزیه بحرین موضوع را به اداره کل سوم ارجاع داد.

بدین ترتیب دهه ۱۳۴۰ در حالی پایان یافته و رژیم پهلوی پای در دهه ۱۳۵۰ می گذاشت که موقعیت حزب پان ایرانیست به طور کلی و در عرصه دانشگاه و فعالیت های دانشجویی به طور اخص به شدت آسیب پذیر و غیرقابل اعتناتر از سال های گذشته شده بود و در حالی که رهبران این حزب ملتمسانه و کماکان به حاکمیت تعهد سپرده و وعده می دادند تداوم فعالیت آنان در دانشگاه ها و در میان دانشجویان باز هم در راستای دفاع از حاکمیت و ستیز با مخالفان سیاسی آن جریان پیدا خواهد کرد، با این حال حکومت و در درجه اول دولت هویدا موقعیت حزب پان ایرانیست را چنان ضعیف و فاقد اعتبار می دانستند که حتی صداقت گفتار و مدعیات آن را عملاً برای حمایت از حاکمیت بی تأثیر ارزیابی می نمودند. به همین دلیل از آن پس موقعیت حزب پان ایرانیست در دانشگاه و در میان دانشجویان و دانشگاهیان را باز هم غیرقابل اعتناتر و غیرمؤثرتر خواهیم دید.

### کردهای عراق و دولت بغداد

روابط تیره رژیم پهلوی و رژیم عراق باعث شده بود حزب پان ایرانیست از همان سال های

نخست تجدید فعالیت در دهه ۱۳۴۰ اجازه پیدا کند فعالیت ها و تبلیغات سیاسی و حزبی خود را در انتقاد از حکومت عراق تداوم دهد و در راستای همین سیاست از کردهای کردستان عراق که تحت حمایت اطلاعاتی، سیاسی و نظامی رژیم پهلوی و نیز اسرائیل با دولت مرکزی آن کشور در حال نبرد بودند، طرفداری فکری، سیاسی، فرهنگی، سرزمینی و نژادی بکنند.

در همین چارچوب بود که رهبران حزب پان ایرانیست در مناسبت های گوناگون نظیر فرارسیدن عید نوروز با لهجه و زبان کردی پیام های تبریکی برای کردهای عراقی در آن سوی مرزهای ایران می فرستادند و با یادآوری نژاد آریایی آنان، رهبرانشان را به لزوم تداوم مبارزه و مخالفت با رژیم بغداد تشویق و ترغیب می کردند. از جمله رهبری حزب پان ایرانیست با هدایت مستقیم و غیرمستقیم ساواک به مناسبت فرارسیدن نوروز سال

۱۳۴۷ برای ملامصطفی بارزانی و شصت تن از کادرهای درجه اول حزب دمکرات کردستان عراق کارت تبریک فرستاد.

حزب پان ایرانیست حتی نگران وجود اختلاف میان احزاب و گروه های مختلف کُرد در بخش های مختلف کردستان عراق بود و تلاش می کرد ضمن کاستن از تنش های گاه و بیگاه میان آنان ارتباطش را با رهبران و مسئولان گروه های مذکور گسترش دهد. ساواک در نهم تیر ماه ۱۳۴۷ چنین گزارش کرده است:

دکتر هوشنگ طالع ضمن مذاکراتی اظهار داشت اخیراً اختلافی بین حزب پارت دموکرات کردستان و حزب کاژیک که آنها نیز از ناسیونالیست های کرد می باشند روی داده است و جلال [ناخوانا] سرپرست دانشجویان کرد آن سوی مرز که در اروپا مشغول تحصیل می باشد و چندین بار با تشکیلات اروپایی حزب پان ایرانیست تماس گرفته و برای حزب پان ایرانیست در تهران نیز نامه فرستاده از طرفداران حزب

کاژیک به شمار می آید.

ملاحظات:

مفاد خبر نتیجه تحقیقاتی است که از منبع در مورد حزب مزبور خواسته شده است.(۱)

رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست هر از گاه و به مناسبت های گوناگون میتینگ هایی در حمایت از رهبران اکراد عراقی نظیر ملامصطفی بارزانی که ارتباط نزدیکی هم با ساواک و رژیم پهلوی داشت در شهرهای مختلف کردستان ترتیب می دادند.

ساواک که در شکل دهی به این گونه موضع گیری ها و اقدامات تبلیغاتی و سیاسی حزب پان ایرانیست نقش درجه اولی ایفا می کرد، در دوم اردیبهشت ماه ماه ۱۳۴۸ در این باره چنین گزارش کرده است:

قبلاً قرار بود از ساعت ۳۰/۱۷ روز ۴/۲/۴۸ کنفرانس ویژه دانشجویی حزب پان ایرانیست در محل حزب واقع در خیابان نادری برگزار شود. لیکن متعاقب وقوع حوادثی در روابط بین ایران و عراق تصمیم مزبور به برگزاری کنفرانس حزبی پیرامون این موضوع تبدیل گردید.

ص:۱۳۹

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

لـذا قرار است از سـاعت ۳۰/۱۷ روز جـاری (۴/۲/۴۸) در محـل حزب مزبور کنفرانس وسـیعی از طبقـات مختلف و طرفـداران حزب پان ایرانیست تشکیل و در آن محسن پزشکپور رهبر حزب مذکور سخنرانی نماید.

سخنرانی نـامبرده پیرامون سوابق تاریخی روابط ایران و عراق و ایجاد کشور عراق بر اساس نظرات اسـتعماری و تبعیض نژادی، دفاع از اصول سـیاست مسـتقل ملی ایران به ویژه در ارونـد رود، تشـریح سـیاست های اسـتعماری در منطقه خلیج فارس، اعلام آمـادگی هر چه بیشتر برای دفاع [از] منافع ملی ایران و پاسـخگویی به تجاوزات عراق و در هم شکسـتن دسـیسه های اسـتعمار خواهد بود.

بدین مناسبت قبلاً کارت هایی توزیع و مراتب در روزنامه روز ۲/۲/۴۸ خاک و خون آگهی شده است.

حزب پـان ایرانیست همچنین در نظر دارد که در صورت اقتضـا کنفرانس هـا و میتینـگ های وسـیعی در سراسـر کشور به ویژه منـاطق خوزسـتان و کردسـتان برگزار و طی آن توجه افکـار عمومی را به مـاهیت تجاوزکارانه عراق جلب و مردم را در جهت دفاع از حقوق کشور خود هوشیار و آماده سازد.

ضمناً پزشـکپور در جلسه علنی روز ۲/۲/۴۸ مجلس شـورای ملی طی نطـق مبسوطی دربـاره روابـط ایران و عراق بحث و برای اولین بار موجودیت دولت عراق را مورد انتقاد قرار داده و آن را حکومتی دست نشانده استعمار و مظهری از تعصبات نژادی و

مغایر با اصول و موازین بین المللی، اعلامیه حقوق بشـر و منشور ملل متحـد خوانده و احتمالاً نطق او در کنفرانس روز ۴/۲/۴۸ نیز پیرامون همین مطلب خواهد بود.(۱)

حزب پان ایرانیست طی چند ماه نخست سال ۱۳۴۸ در انتقاد از تجاوزکاری ها و گستاخی های دولت عراق نسبت به ایرانیان و تداوم مخالفتش با رژیم پهلوی، در شهرهای مختلف ایران و به ویژه در مناطق غربی کشور میتینگ های گوناگونی ترتیب داد. ساواک کردستان در بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ در این باره چنین گزارش کرده بود:

درباره میتینگ و تظاهرات حزب پان ایرانیست و مردم در خرم آباد و بروجرد بازگشت به شماره ۸۹۴/۳۱۲– ۱۴/۲/۴۸



---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در جریان لغو قرارداد غیرمنطقی ۱۳۱۶ شط العرب و اقدامات دولت و ارتش شاهنشاهی به منظور حفظ حقوق بین المللی ایران در اروندرود کلیه طبقات مختلف و عشایر غیور لرستان با علاقه مندی عمل دولت را یک اقدام ملی تلقی نموده و برای پشتیبانی و تأیید اعمال دولت و ارتش شاهنشاهی میتینگ و تظاهرات باشکوهی از طرف حزب پان ایرانیست و با شرکت جمعیت کثیری از طبقات مختلف در شهرستان های بروجرد و خرم آباد برپا

گردید. احساسات عمیق مردم در جریان اخیر خوزستان از هر لحاظ قابل توجه بوده و عموم طبقات به طرق مختلف آمادگی خود را برای هرگونه همکاری با ارتش شاهنشاهی و نظریات دولت اعلام می نمایند. تاکنون دو بار در تاریخ های ۱۱/۲/۴۸ و ۱۲/۲/۴۸ تظاهرات و میتینگ باشکوهی در این مورد در بروجرد و یک بار در تاریخ ۱۹/۲/۴۸ در خرم آباد انجام گردیده است. مراتب استحضاراً به عرض رسید.(۱)

همچنانکه از گزارش مورخ بیست و نهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ این سازمان برمی آید، مقرر شده بود طی چند روز نخست خردادماه آن سال هم حزب ایران نوین به شرح زیر میتینگ هایی در شهرهای مختلف استان خوزستان برپا کند:

حزب پان ایرانیست در نظر دارد از روز پنجشنبه ۱/۳/۴۸ در شهرهای «خوزستان. آبادان. خرمشهر و شوشتر» در محل های محدود از قبیل باغ ملی. محوطه جلو دبیرستان و میدان شهر میتینگ هایی به منظور اعتراض علیه عراق و اعلام آمادگی برای حفظ میهن و احقاق حقوق ملت ایران در اروندرود برگزار نماید. به این مناسبت هوشنگ طالع عضو گروه پارلمانی این حزب روز ۲۹/۲/۴۸ برای تهیه مقدمات کار به خوزستان مسافرت می کند و از روز

۳۰/۲/۴۸ در شهرهای نامبرده به وسیله بلندگو از مردم دعوت خواهد شد که در میتینگ مزبور شرکت جویند و محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست بعد از ظهر روز چهارشنبه ۳۱/۲/۴۸ به خوزستان مسافرت و شخصاً در میتینگ های مزبور شرکت و سخنرانی خواهد کرد. برنامه کار به این ترتیب است که بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱/۳/۴۸ در اهواز. ساعت ۰۰/۱۰ صبح روز جمعه در شوشتر، ساعت ۳۰/۱۸ روز جمعه در خرمشهر و بالاخره بعد از ظهر روز شنبه ۳/۳/۴۸ در آبادان میتینگ برپا خواهد بود.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ملاحظات ۳۱۲- قبلاً موضوع برای اطلاع و مراقبت و اعلام مشروح جریان به ساواک خوزستان اعلام گردیده است.(۱)

رهبران حزب پان ایرانیست از اینکه مقامات دولتی و حکومتی آنان را مقید ساخته بودند در تبلیغات ضدعراقی خود حدود تعیین شده را مراعات کنند، رضایت خاطر نداشتند و مماشات حکومت در برابر رژیم بغداد را برنمی تابیدند. چنانکه محسن پزشکپور طی سخنانی محفلی «در منزل خود به مسئولان مملکتی حمله کرده و عنوان نموده بیش از این نباید در مقابل دولت عراق مسامحه کاری به خرج داد و اگر با حرف کاری پیش نمی رود بایستی به قوای قهریه متوسل شد».(۲) در همان برهه که روابط دولت بغداد با رژیم ایران به شدت به تیرگی گراییده بود حزب پان ایرانیست اعلامیه هایی در ده ها هزار

تیراژ بر ضد دولت عراق و اقدامات آن علیه رژیم پهلوی و ایرانیان مقیم عراق چاپ و منتشر کرد. هزاران برگ از این اعلامیه ها جهت تهییج افکار عمومی در شهرها و مناطق غرب و جنوب غربی ایران توزیع گردید. پان ایرانیست ها آشکارا از سیاست های نظامی گری شاه و لزوم تجهیز ارتش و نیروهای مسلح به آخرین و پیشرفته ترین سلاح های جنگی به شدت استقبال می کردند و به ویژه تنها راه مقابله و ایستادگی پیروزمندانه در برابر رژیم عراق را در برتری بدون قید و شرط نظامی می دانستند؛ چنانکه یک بار یکی از مسئولان حزب پان ایرانیست در بیستم شهریور ماه ۱۳۴۸ طی سخنانی در اهواز گفته بود:

بیگانه، بیگانه است. همان شعار حزب پان ایرانیست که ندا می دهد اجنبی اجنبی است و در برابر دشمن مسلح باید تا دندان مسلح شد. جای خوشبختی است که گام های رهبر خردمند ملت ایران شاهنشاه آریامهر همه و همه در جهت خط مشی ملی کشور است و ما پان ایرانیست ها خوشحالیم که با معظم له در همه زمینه ها هم عقیده و در واقع یک افق فکری داریم و شاید به همین جهت است که حزب ما مورد توجه ذات اقدس شهریاری است. رهبر بیداردل ملت ما به همان اصولی معتقد هستند که ما عقیده داریم. در مورد تقویت نیروهای مسلح شاهنشاهی ما نیز طرفدار جدی این تقویت هستیم و هر نوع سستی و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اهمال را همان طوری که معظم له خطاب به دانشجویان فرمودند خیانت می دانیم. اما لازم است هم زمان با تقویت نیروهای مسلح نیروهای فکری و عقیدتی و ذهنی مردم نیز تقویت

شود و تبلیغات ما در همه موارد اعم از مطبوعات و

جراید و رادیو و فیلم و سینما روی اصولی صحیح باشد و مسئولینی دلسوز و وطن پرست که در برابر ملت خود و کشور خویش و تاریخ ایران احساس مسئولیت نمایند در رأس کارها قرار گیرند. نامبرده سپس به اختلاف ایران و عراق و احتمال یک درگیری نظامی با عراق اشاره کرده و اضافه نموده با اینکه قلباً مایل است ایران به عراق حمله و نام عراق را از صفحات تاریخ و جغرافی محو نماید لیکن عقیده دارد تا زمانی که کشور ما کاملاً صنعتی نشده و دارای صنایع سنگین نگردیده نباید در جنگ پیشقدم بود چون ممکن است در جریان جنگ از نظر تغذیه به ابزار و ادوات جنگی که سازنده بعضی از آنها نیستیم روی پاره ای سیاست های جهانی دچار مضیقه شویم ولی وقتی که به طور کامل صنعتی و از هر لحاظ بی نیاز گردیدیم و مسائل و طرح های دیگر نیز به نوبه حل و اجرا گردید می توان توفیق و پیروزی ایران را در هر نبردی قابل پیش بینی دانست.(۱)

## در خارج از کشور

حضور تبلیغاتی این حزب در خارج از کشور به ویژه از آن جهت که به مثابه حربه ای هر چند کم اثر در برابر مخالفان سیاسی رژیم پهلوی به کار گرفته می شد همواره مورد حمایت و هدایت مستقیم و غیرمستقیم ساواک و احیاناً دیگر مراجع سیاسی قرار داشت. با این حال به رغم تمام حمایت ها و تسهیلات موجود رقم اعضا و هواداران حزب پان ایرانیست در اروپا و آمریکا بسیار اندک بود.

فضل الله صدر کماکان نقش درجه اولی در اداره تشکیلات خارج از کشور حزب ایفا می کرد. در اوایل سال ۱۳۴۷ اخباری وجود داشت که نشان می داد تشکیلات اروپایی حزب پان ایرانیست از سوی برخی سفرای رژیم پهلوی در آن قاره تحت فشار قرار گرفته است. بخش ۳۱۲ ساواک در چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ در این باره خطاب به مدیرکل اداره



---

۱- چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۱۰، بخش ۱، ص ۲۹۰.

سوم آن سازمان چنین گزارش کرده بود:

محترماً به استحضار می رساند.

طی گزارشی به استحضار رسید که مسئولین حزب پان ایرانیست در مرکز ادعا کرده اند که از طرق مختلف و به وسیله برخی از مراجع و مسئولین مملکتی علیه حزب مزبور کارشکنی هایی صورت می گیرد. ماده ۲ این گزارش حاکی بود که آقای امیراصلان افشار سفیر شاهنشاه آریامهر در اطریش با انجام تهدیداتی روی دانشجویان وابسته به حزب پان ایرانیست اخیراً دو تن از آنها را احضار و اخطار کرده که دست از فعالیت بردارند و با ارائه نامه ای به آنها مدعی شده که در این نامه ساواک دستور ممانعت از فعالیت حزب پان ایرانیست را داده است.

گزارش مزبور به عرض مدیریت کل رسید مقرر فرمودند:

چنانچه در مورد بند ۲ سابقه ای وجود دارد ارائه شود.

در اجرای اوامر صادره به عرض می رساند که از مدت ها قبل در اطریش اعلامیه هایی علیه حزب پان ایرانیست منتشر و به اعضای آن لقب فاشیست داده شده بود که بعداً عناصر حزبی به این نتیجه رسیدند که اعلامیه های مزبور به دستور سفارت ایران در اطریش منتشر گردیده و لذا آنها هم در نشریه ناسیونالیسم دست به انتشار مطالبی علیه سفیر زدند و این موضوع ایجاد مشاجراتی نمود که با عزیمت دکتر فضل الله صدر به اروپا ترتیبی اتخاذ گردید که نشریه ناسیونالیسم تعطیل و به جای آن خاک و خون هوایی منتشر گردد.

موضوع تعارض سفارت و اعضای حزب پان ایرانیست مدتی مسکوت بود تا اینکه اخیراً یکی از دانشجویان پان ایرانیست طی گزارش مفصلی به حزب اعلام داشته که دو تن از فعالین حزبی توسط سفیر شاهنشاه آریامهر احضار و مورد اخطار قرار گرفته اند که دست از فعالیت حزبی بردارند. سفیر در این ملاقات نامه ای به آنها ارائه کرده و یادآور شده که این

نامه از طرف ساواک ارسال و طی آن دستور ممانعت از فعالیت حزب پان ایرانیست داده شده است.

نظریه – سابقه ای از صدور چنین نامه ای در ساواک وجود ندارد و همان گونه که مستحضرند ساواک با هیچ سفارتخانه ای در خارج از کشور ارتباط مکاتباتی ندارد و احتمال دارد سفیر نامه یا متن نوشته ای را به عنوان نامه ساواک به افراد نامبرده ارائه داده باشد.

مراتب جهت استحضار از عرض گذشت.(۱)

بدین ترتیب چنان به نظر می رسید که برخی سفرای حکومت در خارج از کشور متأثر از فضاسازی های دولت هویدا در برابر حزب پان ایرانیست و یا احیاناً بر حسب اختلافات شخصی پیشامد کرده هر از گاه با اعضایی از حزب پان ایرانیست در خارج از کشور درگیری هایی پیدا می کردند. با این حال درگیری ها و اختلافاتی از این دست کم اتفاق می افتاد.

حزب پان ایرانیست در اواسط تیر ۱۳۴۷ اولین کنگره خارج از کشور خود را در شهر کارلسروهه آلمان تشکیل داد و پیرامون آن هم تبلیغات پر سر و صدایی به راه انداخت. روایت پزشکپور از آن کنفرانس ها و نتایج مترتب بر آنها چنین بود:

در کارلسروهه کنفرانس خوب و بزرگی تشکیل شده بود و در وین نیز کنفرانسی ترتیب داده شد بود که از ساعت ۳۰/۰۳ تا ۳۰/۰۵ به طول انجامید و تمام کمونیست ها و عوامل ضدایرانی با قیافه های خشن و

ناراحت در کنفرانس حاضر شده بودند تا شاید بتوانند کنفرانس را از هم بپاشند اما من با حوصله اجازه دادم تا تمام آنها پشت تریبون بروند و مطالب خود را بیان نمایند. همگی به من حمله کرده بودند و فحش می دادند. آنان به من گفتند تو هم با هیأت حاکمه سازش کرده ای. تو هم خائن هستی. حزب تو هم خیانت می کند ما چند سال است که منتظر شما بودیم و تو نوکر امپریالیسم هستی تو نمی توانی این چنین ادعایی داشته باشی و از این قبیل صحبت ها. تا ساعت ۰۰/۲۳ تمام آن عناصر وقت کنفرانس را به حمله و ناسزاگویی به من گذراندند. بعد از آنها من پشت تریبون رفتم و به همگی آنها مفصلاً جواب دادم. آنان به من ایراد گرفته بودند که چرا به مجلس رفته ام و در تصویب لوایحی که به ضرر ملت ایران است همگام شده ام. من در پاسخ گفتم اگر به مجلس رفتن گناه است چرا در دوره چهاردهم هشت نفر از نمایندگان حزب توده به مجلس رفتند و مجلس محل گفتن نیازهای ملت ایران است و باید سعی کرد که در آن جا وارد شد تا بتوان دردها را گفت و تا ساعت ۳۰/۰۲ شروع به جواب گفتن کردم تا بالاخره ۳۰ الی ۴۰ نفر از نمایندگان

کمونیست مسکو و پکن به حرف های من گوش دادند و در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حدود ۱۵ الی ۲۰ نفر آنها به شدت دست مرا فشردند و با من دیده بوسی کردند. آنها گفتند اگر پان ایرانیست این است ما حاضر هستیم که پان ایرانیست شویم. من به آنها پاسخ دادم حالا با دوستان ما در تماس باشید و با آنها بیشتر آشنا شوید و خلاصه آن گروه ۳۰ یا ۴۰ نفری که قصد آشوب و حتی مضروب ساختن مرا داشتند همه با قیافه های شاد و راضی از جلسه خارج شدند و همگی به من اظهار داشتند شما اولین و تنها نماینده ای بودید که به تمام حرف های ما گوش دادید و به همه آنها نیز پاسخ گفتید. آنان سپس افزودند آقایان مجید رضا و دکتر عالیخانی که به اروپا آمده بودند ما با آنها روبه رو شدیم هیچ کدام به سؤالات ما پاسخ ندادند و موقع جواب که شد محل را ترک می نمودند.

محسن پزشکپور سپس افزود در آلمان نیز به برلن شرقی رفتم و با نمایندگان کرد و آسوری مقیم آن جا تماس گرفتم و با آنها در مورد عراق و وقایع ایران و وحدت همه تیره های ایرانی مذاکره نمودم. در لندن نیز کنفرانس سه ساعته ای برای ایرانیان و دانشجویان داشتم. ناطق در

پایان سخنانش افزود من از مسافرت اروپای خودم بی نهایت راضی و خوشحال هستم چون در آلمان و اطریش وضعی چنان به وجود آمد که دیگر دانشجویان پان ایرانیست در اروپا کمتر دچار زحمت خواهند شد چون مسائل زیادی برای آنها روشن شده است و شاید همکاری بیشتری در خصوص پان ایرانیست و مسائل ملی به وجود آمده باشد.(۱)

اما مهمترین مأموریت پان ایرانیست ها در اروپا مقابله گاه حتی قهرآمیز و خونین با مخالفان سیاسی و دانشجویان ضد رژیم پهلوی بود. بیشترین درگیری ها میان اینان با اعضا و تشکیلات کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی شاغل به تحصیل در اروپا صورت می گرفت و همچنانکه اسناد نشان می دهد، ساواک نقش قابل توجهی در تقویت موقعیت پان ایرانیست ها در مواجهه با مخالفان ایفا می نمود. تلاش می شد نشست ها و مراسم و نیز تظاهرات ضدحکومتی مخالفان در شهرهای مختلف اروپایی در پوشش اعضای حزب پان ایرانیست مورد حمله قرار گیرد. مأموران ساواک در آلمان به گوشه هایی از این درگیری اعضای حزب پان ایرانیست با دانشجویان عضو کنفدراسیون چنین اشاره کرده اند:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

... هیأت رئیسه کنفدراسیون به تصور اینکه از طرف دولت آلمان اقدامات علیه آنان صورت خواهد گرفت به وحشت افتاده و سعی می کنند درگیری مجددی با افراد پان ایرانیست و یا پلیس نداشته باشند. ضمناً افراد پان ایرانیست با کمال شهامت

از خود و همچنین همسر مهندس ظفری دفاع و با تعداد قلیل توانسته اند افراد منحرف را که در کافه بودند مضروب نمایند. افراد پان ایرانیست با مصدوم شدن ظفری به فکر انتقام افتاده و امکان دارد هر کجا دانشجویان عضو کنفدراسیون را ببینند به شدت مضروب نمایند و کنفدراسیون نیز به افراد خود هشدار داده است با گروه های بیست نفری در شهر حرکت کنند و از پراکنده شدن پرهیز نموده و شب ها نیز زود و متفقاً به خوابگاه های خود بروند و این امر تماس منابع را مشکل نموده است. کنفدراسیون تصمیم دارد مجدداً مصاحبه مطبوعاتی تشکیل و در این کنفرانس افراد پان ایرانیست را مقصر قلمداد و مدعی هستند یک چاقوی ضامن دار و یک کیف محتوی مدارکی به دست آنها افتاده که به خبرنگاران ارائه خواهند داد. در تماسی که با مسئولین پان ایرانیست گرفته شد اظهار داشتند هیچ گونه مدرکی که قابل ارائه در دادگاه باشد همراه نداشته اند. ضمناً از طرف پان ایرانیست ها اعلامیه های متعددی در مورد نیرومند و تماس زربخش با بختیار در عراق چاپ و توزیع گردیده است. افراد دیگری که در حمله به

پان ایرانیست ها شناخته شده اند عبارت هستند از محمود راسخ، بنی صدر از وین، احمد ساعی و همسرش، کیومرث زرشناس، محمود کیهان آذر، جواد علم، ایرج قهرمانی، حمید آزادی، خسرو باقرپور، اسحاق اشگی، از گراتس، اکبر اغراقی، ستوده حدادی، مقرب نجفی از کارلسروهه، پزشک و فتح الله نیا از کارلسروهه، ضمناً با تحقیقاتی که به عمل آمده است دانشجویی که ضربه اصلی را به ظفری وارد آورده است، اغراقی مقیم برلین می باشد.

اقدامات انجام شده – با مسئولین پان ایرانیست مذاکره و قرار شد ترتیبی بدهند که به طور انفرادی علیه محرکین شکایت نموده و علاوه بر آن به طور دسته جمعی نیز اقداماتی علیه زربخش به عمل آورند.(۱)

درباره همین رخداد محسن پزشکپور در مجلس شورا که خود در آن عضویت داشت به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ایراد سخن پرداخت و از مقابله پان ایرانیست ها با مخالفان سیاسی حکومت در آلمان دفاع نمود. وزارت امور خارجه رژیم پهلوی در ضمن گزارش عملکرد آن وزارت خانه در سال ۱۳۴۸ به این واقعه چنین اشاره کرده است:

در بهمن ماه ۱۳۴۸ به علت پیشامدی که در شهر کارلسروهه، در آلمان غربی، روی داده و جمعی از دانشجویان ایران مورد

حمله قرار گرفته و مضروب شده بودند، آقای محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست مطالبی در مجلس شورای ملی ایراد نمودند.

روز ۲۷ بهمن ماه، سفیر جمهوری فدرال آلمان، در مجلس شورای ملی حضور یافتند و ضمن ملاقات با آقای پزشکپور مراتب تأسف دولت متبوع خود را از حادثه کارلسروهه اظهار داشتند و اطمینان دادند که این حادثه دیگر تکرار نخواهد شد و افرادی که دانشجویان ایرانی را مضروب کرده اند مورد تعقیب قرار خواهند گرفت.

سفارت جمهوری فدرال آلمان، در تأیید این مطلب بیانیه ای نیز انتشار داد.(۱)

برخلاف این گزارش وزارت امور خارجه، زد و خورد میان اعضای حزب پان ایرانیست با اعضای کنفدراسیون در شهر کارلسروهه آلمان در دی ماه ۱۳۴۸ رخ داد و همچنانکه از گفته های حسین خان مصدقی از اعضای شناخته شده حزب پان ایرانیست برمی آید موقعیت پان ایرانیست ها را نیز در آن کشور با دشواری هایی روبه رو کرده بود؛ ساواک در بیست ویکم دی ماه ۱۳۴۸ در این باره چنین گزارش کرده است:

حسین خان مصدقی یکی از اعضای حزب پان ایرانیست اظهار داشت برخلاف آنچه که در روزنامه خاک و خون ذکر گردیده نزاعی که در کارلسروهه بین افراد پان ایرانیست

و سازمان های مخالف حزبی روی داده به ضرر حزب ما بوده و بجز یک روزنامه که ترجمه آن نیز در روزنامه خاک و خون منتشر شده بقیه روزنامه های آلمان به تحریک عناصر مخالف علیه حزب مقاله نوشته و ما را مسئول این زد و خورد معرفی نموده اند و محسن پزشکپور نیز در این مورد به من گفته است که حزب ما در این باره اشتباه نمودیم زیرا قبل از آنکه دکتر فضل الله صدر و دکتر هوشنگ طالع جهت برگزاری مراسم ۲۱ آذر به کشور آلمان مسافرت نمایند بنا به پیشنهاد هوشنگ طالع و موافقت محسن پزشکپور به وسیله من به طور محرمانه

ص:۱۴۸

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تعداد ۴۰ عدد پنجه بوکس خریداری شده و توسط آنها به آلمان حمل گردید تا در بین افراد تشکیلات [حزب در] آن کشور توزیع شود چون پیش بینی گردیده بود که ممکن است زد و خوردی روی دهد. نامبرده سپس افزود در کارلسروهه کیف دستی دکتر فضل الله صدر محتوای کلیه پنجه بکس ها و گذرنامه او توسط عناصر مخالف به سرقت می رود و آنها کیف مذکور را در حضور مخبرین و روزنامه نگاران خارجی مخالف باز نموده و اظهار می دارند که پان ایرانیست ها با تدارک قبلی به ما حمله نموده و ما

درصدد دفاع برآمده ایم و روزنامه نگاران نیز خبری تحت عنوان در یک کیف دیپلمات ناسیونالیست ایرانی طرفدار دولت ایران پنجه بوکس ساخت ایران کشف گردیده با جنجال بسیار منتشر نموده و این مطلب باعث شکست و ایجاد ناراحتی برای تشکیلات اروپایی حزب پان ایرانیست گردیده و حتی دکتر صدر نیز وسیله پلیس کشور آلمان بازداشت گردید که پس از تحقیقات لازم آزاد شد و محسن خان مصدقی در پایان سخنانش بیان نمود این مطالب کاملاً محرمانه هست و تقریباً کسی از این جریانات اطلاعی ندارد و بایستی این موضوع فعلاً محرمانه بماند. ضمناً خبر زد و خورد دانشجویان حزبی با عناصر مخالف در سطحی که در روزنامه خاک و خون منتشر شده بین افراد حزب در تهران باعث ناراحتی و تعجب گردیده است.

نظریه رهبر عملیات- ۱- گزارشات خبری در مورد نزاع افراد تشکیلات اروپایی حزب پان ایرانیست با دانشجویان مخالف حزب مزبور قبلاً به ۳۱۲ اعلام گردیده است.(۱)

هر چند این مهمترین درگیری و برخورد حزب پان ایرانیست با مخالفان سیاسی و دانشجویان ضد رژیم پهلوی در خارج از کشور با اقبال حاکمیت و ساواک روبه رو شد، با

این حال قبح این اقدام پان ایرانیست ها و سوء عملکرد آنها چنان رسواکننده شد که حتی روزنامه ها و نشریات دولتی در داخل کشور چندان پیرامون آن خبررسانی نکرده و به تجزیه و تحلیل نپرداختند. به ویژه موضوع افشای ارسال پنجه بوکس از ایران به آلمان در نشریات آن کشور که همگان می دانستند با آگاهی و موافقت ساواک صورت عملی به خود گرفته است، چهره رژیم پهلوی را در میان مخالفان و افکار عمومی جهان بیش از پیش خراب می کرد. آنچه بود این بایکوت خبری رسانه ها و نشریات داخلی باعث عصبانیت



---

۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۶، [چاپ جدید]، ص ۶۴۹.

افرادی از اعضـای حزب پان ایرانیست شـده بود که امیـدوار بودنـد به پاس حمایت بـدون دریغشان از شاه و رژیم پهلوی مورد ستایش قرار گیرند. اعضای حزب، دولت هویدا را که به زعم آنان نمی خواست جایگاه حزب پان ایرانیست در حاکمیت ارتقا پیدا کند، مسئول این بایکوت خبری می دانستند. بنا به گزارش ساواک:

در ساعت ۰۰/۲۰ روز دوشـنبه ۲۲/۱۰/۴۸ جلسـه نیروی کارمنـدی حزب پـان ایرانیسـت اهـواز بـا چنـد تـن از اعضـا از جمله غلامحسـین آصف. محمدجهانگیر. عزیزالله گلریزان. ولی الله خود[ناخوانا]. عبدالرحمن محمدپور و شـریف قاطع در محل دفتر حزب تشـکیل بـوده اسـت. در ایـن جلسـه ابتـدا غلامحسـین آصـف به تفصـیل دربـاره واقعه حمله کمـونیست هـا در آلمـان به کنفرانس مطبوعاتی دانشـجویان پان ایرانیست صـحبت کرده و اظهار داشـته همان طوری که در روزنامه خاک و خون خوانـده اید یک مشت خائن به کمک جاسوسان حرفه ای آلمان شرقی و بختیار در آلمان که اتحادیه دانشجویان ایرانی را تشکیل داده اند و زربخش نامی رئیس آنها است که مرتباً به

مصـر، کوبا، پکن و بغـداد و مسـکو مسافرت و تعلیمات کافی نیز دیده به کنفرانس مطبوعاتی هم رزمان ما در آلمان که قصـد داشـته اند درباره این اتحادیه کذائی و مقاصد آن صـحبت کنند حمله نموده و با چاقو و پنجه بوکس دانشجویان پان ایرانیست را مضـروب نموده انـد و هم اکنون مهنـدس ظفری مسـئول تشـکیلات حزب در اروپا به شدت مجروح و در بیمارسـتان بستری است. اهمیت موضوع از هر لحـاظ روشن و معلوم است. ما پان ایرانیست هستیم و وطن پرست و آنها کمونیست و جهان وطنی و خـائن به مملکت و مزدور بیگـانه و سـیاست هـای اسـتعماری و مسـلم است که رودررو قرار خواهیم گرفت اما سؤال من این است که چرا دستگاه حکومت مملکت و دستگاه های ارشادی و خبری درباره این موضوع صحبت نکردند؟ چرا دولت عکس العمل در این مورد از خود نشان نداد؟ مگر نه اینکه یک عده ایرانی وطن پرست و ملی مورد تعدی و تجاوز مشتی کمونیسـت و خائن قرار گرفته و مضروب و مجروح شده اند. این رادیو ایران که از زایمان سوفیا لورن و طلاق فلان هنرپیشه سینما صحبت می کند و این مطبوعات کشور درباره بزغاله دو سر و کشته شدن فلان به دست

بهمـان قلمفرسـایی می نماینـد چرا در این بـاره خبری ننوشـتند؟ گویـا روزنامه کیهان منحصـراً فقط نوشـته بود زربخش رئیس اتحادیه دانشجویان ایرانی که توده ای می باشد به یک کنفرانس مطبوعاتی در آلمان حمله

کرده است در صورتی که نوشتن مطالب به این صورت زربخش را بزرگ می کند. در این هنگام ولی الله خود[ناخوانا] یکی از حضار سؤال کرده در صورتی که حزب پان ایرانیست واقعاً علنی و فعالیت آن آزاد می باشد و تشکیلات ما خدمتگزار و صدیق و علاقه مند به این آب و خاک می باشد و در چهارچوب قوانین مملکتی و قانون اساسی فعالیت می کنیم چرا تمام امکانات به حزب ایران نوین داده شده و در ادارات و دستگاه های دولتی حتی المقدور و به نحوی از انحا در کار ما کارشکنی می شود. مگر نه اینکه حزب ما و فعالیت ما مورد تأیید و حمایت رهبری مملکت است پس چرا در دستگاه ها با ما این طور رفتار می شود و مسائل مربوط به ما را دستگاه های مربوطه منعکس نمی کنند. غلامحسین آصف پاسخ داده برای اینکه دولت در دست حزب ایران نوین است و مسلماً اینها به منافع حزبی خود فکر می کنند و می دانند اگر ما رشد کنیم جای آنها را خواهیم گرفت.

باید بگویم ما کاملاً- مورد تأیید و حمایت شخص اول مملکت هستیم ولی در عین حال راه سخت و ناهمواری هم در پیش داریم که باید جلو برویم.(۱)

## بحرین

از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا اواخر سال ۱۳۴۸ که نهایتاً با موافقت رژیم پهلوی بحرین از خاک ایران تجزیه شد، حزب پان ایرانیست نظیر سالیان گذشته فعالیت خود، همواره از حق حاکمیت مسلم ایران بر بحرین دفاع می کرد. موضوع بحرین احتمالاً- تنها موردی بود که حزب پان ایرانیست و رهبران حزب در دفاع از حاکمیت ایران بر آن به جد کوشا بودند و راغب نبودند درباره آن مماشاتی صورت بگیرد. به نظر می رسید حزب پان ایرانیست از طریق برخی ایرانیان که به بحرین آمد و شد داشتند و نیز پاره ای مسافرت های پیدا و پنهان اعضا و مسئولان حزب به آن سرزمین تا حدی در جریان تحولات و رخدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن منطقه قرار داشتند. همچنین سخن از آن بود که رهبری حزب پان ایرانیست علاقه مند است برای رصد بیشتر اوضاع و تأثیرگذاری در تحولات بحرین در راستای علایق و خواست های ملی و سرزمینی خود، نیرویی مخفی با عنوان



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ستون پنجم روانه بحرین کند و در این راستا البته از حضور و نفوذ گسترده ایرانیان مقیم آن جزیره نیز بهره بگیرند. مسئولان و رهبران حزب پان ایرانیست گاه ابراز می داشتند، با ایرانیان متنفذی که در بحرین زندگی کرده و علاقه مندند حاکمیت ایران بر بحرین تثبیت شود در تماس هستند و هرگاه ضرورت ایجاب کند از کمک های ایرانیان پرشمار آن سرزمین در شئون و سطوح مختلف بهره مند خواهند شد.(۱) در همان حال شعب و نمایندگی های حزب پان ایرانیست در شهرها و استان های مختلف هر از چند گاه در راستای سیاست ها و تبلیغات حزبی و سیاسی رهبری حزب پان ایرانیست در دفاع از حق

حاکمیت ایران بر بحرین مراسم، میتینگ و نیز جلسات سخنرانی برگزار کرده و یا با امضای طومار مراتب اعتراض و انتقاد خود را از تداوم مداخلات انگلیسیان در بحرین و دیگر بخش های خلیج فارس که می توانست حقوق و منافع ایران را مورد تعرض قرار دهد، اعلام می کردند. چنانکه ساواک در سیزدهم آذر ماه ۱۳۴۶ در این باره گزارش کرده بود:

در این چند روزه اخیر از طرف حزب پان ایرانیست این منطقه مطالبی به شرح برگ پیوست مبنی بر اینکه آزادگان ایران پرست کهگیلویه و بویراحمد خواهان رهایی هر چه زودتر بحرین مروارید یکتای خلیج فارس بوده و همچنین ادامه سیاست استعماری دولت انگلیس را در خلیج فارس محکوم می کنند و غیره روی کاغذ بزرگی ماشین و وسیله اعضای حزب به کارگران و فرهنگیان محل ارائه و با امضا نمودن آنان ذیل آن مکتوب طوماری تهیه که خیال دارند پس از تکمیل جهت فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست در مجلس شورای ملی [ارسال کنند که] در نظر دارند درباره بحرین و خلیج فارس بیاناتی ایراد [نمایند] که آن بیانات می بایستی مستند به اظهار نظریه و عقاید مردم مختلف مملکت از جمله منطقه کهگیلویه و بویراحمد باشد که در نتیجه کمیته حزب پان ایرانیست کهگیلویه مبادرت

به چنین اقدامی نموده است.(۲)

شواهدی هم وجود داشت که نشان می داد، اعضا و کارگردانانی از حزب پان ایرانیست گاه و بیگاه با موافقت رهبری حزب و هدایت ها و مراقبت های پیدا و پنهان ساواک



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مسافرت هایی به سواحل جنوبی تر خلیج فارس کرده و احیاناً از سواحل بحرین هم دیدارهای نیمه مخفی انجام می دادند. ساواک در اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ از علایق پان ایرانیست ها جهت انضمام قطعی بحرین به خاک اصلی ایران و تلاش های آن در این راستا چنین گزارش کرده بود:

ابتدا آقای کهوائی گفت به عنوان یک مژده به آقایان اطلاع دهم. با توجه به تظاهراتی که در بحرین برپا شده حزب پان ایرانیست تصمیم دارد در گچساران نیز میتینگی در این مورد ترتیب دهد. آقای کهوائی ادامه داد برای همه ما روشن است که بحرین یک جزیره ایرانی است و اخیراً اقداماتی به عمل آمده که تحقق یافتن این آرزو و پیوستن آن به مام میهن قابل پیش بینی است زیرا مردم بحرین به این امر تمایل دارند و حتی برای اثبات علاقه خود به ایران باشگاهی را به نام باشگاه آریا نامگذاری کرده اند.

در این هنگام آقای مهندس کرمانی وارد شد و پس از سلام و احوالپرسی با حضار وی نیز موضوع صحبت کهوائی را دنبال نموده و اظهار داشت گرچه در حال حاضر در

بحرین افراد حزبی نداریم ولی روزنامه خاک و خون را مخفیانه و به طور قاچاق به بحرین می فرستیم. تظاهرات مردم بحرین با هیچ گونه عکس العملی از طرف مقامات مسئول آن جا روبه رو نشد در حالی که تظاهرات خیابانی بوده و همراه با تمثال شاهنشاه و پرچم ایران صورت گرفته است.

۱۲ سال پیش ما در بحرین تشکیلات حزبی داشتیم ولی به علت کوران داخلی حزب ارتباط ما با بحرین قطع شد. چند سال پیش حزب پان ایرانیست نامه ای برای اوتانت فرستاد و از او خواست تا در مورد کوران آن سوی مرز اقدامی نماید ولی در جواب گفته بود گرچه تقاضای شما به حق است ولی پیشنهاد باید از طرف دولت باشد ولی متأسفانه از طرف دولت ما در این باره اقدامی نشد. مهندس کرمانی اضافه نمود اعلامیه اخیر وزارت امور خارجه ایران در مورد اینکه کشور انگلیس با زور و تزویر قسمت هایی از این سرزمین را اشغال کرده شایان توجه و بی سابقه بوده است و این همان خواسته های حزب پان ایرانیست است که طی ۲۶ سال دنبال کرده است. در اقدامات اخیر در مورد اجرای سیاست مستقل ملی و سیاست خارجی ایران جداً شاهنشاه نقش عمده ای را به

عهده داشته اند. می بینیم آنچه را که حزب پان ایرانیست دنبال می کند امروز به وسیله شخص اول مملکت عنوان

می شود و این امر هنگام شرفیابی رهبران حزب به پیشگاه شاهنشاه به ثبوت رسیده است. مهندس کرمانی در این موقع صحبت را به میتینگ گچساران کشانده و گفت حتماً ترتیب میتینگ را خواهیم داد زیرا انعکاس خوبی دارد. البته این امکان وجود دارد آن عده از مسئولین امر که بینش عمیق نداشته و نمی خواهند چنین مطالبی که جنبه حیاتی دارد به حقیقت بپیوندد موضوع را سرسری گرفته و به همین دو کلمه اکتفا کنند. در صورتی که بی شک شخص اول مملکت بیش از هر کس موضوع را جدی تلقی می کنند. وانگهی میتینگی که ما می دهیم شاید سایر احزاب را هم به خاطر خودنمایی به حرکت وادارد و این خود مفید خواهد بود.

در این موقع افضل مرادیان گزارش داد که با آقای جعفری و عده ای از آموزگاران تماس گرفته و بحث از بحرین پیش آمده و مشاهده شده که همگی به این امر ابراز علاقه کرده و آنها هم اظهار می داشتند که امکان دارد بحرین به ایران

باز گردد.(۱)

اما مسئله بحرین، مسئله ای نبود که حزبی نظیر پان ایرانیست بتواند در آن نقشی ایفا کند. شاه بود و قرار و مدارهایش با انگلستان و آمریکا؛ و بر عهده گرفتن نقش ژاندارمی منطقه در ازای دست برداشتن از حق حاکمیت مسلم ایران بر بحرین. لذا ساواک به حزب پان ایرانیست تفهیم کرد که باید دست از فضولی درباره بحرین بردارد.

وقتی حزب پان ایرانیست در اوایل مرداد ۱۳۴۷ در صدد برآمد در دفاع از حق حاکمیت ایران بر بحرین کنفرانس و میتینگی در شهر قزوین برگزار کند، اداره کل سوم ساواک در هفدهم مرداد ماه ۱۳۴۷ به ساواک قزوین دستور داد:

عطف ۹۹۰/۲۳-۱۶/۵/۴۷ دستور فرمایید با تماس با مسئولین حزب پان ایرانیست در قزوین به آنان تفهیم گردد که از بیان مطالبی در مورد بحرین خودداری و ضمناً مشروح جریان کنفرانس را نیز اعلام نمایند - مقدم(۲)

چنانکه وقتی ساواک شیراز در شانزدهم مرداد ماه ۱۳۴۷ به اداره کل سوم این سازمان در تهران گزارش کرد:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آقای محمدحسین امام زاده ای عضو حزب پان ایرانیسم تهران به منظور برگزاری میتینگ و کنفرانس به شیراز آمده و از شهرداری تقاضا نموده است سالن آن اداره را جهت یک رشته سخنرانی و کنفرانس در مورد بحرین در اختیار وی قرار دهند.

مقرر فرمایند ضمن اعلام سوابق وی نظریه

ابلاغ فرمایند – جوان.(۱)

ناصر مقدم بلافاصله و در هفدهم مرداد ماه ۱۳۴۷ هشدار داد:

عطف ۸۱۹۱–۱۶/۵/۴۷ دستور فرمایید به نحو مقتضی به محمدحسین امام زاده ای ابلاغ گردد که از سخنرانی در مورد بحرین خودداری و موضوع سخنرانی خود را به مسئله دیگری اختصاص دهد. ضمناً مشروح جریان کنفرانس را نیز اعلام نمایند – مقدم(۲)

به رغم این احوال حزب پان ایرانیست از هر فرصتی جهت یادآوری و دفاع از حق حاکمیت مسلم ایران بر بحرین فروگذار نمی کرد و رهبران و اعضای فعال این حزب می کوشیدند برای تثبیت حاکمیت ایران بر آن سرزمین راهی پیدا و سهمی ایفا کنند. چنانکه ساواک در بیست و نهم آبان ماه ۱۳۴۷ گزارش کرد:

دکتر هوشنگ طالع به اتفاق یک نفر ناشناس دیگر از اهالی بحرین که اخیراً از آن منطقه آمده است، نقشه شهر بحرین را در محل دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست مطالعه و مشاهده می نمودند. دکتر هوشنگ طالع از فرد ناشناس اوضاع شهر، محل های مختلف و نقاط حساس بحرین را سؤال می کرد و فرد مذکور نیز پاسخ مقتضی به آنها می داد. در نقشه مزبور شهر بحرین – کوچه ها – خیابان ها – مساجد – محل پلیس

– منزل حاکم – باشگاه ایرانیان – محل اجتماع ایرانیان مرکز شهر – پل ها و راه ها مشخص گردیده بود.(۳)

وقتی شاه در تیرماه ۱۳۴۸ به موضوع لزوم برگزاری رفراندوم در بحرین اشاره کرد، پان ایرانیست ها که البته توان انتقاد و یا مخالفت با شاه را در خود احساس نمی کردند، عمده انتقادات خود را متوجه دولت هویدا می کردند که گویی برخلاف دیدگاه شخص شاه قدمی جدی در راستای دفاع از حق حاکمیت ایران بر بحرین برنمی دارد. در این برهه پان ایرانیست ها نسبت به نیت سازمان ملل درباره موضوع بحرین و نقشی که باید در این



---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

باره ایفا کند، علی الظاهر مشکوک شده بودند. ساواک در بیست و نهم تیر ۱۳۴۸ماه در این باره چنین گزارش کرده بود:

در ساعت ۰۰/۱۸ روز ۲۳/۵/۴۸ جلسه نشست هفتگی حزب پان ایرانیست با شرکت کلیه اعضای حزب مذکور در دفتر خاک و خون دوگنبدان تشکیل گردید و پس از اجرای تشریفات حزبی در مورد وظیفه سازمان ملل از آقای کهوائی سؤال می شود و وی در پاسخ اظهار می کند سازمان ملل کانون آدم دزدی و تبعیض می باشد و در حوادث بین المللی هیچ گونه نقشی نداشته و اضافه می کند در خود این سازمان نقشه دزدی موسی چومبه طرح گردیده است. سپس درباره بحرین و اینکه سرانجام آن چه می شود از آقای کهوائی استفسار می گردد. آقای کهوائی در جواب می گوید بحرین جزئی از

شاهنشاهی ایران می باشد و اینکه شاهنشاه در دهلی نو فرمودند باید سرنوشت بحرین با یک رفراندوم تعیین شود، به طور حتم اطمینان داشته اند که ایران پیروز می شود. می افزاید البته نباید فراموش کرد رفراندومی که به عمل خواهد آمد با انتخاباتی که در مملکت اجرا می شود تفاوت دارد چون انتخابات در مملکت معنی ندارد فقط به حکم اینکه آزادی داریم باید عده ای به مجلس بروند. مجدداً از او سؤال می شود که آیا دولت در زمینه بحرین اقدامی خواهد کرد. کهوائی بیان می کند به طور حتم خیر زیرا دولت ما عین ماکت یک کارخانه می باشد نشان دهنده کارخانه هست ولی فعالیت خود کارخانه را ندارد همان طوری که اصل ۱۲ انقلاب از طرف رهبری انقلاب به صورت قانون درآمد ولی تا به حال کوچکترین اقدامی درباره این ماده از انقلاب نشده است.(۱)

بدین ترتیب تا واپسین ماه های سال ۱۳۴۸ که حاکمیت تصمیم گرفته بود به موضوع تجزیه بحرین از خاک اصلی ایران تن دهد، حزب پان ایرانیست همچنان در دفاع از حق حاکمیت ایران بر آن سرزمین ثابت قدم ماند و رهبران و مسئولان حزب همواره بر این نکته که بحرین جزء لاینفک و غیرقابل تجزیه خاک ایران است، تأکید می کردند. اما

موضوع بحرین آن گونه پان ایرانیست ها علاقه مند بودند حل و فصل نشد.(۲)

ص:۱۵۶

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- با عملی شدن طرح تجزیه بحرین از ایران در اوایل سال ۱۳۴۹ دوره جدیدی از فعالیت های حزب پان ایرانیست و ارتباط آن با حاکمیت و دولت آغاز شد. در فصل آتی این کتاب در این باره سخن به میان خواهد آمد.

## افکار نژادپرستانه

طی نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ باز هم رهبران، کارگردانان و مسئولان حزب پان ایرانیست در دفاع از شعارها و تبلیغات ناسیونالیستی و پان ایرانیستی افراطی خود پایدار ماندند. در این دیدگاه های ایران گرایی حزب پان ایرانیست رگه هایی از افکار نژادپرستانه هم به چشم می خورد. چنانکه یک بار محمدرضا عاملی تهرانی در هفدهم دی ماه ۱۳۴۶ طی کنفرانسی در بوکان (کردستان) گفته بود:

به نام پاینـد گی ایران بزرگ، با دوسـتان و یاران طریقت ایزدی پان ایرانیست و مردان برومنـد کرد، سـلام ها و درودهای همه ایرانی من که از خلاـصه ترین ایـده ایرانی سرچشـمه می گیرد یکایـک شـما فرامی خـوانم. حزب پـان ایرانیست یعنی نماینـده آرمـان هـا و خواسـته هـای همه ملت ایران و شـاخه های فرهنگی و نژاد ایرانی. آنچه ما می گوییم خواست اکثریت ملت ایران است و برای همین هم هست که روز به روز صـفوف پان ایرانیست متشـکل تر و فشـرده تر می گردد و افراد مؤمن ایمان دار به بزرگی و سـروری ایران زمین به دور حزب پـان ایرانیست گرد می آینـد و درفش بزرگی طلب آن را در میـان بـازوان نیرومند خود قرار می دهند. امروز در سرتاسر نوار

مرزی کـه بیشـتر آنهـا نوارهـای مرزی و کـذائی و پوشـالی متحملی [تحمیلی] بر ملـت ایران اسـت حزب پـان ایرانیسـت دارای تشـکیلات وسیعی است و حتی در سرزمین های دور از مرز ایران زمین چون ده ها ایالت آمریکا و کشورهای انگلستان. آلمان غربی. اتریش و غیره دانشـجویان پان ایرانیست مبارزه می کننـد و برای ایران و شاهنشاهی ایران زمین و نژاد برتر و والاتر آرین تلاش می نمایند... .(۱)

در شـشم اسفند ماه ۱۳۴۶ هم تعـدادی از اعضـا و مسـئولان حزب پـان ایرانیست در جلسه رهبران نیروهـای مختلف حزب پـان ایرانیست مدعی شده بودند:

سرور مرواریـد راجع بـه قسـمتی از افکـار ناسـیونالیسم [ناخوانـا] گفت ناسـیونالیسم بایـد این مملکت را که ۲۵۰۰ سـال سابقه تـاریخی دارد از ورطه نیستی نجات داده و کشوری نمونه با افکاری نمونه و شخصـیت هایی نمونه به وجود آورد. ناسیونالیسـم خواستار برگشتن و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برگردانیدن کشور افغانستان که تا چندی قبل جزو خاک ایران ما بوده می باشد. افغانستان بایستی یکی از استان های ایران شود. ما باید به زودی نیرویی در خود و در افراد وابسته به خود به وجود

آوریم که افغانستان را به خاک ما بازگرداند. اگر زمانی دولت و رهبر مملکت خواب بودند و افغانستان را از دست دادیم ما باید از خواب بیدار شویم و دیگران را بیدار کنیم و افغانستان را به خاک خود بازگردانیم. وی افزود در افغانستان ما باید نیروهایی به وجود آوریم، شبیه پارتیزان که همیشه آماده فداکاری و همکاری با حزب پان ایرانیست باشند. نباید بگذاریم سیاست های خارجی در مملکت ما رخنه نموده و تمام مقامات عالیه مملکت را تسخیر کنند. بعد سرور باتمانقلیچ در مورد بحرین و شیخ نشین های خلیج فارس بیاناتی ایراد نمود و اظهار داشت باید در نیروهای جوان و محصلین و روشنفکران آینده مملکت این ایمان را به وجود آوریم که تمام مراحل خلیج فارس و شبه جزیره و جزیره هایش مال ماست. این وظیفه هر فرد پان ایرانیست و ناسیونالیست می باشد که از حق سایر برادران ایرانی خود دفاع کند. اگر مملکت لیاقت دفاع را ندارد حزبی ها بایستی لیاقت داشته باشند.

در آخر جلسه سرور شهنازی پور رهبر حزب مژده ای را به رهبران دیگر داد و آن این بود که عراق و قسمتی از مملکت عراق هم

بایستی جزو ایران بشود و گفت اصولاً ـ عراق یعنی ایران و بایستی ما در مدت زمان کوتاه چنان نیرویی در ایران و عراق پیدا کنیم و مجهز شویم بجنگیم و عراق را استان پانزدهم این مملکت نماییم.(۱)

در این میان ساواک مراقب بود مباحث و دیدگاه های ناسیونالیستی حزب پان ایرانیست احیاناً سیاست های شاه را مورد انتقاد مستقیم یا حتی تلویحی قرار ندهد. به ویژه اینکه اخباری وجود داشت که نشان می داد، برخلاف رهبران و کارگردانان درجه اول حزب پان ایرانیست در میان اعضای عادی حزب انتقادات پیدا و پنهانی از سیاست های استبدادگرایانه شاه و حاکمیت صورت می گرفت. ساواک گزارش هایی از طرح انتقاد از رژیم پهلوی و حاکمیت در خلال مباحث مربوط به ایرانگرایی و پان ایرانیسم اعضای میانی و عادی حزب پان ایرانیست در برخی از جلسات حزبی به دست آورده بود. چنانکه فردی به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نـام مروارید از اعضـای حزب پان ایرانیست در اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ ضـمن مباحث مربوط به ناسیونالیسم و پان ایرانیسم، نابهنجاری حاکم بر نظام سیاسی کشور را مطرح ساخته بود:

پـان ایرانیسم یعنی ایرانی بزرگ، نیرومنـد و توانـا و دو هـدف داریم ۱- برنـامه انفرادی شامل این مواد: الف. ایرانی تندرست زاییده شود. ب. خوشبخت و سرافراز زندگی کند. پ. رستگار در سینه تاریخ جای گیرد. ۲. برنـامه اجتماعی شامل این مواد (الف – آرمان ملی برای پایان دادن به پراکندگی سرزمین و نژاد ایرانی، ب – احتیاجات اجتماعی برای

حـاکم کردن عـدالت اجتمـاعی جهت فراهم آوردن محیـط زنـدگی سـالم و کامـل). مرواریـد افزود بـایستی به همت نیروهای متشکله خود حکومت عـدالت را در ایران مستقر نماییم و حق و حقیقت را جانشین بی عدالتی های این کشور کنیم. بنابراین هدف ما به دو مورد برنامه اجتماعی بستگی دارد.

مرواریـد اضافه نمود در حکومت مشروطه ما خیلی نواقص وجود دارد و بی عـدالتی می شود و متأسفانه ما نمی توانیم یکباره هدف اصلی خود را که ریشه کن کردن این وضع ناهنجار است به گوش مردم برسانیم چون آن وقت سر و کارمان با سازمان امنیت است. جواد طلافروش سؤال کرد چگونه ممکن است در تشکیلات حکومت تغییر داد و به قول شـما حـاکم را عـادل کرد؟ سـرور مرواریـد گفت که مـا اول افکـار مردم را پرورش می دهیم، اطرافیـان را روشن می کنیم و بعـد که میل اجتماع به سوی عـدالت رهنمون شد خواه ناخواه حاکم هم به سوی ما می آید(بعد آهسته گفت مقصود از حاکم شاه است) چون ناچار است. و برای روشن شـدن مطلب و درک بهتر آن مثال زد که اگر گله گوسفندی به سویی برود چوپـان بـایستی در پی گله باشد نه گله در پی چوپان و

نبایستی ملت فرمانبردار شاه باشد بلکه بایستی شاه فرمانبردار ملت باشد و خواسته های آنها را انجام دهد.

نظریه منبع – ندارد.

نظریه رهبر عملیـات – دربـاره تهیه بیوگرافی و سوابق مرواریـد اقـدام و متعاقباً تقـدیم می شود اعمال و رفتار وی وسیله منابع تحت کنترل است.

نظریه رئیس بخش امنیت داخلی – مرواریـد به نظر می رسـد دارای افکار تنـدی است و با استفاده از موقعیت و توجه به اینکه تشکیل جلسات حزب پان ایرانیست آزاد و مورد توجه

دولت است در این جلسات سایر اعضا را غیرمستقیم علیه دولت و دستگاه تبلیغ می کند و شاید این طرح در تمام شهرستان ها و در تمام شعب حزب پان ایرانیست به وسیله گروه و یا دسته مخصوصی اجرا و صورت می گیرد.(۱)

با این حال طرح مسائلی از این دست در حزب پان ایرانیست بسیار نادر اتفاق می افتاد و رهبران حزب آشکارا اظهار می داشتند «حزب ما مخالف آزادی افراطی است» و هیچ گاه پنهان هم نمی کردند که شخص شاه را بیش از هر کس دیگری مظهر و مدافع دیدگاه های پان ایرانیستی و علایق ناسیونالیستی خود می دانند.(۲)

به دلیل همین تناقضات موجود در گفتار و رفتار سیاسی و فکری رهبران حزب

پان ایرانیست درباره ایده های ناسیونالیستی بود که گروهی از حتی نزدیکان به دولت و حاکمیت به آنان کنایه می زدند که «بیایند فعلاً از مرزهای کنونی ایران دفاع نمایند». پان ایرانیست ها که تقریباً هیچ گاه در عرصه عمل اعتنایی به نظام مشروطه حکومت و دستاوردهای آن نشان نداده بودند، پیشگامان انقلاب مشروطیت را پان ایرانیست واقعی قلمداد کرده و به پیروی از سخنان و اظهارات خلاف قاعده شاه تصریح می کردند نظام واقعی مشروطیت فقط پس از به اصطلاح انقلاب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ کشور استقرار پیدا کرد. اسماعیل فریور از اعضای گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست در مجلس شورا (دوره بیست و دوم) یک بار در بیست و نهم مرداد ماه ۱۳۴۸ در مراسمی که به مناسبت بزرگداشت کودتای ۲۸ مرداد برگزار شده بود، در این باره مدعی شد:

در جشنی که روز عید مشروطیت از طرف مردم برپا شده بود شرکت کردم. عده ای از من خواستند که صحبت کنم و من در مورد مشروطیت سخنرانی کردم و گفتم درست است که در آن زمان مشروطیت برقرار شد و آن زمان هم در حقیقت همین پان ایرانیست ها بودند که مشروطیت را به وجود آوردند ولی عده دیگری از وطن فروشان به کار آمدند و از آن روز تا به حال تا روز ششم بهمن مشروطیتی که مشروطیت باشد نبود. عده ای خارجی نقشه طرح می کردند و ایادی آنها طبق طرح عمل می کرد. ما می توانیم بگوییم از ششم بهمن به این



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

طرف مشروطیت داشته ایم به استثنای عده ای که هنوز نتوانسته اند آن طور که باید

عمل کنند.(۱)

از جمله مسائلی که پان ایرانیست ها را آزار می داد بهره گیری حکومت از توده ای ها و دیگر گروه های چپ نادم در بخش های مختلف مدیریتی، اداری، سیاسی و غیره بود که گاه برخی از آنان در مقامات مهم و کلیدی به کار گرفته می شدند. پان ایرانیست ها که خود را پرچمدار مبارزه با حزب توده و کمونیست ها می دانستند، اینک که شاهد برکشیده شدن برخی از همان چهره های سابقاً توده ای و کمونیست از سوی حاکمیت بودند، هشدار می دادند، این به اصطلاح جهان وطنان با نفوذ روزافزون در حاکمیت و کشور افکار وطن پرستانه را مخدوش خواهند کرد. چنانکه یک بار مهدی صفارپور مسئول حزب پان ایرانیست در اهواز در سوم مهر ۱۳۴۸ در این باره چنین هشدار داد:

اخیراً برخی صحبت هایی بین پاره ای از دانشجویان دانشگاه جندی شاپور شنیده که تا دیروز از آنها چنین حرف هایی نمی شنیده و این موضوع ممکن است حاکی از این باشد که آنها تحت تأثیر کتاب یا افرادی قرار گرفته اند. از جمله پاکباز دانشجوی عضو حزب می گفت من اشتباه کردم وارد حزب پان ایرانیست شدم، چون حسین عطران خیلی به من اصرار کرد عضویت حزب را پذیرفتم. مرز و ملت معنی و مفهومی ندارد و همه با هم برادریم و از این قبیل افکار جهان وطنی که متعلق به کمونیست ها است و او دیگر خود را پان ایرانیست نمی داند. همین طور در دانشکده کشاورزی اهواز دانشجویی است به

نام گل ختمی که افکار چپی دارد. صفارپور گفته وجود چنین افرادی برای من معما شده به خصوص آنکه از طرف دولت و دستگاه حمایت می شوند مثلاً در همین وزارت اطلاعات نصف کارکنانش صلاحیت اخلاقی و سیاسی ندارند. برای نمونه آقای مهدی قاسمی مفسر سیاسی معروف رادیو ایران آیا می دانید این شخص در گذشته چه کاره بوده است؟ یک کمونیست تمام عیار و صدآتشه. مهدی قاسمی کسی است که از طرف حزب توده محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست را با چاقو مجروح نموده و جای زخم او هنوز روی کتف پزشکپور باقی است. این آقا با این سابقه کثیف و ننگین حالا مفسر رادیو ایران است. فرد دیگری که گرداننده



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

افکار سیاسی مردم در دانشگاه جندی شاپور است شخصی است به نام تاجداری، همان کسی که قبلًا در شهرستان رامهرمز کمونیست ها زیر بالش داشتند و همان ها او را به دانشگاه آوردند. در مجلس شورای ملی نیز کسانی از حزب ایران نوین و از همین اهواز به مجلس رفته اند که سابقه کمونیستی آنها را حتی خواجه حافظ شیرازی هم می داند. حالا چرا این طور است و پاداش خیانت می دهند معلوم نیست. به عقیده من این کارها خیانت به مردم و

مملکت است. ناطق در حالی که به شدت عصبانی بود افزوده دولت یا باید به این عناصر شناخته شده علناً اجازه فعالیت دهد و یا اینکه آنها را منکوب کند و از بین ببرد. این درست است که باید به آنها فرصت داد تا اصلاح شوند ولی نه اینکه آنها را وزیر و وکیل و مفسر رادیو کرد و اجازه داد سمپاشی کنند و در صورت به دست آوردن فرصت مجدداً فیلشان یاد هندوستان کند.(۱)

پان ایرانیست ها ضمن اینکه از سیاست های ضدعربی شاه و عدم پیوند قابل توجه او با کشورهای اسلامی خوشحال بودند، مستقیم و غیرمستقیم از علایق خود برای گسترش روابط همه جانبه ایران با دیگر کشورهای به اصطلاح آریایی نژاد منطقه (هند، پاکستان و افغانستان) سخن به میان آورده و تلویحی از سیاست نزدیکی شاه به دولت اسرائیل دفاع می کردند. پان ایرانیست ها ارتباط و همکاری حکومت ایران با کشورها و دولت های اسلامی و عربی را تا جایی تأیید می کردند که مانعی بر سر راه پان ایرانیسم و ناسیونالیسم ایرانی ایجاد نکند و البته باور داشتند که شخص شاه بیش از هر کس دیگری مقاصد پان ایرانیستی آنان را برآورده می کند. ساواک در هفدهم مهر ماه ۱۳۴۸ در این باره چنین گزارش کرده است:

در ساعت ۳۰/۰۹ روز جمعه ۱۱/۷/۴۸ جلسه نیروی کارمندی حزب پان ایرانیست اهواز با شرکت چند تن از اعضا، از جمله غلامحسین آصف، عبدالکریم مذهب جعفری، محمود سلیمانی و محمد جهانگیر در محل

دفتر حزب تشکیل بوده است. در این جلسه شعار حزبی «همکاری های بیشترین کشورهای آریایی آسیایی ایران. افغانستان. پاکستان و هندوستان ضامن عدم تجاوز چین و تازیان است» مورد بحث قرار گرفته و بدواً عبدالکریم

ص:۱۶۲

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مذهب جعفری اظهار داشته چهار کشور آسیایی فوق باید همکاری های بیشتر و وسیع تری با یکدیگر داشته باشند تا در آینده اگر چین از شرق و تازیان از غرب به ما حمله کردند بتوانیم در برابر آنها مقاومت و نابودشان کنیم. محمود سلیمانی نیز اظهارات مذهب جعفری را تأیید کرده و سپس غلامحسین آصف اظهار نموده نکته مهم در این شعار همبستگی و وحدت و تشریک مساعی بیشتر این چهار کشور آریایی آسیایی با یکدیگر و ارتباط آن با مسئله روز یعنی کنفرانس سران ممالک اسلامی است. به عقیده او همان طوری که در مکتب بنیاد پان ایرانیسم صراحتاً قید شده پان اسلامیسم همیشه یک بهانه و وسیله در دست دشمنان ملت ایران بوده و ما اگر با اعراب تحت لوای اسلام همکاری کنیم هیچ فایده ای نمی بریم بلکه آنها از ما سود خواهند برد. مثلاً ما تعهداتی به نفع اعراب و به زیان اسرائیل قبول خواهیم کرد در حالی که

آنها نه فقط هیچ تعهدی به سود ما قبول نخواهندکرد بلکه در گفتن کلمه خلیج عربی دیگر تردید هم به خود راه نخواهند داد. همین اردن، عربستان و کویت که دم از دوستی با ما می زنند پس چرا با حاکم غاصب بحرین روابط صمیمانه دارند؟ بنابراین چه نتیجه و نفعی خواهد داشت که ما اصولاً با اعراب وارد مذاکره شویم و قول و قرارهایی بگذاریم. مگر ما با عراق قبلاً هم پیمان نبودیم ولی حتی همان نوری السعید هم حقوق ما را در اروندرود زیر پا می گذاشت و چون دوست غربی ها بود استعمار جانب او را می گرفت. حالا ـ هم همین طور است ما از گذشته تجربه داریم که همکاری ما با اعراب و این طور تعهدات به نفع ما نیست. در پایان جلسه مزبور محمد جهانگیر صحبت کرده و اظهار داشت [ناخوانا] همکاری بیشتر چهار کشور آسیایی افغانستان، پاکستان و هند به وسیله سیاست مستقل ملی ایران که از جانب رهبر خردمند ایران آریامهر بزرگ اعلام گردیده اجرا شده و می شود و حتی معظم له برای تحقق این هدف جهت رفع اختلاف پاکستان و افغانستان شخصاً کوشش هایی فرمودند. در هند پالایشگاه تأسیس کردیم، با پاکستان روابط نزدیک و

دوستانی داریم و با افغانستان نیز تلاش می کنیم روابط صمیمانه ای داشته باشیم و اما در مورد کنفرانس اسلامی رباط باید گفته شود در این کنفرانس ابتکار عمل و برنامه و طرح ریزی مستقیماً به دست شاهنشاه آریامهر بود و به طور کلی این کنفرانس وسیله ای بود که ایران بتواند به هدف های خود توسط آن تحقق بخشد و مقام والای خویش را در صدر ممالک اسلامی تثبیت نماید. بنابراین کنفرانس اسلامی

رباط با پان اسلامیسم کذائی فرق دارد.(۱)

پان ایرانیست ها پنهان نمی کردند که در راستای تحقق اهداف پان ایرانیستی، ناسیونالیسم و ایران گرایی نژادی - سرزمینی آنان، دین و مذهب و از جمله دین اسلام جایگاه قابل اعتنایی ندارد و مذهب تشیع را نیز اساساً در راستای همان اهداف ناسیونالیستی خود مورد ارزیابی و پذیرش قرار می دادند. حسین تجدد از اعضای برجسته حزب پان ایرانیست یک بار در چهاردهم خرداد ماه ۱۳۴۷ گفته بود «در حزب پان ایرانیست مسئله ادیان مطرح نیست. شعار ما حفظ آب و خاک ایران و کوتاه کردن دست اجانب است و همین موضوع جهت تبلیغ کافی است و احتیاجی به آن ندارد که از راه حربه دین به نفع حزب تبلیغ کنیم. اشخاص در انتخاب دین و مذهب مختارند». محسن پزشکپور هم یک بار در بیست و یکم شهریور ماه ۱۳۴۸ گفته بود:

پان اسلامیسم که بدین وسیله می خواهند بر ما حکومت کنند، زمانی انگلیسی ها قصد از بین بردن استقلال این مملکت را داشتند لذا جمال الدین افغانی را علم کردند تا

مسئله اتحاد اسلامی را مطرح کند. پادشاهان عثمانی هم به نام اسلام حکومت می کردند و خود را خلیفه می خواندند. در شرایط فعلی هم بعضی آخوندها می گویند ما ملت اسلام هستیم. ملت اسلام چه معنی می دهد؟ مفهوم ملت اسلام چیست؟ آیا اگر یک نفر انگلیسی مسلمان شد بر یک نفر ایرانی مثلاً زردشتی از نظر آن آخوند ارجحیت دارد؟ این صحیح نیست. ما ایرانی بودن را ملاک قرار می دهیم نه دین را زیرا دین تغییر ملت [ملیت] نمی دهد.(۲)

پان ایرانیست ها در راستای عقاید ناسیونالیستی و ملی گرایی خود با پدیده هایی مانند فراماسونری و فعالیت باشگاه های لاینز و لاتاری مخالفت می کردند و بر این باور بودند جمعیت هایی از این دست افکار و عقاید غیرملی و جهان وطنانه را تبلیغ و ترویج می کنند و به تبع آن کسانی که در این باشگاه ها و نیز لژهای فراماسونری عضویت می یابند علی القاعده نمی توانند گرایش ملی و ناسیونالیستی داشته باشند. بر همین اساس وقتی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

کتاب اسماعیل رائین با عنوان «فراموشخانه و فراماسونری در ایران» منتشر شد رهبر حزب پان ایرانیست با انتقاد از افراد پرشماری از ایرانیان که نامشان به عنوان ماسون ذکر شده بود، اظهار داشت «من افتخار می کنم که از اعضای حزب پان ایرانیست اسم هیچ کس در کتاب ذکر نشده است و این می رساند که ما پان ایرانیست ها میهن پرست هستیم».(۱)

فضل الله صدر قائم مقام دوم حزب پان ایرانیست هم گفته بود «حزب پان ایرانیست بر مبنای ایدئولوژی خود با فراماسونری که جنبه انترناسیونالیستی [بین المللی] دارد مخالف است».(۲)

در این میان نشریه ناسیونالیسم ارگان دانشجویی حزب پان ایرانیست در خارج از کشور به دنبال انتشار کتاب رائین، مطالبی در انتقاد از فراماسون های ایرانی چاپ و منتشر کرد که با مخالفت برخی رجال درجه اول دولت و حکومت و از جمله امیرعباس هویدا نخست وزیر روبه رو شد که به تلویح و غیرمستقیم به رهبران این حزب حالی کرد مخالفت آنان با فراماسونری و فراماسون های ایرانی به نوعی در تضاد با خواست ها و علایق شخص شاه صورت می گیرد، چرا که به اعتقاد هویدا «فعالیت فراماسونری در ایران با اجازه شاهنشاه آریامهر صورت» می گرفت.(۳)

انتشار کتاب رائین سوژه مناسبی در اختیار اعضای این حزب قرار داد تا هر از گاه مستقیم و غیرمستقیم هویدا و اعضای دولت او و البته بسیاری دیگر از رجال و دولتمردان کشور را مورد انتقاد و سرزنش قرار داده و نتیجه بگیرند که بی اعتنایی آنان به وظایف محوله در امور کشور از همان تفکرات جهان وطنانه و به اصطلاح ضدملی آنان نشأت می گیرد. پان ایرانیست ها عدم برخورد قاطع دولت هویدا با تعرضات مداوم دولت عراق نسبت به ایرانیان مقیم آن کشور و نظایر آن را نیز تا حدی ناشی از عضویت او و اعضای دولتش در لژهای فراماسونری می دانستند.(۴)

در هر حال در آن برهه، پان ایرانیست ها رفتار و عملکرد سیاسی گاه بسیار متضاد و



---

۱- اسناد فراماسونری در ایران، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲- عبدالله ریاضی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۳۱.

۳- عبدالله ریاضی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۳۱.

۴- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

متناقضـی از خود بروز می دادنـد و در حـالی که مخالفت خود را با افراد و محافل حامی و پیرو سـیاست آمریکا در ایران نشان می دادنـد، در موضع وابسـتگی و ارتباط های نزدیک شـخص شاه با غرب و آمریکا سـخنی به میان نمی آوردند و حتی اظهار امیدواری می کردند مداخلات آمریکاییان بتواند موقعیت حزب پان ایرانیست را در مجموعه حاکمیت ارتقا بخشد. ساواک در بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۴۸ از قول زرینه باف مسئول حزب پان ایرانیست در آذربایجان شرقی گزارش کرد:

نامبرده در یک ملاقات خصوصی اظهار نموده که [با] انتخاب ریچارد نیکسون به ریاست

جمهوری آمریکـا و مسافرت وی به ایران، در وضع فعلی دگرگونی کلی روی خواهـد داد و دولت مسـلماً عوض می شود و به علاوه نیکسون تمایل به چپ در ایران را به هیـچ وجه قبول نخواهـد کرد و ایران بایستی به طور قطع از کشورهای شـرق تماس خود را قطع نماید و یا اینکه در ردیف مخالفین و دشـمنان آمریکا قرار گیرد. مشارالیه سـپس اضافه نموده که آمریکا در ایران احتیاج به تقویت یک حزبی را خواهد داشت که با کمونیزم و دول شرقی مخالف باشد و چون حزب پان ایرانیست پیشقدم در موضوع بحرین بوده و اکثر سـرمقاله و مطـالب روزنـامه خـاک و خون مربوط به موضوع بحرین و بر علیه دولت های عربی می باشد احتمال دارد که این حزب تقویت شود و در ضمن جنگ سرد و مسابقه نیروهای جنگی شروع شود.

نظریه منبع – در این مورد نظری ندارم.

نظریه رهبر عملیات:

چون آقای زرینه باف اخیراً مسئولیت اداره حزب پان ایرانیست را در آذربایجان شرقی قبول کرده است لذا به هر وسیله ای که باشد به تقویت و روی کار آمدن حزب

مذکور به شدت علاقه نشان می دهد.(۱)

### حمایت های ساواک

اساساً تداوم فعالیت حزب پان ایرانیست در آن سال ها به دور از مراقبت و هدایت گری های



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پیدا و پنهان ساواک امکان پذیر نبود. به رغم آنکه ساواک واقف بود فعالیت حزب پان ایرانیست از چارچوب های تعیین شده و سیاست های کلی حاکمیت تجاوز نمی کند، با این حال اداره کل سوم آن سازمان اصرار داشت کلیه تحرکات آن به دقت تحت نظارت و هدایت قرار گیرد.

در تمام سال های دهه ۱۳۴۰ ساواک عملکرد و فعالیت های حزب پان ایرانیست و رفتار اعضای ریز و درشت آن را با دقت و جدیت مراقبت می کرد. در بیست و ششم بهمن ماه ۱۳۴۵ اداره کل سوم ساواک برای شیوه تنظیم پرونده های اعضای حزب پان ایرانیست و نیز عملکرد این حزب دستورالعمل اجرایی جدیدی صادر کرد که در آن چنین آمده بود:

با توجه به توسعه و گسترش روزافزون حزب پان ایرانیست طبعاً اعضای آن دائماً رو به تزاید است و با این ترتیب تنظیم پرونده شخصیتی جهت کلیه اعضا و متمایلین به این حزب در منطقه استحفاظی آن ساواک ضروری نبوده و از طرف دیگر جهت روشن بودن وضع اقدامات کلی و قدرت و امکانات و فعالیت های حزب مزبور در آن منطقه از لحاظ موضوعی نیز باید پرونده های مربوط به این حزب تفکیک شود. به این منظور جهت پرونده های شخصیتی و موضوعی طبقه بندی زیر تعیین می گردد.

الف – پرونده های شخصیتی.

تهیه پرونده انفرادی برای کلیه اعضای فعال، اعضای ساده و متمایلین این حزب ضرورت ندارد و منحصراً جهت اعضای کادر رهبری و افراد فعال رسمی حزب در آن منطقه پرونده انفرادی کامل شامل مشخصات، هویت، عکس، نشانی دقیق و سایر خصوصیات تنظیم و در مورد اعضای ساده و سمپاتیزان ها فعلاً تا رسیدن آنان به درجه فعالین و یا کادر رهبری سوابق مطروحه را جمع آوری و یا تکمیل این سوابق در پرونده موضوعی قدرت و امکانات حزب پان ایرانیست در منطقه (به این پرونده در بند ب اشاره شده است)، نگاهداری و برای ثبت اسامی و مشخصات کامل آنها فیش و یا دفتر راهنما در دایره مربوطه کافی بوده و تشکیل پرونده انفرادی و یا تهیه فیش در بایگانی قسمت لزومی نخواهد داشت و پس از آنکه فردی در ردیف فعالین درجه ۱ درآمد نسبت به تفکیک سوابق از پرونده موضوعی و تهیه پرونده شخصیتی او اقدام خواهد شد.

ب – پرونده های موضوعی.

به منظور روشن بودن وضع حزب مورد بحث در منطقه استحفاظی از نظر فعالیت، انتشارات و تبلیغات، قدرت و امکانات و

سازمان و تشکیلات تفکیک این موضوعات و تهیه پرونده های موضوعی در هر زمینه ضروری می باشد و به این منظور موضوعاتی که فعلاً ضروری می باشد به شرح زیر تعیین می گردد.

۱- پرونده کلی حزب پان ایرانیست منطقه یا پرونده مادر که شامل کلیه مدارک و سوابق مربوطه در آن منطقه و مکاتبات و دستورالعمل های کلی در مورد این حزب می باشد.

۲- پرونده سازمان که شامل مدارک و اسناد و احیاناً نمودارهای سازمانی و تشکیلاتی و تغییرات حاصله در آن در منطقه استحفاظی آن ساواک می باشد.

۳- پرونده فعالیت که مشتمل بر مدارک، اسناد و گزارشات مربوط به هر نوع فعالیت حزب مورد بحث در منطقه مربوطه خواهد بود.

۴- پرونده قدرت و امکانات که تشکیل می گردد از تعداد مجموع اعضا با تعیین درجات فعالیت و تأثیر در حزب و طبقات مختلف اجتماع و همچنین امکانات مالی آن.

۵- پرونده تبلیغات و انتشارات که عبارت خواهد بود از مدارک انتشاراتی و هر نوع گزارش و اطلاع و برگ تبلیغاتی این حزب

در آن منطقه.

خواهشمند است دستور فرمایید با آموزش لازم به مسئولین مربوطه بر اساس تقسیم بندی فوق نسبت به تنظیم و تفکیک پرونده های انفرادی و موضوعی اقدام ضمناً لیست کاملی از اعضای حزب پان ایرانیست حوزه استحفاظی آن ساواک را با تعیین نوع مسئولیت و درجه فعالیت تهیه و حداکثر تا ۱۵/۱۲/۴۵ ضمن اعلام نتیجه اقدامات فوق به این اداره کل ارسال نمایند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم(۱)

شواهد متقنی وجود داشت که نشان می داد، انتصاب و تداوم ریاست برخی اعضای حزب پان ایرانیست در پاره ای از مشاغل و پست های اداری در شهرهای مختلف در راستای تأمین خواست ها و سیاست های حاکمیت و با هدایت و پشتیبانی های پیدا و پنهان ساواک صورت عملی به خود می گرفت تا جایی که گاه تلاش های کارشکنانه مدیران ارشد دولت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برای برکنار ساختن یا به حاشیه راندن این مدیران پان ایرانیست با اصرار و فشارهای ساواک به جایی نمی رسید. بنابر گزارش های موجود حاکمیت با هدایت گری های ساواک برخی سیاست های تندروانه و احیاناً غیردینی خود را که گمان می رفت به دلیل گسترش مخالفت های عمومی، حتی مقامات نزدیک به دولت هویدا و حزب ایران نوین نیز نمی توانستند و یا نمی خواستند آن را انجام دهند، از طریق همین اعضای حزب پان ایرانیست که در مدیریت های گوناگون قرار گرفته بودند دنبال می کرد. از جمله این موارد حضور عباس منطقی از اعضای حزب پان ایرانیست در رأس آموزش و پرورش شهر قم بود که وقتی فشار مقامات برای برکناری او از این سمت افزایش یافت ناگزیر جهت

ابقای او به ساواک متشبث شدند. ساواک در پنجم اسفند ماه ۱۳۴۷ در این باره گزارش کرده بود:

عباس منطقی یکی از افراد حزب پان ایرانیست و ریاست اداره آموزش و پرورش شهرستان قم اظهار داشت چون مخالفین حزب پان ایرانیست از فعالیت های روزافزون حزب در شهرستان قم به هراس افتاده اند و ضمناً چون قرار است اقدامات دیگری نیز وسیله حزب در این شهرستان صورت گیرد بدین مناسبت ممکن است مرا از سمت ریاست اداره آموزش و پرورش این شهرستان برکنار کنند و در این مورد نیز مسئولین وزارت آموزش و پرورش با من تقریباً مذاکره نموده اند و من در این زمینه با محسن پزشکپور ملاقات و مذاکره نمودم.

نظریه منبع – منظور عباس منطقی از اقدامات دیگری وسیله حزب پان ایرانیست رفع حجاب از بانوان شهرستان قم می باشد که همسر نامبرده چندی قبل بیان داشته بود.

نظریه رهبر عملیات – اظهارات همسر عباس منطقی دائر بر رفع حجاب از بانوان هم قبلاً طی گزارش خبری به ۳۱۲ ایفاد گردیده

است – امجدیه(۱)

در ششم اسفند ماه ۱۳۴۷ ساواک نسبت به تصمیم مقامات وزارت آموزش و پرورش دایر بر عزل پرویز نجفیانی رئیس آموزش و پرورش شهرستان رودسر و عضو حزب پان ایرانیست هشدار داده بود. اخبار دیگری وجود داشت که حاکی از اعمال فشار آن وزارتخانه برای برکناری علیرضا فرهمند رئیس آموزش و پرورش شهر مهاباد و عضو



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حزب پان ایرانیست از مقام خود بود. در راستای جلوگیری از برکناری این افراد از مدیریت های مذکور رؤسای بخش ۳۱۲ و اداره یکم عملیات و بررسی (عطاپور و پرویز ثابتی) اداره کل سوم ساواک طی گزارشی که خطاب به ناصر مقدم مدیرکل این اداره نوشتند، هشدار دادند، این افراد با مقامات و مأموران محلی ساواک در ارتباط بوده و در انجام مقاصد و سیاست هایی که حاکمیت در آن مناطق دنبال می کند همکاری نزدیکی با آن سازمان دارند و بنابراین خواستار ابقای آنان در مشاغل مدیریتی مذکور شدند. در این گزارش که تاریخ سیزدهم اسفند ماه ۱۳۴۷ را بر پیشانی دارد چنین آمده است:

محترماً به استحضار می رساند.

تعداد معدودی از افراد فعال حزب پان ایرانیست در وزارت آموزش و پرورش نسبتاً سمت های قابل ملاحظه ای داشته و به منظور گسترش سازمان حزب مذکور و جلب افکار مردم نسبت به ایده های ناسیونالیستی آن تلاش محسوسی دارند لیکن در اثر تحریکاتی که به وسیله مخالفین آنها صورت گرفته، توسط مقامات وزارت مزبور یا از شغل خود برکنار و یا در حال انتقال از شهرهای مسکونی خود می باشند که وضعیت انتقال و برکناری سه

نفر آنها به شرح زیر به عرض می رسد.

۱- پرویز نجفیانی رئیس اداره آموزش و پرورش رودسر یکی از افراد فعال حزب پان ایرانیست بوده که برابر اطلاع واصله نامبرده به وسیله مقامات وزارت مذکور به منظور جلوگیری از توسعه فعالیت این حزب از سمت خود برکنار شده است.

۲- عباس منطقی رئیس اداره آموزش و پرورش و مسئول حزب پان ایرانیست قم یکی از افراد قدیمی و فعال حزب مزبور بوده که فعالیت ها و اقدامات مفیدی جهت توسعه سازمان مزبور و همچنین بیداری مردم قم و شرکت دادن زنان در امور اجتماعی به عمل آورده و اخیراً تحریکاتی علیه نامبرده از طرف روحانیون و سایر مخالفان مشارالیه صورت گرفته و مسئولین آموزش و پرورش در نظر دارند اقداماتی در مورد انتقال وی به عمل آورند که چگونگی از طریق اداره کل چهارم در مورد ممانعت از انتقال وی به وزارت فوق منعکس گردیده است.

۳- علیرضا فرهمند رئیس اداره آموزش و پرورش و سرپرست حزب پان ایرانیست مهاباد درباره گسترش سازمان این حزب تلاش محسوسی داشته و جهت جلب نظر فرهنگیان و

ص: ۱۷۰

طبقات مختلف شهرستان مزبور به نفع حزب

موصوف فعالیت قابل توجهی نموده و برابر اطلاع واصله کارشکنی هایی از طرف استاندار و سایر مخالفین این حزب علیه وی به عمل آمده که در اجرای اوامر صادره از طریق ساواک استان آذربایجان غربی توصیه های لازم در این زمینه به استاندار داده شده است.

نظریه:

با توجه به اینکه انتقال یا برکناری نامبردگان علاوه بر اینکه موجب رکود و عدم توسعه و گسترش سازمان حزب پان ایرانیست در شهرستان های مسکونی آنها می گردد، ادامه چنین مخالفت هایی از طرف مقامات وزارت آموزش و پرورش علیه عناصر فعال حزب مزبور سبب پراکندگی سایر افراد وابسته به آن را نیز فراهم خواهد آورد.

علیهذا مستدعی است اجازه فرمایند در صورت تصویب ضمن مذاکره با مسئولین وزارت آموزش و پرورش توصیه های لازم در این زمینه بشود که از انتقال و برکناری عناصر حزب پان ایرانیست بدون وجود دلایل منطقی و مستدل خودداری و در صورتی که افراد حزب پان ایرانیست مرتکب فعالیت های خلاف مصلحتی گردند علاوه بر دادن تذکرات مقتضی به آنان در مسیر صحیح راهنمایی

گردند. موکول به اوامر عالی است(۱)

ناصر مقدم به سرعت موافقت خود را با این خواسته اعلام کرده و طی نامه ای که در هفدهم اسفند ماه ۱۳۴۷ خطاب به اداره کل چهارم ساواک (عهده دار امور حفاظت و حراست از کلیه دوایر، سازمان ها، مؤسسات و وزارتخانه های دولتی و غیره) ارسال کرد، خواستار جلوگیری از عزل آنان از مدیریت های فوق شد. در این نامه مقدم چنین می خوانیم:

به قرار اطلاع واصله تعداد معدودی از افراد فعال حزب پان ایرانیست از جمله رؤسای آموزش و پرورش شهرستان های رودسر، قم و مهاباد که نسبتاً سمت های قابل ملاحظه ای دارند در اثر تحریکاتی که به وسیله مخالفین آنها صورت گرفته توسط مقامات وزارت آموزش و پرورش یا از شغل خود برکنار و یا در حال انتقال از شهرستان های مسکونی خود می باشند. با توجه به اینکه ابقای افراد مورد بحث در شغلهای خود مورد نظر این اداره کل



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

می باشد مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی اعلام، خواهشمند است دستور فرمایید ترتیبی اتخاذ گردد که ضمن مذاکره با مسئولین وزارت مزبور توصیه های لازم در این زمینه بشود که از انتقال و برکناری عناصر حزب پان ایرانیست بدون وجود دلایل منطقی و مستدل

خودداری و در صورتی که این افراد مرتکب فعالیت های خلاف مصلحتی گردند علاوه بر دادن تذکرات مقتضی به آنان، در مسیر صحیح راهنمایی شوند. ضمناً نتیجه اقدامات معموله را به این اداره کل اشعار دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم(۱)

کنگرلو مدیرکل اداره کل چهارم ساواک در بیست و پنجم اسفند ماه ۱۳۴۷ به شرح زیر به ناصر مقدم مدیرکل اداره سوم آن سازمان اطلاع داد:

عطف به شماره ۱۰۷۷۵۰/۳۱۲ - ۱۷/۱۲/۴۷

در مورد ابقای آقای عباس منطقی رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان قم قبلاً ـ اقدام و مراتب طی شماره های ۲۵۹۸۰/۴۲۱-۱۰/۹/۴۷ و ۳۵۵۶۲/۴۲۱-۶/۱۲/۴۷ به آن اداره کل اعلام گردید.

برابر اظهار مسئول حفاظت وزارتخانه مربوطه رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان رودسر قبل از وصول نامه معطوفی تعویض (یک هفته قبل) و در مورد ابقای رئیس اداره آموزش و پرورش شهرستان مهاباد نیز از طریق مسئول حفاظت اقدام گردید.

مدیرکل اداره چهارم - کنگرلو

در اواسط سال ۱۳۴۸ کارشناسان و تحلیل گران ساواک بر این باور بودند که با وجود

وفاداری و تبعیت سران، کارگردانان و اعضای حزب پان ایرانیست از رژیم پهلوی و شخص شاه، حزب باید با اقدامات احتیاطی بیشتری تحت مراقبت و نظارت قرار بگیرد و دیدگاه های چندگانه ای را که در دستگاه رهبری و کارگردانی این حزب نسبت به رژیم پهلوی و شخص شاه وجود دارد، باید بیش از پیش مورد مداقّه قرار داد. در این باره یکی از مأموران ساواک با اسم رمز منبع ۷۷۹، در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۴۸ گزارشی تهیه کرد که نشان می داد ظاهراً در میان اعضای حزب پان ایرانیست نگرش یکدست و هماهنگی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نسبت به رژیم پهلوی و شخص شاه وجود ندارد. در این گزارش جالب توجه چنین می خوانیم:

رونوشت گزارش خبر ۳۰۱۴۳/۲۰ ه ۲- ۱۵/۶/۴۸

منبع — ۷۷۹

موضوع: نظریه حزب پان ایرانیست در مورد شاهنشاه آریامهر و شاهنشاهی ایران

عطف ۳۲۸۰/۳۱۲ — ۱۸/۴/۴۸

به نظر مسئولین حزب پان ایرانیست نظام شاهنشاهی ایران یک سلسله نظاماتی است که از زمان شاهنشاهی هخامنشی تاکنون ادامه داشته و با خود فرهنگ و تمدن و سایر تجلیات عالی انسانی را به ارمغان آورده و کشور کهنسال ایران را تاکنون برقرار داشته است و شخص شاهنشاه نیز مظهر و تجلیگاه این جلوه پرشکوه می باشد و از اینکه در تظاهرات و شعارهای حزبی اعلام می شود که حزب پان ایرانیست پاسدار نظام شکوهمند شاهنشاهی ایران است منظور این سلسله نظامات است. درباره شاهنشاه آریامهر تقریباً در حزب دو دسته افراد

وجود دارند؛ دسته اول افرادی که با رژیم کنونی تقریباً مخالف بوده ولی به جهات مبارزات و خط مشی حزبی و سیاست روز حزب مخالفت خود را رسماً ابراز نمی نمایند و موافقت خود را نیز صد در صد اعلام نمی دارند که این دسته اکثراً افراد قدیمی حزب محسوب می شوند. دسته دوم افرادی که با رژیم کنونی موافق بوده و شاهنشاه ایران را سمبل مبارزات ناسیونالیستی ملت ایران می دانند و اقدامات و اصلاحاتی که در کشور صورت می گیرد تحت توجهات شخص شاهنشاه آریامهر می دانند و در تمام موارد پشتیبانی خود را نیز اعلام می دارند. ولی اصولاً حزب پان ایرانیست خود را پاسدار نظام شاهنشاهی ایران می داند و نظام شاهنشاهی ایران را با شاهنشاه آریامهر جداگانه می دانند و اگر مخالفتی ابراز نمی دارند از ترس بوده چنانچه در حوادث روزهای تیره قبل از ۲۸ مرداد ۳۲ به مناسبت حوادث شوم آن روزها از طرف حزب پان ایرانیست شماره مخصوص روزنامه ندای پان ایرانیسم در یک صفحه انتشار یافت و سرمقاله آن تحت عنوان (دربار پهلوی روی دربار قاجار را سپید کرد) منتشر شد و در آن شماره روزنامه فوق العاده حملات

شدیدی به مقام شامخ سلطنت و خاندان سلطنتی گردیده بود و شماره روزنامه فوق تقریباً آخرین شماره روزنامه ای بود که از طرف حزب تا قبل از انتشار روزنامه خاک و خون منتشر گردید و ضمناً در برخی از اعلامیه ها و نشریات سری حزب که بعد از ۲۸ مرداد نیز منتشر گردید با

حکومت های وقت مخالفت گردیده بود و حملات شدیدی در این مورد می کردند و اصولاً بعضی از افراد قدیمی حزب با شرکت حزب در انتخابات گذشته مجلس شورای ملی و معرفی کاندیداهای حزب و خط مشی فعلی آن چندان موافق نبوده (مخصوصاً اکثر دانشجویان مقیم اروپا) و شرکت در انتخابات را همکاری با دستگاه های حاکمه دانسته و با آن مخالف بودند چنانکه بعد از اعلام نتیجه انتخابات از تماس و فعالیت تشکیلات شهرستان قزوین با حزب و دفتر مرکزی کاسته شد تا به امروز که اصولاً تشکیلات شهرستان مزبور تقریباً فعالیتی ندارد. در ضمن در تظاهرات حزبی اکثر اوقات در موقع اعلام نام شاهنشاه آریامهر برخی از افراد حزبی ابراز می نمایند و دکتر هوشنگ طالع و بعضی از افراد قدیمی حزب به طور خصوصی بارها اعلام داشته اند که در صورت پیروزی حزب

در به دست آوردن حکومت کشور محسن پزشکپور به مقام صدراعظمی ایران خواهد رسید و شاهنشاه ایران فقط به مسائل تشریفاتی و مسائل مربوط به شاهنشاهی ایران رسیدگی خواهند فرمود و حکومت حزبی پان ایرانیست ها برنامه های ملی و ناسیونالیستی خود را طرح و اجرا خواهد نمود.

نظریه منبع – در اکثر سخنرانی های محسن پزشکپور و دیگر رهبران حزبی مشاهده می گردد که بیشتر اوقات درباره شاهنشاهی ایران و نقش خلاق و سازنده آن در کشور سخن گفته و افراد حزبی نیز نسبت به آن ابراز احساسات می نمایند و شاهنشاهی ایران را با شاهنشاهی آریامهر جداگانه می دانند.

نظریه رهبر عملیات:

۱- مفاد خبر نتیجه تحقیقاتی است که در مورد نامه شماره معطوفی از منبع به عمل آمده.

۲- با توجه به دسترسی منبع به هدف به صحت اظهارات مشارالیه می توان اعتماد نمود.

نظریه ۲۰ ه ۲- نظریه رهبر عملیات مورد

تأیید می باشد.(۱)

مدیرکل اداره سوم ساواک که با دریافت این گزارش نسبت به اصل قضیه و مجموع عملکرد و موضع گیری های رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست حساسیت توأم با نگرانی پیدا کرده بود، در نوزدهم شهریور ماه ۱۳۴۸ و طی نامه ای که به شرح زیر برای

ص:۱۷۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساواک تهران ارسال کرد، خواستار تحقیق جدی پیرامون محتوای گزارش منبع ۷۷۹ مذکور شد:

رونوشت نامه شماره ۳۷۵۵/۳۱۲-۱۲/۶/۴۸

به ریاست ساواک تهران ۲۰ ه ۲

از اداره کل سوم

درباره نظریه حزب پان ایرانیست در مورد شاهنشاه آریامهر و شاهنشاهی ایران

عطف به ۳۰۱۴۳/۲۰ ه ۲ – ۱۵/۶/۴۸

خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به اهمیت مفاد گزارش خبری شماره معطوفی فوق موارد زیرین را تعیین و به این اداره کل اعلام دارند.

۱- ضمن دادن آموزش لازم به منبع ۷۷۹ از وی بخواهند عناصر مخالف در حزب پان ایرانیست را با نام و مشخصات و سمت حزبی معرفی نموده و تعیین نمایند کدام یک از سران حزب مذکور با این جناح موافق هستند.

۲- با تحقیق بیشتر از منابع روشن شود که آیا هموندان کنونی حزب دارای

ایده های جناح مخالف می باشند یا بین آنها هم در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد.

۳- به طور غیرمحسوس به وسیله منابع دیگر آن ساواک نیز در مورد صحت و سقم مفاد گزارش شماره فوق تحقیقات کامل تری صورت گیرد.

۴- روزنامه ای که منبع مذکور به آن اشاره نمود یک نسخه از آن را به منظور بررسی و بهره برداری تهیه و ارسال نمایند.

مدیرکل اداره سوم – مقدم

از طرف ثابتی(۱)

به دنبال این دستورالعمل، ساواک تهران در ششم آذر ماه ۱۳۴۸ مخالفان حکومت در حزب پان ایرانیست را به شرح زیر صورت بندی کرد:

افرادی که در حزب پان ایرانیست نظریات و تمایلات شخصی آنها در مورد سیستم حکومتی تقریباً مخالف بوده ولی به دلیل خط مشی روز حزب اظهار نظر صریحی ابراز

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نمی کنند به دو دسته تقسیم می گردند. گروه اول که مخالفت آنها بیشتر بوده و در صحبتهای خصوصی آنان می توان این موضوع را استنباط نمود به شرح زیر می باشند.

دکتر هوشنگ طالع – بهاءالدین هاتفی –

مهندس هوشنگ شهنواز – عبدالله قنبری – فضل الله امینی – حبیب الله قاسمی – پرویز قنائی که در حال حاضر در شهرستان خرمشهر مشغول به کار است.

گروه دوم افرادی هستند که مخالفت کمتری در این باره ابراز می دارند و عبارتند از: حسین خان مصدقی – هوشنگ دارابیان – ابراهیم میرانی – مجید سالمی – مجید ضامنی – محمدعلی معدلت – محمود امین صالحی – مهندس کشکولی و حسن سیدجوادی.

نظریه رهبر عملیات – ۱- مفاد خبر نتیجه تحقیقاتی است که در مورد افراد فوق الذکر از منبع به عمل آمده است.

۲- به صحت اظهارات منبع می توان اعتماد نمود.

نظریه ۲۰ ه ۲- نظریه رهبر عملیات مورد تأیید می باشد.(۱)

با این همه هیچ یک از افراد مذکور در این گزارش از سوی ساواک یا هیچ مرجع حکومتی دیگر تحت تعقیب و یا احیاناً مورد پرسش قرار نگرفتند و با مشکل خاصی مواجه نشدند و همان گونه که تحولات آتی نشان داد، همچنان در مسئولیت ها، مدیریت ها و موقعیت های حزبی و سیاسی پیشین فعالیت های خود را ادامه دادند.

## در برابر دولت هویدا

در طول سال های نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ پان ایرانیست ها بیش از پیش دولت هویدا را به

ناکارآمدی، فساد و عدم درک منویات شاه متهم کرده و تداوم آن را نافی مصالح و منافع ملی ارزیابی می کردند و هر از گاه مستقیم و غیرمستقیم مدعی می شدند، اگر در رأس دولت قرار گیرند و البته برآورده شدن این تصور واهی خود را نیز چندان دور از انتظار نمی پنداشتند، امور کشور را در مسیری مطلوب هدایت می کنند. چنانکه یکی از رهبران حزب پان ایرانیست در چهارم دی ماه ۱۳۴۶ مدعی شده بود:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

هدف اصلی ما این است که در آتیه دولت در دست ما باشد و ما باید در جشن هایی که مردم را دعوت می کنیم عقاید حزب را به آنـان بقبولاـنیم و می افزایـد دولت وقت مـدت پنـج سال است که در دست حزب ایران نوین است. چنانچه از هر یک از نمایندگان آنها سؤال شود پنج ایده و هدفتان را توضیح دهید به هیچ وجه نمی توانند در این باره توضیحی بدهند.(۱)

سـاواک سـخت مراقب بود انتقـادات و مخـالفت هـای حزب پـان ایرانیست با دولت هویـدا و عملکرد آن احیاناً چهره مجموعه حـاکمیت را در ذهن مخاطبان مخـدوش نساخته و در میان اقشار مختلف بر نارضایتی ها دامن نزده و باعث تحریک احساسات اقشاری مانند کارگران نشود. چنانکه این سازمان یک بار ضمن گزارش انتقادات اعضایی از این حزب از عملکرد سوء دولت، هشدار داد:

در تاریخ ۳/۳/۴۷ عـده ای در دفتر حزب حضور داشـته اند و یکی از اعضا به نام سـراج مشـغول نوشـتن شـعارهای حزبی بوده است. پس از اینکه عده ای از کارگران گمرک که از اعضای حزب می باشند حضور

پیـدا کردنـد روزنامه خاک و خون بین افراد حاضـر توزیع گردید. در سـرمقاله روزنامه مزبور مطالبی راجع به علیرضا رئیسـی، اولین شهید حزب پان ایرانیست درج گردیده بود که مورد توجه اعضای حاضر در جلسه قرار گرفته است. پس از مطالب دیگر قرار شـد اعضا در بعد از ظهر به منزل خرم مراجعه نمایند. در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر در حالی که عده ای از کارگران گمرک و کشتیرانی هـا و اعضـای حزب پـان ایرانیست در منزل خرم حضور یافته بودنـد جلسه با سـرود شاهنشاهی آغاز گردیـد و گله داری ضمن سخنان خود اظهار داشته ما از حقوق کارگران که توسط پیمانکاران غاصب و از خدا بی خبر غصب شده دفاع می کنیـم. پس از آن شـعری دربـاره بحریـن توسـط روشـن قیاسـی یکی دیگر از اعضـای حزب خوانـده شـد و بعـد از آن یکی از کارگران حاضـر در جلسه مطالبی درباره حزب پان ایرانیست و دفاع از حاکمیت ایران زمین بیان داشـته و سرانجام این جلسه با سخنرانی علی خرم (میزبان) به پایان رسـیده است. علی خرم در بیانات خود اشاره به انقلاب اداری نموده و یادآور شـده اسـت که ادارات و دستگاه های اداری هماهنگ نیستند. از طرفی وزیر دارایی دستور می دهد حقوق

کارگران از ۵۵ ریال به ۷۰ ریال ترقی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نماید در حالی که عملاً مشاهده می شود که ادارات دولتی خرمشـهر این دستور را اجرا نمی نمایند. سرانجام علی خرم خطاب به پیمانکاران اظهار داشته بالاخره کارگران به پیمانکاران غلبه خواهند کرد...

نظریه رهبر عملیات:

سخنرانی گله داری و علی خرم در این گونه مجامع و محافل کارگری بیشتر جنبه تحریک را دارد تا هـدایت و چاره جویی. به نظر می رسـد که مشارالیهم ندانسـته یا دانسـته سـعی می نمایند کارگران را علیه کارفرمایان و پیمانکاران مربوطه برانگیزند که این عمل به مصلحت نمی باشد.(۱)

در منـاطقی نظیر اسـتان های عشایری و قبیله نشـین غرب کشور که همواره فضای بالقوه آماده تری برای درگیری های قومی و قبیله ای وجود داشت ساواک به شـدت مراقب بود از پدیـد آمدن زمینه این گونه برخوردهای نامتعارف که در پوشـش رقابت هـای حزبی و سیاسـی بروز می کرد، جلوگیری کنـد. سـاواک یـاسوج در این باره گزارش هشداردهنـده ای به شـرح زیر تهیه کرده بود:

در تاریخ ۱۹/۴/۴۷ آقای عطاء طاهری، آقای یعقوب غفاری نماینـده حزب پان ایرانیست در یاسوج را ملاقات و درباره فعالیت حزب پان ایرانیست در

یاسوج و سی سـخت به وی اظهار می دارد چون در بویراحمد اختلافات شدید و عمیقی در گذشـته و حال بین طوایف وجود دارد همه مترصـد بهـانه می باشـند که اختلاـف خود را به صورت قـانونی جلوه داده و زیر لبـاس حزب به اغتشـاش و نـاراحتی یکـدیگر بپردازنـد. بنابراین به صـلاح شـما که فردی خـدمتگزار و مورد علاقه عده زیادی در محل هستید نمی باشد که با این حزب همکاری نموده و به نفع آن فعالیت کنید زیرا روش و تعلیمات حزب پان ایرانیست به نحوی است که روح عصیان را در افراد عشایر تقویت نموده و نارضایتی آنان را از دولت وقت و دسـتگاه اداری مملکت فراهم می نمایـد و به طوری که مشاهده می کنید بیشتر مبلغین حزب مذکور از جوانان عاصـی و متعصب که به هیچ وجه امنیت منطقه و مصالح مملکت را در نظر نمی گیرند انتخاب شده اند. در اثر مذاکرات مذکور آقای یعقوب غفاری تقبل می نماید که



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

به تدریج از حزب پان ایرانیست کناره گیری نموده و یا در صورت عدم کناره گیری به هیچ وجه تبلیغاتی به نفع حزب مذکور ننماید.

نامبردگان پس از مذاکرات مذکور به اتفاق چند نفر دیگر به کارخانه قند یاسوج رفته و آقای مهندس حسینی (رئیس

کارخانه) را ملاقات می نمایند. در این ملاقات آقای عطاء طاهری به آقای مهندس حسینی اظهار می کند چون کارخانه قند یاسوج منبع بزرگ اقتصادی در این منطقه است و اغلب افراد بومی در این کارخانه اشتغال به کار پیدا نموده اند بنابراین به صلاح است ترتیبی اتخاذ شود که از نفوذ دو حزب ایران نوین و پان ایرانیست در کارخانه ممانعت به عمل آید زیرا سودجویان در آتیه نمی توانند به نفع خود از این موضوع استفاده نمایند.

و اضافه می کند من باب مثال آقای بیژن منصوری و ولی پناهی برادران خود را که کارمند کارخانه هستند به حزب پان ایرانیست فرستاده اند که در آتیه بتوانند از نفوذ آنان به نفع خود بهره برداری نمایند. آقای مهندس حسینی نیز پاسخ می دهدکه به اوضاع واقف هستم و مراقبت های لازم را خواهم نمود.

نظریه منبع: منبع معتقد است چنانچه حزب پان ایرانیست فعالیت و نفوذ خود را در بویراحمد گسترش دهد ممکن است در آتیه اغتشاش و ناامنی ایجاد شود. به علاوه با تبلیغاتی که آنان به نفع حزب خود می نمایند بجز بدبینی مردم به دستگاه دولت نفع دیگری عاید مردم این منطقه

نخواهد شد.

نظریه رهبر عملیات:

آقای مهندس حسینی رئیس کمیته حزب ایران نوین در شهرستان یاسوج می باشد و سعی وافر دارد که بیشتر اعضای کارخانه عضویت حزب ایران نوین را تقبل نمایند و در نتیجه رقابتی بین دو حزب ایران نوین و پان ایرانیست به وجود خواهد آمد و با توجه به اظهارات مهندس عباس حسینی مبنی بر اینکه مردم یاسوج به تدریج می بایستی عضو حزب ایران نوین شوند و اینکه در اولین روزی که فعالیت حزب پان ایرانیست در یاسوج شروع شد با مخالفت اعضای حزب ایران نوین روبه رو گردید و در نتیجه تشنجی ایجاد شد که با وساطت مأمورین انتظامی رفع گردید لذا احتمال دارد که در آتیه تصادمی مابین افراد این دو حزب به وجود آید که این مطلب مؤید اظهار نظری است که طی شماره پیروی اعلام

گردیده است.(۱)

انتقادات و مخالفت های حزب پان ایرانیست با دولت هویدا و حزب ایران نوین در میان کارگران، کارمندان و دیگر اقشاری از مردم کشور صورت می گرفت که موضوع کار و معیشت آنان مستقیم و غیرمستقیم با دولت ارتباط پیدا می کرد.

پان ایرانیست ها البته خیلی زود دریافتند، برای در امان ماندن از تبعات موضع گیری های

ضددولتی خود در بخش های مختلف در لابه لای سخنان و اظهارات خود تمجید و تحسین از شاه و برنامه ها و سیاست های او در شئون مختلف را بگنجانند. چنانکه در سی ام شهریور ماه ۱۳۴۷ و در جریان یک گردهمایی حزبی در شهر یزد:

محمدحسین عبدلی در سخنرانی خود اظهار داشت من به نام یک ایرانی و بنا به عشق و علاقه ای که نسبت به این نیاخاک دارم بر خود واجب می دانم هماهنگ با دیگر رزمندگان پان ایرانیست در راه ثمر رساندن انقلاب سپید شاه و مردم کوشاه بوده و به ندای آزادی بخش رهبر خردمند ایران لبیک بگویم . ناطق در مورد سیاست مستقل ملی ایران، سپاهیان انقلاب و خدمات شایسته آنان در دهات دور افتاده و در خاتمه بی توجهی بعضی مقامات محلی نسبت به شهرستان یزد به تفصیل سخن گفت. نامبرده اظهار داشت در این موقع حساس که کلیه نیروهای ملی برای عمران و آبادی مملکت بسیج شده اند در این شهر قدیمی هنوز در بسیاری از محلات بزرگ آن حتی یک دبستان دخترانه وجود ندارد. هنوز در محلات پرجمعیت شهر حتی شعبه ای از بهداشت شبانه روزی نیست. رنگ اطفال ما و چهره کارگران محلات ما گویای این حقایق است. تقصیر کیست و چرا این چنین حق کشی کرده اند. اجتماعی بزرگ در یک گوشه شهر محروم از خیابان، از تفریح گاه

و بهداشت اما در یک گوشه دیگر شهر همه امکانات زندگی وجود دارد.(۲)

فرارسیدن برخی مناسبت های مورد عنایت رژیم پهلوی و شخص شاه فرصتی ایجاد می کرد تا رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست دامنه انتقادات خود از دولت هویدا و حزب ایران نوین را تا مدتی گسترش دهند. چنانکه حافظ کهوائی از مسئولان حزب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پان ایرانیست یک بار در سالگرد انقلاب سفید شاه در بهمن ماه ۱۳۴۷ چنین اظهار عقیده کرده بود:

تا به حال حزبی که دارای یک ایدئولوژی صحیح باشد وجود نداشته است... در اوایل حزب دموکرات قوام السلطنه به وجود آمد و همه وارد آن شدند، سپس حزب منحله توده – جبهه ملی – سومکا – ملیون – مردم تشکیل گردید تا اینکه پس از انقلاب بعضی از همان چهره هایی که در این احزاب شرکت داشتند به حزب ایران نوین پیوستند. بدیهی است که همین گروه چنانچه فردا حزب دیگری با شرایط بهتری تأسیس شود به آن حزب می گروند. این نشان می دهد که احزاب دارای ایدئولوژی صحیحی نبودند و افراد نیز اعتقادی به اصول آن حزب نداشتند. حزب یعنی سازمان اصلاحی جامعه. گروهی که باید دارای برنامه های اصلاحی باشند. تنها حزبی که طبق این اصول تأسیس گردیده و برنامه هایی برای خود

تهیه دیده و قصد اجرای آن را دارد حزب پان ایرانیست است.

آقای حافظ کهوائی ادامه می دهد در جریان صدور فرمان انقلاب از طرف رهبری انقلاب ماده ای نیز اضافه شد و آن انقلاب اداری بود. واقعاً معنی این ماده چه می باشد. ... معنی این ماده این بود که روح سازندگی ایجاد شود نه اینکه جای نیروها و پست ها عوض گردد. یعنی اول تخریب دوم سازندگی. البته منظور از تخریب کشتن و بستن نیست بلکه روح ناهماهنگی را طرد و روح سازندگی جانشین آن شود. بنابراین حزب پان ایرانیست معتقد است که هیچ یک از احزاب معنی واقعی انقلاب را درک نکرده اند و با این جو هیچ گاه نمی توانند آن طور که خواست انقلاب است انقلاب را پیروز نمایند ولی تنها حزب پان ایرانیست است که با شناخت ریشه تاریخ و اصول ناسیونالیسم می تواند مطابق خواست فرماندهی انقلاب و آن طور که انقلاب می خواهد عمل کند.(۱)

البته انتقادات و مخالف خوانی های حزب پان ایرانیست از سوی حزب اکثریت ایران نوین و نیز دولت و دوایر گوناگون دولتی بدون پاسخ نمی ماند، ضمن اینکه رئیس دولت از هر فرصتی برای تحقیر این حزب کوچک و رهبران آن فروگذار نمی کرد و معمولاً چنان رفتار

می کرد که گویی هیچ اعتنایی به این حزب ندارد. هم چنین مقامات سیاسی و اداری و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حزبی در شهرهای مختلف در تضعیف باز هم بیشتر موقعیت حزب پان ایرانیست می کوشیدند؛ از جمله:

صبح روز جمعه مورخه ۵/۱۰/۴۸ یعقوب غفاری در دفتر حزب پان ایرانیست شهرستان یاسوج با حضور آقایان جهرم فتحی – قلی رحیمی زاده – حسن حسینی – افضل مقیمی اظهار داشت به قرار اطلاع تیمسار حکیمیان (نماینده مجلس شورای ملی و دبیر حزب ایران نوین فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمد) نامه ای به عنوان یکی از دوستان خود در یاسوج ارسال داشته و در آن نامه به صراحت قید نموده چنانچه آموزگاران عشایر بویراحمدی از حزب پان ایرانیست استعفا نداده و حاضر به پذیرفتن حزب ایران نوین نگردند دستور خواهد داد که هر کدام از آنان را به مکان های دوردستی منتقل سازند و با این توضیح بهتر است آموزگاران مورد نظر حساب کار خود را کرده و دعوت حزب ایران نوین را که به خیر و صلاح آنان می باشد بپذیرند. یعقوب غفاری سپس اضافه نموده که تیمسار حکیمیان این نامه را گویا به سرهنگ بازنشسته امیدیان (فرماندار بویراحمد) نوشته است.

نظریه رهبر عملیات – نوشتن چنین نامه ای

از طرف تیمسار حکیمیان تا حدی بعید به نظر می رسد ولی برابر اطلاع سرهنگ بازنشسته امیدیان آنطور که باید و شاید است نظر موافقی با حزب پان ایرانیست نداشته و به طور غیرمستقیم و ضمنی از حزب ایران نوین طرفداری می نماید و بالطبع اتخاذ چنین روشی از طرف مشارالیه پان ایرانیست ها را نسبت به وی تا اندازه ای بدبین ساخته است.

نظریه رئیس ساواک – سرهنگ بازنشسته امیدیان فرماندار شهرستان بویراحمد بوده که ضمناً سمت رئیس کمیته حزب ایران نوین آن منطقه را عهده دار می باشد. نامبرده سعی دارد به منظور حفظ موقعیت خود فعالیت حزب ایران نوین را که به تازگی در آن منطقه شروع به کار نموده بیش از پیش جلوه دهد.(۱)

در حالی که همگان می دانستند نه شاه و نه دولت هیچ یک شأن و اعتباری قابل ذکر برای حزب پان ایرانیست قائل نیستند، این نکته آشکار بود که حاکمیت علاقه مند است از حضور و فعالیت این حزب به مثابه سوپاپ اطمینانی هر چند کم مقدار بهره بگیرد. به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

همین دلیـل شـخص شـاه بر حسب سـیاست همیشـگی علاـقه منـد بود دولت هویـدا و حزب ایران نوین گاه و بیگاه در معرض حملاـت و انتقـادات حزب پـان ایرانیست و احیانـاً دیگر رقبای بـدون حاکمیتش قرار بگیرنـد. اما در همان حال اجازه نمی داد حزب بی مقدار پان ایرانیست به دلیل انتقادات بدون پروایش از دولت و حزب اکثریت، احیاناً پر و بالی

گرفته و مورد اعتنای اقشاری از مردم کشور قرار گیرد.(۱)

## انتخابات انجمن های شهر

در سال ۱۳۴۷ حاکمیت مصـمم شد پس از سال ها وقفه، برای گزینش نمایندگان انجمن های شـهر در سراسر کشور انتخاباتی برگزار کنـد و اعلام شد که انتخابات با کارگردانی احزاب سیاسـی رسـمی صورت عملی به خود خواهد گرفت. البته شـرکت مسـتقل افراد در این انتخابـات هم به لحـاظ قـانونی و صوری منتفی نبود، امـا عملاًـ چنـانکه مرسوم و مطلوب حاکمیت بود جز آنانی که پیشاپیش مقرر می شد با توافق و هماهنگی رهبران احزاب مذکور با دولت هویدا راهی انجمن های شهرهای مختلف شوند، تلاش دیگران ره به جایی نمی برد. حزب پان ایرانیست که طی چندین سال فعالیت در راه اعتمادسازی گام های مهمی برداشـته بود، مجاز شد در انتخابات انجمن های شـهر شـرکت کرده و در برخی از شهرهای کشور نمایندگانی را راهی انجمن هـا بکنـد. از اواسط فروردین ۱۳۴۷ مسـئولان حزب پان ایرانیست در شـهرها و اسـتان های مختلف موظف شـده بودنـد اسامی کاندیـداهای حزب برای انتخابات انجمن های شـهر را برای دسـتگاه رهبری حزب در تهران ارسال کنند تا از میان افراد معرفی شده نفرات نهایی انتخاب شوند. در حالی که آگاهان به امور تردید نداشـتند که تا وقتی دولت اراده نکند، حزب ذره بینی پان ایرانیست حتی در شـهرهایی که مدعی داشـتن هواداران پرشماری است، نخواهد توانست نماینده ای را راهی انجمن های شهر بنمایـد. بـا این حال مسـئولان و رهبران این حزب طی کنفرانس ها، سـخنرانی ها و میتینگ های گاه و بیگاه خود در شـهرهای گوناگون که با انتقاد از عملکرد دولت و مقامات محلی همراه بود، از مردم کشور می خواستند با انتخاب کاندیداهای آن



---

۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۶، [چاپ جدید]، صص ۶۶۳-۶۶۲.

حزب به نابسامانی های موجود پایان دهند. با این حال اقبال عمومی از حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف بسیار اندک می نمود. چنانکه ساواک اهواز در این باره چنین گزارشی ارائه کرده بود:

روز جمعه ۱۶/۱/۴۷ کنفرانسی از طرف حزب

پان ایرانیست اهواز در منزل عبودی آموزگار فرهنگ و عضو حزب مذکور تشکیل بوده که حدود یکصد نفر از اعضا و طرفداران حزب و طبقات مختلف غیرحزبی به عنوان تماشاچی در آن شرکت داشته اند. در این کنفرانس که به منزله تلاش انتخاباتی حزب جهت شرکت در انتخابات انجمن شهر اهواز بوده است مهدی صفارپور مسئول حزب در اهواز و مهندس رضا کرمانی به ترتیب درباره صورت شرکت کلیه افراد و طبقات مختلف مردم در انتخابات انجمن شهر سخن گفته و اظهار داشته اند همان طوری که حزب پان ایرانیست در جریان انتخابات مجلس شورای ملی گفت انتخابات آزاد است، اکنون نیز تأکید می کند که انتخابات انجمن شهر آزاد است و مردم باید خود را آماده شرکت در این انتخابات کرده و به کاندیداهای حزب پان ایرانیست که بعداً تعیین و معرفی خواهند شد و دارای آرمان های ملی هستند رأی بدهند.

نظریه منبع – هدف از تشکیل کنفرانس مذکور ایجاد آمادگی در مردم و تشویق آنها به شرکت در انتخابات انجمن شهر است.

نظریه رهبر عملیات – ضمن تأیید نظریه منبع مبنی بر اینکه حزب مذکور به توفیق

خود در انتخابات انجمن شهر زیاد امیدوار نیست معهذا منظور گردانندگان اصلی این حزب از تشکیل و برگزاری چنین کنفرانس هایی بهره برداری تبلیغاتی به سود حزب است و با این ترتیب فرصت دیگری دست داده که حزب مزبور ضمن ابراز وجود مانوری در باره قدرت نفری و تشکیلاتی خود بنماید.

نظریه رئیس ۲۶ – نظریه رهبر عملیات تأیید می شود. ضمناً حزب مزبور برای بسط خود تلاش می کند بین توده های مختلف کارگر، کشاورز و معلم که متشکل می باشند رسوخ نماید ولی هنوز نفوذش به آن پایه نرسیده که بتواند نماینده در انجمن شهر داشته باشد.(۱)

در این میان گزارش هایی هم وجود داشت که نشان می داد، برخی از اعضای



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

فرصت طلب تر حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف، برای تضمین ورود خود به انجمن های شهر به سرعت با این حزب وداع گفته و به حزب آینده دارتر ایران نوین پیوسته اند. از جمله ساواک اصفهان در نوزدهم تیر ماه ۱۳۴۷ در این باره چنین گزارش کرده بود:

آقای غلامحسین عدالت که به عنوان مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست در تفت انتخاب شده بود اخیراً استعفا داد و مجدداً به حزب ایران نوین پیوست.

نظریه منبع: علت استعفای نامبرده از حزب پان ایرانیست و پیوستن مجدد او به حزب ایران نوین این است که حزب ایران نوین نامبرده را جزو کاندیداهای حزب در انجمن شهر معرفی و موفقیت او را تضمین نموده است.(۱)

با این احوال به مسئولان حزب در شهرهای مختلف که عموماً هم کاندیدای انتخابات انجمن ها بودند توصیه می شد «ولو آرای شما خوانده نشود باید در انتخابات شرکت کنید». این توصیه های رهبری حزب به مسئولان آن در شهرهای مختلف از آنجا نشأت می گرفت که اکثر اعضا و مسئولان حزب پان ایرانیست مأیوس از نتیجه انتخاباتی بودند که تحت سیطره دولت و حزب ایران نوین انجام می شد و در نتیجه از فعالیت تبلیغاتی خود بسیار کاسته بودند و رهبران حزب نگران بودند که مبادا عدم مشارکت فعال آنان در انتخابات، به تحریم انتخابات تعبیر شود و حاکمیت را به خشم آورد.(۲)

به ویژه سخت مراقبت می شد موضع گیری های حزب در جریان انتخابات موجبات رضایت خاطر شاه را فراهم آورد. در همین راستا بود که در تبلیغات انتخاباتی خود تصریح می کردند «کسانی باید در انجمن شهر انتخاب شوند که از همه لحاظ دارای صفات نیکو بوده و شاه دوستی و وطن پرستی آنان بر کسی پوشیده نباشد».

در حالی که حزب پان ایرانیست برای معرفی کاندیدا در بسیاری از شهرهای کشور حتی عضو کافی نداشت این باور نزد برخی مسئولان و رهبران حزب پان ایرانیست وجود داشت که ولو این حزب موفق نشود کاندیداهای خود را راهی انجمن های شهر بکند، برهه



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

رقـابت هـای انتخاباتی فرصت مطلوبی برای تبلیغ، شـناسایی و معرفی هر چه بیشتر حزب در میان مردم شـهرهای مختلف کشور فراهم کرده است. در چنین اوضاعی گاه و بیگاه کاندیداها و مسئولین حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف در هماهنگی با رهبر حزب

در تهران و گـاه بـا ابتکـار شخصـی تلاش می کردنـد برای مقـابله بـا حزب ایران نوین و کاهش فشارهای طرفـداران دولت با کاندیـداها و مسـئولان محلی حزب مردم ائتلاف کننـد. با این حال ایـده ائتلاف و همکاری با حزب مردم که در چند شـهر هم پیرامون آن مـذاکراتی صورت گرفته و توافقاتی حاصل شد، در تغییر فضای انتخابات تأثیری نداشت.(۱) خرید و فروش آرا به نفع حزب اکثریت در بسـیاری از شـهرها رواج داشت و مسـئولان، اعضـا، هواداران و کاندیـداهای حزب پان ایرانیست به طرق گوناگون تحت فشار مراجع دولتی و مقامات سیاسی و اداری محلی و وابستگان به حزب اکثریت ایران نوین بودند. ساواک در شهریور ۱۳۴۷ گزارش کرده بود:

۱- به قرار اطلاع رسیده در حوزه های انتخاباتی انجمن شهر خرید و فروش آرا به شدت رواج دارد و در نهاوند با مداخله علی اکبر صـفی پور مـدیر مجله امیـد ایران این فعـالیت یعنی خریـد و فروش آرا به اوج شـدت رسـیده و نـامبرده قویـاً در انتخابـات مداخله و اعمال نفوذ می کند و جمعی اوباش و چاقوکش را مأمور خرید رأی نموده است.

ضمناً در شهرهای خرمشهر و خرم آباد، بروجرد و دزفول نیز به همین ترتیب خرید و فروش آراء جریان دارد.

۲- در حوزه های انتخاباتی مربوطه حتی در شـهرهایی که حزب پان ایرانیست نماینـده پارلمان دارد از نماینـده های این حزب دعوت نشده و روز ۹/۶/۴۷ با اعتراضاتی

که حزب پان ایرانیست در خوزستان نموده تدریجاً دعوت از نمایندگان این حزب برای حضور در حوزه های انتخاباتی انجمن شهر آغاز گردیده است.

۳- خانم فرخ رو پارسای به محض انتصاب به سـمت وزیر آموزش و پرورش اقدامات همه جانبه ای را علیه مسئولین حزب پان ایرانیست در نقاط حساس از جمله کردسـتان آغاز و چند روز قبل فرهمند رئیس آموزش و پرورش مهاباد را به مرکز احضار و به وسیله سرتیپی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). حزب مردم به روایت اسناد، صص ۸۹-۸۸.

رئیس دفتر خود به او تـذکر داده که از فعالیت های غیرفرهنگی (فعالیت به نفع حزب پان ایرانیست) جـداً خودداری کنـد و در غیر این صورت درباره او تصمیماتی اتخاذ خواهد شد و با توجه به اینکه فرهمند در این مدت توانسته موقعیت حزب را محکم و به خصوص فرهنگیان را برای استقبال پرشور از علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران بسیج کند دارای ارزش فوق العاده ای از لحاظ حزب می باشـد و هر آینه از فعالیت او ممانعت یا نسـبت به انتقالش به جای دیگر اقدام شود لطمه شدیدی به موقعیت حزب در غرب کشور وارد خواهد شد. همچنین رئیس آموزش و پرورش خرمشـهر در کار حزب پان ایرانیست کارشکنی و به طور

جدی مانع فعالیت این حزب در بین فرهنگیان می شود.

۴- اخیراً خانم پارسای وزیر آموزش و پرورش بانویی به نام بیگـدلی را به ساوه فرسـتاده و مشاراليها با تبلیغ و اعمال نفوذ روی کارمند اداره آموزش و پرورش ساوه سعی می نماید که آراء آنها را به نفع کاندیداهای حزب ایران نوین جلب نماید.

نظریه منبع: ۱- نوع رفتـار خـانم پارسای در آغاز تصـدی وزارت آموزش و پرورش به صورتی است که پیش بینی می شود در آینـده با اعمال نفوذ مطلقاً مانع فعالیت حزب پان ایرانیست در مؤسـسات آموزش و پرورش خواهـد گردید. ۲- خرید و فروش آراء انتخاباتی در حوزه های اشاره شده و احتمالاً نقاط دیگر اعتماد عمومی را نسـبت به آزادی انتخابات انجمن شهر و مواعید دولت در این زمینه متزلزل ساخته است.(۱)

در حـالی که شایع بود رهبری حزب پان ایرانیست به دلیل اعمال نفوذ شدیـد دولت و حزب ایران نوین تصـمیم گرفته است در برخی شـهرهای کشور کاندیدایی معرفی نکند، گزارش های گوناگون دیگری وجود داشت که نشان می داد مقامات دولتی و وابسـتگان به حزب ایران نوین کماکـان به اعمـال نفوذ و تحت فشـار قرار دادن مسـئولان، اعضـا و کاندیـداهای مورد حمـایت حزب پان ایرانیست ادامه می دهند. از جمله ساواک در دهم

شهریور ماه ۱۳۴۷ گزارش داد:

۱- در نواحی جنوب شـهر تهران به مدارس دسـتور داده شده در صورتی نام محصـلین را ثبت کنند که والدین آنها قبلاً کارت الکترال انتخابات انجمن شهر را دریافت و برای دادن

ص:۱۸۷

---

۱- فرخ رو پارسای به روایت اسناد ساواک، صص ۱۰۰-۹۹.

رأی به نفع کاندیداهای حزب ایران نوین آماده شده باشند. در شهرداری و نواحی مختلف جنوب شهر وضع به همین صورت است و شناسنامه های کلیه کارکنان شهرداری قبلاً ضبط و ذوالقدر نامی مشغول فعالیت در این زمینه است. ضمناً شناسنامه های کلیه طوافان نیز به همین منظور جمع آوری شده است.

۲- با وجودی که گفته شده از احزاب سه گانه معتمد در حوزه های توزیع کارت انتخاباتی دعوت می گردد تا این تاریخ در خرم آباد نماینده حزب پان ایرانیست دعوت نشده و خرید و فروش رأی به شدت ادامه دارد و حزب پان ایرانیست به علت این امر درصدد است در روزنامه خاك و خون سه شنبه ۱۲/۶/۴۷ (روز جاری) ضمن اعتراض شدید به این موضوع شرکت خود را در انتخابات انجمن شهر خرم آباد متوقف و انصرافش را اعلام نماید.

۳- در خرمشهر حدود شهر را برای رأی گیری انتخاباتی توسعه داده و تا نزدیک

آبادان اعلام نموده اند به حدی که اکثر اهالی که برای خود دارای انجمن ده هستند در محدوده خرمشهر قرار گرفته و این اقدام از سوی مکی فیصلی صورت گرفته و برای دریافت کارت الکترال ضمن اینکه افراد مشکوکی را با کامیون از نقاط خارج از محدوده شهر می آورند اصولاً شناسنامه های کارمندان راه آهن و کارخانجات خرمشهر را هم به دستور رئیس راه آهن و رئیس اداره کار جمع آوری کرده و به نفع حزب ایران نوین و کاندیداهای آن ضبط نموده اند.

ضمناً چند روز قبل استاندار خوزستان به طور ابتدا به ساکن به خرمشهر رفته و بدون مقدمه دو تن از اعضای حزب پان ایرانیست را مورد توبیخ قرار داده و رعبی در بین سایر اعضای این حزب که در ادارات هستند ایجاد نموده است.

مسئله دیگری که در خرمشهر از لحاظ حزب پان ایرانیست قابل توجه است تأیید صلاحیت کاندیداهای حزبی است که به طور قطع با مخالفت های مؤیدی رئیس دادگستری آن شهرستان که با حزب پان ایرانیست ضدیت دارد روبه رو خواهد بود.

۴- در اهواز همسر رئیس راه آهن کاندیدای عضویت در انجمن شهر شده و به همین

مناسبت شناسنامه کلیه کارمندان و کارگران راه آهن جمع آوری و از روستاهای اطراف نیز با کامیون عناصر غیر شهری را برای دریافت کارت انتخاباتی به اهواز می آورند. سازمان آب و برق اهواز ستاد انتخاباتی شده و از کلیه ماشین های این سازمان برای حمل و نقل

رأی دهندگان استفاده و خرید و فروش آرا به شدت رواج دارد و گویی همه سازمان های دولتی بسیج شده اند که علیرغم فرمان آزادی انتخابات این امر اجتماعی را به ابتذال بکشند.

ملاحظات ۳۱۲: از خرمشهر، خرم آباد و اهواز از مسئولین حزب تلگرافاتی به وزیر کشور و حزب پان ایرانیست مخابره و نسبت به وضع موجود اعتراض نموده و تقاضای رسیدگی کرده اند. ضمناً موضوع حمل و نقل رأی دهندگان توسط خودروهای سازمان آب و برق اهواز و مقاومت اعضای حزب پان ایرانیست طی تلگرافی به وسیله ساواک خوزستان تأیید شده و فتوکپی تلگرافات مسئولین حزبی در نقاط معروض در شش برگ به ضمیمه تقدیم می گردد.(۱)

موضوع اعمال نفوذ و تقلب در انتخابات صرفاً به دولت و حزب ایران نوین محدود نبود بلکه دو حزب اقلیت دیگر و از جمله حزب پان ایرانیست هم در موارد مقتضی فرصت

تقلب، اعمال نفوذ و خرید و فروش ر أی به نفع کاندیداهای خود را از دست نمی دادند. ضمن اینکه برخلاف مدعیات دستگاه رهبری و کارگردانی حزب پان ایرانیست بسیاری از کاندیداهای آن برای انجمن های شهر در مناطق مختلف البته نظیر دیگر کاندیداهای دیگر احزاب به انواع بدکار گی، فساد و بی لیاقتی متهم و متصف بودند. برای نمونه ساواک در هفدهم شهریور ماه ۱۳۴۷ درباره رقابت های ناسالم انتخاباتی میان دو حزب ایران نوین و پان ایرانیست در شهر رودسر و ویژگی های کاندیداهای آن دو حزب چنین گزارش کرده است:

بر سر معرفی اعضای کابینه های احزاب در رودسر بین کارگران و دستجات حزبی اختلاف نظر فراوانی پیدا شده. مثلاً به هنگام تبلیغات حزبی که از روز دوشنبه این هفته آغاز گردیده حزب ایران نوین رودسر ضمن تبلیغ اسامی کاندیداهای انجمن شهر با تظاهرات توأم با تعصب بعضی از افراد حزب پان ایرانیست به تحریک آقای ایرج کریمپور که در یک جیپ فرسوده قرار گرفته بودند مواجه شدند. آقای کریمپور شخصاً در جیپ قرار گرفته و شعار می داد در حالی که در تعقیب بلندگوی حزب ایران نوین سایه به سایه آن را بدرقه وار تعقیب

ص:۱۸۹

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

می نمود و علناً به اعضا و کاندیدای آنان اتهامی توأم با توهین نسبت می داد. این وضع به مدت قریب یک ساعت ادامه داشت که عاقبت با مداخله متقابل ایران نوینی ها و اعتراض آنان در شهربانی خاتمه یافت. حزب پان ایرانیست

تعداد هفت نفر به اسامی حبیب الله بازرگانی، جواد هدایت زاده، ابراهیم مشعوف، محمود غلامی، ابراهیم کوچکی، اردشیر میررئیسی، تیمور حبیبی را به عنوان اعضای انجمن شهر کاندید اعلام نموده اند. تنها مطلبی که این آقایان را در حدود محدوده شهر رودسر زبانزد و معروف ساخته حبیب الله بازرگانی به هنگام عضویت در اعضای انجمن شهر سال های قبل از موقعیت شهری استفاده نموده و مبلغ هنگفتی از مالیات های متعلقه که در ذمه ایشان بوده شانه خالی نموده و پرونده مربوطه را معدوم ساخته اند. جواد هدایت زاده و برادرانش به دون ژوان رودسر معروفند. ابراهیم کوچکی نیز در نزول خواری شهرت فراوان دارد. اردشیر میررئیسی فرزند علینقی میررئیسی (مرحوم) که تا یک سال پیش در امرداد ۴۶ از نسبت دادن همه گونه توهین و اتهامات به موجودیت دموکراسی انتخاباتی دریغ نداشته و معتقد بودند که انتخابات فرمایشی است و در خیابان ها عربده کشی و حتی پدر و پسر در امرداد سال ۴۶ به هنگام انتخابات مسلح بودند و با ارعاب و تهدید مردم را به حمایت وادار می کردند و آرای آنان را می گرفتند. فقط

محمود غلامی و شاید تیمور حبیبی هستند که تا حدودی نام نیک در محل دارند. به طوری که در طول مدت چند روز به دلایل عینی استنباط شده و می شود کلیه آراء و تعرفاتی که در حوزه های سه گانه ثبت نام صادر گردید مگر چند عدد آنها همه مورد معامله قرار گرفتند و خریداری شده است. نرخ هر یک تعرفه در بدو صدور مبلغ پنجاه الی یکصد ریال بود در حالی که از صبح روز چهارشنبه این نرخ به مبلغ یکصدوپنجاه الی چهارصد ریال ترقی کرده است. آقای دکتر طالع ضمن نامه ای که به آقای ایرج کریمپور نوشته و توصیه کرده به آقایان اعضا دستور داده اند که به هر قیمتی شده باید در انجمن شهر پیروزی را کسب نمایند. در آخرین سطر نامه دکتر طالع این جمله یادآور شده که «وقتی که احساس شود مفهوم آزادی انتخابات فقط به تبلیغ و قلم و کاغذ ختم می شود چرا باید نشست و تماشا کرد؟ دقت کنید به هر راه ممکن آراء افراد حزبی و غیرحزبی را از هم اکنون در دست بگیرند». اعضای معرفی شده حزب ایران نوین نیز به شرح زیر است.

حاج محمدرضا وحید شغل بقال. فضل الله نصری شهردار کومله. خانم دکتر مهیا

خدادوست. فریدون صادق نیا. نعمت وهاب زاده. حاج

عیسی حسینیان. غلام امیری که طی اعلامیه صادره از طرف ستاد انتخاباتی حزب ایران نوین معرفی [شده در] شهر بانه. در بین این اعضا نیز فضل الله نصری. فریدون صادق نیا. بیوگرافی جالبی از حیث شایستگی و اعتماد محلی ندارند بقیه افرادی هستند که اکثریت مردم رودسر به صداقت و امانتشان ایمان دارند. منفردین نیز اسامی زیر را اعلام نموده اند: میرعلی اکبر ارفع زاده عضو سابق انجمن شهر رودسر. حاج حبیب الله اسدی. حاج محمدباقر پورهاشم اینها هم غیر آقای علی اکبر ارفع زاده تا حدودی محبوبیت محلی دارند.

ملاحظات:

نظریه منبع- در نتیجه بررسی هایی که در خصوص فرد فرد اعضای یاد شده از احزاب به عمل آمده آقایان حبیب الله بازرگانی. جواد هدایت زاده. ابراهیم کوچکی. اردشیر میررئیسی از حزب پان ایرانیست و فضل الله نصری. فریدون صادق نیا از حزب ایران نوین و میرعلی اکبر ارفع زاده از منفردین صلاحیت احراز عضویت در انجمن شهر را ندارند و موفقیتشان صرفاً در نتیجه اعمال نفوذ و خریداری آراء خواهد بود و اظهارات دکتر طالع در نامه ای که عیناً

مشاهده شده در جای خود قابل توجه است.(۱)

در اکثر نشست ها و جلسات تبلیغاتی حزب پان ایرانیست سخن بر سر تقلب و اعمال نفوذ گسترده حزب ایران نوین و مقامات دولتی در سطوح مختلف دور می زد و سخنرانان دولتیان و حزب اکثریت را متهم می ساختند در راستای مقاصد سودجویانه و مفسده انگیز خود حقوق ملت ایران را پایمال ساخته و به انقلاب سفید شاه خیانت می کنند. از جمله مهدی صفارپور مسئول تشکیلات حزب در اهواز در پانزدهم شهریور ۱۳۴۷ در این باره گفته بود:

افرادی را که کاندیدا کرده ایم آنها که پان ایرانیست هستند، نهایت مورد اعتماد هستند و آنها هم که پان ایرانیست نیستند درباره شان تحقیق شده افراد خوشنام و صالحی هستند و نقطه تاریکی در زندگی سیاسی و اجتماعی خود نداشته اند و حال آنکه کاندیداهای حزب اکثریت درست نقطه مقابل کاندیداهای ما و فستیوال چی هستند (اشاره به جوهری زاده



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

کاندیـدای حزب ایران نـوین که در گذشـته در حزب منحله تـوده بـوده و در فسـتیوال کمونیست هـا شـرکت می کرده است.) بعضی دیگر از کاندیداهای حزب ایران نوین افرادی هستند که در گذشته حداقل امتحان بی لیاقتی خود را داده اند و وقتی می گوییم چرا آنها را کاندید می کنند می گویند برای اینکه از امکانات آنها استفاده شود ولی چرا باید

بـه افرادی کـه صـلاحیت خـدمت بـه مردم را ندارنـد امکانـات داد؟ آیـا این است مفهـوم اجرای اوامر شاهنشـاه آریـامهر؟ چرا شاهنشاه آریامهر در شـرفیابی رؤسای جدیـد دانشـگاه ها فرمودند انقلاب ما حرف نیست عمل است. برای اینکه واقعاً این افراد را می شناسند و ماهیت آنها را می دانند.

انتخابات باید بر اساس فضـیلت باشد و آزادی افراد محترم شمرده شود ولی متأسفانه مشاهده می کنیم که خلاف فضیلت عمل می شود و کارگران عائله منـد را با تهدیـد و ارعاب به پای صـندوق های رأی می آورند. پس از وی رجبعلی آصف صـحبت کرده و ضـمن آن شدیـداً به حزب ایران نوین حمله نموده و آنهـا را مـدعیان پاسـداری انقلاـب معرفی و اظهـار داشـته قبـل از انقلاـب انتخابات چگونه بوده است؟ افراد را به زور و تهدیـد و تطمیع و اغفال پای صـندوق ها می برنـد و در انتخابات تقلب می کردنـد. از شـما سؤال می کنم اکنون نحوه انتخابات با آن زمان فرقی کرده است؟ قطعاً خیر. اینها که مصدر کارها هسـتند برای نگهداشتن پست و کرسی های قدرت حقوق ملت را پایمال می کنند. شرف و فضیلت مردم را زیر پا می گذارند و فرمان شاهنشاه آریامهر را مخدوش می کنند. بعد

هم فریـاد می زننـد ما پاسـدار انقلاب هستیم. کارت ها را در حزب دروغین خود جمع آوری می کننـد و مردم را به زنجیر می کشند. حسابدار ادارات آنها می گوید ای کارگر فقیر اگر می خواهی اخراج نشوی و یا اضافه کارت قطع نشود باید به ما رأی بدهی و وقتی ما به این وضع اعتراض می کنیم می گویند شما هم از این کارها بکنید.[۱]

واژه هـا و عبـاراتی ماننـد ظـالم، زمین خوار فاسـد، زد و بنـدچی، فرصت طلب، دزد و غارتگر، خودکامه، سودجو و بانـدباز از اوصافی بود که مسئولان و اعضای فعال حزب پان ایرانیست رقبای خود در حزب ایران نوین و دولت هویدا را به آنها متصـف کرده و در مواردی لحن



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حملات پان ایرانیست ها به ایران نوینی ها و دولتیان از این هم فراتر می رفت. از جمله ایرج کریمپور مسئول حزب پان ایرانیست در رودسر در بیستم شهریور ماه ۱۳۴۷ گفته بود:

اگر به اسامی کاندیداهای حزب اکثریت و حزب حاکم توجه کنند می بینند که کثیف ترین اشخاص و پلیدترین و نالایق ترین افراد را به نام کاندیدای انجمن شهر معرفی کرده اند و می خواهند بار دیگر رژیم منفور فئودالیسم اداری و شهری را احیا نمایند و با کیسه های زر آمده اند که ناموس و شرافت ملت ایران را خریداری کنند. آیا می دانید که چرا رأی شماها را به مبلغ پنج تومان یا ده تومان می خرند،

می خواهند با اتکاء به این حمایت های خریداری شده بروند و به کرسی انجمن های شهر قرار گیرند. پنج هزار تومان، ده هزار تومان و بیشتر از بیت المال ملت دزدی کنند، به ناموس و شرف ملت خیانت نمایند وگرنه چه لزومی دارد که رأی را با پول بخرند در حالی که هنوز اعتقاد ندارند که رأی شما ارزش دارد و به شخصیت شما صاحبان آراء ارزشی قائل نیستند.(۱)

حزب پان ایرانیست که تا قبل از برگزاری انتخابات هر از گاه مدعی پیروزی قاطع کاندیداهایش در برخی شهرهای کشور بالاخص در غرب و جنوب غربی کشور بود، هر چه به موعد برگزاری انتخابات نزدیک می شد درمی یافت که هیچ یک از کاندیداها برنده انتخابات نخواهند شد. گزارش دوم مهر ماه ۱۳۴۷ ساواک نشان می دهد، رهبران حزب پان ایرانیست به رغم تمام پی گیری ها، شکایات و نامه نگاری ها مأیوسانه و به شدت سرخورده از روند ناسالم انتخابات خود را آماده رویارویی با شکست تلخ و تحقیرآمیز در انتخابات انجمن ها می کردند:

قبل از آغاز انتخابات انجمن شهر، سران سه حزب ایران نوین، مردم و پان ایرانیست در جلسه ای با حضور وزیر کشور با جناب آقای نخست وزیر ملاقات نمودند و مسئله آزادی انتخابات مطرح و گفته شد که چون خدشه امر انتخابات در دو موقع یکی هنگام توزیع الکترال و دیگری وقت ریختن

آراء به صندوق ممکن است، بنابراین برای جلوگیری از این امر نمایندگان هر سه حزب به عنوان معتمدان محلی در انجمن نظارت دعوت شوند.

در آن جلسه آزادی انتخابات تأکید و سران هر سه حزب رعایت این امر را تضمین کردند

ص:۱۹۳

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ولی برخلاف آن از طرف حزب ایران نوین تـدریجاً اقداماتی صورت گرفت که از همان آغاز کار انتخابات را از مسـیر طبیعی منحرف نمود تا جایی که از سوی دو حزب دیگر شکایاتی شـد و اقدام به جمع آوری مدارک علیه حزب ایران نوین و اعمال نفوذهای مقامات مسئول در امر انتخابات نمودند. حزب پان ایرانیست مدارکی تهیه کرده که قسمتی از آن به شرح زیر است:

۱- وزارت کشـور در بخشـنامه اولیه خود به فرمانـداران و بخشـداران در مورد کمیسـیون تشـخیص صـلاحیت و اختیـارات این کمیسـیون جمله ای گنجانیـده که کمیسـیون علاوه بر مواد قانونی مواردی را هم که خود تشـخیص می دهد می تواند اعمال و صلاحیت کاندیـدا را رد کنـد. این جمله دست اعضـای کمیسـیون را بـاز گـذارده تـا آنـان بتواننـد تحت هر عنوان غیرمنطقی صلاحیت کاندیدا را رد کنند. مسئله رد کردن صلاحیت کاندیداها

در درجه ابتـدایی، محرومیت آنـان از عضویت در انجمن شـهر است که عـاملین این کـار توجه ندارنـد که با این اقـدام حیثیت فردی را در اجتماع از بین می برنـد و امنیت فکری مردم را متزلزل می سازنـد. مسـئله رد صـلاحیت کاندیـداها که اکثراً بـدون دلیل منطقی بوده، جمله وزارت کشور درباره توسعه اختیارات کمیسیون تعیین صلاحیت یکی از مدارک است.

۲- دعوت ننمودن نمایندگان حزب در جلسات و کمیسیون های مربوطه تا مدتی بیش از ۱۰ تا ۱۵ روز بعد از شروع انتخابات.

۳- نامه پزشـکپور به وزیر کشور و اعتراض او به نحوه عمل بخشداران و فرمانداران و صدور بخشـنامه مجدد وزارت کشور که حکایت دارد بخشـداران و فرمانـداران برخلاف دسـتورات صادره اصل بی طرفی را در امر انتخابات رعایت نکرده انـد و ادامه این کار برای آنها مسـئولیت شدیـد در بر دارد. این بخشـنامه در روزنامه خاک و خون مورخ ۲۱/۶/۴۷ به چاپ رسیده و نشان می دهد که حتی وزارت کشور متوجه سوء نیت و عمل مأمورین خود شده است.

۴- تلگرافات عدیده نمایندگان حزب از نقاط مختلف مملکت و کناره گیری بسیاری از کاندیداها به علت ارعاب و تهدید مقامات محلی.

۵- نامه مشروح و مفصل دکتر فضل الله صـدر به وزیر کشور که در تاریـخ ۲/۷/۴۷ تسـلیم شده و در آن به موارد عدیده سوء جریان انتخابات اشاره گردیده است.

ملاحظات ۳۱۲:

حزب پان ایرانیست از اینکه تلاشش در پیروزی در انتخابات مواجه با شکست شده و به خصوص در نواحی غرب و جنوب غربی [که ] صلاحیت بسیاری از کاندیداهای معرفی شده اش را رد کرده اند به شدت عصبانی است و در نظر دارد مدارک جمع آوری شده را در خاتمه انتخابات به انضمام گزارش مفصلی مطرح و مخدوش بودن انتخابات انجمن شهر را عریان سازد و نامه فضل الله صدر به ضمیمه تقدیم می گردد.(۱)

در همان زمان ساواک طی گزارش دیگری به اعمال نفوذ دولت برای رد صلاحیت کاندیداهای حزب پان ایرانیست و جلوگیری از حضور مؤثر این حزب در برخی شهرهای کشور چنین اشاره کرده بود:

۱- حزب ایران نوین در سنندج دارای زمینه نبوده و به همین مناسبت از شرکت در انتخابات انجمن شهر کناره گیری کرده و چون صلاحیت پنج نفر از نه نفر کاندیدای حزب پان ایرانیست توسط کمیسیون تعیین

صلاحیت رد شده عده ای از منفردین و متنفذین محلی با اعلام وابستگی خود به حزب مردم پیشقدم شده و احتمال توفیق آنان بیشتر است در حالی که سنندج مرکز کردستان است و حزب پان ایرانیست در آن جا زمینه لازم را دارد و اگر رد شدن صلاحیت کاندیداهای این حزب مطرح نبود قطعاً برنده می شد.

۲- گودرزی نماینده کارگران نساجی و چیت سازی کرج کاندیدای حزب پان ایرانیست بوده و صلاحیت او تحت عنوان اینکه مذاکرات و محاوراتش با اشخاص دور از نزاکت است رد شده و این موضوع با توجه به موقعیت گودرزی در همه محافل از جمله وزارت کشور ایجاد تعجب نموده و به سوء نیت کمیسیون تشخیص صلاحیت تعبیر شده است.

۳- در رضائیه تا این تاریخ از حزب پان ایرانیست برای شرکت در انتخابات دعوت نشده و نمایندگان و معتمدان حزب در هیچ یک از کمیسیون های مربوطه پذیرفته نشده اند و امکان موفقیت حزب مزبور در رضائیه که نماینده مجلس شورای ملی آن شهر از این حزب می باشد از بین رفته است.

۴- در شوشتر به دو دلیل یکی فعالیت های

قبلی حزب پان ایرانیست و دیگری تنفر اهالی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

از حکیم شوشتری نماینـده مجلس شورای ملی وضع حزب پـان ایرانیست از نظر حمـایت افکار عمومی خوب است ولی حکیم شوشتری چنـدی است به شوشتر رفته و بـا اعمـال قـدرت و نفوذ و ارعاب وضع ناراحت کننـده ای به وجود آورده تا جایی که استاندار محرمانه از ساواک محل خواسته تا ترتیبی بدهند که حکیم شوشتری به تهران فراخوانده شود.(۱)

در پایان این گزارش ساواک هشـدار داده بود اگر برای جلوگیری از اقـدامات خلاف قاعده حزب ایران نوین و مقامات دولتی تمهیـداتی اندیشیده نشود و حزب پـان ایرانیست از عرصه انتخابـات کنـار گذاشـته شود، آینـده حضور و فعالیت این حزب در کشور بـا مشـکلاتی جـدی و غیرقابـل پیش بینی مواجه خواهـد شـد. با پایان یافتن انتخابات انجمن های شـهر در مهرماه ۱۳۴۷ آشـکار شـد که حزب پان ایرانیست با شـکستی تقریباً قطعی مواجه شـده است. در پانزدهم مهر ماه ۱۳۴۷ سـخن از آن بود که حزب پـان ایرانیست بر آن است در اعتراض به جریـان سوء انتخابـات انجمن هـای شـهر گزارش هایی خطاب به شاه و مقامات دولتی تنظیم کند.

۱- حزب پان ایرانیست به دنبال عدم موفقیت در انتخابات انجمن شهر در تلاش تهیه گزارش مبسوطی راجع به اعمال نفوذها و سوء استفاده های عدیده حزب ایران نوین و مسئولین مربوطه در انتخابات انجمن شهر است که آن را به

شرف عرض شاهنشاه آریامهر برساند.

۲- حزب مزبور همچنین بـا مشاهـده وضع انتخاباتی شـهرهای رودسـر و قم دو فقره گزارش تهیه و در مورد رودسـر با توجه به نسبت های خانوادگی کاندیداها و اعضای انجمن نظارت و اخذ آراء انتخابات انجمن شهر رودسر و اینکه اعضای انجمن های مزبور از قربـای درجه اول کاندیـداهای انجمن شـهر بوده انـد مـدعی هسـتند این کـار برخلاـف قانون انتخابات صورت گرفته است.

در مورد شـهر قم نیز به همین نحو یعنی رئیس انجمن نظاربه نام شـریف صادقی، مسـتمری بگیر شهرداری قم و عضو دیگر این انجمن فرزند وکیلی، رئیس انجمن بهداری شهر ساوه بوده و شخص اخیر اصولاً اهل و ساکن قم نبوده تا بتواند در انجمن نظار



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

انتخابات شهر قم عضو معتمد باشد.

حزب پان ایرانیست در نظر دارد دو فقره گزارش مزبور را روز ۱۵/۷/۴۷ به وزارت کشور تسلیم نماید.(۱)

ساواک در چهاردهم مهر ماه ۱۳۴۷ طی گزارشی با اشاره به یأس و رکود حاکم شده بر اعضا و فعالیت های حزب پان ایرانیست متعاقب پایان انتخابات انجمن های شهر درباره طرح های رهبران این حزب برای به فراموشی سپردن آنچه در جریان انتخابات بر سرشان آمده بود، چنین می نویسد:

حزب پان ایرانیست در مدت سه ماه تابستان سال جاری برنامه تظاهرات و میتینگ هایی در اکثر نقاط کشور به ویژه نقاطی که شعب حزبی داشته برگزار نموده و هدف اصلی از اجرای این برنامه ضمن تلاش در راه گسترش سازمان حزب شرکت و بالاخره حصول پیروزی در انتخابات انجمن شهر بود لیکن در مورد هدف اخیر توفیق محسوسی به دست نیاورد اما در جریان تظاهرات و میتینگ ها افکار عمومی را متوجه خود ساخت و نیروهای قابل توجهی را به مبارزه کشاند. شکست در انتخابات انجمن شهر موجبات وازدگی و سرخوردگی بسیاری از مردم و حتی عناصر حزبی گردید و تقریباً نوعی یأس و نومیدی در آنها به جای گذارد. حزب پان ایرانیست برای از بین بردن یأس موجود و با توجه به اینکه با فرونشستن آتش انتخابات انجمن شهر فعالیت دو حزب ایران نوین و مردم محدود و تقریباً حالت راکد به خود خواهد گرفت در نظر گرفته از اوایل آبان ماه یک برنامه مفصل تظاهرات در کلیه نقاطی که شعب حزبی دارد برگزار و همان طوری که به عرض رسید هدف از اجرای این برنامه امحای آثار ناشی از شکست در انتخابات و در حد نهایت وصول به هدف گسترش سازمانی

حزب می باشد.(۲)

خرمشهر تنها شهری بود که پان ایرانیست ها بیشترین کرسی های انجمن های آن را به خود اختصاص داده بودند:

پس از خاتمه انتخابات انجمن شهر اخیراً در حزب پان ایرانیست خرمشهر شایع گردیده



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

است سه نفری که همراه با شش نفر اعضای حزب پان ایرانیست به عضویت انجمن شهر انتخاب گردیده اند بنا به خواهش جناب آقای نخست وزیر و وزیر کشور و موافقت محسن پزشکپور بوده است.

نظریه منبع – اعضای حزب پان ایرانیست از اینکه توانسته اند شش عضو در انجمن شهر داشته باشند خیلی خوشحال می باشند و به یکدیگر تبریک می گویند.(۱)

رهبران حزب پان ایرانیست که واقف بودند شکست سنگین و خردکننده آنان در انتخابات انجمن های شهر بسیاری از اعضا و هواداران آنها را در میان اقشاری نظیر کارگران سرخورده و نومید از تداوم فعالیت های حزبی کرده است، با برگزاری جلسات و توجیهات گوناگون تلاش می کردند اعتماد از دست رفته را به مخالفان خود بازگردانده و آنان را به تداوم همراهی با خود ترغیب کنند. از جمله یکی از مسئولان محلی حزب در جمع گروهی از کارگران در تاریخ شانزدهم مهر ماه ۱۳۴۷ در شهر اهواز مدعی شده بود:

کارگران عزیز! ما در انتخابات انجمن شهر شرکت نکردیم. مسائلی از جمله عدم انتخاب افراد ما برای نظارت بر حوزه ها

باعث گردید که ما رأ ی های جمع آوری شده خودمان را در محل حزب حبس کنیم زیرا چنانچه این رأی ها به صندوق ها ریخته می شد به نام اشخاص مورد نظر دستگاه حاکمه قرائت می گردید. ما شکست نخوردیم. در این انتخابات توانستیم حزب پان ایرانیست را بهتر به مردم بشناسانیم تا در دوره های آینده پیروزی های درخشانی به دست آوریم. حزب پان ایرانیست یک حزب رسواکننده است. چنانچه حزب ما نبود عوامل سودجو در اهواز بدون خرج و دردسر انتخاب می شدند. حزب پان ایرانیست ۲۷ سال است که سخن می گوید لکن چون چیزی در دست ندارد کمتر موفقیت به دست آورده اما فئودال های اداری از تمام اختیارات خود برای موفقیت خویش استفاده می نمایند. آنها می دانستند اگر ما پیروز شویم وضعشان در خطر خواهد بود. آنها می دانستند اگر ما موفق شویم محال است آن را از دست بدهیم. جلسه مزبور در ساعت ۰۰/۲۰ خاتمه یافت و قرار شد جلسه بعد وسیله ناصر درستیان نماینده کارگر و هادی اقبالی نماینده پان ایرانیست در کارخانه نساجی شوش به اطلاع کارگران برسد.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نظریه رهبر عملیات – تشکیل جلسه مورد

تأیید است. حزب پان ایرانیست اهواز به علت شکست در انتخابات مجبور است اقدام به تشکیل چنین جلسات کارگری بنماید تا بتواند پرستیژ خود را در بین آنان حفظ نماید.(۱)

سران پـان ایرانیست ها پیشاپیش می دانسـتند حزب تحت رهبری آنان در جریان انتخابات با ناکامی تقریباً قطعی مواجه خواهد شـد، بـا این حـال اعضـای میـانی و عـادی حزب و نیز هواداران آنـان را فریبکارانه در جریان واقعیت های موجود قرار ندادنـد. ساواک اهواز در سی ام مهر ماه ۱۳۴۷ در این باره گزارش کرده بود:

عدم موفقیت حزب پان ایرانیست اهواز در انتخابات انجمن شـهر با توجه به کوشـش و تلاش فوق العاده ای که از طرف حزب مزبور در این راه مصـروف گردیده سبب شده اعضا و فعالین این حزب به دستگاه رهبری فشار بیاورند که آنها را در مورد این شکست و علل واقعی آن متقاعـد سازد و در صورتی که به نتایـج انتخابات از ابتـدا آگاهی داشـته انـد چرا آنها بازار گرم کن انتخابـات بوده انـد و هم اکنون این چراهـا و سؤالاتی دیگر در همین زمینه در رده رهبری حزب در اهواز مطرح شـده و پاسـخ کلیه آنها نیز این بوده که در اهواز انتخابات کاملاً آزاد نبوده و رعایت بی طرفی و بی نظری نشده است.

نظریه رهبر عملیـات – مسـئولین حزب در اهواز از آغـاز کـار هم به توفیق خود در انتخابات انجمن شـهر امیـدی نداشـتند و به همین جهت و به منظور متقاعـد سـاختن به خصوص افکـار عمومی اعضای حزب از همان روزهای نخست مسـئله عـدم آزادی انتخابات و اعمال نفوذ حزب اکثریت را عنوان نمودند.(۲)

رهبران درجه اول حزب هم مـأیوس و وازده از آنچه در جریـان انتخابـات بر آنـان و حزبشـان رفته و حاکمیت به رغم آن همه دفاعی که از آن می کردند، آبرو و حیثیتشان را در نزد اعضا و هواداران اندکشان به حداقل ممکن تنزل داده بود، چاره ای جز سکوت و مماشات و تـداوم راه بدسـرانجامی که خودخواسـته در آن پا نهاده بودنـد، پیش روی خود نمی دیدند. چنانکه بنا به گزارش ساواک:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

از ساعت ۰۰/۱۰ روز جمعه ۲۶/۷/۴۷ جلسه ای با شرکت محسن پزشکپور، دکتر محمدرضا عاملی تهرانی و دکتر اسماعیل فریور در منزل محسن پزشکپور در زمینه بررسی وضع حزب پان ایرانیست پس از انتخابات انجمن شهر تشکیل گردید. ابتدا محسن پزشکپور با ناراحتی اظهار داشت در انتخابات انجمن شهر دستگاه های اجرایی فرمان شاهنشاه آریامهر را اجرا نکرده و اصل آزادی انتخابات را از بین بردند و در بسیاری از نقاط به ما دروغ گفتند و

نارو زدند. در این موقع دکتر اسماعیل فریور با ناراحتی زیادگفت من این بار در مجلس شدیداً به این موضوع اشاره می کنم و حملات شدیدی در مورد انتخابات انجمن شهر خواهم نمود. مخصوصاً که شنیده ام استاندار آذربایجان غربی علیه من پرونده سازی می نماید چون شخصی به من گفته است که مواظب این مرد باشم آدم کینه جویی است و حتماً زهرش را خواهد ریخت. محسن پزشکپور در پاسخ بیان داشت فعلاً صلاح نیست در مجلس صحبتی بکنیم و در مورد استاندار نیز من با وزیر کشور صحبت خواهم کرد. آنگاه دکتر محمدرضا عاملی تهرانی که از انتخابات انجمن شهرستان مهاباد ناراضی بود اظهار نگرانی نمود و گفت این جریان در روحیه افراد آن منطقه سخت مؤثر افتاده است. محسن پزشکپور در جواب اظهار نمود باید چند میتینگ و کنفرانس برای اهالی آن شهرستان برگزار شود.(۱)

حضور یکباره صدها تن از راه یافتگان عضو و طرفداران حزب ایران نوین و دولت هویدا به انجمن های شهر در تهران و ملاقاتشان با شخص شاه علاوه بر سرخورده کردن مضاعف اعضای خرد و کلان حزب پان ایرانیست که تصور می کردند شاه از روند خلاف قاعده و گستاخانه برنده شدن این افراد پرشمار در انتخابات ناسالم انجمن ها در شهرهای

مختلف رضایت ندارد، رهبران و کارگردانان این حزب را بیش از پیش سردرگم کرده بود که چگونه می توانند این حوادث و رخدادهای تحقیرکننده را برای اعضای آن توجیه و تفسیر کنند. با این حال آنها چاره ای نداشتند جز آنکه برای مبرا ساختن شاه از آنچه در جریان انتخابات گذشته و نیز نظر مساعدش نسبت به راه یافتگان به انجمن ها به هر دری بزنند. نظیر آنچه مسئول وقت حزب پان ایرانیست اهواز در این باره گفته بود:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در ساعت ۳۰/۱۸ روز یکشنبه ۱۲/۸/۴۷ جلسه نیروی کارمندی حزب پان ایرانیست اهواز با شرکت در حدود ده نفر از اعضا و به مسئولیت مهدی صفارپور در محل دفتر این حزب منعقد بوده است. در این جلسه پیرامون انتخابات انجمن شهر و شرفیابی اعضای منتخب این انجمن وابسته به حزب ایران نوین به پیشگاه مبارک شاهنشاه آریامهر صحبت شده و این بحث مطرح گردیده که آیا این شرفیابی دلیل بر تأیید اعضای منتخب از انجمن شهر وابسته به حزب ایران نوین از جانب شاهنشاه آریامهر است. صفارپور اظهار داشته به هیچ وجه چنین نیست. این افراد پس از انتخابات به تهران رفتند و بعد هم دولت از پیشگاه شاهانه تقاضا کرده که اجازه فرمایند آنها به حضور معظم له بار یابند. شاهنشاه نیز موافقت فرمودند زیرا چنانچه با این تقاضا موافقت نمی فرمودند معنی اثر این بود که دولت حاضر مورد تأیید و حمایت ذات شاهانه

نیست و موجبات تضعیف دولت فراهم می گردید و نتیجتاً در سیاست کل کشور و مسائل داخلی و خارجی مملکت موضوع دارای اثراتی بوده لذا صلاح در این بوده که این افراد پذیرفته شوند ولی این پذیرش دلیل آن نیست که شاهنشاه با اعمال و رفتار این افراد موافقت دارند زیرا معظم له فرمودند انتخابات آزاد است اما همین افراد در جریان انتخابات برخلاف فرمایشات شاهنشاه آریامهر رفتار کردند.(۱)

همچنانکه پیش از این هم اشاره شد دولت هویدا برای آنکه به رهبران و اعضای حزب پان ایرانیست بفهماند حتی پیروزی قاطع کاندیداهای آنان در جریان انتخابات انجمن های شهر هم نمی تواند موقعیت آنان را در نزد حاکمیت ارتقا دهد، به شرح زیر مانع از حضور شهردار منتخب این حزب در رأس شهرداری شوشتر شد:

متعاقب موفقیت حزب پان ایرانیست در انتخابات انجمن شهر شوشتر و انتخاب اعضای این حزب به عضویت انجمن مذکور نامبردگان ناصر رحمانی یکی از اعضای قدیمی حزب پان ایرانیست را به سمت شهردار انتخاب کردند و بلافاصله صلاحیت او از لحاظ سیاسی از ساواک استعلام گردید. با وجودی که به زودی ساواک صلاحیت مشارالیه را تأیید کرد معهذا

برگه تأیید صلاحیت را در استانداری خوزستان متوقف کردند و آن قدر تأییدیه مزبور به فرمانداری شوشتر نرسید تا ایادی حکیم شوشتری و حزب ایران نوین



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اعضـای انجمن شـهر را تحت فشـار قرار داده و با تهدیـد اینکه طبق قانون اگر حـداکثر پس از پایان مـدت یک ماه شـهردار را انتخـاب نکننـد انجمن منحـل می شود آنهـا را ناگزیر ساختنـد که سـرانجام در تاریـخ ۲۱/۸/۴۷ سـراج شـهردار سابق شوشتر و کارمند استانداری خوزستان را که متهم به سوء استفاده و اجرای نظریات حکیم شوشتری است انتخاب نمایند.

ملاحظات ۳۱۲:

– صـلاحیت ناصـرقلی رحمانی در تاریخ ۱۸/۸/۴۷ برای انتخاب به سـمت شـهردار مسـجد سـلیمان تأییـد و مراتب به اداره کل چهارم اعلام گردیده است. برابر اظهار منبع این اقدام و تغییر شـهردار در تضعیف روحیه افراد حزب پان ایرانیست تأثیر داشته و حاوی لطمه شدیدی به حزب مزبور در آن منطقه بوده است.(۱)

تنهـا شـهری که حزب پـان ایرانیست به اتکای تفوق عـددی اعضای خود در انجمن آن توانست شـهردار مورد علاقه خود را با رأی اعضای انجمن انتخاب کند، خرمشهر بود که

البته تحریکـات و کارشـکنی هـا و اعمال فشارهای مسـتقیم و غیرمسـتقیم دولت و مقامات دولتی و نیز حزب ایران نوین مانع از قوام یافتن کار انجمن و شهردار آن شهر می شد.

سـاواک در نوزدهـم اسـفند ماه ۱۳۴۸ گوشه هـایی از کارشـکنی ها، مشـکل سازی ها و دیگر اقـدامات خلاف قاعـده مقامات دولتی و حزب ایران نوین برای از اعتبار انـداختن و تخریب موقعیت حزب پان ایرانیست در انجمن و نیز شـهرداری خرمشـهر را به شرح زیر صورت بندی کرده است:

اخیراً پس از انتخاب آقای مهندس خلیقی به ریاست کمیته حزب ایران نوین خرمشهر فعالیت هایی از طرف ارگان های مختلفه حزب مزبور در زمینه هـای مختلف شـروع شـده و تشـکیلات حزب پان ایرانیست که تاکنون یکه تاز عرصه فعالیت بوده حالت دفاعی به خود گرفته که اقدامات زیر نمونه هایی از آن می باشد.

حزب ایران نوین در جلسه اخیر خود از دو نفر اعضای حزبی به اسامی عبدالزهرایی و حمدالله شـریفی که عضو انجمن شهر هم می باشـند در مورد عدم تسـلیم گزارش اقدامات انجمن شـهر و شهرداری و عدم فعالیت حزبی استیضاح نمود. اخیراً سندیکای بارشماران و



---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بارنویسان که در شرف تأسیس می باشد وابستگی خود را به حزب ایران نوین اعلام نموده لیکن رئیس اداره کار پنهانی به نفع وابستگی سندیکای مزبور به حزب پان ایرانیست فعالیت هایی می نماید و از طرف آقای کلالی

دبیرکل حزب ایران نوین بازرسی به نام همتی به خرمشهر اعزام و ضمن تماس با مهندس خلیقی به وی توصیه نموده و در مورد مسائل زیر تحقیق و بررسی و نتیجه را گزارش نماید.

۱) تحقیق در مورد شهردار و چگونگی فعالیت انجمن شهر.

۲) تحقیق درباره رئیس بهداری (به نظر می رسد منظور رئیس بهداری سابق باشد چون رئیس جدید بهداری به تازگی مصدر کار شده است).

۳) تحقیق در مورد رئیس اداره کار.

۴) بررسی انحلال انجمن شهر.

۵) بررسی و نامزد نمودن اعضای جدید انجمن شهر.

۶) بررسی و انتخاب یک نفر دیگر از خرمشهر برای وکالت دوره بعدی مجلس شورای ملی.

۷) تسلیم گزارشات ویژه از طرف مهندس خلیقی به آقای کلالی در مورد مسائل حزبی و سایر مسائل مربوطه.

۸) علل و چگونگی تنفر مردم از وضع موجود و مشاهده عدم اعتماد مردم به دستگاه های مربوطه.

نظریه رهبر عملیات – گسترش فعالیت های تشکیلاتی و سیاسی حزب ایران نوین بالطبع

موجب برخورد با پان ایرانیست ها و تشدید مبارزات تبلیغاتی علیه یکدیگر شده است. مفاد گزارش مورد تأیید بوده و تحقیق و مراقبت در مورد فعالیت های احزاب دوگانه فوق ادامه دارد. اطلاعات رسیده به موقع گزارش می گردد.(۱)

طی دو سه ماه بعدی که به دلیل واقعه تجزیه بحرین موقعیت مجموعه حزب پان ایرانیست در نزد دولت و حاکمیت به شدت متزلزل شد، اعتبار و جایگاه این حزب در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

انجمن های شهرها، حتی در همان تنها شهر خرمشهر هم سخت آسیب دید.(۱)

## حزب پان ایرانیست و انتخابات دوره بیست و دوم مجلس شورا

از تیرماه ۱۳۴۵ شواهد نشان می داد که، حاکمیت بر آن شده است در دوره بعدی مجلس شورا برای حزب ذره بینی ولی مورد اعتماد پان ایرانیست سهمی کوچک در نظر بگیرد. برخی بر این باور بودند که این اقدام شاه نوعی هشدار برای دولت هویدا و حزب ایران نوین خواهد بود. هر چند حزب پان ایرانیست کم مقدارتر از آن بود که به صرف حضوری نه چندان قابل اعتنا در مجلس شورا بتواند برای دولت و حزب اکثریت ایران نوین اشکالی جدی تولید کند، با این حال گفته می شد، این تصمیم اخیر حاکمیت، دولت و حزب اکثریتش را به تکاپو انداخته است تا برای حضور مسلط تر در انتخابات پیش رو بیش از پیش برنامه ریزی کند.(۲) رهبران و کارگردانان حزب ایران نوین با نوعی کنجکاوی و نگرانی امیدوار بودند حضور احتمالی چند نماینده پان ایرانیست در مجلس پیش رو در موقعیت مسلط حزب ایران نوین در مجلس خللی ایجاد نکنند. چنانکه ساواک در بیست و چهارم بهمن ماه ۱۳۴۵ گزارش کرده بود:

محسن خواجه نوری لیدر فراکسیون اکثریت

مجلس شورای ملی در یک مذاکره خصوصی درباره انتخابات آینده اظهار می داشت که احتمال می رود در مجلس آینده تعدادی از پان ایرانیست ها از کردستان و همچنین ناسیونالیست ها از نقاط دیگر به مجلس راه یابند ولی در هر حال اکثریت در دست ما یعنی حزب ایران نوین خواهد بود.(۳)

رهبران حزب پان ایرانیست از اوایل سال ۱۳۴۶ بر دامنه فعالیت های تبلیغاتی و حزبی خود در شهرهای مختلف کشور افزودند و با گسترش شعب و دفاتر خود، به ویژه در شهرها و استان هایی که انتظار می رفت نامزدهایشان از بخت بیشتری برای حضور در مجلس برخوردار باشند، فعالیت های مستقیم و غیرمستقیم انتخاباتی خود را آغاز کردند. بگذریم از اینکه اکثریت قریب به اتفاق مردم کشور اساساً هیچ اعتنایی به انتخابات



---

۱- در فصل آتی در این باره سخن به میان خواهد آمد.

۲- نصرت الله معینیان به روایت اسناد ساواک، صص ۱۷۳-۱۷۲.

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مجلس شورای ملی و دیگر انتخابات آن روزگار نداشتند و به تبع آن وعده ها و شعارهای انتخاباتی پان ایرانیست ها در میان مردم کشور مخاطب نداشت.

در هر حال، حزب پان ایرانیست بر حسب توافقات قبلی اجازه یافته بود پنج تن از کاندیداهایش را از شهرهای تعیین شده راهی مجلس آینده کند. بدین ترتیب با پایان انتخابات اعلام شد، حزب ایران نوین یکصدوهشتاد کرسی، حزب مردم بیست و نُه کرسی و حزب پان ایرانیست پنج کرسی در دوره بیست و دوم مجلس شورا کسب کرده اند. محسن پزشکپور از حوزه انتخابیه خرمشهر، فضل الله صدر از حوزه انتخابیه کهک قم، محمدرضا عاملی تهرانی از مهاباد، اسماعیل فریور از رضائیه (ارومیه) و هوشنگ طالع از حوزه انتخابیه رودسر راهی مجلس شدند.(۱)

ناصر انقطاع از پان ایرانیست های منتقد و مخالف حزب پان ایرانیست درباره چگونگی شرکت پزشکپور و یارانش در این انتخابات و حضورشان در مجلس چنین نوشته است:

پزشکپور و یارانش را در زمانی وارد پهنه سیاسی پس از ۲۸ امرداد کردند که ]جمال[ عبدالناصر نغمه «خوزستان آزاد» و «خلیج عربی» (به جای خلیج فارس) را سر داده بود و همین نکته باعث شد، به دستور دربار، پس از علنی کردن فعالیت او، و دوستانش، پنج تن از پان ایرانیست های مورد نظر به نمایندگی دوره بیست و دوم مجلس قانونگذاری برگزیده شوند.

پزشکپور و یارانش هجده تن را نامزد نمایندگی کرده بودند، ولی ساواک تنها با پنج تن از ایشان موافقت کرد.

... در گزینش این پنج تن به نمایندگی مجلس، حتی به این نکته ننگریسته بودند که آنها را از شهرهایی به مجلس بفرستند که دست کم خود، یا پدر، یا نیایشان ساکن و زاده آن شهر باشند و جز دکتر فضل الله صدر که قمی بود و از قم وکیل شد، پزشکپور دماوندی از خرمشهر، دکتر عاملی تهرانی (که واژه تهرانی به دنبال نام خانوادگی اش فریاد می زد که تهرانی است) از مهاباد، دکتر طالع یزدی (که او هم واژه «یزدی» را در دنبال نام

ص:۲۰۵

---

۱- مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ج ۱۲، صص ۱۴۰-۱۳۹.

خانوادگی اش می کشید) از «رودسر»! و دکتر اسماعیل فریور از رضائیه، به مجلس راه

یافتند.

زمانی که «طالع» را از صندوق رودسر درآوردند و به مجلس فرستادند وی به هیچ روی آن شهر را نمی شناخت و شاید هرگز آن جا را ندیده بود. در حالی که رقیب انتخاباتی او «صوفی» زاده رودسر بود و همه مردم او را می شناختند و همین مسئله سر و صداهایی را بلند کرد. ولی دستگاه فرمانروا گوشش به این سخن ها و گلایه ها و اعتراض ها بدهکار نبود، و کار خود را می کرد، و می خواست با علم کردن «تز» پان ایرانیسم در برابر «تز» پان عربیسم، به عبدالناصر دهن کجی کند.

در نتیجه در ایران آن روزها، سه حزب (که هر سه با دستور و پشتیبانی و صلاحدید دستگاه امنیتی پدید آمده بودند) به ظاهر جدا از یکدیگر فعالیت می کردند ولی ترجیع بند شعارها و سخنرانی هایشان «جاوید شاه، جاوید شاه» بود. نام این سه حزب، ایران نوین، مردم، و پان ایرانیست بود.

به هر روی این پنج تن پان ایرانیست در درون مجلس بیست و دوم فراکسیون «پان ایرانیست» را تشکیل دادند. ولی همانند دیگر نمایندگان که خود را تنها نماینده شاه می دانستند، نه توان مخالفت

با کارهای دولت را داشتند، و نه نیروی عرض اندام در پهنه مجلس را و محسن پزشکپور به عنوان رئیس فراکسیون پان ایرانیست، ماهانه از حقوق چهار تن دیگر یارانش در مجلس از هر نفر ۵۰۰ تومان به نام هزینه های حزب می گرفت.(۱)

بدین ترتیب با حضور نمایندگان حزب پان ایرانیست در مجلس شورا مرحله جدیدی در حیات سیاسی این حزب شکل گرفت. از آن پس فراکسیون پنج نفره حزب پان ایرانیست در هیأت اقلیت بسیار کوچک اپوزیسیون در مقابل فراکسیون مسلط حزب ایران نوین ظاهر شد و اجازه یافت در همان چارچوب ها و خطوط قرمز تعیین شده در برابر این حزب و نیز دولت هویدا موضع مخالف و انتقادآمیز پیشه خود سازد و به ویژه طرح ها و لوایح ارائه شده از سوی دولت به مجلس را به چالش بکشد. مجلسی که طرز انتخاب نمایندگانش به نحوی بود که دیدیم، هرگز یک «مجلس» واقعی نمی توانست باشد. تصمیم ها در بیرون مجلس گرفته می شد و تصویب آنها «وظیفه» مجلس بود. در چنین مجلسی فراکسیون



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۱۴۱-۱۴۰.

پان ایرانیست ها ناتوان تر از آن بود که بتواند بر تصمیمات مجلس شورا تأثیری بگذارد.

تصمیمات و آراء نمایندگان اکثریت مجلس هم تقریباً همیشه در تأیید خواست های دولت و شاه بود و آن خیل نمایندگان جز آنچه به آنان دیکته می شد، اراده و اجازه موضع گیری دیگری نداشتند.(۱)

اعضای فراکسیون حزب پان ایرانیست هم در مجلس مراقب بودند که موضعگیری ها، انتقادات و احیاناً مخالفتشان با دولت هویدا موجبات نارضایتی شخص شاه را فراهم نیاورد و چه بسا برای اجتناب از خشم و عصبانیت شاه ناگزیر در برابر سوء عملکرد دولت سکوت اختیار می کردند. ساواک در چهاردهم آبان ماه ۱۳۴۷ گزارش داد:

دکتر اسماعیل فریور یکی از اعضای گروه

پارلمانی حزب پان ایرانیست اظهار داشت روز پنجشنبه گذشته قرار بود که آقای محسن پزشکپور از مجلس شورای ملی وقت صحبت بگیرند و راجع به انتخابات اخیر انجمن شهر به دولت شدیداً حمله نمایند ولی با بیاناتی که شاهنشاه آریامهر در اجتماع افراد انجمن شهر شهرستان ها ایراد و تأییدی که از حزب ایران نوین فرمودند از وقت گرفتن منصرف و سکوت می کنند.(۲)

اعضای فراکسیون و به ویژه محسن پزشکپور هر از گاه در صحن علنی مجلس حملات و انتقاداتی را متوجه وزرا و دستگاه های اجرایی کشور کرده و آنان را به سوء مدیریت و نظایر آن متهم می نمودند و می خواستند وانمود کنند که آنان به رغم اقلیت عددی در دفاع از خواست و علایق مردم کشور در مجلس بسیار جدی و تأثیرگذار هستند. اما عملکرد و موضع گیری اینان حتی اعضای اندک حزب پان ایرانیست را هم راضی نگه نمی داشت. برخی اعضای حزب آشکارا اعضای فراکسیون آن را متهم می کردند که در مقام نمایندگی مجلس فقط به دنبال منافع و فرصت طلبی های شخصی هستند و اعتنایی به موضوع حزب و اعضای آن نشان نداده و مردم حوزه های انتخابیه خود را کاملاً نومید ساخته اند.

مأموران ساواک در دوازدهم آذر ۱۳۴۷ در این باره گزارش کرده بودند:



---

۱- عبدالله ریاضی به روایت اسناد ساواک، صص ۱۷۹-۱۷۸ و ص ۱۹۱. بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

جمشید عباسی یکی از افراد حزب پان ایرانیست در پاسخ به این سؤال که چرا دیگر در محل حزب مزبور حضور نمی آید [نمی یابد] انتقاداتی از مسئولان حزب

نمود و اظهار داشت از مدتی که مسئولان حزب پان ایرانیست به وکالت مجلس شورای ملی انتخاب شده اند برخلاف سابق هیچ گونه قدم مثبتی در راه فعالیت های حزبی برنداشته و کاری انجام نداده اند. مثلاً دکتر هوشنگ طالع برخلاف وعده هایی که قبل از انتخابات به اهالی شهرستان رودسر داده بود تا به حال یک کار مثبت برای حوزه انتخابیه خود انجام نداده و حتی جواب اکثر نامه های ارسالی را نیز نمی دهد بنابراین هیچ گونه نمی توان در محیط حزب فعالیت نمود. آنها اکثراً در فکر منافع شخصی خود می باشند.(۱)

گاه اعضای فراکسیون پان ایرانیست مورد کنایه و بی اعتنایی رقبای پرتعداد خود در فراکسیون ایران نوین قرار می گرفتند. هویدا نخست وزیر گاه و بی گاه مراتب بی اعتنایی خود را به انتقادات پان ایرانیست ها مستقیم و غیرمستقیم نشان می داد. در مواردی هم به اعضای این فراکسیون هشدار داده می شد و نیز شوخی و جدی به آنان یادآوری می شد همان نماینده شدن آنها از حوزه هایی غیر از شهرها و مناطق محل تولد و زندگی شان نشان از آن دارد که نه آراء مردم بلکه اراده حکومت و دولت آنان را در مقام نماینده به مردم آن نواحی تحمیل کرده است. موضوع «سرور» خطاب شدن اعضای فراکسیون پان ایرانیست از سوی یکدیگر هم سوژه دیگری برای استهزای آنان توسط دیگر نمایندگان شده بود.(۲)

یکی از مهمترین نطق های محسن پزشکپور در اواخر سال ۱۳۴۷ و در انتقاد از لایحه

بودجه سال ۱۳۴۸ در صحن علنی مجلس با بی اعتنایی اکثر نمایندگان مواجه شد و حتی ساواک با انتقاد از این نطق شش ساعته محسن پزشکپور محتوای نطق را تکرار مکررات ارزیابی کرده و او را به خودنمایی متهم ساخت که جز اتلاف وقت نتیجه دیگری در بر نداشته است:

موضوع دیگر مسئله بحث در لایحه بودجه است که نطق مخالف و موافق هیچ کدام با



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حرارتی توأم نیست و شروع نطق مخالف که وسیله آقای پزشکپور، لیدر پان ایرانیست انجام گرفت بسیار سرد و خالی از نکات جالب بود و با آنکه بیش از شش ساعت وقت مجلس تلف شد، هیچ نکته جدیدی جز تکرار مکررات و آنچه در گزارش کمیته انقلاب اداری که به خصوص در حزب ایران نوین گفته شده بود، حاوی مطلب تازه ای نبود و با آنکه نطق مخالف همیشه در مجلس شنونده بیشتری دارد، در این مدت اغلب دو ثلث نمایندگان در خارج جلسه بودند و اکثریت اظهار می دارند که بایستی آیین نامه داخلی مجلس را اصلاح و نطق بودجه را که نامحدود است حداکثر به دو ساعت محدود ساخت که هیچ نماینده ای نتواند با مقداری تکرار مکررات یا برای خودنمایی ساعت ها وقت مجلس و هیأت دولت را تلف نماید و اگر حرف حسابی و انتقاد بجا باشد دو ساعت بسیار کفایت می کند و زائد بر آن جنبه تظاهر و خودنمایی

دارد.(۱)

در واپسین روزهای سال ۱۳۴۸، موضوعی در مجلس بی خاصیت دوره بیست ودوم مطرح و مورد مذاکره قرار گرفت که توجه بخشی از افکار عمومی را به خود جلب کرد؛ و حزب پان ایرانیست در آن ماجرا نقشی پر سر و صدا ایفا کرد. آن ماجرای تأسف بار، موافقت شاه با تجزیه بحرین از ایران بود.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). اردشیر زاهدی به روایت اسناد ساواک، صص ۱۳۴-۱۳۵.

## فصل ششم: تجزیه بحرین

### آزمون دشوار پان ایرانیست ها

شاید بتوان گفت از هنگام شکل گیری اولین هسته های انجمن و سپس مکتب پان ایرانیسم تا زمان تجزیه بحرین از ایران در اوایل سال ۱۳۴۹، مهمترین شعار و آرزوی پان ایرانیست ها و از جمله همین حزب پان ایرانیست تحت رهبری محسن پزشکپور، تحقق حاکمیت ایران بر این سرزمین جداافتاده از مام وطن بود که به رغم تمام توطئه ها و سیاست های استعماری بریتانیا اسناد و مدارک مسلم تاریخی از سلطه دیرپای ایران بر آن حکایت داشته است.(۱)

با توجه به پیشینه طولانی پان ایرانیست ها در طرح شعار حق حاکمیت مطلق و بدون چون و چرای ایران بر بحرین، این تصور در رژیم حاکم وجود داشت که با طرح تجزیه این منطقه از خاک ایران، در مجلس و بیرون از مجلس با مخالفت های این حزب مواجه شوند که به رغم حرف شنوی و تبعیت تمام و کمال از سیاست های حاکمیت، با



---

۱- شاید نیازی به توضیح نباشد که مخالفت با تجزیه بحرین صرفاً به پان ایرانیست ها محدود نمی شد. البته قاطبه ملت ایران از اقشار و گروه های مختلف در جای جای این سرزمین پهناور همواره خواستار حاکمیت مطلق ایران بر سرزمین بحرین بوده اند و توطئه تجزیه این بخش جداافتاده از خاک وطن، مردم ما را در اندوهی فراموش ناشدنی فرو برد.

خاطر به عملی شدن این طرح توطئه آمیز تن در ندهند.

به همین دلیل از ماه های پایانی سال ۱۳۴۸ در برخی از استان ها و شهرهای مختلف مقامات دولتی و نیز حزب ایران نوین رقبای کوچک خود در حزب پان ایرانیست را تحت فشار قرار دادند و پان ایرانیست ها مستقیم و غیرمستقیم دچار محدودیت هایی شدند که نشان می داد، دولت و حاکمیت می خواهند در آستانه طرح تجزیه بحرین در مجلس، حزب پان ایرانیست برای اعتراض و انتقاد احتمالی نسبت به توطئه فوق از ابتکار عمل چندانی برخوردار نباشد.

چنانکه پیش بینی می شد، با طرح موضوع تجزیه بحرین از خاک ایران در روزهای نخست سال ۱۳۴۹ که مقرر شده بود با عنوان گزارش دولت به مجلس ارائه شود، فراکسیون پنج نفره پان ایرانیست ها در مجلس به شدت نسبت به این «گزارش» دولت واکنش نشان داد و هر چند ساواک در مذاکره با تک تک این افراد تلاش کرد آنان را قانع کند تا با گزارش دولت مخالفتی ابراز نکنند، با این حال به ویژه شخص محسن پزشکپور تصریح و تأکید کرد، آشکارا و بدون محابا در برابر این اقدام دولت خواهد ایستاد و به خاطر آن دولت را استیضاح خواهد کرد. چنانکه گزارش زیر نشان می دهد، قبل از طرح رسمی گزارش مذکور در مجلس، هویدا طی ملاقاتی با پزشکپور تلاش کرد مانع مخالفت او و فراکسیون کوچکش شده و موضوع جداسازی بحرین از ایران بدون سر و صدا عملی شود:

طبق دستور آقای هویدا نخست وزیر که وسیله آقای عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی به سه نفر لیدرهای فراکسیون پارلمانی مجلس شورای ملی به اسامی آقای مهندس ارفع لیدر فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین (اکثریت) محسن پزشکپور لیدر فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست (اقلیت) و هلاکو رامبد لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم (اقلیت) ابلاغ گردیده

از سه نفر افراد مزبور خواسته شده که جهت مذاکره در امر بخصوصی ساعت ۰۰/۱۶ روز پنجشنبه ۶/۱/۴۹ در منزل شخصی آقای نخست وزیر مشارالیه را ملاقات نمایند.

توضیح منبع: ۱- این ملاقات در رأس ساعت ۰۰/۱۶ روز مزبور در منزل آقای نخست وزیر صورت گرفته لیکن از نحوه مذاکرات نامبردگان که به طور کاملاً خصوصی بوده است

ص:۲۱۲

هیچ گونه اطلاعی در دست نیست.(۱)

گزارش های موجود نشان می دهد، اعضای چند نفره فراکسیون پان ایرانیست در دوره بیست و دوم مجلس شورا در آستانه ارائه گزارش مذکور در مجلس، با ملاقات و رایزنی با برخی مقامات دولتی تلاش کرده بودند مانع از طرح این موضوع در مجلس شوند و هنگامی که واقف شدند طرح مذکور لاجرم در صحن علنی مجلس ارائه خواهد شد، کوشیدند هویدا را متقاعد سازند، در متن گزارش نامی از شاه به میان نیاورد تا آنان بتوانند با فراغ بال بیشتری دولت را به خاطر موافقت با طرح تجزیه بحرین مورد حمله و استیضاح قرار دهند. اما هویدا به رغم قول مساعدی که داده بود در متن گزارش نام شاه را ذکر کرد که نشان می داد، دولت طرح مذکور را هماهنگ با نظرات شاه تهیه کرده و اینک جهت تصویب و موافقت نمایندگان به صحن علنی مجلس آورده است. هویدا امیدوار بود ذکر نام شاه، پان ایرانیست ها را به عقب نشینی وادارد. ضمن اینکه تلاش های پیدا و پنهانی هم از سوی ساواک و دیگر مقامات دولتی صورت می گرفت تا بلکه در صف فراکسیون کوچک پان ایرانیست ها اختلاف ایجاد کنند. به رغم توفیق در مورد اخیر، پان ایرانیست های مجلس، دولت هویدا را در روز یکشنبه نهم فروردین ۱۳۴۹ استیضاح کردند. واکنش سریع و نخستینِ دولت و حاکمیت به این عمل فراکسیون پان ایرانیست ها قطع کامل کمک های مالی و ایجاد محدودیت های شدید برای فعالیت حزب بود. ساواک تحرکات

پان ایرانیست های مجلس را از هفتم تا نهم فروردین ۱۳۴۹ که نهایتاً منجر به استیضاح دولت هویدا در مجلس شورا شد، چنین تشریح کرده است:

محترماً به عرض می رساند در روز جمعه (۷/۱/۴۹) دکتر صدر عضو فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست ضمن مذاکره خصوصی اظهار داشت قرار است در جلسه فوق العاده روز ۹/۱/۴۹ مجلس شورای ملی وزیر امور خارجه گزارشی درباره اقدامات دولت در زمینه بحرین به مجلس بدهد و تاکنون دو جلسه جناب آقای نخست وزیر، رؤسای فراکسیون های پارلمانی و مقامات مسئول وزارت امور خارجه را احضار و در این باره مذاکره کرده است و بعد از ظهر امروز (۷/۱/۴۹) نیز جلسه ای در همین زمینه در منزل جناب

ص:۲۱۳

---

۱- عبدالله ریاضی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۶۸.

آقای نخست وزیر تشکیل خواهد شد و اضافه نمود حزب پان ایرانیست در نظر دارد به گزارش دولت حمله نماید. به نامبرده پاسخ داده شد مصلحت حزب شما ایجاب می کند در این مورد استعلام نظری به وسیله آقای وزیر امور خارجه یا آقای معینیان بنمایید چون ساواک در جریان این موضوع که از وظایف دولت و وزارت امور خارجه است نمی باشد و قرار شد به همین نحو رفتار نمایند.

روز یکشنبه (۹/۱/۴۹) پس از آنکه اطلاع حاصل شد حزب پان ایرانیست در مجلس شورای

ملی دولت را در قضیه بحرین مورد استیضاح قرار داده است تلفنی چگونگی از دکتر فریور عضو دیگر فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست استعلام، نامبرده ضمن تأیید خبر افزودند این تصمیم فراکسیون حزب بوده و در این باره استعلام نظری از هیچ مقامی نشده است. از آقایان پزشکپور و دکتر عاملی نیز در این باره سؤال شد نامبردگان نیز به همین نحو جواب دادند.

آقای دکتر صدر ساعت ۰۰/۰۸ روز دوشنبه ۱۰/۱/۴۹ در اداره کل سوم [ساواک]حضور یافته و اظهار داشتند صبح روز شنبه ۸/۱/۴۹ اعضای فراکسیون (سه نفر اصلی پزشکپور، دکتر عاملی و دکتر صدر) با آقای نخست وزیر قبل از حرکت ایشان به طرف اصفهان ملاقات و به دنبال مذاکرات قبلی به آقای نخست وزیر گفته شد نظر ما بر این است که در گزارش دولت نامی از اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برده نشود و اصولاً حزب ما با دادن گزارش به مجلس موافق نیست. آقای نخست وزیر گفتند نامی از شاهنشاه آریامهر برده نخواهد شد. بعد از ظهر امروز ۸/۱/۴۹ متن گزارش آقای وزیر امور خارجه به مجلس در اختیار حزب قرار گرفت و ملاحظه شد که از شاهنشاه آریامهر نیز در این گزارش نام

برده شده است.

در ساعت ۱۹۰۰ روز شنبه دکتر صدر، دکتر عاملی و پزشکپور با آقای معینیان ملاقات و نظر حزب پان ایرانیست با ایشان در میان گذارده شد. ایشان گفتند شما می توانید گزارش خود را بنویسید و صبح روز ۹/۱/۴۹ در اختیارم بگذارید تا ساعت ۰۰/۱۲ آن روز به شرف عرض ملوکانه رسانده و جواب اخذ نمایم در غیر این صورت کاری از ایشان ساخته نیست.

دکتر صدر افزود شخصاً بار دیگر در ساعت ۰۰/۰۴ روز ۹/۱/۴۹ (سحرگاه) با آقای معینیان تلفن زده و ایشان مجدداً همان جواب را داده اند.

دکتر صدر اضافه کرد بعد از ظهر روز ۸/۱/۴۹ (شنبه) به آقای زاهدی وزیر امور خارجه تلفن کرده و از مشارالیه تقاضای ملاقات نمودم. ایشان بنده را پذیرفت و درباره موضوع با یکدیگر مذاکره کردیم و به ایشان اظهار داشتم برنامه ای که دولت درباره بحرین در پیش گرفته صحیح نیست و چه اصراری دارید به مجلس گزارش بدهید و چرا از شاهنشاه آریامهر به این صورت در گزارش نام برده شده است. آقای زاهدی جواب دادند من هم به این صورت موافق نبودم و در دو مورد بالا نظر شما را

تأیید می کنم ولی چون نظر من قبلاً رد شده چنانچه تقاضای شما را در این باره به عرض برسانم ممکن است تصور شود شخصاً در تعقیب نظر قبلی خود این اقدام را می کنم لذا از انجام تقاضای شما معذورم.

دکتر صدر اضافه کرد صبح روز ۹/۱/۴۹ قبل از عزیمت به مجلس اعضای فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست در منزل اینجانب جمع شدند و ملاحظه شد که آقای پزشکپور متن نطق و متن استیضاح از دولت را تهیه کرده و گفته است ما بررسی و به این نتیجه رسیدیم که سکوت جایز نیست و حزب باید دکترین و سیاست دیرینه خود را در مورد بحرین تعقیب و عکس العمل شدید نشان دهد و چون دکتر عاملی و دکتر طالع نیز جداً جانبداری کردند من نتوانستم مخالفت کنم و در نتیجه پس از قرائت گزارش وزیر امور خارجه و نطق های لیدرهای فراکسیون های پارلمانی حزب ایران نوین و حزب مردم، آقای پزشکپور نطق خود را ایراد و استیضاح حزب را از دولت تقدیم داشت.

با آقای پزشکپور مجدداً در روز ۱۰/۱/۴۹ تلفنی مذاکره و نامبرده مجدداً مطالب خود را تکرار و اضافه کرد روش حزب در این باره کاملاً منطبق با سیاست عالیه و

منافع عالی کشور بوده و حزب جز این چاره ای نداشته است.

گزارش فوق وسیله تیمسار مدیریت کل به عرض تیمسار ریاست ساواک رسید. مقرر فرمودند:

۱- کمک های مادی داخلی به حزب قطع شود (جز فعالیت در خارج).

۲- موجبات تضعیف حزب فراهم شود.(۱)

سخنان انتقادآمیز پزشکپور در مجلس هویدا را به شدت عصبانی کرد، تا جایی که به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

هنگام پاسخگویی به استیضاح پزشکپور و محمدرضا عاملی تهرانی که پس از پزشکپور با لحنی نرم تر با طرح تجزیه بحرین از ایران مخالفت کرده بود، تقریباً به صراحت پان ایرانیست های مخالف را تهدید کرد دیگر اجازه نخواهد داد در دوره بعدی مجلس شورا مقام نمایندگی پیدا کنند. مصطفی الموتی از اعضای برجسته فراکسیون حزب ایران نوین در همین مجلس که در جلسه استیضاح دولت و هنگام پاسخگویی هویدا حضور داشت در این باره نوشته است:

هنگام طرح مسئله بحرین در مجلس شورای ملی فراکسیون پارلمانی حزب (پان ایرانیست) که ۵ نماینده در مجلس داشت دولت را استیضاح کرد. پان ایرانیست ها که خواهان تجدید عظمت ایران باستان بوده و کراراً اشاره کرده اند که ۱۷ شهر قفقاز و جزایر خلیج فارس و مناطقی که در طول تاریخ به ایران تعلق داشته باید به ایران

بازگردد به همین جهت به شدت از اقدام دولت انتقاد نموده و به انصراف دولت ایران از حقوق حاکمیت خود بر بحرین اعتراض کردند. به همین جهت به لایحه دولت از ۵ نفر آنها چهار نفر رأی مخالف دادند. در این جریان دکتر فضل الله صدر از حزب پان ایرانیست جدا شد و به دنبال آن هم اقدام به تأسیس حزب (ایرانیان) نمود که خود دبیرکل آن بود.

هنگام طرح مسئله بحرین در مجلس، وقتی پزشکپور با تندی و عصبانیت صحبت می کرد هویدا ساکت بود. هنگامی که دکتر عاملی به صحبت پرداخت و خیلی معقول و مستدل بیانات خود را ایراد می نمود هویدا به کلیه نکات نطق پزشکپور و عاملی پاسخ داد و گفت مطالبی را که دکتر عاملی گفت سنجیده بود و از هر جهت احساسات میهنی ایشان قابل تقدیر می باشد ولی گفته های او با رهبر پان ایرانیست ها تفاوت فراوان داشت و باید به پزشکپور شعر معروف را یادآور شوم که می گوید (این آخرین ترانه من است). در حقیقت هویدا غیرمستقیم خواست بگوید این آخرین نطق پزشکپور در مجلس است که در انتخابات آینده شانس ندارد و همین طور هم شد. چهار نماینده پان ایرانیست که در موضوع بحرین دولت را

استیضاح کرده بودند انتخاب نشدند ولی در انتخابات دوره رستاخیز دکتر عاملی و پزشکپور و چند تن دیگر از پان ایرانیست ها انتخاب گردیدند.

دکتر صدر در لندن به نویسنده کتاب گفت وقتی موضوع بحرین پیش آمد از طرف فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست ورقه استیضاحی به مجلس تقدیم شد. جهانگیر

ص:۲۱۶

سرتیپ پور از وکلای متفکر مجلس به من گفت استیضاح کار صحیحی نیست زیرا منجر به رأی خواهد شد و با این طرز کار بحرین کلیه تشریفات قانونی خود را طی می کند و هیچ گاه جای ایراد نیست. خوب بود موضوع را به صورت سؤال تبدیل کنید که در این باره در مجلس رأی گرفته نمی شود. به همین جهت من هم به پزشکپور گفتم خوب است موضوع استیضاح را به سؤال تغییر دهیم که مورد ایراد نباشیم. بدواً نظر من مورد قبول واقع شد ولی بعداً پزشکپور گفت حاضر نیستم استیضاح را پس بگیرم و به صورت سؤال مطرح کنم. من هم ناچار شدم از فراکسیون پان ایرانیست جدا شوم. او هم استیضاح را مطرح کرد که غیر از چهار تن اعضای فراکسیون پان ایرانیست بقیه وکلای مجلس به موضوع بحرین رأی موافق دادند. در نتیجه مجلس شورای ملی

با ۱۸۷ رأی موافق از ۱۹۱ نفر عده حاضر در مجلس به این لایحه رأی موافق داد. چهار نفر مخالف پان ایرانیست ها بودند.(۱)

تنها هویدا عصبانی نبود بلکه شخص شاه هم که استیضاح دولت توسط پان ایرانیست را به نوعی مخالفت با خواست و تصمیم خود می دانست از این موضع گیری پان ایرانیست های مجلس خشمگین شده بود. اسدالله علم در خاطرات خود درباره روز یکشنبه نهم فروردین ۱۳۴۹ در این باره چنین نوشته است:

شاه امروز بسیار عصبی و از جلسه مجلس اوقاتش تلخ است. پس از بیانیه وزارت خارجه مبنی بر مذاکرات در مورد بحرین، دولت زیر حملات شدید قرار گرفته است، به مراتب شدیدتر از آنچه انتظار داشتیم. این حملات به تحریک پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست، انجام می شود. ولی همان طور که به شاه عرض کردم، «ما نگران چه هستیم؟ اجازه بدهید صدای اقلیت شنیده شود، حتی توصیه می کنم که اجازه بفرمایید نطق پزشکپور به طور کامل پخش شود». موافقت کرد.(۲)

محسن پزشکپور سال ها بعد از جدایی بحرین از ایران در طی مصاحبه ای با کیهان هوایی در آبان ۱۳۷۱ درباره روند شکل گیری توطئه تجزیه بحرین و فشار سنگینی که بر او و گروه کوچکش در مجلس شورا وارد می شد، به جزئیات بیشتر و جالب تری اشاره نمود.



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۲، صص ۳۵۳-۳۵۲.

۲- اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ج ۱، ص ۲۱۹ و مظفر شاهدی، مردی برای تمام فصول: اسدالله علم و سلطنت محمدرضا پهلوی، صص ۶۱۰-۶۰۹.

در بخش هایی از این مصاحبه نسبتاً طولانی چنین آمده بود:

ما از سال ۱۳۳۹ احساس خطر می کردیم. زیرا همان طور که انگلیس در بسیاری از مناطق دیگر طرح های استعماری خود را پیاده کرده بود، در خلیج فارس نیز در پی ایجاد توطئه هایی برای تجزیه حاکمیت ملی (ایران) بود. «قبل از طرح گزارش خائنانه واگذاری بحرین در مجلس (شورای ملی)، دو روزنامه نگار خائن به نام های «عباس مسعودی» و «داریوش همایون» طی سلسله مقالاتی در روزنامه های اطلاعات و آیندگان، زمینه فریب افکار عمومی را با درج گزارش هایی مبنی بر اتمام منابع نفتی بحرین، به وجود آوردند. طراحان توطئه، گزارش مربوط به بحرین را در ایام تعطیلات نوروزی مجلس مطرح کردند زیرا می خواستند قبل از تشکیل امارات (عربی متحده) قال قضیه «بحرین» را بکنند، چرا که در ایران و «بحرین» مواجه با اعتراض شده بودند».

در حدود یک ماه قبل از طرح این گزارش در نهم فروردین ۱۳۴۹، یعنی در اواخر سال ۱۳۴۸ — که حدس می زنم اواخر بهمن یا اوایل اسفند بود — تلفنی از من دعوت کردند که برای کار مهمی جمعه ساعت ۹ صبح به منزل نخست وزیر بروم و در این جلسه عده ای از مسئولان و رؤسای فراکسیون

مجلس هم هستند. من احساس کردم که این جلسه در مورد بحرین است و این را با دکتر «آملی» [عاملی] در میان گذاشتم. وی گفت چه خواهی کرد؟ گفتم مقاومت خواهم کرد.

به هر حال ساعت ۹ صبح به منزل نخست وزیر رفتم و همان طور که پیش بینی می کردم کسانی آن جا بودند که لازم است همه مردم ایران و همه مردم آزاده جهان آنان را بشناسند. گذشته از «هویدا»، «خلعت بری» معاون وزارت امور خارجه هم بود.

خود «هویدا» یهودی الاصل و بهایی، قبلاً عضو حزب توده و بعداً ماسون و از پایه گذاران رژیم «منصور — هویدا» بود. رژیمی که بر اساس سیاست های آمریکا، ایران را دربست تسلیم آمریکا کرد.

«خلعت بری» از اجله ماسون و عملاً اداره کننده دیپلماسی فراماسونری در ایران بود و کسی بود که خشن ترین پیغام را در مورد بحرین از طرف لژ بزرگ فراماسونری مطرح کرد. دیگری «هلاکو رامبد» ماسون و رئیس فراکسیون «حزب مردم» در مجلس شورای ملی، که عملاً گرداننده حزب مردم بود. ...

ص:۲۱۸

در این جلسه این افراد حضور داشتند، یعنی تقریباً کل کسانی که در جریان

مسائل سیاسی مملکت و پارلمان بودند. در ابتدا هویدا شروع به صحبت کرد و مشخص بود که این جلسه را فقط برای تعیین تکلیف با من تشکیل داده اند. او خیلی صریح بیان کرد که «شاه» فقط از شما نگران است (او البته اعلیحضرت می گفت) و خواسته که چنین جلسه ای باشد و سپس مطالبی بیان کرد که درباره ضرورت حل مسئله بحرین بود با همان کیفیت، یعنی اعاده [حل و فصل امر] به دبیرکل سازمان ملل. و بعد هم یادآور شد با توجه به مسائلی که در حال وقوع است شما اگر با این برنامه هماهنگی کنید و مقابله نکنید استحقاق این را خواهید داشت که حزب پان ایرانیست در دوره بعد ۳۰ نماینده در مجلس داشته باشد و اگر هماهنگی نکنید صریحاً به شما می گویم که این یک انتحار سیاسی است... .

من در آن جا گفتم که بسیار متأسفم که در زیر سقف اتاق نخست وزیر دولت ایران سخن از توطئه شومی است و مطالبی که بیان گردید در مورد انتخابات، شرم آور است. عمل ما هم انتحار سیاسی نیست، شهادت سیاسی است و ما این را با کمال میل استقبال می کنیم، و اما اینکه گفتید پیغام خود را از طرف شاه مطرح می کنید

من باید شاه را ببینم و مسائل را به اطلاع او برسانم. عمل شما آقای «هویدا» یک خیانت است. نه تنها علیه مردم ایران، بلکه علیه منطقه و نیز غارت منافع نفت ایران. ثانیاً صحبت از درآمد نفت نیست بلکه اصل این است که حاکمیت ملی قابل تجزیه نیست... .

این جلسه با این کیفیت در حدود ۳ ساعت به طول انجامید. در نهایت همه دست تسلیم بالا بردند و من صریحاً به «هویدا» گفتم که در برابر این آراء پاسخی ندارم و یقین بدانید که مقاومت کرده و تسلیم نخواهم شد. به هر حال شکل گیری این توطئه در این جلسه آغاز شد و آن کسانی که از این جمع درگذشته اند لعن و نفرین تاریخ به دنبال آنهاست و آنهایی هم که هنوز حیات جسمانی دارند به نظر من باید در محاکم حقوقی محاکمه شوند. این مسائل ادامه پیدا کرد تا نهم فروردین ماه ۱۳۴۹ (شمسی) که مجلس جلسه فوق العاده تشکیل داد...

ضمناً نکته ای دیگر که من در بررسی بیشتر با آن برخورد کردم این است که جلسه مجلس را سراسیمه در روز ۹ فروردین تشکیل دادند و در روز دهم فروردین یعنی تنها یک روز بعد از طرح گزارش کذایی

جدایی بحرین، «گیچاردی» نماینده دبیرکل سازمان ملل «اوتانت»

ص:۲۱۹

برای به اصطلاح کسب نظرات مردم در مورد استقلال یا عدم استقلال، به بحرین رفت و اینجا عمق توطئه نمایان می شود. چگونه هنگامی که هنوز تصمیم مجلس و دولت برای قبول یا رد گزارش مشخص نشده است «گیچاردی» به بحرین می رود. این فعالیت ها ادامه پیدا کرد و برخی پادرمیانی کردند که به نحوی ما دست از این موضع گیری ها برداریم و در این راه ابتدا آمدند جدا جدا با عناصر پان ایرانیست تماس گرفتند که آنها را متزلزل کنند و در مورد یکی از آنها (دکتر صدر) مدت ها بود که کار می کردند. از این رو، وی در روز رأی گیری به گزارش دولت رأی موافق داد که نتیجتاً من در عصر ۲۴ اردیبهشت اخراج او از حزب پان ایرانیست را اعلام کردم و این خود یک موضع گیری سخت تری نسبت به خود مسئله بحرین هم بود.

به هر حال ما یکی دو بار دیگر با «هویدا» ملاقات داشتیم و مخالفت خود را ابراز کردیم تا اینکه آخرین پیام را «خلعتبری» از طرف گراندلژ فراماسونری برای من آورد که توأم با تهدید بود. تهدید برای من مهم نبود ولی من آن را

جدی گرفته و متوجه شدم کار، جدی است. ضمناً خبرهایی به من رسیده بود که طرحی دارند برای اینکه از ورود ما به مجلس جلوگیری کنند. به هر حال مسئله استیضاح گذشت و پس از آن احساس شد که یک سری تزلزل ها و کشمکش هایی در کل ارکان دولت و حکومت نسبت به این موضوع به وجود آمده است به این معنی که «اردشیر زاهدی» پس از آن نه به مجلس سنا رفت و نه به هیأت دولت و حتی استعفا کرد و به جای وی «خلعتبری» را وزیر امور خارجه کردند.

... هویدا در تاریخ سه شنبه ۱/۲/۱۳۴۹ به این استیضاح – که شاید پس از چند سال اولین استیضاح بود – جواب داد و رأی اعتماد گرفت. به هر حال آخرین جلسه در مورد مسئله بحرین در ۲۴ اردیبهشت ۴۹ تشکیل شد و گزارش دولت توسط شخص «هویدا» خوانده شد. این گزارش حاکی از طرح گزارش دبیرکل به شورای امنیت بود در حالی که این گزارش نه در مجلس توزیع شد و نه نمایندگان از آن مطلع شدند.(۱)

در گزارش نهم فروردین ماه ۱۳۴۹ دولت هویدا به مجلس، از سازمان ملل خواسته شده بود از اهالی بحرین درباره الحاق به ایران یا استقلال نظرخواهی کند. همچنانکه



---

۱– به نقل از اسکندر دلدم، زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا، صص ۳۱۰–۲۹۸.

سناریو پیشاپیش تهیه شده بود، نمایندگان سازمان ملل پس از پایان مأموریت مدعی شدند اکثریت اهالی آن سرزمین خواستار جدایی از ایران و تشکیل کشوری مستقل شده اند. نتیجه این گزارش در بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ از سوی دولت به مجلس ارائه شد و باز هم محسن پزشکپور طی سخنانی مبسوط مخالفت خود را با انتزاع بحرین اعلام کرده و با انتقاد از شیوه خلاف قاعده نمایندگان سازمان ملل در نظرسنجی از اهالی بحرین، قاطبه مردم بحرین را ایرانیانی دانست که همواره دل در گرو ایران داشته اند. با این حال باز هم نمایندگان به اصطلاح مجلس شورای ملی همان رأی سابق خود را تأیید کردند تا باز هم چهار رأی منفی فراکسیون کوچک پان ایرانیست ها تغییری در نتیجه رأی گیری ایجاد نکند.(۱)

محسن پزشکپور برای آنکه وانمود سازد در راستای سیاست های شاه حرکت می کند و اقدام دولت هویدا در طرح تجزیه بحرین در مجلس ارتباطی با خواست و علایق شاه ندارد، در همان بعد از ظهر روز استیضاح طی سخنانی در دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست در تهران اظهار داشت: «امروز ملت ایران شاهد یک آزمایش تاریخی بود، بسیار خرسندم که ما با کمال رشادت وظیفه تاریخی خود را تا سرحد امکان انجام دادیم و اندوهگین می باشم از اینکه آشکارا به تمامیت ارضی و اصل حاکمیت ایران و مخالف سخنان شاهنشاه آریامهر اقدام می نمایند و در نظر دارند سند تجزیه بحرین را امضا کنند».(۲) این در حالی بود که شخص پزشکپور بیش از هر کس دیگری واقف بود که اگر نظر مساعد و موافق شاه جلب نشده بود هیچ گاه دولت هویدا را جسارت ارائه آن طرح توطئه آمیز در صحن علنی مجلس نبود.

محسن پزشکپور از اعضا و هواداران حزب خواست تا در کنفرانسی که با موضوع بحرین در محل حزب تشکیل خواهد شد شرکت کنند. ساواک با نگرانی گزارش کرد و احتمالاً ـ به خاطر موضع گیری اخیر پزشکپور در مجلس جمعیت زیادی در کنفرانس وعده



---

۱- فریدون زندفر، خاطرات خدمت در وزارت امور خارجه: سیمای دیپلماسی نوین ایران، صص ۱۰۳-۹۷. یونس مروارید، از مشروطه تا جمهوری، ج ۳، صص ۸۲۴-۸۱۶. حسین خطیبی، رنج رایگان، صص ۳۳۵-۳۳۴. ب. کیا، ارتش تاریکی، ص ۳۵. محمود تربتی سنجابی، نخست وزیر سه دقیقه قبل درگذشت، ص ۹۶.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

داده شده در روز شانزدهم فروردین شرکت کنند.(۱)

پزشکپور اصرار داشت مخالفت با طرح تجزیه بحرین از ایران را ادامه دهد. ساواک در شانزدهم فروردین ۱۳۴۹ گزارش کرد:

محسن پزشکپور در حضور چند تن از بستگان خود در حالی که از تصمیمات اخیر دولت راجع به بحرین ناراحت و نگران بود اظهار داشت بحرین گوشه ای از خاک وطن ما می باشد نباید آن را به آراء عمومی گذارد چون بحرین متعلق به ما می باشد و ما در این مورد با برنامه دولت مخالفت می کنیم هر چند که آقای هویدا نخست وزیر تلفنی به من اظهار داشتند که با این برنامه نباید مخالفت بکنی و شما هم مثل لیدر حزب مردم که مریض شده اند تمارض کنید ولی من به آقای هویدا گفتم هر وجب از خاک ایران با خون من بستگی دارد و تا آنجا که در قدرت من است با این برنامه مخالفت می کنم و این اصولاً به پرستیژ حزب و ایمان افراد بستگی دارد. ما ادعای وحدت فلات داریم چگونه با این برنامه که خطر شکست هم دارد موافق باشم.(۲)

پزشکپور در کنفرانس روز شانزدهم فروردین این حزب هم مدعی شد، این اقدام دولت

منافی سیاست ها و خواست های «شاهنشاه آریامهر درباره بحرین» است. او چاره ای جز ابراز این سخن نادرست، پیش روی خود نمی دید. اما برخلاف موضع گیری های محتاطانه پزشکپور، برخی از اعضای این حزب در شهرهای مختلف صراحتاً شاه را مسئول انتزاع بحرین از ایران می دانستند. چنانکه بنا به گزارش ساواک «منصور سراج یکی از اعضای حزب پان ایرانیست در خرمشهر [گفته بود] شاه ایران نمی تواند بحرین را ببخشد زیرا مال پدرش که نیست، بحرین متعلق به ملت ایران است». اعضای حزب در شهرهای مختلف اظهار امیدواری کردند اعضای فراکسیون حزب در مجلس کماکان در مخالفت با تجزیه بحرین مداومت از خود نشان داده و اجازه ندهند کابوس انتزاع بحرین از خاک ایران تحقق پیدا کند. از جمله:

در چند روز اخیر موضوع بحرین و رفراندوم پیشنهادی بین اعضای حزب پان ایرانیست



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اهواز مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و عموماً همان عکس العمل و نظریاتی را ابراز می دارند که رهبر فراکسیون پارلمانی حزب مزبور در مجلس شورای ملی از خود نشان داده و اظهار عقیده می شود این رفراندوم از ایران سلب حق نمی کند و بحرین جزئی از خاک ایران است بنابراین اجرای رفراندوم مفهومی ندارد با این حال عقیده بر این است که از لحاظ حوادثی که بعداً ممکن است در سیاست رخ دهد تا روزی که فراکسیون پارلمانی حزب در مجلس حضور دارد هیچ تغییر اساسی در تاکتیک و رویه حزب مذکور نسبت به سیاست جاری دولت روی

نخواهد داد.(۱)

در روز چهاردهم فروردین ماه ۱۳۴۹ حافظ کهوائی از مسئولان محلی حزب پان ایرانیست در جمع اعضای این حزب در گچساران مدعی شد بحرین:

طبق هیچ گونه سندی تجزیه یا واگذار نشده است و این روزها دولت بدون توجه به گفتار شاهنشاه در مورد مستعد کردن زمینه رفراندوم ناگهان و بدون تعمق اقدام به عملی نموده است که برخلاف آیین سیاست مستقل ملی که سیاست سرافرازی و سربلندی ایرانی است می باشد. ولی همان طور که شنیدیم حزب پان ایرانیست یعنی حزب واقعی ملت ایران با الهام از رسالت شاهنشاهی و وظیفه ای که در پیشگاه ملت ایران داشت به مخالفت برخاست و دولت را استیضاح نمود و رهبر حزب اظهار داشت ملت ایران نمی خواهد از این پس شاهد تجزیه ایران باشد. ناطق به فرمایشات شاهنشاه اشاره کرده و گفت شاهنشاه فرموده بودند استعمار نباید از در جلو خارج و از در عقب وارد شود و حال حزب پان ایرانیست نیز در این شرایط از همه ملت ایران یاری و استمداد می طلبد که رسالت شاهنشاهی خود را درک کرده و به دولت بفهمانند تجزیه خاک ایران در شأن

انقلاب سفید شاه و مردم نیست.

نظریه رهبر عملیات – ۱- با توجه به جریان اخیر معمولاً ـ از این پس کار و برنامه اکثر جلسات این حزب به نطق و خطابه در مورد بحرین برگزار می شود و شخص حافظ کهوائی (مسئول تشکیلات) نیز در کلیه جلسات متکلم وحده خواهد بود. ۲- به منابع مربوطه توصیه گردیده که به طور غیرمحسوس حتی المقدور از برگزاری این گونه جلسات



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

جلوگیری و ممانعت به عمل آورند.(۱)

در این فاصله دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست در تهران برای شکستن سانسور خبری دولت پیرامون آنچه در مجلس گذشته بود، صورت مذاکرات روز استیضاح دولت از سوی پان ایرانیست ها در مجلس را در صدها نسخه تکثیر و برای اعضا و هواداران حزب و دیگر افراد در شهرهای مختلف می فرستاد. با این حال شواهد موجود نشان می داد، برخلاف اعضای پرشورتر حزب در تهران و دیگر شهرهای کشور که خواستار ایستادگی شدید، علنی و بدون اغماض در برابر توطئه تجزیه بحرین از ایران بودند، محسن پزشکپور خواستار برخورد محتاطانه با این واقعه بود. ساواک در این باره گزارش کرد:

طبق دستور محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست کلیه افراد گارد حزب مزبور بعد از ظهر روز شنبه ۱۵/۱/۴۹ در دفتر وی حضور یافتند و چون فرج الله نیک آمال و محمد جهانگیری به افراد حزب اظهار نموده بودند که بایستی از روی اجساد

افراد حزب پان ایرانیست بگذرند تا بحرین را بگیرند بدین جهت محسن پزشکپور ضمن انتقاد از آنان گفت این مطالب مورد تأیید حزب نمی باشد و از این نظر باید افراد از ذکر این مطالب در مورد بحرین خودداری کنند چون ممکن است عده ای از این صحبت ها سوءاستفاده نمایند.(۲)

در همان حال ساواک در هجدهم فروردین گزارش داد مسئولان حزب در شهرهای مختلف با محسن پزشکپور در تهران ملاقات و پیرامون چگونگی موضع گیری و واکنش نسبت به موضوع بحرین توجیه شده اند:

اسامی مسئولین حزب پان ایرانیست شهرستان ها که در مورد مسئله بحرین و تعلیمات لازمه در این مورد به تهران آمده اند به شرح زیر می باشند.

رضا طلائی مسئول تشکیلات آبادان – مهدی صفارپور مسئول تشکیلات اهواز – حافظ کهوائی مسئول تشکیلات گچساران – منوچهر یزدی مسئول تشکیلات یزد – ابوالقاسم پورهاشمی مسئول تشکیلات ساری – دکتر مسلم علیخانی مسئول تشکیلات لنگرود –



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ایرج کریم پور مسئول تشکیلات رودسر – سیدکریم جزایری مسئول تشکیلات قم – رحمت الله داوری مسئول تشکیلات شیراز – احمد شهنازی مسئول تشکیلات مشهد. ضمناً عده ای

از نامبردگان در محل دفتر مرکزی حزب و جمعی دیگر در منزل محسن پزشکپور با وی به طور خصوصی به صحبت پرداخته بود و در جلسات مورد بحث به غیر از افراد فوق شخص دیگری در آن شرکت نداشته و جلسه خصوصی بوده است.

نظریه رهبر عملیات – ۱- با توجه به خصوصی بودن جلسه از چگونگی مذاکرات افراد و رهبر حزب پان ایرانیست اطلاعی حاصل نگردیده است.(۱)

گزارش های دیگری از ساواک درباره تحرکات حزب پان ایرانیست در شهرستان های استان خوزستان حکایت از آن داشت که در خرمشهر:

در تاریخ های ۱۳ و ۱۴/۱/۴۹ اعضای حزب پان ایرانیست خرمشهر اعم از زن و مرد در نقاط مختلف خرمشهر مبادرت به جمع آوری امضا و تهیه طومارهایی نموده اند. اعضای حزب مزبور علاوه بر جمع آوری امضا، شعارهایی نیز بر دیوارهای شهر چسبانده اند که متن این گونه شعارها حاکی از طرفداری از گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست در مجلس شورای ملی درباره مسئله بحرین می باشد.(۲)

و در اهواز:

در تاریخ ۱۶ و ۱۷/۱/۴۹ تراکت هایی به مضمون زیر از طرف تشکیلات اهواز حزب پان ایرانیست منتشر و در شهر پخش و به دیوار برخی اماکن نیز نصب شده است.

۱- تجزیه بحرین خیانت به ملت ایران است.

۲- انجام رفراندم در بحرین در شرایط فعلی مفهومی ندارد.

۳- ملت ایران تجزیه بحرین را نمی پذیرد.

۴- بحرین جزئی از خاک ایران است.

۵- حزب پان ایرانیست در راه رهایی بحرین از پای نخواهد نشست.

نظریه رهبر عملیات – انتشار و پخش تراکت های مذکور مورد تأیید است و سریعاً نسبت به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

جمع آوری و امحای آنها اقدام گردیده است.(۱)

رهبران حزب پان ایرانیست تقریباً مطمئن شده بودند، نمی توانند برای جلوگیری از این توطئه در حال انجام اقدام مؤثری انجام دهند و این موضوع، سخت آنان را برآشفته و مأیوس ساخته بود. ساواک درباره تداوم مخالفت یأس آلود فراکسیون پان ایرانیست ها با انتزاع بحرین چنین گزارش کرده است:

دکتر فریور نماینده مجلس شورای ملی و عضو فراکسیون حزب پان ایرانیست نیز در آن جا حضور داشت و موقعی که موضوع بحث به قضیه بحرین کشیده شد، نامبرده در

حضور موسوی ماکوئی، ریگی و بهادری نمایندگان مجلس شورا اظهار نمود که سال ها ما (یعنی حزب پان ایرانیست) در مورد بحرین فعالیت کردیم و گلوی خود را خشک کردیم ولی حالا با مقالاتی که در روزنامه اطلاعات به قلم عباس مسعودی منتشر می شود از لحاظ اینکه جدا شدن بحرین را از پیکره ایران تأیید می کند ننگ آور است ولی نتیجه فعالیت های ما را او می برد و به دستگاه بالا خود را نزدیکتر می کند.

دکتر فریور اضافه نمود اکنون روزنامه خاک و خون توقیف است و حتی چهار نفر از اعضای حزب پان ایرانیست توقیف شده اند و در قزل قلعه به سر می برند و از این چهار نفر دو نفرشان رؤسای دفاتر دکتر عاملی و پزشکپور لیدرهای حزب پان ایرانیست می باشند و دو نفر دیگرشان در شهرستان ها توقیف شده اند.

دکتر فریور که خیلی با تأثر این بیانات را بازگو می کرد اضافه می نمود که ما (یعنی گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست) تصمیم گرفته بودیم از نمایندگی مجلس استعفا بدهیم ولی دولت نگذاشت و حالا به ما فشار می آورند که استیضاح خود را پس بگیریم ولی به این کار تاکنون رضایت

نداده ایم و هرگز هم استیضاح خود را پس نخواهیم گرفت.

دکتر فریور سپس گفت مخالفت جاکوب مالیک نماینده کشور شوروی در شورای امنیت و سازمان ملل متحد با آقای اوتانت دبیرکل سازمان ملل متحد اگر ادامه پیدا کند و منجر به «وتو» برای استقلال بحرین گردد به نفع ما تمام می شود و بحرین به استقلال نخواهد رسید و آن وقت تز ما پیروز خواهد شد و ما امیدواریم که شوروی این کار را موقعی که



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

گزارش گیچیاردی و اوتانت در شورای امنیت مطرح می شود بکند.(۱)

چنـان به نظر می رسـید که رهبری حزب پـان ایرانیست راغب نبود مخالفت با انتزاع بحرین تا آنجا ادامه پیـدا کنـد که موقعیت آنـان را در نزد حـاکمیت به خطر انـدازد. پزشـکپور برای جلوگیری از تـداوم مخـالفت اعضا و هواداران حزب پان ایرانیست با موضوع انتزاع بحرین از ایران، دستورالعمل های اکیدی به مسئولان حزب در سطوح مختلف صادر کرده بود. از جمله:

پنجشنبه شب ۲۰/۱/۴۹ محسن پزشـکپور رهبر حزب پان ایرانیست ضـمن یک صحبت خصوصی با یکی از فعالین حزب مزبور در اهواز که به مدت ۴۸ ساعت جهت انجام یک کار خانوادگی به تهران عزیمت و با وی در محل حزب تماس حاصل نموده است ضمن

پرسش هایی از وضع حزب پان ایرانیست در اهواز تأکید و توصیه کرده از نوشتن هرگونه شعار و پخش تراکت و اعلامیه و نیز مخـابره تلگراف و جمع آوری و ارسـال طومـار در مورد بحرین خودداری و توصـیه هـای مـأمورین و دسـتگاه هـای مسـئول را اطـاعت و اجرا و اصولاًـ اقـداماتی نکننـد که اختلافاتی با دسـتگاه های انتظامی و امنیتی پیـدا کننـد. وی سـپس افزوده البته این نرمش بـدان معنی نیست که مـا حرف خـود را نزنیم و عقیـده خـویش را در مورد مسائـل مملکـتی نگوییم و سـکوت کنیم. ما سکـوت نخواهیم کرد و حرف خود را در مجلس شورای ملی بـا صـدای بلنـد زده ایم و دولت را هم استیضـاح کرده ایم، بقیه کارها فرعی است و اصـراری هم در انجام آن نداریم و مایل نیستیم اصـطکاک و اشکالاتی هم تولید شود. اعضای حزبی همه موظف هسـتند از دستورات عیناً اطاعت کنند و هیچ کس حق ندارد خودسرانه ابراز احساسات کند. مجدداً توصیه و تکرار می کنم که به تـذکرات مسـئولان محلی احترام بگذاریـد و آنهـا را رعـایت کنیـد و افزوده این دسـتورات را به همه اعضا در اهواز ابلاغ

نمایید.(۲)

هنوز مـاه فروردین (۱۳۴۹) به آخر نرسـیده، از سـر و صـدای تبلیغـاتی حزب پـان ایرانیست در تهران و سـایر شـهرهای کشـور پیرامون موضوع بحرین بسیار کاسته شد و اعضای میانی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

و عـادی این حزب به دسـتور رهبران خود در حزب پان ایرانیست تقریباً به سـرعت تظاهرات علنی و بیرونی خود در مخالفت و انتقاد از انتزاع بحرین از ایران را به حداقل کاهش دادند. البته هر از گاه اخباری شـیوع می یافت که حاکی از تداوم مخالفت و مقـاومت اعضـا و مسـئولان میـانی حزب پـان ایرانیست در برخی شـهرهای کشور بود. از جمله ساواک در سـی ام فروردین ماه ۱۳۴۹ گزارش کرد:

محترمـاً به عرض عـالی می رسانـد اخیراً حزب پان ایرانیست نشـریه ای به طور شـبنامه جهت اغوا و عوام فریبی مردم در اسـتان آذربایجان غربی منتشـر نموده که یک نسخه فتوکپی آن به پیوست تقدیم می گردد. ضمناً اهالی مخصوصاً جوانان را تحریک و تبلیغ می نمایند که به علت (از دست رفتن بحرین) کراوات مشکی بزنند.(۱)

جـدائی تـأسف بـار بحریـن از ایران فرصت بسـیار مطلـوبی برای رهـبران و کارگردانـان حزب پـان ایرانیست بـود تـا بـا تـداوم ایسـتادگی و مقـاومت در برابر این طرح تـوطئه آمیز و در صورت لزوم بـا خروج از حـاکمیت نشـان دهنـد، همچنـانکه مـدعی بودند، از منافع و خواست های ملت ایران دفاع می کنند؛ اما چنین نشد.

## انشعاب

موضوع تجزیه بحرین در مجلس شورا و به دنبال آن استیضاح دولت هویدا از سوی

فراکسیون چند نفره پان ایرانیست ها مشکل دیگری هم فراروی رهبری این فراکسیون ذره بینی قرار داد و آن مخالفت فضل الله صدر عضو این فراکسیون با استیضاح دولت هویدا و رأی مثبت او به طرح ارائه شده از سوی دولت بود. هویدا و رجال دیگری از حکومت و نیز ساواک با مذاکره و گفتگوهای خصوصـی با اعضای فراکسیون و کادر رهبری حزب پان ایرانیست تلاش می کردنـد آنان را از مخالفت با این طرح بازدارنـد. فضل الله صـدر پـذیرفته بود برخلاف دیگر اعضای فراکسـیون با طرح مذکور مخـالفتی نکرده و حتی آن را تأییـد کنـد. احمـدعلی مسـعود انصـاری دربـاره فضل الله صـدر و دلایل رأی مثبت او به موضوع انتزاع بحرین از ایران در خاطراتش نوشته است:



---

۱- بایگـانی مؤسـسه مطالعـات و پژوهشـهای سیاسـی (اسـناد حزب پـان ایرانیست). سـیر مبارزات امام خمینی در آینه اسـناد به روایت اسناد ساواک، ج ۱۴، صص ۳۹۳-۳۹۲.

فضـل الله صـدر عضو دیگر این گروه بود، دکتر جراحی که یـک دوره از شـهر کهک قم به وکالت مجلس انتخاب شـده بود. سخنران نسـبتاً خـوبی بود که برای خوش آمـد اربـابش کـاهی از کوهی می نمود. وی از پـان ایرانیست هـای قـدیم بود که در جریان جـدایی بحرین از ایران از آن جمع جـدا شده بود. زیرا پزشـکپور و تجدد و عاملی، از سـران پان ایرانیست ها که در آن موقع نماینـده مجلس بودنـد بـا این جـدایی مخـالف بودنـد، و او تنهـا فردی بـود از این جمع که به این جـدایی، که مورد نظر انگلیس ها بود، و شاه و اردشـیر زاهدی وزیر خارجه وقت آن را حمایت می کردند، رأی داده بود. و به پاس این عمل هم تنها فردی بـود از آن جمـع که در دوره بعـد بـار دیگر به مجلس راه یـافته بود. و این بـار اگر حـزب پـان ایرانیست در مجلس نقش حزب سوم

را در برابر دو حزب حاکم، مردم و ایران نوین، نمی توانست اجرا کنـد، او با «حزب ایرانیان» که پس از آن جدایی ایجاد کرده بود، تنها وکیل مجلسـی شـد که از جانب دو حزب اصـلی به مجلس راه نیافته بود. به هر حال وی که ظاهراً به انگلسـتان علاقه مند بود و [پس از انقلاب اسـلامی] در همان کشور هم رحل اقامت افکنده بود، مسـئولیت عملیات سـلطنت طلبان آن کشور را هم بر عهده گرفته بود.(۱)

رأی مثبت صدر به جدایی بحرین از ایران، فراکسیون کوچک پان ایرانیست را آشفته تر و اعضای حزب را به شدت خشمگین نمود و به محسن پزشـکپور فشار می آوردنـد به سـرعت او را از عضویت در حزب پان ایرانیست اخراج کند. ساواک در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ گزارش کرد:

موضوع غیبت دکتر فضل الله صـدر یکی از اعضای گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست و عـدم شـرکت وی در رأی مخالف به دولت موجب خشم افراد حزبی نسـبت به او گردیـده و همه از محسن پزشـکپور خواسـته انـد تا هر چه زودتر دکتر صـدر را از حزب اخراج کنـد و اظهار می دارنـد که دکتر صـدر جاسوس آقای هویدا در حزب پان ایرانیست بوده است و همه به او ناسـزا می گویند. محسن پزشکپور در این مورد افراد را دعوت به آرامش می نماید و

اظهار می دارد که هیـچ برنامه ای برای دکتر صـدر نمی توان اجرا کرد چون در حزب فعلاً نبایـد مسئله ای ایجاد نمود ولی به موقع حزب در این باره تصمیم خواهد گرفت.



---

۱- احمدعلی مسعود انصاری، من و خاندان پهلوی، صص ۱۶۲-۱۶۱.

نظریه منبع – آنچه مسلم است به نظر می رسد دکتر فضل الله صدر از حزب اخراج گردد چون موج نفرت و عدم اعتماد نسبت به او ایجاد شده است و خود پزشکپور نیز از دکتر صدر مکدر گردیده است.(۱)

فشارها به دستگاه رهبری حزب ادامه داشت و اعضایی از آن تهدید می کردند که اگر صدر در اولین فرصت از حزب اخراج نشود آنان از فعالیت های حزبی کناره گیری خواهند کرد:

موضوع. عدم اعتماد افراد حزب پان ایرانیست نسبت به دکتر فضل الله صدر

در چند روز اخیر افراد حزب پان ایرانیست ضمن مراجعه به اعضای رده های بالای حزب سؤال می نمایند که در مورد دکتر فضل الله صدر چه اقدامی خواهد شد و ما منتظر هستیم حزب یا تکلیف او را معلوم کند و یا ما حزب را ترک خواهیم نمود چون فردی که به قول و قرار وطن و ملت ایران پشت پا بزند قابل اعتماد نخواهد بود. در پاسخ افراد رده بالای حزب اظهار می دارند

فعلاً ـ هیچ برنامه ای راجع به دکتر صدر اجرا نخواهد شد. اما آنچه مسلم است حزب تصمیم مقتضی در مورد وی خواهد گرفت. ضمناً از جمله کسانی که به شدت از غیبت دکتر فضل الله صدر عصبانی و خشمگین است دکتر هوشنگ طالع می باشد.(۲)

از سوی دولت هم تلاش های پیدا و پنهانی صورت می گرفت تا با ایجاد تشتت و چنددستگی در میان رهبران و اعضای ریز و درشت حزب پان ایرانیست موقعیت صدر را در میان اعضای این حزب تقویت کند. با این حال به رغم پیشنهاد برخی رهبران حزب در هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ هنوز محسن پزشکپور موافق اخراج صدر از حزب نبود:

روز ۱۷/۲/۴۹ جلسه ای با حضور محسن پزشکپور رهبر، دکتر محمدرضا عاملی تهرانی و دکتر اسماعیل فریور اعضای فراکسیون پارلمانی حزب مذکور جهت اتخاذ تصمیم درباره دکتر فضل الله صدر یکی دیگر از اعضای فراکسیون پارلمانی حزب مزبور تشکیل و از طرف محمدرضا عاملی پیشنهاد گردید:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

چون افکار عمومی افراد حزب خواهان برکناری دکتر فضل الله صدر به خاطر عدم شرکت در استیضاح دولت از طرف گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست می باشد، از حزب اخراج گردد.

محسن پزشکپور عمل اخراج را صحیح

ندانسته و اظهار نظر نموده بهتر است از وی در حزب سلب شغل گردد و این پیشنهاد مورد تأیید سایر اعضا قرار گرفته است.(۱)

گزارش زیر نشان می دهد، فضل الله صدر عصر روز بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ و فقط پس از آنکه در صبح همان روز در تأیید رأی سابق خود به طرح جدایی بحرین از ایران رأی مثبت داده بود، از سوی محسن پزشکپور در جلسه عمومی حزب پان ایرانیست از این حزب اخراج گردید:

از ساعت ۲۰/۱۹ روز ۲۴/۲/۴۹ جلسه عمومی افراد حزب پان ایرانیست با شرکت یکصد نفر از افراد در محل دفتر مرکزی حزب تشکیل گردید. ابتدا دکتر محمدرضا عاملی تهرانی در پاسخ سؤال یکی از افراد در مورد اقتصاد در ناسیونالیسم ایران مطالبی بیان نمود. بعد محسن پزشکپور در مورد مسائل روز مطالبی ایراد و اظهار نمود امروز روزی بس غم انگیز از نظر ملت ایران و حزب پان ایرانیست محسوب می گردد و به طوری که دوستان اطلاع دارند در جلسه امروز مجلس شورای ملی نتیجه گزارش نماینده اعزامی سازمان ملل به بحرین که فقط جهت تماس با اهالی بحرین به چند سازمان و مؤسسه که ساخته و پرداخته شیخ غاصب بحرین بوده مراجعه نموده و رأی شورای امنیت در این مورد وسیله دولت به

صورت گزارش به مجلس آورده شد که پس از مذاکرات مفصل که قسمتی از آنها را در روزنامه های خبری امروز خواندید بالاخره مجلس با ۱۸۷ رأی موافق در مقابل ۴ رأی مخالف آن را تصویب نمود و بحرین این قسمت از سرزمین ما را به عنوان یک کشور مستقل قلمداد نمودند. دولت جهت این مسئله گزارش به مجلس آورد نه یک لایحه و این کار طبق قوانین موجود نمی تواند یک عمل صحیح تلقی شود و با غمی بزرگ باید اعلام نمایم از گروه پنج نفری حزب پان ایرانیست یک نفر از یاران همگام با دادن رأی سفید موافق به سند تجزیه بحرین صحه گذارد و برخلاف موازین حزبی عمل نمود. آری رأی



---

۱- روزنامه اطلاعات، ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ و نیز بنگرید به: روزنامه آیندگان، ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹.

سفیـد ایشان امضای سـند تجزیه بحرین بود. لازم می دانم اعلام نمایم از تاریـخ ۹ فروردین ماه که گزارش بحرین وسـیله وزیر امور خارجه به مجلس آورده شد ما با سـرور دکتر فضل الله صدر مذاکرات مفصل نمودیم و وظایف ایشان را گوشـزد کردیم. روزی که متن استیضاح منتشـر گردید موقعی که دولت از مجلس رأی اعتماد نیز گرفت دکتر صدر در مجلس حضور نیافت و کوشش و فعالیت ما نیز برای تغییر عقیده دادن ایشان بی نتیجه بود. ما مصاحبه ها و تماس هایی که با مطبوعات

گرفته و خبرهایی مبنی بر انشـعاب و یا اسـتعفا دادنـد نادیـده گرفتیم تا به امروز که بزرگترین عمل اشـتباه را انجام و به جدایی بحرین رأی مثبت داد. بنـابراین بـا توجه به اختیـاراتی که کنگره پنجم حزب به من محول نموده و بـا توجه به نکـاتی که اشاره نمـودم به نـام رهـبر حزب بـدین وسـیله اخراج دکـتر فضـل الله صـدر قـائم مقـام دوم رهـبر حزب را بنـابر سـرپیچی از فرامین و دسـتورات و خـط مشـی حزبی اعلام می دارم (ابراز احساسـات شدیـد حاضـرین) و گروه چهار نفری پارلمانی حزب کماکان وظایف خود را در مجلس ادامه خواهد داد و از این تاریخ حزب پان ایرانیست یک قائم مقام دارد و آن هم سرور دکتر عاملی می باشند.(۱)

بدین ترتیب با اعلام اخراج صدر از حزب پان ایرانیست تا مدت ها موضوع تجزیه نهایی بحرین از ایران تحت الشعاع حرف و حدیث های فراوانی قرار گرفت که در محافل و نشست های رسمی و خصوصی پان ایرانیست ها پیرامون صدر و مسائل مرتبط با جریان او زده می شد. از جمله:

در ساعت ۱۰/۱۶ روز ۲۸/۲/۴۸ غلامعلی بامداد ماچیانی، ناصر امین زاده، ایرج کریم پور، غلامحسین توانا (اهل بازرگان محله رودسر)، کامیاب کامیابی وارد منزل

دکتر علیخانی شدند و از بدو ورود با لحنی شوخی و مسخره از دکتر فضل الله صدر و عمل غیرمنتظره وی صحبت می کردند و هر یک به نحوی شخصیت او را به باد تمسخر و انتقاد می گرفتند تا اینکه دکتر علیخانی با آغاز کلام همه توجه حاضرین را به خود جلب کرد و قطعه کاغـذی را از جیب پیراهن بیرون آورد و این طور قرائت نمود (پاینـده ایران. به سـبب رفتـار خلاف انضباط و عدم رعایت خط مشی حزب اخراج آقای دکتر فضل الله صدر از



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حزب پـان ایرانیسـت و گروه پارلمـانی پـان ایرانیسـت اعلام می گردد. رهـبر حزب پـان ایرانیسـت محسـن پزشـکپور، تهران ۲۴/۲/۴۹) و اضـافه نمود این فرمان از سوی سـرور پنـدار (پزشـکپور) صادر شـده و تلفوناً به وی اطلاع دادنـد. سـپس غلامعلی بامـداد ماچیـانی خطاب به جمع اظهار کرد می خواهـد بدانـد فرد فرد سـروران عقیـده ای که در مورد رفتن دکتر صـدر دارند چیست؟ دکتر علیخانی در تأییـد پیشـنهاد بامداد ماچیانی گفت راستی خوب است که بررسـی کنیم دکتر صدر چرا رفت و چه عواملی باعث شـد که ایشان در این موقع حساس و اسـتثنایی دوسـتان را تنها بگذارند. بامداد ماچیانی گفت به عقیده وی چون دکتر صدر سید بود و از نظر

پیوند نسل و نژادی ایرانی الاصل نیست (اشاره به اینکه سـید به پیغمبر وابسـته است و پیغمبر اصـلاً عرب می باشند) این بود که پیونـد جـدا از نژاد ایرانی ایشان باعث گردیـد که دکتر صدر مسـئولیت خونی و نژادی ایرانی را درک نکند و همچون دیگران که ایرانی الاصل نیسـتند به راه دیگر بروند. ایرج کریم پور بیان داشت دکتر صدر چون متوجه شد که پان ایرانیست در جریان متلاشـی شدن قرار گرفته با این عمل خودش را نجات داد تا جای پایی برایش باشد که دوباره به فعالیت های سیاسـی خود در جناح های غیرملی ادامه دهد و به نوایی برسد. نوبت به غلامحسـین توانا رسـید ایشان هم نظریات کریمپور را تأیید کرد سـپس از ناصر امین زاده سؤال شد و ایشان اظهار نمود چون وی به فداکاری و ایمان دکتر صدر در رهبریت اعتقاد داشت و شاید هم دارد تصور می کنـد که خود سـرور پزشـکپور به ایشان دسـتور داده اند که وی این کار را انجام دهد و حتی ما اعلام می کنیم که از حزب اخراج شـده ای و اصولاًـ گمـان می کنـد که خود پزشـکپور و دیگران هم بـا اصل هـدف و عملکرد دولت موافق بودند و هستند ولی اتیکت حزبی ایشان حکم می کرد که نقش

مخالف را بازی کننـد کمااینکه همین نقش را تا آخر بازی کردند چون مصـلحت اندیشـی ایشان به مراتب بیشتر از همه ما می باشـد. در این موقع که اسـماعیل غنی پور هم وارد شـده بود ایشان هم نظر امین زاده را با کمترین تغییراتی تأییـد کرده است و گفت باور کردنش مشـکل است که دکتر صـدر خیانت کرده باشـد و آن هم قائم مقام رهبر حزب باشـد و خیانت کند. نه این طور نیست. دکتر علیخـانی ضـمن اظهـاراتی نظر خود را به طور اختصـار اعلام کرد و گفت نه، موضوع خیلی روشن تر از این است که شما می گویید سپس نظر کامیاب کامیابی را خواست. کامیابی اظهار کرد اگر دکتر صدر حزب

پـان ایرانیست را شـناخته بود و پیشـقدم عضویت در آن شدنـد می بایست در تمام مراحل با اعتقاد و ایمان کامل دوسـتانش را یاری می کرد و اگر نشـناخته بود و ندانسـته قـدم به جلو گذاشـته بود عضویتشان با ایمان نبود و از افراد فاقـد ایمان بایـد چنین توقعی داشت که از پشت به رفیق خود خنجر بزند و تنهایشان بگذارد. دکتر علیخانی در توضـیح نظر خود اضافه کرد اولاً دکتر صدر تنها امروز نیست که ماهیت خود را بروز داده بلکه وی به شخصه از مدت ها قبل به شخصیت

ایشان آشـنایی دارد و در خیلی از موارد دوران فعالیت هایمان عمل ایشان مورد انتقاد وی و بعضی دیگر از دوستان بود. ایشان خواهرزاده هـایی دارنـد که هم اکنون در خـارج از ایران هسـتند در خیلی از مراحـل بـا هم تماس و برخوردهایی داشتیم که به کـار و عمل آنها مشـکوک بودیم و بعـدها دلیل روشـنی به دست آمـد که قبول کنیم که از افراد وابسته به سازمان می باشـند (منظورش ساواک بود) و خود دکتر صـدر تعهداتی داشت که در قبال این تعهدات می بایست در این روز همین راه را انتخاب کنـد. به عبـارت دیگر برگه ای بود که در دست افراد مخـالف قرار داشت [و] امروز موقع را متناسب دیدنـد که این برگه را به کار گیرند و از وجود آن اسـتفاده نماید تا شاید پان ایرانیست را ضعیف کنند ولی دکتر صدر دیگر نمی توانند فعالیت سیاسی داشـته باشد و لااقل نمی تواند خود مستقلاً در رأس گروهی قرار بگیرد چون پان ایرانیست با اینکه امکان آینده ندارد ولی می تواند همین امکان موجود را حفظ کند و به مانند آتش زیر خاکستر به موقع مناسب و لازم شعله های

خشم را دامن بزند و راهی که آغاز کرده طی نماید.(۱)

در آخرین روزهـای اردیبهشت مـاه ۱۳۴۹ گفته می شـد، صـدر بـا کمـک دولت و احیاناً ساواک حزب جدیـدی با عنوان پان ایرانیست و یا نامی همانند و نزدیک به آن ایجاد خواهد کرد. در این میان صدر کماکان مورد حمله و انتقاد دسـتگاه رهبری و کارگردانی حزب پان ایرانیست بود که مسـتقیم و غیرمسـتقیم او را عامل ساواک و دولت هویدا می خواندند. خبر تماس صدر بـا برخی اعضـای سـابق حزب پـان ایرانیست و افرادی از اعضـای کنونی حزب و دعوت آنـان به همکاری برای تشـکیل حزبی جدید، رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست را به شدت نگران کرده بود. پزشکپوری ها اطلاع داشتند که گروهی از

ص:۲۳۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اعضای حزب پان ایرانیست برای پیوستن به صدر یا ماندن در حزب منتظر حوادث و تحولات آینده مانده اند تا تشخیص دهند «کدام کفه ترازو چرب تر است».(۱)

در این فاصله نشریات تحت سلطه دولت هویدا مصاحبه ای مفصل با صدر به عمل آوردند. در بخش هایی از اظهارات او آمده بود:

برخلاف آنچه که شایع است اختلافاتی که منجر به عدم همکاری با پزشکپور شده است به تازگی ایجاد نشده است و به بحران های اخیر آن ارتباطی ندارد.

بلکه این عمل از یک سلسله اختلافات ایدئولوژی قدیمی و عمیق ریشه گرفته است که از سه سال پیش آثار آن ظاهر شد و عاقبت به تصمیم من در این مرحله انجامید.

مخالفت من ابتدا از روش غلط و نادرستی

که در طرز رهبری و اداره این حزب پیش گرفته شده است آغاز گردید. زیرا روشی که رهبر حزب پان ایرانیست در پیش گرفته این حزب را از صورت یک سازمان حزبی خارج کرده و به صورت یک دستگاه خصوصی درآورده است. دستگاهی که فقط برای حفظ منافع و انجام خواسته های یک نفر سازمان گرفته، پایه ریزی شده و کار می کند. به این ترتیب می بینیم که حزب پان ایرانیست هیچ گاه به معنی واقعی از نظر مدیریت و سازمانی یک «حزب» نبوده است و هیچ گونه نظام حزبی و کادر رهبری صحیحی نداشته است، هیچ نیرو و هیچ اساسی افراد آن را به یکدیگر پیوند و همبستگی نمی دهد، تصمیماتی که در آن گرفته می شود بیشتر به وسیله کسی اتخاذ می شود که به راستی بی اطلاع از امر سیاست به مفهوم وسیع آن است.

هر قدمی که برمی دارد به خاطر خود برمی دارد و اصولاً ـ حزب را یک وسیله تبلیغ برای شخص خود نموده و افراد را نیز نردبانی برای رسیدن به امیال خویش ساخته است.

او غیر از انجام این کار به فکر هیچ چیز دیگر نیست. او در روزنامه ارگان حزب، خویشتن را با جملاتی چون رهبر دبیر

حزب، رهبر سرافراز حزب و غیره و غیره که خود می نویسد می ستاید، و نمونه های چاپ شده عکس خود را بر در و دیوار اتاق ها می کوبد و در برابر دیدگاه اعضا قرار می دهد و با استفاده از ایمان مردان و زنانی که به علت اعتماد راسخ به شاهنشاه ایران و ایدئولوژی ناسیونالیسم به این حزب روی می آورند به ستایش از خود



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

می پردازد. او خود تصمیم می گیرد و خود عمل می کند و در نتیجه حزب از دموکراسی واقعی برای مشورت و اخذ تصمیم بی بهره است.

در نتیجه این عدم شایستگی و سهل انگاری و ولنگاری شیرازه کارها از هم گسیخته و نیروهای عظیم افراد و جوانان پاک این حزب به هدر رفته است.

یکی دیگر از عوامل مهم اختلاف من با پزشکپور، تقلید زشت و ناراحت کننده او از سران حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان و وارد کردن سنت های غیرایرانی در حزب پان ایرانیست می باشد.

این تقلیدهای مضحک علاوه بر آنکه برخلاف تصور ایشان احترامی برای حزب ایجاد نمی کند موجب استهزا و تمسخر مردمی شده که ما می خواستیم از نیروی آنها، برای ایجاد یک حزب بزرگ ایرانی استفاده

کنیم.

این روش های عاریه ای هیچ گونه پیوستگی و نزدیکی با سنن و آداب و رسوم جامعه ما ندارد و برای ما ایرانیان غریب و بیگانه است و تنها برای سیراب کردن عطش خودخواهی و جاه طلبی و ارضای خصیصه ذاتی ایشان به وجود آمده است.

اونیفورم های به اصطلاح گارد این حزب که من از مدت ها پیش برای منسوخ کردنشان تلاش می کردم با رنگ خاص و بازوبند و کمربند و کلاه مخصوصش که همگی تقلید کورکورانه از یک حزب محکوم خارجی است دلیلی بر این ادعا می باشد.

من آن طور که اشاره کردم از مدت ها پیش می خواستم این مراسم را از بین ببرم ولی پزشکپور به هیچ وجه حاضر نبود از آن تصویر خیالی که در ذهن داشت، صرف نظر کند.

او می خواست الگوی ... همان لیدرهای محکوم شده اروپایی باشد و به راستی که چه مبتذل و مسخره است!(۱)

در حالی که فشار دولت هویدا (که در واقع با آگاهی از خشم شاه نسبت به پان ایرانیست ها صورت عملی به خود می گرفت) بر مجموعه فعالیت های حزب پان ایرانیست رو به فزونی بود، دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست و مهمتر از همه محسن

پزشکپور کماکان از اعتقاد قلبی خود به نظام شاهنشاهی پهلوی و ارادت وصف ناپذیرش



---

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۰ خرداد ۱۳۴۹.

نسبت به شخص محمدرضا شاه پهلوی سخن به میان آورده و مدعی بود، شاه کماکان مدافع حزب پان ایرانیست است و مخالفت های دولت هویدا هم نخواهد توانست به حیات و فعالیت حزب آنان پایان دهد. چنانکه بنا به گزارش ساواک:

سه شنبه شب ۵/۳/۴۹ مهدی صفارپور مسئول تشکیلات اهواز حزب پان ایرانیست در حضور چند تن از اعضای حزب مزبور که به طور متفرق و غیررسمی در محل دفتر این حزب حاضر بوده اند با اشاره به مصاحبه اخیر دکتر فضل الله صدر اظهار داشته این مرد خود را رسوا کرده و مشت خود را باز نموده دیگر هیچ ارزشی برای هیچ کس حتی خود دستگاه هم ندارد زیرا که نقشش تمام شد. او تا روزی ارزش داشت که می توانست در حزب پان ایرانیست نقشی بازی کند ولی حالا دیگر تمام شد. البته این مرد برنامه هایی داشت ولی ظاهراً از اون بالاها به او تودهنی زدند. این شخص می گفت من فدائی شاهنشاه هستم. مگر ما نیستیم. او با این شیوه نامردانه خود می خواست به ما وصله بچسباند ولی نوکش را قیچی کردند. صفارپور افزود در مکالمه تلفنی که پزشکپور اخیراً با او داشته گفت به کوری چشم تمام کسانی که می خواستند طومار حزب پان ایرانیست برچیده شود حزب ما قوی تر و استوارتر از

هر وقت دیگر است. به نظر من دولت در مورد ما بد عمل کرده چون بالاخره ما هم حزبی بودیم و نظر خود را روی مسئله ای گفتیم حالا اگر اشتباه کردیم آینده نشان خواهد داد و اگر دولت درست عمل کرد و همان طوری که حزب ایران نوین ادعا می کند ایران خواهد توانست بر تمام خلیج فارس حکومت کند که این آرزوی قلبی ما است و باز هم آینده معلوم خواهد کرد ولی منحل کردن انجمن شهر و حتی تحمل ندیدن یک رئیس پیش آهنگی در یک شهرستان کوچک نشانه ضعف و کم ظرفیتی است. ما حزبی هستیم معتقد و مؤمن به شاهنشاه و رژیم شاهنشاهی و در طول این بیست و هشت سال حیات حزب حتی آن زمان که ما را می زدند و زندان می کردند یک بار هم ایمان خود را نسبت به شاهنشاه از دست ندادیم و همیشه حرف ما با نظامات و دستگاه حاکمه بوده است. قرائن کنونی هم نمودار آن است که شاهنشاه آریامهر کماکان از ما حمایت می فرمایند و سرانجام ما پیروز خواهیم شد حتی اگر از لحاظ تشکیلاتی شرایط نامساعدی داشته باشیم. دستگاه حزب ما را به وجود نیاورده که امروز بتواند برچیند. افرادی که در این حزب متشکل شده اند به خاطر جاه و مقام و

پول و منصب نیامده اند. همه افرادی معتقد و مؤمن به اصول

حزبی هستند. لذا تحمل شرایط نامساعد را هم خواهند داشت و تا آخر عمر پان ایرانیست خواهند بود حتی اگر در حزب نباشد و تشکیلاتی هم وجود نداشته باشد.(۱)

در این میان رهبران حزب پان ایرانیست گاه به طور صریح صدر و سایر انشعابیون از حزب را عامل ساواک در حزب پان ایرانیست معرفی می کردند. ساواک در هجدهم خرداد ماه ۱۳۴۹ گزارش کرده بود:

به مناسبت اخراج دکتر فضل الله صدر از حزب پان ایرانیست و شایعه تشکیل حزبی وسیله وی و مطالبی که در جراید منتشر می شود دکتر هوشنگ طالع یکی از افراد گروه پارلمانی حزب در سخنانی که با افراد حزبی می نماید حملات شدیدی به دکتر صدر و برخی از افراد مانند دکتر حسین تجدد و سیدمهدی سیادت که با وی در تماس می باشند نموده و آنها را مأمور سازمان امنیت می نماید و اظهار می دارد آنها برای انشعاب و نابودی حزب پان ایرانیست از ابتدا در این حزب فعالیت می کردند تا در موقع مناسب نقشه های خود را عملی نمایند و اکنون که دکتر صدر از حزب اخراج و یا به قول آنها انشعاب نموده

موقعیت را برای اجرای نقشه خود مناسب دانسته اند.

دکتر طالع سپس در پایان سخنان خود بیان می نماید دکتر صدر برخی از افراد که سابقاً حزب آنها را اخراج نموده و یا به عللی تماس خود را حزب قطع نموده اند دعوت به همکاری نموده و به نظر من این افراد دست نشانده دستگاه حاکمه بوده و نمی توانند به نفع نهضت پان ایرانیسم گام بردارند چون به نظر ما همه آنها یکصدا با دکتر صدر سند تجزیه بحرین را امضا نموده اند.(۲)

در ماه های بعدی سال ۱۳۴۹ تنی چند از اعضای حزب پان ایرانیست به تدریج به گروه صدر پیوستند و در این میان اعضایی از حزب که بیش از دیگران با ساواک در ارتباط بودند در ترک اردوگاه پزشکپور و پیوستن به صدر جلوتر از بقیه بودند و پنهان هم نمی کردند که با هدف کسب موقعیت های شغلی، سیاسی و اقتصادی مناسب تر این راه جدید را انتخاب می کنند. ساواک در دهم تیر ماه ۱۳۴۹ گزارش داد:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

دکتر هوشنگ طالع یکی از افراد گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست اظهار داشت چند روز قبل عباس منطقی که یکی از افراد حزب ما بود می گفت باید دنبال کاری رفت تا نان و آب دار باشد، تا کی باید به دنبال حزب پان ایرانیست دوید تازه عاقبت هم در همان وضع به سر برد،

یعنی صفر بود. دنبال دکتر فضل الله صدر می روم ممکن است در حزبی که می خواهد او به وجود آورد مقامی در این مملکت نصیب من گردد. دکتر طالع سپس افزود با این ترتیب عباس منطقی که زمانی در حزب ما دارای مسئولیتی بود به دکتر صدر پیوست و حزب پان ایرانیست را ترک نمود.

نظریه یکشنبه – عباس منطقی مدتی مسئولیت تشکیلات حزب پان ایرانیست در شهرستان های قم و مهاباد را به عهده داشت و همسر وی نیز در سازمان حزب مزبور دارای فعالیت می باشد.(۱)

و نیز:

مهندس حسین توفیقی یکی از افراد حزب پان ایرانیست اظهار می داشت چند روز قبل دکتر عباس روحبخش به من می گفت که اگر تمایل داشته باشی دو نفری حزب پان ایرانیست را ترک کنیم و به دکتر فضل الله صدر بپیوندیم چون این طور که شنیده ام دکتر صدر در نظر دارد حزبی تشکیل دهد که در آن به ما مقامی هم خواهند داد ولی من به او جواب رد داده ام.

نظریه شنبه – دکتر عباس روحبخش به

احتمال قوی حزب پان ایرانیست را ترک و جزو دسته دکتر فضل الله صدر درخواهد آمد چون وی طالب شغل و مقام است.(۲)

و گزارش دیگری هم حاکی بود:

دکتر هوشنگ طالع یکی از افراد گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست اظهار داشت به طوری که شنیده ام سیدمهدی سیادت افراد حزب ما را دعوت می کند تا به گروه دکتر فضل اله صدر درآیند چون سیادت می گوید دکتر صدر هر روز مرا به منزلش دعوت می کند و شربت [و] شیرینی می دهد و صحبت از تشکیل حزب می نماید و دکتر صدر در پاسخ سؤال سیادت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در مورد اینکه پس چه وقت حزب را تشکیل خواهید داد گفته است فعلاً در صدد جمع آوری افراد هستم.(۱)

اعضایی از حزب پان ایرانیست به محسن پزشکپور توصیه می کردند برای جلوگیری از یارگیری های صدر از اعضای حزب و مقابله با او چاره اندیشی کند، اما وی مدعی بود «فعلاً مسئله سکوت برای حزب مطرح است، چون ما هر کاری انجام می دهیم صرفاً به خاطر کشورمان و خدمت به شاهنشاه و ملت ایران است».(۲) پزشکپور برخی دیگر از کارگردانان و مسئولان حزب در شهرهای مختلف را نیز که هنوز دولت هویدا را به خاطر تجزیه بحرین نکوهش کرده و دکتر صدر را در جلسات رسمی حزبی خائن قلمداد می کردند به آرامش و سکوت دعوت کرده و از آنان می خواست «فعلاً به دستور مقامات

امنیتی رفتار کنید تا ببینیم وضع چه می شود».(۳)

بدین ترتیب تحت حمایت و هدایت دولت هویدا و نیز ساواک، به تدریج مقدمات تأسیس حزب جدید و بدون رونق تری به نام «ایرانیان» و تحت رهبری فضل الله صدر فراهم شد. هر چند دولت بر آن بود که با حمایت از حزب ایرانیان، حزب پان ایرانیست را بیش از آنچه بود تضعیف و از اعتبار ساقط کند، با این حال پان ایرانیست های تحت حمایت محسن پزشکپور با تداوم بدگویی از صدر و حزب ایرانیان او به حیات کم فروغ خود ادامه می دادند. هر از گاه اعلامیه هایی هم از سوی طرفین در مذمت و بدگویی از یکدیگر چاپ و در اختیار مخاطبان قرار می گرفت. چنانکه در بیست و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ ساواک گزارش کرد:

اعلامیه ای به متن «هم میهن، فرصت طلبان بی مایه و خودفروشان بدنام که هر روز در لباسی تظاهر می کنند برای گشودن دکه ای بی رونق به نام حزب ایرانیان تلاش مذبوحانه می نمایند نامردی به نام صدر که با خواری از حزب پان ایرانیست طرد گردید، میدان دار این معرکه رسوای سیاسی و بدنامی است. غافلند که مردم بیدار دل سرزمین ما دیگر به دام نیرنگ و فریب عوامل بدنام و فرصت طلب و فرومایه ای چون صدر گرفتار نمی آیند. با ما



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برای بزرگی ملت ایران و پاس درفش شاهنشاهی به پیش» توسط ایرج کریم پور و پدر همسرش به نام احمد علی زاده در شهرستان رودسر توزیع گردیده.

نظریه یکشنبه – ایرج کریم پور یکی از افراد حزب پان ایرانیست بوده که مسبوق به سابقه می باشد.(۱)

نیز در گزارش دیگری از ساواک آمده بود:

رحیمی مسئول حزب پان ایرانیست رضائیه اظهار داشته دکتر محسن پزشکپور و دکتر عاملی و دکتر فریور روز یکشنبه ۲۳/۳/۵۰ به رضائیه و روز دوشنبه و سه شنبه ۲۴ و ۲۵ جاری جهت تشکیل کنفرانس به مهاباد مسافرت خواهند نمود و یک کنفرانس آموزشی در محل حزب برای مسئولین شهرستان های غرب تشکیل خواهند داد. رحیمی تعدادی اعلامیه که علیه دکتر فضل الله صدر به چاپ رسیده در مهاباد در اختیار مسئول حزب مورد بحث قرار داده است.(۲)

بدین ترتیب زمینه آخرین انشعاب در حزب پان ایرانیست در دوره پهلوی با اخراج فضل الله صدر در بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ و توسط محسن پزشکپور فراهم شد تا او پس از ماه ها مطالعه و یارگیری و اساساً با کمک و هدایت های مستقیم و غیرمستقیم دولت هویدا و ساواک و بعد از حدود یک سال که از زمان اخراجش از حزب پان ایرانیست سپری می شد، حزب کم مقدارتر دیگری با عنوان «ایرانیان» تأسیس کند.

## تجربه یک دوره بحرانی

وقتی برخلاف انتظار دولت و حاکمیت، پان ایرانیست ها در برابر جدایی بحرین ایستادگی

کردند، اداره کل سوم ساواک در دوازدهم فروردین ۱۳۴۹ دستور داد از طریق شعب و نمایندگی های این سازمان در شهرها و استان های مختلف تمام کمک ها و مساعدت های مالی و غیرمالی آن سازمان و دیگر مراجع دولتی و حکومتی به آن حزب متوقف شود:

خواهشمند است دستور فرمایید به طور کاملاً غیرمحسوس و بدون اینکه مسئولین و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اعضـای حزب پـان ایرانیست متوجه جریـان باشـند کلیه کمـک ها و مساعـدت هایی که تاکنون از طریق آن ساواک نسـبت به حزب مـذکور می شـده تدریجاً و بدون آنکه جلب توجه نماید قطع و ترتیبی اتخاذ گردد که به نحو مقتضـی و غیرمسـتقیم در تضعیف حزب مورد بحث اقدامات لازم معمول گردد.

مدیرکل اداره سوم - مقدم(۱)

مقدم در نوزدهم فروردین ماه ۱۳۴۹ هم از همکاران خود در ساواک های کشور خواست:

به وسـیله منـابع و عوامـل دیگر آن سـاواک اعمـال و رفتـار افراد فعال حزب پان ایرانیست را تحت مراقبت قرار داده و نتیجه را اعلام دارند - مقدم(۲)

همچنین اداره کل سوم ساواک از ساواک تهران خواست:

دربـاره انتشـار سـخنان محسن پزشـکپور در مجلس شـورای ملی عطـف به ۷۶۵۴/۲۰ ه ۲ - ۱۷/۱/۴۹ خواهشـمند است دستور فرمایید به

وسـیله امکانـات موجود ضـمن تعیین محـل تهیه پلی کپی مورد بحث، اسـامی اشخاصـی که در این زمینه فعالیت دارنـد قبل از انتشار و توزیع آن به این اداره کل اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم(۳)

در بخشنامه دیگری خطاب به «کلیه ساواک ها» که در نوزدهم فروردین ماه ۱۳۴۹ ارسال شده چنین می خوانیم:

از طرف محسن پزشـکپور به کلیه شـعب حزب پـان ایرانیست در شهرسـتان هـا دسـتور داده شـده به منظور اعـتراض به تصـمیم دولت در مورد بحرین تلگراف و یا طومارهایی در این زمینه تهیه و به مرکز مخابره یا ارسال نماینـد. لـذا ترتیبی اتخاذ شود که به نحو مقتضـی از مخـابره تلگراف و یا ارسال هرگونه نامه یا طومار از جانب عناصـر حزب مـذکور به مرکز شدیـداً جلوگیری فرموده چنانچه تلگراف یا طوماری به مرکز مخابره و یا ارسال شود، رئیس



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساواک مربوطه مسئول خواهد بود - مقدم(۱)

در همان حال مقدم دستور داد برای جلوگیری از تداوم فعالیت های تبلیغاتی محسن پزشکپور بر ضد دولت هویدا «پزشکپور احضار و به او گفته شود توجه داشته باشید به عنوان اخلال گر و تحریک مردم بر علیه دولت تحت تعقیب قرار خواهید گرفت» و وقتی

احساس شد که پزشکپور پا را از گلیم خود فراتر گذاشته، قرار شد که «آقای پزشکپور احضار و به ایشان گفته شود معلوم می شود مشاعر خود را از دست داده اید که می خواهید با این قبیل کارها برای خود وجهه تهیه کنید. وجیه المله شدن مُرد. اگر ادامه دهید دستور می دهم شما را مفتضح کنند».(۲)

در بیست و ششم فروردین ۱۳۴۹، اداره یکم عملیات و بررسی اداره کل سوم ساواک خواهان اقداماتی در جهت مراقبت از تحرکات حزب پان ایرانیست شد:

درباره کنترل مکاتبات اعضای حزب پان ایرانیست

اخیراً عناصر وابسته به حزب پان ایرانیست به منظور اعتراض به تصمیم اخیر دولت در مورد بحرین و پشتیبانی از نظریه حزب مذکور در این زمینه نسبت به مخابره تلگرافات و ارسال نامه ها و طومارهایی به دفتر مخصوص شاهنشاه آریامهر، مجلسین شورای ملی و سنا و دفتر مرکزی حزب مذکور اقدام نموده و امکان دارد نشریاتی نیز در این زمینه از طرف حزب مورد نظر توزیع گردد. علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید به وسیله عوامل مربوطه در جریان مکاتبات اعضای حزب مذکور بوده و اقدامات لازم در زمینه ضبط نامه ها، طومارها و نشریات مورد بحث معمول و نتیجه را به این اداره کل اعلام نمایند.

رئیس اداره یکم عملیات و بررسی. جوان(۳)

پان ایرانیست ها تا مدت ها تظاهر می کردند که شخص شاه نیز مثل پان ایرانیست ها خواستار اعمال حق حاکمیت قطعی ایران بر بحرین است و اینک ساواک تلاش می کرد به این تبلیغات بی پایه پان ایرانیست ها پایان دهد. گزارش زیر نشان می دهد، پزشکپور تحت فشار دولت و حاکمیت از شعب و نمایندگی های این حزب خواسته بود موضوع ارسال

ص:۲۴۳

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تلگراف و طومار به تهران را کنار گذاشته و به تدریج این واقعیت تلخ را بپذیرند که با نظر مساعد شاه، بحرین در آستانه جدایی قطعی از ایران است:

پیش از ظهر روز چهارشنبه ۲۶/۱/۴۹ مهدی صفارپور مسئول تشکیلات اهواز حزب پان ایرانیست ضمن یک صحبت خصوصی اظهار داشته همان طوری که رهبر حزب دستور داده لزومی به مخابره تلگراف و جمع آوری طومار و امضا درباره بحرین نیست زیرا ما حرف خود را در مورد بحرین زده ایم و اعتراض خویش را هم نموده ایم و مخالفت خود را نیز در این زمینه به اطلاع مردم رسانیده ایم بقیه کارها دیگر جنگ اعصاب و درگیری های بی مورد و بدون فایده خواهد بود. ما فعلاً وظیفه داریم توصیه های مأمورین محلی را به کار بندیم و به همین جهت فعالیت زیادی نخواهیم داشت. البته وضع ما در اهواز این طور است به عکس همه جا که فعالیتی کماکان ادامه دارد و حتی در آبادان که تیمسار خاوری

در آن جا است، دفتر حزب مفتوح است و جلسات حزبی تشکیل می شود و من نمی دانم چرا فقط در اهواز مانع از تشکیل جلسات ما شده اند. صفارپور سپس اضافه کرده از حزب ایران نوینی ها شنیدم که آقای هویدا نخست وزیر از استیضاحش در پارلمان توسط پزشکپور ناراحت شده و گفته این جوجه فاشیست ها را از ایران بیرون خواهم انداخت و این گفته نشان می دهد که طرز فکر نخست وزیر نسبت به ما چگونه است. به عقیده من در مسائل اساسی مملکت نباید سلیقه شخصی نخست وزیر حکومت کند. در ایران فقط نظم مملکت یعنی شاهنشاه است که ثابت و پابرجا است و هر نوع توافقی بدون صلاحدید معظم له فاقد ارزش است و به همین علت است که من اطلاع دقیق دارم ۳۹ شعار حزب پان ایرانیست که در منشور سرافرازی ایران قید شده و فعلاً برنامه و دستورالعمل حزب می باشد قبلاً مورد تصویب شاهنشاه آریامهر قرار گرفته و به مدت سه ساعت تک تک این شعارها با شاهنشاه آریامهر مورد بررسی قرار گرفته و موافقت معظم له نسبت به کلیه آنها جلب گردیده است یکی از این شعارها شعار مربوط به بحرین است. آیا دولت و دستگاه حکومت نمی داند که یک حزب سیاسی که

سال ها درباره یک موضوع شعار داده و صحبت کرده نمی تواند ناگهانی و یک مرتبه در حساس ترین دقایق و مراحل نسبت به آن شعار سکوت نماید و مسلماً عکس العمل نشان خواهد داد. پس دستگاه باید تحمل این عکس العمل را داشته باشد نه اینکه این قدر کم ظرفیت باشد که از کوره در رود و خطاب به

ما پان ایرانیست ها بگوید این جوجه فاشیست ها را از ایران بیرون می ریزم. من در روزنامه خواندم که نسبت به جزیره ابوموسی ایران مصراً ادعا دارد ولی اسمی از بحرین نبرده بودند. ما با شاهنشاه آریامهر تمام مسائل را حل کرده ایم و در هیچ موردی اختلاف نظری در بین نیست. حالا ـ اگر دولت آقای هویدا قصد دارد ما را از ایران بیرون بریزد این خود جای بحث است که البته و به طور مسلم چنین کاری را نخواهد توانست بکند و به هر حال ما تابع نظر رهبر حزب هستیم و فعلاً هم فعالیت ما دچار رکود است. (۱)

ساواک و دولت هویدا تلاش پیدا و پنهان زودهنگام و همه جانبه ای را برای تضعیف پزشکپور و دوستان او آغاز کرده و این فشارها باعث شده بود پزشکپور ناچار به مسئولان محلی حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف دستور دهد تا اطلاع ثانوی فعالیت حزبی

خود را به حد هیچ کاهش دهند چنانکه:

روز چهارشنبه ۲/۲/۴۹ آقای هوشنگ حمیدی سرپرست روزنامه خاک و خون استان مرکزی به منظور تبادل نظر پیرامون وضعیت حزب در خوزستان به آبادان وارد و پس از ملاقات با آقای طلائی سرپرست حزب پان ایرانیست آبادان به اتفاق به خرمشهر عزیمت و در دفتر حزب در خرمشهر جلسه مشورتی تشکیل و آقای حمیدی اظهار داشته است طبق دستور داده شده از طرف محسن پزشکپور تا اطلاع ثانوی اعضای حزب به طور کلی مجاز به هیچ گونه فعالیت نیستند و قرار است به منظور تعیین وضعیت فعالیت حزب گروه پارلمانی حزب در مرکز به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب و پس از آن خط مشی حزب به کلیه شعبات حزب ابلاغ خواهد شد.(۲)

در این میان برخی اعضا و رابطین حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف وقتی با دستورالعمل پزشکپور مبنی بر توقف فعالیت حزبی مواجه می شدند، بر حضور خود در حزب پان ایرانیست پایان می دادند. از جمله:

ساعت ۰۰/۲۰ مورخه ۱/۲/۴۹ دو نفر از اعضای حزب پان ایرانیست یاسوج به اسامی افضل مقیمی و حسن حسینی به منزل یعقوب غفاری (رابط اسبق تشکیلات حزب

پان ایرانیست



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

یاسوج) رفته بودند. ضمن صحبت یعقوب غفاری اظهار داشت چون برای من روشن گردیده که شخص محسن پزشکپور فرد آلت دستی است و بنا به میل و اراده دیگران فعالیت نموده و هر وقت هم که دستور داده شود سکوت اختیار می نماید، لذا به همین علت از حزب کناره گیری نمودم و حتی اگر روزی این حزب ترقی کند باز هم همبستگی خود را نسبت به آن اعلام نخواهم داشت.

نظریه منبع – فعلاً- در حوزه یاسوج به هیچ وجه نشانی از فعالیت های حزب پان ایرانیست به چشم نمی خورد و یک رکود قابل ملاحظه ای در وضع اعضا ایجاد شده است و یعقوب غفاری رابط تشکیلات حزب نیز پس از اعلام رأی اعتماد مجلس به دولت آقای هویدا به طور کلی از حزب کناره گیری نموده است و با موقعیت فعلی به نظر نمی رسد که باز اشتیاقی نسبت به حزب پان ایرانیست در بین مردم به وجود آید.(۱)

گروهی از مسئولان و اعضای حزب پان ایرانیست هم که شاهد پاسخ تهدیدآمیز هویدا در مجلس به پان ایرانیست ها بودند که آنان را آلت دست استعمارگران و غیره نامیده بود، به شدت سرخورده و نومید شده بودند.

برخی از این سرخوردگان در حزب پان ایرانیست تا مدت ها امیدوار بودند شخص شاه از آنان در برابر دولت هویدا حمایت به عمل آورد. چنانکه یک بار مهدی صفارپور از مسئولان اصلی حزب پان ایرانیست در خوزستان در اول اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ در جمع گروهی از اعضای این حزب گفته بود:

ما تاکنون معنی سیاست مستقل را نمی دانستیم ولی آقای هویدا به ما یاد داد. در همین جمع نیز اظهار داشته حالا بدبختی و ناراحتی ما یکی دو تا نیست. کمونیست ها و مخالفین سیاسی و دشمنان ما همه شاد شدند و می گویند بخورید! باز هم بروید و داد بزنید که انتخابات آزاد است! واقعاً حالا ما نمی دانیم چه بکنیم و جواب چه کسی را بدهیم ولی به هر حال روی اعتقاد قلبی خود می ایستیم. ما که با شاهنشاهی مملکت اختلافی نداشته و نداریم. ما معتقدیم همان طوری که دکتر عاملی در مجلس گفت دولت منویات شاهنشاه آریامهر را درست اجرا نمی کند و عجیب است همان دشنام هایی را که رادیو بغداد ساعت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۰۰/۱۱ روز قبل به ما پان ایرانیست ها داد همان ها را آقای هویدا بر زبان خود راند و گفت فاشیست ها، افکار ضدانسانی، استعماری و افکار خام و پوسیده و خیالی. بابا عراقی ها خیلی چیزها می دانند که ما نمی دانیم، ما یقین داریم که بالاخره

شاهنشاه آریامهر در آخرین لحظه به یاری ما خواهند شتافت زیرا ممکن نیست همه حرف ها و صحبت و تأییدهای ما با یک نطق آقای نخست وزیر از بین برود.(۱)

در این میان گزارش ها و شایعات تأیید نشده ای به دفتر ویژه اطلاعات رسیده بود مبنی بر ارتباط یافتن محسن پزشکپور با افرادی از طرفداران تیمور بختیار مقتول و نیز اعضا و هواداران جبهه ملی و دعوت آنان به عضویت یافتن در حزب پان ایرانیست. بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک در بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ نتیجه تحقیقات خود را به شرح زیر در اختیار مدیرکل آن اداره قرار داد:

درباره: ارتباط محسن پزشکپور با طرفداران تیمور بختیار و افراد وابسته به جبهه به اصطلاح ملی سابق

محترماً به استحضار می رساند.

منظور – عرض وضعیت و نتیجه تحقیقات معموله درباره موارد فوق.

سابقه – اطلاع واصله از دفتر ویژه حاکی بود محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست به هواخواهان و خویشان تیمور بختیار در ناحیه لرستان مخصوصاً در بروجرد نامه نوشته و از آنها برای عضویت این حزب دعوت کرده و خواسته است با کلیه امکانات برای پیشبرد مقاصد حزب همکاری نمایند و افراد خود را برای رسیدن به هدف های حزبی آماده انقلاب دامنه داری

بنمایند.

پزشکپور برای نوربخش، جواد اسکندری، مهندس محجوبی و عده ای از متنفذین محلی از جمله مرتضی اعظمی و فتح الله پورسرتیپ دعوتنامه نوشته و از آنان خواسته است در بین مردم تبلیغ نمایند.

همچنین رهبر حزب پان ایرانیست وسیله علی غروی (یکی از کارمندان عالیرتبه آموزش و پرورش) و دکتر خسرو گودرزی استاد دانشگاه کلیه دانشجویان دانشگاه های ایران

ص:۲۴۷

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مخصوصاً فارغ التحصیلان سال گذشته را که عضو جبهه ملی بوده اند به قبول عضویت حزب پان ایرانیست دعوت کرده است.

اوامر صادره تیمسار قائم مقام ساواک راجع به این موضوع به شرح زیر ابلاغ گردیده.

ت: به مدیرکل سوم گفته شود از مجموعه این فعالیت ها گزارش در بولتن درج و منظور از دعوت از دستجات مختلف و حتی متضاد معلوم نمایند.ن

اقدامات انجام شده.

نظر به اینکه تاکنون گزارشی در زمینه موارد فوق به این اداره کل نرسیده لذا به منظور روشن شدن موضوع مراتب جهت تحقیق به ساواک های تهران و فرمانداری کل لرستان منعکس گردید. پاسخ واصله از

ساواک تهران حاکی است که خبری از ارتباط رهبر حزب پان ایرانیست با طرفداران تیمور بختیار و افراد وابسته به جبهه به اصطلاح ملی سابق به آن ساواک واصل نگردیده و اظهار نظر شده تصور نمی رود مطالب فوق صحیح باشد. ساواک فرمانداری کل لرستان نیز اعلام نموده ملک شاهی مسئول موقت حزب پان ایرانیست خرم آباد چنین مسئله ای را تکذیب نموده و اظهار داشته است چنانچه دعوتنامه ای برای افراد ساکن خرم آباد فرستاده شود باید با اطلاع و به وسیله او ارسال گردد. با توجه به اینکه بجز نوربخش، اسکندری و محجوبی که ساکن بروجرد هستند سایر نامبردگان در تلگرافات معطوفی ساکن خرم آباد بوده و هیچ کدام ارتباطی با تیمور عراقی ندارند و طبق تحقیقات معموله نیز دعوتنامه ای ارسال نشده و به احتمال قوی مفاد گزارشات معطوفی که قطعاً منبع گزارش دهنده آن نیز ژاندارمری بروجرد می باشد صحیح نمی باشد. علیهذا مراقبت های لازم برای پی بردن به هرگونه فعل و انفعال حزب مزبور در بروجرد ادامه داشته و نتیجه به موقع به استحضار خواهد رسید.

نظریه:

طبق سوابق موجود ایده حزب پان ایرانیست ناسیونالیستی بوده و یکی از اصول آن طرفداری از بزرگداشت عظمت شاهنشاهی است و محسن پزشکپور که یکی از مؤسسین این حزب می باشد فردی است شاهدوست و میهن پرست و فعالیت هایی در گذشته علیه مخالفین رژیم سلطنتی انجام و در فرصت های مناسب سیاست های مدبرانه شاهنشاه آریامهر را در زمینه های مختلف مورد تأیید و تمجید قرار داده است. لذا بعید به نظر می رسد این

ص:۲۴۸

شخص با طرفداران تیمور بختیار در زمینه فعالیت علیه مصالح عالیه کشور ارتباط داشته باشد زیرا افراد حزب پان ایرانیست او را یک خائن نسبت به شاه و وطن می دانند و این موضوع با مرام این حزب کاملاً مغایر است.

موضوع ارتباط افراد وابسته به جبهه به اصطلاح ملی سابق و احزاب وابسته به آن تاکنون مورد تأیید واقع نشده ولی پس از مطرح شدن مسئله بحرین در مجلس شورای ملی و استیضاح دولت توسط گروه پارلمانی حزب مذکور چند فقره گزارش در زمینه تماس داریوش فروهر، رهبر حزب ملت ایران با نامبرده به این اداره کل واصل گردیده لیکن موضوع همکاری محسن پزشکپور با رهبر حزب ملت ایران در مورد بحرین

مورد تأیید قرار نگرفته است و پس از اینکه تذکراتی در زمینه جلوگیری از فعالیت حزب مذکور علیه اقدام دولت در بحرین به وی داده شده تا حدودی دستوراتی در مورد محدود کردن تلاش های عناصر حزب مزبور به عمل آورده است.

علیهذا با عرض مراتب فوق مفاد اطلاعیه مورد بحث صحیح به نظر نمی رسد. مستدعی است در صورت تصویب اجازه فرمایند شرح پیوست که در این زمینه تهیه گردیده به دفترویژه ارسال شود. موکول به اوامرعالی است.(۱)

به دنبال این گزارش ساواک طی نامه ای خطاب به دفتر ویژه اطلاعات با اشاره به سوابق طولانی حمایت و اعلام وفاداری حزب پان ایرانیست و شخص محسن پزشکپور به شاه و رژیم پهلوی (از اواخر دوران نخست وزیری دکتر مصدق به بعد) و نقش قاطع آن در دفاع از سیاست ها، عملکرد و موضع گیری های شاه در شئون مختلف داخلی و بین المللی که طی دهه ۱۳۴۰ نمود آن بیشتر و آشکارتر شده بود، تأیید کرد که، هیچ قرینه و مدرک قابل اعتنایی وجود ندارد که نشان دهد پزشکپور و حزب او با طرفداران تیمور بختیار و یا هواداران و اعضای جبهه ملی در سطوح مختلف ارتباط یافته باشند و بنابراین در موضوع وفاداری بدون شائبه اینان نسبت به شاه و رژیم پهلوی هیچ تردیدی نمی توان کرد.(۲)

هفته نامه خواندنیها که مدیرمسئول آن، علی اصغر امیرانی ارتباطی تنگاتنگ با ساواک

ص:۲۴۹

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

داشت، در مطلبی به قلم علی شعبانی(۱) از موضع دولت و حاکمیت در واگذاری بحرین به

شدت دفاع کرده و پان ایرانیست ها را مورد نکوهش قرار داد. در این مطلب که با عنوان «پارازیت» و در روز سه شنبه بیست و نهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ چاپ شده، چنین می خوانیم:

در جلسه روز پنجشنبه مجلس - که گزارش دولت در مورد بحرین مطرح بود – موقعی که یکی از نمایندگان اکثریت درباره آینده ایران و خلیج فارس سخن می گفت یکی از اعضای مینی فراکسیون پان ایرانیست وسط حرف ناطق، پارازیت انداخت.

نماینده اکثریت گفته بود که حل مسئله بحرین به ابتکار ایران ارتباط ما را با شیخ نشین ها خیلی نزدیک تر می کند... و نماینده پان ایرانیست ها پارازیت انداخته بود که خواهیم دید!

ما به درستی نمی دانیم که نماینده پان ایرانیست از رها کردن این پارازیت چه قصد و نیتی داشته است چون در فرهنگ فولکلور و اصطلاحات عامیانه زبان فارسی، اصطلاح خواهیم دید قابل تفسیر است ولی آنچه که از این اصطلاح در بادی امر متبادر به ذهن می شود نفی قضیه و طلب آرزو برای اثبات نفی آن است.

مثلاً وقتی کسی بگوید من در فلان کار موفق خواهم شد، کس دیگر اگر نسبت به او سمپاتی و حسن نیت داشته باشد خواهد گفت انشاءالله. ولی بر عکس اگر همین شخص نظری

جز سوء نیت نداشته باشد جواب خواهد داد خواهیم دید!

حال بازمی گردیم به جلسه روز پنجشنبه مجلس شورای ملی... در جلسه روز پنجشنبه موقعی که نماینده اکثریت پیش بینی یا آرزو می کرد که حل مسئله بحرین ارتباط ما را با شیخ نشین های خلیج فارس بهتر و نزدیکتر کند نماینده پان ایرانیست به اصطلاح سخیف خواهیم دید – سخیف از نظر مقام سخن – متوسل شد و به این ترتیب دست پان ایرانیست ها را رو کرد و نشان داد که در مورد بحرین و خلیج فارس حضرات «سرور»ها حسن نیت ندارند!

سیاست دولت شاهنشاهی ایران در سراسر منطقه خلیج فارس – که بحرین نیز جزء آن



---

۱- اخیراً داریوش همایون طی گفت و گویی با تلویزیون آمریکا مدعی شد، آن مقاله معروف «ایران و استعمار سرخ و سیاه» را که در هفدهم دی ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، همین علی شعبانی نوشته است.

است – مبتنی بر ایجاد حسن رابطه و تشیید مبانی دوستی و وداد و همکاری است و ظواهر امر نشان می دهد که ابتکار ایران در مورد بحرین تا حد زیادی در پیشبرد این سیاست مؤثر واقع شده است چنانچه تنها در طی چند روز اخیر چند قدم بزرگ در راه توسعه روابط ایران و شیخ نشین ها برداشته شد که از آن جمله است مسافرت و مذاکرات سودبخش حاکم ابوظبی به ایران، انعقاد و مبادله قرار داد تازه بین ایران و قطر در تهران و

همچنین اظهارات حاکم بحرین که از آن برای نخستین بار بوی خوش صفا و دوستی و برادری به مشام می خورد.

باش تا صبح دولتش بدمد/ کاین هنوز از نتایج سحر است

در چنین اتمسفر مساعد که با مساعی رهبر ایران در روابط ما و شیخ نشین های خلیج فارس به وجود آمده است و یقیناً ادامه و توسعه این موقعیت ممتاز کمال مطلوب هر ایرانی آزاده و وطن خواه است معلوم نیست که نیت واقعی نماینده پان ایرانیست از رها کردن پارازیت بی موقع خواهیم دید چه بوده است؟

آیا قصد او این بود که دولت و ملت ایران را از عواقب یک اقدام عاقلانه و واقع بینانه که دنیا روی آن صحه گذاشته است بترساند – که برای دولت و ملت ایران خط و نشان بکشد – که سرود باد مستان بدهد – که آرزو کند این اتمسفر مناسب و دوستانه در روابط ایران و شیخ نشین ها از میان برود و عناد و دشمنی بگیرد؟

آیا این ژست پارلمانی فراکسیون پان ایرانیست ها هم صدایی با دشمنان وطن ما نیست؟

دشمنان وطن ما که برای کمونیزم

بین المللی پادویی می کنند با آنکه ظاهراً مبارزه با استعمار سیاه از حربه های تبلیغاتی آنهاست چون ضدیت با ایران و ایرانی در رأس برنامه های اجرایی آنها قرار دارد در برنامه های تبلیغاتی اخیر خود بر طبق یک رسم جاری با اقدام ایران در مورد بحرین نیز مخالفت می ورزند.

نکته حائز اهمیت در این میان، وضع آن عده از دانشجویان ایرانی مقیم خارج است که کارت عضویت حزب پان ایرانیست را در جیب دارند. زیرا آنها از یک سو به خاطر وطنشان با پادوهای کمونیزم بین المللی دشمن هستند و از سوی دیگر با کمال تعجب می بینند که در مورد بحرین و خلیج فارس بین تظاهرات تبلیغاتی کمونیست ها و اظهارات لیدران پان ایرانیست در مجلس نوعی وجه تشابه و هم صدایی وجود دارد.

قدر مسلم این است که این جوانان پرشور که قلبی مالامال از عشق وطن در سینه دارند علیرغم لیدران خود در مجلس هرگز با دشمنان شناخته شده و امتحان داده وطن ما یعنی پادوهای کمونیزم بین المللی هم صدایی نخواهند کرد. چرا که آنها پان ایرانیست به معنی ظاهری آن نیستند بلکه پان ایرانیست به معنی واقعی و لغوی آن هستند. آنها به خاطر عضویت در حزب

پان ایرانیست با کمونیست ها ضدیت نمی کنند بلکه برعکس، به خاطر ضدیت با کمونیست ها به عضویت حزب پان ایرانیست درآمده اند – که گفته اند:

لا ـ لحب علی بل لبغض معاویه. این جوانان پرشور اینک که می بینند جناحی از حزب پان ایرانیست با دشمنان و بدخواهان شناخته شده وطنشان هم صدایی می کنند بدیهی است در این جریان جانب جناحی را خواهند گرفت که در مورد بحرین و خلیج فارس قضاوت واقع بینانه ای داشته است و دکتر صدر نماینده این جناح از حزب پان ایرانیست در مجلس است. به هر تقدیر، این دو کلمه خواهیم دید که آن روز در مجلس از دهان نماینده حزب پان ایرانیست خارج شد مانند تیری که از کمان رها شده باشد قابل برگشت نیست مگر اینکه نماینده محترم از صمیم قلب آرزو کند که حساب های او غلط از آب دربیاید!(۱)

در این میان ساواک در سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ اظهارات یکی از اعضای سفارت شوروی در تهران را ثبت کرده بود که احتمال می داد وظیفه محوله حاکمیت بر عهده حزب پان ایرانیست به پایان راه خود رسیده است:

به قرار اطلاع یکی از مقامات سفارت شوروی در ایران، ضمن اشاره به استیضاح

دولت آقای هویدا توسط گروه پارلمانی پان ایرانیست، اظهار داشته است:

«پان ایرانیست ها کاملاً ـ مورد بی مهری قرار گرفته اند. روزنامه خاک و خون توقیف شده و شعبه های حزب در استان خوزستان تعطیل گردیده و به احتمال قوی شعبات این حزب در اروپا نیز بسته خواهد شد. اما موضوع قابل تأمل این است که علت این رفتار چیست؟ آیا پان ایرانیست ها مرتکب اشتباهی شده و یا دولت را ناشیانه استیضاح کرده اند؟ یا اینکه مأموریت آنان به پایان رسیده و وظیفه ای را که بر عهده داشتند انجام داده اند و دیگر به



---

۱– هفته نامه خواندنی ها، س ۳۰، ش ۶۱، سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹، صص ۸–۷.

وجودشان احتیاجی نیست؟»(۱)

آنچه بود از اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ رهبران درجه اول و مسئولان محلی حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف به صراحت از سوی ساواک و شهربانی و دیگر مراجع حکومتی از برگزاری مراسم و جلسات حزبی منع شدند و تهدید شدند اگر از این دستورالعمل سرپیچی کنند دستگیر و بازداشت خواهند شد:

عصر روز ۲۸/۲/۴۹ آقای اکبر روناسی به عده ای از افراد وابسته به حزب پان ایرانیست در بروجرد اطلاع داده است جلسه ای که قرار بود در مطب عباس سرباز تشکیل شود به علت بیماری پدر وی به تعویق افتاده است ولی روز ۲۹/۲/۴۹ در

محل حزب جلسه هست و فعلی دبیر دبیرستان ۲۵ شهریور اظهار نموده که از طرف سازمان امنیت برای ما ایجاد خطر شده و جلسه تشکیل نمی شود. ضمناً عباس سرباز اظهار نمود که من هم به شهربانی بروجرد احضار شده ام و رئیس سازمان امنیت به من ابلاغ نمود که نبایستی از این به بعد جلسه تشکیل بدهید و رئیس شهربانی هم اظهار نمود که نباید دو به دو یا دسته جمعی در یک جا جمع شوید یا قدم بزنید که در این صورت دستگیر خواهید شد و اضافه نمود که قرار است در چند روز آینده سرور روناسی به تهران برود و تمام جریانات را به سرور پزشکپور رهبر حزب بگوید و کسب تکلیف نماید.(۲)

وقتی گروه ناشناسی با عنوان «جبهه رهایی بخش ملی ایران» طی اعلامیه ای مخفی ضمن حمایت از موضع گیری فراکسیون حزب پان ایرانیست در مجلس، حزب ایران نوین و حزب مردم را به دلیل رأی موافق به انتزاع بحرین از ایران به شدت مورد انتقاد قرار داده و اعضای آن در مجلس را به همراه دولت هویدا خائن دانست، ساواک کوشید میان این جبهه با حزب پان ایرانیست ارتباطی پیدا کند.

بدین ترتیب ساواک اصرار داشت که از هر فرصت ولو بی اهمیت و کوچکی بر ضد حزب پان ایرانیست بهره برداری کرده و آن را دستاویزی برای محدودیت بیشتر آن حزب قرار دهد. چنانکه در هفدهم خرداد ماه ۱۳۴۹ مأموری از این سازمان در این باره گزارش



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

کرده بود:

موضوع: وجود کتاب هایی از جبهه ملی و حزب توده در محل دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست. در بین کتاب ها و اوراق حزبی موجود در محل دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست تعداد سه جلد کتاب به نام های اساسنامه جبهه ملی – نشریه تعلیماتی جبهه ملی – انشعابیون حزب توده سخن می گویند و یک نشریه به نام اعلامیه نهضت مقاومت ملی ایران و همچنین سه برگ عکس دکتر محمد مصدق مشاهده شده است.(۱)

نصیری، رئیس ساواک در نوزدهم خرداد ماه ۱۳۴۹ از شهربانی کل کشور خواست تا مانع از تشکیل جلسات حزب مذکور شود:

با توجه به اینکه برگزاری کلیه اجتماعات بایستی با اجازه قبلی شهربانی کل کشور باشد علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید از تشکیل جلسات و هرگونه اجتماعات حزب پان ایرانیست در مرکز و شهرستان ها جلوگیری و نتیجه را به این سازمان اعلام دارند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد نصیری(۲)

مهمترین و کارآمدترین اعضای حزب پان ایرانیست بالاخص در تهران و شهرهای

بزرگ در نیروی گارد متشکل می شدند و گارد تنها بخشی بود که اعضای متشکل تر آن در تهران با نظر مساعد پزشکپور هنوز فعالیت داشتند. ساواک چگونگی و دلایل تداوم فعالیت این نیرو را دنبال می کرد. چنانکه وقتی مأموران آن سازمان در بیست و یکم خرداد ماه ۱۳۴۹ از قول عبدالله قنبری نیرودار این نیرو گزارش دادند «قرار است نیروی گارد از حالت کنونی خود خارج شود» و «مسئولیت های دیگری بر عهده بگیرد» و «ممکن است عده ای با نظر رهبر حزب از نیروی گارد از اداره کل سوم ساواک به نیروی دیگری انتقال داده شوند»،(۳) ساواک تهران خواست:

خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به تحولاتی که اخیراً در نحوه فعالیت حزب پان ایرانیست به عمل آمده، تعیین و اعلام دارند که منظور از اینکه قرار است مسئولیت هایی به عهده نیروی گارد حزب پان ایرانیست گذارده شود چیست؟ و ضمن انعکاس اطلاعات



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بیشتر در این زمینه چگونگی قدرت و امکانات نیروی گارد این حزب در حال حاضـر و مشخصات کامل افراد وابسته به نیروی مذکور را به این اداره کل اشعار دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم(۱)

ساواک می خواست فعالیت های غیرحزبی این افراد را محدود و به حداقل کاهش دهد؛ چندان که در همین راستا پزشکپور به رغم رأی بسیار بالا در انتخابات هیأت مدیره کانون وکلا، تحت فشار دولت هویدا و ساواک، ناگزیر از جریان انتخابات کناره گرفت و جز سکوت و عقب نشینی رسمی چاره دیگری پیش روی خود و حزب پان ایرانیست ندید.

پزشکپور در سی ام خرداد ماه ۱۳۴۹ صریحاً از اعضای حزب خواسته بود در آن وضعیت در برابر دولت و رقبای خود در جناح صدر سکوت کنند:

مجید ضامنی ضـمن مذاکرات خصوصـی اظهار داشـته محسن پزشکپور معتقد است که الآن صلاح نیست دانشجویان خارج از کشور درباره دکتر صدر اعلامیه بدهند چون حالا هویدا نظر خوبی با من ندارد و از طرفی در حال حاضـر جنگ بین فراماسون هـا و حزب پـان ایرانیست است و وقتی که حزب دولت را سؤال پیـچ کرد، ۵ نفر از افراد فرامـاسون جواب های بی سـر و تهی دادند. همچنین ۱۵ انجمن شـهر که قبلاً دست ما بود از ما گرفته انـد ولی عیب نـدارد زیرا معتقـد هستیم که باید دوباره اعتماد دسـتگاه را به خودمـان جلب کنیم و در یـک موقع مناسب تلافی کنیم. مشارالیه در مورد دکتر صـدر گفته است مـدت ۲ هفته همیشه دکتر صـدر اصـرار می کرد که مـا بایـد ورقه استیضـاح را پس بگیریم و حـال فهمیـده ایم که او چقـدر خیانت کرده و دسـتگاه خیـال کرده بود که اگر موجبـات انشـعاب را در حزب فراهم کنـد می توانـد تعـدادی از ماها را با خود ببرد ولی کور خوانده بودند باشد تا سر فرصت که جبران کنیم.

ملاحظات ۳۱۲-

۱- مجید ضامنی یکی از عناصر فعال حزب

پان ایرانیست بوده و فردی است که تا حدود زیادی مورد اعتماد محسن پزشکپور می باشد.

۲- منبع خبر قابل اعتماد بوده و به احتمال قریب به یقین مطالب و نظرات فوق از جانب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

محسن پزشکپور عنوان و به وسیله مجید ضامنی نقل قول شده است.

۳- روی کار آمدن حزب محافظه کار در انگلستان تا حدودی موجب خرسندی رهبران حزب پان ایرانیست گردیده زیرا آنها معتقدند که حزب محافظه کار به طور دربست سیاست خارجی حزب کارگر را دنبال نخواهد نمود و این امر باعث پایین آمدن وجهه دولت آقای هویدا و بهبود پرستیژ حزب پان ایرانیست خواهد شد و بدین جهت سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفته اند.(۱)

مقدم، مدیرکل اداره سوم ساواک در اول تیر ماه ۱۳۴۹ طی نامه ای خطاب به ساواک های استان ها و شهرهای مختلف ایران پی گیر نحوه رسوخ و کسب خبر از مجموعه فعالیت های حزب پان ایرانیست و خبرگیری از این احزاب و گروه ها شد. در این دستورنامه چنین آمده بود:

خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به تعیین موارد زیر اقدام مقتضی معمول و نتیجه را مشروحاً به این اداره کل اعلام نمایند.

۱) آیا جبهه به اصطلاح ملی سابق و احزاب و دستجات وابسته به آن (حزب ایران، حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، جامعه سوسیالیست های به اصطلاح نهضت ملی ایران، جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی و نیز طرفداران دکتر مصدق) و احزاب پان ایرانیست و زحمتکشان ملت ایران در منطقه استحفاظی آن ساواک دارای فعالیت تشکیلاتی و یا غیرمنظم می باشند یا خیر.

۲) در صورتی که احزاب و دستجات فوق در آن منطقه تحت هر عنوان و پوشش فعالیت دارند آن ساواک به چه طریق از این اهداف کسب خبر می نماید.

۳) آیا تاکنون از طرف آن ساواک به منظور استخدام منابع و رخنه و نفوذ این دستجات و کسب خبر از فعالیت های احتمالی آنان و نیز تعیین طرز فکر و افکار و عقاید عناصری که تحت عناوین فوق فعالیت مضره دارند چه اقداماتی صورت گرفته است.

۴) چنانچه تاکنون نسبت به استخدام منابع که قادر به کسب خبر از هدف های بخش ۳۱۲ این اداره کل اقدامی صورت نگرفته ضمن تعیین علل و چگونگی موضوع شایسته است که



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

به رهبران عملیات مربوطه آموزش لازم داده شود که با پی گیری و تلاش

لازم نسبت به نشان کردن و استخدام منابع ارزنده و مورد اعتماد که دسترسی کامل به افراد هدف داشته باشند اقدام و نتیجه را به این اداره کل اعلام نمایند.

مدیر کل اداره سوم – مقدم(۱)

در همین تاریخ در پاسخ استعلام ریاست شهربانی کل کشور از ساواک، سپهبد نعمت الله نصیری رئیس این سازمان خواستار «جمع آوری تابلوهای حزب پان ایرانیست» از سردر ساختمان ها، شعب و مراکز این حزب در سراسر کشور شد. با این حال هر از گاه خبر می رسید که اعضایی از حزب به بهانه های گوناگون در محل هایی غیر از دفاتر و شعب حزب جلساتی تشکیل داده و به انتقاد از دولت و حتی شخص شاه می پردازند. از جمله ساواک اهواز در یازدهم تیر ماه ۱۳۴۹ گزارش کرده بود:

به قرار اطلاع مدتی است که افراد حزب پان ایرانیست در اهواز چون نمی توانند در محل حزب اجتماع نمایند لذا به فکر تأمین محل های دیگر برای جمع شدن افراد حزبی پرداخته و از این راه به تبلیغات سوء خود ادامه می دهند و برای راه گم کردن و فرار از مجازات اداره کل آموزش و پرورش خوزستان را محل اجتماع خود قرار داده اند و در این زمینه صفارپور لیدر حزب و دبیر سابق کمیته پیکار با بیسوادی در استان خوزستان و هوشنگ نظری رئیس اداره بودجه آموزش و پرورش و مأمور اجرایی حزب و آقای شهریار کارمند

اداره بودجه و سرپرست روزنامه خاک و خون در اهواز فعالیت می نمایند. همچنین عده ای دیگر از رؤسای حوزه ها و اعضای حزب به نام دیدار از هم هر روز در دفتر کار هوشنگ نظری جلساتی تشکیل و مطالبی خلاف مصالح کشور مطرح می نمایند. به طوری که چند روز قبل هوشنگ نظری اظهار داشته که اگر مخارج مسافرت های پی در پی شاهنشاه آریامهر را جمع آوری و در اختیار فقرا و مساکین قرار دهند فقیری در مملکت پیدا نمی شود و یا اگر مخارجی که برای پذیرایی از سران دیگر ممالک به خصوص شیخ نشین های خلیج فارس مصرف می شود در راه عمران و آبادی کشور مورد استفاده قرار گیرد کشور ما از این حالت فقر و عقب افتادگی درخواهد آمد. متأسفانه هیچ کس در این کشور به فکر مملکت و ملت



---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نیست جز در نظر گرفتن سود شخصی و منافع فردی.

ملاحظات:

۱- با در نظر گرفتن مفاد گزارش خبری شماره ۵۳۱۸/ه ۴/۴/۴۹ آن ساواک و اظهارات محمدحسین آدمیت مبنی بر اینکه حزب پان ایرانیست فعالیت های خود را به صورت زیرزمینی در اهواز و خرمشهر و آبادان دنبال می نماید لذا ضرورت دارد

با پیگیری موضوع صحت و سقم خبر فوق تعیین و چگونگی فعالیت کنونی این حزب مشخص شود.

۲- هرگونه سوابق و مشخصات کامل ملصق به عکس هوشنگ نظری مورد نیاز می باشد.

۳- اعمال و رفتار افراد این حزب به ویژه محمدحسین آدمیت و پاکباز را تحت مراقبت قرار داده و چگونگی را به موقع اعلام دارند.(۱)

در این میان هنوز ساواک مراقب بود موضوع تحت فشار قرار گرفتن حزب پان ایرانیست موجبی برای ارتباط یافتن دستگاه رهبری این حزب با مقامات سیاسی و اطلاعاتی برخی کشورهای خارجی نظیر شوروی، عراق و آلمان غربی نشود. از جمله بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک در دهم تیر ماه ۱۳۴۹ گزارش کرده بود:

محترماً به استحضار می رساند.

سابقه – گزارش خبری مورخه ۲۴/۲/۴۹ واصله از اداره کل هشتم حاکی بود که مقامات سفارت عراق پس از بحرانی شدن روابط دو کشور ایران و عراق اقداماتی معمول داشته اند که از جمله نفوذ در بین مردم و کسب اطلاع از وضع حزب پان ایرانیست و دانشگاه تهران می باشد. همچنین در مذاکرات خود اشاره نموده اند «ما باید برای جلب همکاری تعدادی از دانشجویان عراقی دانشگاه تهران فعالیتی

را آغاز نماییم و در بین مردم هم شایعات مشابهی را از طریق چند نفر دانشجو یا کارگر و کاسب در شهر منتشر کنیم و ببینیم این عمل تا چه حد افکار مردم را تعویض می کند و میزان تأثیر آن تا چه حد می باشد. یقین داریم این طرح با موفقیت مواجه می شود چون از طریق دانشجویان امکان دارد کارگران را به جنبش درآوریم.»

ضمناً اداره کل هشتم یادآور شده بود که مراتب به عرض تیمسار ریاست ساواک رسیده



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

است.

اقدامات انجام شده: به منظور روشن شدن صحت و سقم خبر فوق و به دست آوردن سرنخ های احتمالی به ساواک تهران اعلام گردید که به نحو مقتضی تحقیقات کاملی در این زمینه به عمل آورد.

اینک ساواک تهران اشعار داشته است که تاکنون در زمینه خبر مورد بحث در حزب پان ایرانیست قرائن و شواهدی مشاهده نشده لیکن طبق گزارشات واصله اکثر دانشجویان منحرف به برنامه های فارسی رادیو عراق گوش می دهند و تبلیغات این رادیو اثرات سوئی در بین دانشجویان مزبور داشته است، به طوری که اغلب شعارهای اعلام شده و یا روزهایی را که

مورد نظر بوده و رادیو عراق آنها را یادآوری می نماید دانشجویان بازگو می کنند. مراتب جهت استحضار به عرض رسید.(۱)

مأمور دیگری از ساواک هم نسبت به علاقه مند شدن مقامات سفارت آلمان غربی به موضوع حزب پان ایرانیست در نهم تیر ماه ۱۳۴۹ چنین هشدار داده بود:

موضوع – دیپلمات های آلمان در ایران و حزب پان ایرانیست

شولر کاردار سفارت آلمان ضمن بحث در مورد مسائل داخلی و خارجی اشاره به حزب پان ایرانیست کرد و گفت شنیده ام دکتر صدر مجدداً حزب خود را با تشکیلات مناسب تری برپا خواهد کرد.

ملاحظات: به طور کلی مقامات آلمانی نسبت به مسائل مربوط به حزب پان ایرانیست توجه خاصی داشته و سعی می نمایند در این زمینه اطلاعاتی کسب نمایند و ملاقات سفیر آلمان با محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست به دنبال زد و خورد دانشجویان ایرانی در آلمان مؤید این مطلب می باشد.(۲)

در این میان به رغم آنکه پیش از آن ریاست ساواک طی نامه ای خطاب به شهربانی کل کشور خواستار برچیده شدن تابلوهای حزب پان ایرانیست از سردر ساختمان ها و مراکز

این حزب در شهرهای مختلف شده بود، بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک طی نامه ای به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تاریخ دهم تیر ماه ۱۳۴۹ به مدیرکل اداره سوم درباره پیامدهای این اقدام، چنین هشدار داد:

محترماً به استحضار می رساند.

منظور – شهربانی کل کشور نظریه ساواک را در مورد جمع آوری تابلوهای حزب مزبور استعلام نموده است.

سابقه – به دنبال استیضاح فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست از دولت در مورد مسئله بحرین در اجرای اوامر صادره به کلیه ساواک ها و همچنین به شهربانی کل کشور اعلام گردید که از تشکیل جلسات و هرگونه اجتماعات افراد این حزب ممانعت به عمل آورند.

اینک شهربانی کل کشور در زمینه اقدامات فوق نیز نظریه این سازمان را خواستار شده است.

نظریه – با توجه به اینکه حزب پان ایرانیست در حال حاضر یکی از احزاب قانونی کشور بوده و به عنوان حزب اقلیت کرسی هایی را در مجلس شورای ملی در اختیار دارد و از طرفی به سبب اینکه مسئله بحرین در سطح جهانی مطرح بوده و افکار عمومی متوجه اقدامات و تصمیمات دولت ایران و مخالفت های حزب پان ایرانیست در این باره گردیده لذا

چنانچه اقدام به جمع آوری تابلوهای این حزب شود عناصر مخالف و فرصت طلب این موضوع را مستمسک قرار داده و احتمالاً تبلیغات دامنه داری را علیه دولت ایران به ادعای اینکه به خاطر مورد استیضاح قرار گرفتن از طرف حزب پان ایرانیست دستور انحلال آن را که از وظایف قوه مقننه است صادر نموده آغاز و بهره برداری خواهند کرد. علیهذا به نظر این بخش اصلح است به شهربانی کل کشور پاسخ داده شود که در حال حاضر جمع آوری تابلوهای حزب مذکور ضرورتی نداشته لیکن با در نظر گرفتن اینکه اعضای این حزب در جلسات متشکله مطالبی خلاف مصالح کشور مطرح می نمایند از تشکیل جلسات و هرگونه فعالیت های آنان شدیداً جلوگیری به عمل آورند. مستدعی است در صورت تصویب اجازه فرمایند مراتب به همین نحو به شهربانی کل کشور اعلام گردد. موکول به اوامر عالی است.(۱)

اما این اظهار نظر کارشناسانه مورد توجه مقامات مافوق ساواک قرار نگرفت و هر چه



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

زمان بیشتری سپری می شد مسئولان و اعضای حزب در شهرهای مختلف بیش از پیش حضور پیدا و پنهان مأموران ساواک را در جلسات و فعالیت های حزبی و سیاسی خود احساس می کردند. با این حال هر از گاه خبرچینان و مرتبطین با ساواک مورد شناسایی

مسئولان و اعضای وفادار حزب قرار گرفته و به طرق گوناگون از اجتماعات حزبی طرد می شدند؛ از جمله در یازدهم تیر ماه ۱۳۴۹:

ابراهیم میرانی یکی از افراد حزب پان ایرانیست اظهار داشت مدت شش ماه است که شخصی به نام خسرو پرویز امیری به محل حزب تردد و در جلسات حزبی ما نیز شرکت می نماید او از افراد حزب ایران نوین و یکی از مأمورین سازمان امنیت می باشد که جهت کسب خبر به حزب ما آمده ولی من روز گذشته به او صراحتاً گفتم که تو مأمور ساواک هستی و دیگر به این محل تردد نمی نماید.(۱)

در همین تاریخ مأمور دیگری از ساواک هم گزارش کرده بود:

روز چهارشنبه مورخه ۳/۴/۴۹ محمدحسین آدمیت به خانه یامین یامین پور یکی از اعضای حزب پان ایرانیست مراجعه و ضمن اظهار تنفر از محمد تیمور اضافه نموده بایستی از صفارپور مسئول حزبی خوزستان دعوت کنیم که به دزفول آمده و تیمور را به نام یک فرد خائن و خیانتکار به حزب معرفی نماییم. چون با وضع اخیری که پیش آمده متوجه شدیم علت اینکه ما نتوانسته ایم در مورد بحرین فعالیتی انجام دهیم و برنامه پیش بینی شده قبلی

را اجرا نماییم دورویی و دورنگی تیمور بوده چون از یک طرف برنامه حزبی طرح و از طرف دیگر به طور مخفی با سازمان امنیت دزفول تماس می گرفته و ضمن اینکه برنامه ها را گزارش می کرده از سازمان مذکور صلاحدید می کرده آیا برنامه های حزبی را انجام دهیم یا خیر؟ و در مورد بحرین سازمان امنیت بلافاصله قبل از هر اقداماتی از فعالیت های ما در مورد بحرین جلوگیری کردند و من تازه متوجه می شوم تیمور شخصاً با سازمان همکاری دارد.

ملاحظات – محمد تیمور تاکنون به این ساواک احضار نشده است، چون طبق دستور از مرکز از برنامه ها و فعالیت های حزب پان ایرانیست جلوگیری می گردید و نیز چون این

ص:۲۶۱

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساواک با نفوذ کامل خود بین اعضا از هرگونه فعل و انفعالات آنان مطلع می گردید لـذا آدمیت و سایرین درصدد شناسایی منبع گردیدند [برآمدند]. ضمن آموزش هایی که به منبع داده شد با استفاده از اختلاف بین تیمور و آدمیت به طور غیرمحسوس تیمور به عنوان همکار با ساواک بین اعضا معرفی و از سوخته شدن

منبع جلوگیری به عمل آمد.(۱)

اعضای حزب متوجه می شدند که به فاصله بسیار کمی پس از پایان جلسات و نشست های حزبی تقریباً تمام مسائل مورد بحث در آن جلسات با جزئیات کامل در اختیار ساواک و احیاناً شهربانی قرار گرفته و به دنبال آن موج جدیدی از تهدیدات، هشدارها و آزاررسانی های ساواک ادامه فعالیت های آنها را غیرممکن می ساخت.

روز ۱۶/۴/۴۹ ساعت ۰۰/۱۶ آقایان ابراهیم قیاسیان و افضل مرادیان در بازار دوگنبدان با یکدیگر مشغول گفتگوی دوستانه بودند. ضمن صحبت قیاسیان اظهار داشت چند روز پیش مرا به ساواک احضار کردند و آن طور که استنباط نمودم ساواک از هر گونه فعالیت ما اطلاع دارد و دوستان حزبی کم و کیف جریان شبی را که در منزل من جلسه تشکیل شده بود به اطلاع ساواک رسانده اند. نامبرده با ناراحتی اضافه نمود که به شدت از اعضا و افراد آن در دوگنبدان متنفر است و به هیچ وجه حاضر نیست که با دو نفر فرد حزبی صحبت نماید. مرادیان در جواب دوستش گفت به عقیده من باید تا وضع حزب روشن نشده از هرگونه فعالیتی خودداری نمود. قیاسیان ضمن تأیید این موضوع گفت مرا آقای مهندس کرمانی در آبادان مجبور ساخت که به دوگنبدان بیایم و به وضع حزب و

نیروها رسیدگی کنم و ایشان (مهندس رضا کرمانی) هر چه اصرار کردم که مرا از این مأموریت معاف دارد ولی قبول نکردند.

نظریه شنبه: با احضار قیاسیان به ساواک و دادن تذکراتی به نامبرده روحیه و طرز فکر وی به کلی عوض شده به طوری که از ملاقات و تماس با دو نفر فرد حزبی ابا داشته و نسبت به همه اعضا بدبین شده است.

نظریه یکشنبه: ضمن تأیید نظریه شنبه، قیاسیان در مورد مأموریت خود به دوگنبدان به منظور تشکیل دادن نیروها تناقض گویی کرده است. چون در ساواک اظهار داشته که از



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

طرف مسئولین مربوطه در مرکز چنین مأموریتی به وی محول شده و حال آنکه به دوستش (مرادیان) گفته که او را مهندس رضا کرمانی در آبادان وادار به این کار کرده است.

به هر حال مراقبت از اعمال و رفتار نامبرده کماکان برقرار بوده و نتیجه نیز به موقع گزارش خواهد شد.

نظریه سه شنبه: اظهارات قیاسیان مبنی بر احضار وی به ساواک مورد تأیید بوده. ضمناً تصور می رود تذکرات داده شده به نامبرده در وی مؤثر واقع شده.

نظریه ۱۸ ه : به طوری که فحوای مفاد خبر و نظریات اظهار شده نشان می دهد احضار نامبرده به ساواک و تذکرات لازم به وی روش مشارالیه را به کلی تغییر داده است.(۱)

به رغم آنکه روزنامه ارگان حزب، خاک و خون، مدت ها قبل توقیف شده بود، اما به دلایل شبه قانونی هنوز تابلوهای این روزنامه بر سردر محل های کار که در زمان فعال بودن آن نصب شده بودند همچنان خودنمایی می کرد. نصیری در نامه ای که در بیست و پنجم مرداد ماه ۱۳۴۹ خطاب به شهربانی کل کشور نوشت، دلیل اجتناب از جمع آوری تابلوهای روزنامه خاک و خون را چنین یادآور شد:

جمع آوری تابلوهای حزب پان ایرانیست از نظر این سازمان بلامانع می باشد. و در مورد جمع آوری تابلوهای روزنامه خاک و خون چون امتیاز روزنامه مزبور رسماً به نام محسن پزشکپور صادر گردیده لذا جمع آوری تابلوهای این روزنامه موکول به زمانی خواهد بود که امتیاز روزنامه مورد بحث از طرف وزارت اطلاعات لغو گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور – سپهبد نصیری(۲)

برخی اعضا و مسئولان حزب پان ایرانیست در شهرهای گوناگون برای در امان ماندن از آزارهای ساواک و یافتن فرصت های مطلوب تر سیاسی، اداری و احیاناً اقتصادی حزب

مذکور را واگذاشته و عضویت حزب همیشه در اکثریت ایران نوین را پذیرا می شدند و افرادی اندک تر از این فرصت طلبان، حزب ضعیف تر مردم را برمی گزیدند. چنانکه یک بار ساواک گزارش کرده بود (به تاریخ بیست و ششم مهر ماه ۱۳۴۹) در شهرستان ماهشهر و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

قریه کوره ها:

مدتی است که حزب مزبور فعالیت ندارد و درب آن بسته شده، ضمناً پرویز هلیسائی سرپرست حزب پان ایرانیست عضو حزب ایران نوین شده و سیدکشکول هاشمی سرپرست این حزب در کوره ها نیز قبلاًـ عضو حزب ایران نوین و سپس در موقع انتخابات عضو حزب مردم گردیده است.(۱)

شعارنویسی های اعضای حزب پان ایرانیست در دفاع از عملکرد این حزب و اغماض ساواک و دیگر مراجع دولتی از تحت تعقیب قرار دادن نویسندگان این شعارها حاکی از آن بود که به تدریج از دامنه سخت گیری ها نسبت به حزب پان ایرانیست کاسته خواهد شد. ساواک در بیست و هفتم آبان ماه ۱۳۴۹ در این باره گزارش داده بود:

افرادی که در نوشتن شعارها و پخش تراکت حزب پان ایرانیست فعالیت دارند عبارتند از سهراب زنگنه، جمشید و بهروز جوان روزگار و اشخاص منظور با قلم ماژیک و آرم مخصوص حزب در جاهای مختلف شهر تراکت ها و شعارهایی نوشته اند و شعارها از کتاب های پان ایرانیست توسط دوشیزه الهه اردلان و احمد طهماسبی جمع آوری و در اختیار آنان گذاشته شده است و تنظیم

و تهیه برنامه توسط ابراهیم میرانی انجام و علی زورچنگ نیز مأموریت دارد از محلی که در نظر دارند شعارها و تراکت ها را پخش نمایند بازدید و پس از اینکه اطمینان حاصل نمود که کسی آنان را تعقیب نمی نماید به کار خود ادامه می دهند.(۲)

## انجمن های شهر و مجلس

مدت کمی پس از رأی منفی فراکسیون پان ایرانیست به طرح تجزیه بحرین و استیضاح دولت هویدا، در نوزدهم فروردین ماه ۱۳۴۹، حسن زاهدی وزیر وقت کشور دستور داد در تمام پنج شهری که پان ایرانیست ها به دلیل تفوق عددی انجمن های شهر را مدیریت می کردند، انجمن های مذکور منحل شود. دستور وزیر کشور به سرعت اجرا شد. ساواک در گزارشی هشداردهنده و اینکه اقداماتی از این دست تبعات ناخوشایندی در میان افکار

ص:۲۶۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

عمومی کشور ایجاد می کند، نوشت:

در هفته گذشته در استان خوزستان موضوع بحرین و استیضاح دولت توسط حزب پان ایرانیست مسئله روز بود خصوصاً از نظر عکس العملی که دولت نسبت به این استیضاح نشان داد موضوع عمیقاً حائز اهمیت گردید. در شهرستان خرمشهر متعاقب استیضاح دولت و پاسخ نخست وزیر انجمن شهر که در دست حزب پان ایرانیست بود و شهردار پان ایرانیست آن آقای کرمانی

برکنار شد و یک مورد اعلام جرم نیز بدرقه راه او گردید. در شهرستان شوشتر نیز انجمن شهر منحل و شهردار پان ایرانیست برکنار و شخص دیگری را جانشین او نمودند. در شهرستان اهواز در اداره کل آموزش و پرورش تغییرات و انتصاباتی صورت گرفت که از آن جمله آقای صفارپور عضو فعال حزب پان ایرانیست که دبیر کمیته ملی پیکار با بیسوادی بود و در انتخابات گذشته پارلمان کاندیدای حزب مذکور در اهواز بود از کار برکنار گردید.

به دنبال این تغییرات و انتصابات اقداماتی نیز در زمینه بستن کلوپ های حزب مذکور صورت گرفت که یک سلسله تفسیر و شایعات را به دنبال داشت. در محافل مردم قضاوت ها متفاوت بود، خصوصاً آنهایی که نسبت به حزب پان ایرانیست بی تفاوت هستند این طور قضاوت می کنند که عکس العمل دولت مردم را از گرایش به احزاب سیاسی دور می سازد چون تا دیروز که سیاست مملکت ایجاب می نمود پان ایرانیست ها از صندوق انتخابات بیرون [می] آمدند و امروز که سیاستشان با سیاست دولت منطبق نیست یک باره مغضوب می شوند و از مقامات کشوری برکنار

می گردند و حزب آنها به صورت نیمه تعطیل درمی آید.(۱)

گذشته از این «تصفیه دولت هویدا از پان ایرانیست ها»، امکان شرکت آنان به عنوان کاندیدای آن حزب در انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی که برای اولین بار در سال ۱۳۴۹ برگزار می شد نیز از بین رفت.(۲)

راندن حزب پان ایرانیست پزشکپور از عرصه سیاسی و اجرایی کشور در آن زمان در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

واقع عملی شدن همان سخن تهدیدآمیز هویدا در جلسه پاسخ به استیضاح پزشکپور بود که گفت: «این آخرین ترانه من است». این جمله مدت ها در محافل سیاسی و مطبوعاتی نزدیک به دولت و حاکمیت و نیز در میان اعضا و هواداران حزب پان ایرانیست نقل و مورد تفسیر و تعبیر قرار می گرفت. به تبع آن پزشکپور و یاران او به طرق گوناگون می کوشیدند این سخن هویدا را در سرنوشت سیاسی آتی خود و حزبشان ناچیز جلوه دهند. چنانکه در جریان میهمانی جشن تولد پزشکپور در سیزدهم اسفند ماه ۱۳۴۹:

در ابتدا نوار ترانه های مختلف و سه بار ترانه ایران زمین مخصوص حزب به وسیله ضبط صوت پخش و همگی با هم می خواندند. بعد از صرف شام از دکتر محمدرضا عاملی خواهش شد که درباره آخرین ترانه من که در جلسه شورای ملی آقای نخست وزیر به آن اشاره کردند صحبت نماید ولی چون دکتر عاملی در خوردن مشروب زیاده روی نموده بود در این باره صحبت نکرد. فقط اظهار داشت نه اولین ترانه است و نه آخرین ترانه چون ۲۸ سال پیش اولین ترانه بود

و حال تازه به اوج ترانه خوانی رسیده ایم و از این ترانه ها زیاد خواهیم خواند! بگذارید دیگران هر چه می خواهند بگویند. سپس محسن پزشکپور اضافه نمود نظریه در مورد آخرین ترانه این است که وقتی ایشان گفتند که این آخرین ترانه من است بدانید که به سخنران برمی گردد.(۱)

پزشکپور یک بار مدعی شد: «آقای هویدا به ما می گفتند این آخرین ترانه شماست. مگر ترانه ما چیست؟ ترانه ما آزادگی ملت ایران است و تا یک پان ایرانیست وجود دارد این ترانه را می خواند».(۲)

از جمله حوادثی که در واپسین دوره فعالیت دوره بیست و دوم مجلس شورا روی داد اخراج هوشنگ طالع از اعضای فراکسیون پان ایرانیست از صحن علنی مجلس توسط عبدالله ریاضی رئیس مجلس بود که به دنبال درگیری لفظی میان او و چند تن از نمایندگان عضو فراکسیون ایران نوین رخ داد و در پی آن دیگر اعضای فراکسیون پان ایرانیست با سر و صدا و جار و جنجالی که از سوی حامیان آنها در لژ تماشاچیان



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مجلس حمایت می شد به اعتراض صحن مجلس را ترک کردند. ساواک طی گزارشی هشدارآمیز جریان مذکور را چنین منعکس کرد:

ساعت ۳۰/۱۹ روز ۲۳/۳/۵۰ محسن پزشکپور – دکتر محمدرضا عاملی تهرانی – هوشنگ طالع – ابراهیم میرانی – مهدی صفارپور – محمد جهانگیری – بهاءالدین هاتفی – فرج الله نیک آمال – فراهانی – سهراب زنگنه – تقی رحیمی – حسن طلائی – مهدی ظفری –

ابراهیم قیاسیان – عبدالحمید معصومی و چند نفر دیگر در محل حزب پان ایرانیست حضور داشتند. دکتر طالع در مورد اخراج خود از جلسه مجلس شورای ملی برای آقایان اظهار داشت ما نهایت آرزو داشتیم که رئیس مجلس دستور اخراج از جلسه را بدهد زیرا که این اخراج قانونی نبود و اخراج باید با تأیید کلیه نمایندگان صورت پذیرد. ضمناً میرانی – فراهانی – زنگنه – دوشیزه نازیلا خسروی اظهار می داشتند که به محض خروج نمایندگان پان ایرانیست از مجلس کلیه افراد پان ایرانیست با سر و صدای بسیار لژ تماشاچیان

را ترک نمودیم و این مسئله باعث بر هم خوردن مجلس شورای ملی برای چند دقیقه گردید. جلسه فوق العاده به دستور رهبر حزب در ساعت ۰۰/۲۰ روز ۲۳/۳/۵۰ با خواندن سرآغاز حزبی در محل حزب پان ایرانیست شروع گردید. محسن پزشکپور وقایع مجلس شورای ملی را که در روز ۲۳/۳/۵۰ در مورد اخراج یکی از نمایندگان پان ایرانیست اتفاق افتاده بود به طور کامل جهت آگاهی افراد بیان نمود و این عمل رئیس مجلس را غیرقانونی و خارج از نزاکت نام برد و از افراد خواستند که سرسخت تر از همیشه در راه

پان ایرانیست قدم بردارند و در پایان اظهار داشت که فردا صبح محمدرضا عاملی و هوشنگ طالع به حوزه های انتخاباتی خود عزیمت خواهند نمود و روز پنجشنبه ۲۷/۳/۵۰ نیز کنفرانس در دفتر مرکزی حزب برگزار خواهد شد.

نظریه یکشنبه – با توجه به دسترسی شنبه به هدف به صحت گزارش وی می توان اعتماد نمود.

نظریه چهارشنبه – ۱- نظریه یکشنبه مورد تأیید می باشد.

۲- برخورد لفظی بین دکتر طالع نماینده حزب پان ایرانیست در جلسه علنی مجلس شورای ملی مورخه ۲۳/۳/۵۰ با عده ای از نمایندگان اکثریت و اخراج وی از جلسه علنی وسیله آقای مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای ملی در بین افراد حزبی مورد بحث و

تفسیر قرار گرفته و عکس العمل بدی در آنان ایجاد نموده و اظهار می دارند که این عمل مغایر با نظامنامه مجلس شورای ملی است و حتی عده ای از افراد غیرحزبی نیز در این مورد از نماینده حزب پان ایرانیست پشتیبانی می نمایند و اصلح است چنانچه صدق اظهارات آنان مورد تأیید می باشد اوامری صادر گردد که اخطاری در این مورد به مقامات مربوطه

داده شود زیرا عده زیادی نسبت به دستگاه بدبین و انعکاس مطلوبی در بین مردم نخواهد داشت.(۱)

اقدام عبدالله ریاضی در اخراج هوشنگ طالع از مجلس رهبران حزب پان ایرانیست را قلباً سخت شادمان ساخته بود و در محافل حزبی و خصوصی مدعی شدند «همه جا از ما تعریف می شود»! پان ایرانیست ها این واقعه را پیروزی بزرگ و درخشانی برای خود برمی شمرند که در برابر اکثریت مجلس شورا و دولت هویدا حاصل آنان شده است، و البته چنین نبود.(۲) جز آنچه آمد تا پایان دوره بیست و دوم مجلس شورا واقعه قابل اعتنای دیگری که اعضای فراکسیون کوچک پان ایرانیست ها در آن نقشی ایفا کنند، رخ نداد.

## تسلیم نهایی

پان ایرانیست های پزشکپوری در ماجرای بحرین، فرصتی پیدا کردند تا با های و هوی و جنجال، بر سر موضوعی که می توانست افکار عمومی و حمایت مردم را به دنبال داشته باشد، از این نمد کلاهی برای خود بدوزند. پزشکپور حتی از ایجاد محدودیت هایی برای دفاتر حزب و توقیف روزنامه و اخراج یکی از «نمایندگان عضو حزب پان ایرانیست» از مجلس، ابراز شادمانی می کرد به این امید که مردم قانع شوند که آنچه در جریان است جنگ زرگری نیست و حزب پان ایرانیست و «سرور پندار» را جدّی بگیرند. غافل از اینکه در نظام شاهنشاهی آریامهری مردم چنان به همه رفتارهای حاکمیت بی اعتنا و بدبین بودند، که حتی اتخاذ و مواضع بحق و به نفع حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور را عیناً «جنگ زرگری» برای سرگرم نمودن مردم، می دانستند؛ به خصوص که «مخابره تلگرام



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

به پیشگاه شاهنشاه» بخشی از این فعالیت ها بود. امید حزب پان ایرانیست به حل مشکل به دست «شاهنشاه» امیدی واهی بود.

در ساعت ۰۰/۱۹ روز شنبه ۱۵/۱/۴۹ جلسه

نیروی کارمندی حزب پان ایرانیست اهواز با شرکت قریب ده نفر از اعضا، منجمله حسین عطوان (شهریار). محمد جهانگیر. محمود سلیمانی. حسن آصف. شریف قاطع و غلامحسین آصف و عبدالی در محل دفتر حزب تشکیل بوده است. در این جلسه حسین عطوان (شهریار) پیرامون جریانات روز موضوع بحرین. اظهارات محسن پزشکپور رهبر حزب مزبور در مجلس شورای ملی درباره بحرین و توقیف شماره اخیر روزنامه خاک و خون سخن گفته و اظهار داشته همان طوری که اطلاع دارید شماره اخیر روزنامه خاک و خون ناشر افکار حزب چون حاوی اظهارات پزشکپور بوده توقیف شده و احتمال دارد شماره های بعدی نیز توقیف شود ولی ما فعلاً بر همان روش و تاکتیک قبلی هستیم یعنی دفتر حزب مفتوح است و جلسات حزبی هم کمافی السابق تشکیل خواهد شد و موضوع مهم در شرایط فعلی این است که بحرین برای ما یک مسئله حیاتی است و نظر ما در مورد بحرین همان است که رهبر حزب در مجلس شورای ملی گفته و این نشان می دهد که اولاً ـ ما انضباط داریم و در ثانی حزب ما بر همان اصول مکتب پان ایرانیسم گام برمی دارد. توقیف روزنامه باعث شد که ارزش حزب ما

در اجتماع بالا برود و خیلی ها که تا به حال تصور می کردند ما با حکومت جنگ زرگری داریم بفهمند که ما حزبی هستیم استوار و متکی بر اصول و افکار پان ایرانیسم. ما پان ایرانیست ها دفاع و حمایت از رژیم شاهنشاهی جزو اصول اعتقادی و فکری ما است، بنابراین باید دانست که ما با دولت اختلاف داریم نه با شاهنشاهی مملکت. به همین جهت اعضای حزب وظیفه دارند سیاست حزب را برای افراد روشن و تشریح نموده تا همه آن را درک کنند و توهماتی حاصل نشود. نکته دیگر اینکه هر کدام از ما باید تلگرافی به پیشگاه رهبری مملکت مخابره و در آن حقوق ملت ایران را در بحرین تأکید و قبض این تلگراف را به دفتر حزب تسلیم نماییم. دیگر اینکه ما درصدد تهیه طومار و جمع آوری امضا پیرامون حاکمیت ایران بر بحرین هستیم که بعداً آن را به مرکز ارسال خواهیم داشت.(۱)

ص:۲۶۹

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در روز چهاردهم فروردین ماه ۱۳۴۹ و در جمع دیگری از اعضای حزب پان ایرانیست یکی از مسئولان حزب پان ایرانیست به شرح زیر سعی کرده بود شخص شاه را از اتهام موافقت با طرح تجزیه بحرین از ایران مبرا جلوه داده و اظهار امیدواری کند که سرانجام هم او مانع از عملی شدن آن طرح خائنانه شود:

درست است که طبق قرارداد گلستان نیز قسمت دیگری از خاک میهن ما باز تجزیه شد ولی این مسائل [مربوط] به زمان حکومت ضعیف قاجاریه بوده اما امروز که سیاست مستقل ملی ایران ملاک عمل است نباید قطعه دیگری از خاک ما تجزیه شود. شاهنشاه فرموده اند از وجب به وجب شن زارها و آب شور دریاها با ناخن و چنگال دفاع می کنیم. باید بدانیم دولت فعلی از فرمایشات شاهنشاه چه استنباطی دارد. مفهوم واقعی رفراندوم این است که مردم در آزادی کامل بتوانند اظهارنظر کنند نه زیر نفوذ شیخ غاصب بحرین. حکومت حزبی ایران نوین سند تجزیه بحرین را به [ناخوانا] می برد. شما پیچ هر کدام از این رادیوها و فرستنده های کشور را باز کنید در این شرایط سخت و غم انگیز هیچ سخنی از بحرین شنیده نمی شود. از عملیات فداییان فلسطین و گواتمالا ـ و ویتنام و آمریکای لاتین و غیره و غیره از رادیوها صحبت است ولی چرا از مبارزات دلیرانه هم میهنان ما در بحرین سخنی گفته نمی شود. همان طوری که رهبر حزب سرافراز و دلیر ما محسن پزشکپور در مجلس شورای ملی گفت گورستان های بحرین جسد هزار ایرانی

وطن پرست را که به جرم ایران دوستی با ایران جان از کف داد ه اند در برگرفته است و بدن های آنها با گلوله های استعمار مشبک شده و به غل و زنجیر کشیده شده اند ولی باز هم گفته اند ایران ما. امیدواریم که دست توانای رهبر مملکت از آستین بیرون بیاید و مانند گذشته که در مواقع حساس با قاطعیت مسائل را حل و فصل می فرمودند امروز هم این مسئله را به نفع ملت ایران و حاکمیت ایران حل فرمایند. ما این امید را بسیار داریم.(۱)

همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، محسن پزشکپور بیش از هر کس دیگری از موافقت شاه با انتزاع بحرین از ایران مطلع بوده و از همان آغاز نومیدانه می کوشید بلکه جهت عملی نشدن آن طرح آخرین تلاش های خود و حزبش را ولو به طور صوری و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تبلیغاتی به کار بندد:

رونوشت گزارش خبر شماره ۸۱۴۲/۲۰ه ۱-۷/۲/۴۹ منبع ۱۶۷

موضوع. قرائت اعلامیه ارتش شاهنشاهی در مورد بحرین توسط محسن پزشکپور و پدرش. دیروز قبل از پاسخ دولت به استیضاح گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست پدر محسن پزشکپور اطلاعیه ارتش شاهنشاهی مبنی بر پشتیبانی از مسئله بحرین را به

همان صورتی که دولت می خواست و در روزنامه آیندگان چاپ شده بود قرائت نمود و خطاب به محسن پزشکپور گفت به نظر من حل مسئله بحرین به این صورت با نظر شاهنشاه آریامهر بوده و دلیل بزرگ آن هم تأیید ارتش می باشد. در این وقت محسن پزشکپور مجدداً اعلامیه مزبور را قرائت نمود و بلافاصله گفته پدر خویش را تأیید کرد و اظهار داشت اکنون معلوم شد که خواست شاهنشاه می باشد و تصمیم گرفته شد که محسن پزشکپور دیگر در مجلس سخنرانی مخالف ننماید بلکه دکتر محمدرضا عاملی صحبت نماید و به طور مستدل و آرام از مخالفتی که شده پشتیبانی کند اما نه شدید چون تا آن روز نمی خواستند قبول کنند که خواست شاهنشاه آریامهر است بلکه می گفتند که ممکن است شاهنشاه را در محظور [محذور] یا عمل انجام شده ای قرار داده باشند. قرار شد که نظریات خود را تعدیل دهند و دیگر مخالفت صریحی نکنند. محسن پزشکپور سپس بیان نمود برای اینکه افراد نگویند که چرا گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست سکوت کرد اولاً- باید گفت که چون شاهنشاه از این امر مطلع هستند و معظم له به هر حال در کوران مبارزات سیاسی بین المللی

قرار دارند. ثانیاً باید اظهار نمود که در همان روز پاسخ به استیضاح نمایندگان حزب ایران نوین در موقع سخنرانی پزشکپور می خواستند سر و صدا کنند و نگذارند که وی صحبت نماید.(۱)

این موضوع باعث شده بود که دستگاه رهبری حزب حتی برای قانع ساختن اعضای حزب راه مفری پیدا نکنند.

مأموری از ساواک این موضوع را از جریان پاسخگویی محمدرضا عاملی تهرانی، قائم مقام اول پزشکپور و نماینده وقت مهاباد در مجلس بیست و دوم، به یکی از اعضای حزب در تاریخ دهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ استخراج کرده بود:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

... یکی دیگر از افراد سؤال نمود: شما که درباره مسئله بحرین دولت را مقصر می دانید مگر فرمان و به طور کلی لشکر ایران به دست شخص شاهنشاه آریامهر و به امر مبارک ایشان نیست؟ پس شما که دولت را مقصر می دانید اگر حکومت دولت به دست شما بود چه می کردید؟ دکتر عاملی در جواب بیان داشت اگر حکومت به دست ما بود ما خودمان می دانستیم چه کار کنیم و به چه ترتیبی عمل نماییم. دکتر عاملی در این موقع به طور نامفهومی پاسخ سؤال مزبور را داد و گفت ما قبول داریم که امر شاهنشاه آریامهر می باشد ولی چون یارای مقاومت در مقابل لشکر و ارتش

خارجی را نداریم مجبور شدند با این ترتیب که مشاهده می کنید عمل کنند. نامبرده سپس ضمن تشکر از افراد حاضر بیان نمود ما پان ایرانیست ها هیچ موقع شکست برایمان مفهومی ندارد و فقط برای ما کافی است که دولت را مورد استیضاح قرار دادیم. عاقلان می دانند که چطور ما را دست چپی خواندند و جواب عوضی به ما دادند و متن استیضاح را عوض کردند بعد برای اینکه ما در روزنامه خود چیزی ننویسیم آن را توقیف کردند غافل از اینکه به وسیله جلسات سخنرانی که در تمام شهرهای ایران دائر می گردد سخنان خود را به طرفداران خود گفته ایم و خواهیم گفت و حتی از روزنامه هم بهتر و اما از اینکه می گویم ما شکست نخوردیم، بلکه پیروز هم شدیم این است که کار ما کاری بود که راه ما را به سوی پیروزی نزدیک کرد. حالا بگذارید دیگران تصور کنند که ما شکست خوردیم. جلسه مزبور در ساعت ۴۰/۲۰ خاتمه پذیرفت و افراد به تدریج محل حزب را ترک نمودند.(۱)

دستگاه های دولتی به درستی این موضوع را مطرح می کردند که پان ایرانیست های مجلس با تداوم مخالفت با طرح تجزیه بحرین از ایران در واقع در برابر خواست های

شخص شاه ایستادگی می کنند. به همین دلیل رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست برای دفع این تهدید بزرگ، ناگزیر خیلی زود موضع گیری کردند. در چهاردهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹:

محمدرحیم شیخ الاسلامی و حاج احمد عزیزی از اعضای هیأت مرکزی حزب پان ایرانیست کمیته بانه که برای پاره ای امورات خود به تهران رفته بوده اند در تالار خاک و

ص:۲۷۲

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

خون با آقای دکتر عاملی ملاقات و راجع به دستوراتی که از هیأت مرکزی حزب داده شده بود مذاکره و محمدرحیم شیخ الاسلامی که مسئول کمیته بانه است عنوان داشته چون بانه یک نقطه مرزی و حساس است نمی توانند بدون نظر مقامات محلی هیچ گونه اقدامی را انجام دهند. آقای عاملی به وی و سایر حاضرین گفته است ما از طرح مسئله بحرین در محل نظری جز وطن پرستی نداشته ایم و مطالب اشاره شده در مجلس مغایرتی با فرمایشات شاهنشاه نداشته زیرا ما پان ایرانیست ها در مقابل فرمان شاهانه مطیع بوده و هستیم و اگر زندانی هم بشویم و در حزب ما را هم ببندند باز شعار خودمان را که دفاع از نیاخاک و دفاع از آیین شاهنشاهی ایران و اطاعت در مقابل هرگونه فرمانی که از طرف شاهنشاه صادر شود و اقدام برای وحدت و یگانگی آریائی نژادان تحت پرچم

شاهنشاهی ایران و مخالفت با استعمار قطع نکرده و در هر جا و در هر مکان اعلام می کنم ما به خاطر نمایندگی فعالیت نمی کنیم، ما به خاطر وظیفه مقدسی که به عهده ما است فعالیت و خدمت می کنیم و چنانچه در مورد بحرین هر فرمانی از طرف شاهنشاه آریامهر صادر شود ما مطیع و سر تعظیم فرود می آوریم و در این مورد که ما بخواهیم برخلاف فرمان ملوکانه اقدامی انجام دهیم این غیرممکن است و این شایعات را کسانی که نمی خواهند اصلاً حزبی به نام پان ایرانیست وجود داشته باشد به وجود می آورند. آقای عاملی اضافه نموده که در مقابل دستورات مقامات کاملاً مطیع بوده و عملی برخلاف نظرات آنها انجام ندهند و حتی اگر گفته شود تابلوی حزب را پایین بیاورند قبول نمایند. چون ممکن است حزب ایران نوین اقداماتی بر علیه این حزب انجام دهد عکس العمل نشان نداده و به افراد حزب گفته شود که ما هدف های مقدس که قبلاً داشته ایم باز هم داریم و در راه پاس شاهنشاهی ایران و دفاع از وطن کوشاتر خواهیم بود و چنانچه دستور داده شود جلسات دولت حزبی هم تشکیل نشود قبول کنید و هیچ گونه عملی که مخالف سیاست دولت و نظر مقامات

امنیتی باشد انجام ندهید.

نظریه منبع – خبر صحت دارد و ملارحیم شیخ الاسلامی از این پیشامد که از نظر محلی شکستی برای حزب پان ایرانیست محسوب می شود ناراحت به نظر می رسد.(۱)

ص:۲۷۳

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

محسن پزشکپور نیز در اواخر خرداد ماه ۱۳۴۹ ناچار شد تجاهل را به کناری نهاده و برای خوشایند شاه و در امان ماندن خود و حزبش از آماج حملات بدون محابای هویدا و ساواک مدعی شود:

در جریان مسئله بحرین من فکر می کردم اصل موضوع را شاهنشاه آریامهر خبر ندارند روی این اصل گروه پارلمانی حزب ما اقدام به استیضاح از دولت نمود تا به این وسیله معظم له از موضوع مطلع شوند ولی بعداً متوجه شدم که شاهنشاه در جریان کلیه امور می باشند.

نظریه منبع – محسن پزشکپور به اشتباه خود در مورد مخالفت با دولت درباره بحرین و جریان استیضاح پی برده است.

نظریه رهبر عملیات – با توجه به دسترسی منبع به هدف ]به[ صحت اظهارات وی می توان اعتماد نمود.(۱)

بسیاری از اعضای حزب پان ایرانیست آگاه بودند هر چه هست زیر سر شخص «شاهنشاه» است. این معنی البته در محافل و گفتگوهای خصوصی اعضای حزب به

وضوح گفته می شد. از جمله در سیزدهم تیر ماه ۱۳۴۹ چند تن از اعضای حزب پان ایرانیست با اشاره به رخدادهای مذکور درباره بحرین و فشارهای وارده بر حزب به یکدیگر گوشزد می کردند:

... در این موقع آقای علی عارفیان وارد بانک شد و هنگامی که با آقای چیانی مشغول صحبت بود آقای نظری خطاب به ایمانی گفت: سعی کن در محافل اسمی از شاه نیاوری و ما همه می دانیم که تمام این کارها زیر سر او است، این را همه می دانند. منظور این است که گرفتاری برای حزب درست نشود تا ببینیم چه می شود. سپس خطاب به آقای چیانی گفت: هویدا ظاهری بسیار ساده و باطنی بسیار نامرد و دزد و خائن دارد. با این وضعی که درست کردند موقعیت هویدا خیلی مستحکم شد. انگلیس با تمام قوا او را حمایت می کند.(۲)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

## حمایت از رژیم و تداوم بی مهری

حزب پـان ایرانیست، به جبران جنجـالی که بر سـر جـدایی بحرین ایجـاد کرده، تلاـش کرد تـا از «شاهنشـاه» رفع ابهام نمایـد و وفاداری خود را به او ثابت نماید. حمایت از سیاست های نفتی «شاهنشاه» بهانه ای بود برای این کار:

چون بعضی از مسئولین حزب پان ایرانیست شهرستان ها ضمن درخواست کتبی از

شهربانی های مربوطه به منظور سـتایش از نقش ارشادکننـده شاهنشاه آریامهر و تجلی مبارزه ملت ایران با کمپانی های نفتی و تقاضـای برگزاری کنفرانس و یـا انعقـاد مجـالس سـخنرانی را در محل حزب مزبور نموده و می نماینـد لـذا خواهشـمند اسـت دستور فرمایید با توجه به نامه های شماره ۱۳۲۹/۳۱۲–۲۹/۳/۴۹ و ۱۳۵۷/۳۱۲– ۲۱/۳/۴۹ آن سازمان، نظریه اعلام دارند.

رئیس شهربانی کل کشور – سپهبد صدری(۱)

در پی آن بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک به شرح زیر برای مدیرکل آن اداره استدلال کرد:

به دنبـال استیضـاح گروه پارلمـانی حزب پان ایرانیست از دولت در مورد مسـئله بحرین و دادن رأی منفی از طرف چهار تن از اعضای گروه پارلمانی حزب مزبور (محسن پزشـکپور، دکتر محمدرضا عاملی تهرانی، هوشنگ طالع، دکتر اسماعیل فریور) به نطق جوابیه آقای هویـدا مقرر گردید به نحو غیرمحسوس از فعالیت های این حزب ممانعت به عمل آید و بدین منظور نامه ای نیز به شهربانی کل کشور ارسال گردید.

اخیراً که مسئله نفت پیش آمد محسن

پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست در مجلس شورای ملی و کنفرانس متشکله این حزب، پشتیبانی حزب مزبور را از فرمایشات شاهنشـاه آریامهر اعلام نمود و در برخی از شهرسـتان ها نیز که حزب موصوف دارای تشـکیلات بود کنفرانس هایی به منظور اعلام پشتیبانی حزب فوق از فرمایشات معظم له منجمله در شهرسـتان های رضائیه، اهواز، آبادان تشـکیل گردید. شهربانی کل کشور اخیراً طی نامه ای اعلام داشته بعضی از مسئولین حزب پان ایرانیست در شهرستان ها ضمن درخواست کتبی

ص:۲۷۵

---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

از شـهربانی هـای مربوطه به منظور سـتایش از نقش ارشادکننـده شاهنشـاه آریـامهر و تجلی مبارزات ملت ایران با کمپانی های نفتی تقاضـای برگزاری کنفرانس و یـا انعقـاد مجالس سـخنرانی را در محل های حزب نموده و می نماینـد و در خاتمه تقاضـا نموده با توجه به نظریه ساواک دائر به جلوگیری از اجتماعات این حزب، مجدداً در این مورد نظریه اعلام شود.

نظر این بخش با در نظر گرفتن ایدئولوژی حزب پان ایرانیست و فعالیت های این حزب در سنوات گذشته و در حال حاضر که نماینده اعتقاد اعضای آن به نظام شاهنشاهی ایران می باشد آن است که به

طور محـدود بـا فعالیت های حزب مزبور موافقت به عمل آیـد. چون از یک جهت موجبات عـدم فعالیت زیرزمینی حزب فوق فراهم خواهـد شـد و از جهت دیگر اقـدامات بیشتری با فعالیت محدود این حزب به وجود خواهد آمد تا با نفوذ منابع در رأس تشکیلات حزب فوق اطلاعات مورد نیاز را از وضعیت و کیفیت فعالیت های آن کسب نمود.

ضمناً لازم به توضیح است که اخیراً گزارشـی در مـورد برگزاری کنفرانس از طرف اعضـای این حزب در رضـائیه در مـورد پشتیبـانی حزب مزبور از فرمایشات شاهنشاه آریامهر در خصوص مسئله نفت به اسـتحضار رسـیده و مقرر گردیـده با برگزاری کنفرانس از طرف اعضای حزب مزبور در رضائیه موافقت به عمل آید.(۱)

البته پس از مـذاکره و رایزنی هـای لازم تصـمیم گرفته شـد به حزب پـان ایرانیست اجازه داده شود فقط در چارچوب دفاع از سیاست های نفتی جدیـد شاه فعالیت هایش را تجدیـد کند. در این اجازه نامه نصـیری به شـهربانی کل کشور به تاریخ چهارم اسفند ماه ۱۳۴۹ که اعلام شده بود جز اسـتثنای مذکور در سایر موارد محدودیت ها درباره حزب پان ایرانیست پیرو توافقات و دستورالعمل های سابق ادامه خواهد یافت، چنین می خوانیم:

عطف به شماره ۸۱/۵-۶۵۹-۲۴/۱۱/۴۹

برگزاری کنفرانس و ایراد سخنرانی از

طرف مسـئولین و اعضـای حزب مزبور در مورد مسـئله نفت در جهت پشتیبـانی از فرمایشـات شاهنشـاه آریـامهر بلامـانع است. خواهشمند

ص:۲۷۶

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

است دستور فرمایید در خصوص سایر موارد با توجه به نامه های شماره ۱۳۲۹/۳۱۲-۱۹/۳/۴۹ و ۱۳۵۷/۳۱۲-۲۱/۳/۴۹ این سازمان عمل نمایند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد نصیری(۱)

در سالگرد ششم بهمن ۱۳۴۹، برخلاف سالیان گذشته، هویدا پان ایرانیست ها را به مراسم ششم بهمن دعوت نکرد.

ساواک درباره اصرار رهبران حزب پان ایرانیست برای تجلیل از انقلاب سفید شاه و این اقدام تحقیرکننده هویدا در حق پان ایرانیست ها چنین گزارش کرده بود:

اخیراً متن اظهارات محسن پزشکپور نماینده مجلس شورای ملی و رهبر حزب پان ایرانیست در مجلس شورای ملی پیرامون مسئله نفت و نیز سخنرانی دکتر محمدرضا عاملی تهرانی قائم مقام حزب مزبور درباره انقلاب تاریخی ششم بهمن به منظور آگاهی اعضای علاقه مند حزب به این مطالب به اهواز ارسال شده و به طور خصوصی در اختیار بعضی از اعضای حزبی قرار گرفته و سپس از آنان مسترد شده است. ضمناً بین برخی از وابستگان حزب مذکور گفته شده

محسن پزشکپور از عدم دعوت از حزب مزبور جهت شرکت در مراسم سالگرد انقلاب ششم بهمن اظهار ناراحتی و گلایه کرده و گفته به خلاف تمایل وعلاقه ما از حزب پان ایرانیست که تنها حزب شرکت کننده در تصویب ملی ششم بهمن و این انقلاب تاریخی است مقامات دولتی برای شرکت در مراسم سالگرد و تجلیل از آن دعوتی به عمل نمی آورند.

نظریه یکشنبه – ارسال متن سخنرانی های مذکور به اهواز جهت اطلاع افراد حزبی از آنها و نیز انتشار مطلب منصوب به پزشکپور به شرح بالا بین پاره ای از اعضای حزب صحیح به نظر می رسد.(۲)

با این حال کارگردانان و مسئولانی از حزب پان ایرانیست در برخی شهرهای کشور با ترتیب دادن مراسمی به تجلیل مکرر از انقلاب سفید شاه پرداختند:

بعد از ظهر روز سه شنبه ۶/۱۱/۴۹ به مناسبت سالروز انقلاب تاریخی ششم بهمن جلسه ای



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

با شرکت در حدود سی نفر از اعضا و علاقه مندان به حزب پان ایرانیست و افراد متفرقه در محل دفتر این حزب در اهواز تشکیل بوده است. ابتدا سرآغاز حزبی توسط هادی اقبالی کارگر نساجی شوش و عضو حزب خوانده، سپس مهندس رضا

کرمانی کارمند شرکت ملی نفت و عضو معمر حزبی پیرامون تجلیل از انقلاب شاه و مردم در روز ششم بهمن سال ۴۱ به تفصیل سخن گفته و ضمن برشمردن ثمرات و اثرات این انقلاب تاریخی و اشاره به تحولات و پیشرفت هایی که در سایه انقلاب ششم بهمن نصیب ملت ایران گردیده اظهار داشته در چنین روزی بنا به اراده و فرمان شاهنشاه آریامهر کشاورزان و زارعین از تعدی و فشار و ظلم نجات یافته و گروه کثیری از افراد این مملکت از جهل و بی سوادی رهایی یافتند و دانش و سلامتی به اقصی نقاط کشور راه یافت و اکثریت قاطع مردم ایران از مزایای این انقلاب برخوردار شدند و این انقلاب را شاهنشاه آریامهر بدون خون[ریزی] صادر فرمودند.(۱)

از دیگر مراسمی که باز برخلاف سالیان گذشته هویدا اجازه نداد از رهبران حزب پان ایرانیست دعوت به عمل آید سالگرد وقوع کودتای بیست و هشتم مرداد بود. با این حال پزشکپور از مسئولان و دیگر اعضای حزب پان ا یرانیست در شهرهای مختلف خواست حتی المقدور در سالگرد آن روز تاریخی مراسمی درخور برگزار کنند. در خود تهران هم پزشکپور شخصاً در حضور اعضا و هواداران این حزب سخنرانی غرّایی در تمجید از کودتا ایراد کرد. اداره کل سوم ساواک در بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۴۹ در این باره چنین گزارش کرده بود:

در جریان جشن های ملی امسال به مناسبت

سالروز قیام ملی ۲۸ امرداد سال ۳۲ برخلاف معمول سنواتی از حزب پان ایرانیست دعوت برای شرکت در مراسم به عمل نیامده و به علاوه تضییقات گوناگون نیز فراهم گردیده است. به همین جهت این حزب برخلاف همیشه نتوانسته در برگزاری این جشن ملی سهم مؤثری داشته باشد.

معهذا محسن پزشکپور به کلیه مسئولین شعب حزبی در نقاطی که حزب مذکور شعبه داشته دستور داده که به عنوان یک وظیفه حزبی در حد امکانات خود به مناسبت سالروز قیام ملی ۲۸ امرداد مراسمی برگزار نمایند که آخرین اطلاع رسیده حاکی است که در اهواز



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

و خرمشهر مراسم جشن و سخنرانی در محل حزب به مناسبت مذکور برپا گردیده است.

در تهران نیز اگر چه به طور رسمی حزب مذکور دعوتی نداشته معهذا در محل حزب مراسمی برپا و تعدادی حدود ۶۰-۷۰ نفر از اعضا و هواداران حزبی در محل حاضر و محسن پزشکپور شخصاً در جمع آنها سخنرانی نموده است. سخنان نامبرده پیرامون سالروز ۲۸ امرداد و فلسفه رستاخیز مردم در این روز و اینکه ناشی از پیوند هزار ساله مردم با شاهنشاهی ایران است بوده. ناطق با اشاره به اینکه شاهنشاهی ایران

همه میراث فرهنگی و رسالت نژاد ایرانی را در پیشگاه جامعه با خود دارد یادآور شده که قیام ملی ۲۸ امرداد گویای این امر است که صرف نظر از سنت شاهنشاهی در ایران، ملت با رستاخیز خویش پایه های شاهنشاهی آریامهر بزرگ را مثبت و تأیید کرده است. پزشکپور سپس به مبارزات بیست و هشت ساله حزب پان ایرانیست به عنوان پاسدار آیین شاهنشاهی ایران زمین اشاره و اضافه کرده که این حزب و خط مشی حزب بوده و خواهد بود و هر پان ایرانیستی تا سرحد جانبازی مبارزات و کوشش های خود را ادامه داده و وظیفه دارد چون سرباز جانبازی در راه آرمان های بزرگی بخش آریامهر شاهنشاه ایران زمین بکوشد.

سخنرانی پزشکپور با ابراز احساسات حاضرین خاتمه پذیرفته لیکن از [ناخوانا] از طرف مسئولین دولتی حزب پان ایرانیست از شرکت رسمی در این آیین ملی محروم شده و اعضای این حزب نمی توانند مانند همیشه احساسات میهنی خود را ابراز نمایند، عموماً اندوهگین و مغموم هستند.

توضیح اینکه برابر اطلاع در خرمشهر از طرف احزاب مردم و ایران نوین و حتی سازمان های دولتی فعالیت چشمگیری در

بزرگداشت سالروز قیام ملی ۲۸ امرداد صورت نگرفته است.

ملاحظات ۳۱۲:

برگزاری مراسم و سخنرانی پزشکپور و نیز انجام مراسم در اهواز و خرمشهر مورد تأیید است.

ضمناً پزشکپور طی نامه ای اعتراض گله آمیز خود را به مناسبت عدم دعوت از حزب پان ایرانیست برای شرکت در مراسم سالروز ۲۸ مرداد به آقای وزیر اطلاعات اشعار داشته است.(۱)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نصیری، رئیس ساواک، با ملاحظه گزارش فوق برآشفته بود که چرا برخلاف دستورالعمل های سابق، دفتر حزب پان ایرانیست در تهران تعطیل نشده است. بخش ۳۱۲ هم در هفتم شهریور ماه ۱۳۴۹ طی گزارشی به شرح زیر درباره چگونگی برگزاری مراسم مذکور توسط پان ایرانیست ها و اجرا شدن دستور نصیری مبنی بر پایان دادن به فعالیت های این حزب در دفتر تهران اطلاعات لازم را در اختیار مقدم قرار داد:

در تاریخ ۲۸/۵/۴۹ مفاد گزارش خبری واصله حاکی بود که در جریان جشن های ملی امسال به مناسبت سالروز قیام ملی ۲۸ امرداد سال ۳۲ برخلاف معمول سنواتی از حزب پان ایرانیست دعوت برای شرکت در مراسم به عمل نیامده و به علاوه تضییقات گوناگون نیز فراهم گردیده. به همین جهت این حزب برخلاف همیشه نتوانسته در

برگزاری این جشن ملی سهم مؤثری داشته باشد. معهذا محسن پزشکپور رهبر حزب مذکور به کلیه مسئولین شعب حزبی در نقاطی که حزب موصوف شعبه داشته دستور داده که به عنوان یک وظیفه حزبی در حد امکانات خود به مناسبت سالروز قیام ملی ۲۸ امرداد مراسمی برگزار نمایند. در تهران نیز به طور غیررسمی مراسمی به همین مناسبت برگزار و محسن پزشکپور پیرامون سالروز قیام ملی ۲۸ امرداد سال ۳۲ سخنرانی نموده است.

مراتب فوق به عرض رسیده، تیمسار ریاست ساواک پی نوشت فرموده اند:

«محلی که جشن در تهران برپا نموده اند کجا بوده؟ اگر مرکز حزب یا پایگاه بوده چرا تعطیل نشده؟ ۴/۶/۴۹».

اینک به عرض می رساند نظر به اینکه افراد وابسته به حزب مذکور همه ساله به مناسبت سالروز قیام ملی ۲۸ امرداد در محل حزب مذکور حاضر شده و فعالیت مؤثری در این جشن داشته اند لذا روز مزبور بدون اینکه دعوتی از آنان به عمل آید در محل حزب پان ایرانیست در مرکز حضور یافته، محسن پزشکپور در تجلیل از رستاخیز ملت ایران در این روز مطالبی بیان داشته است. مضافاً به اینکه تا

تاریخ ۴/۶/۴۹ در مورد تعطیل شدن مرکز یا پایگاه حزب پان ایرانیست اوامری صادر نشده بود ولی تیمسار ریاست ساواک در ذیل یکی از گزارشات مربوط به این حزب پی نوشت فرموده بودند که از تشکیل جلسات آن ممانعت به عمل آید که در اجرای اوامر صادره در این زمینه اقدام مقتضی معمول و در نتیجه کلیه جلسات آن در حال حاضر عملاً متوقف گردیده. لیکن برخی از اعضای این

حزب به منظور دیدار یکدیگر در محل یا منازل اعضای حزب موصوف حضور یافته و درباره وضعیت فعلی حزب پان ایرانیست بحث می نمایند.

مراتب فوق استحضاراً به عرض رسید.(۱)

در شهرهای دیگری هم ساواک خواسته بود از برگزاری مراسم گرامیداشت روز بیست و هشتم مرداد توسط پان ایرانیست ها جلوگیری به عمل آید اما در پاره ای از شهرها مسئولان محلی حزب به رغم تمام محدودیت ها جلساتی برگزار کردند. اگر چه در پاره ای از موارد این مراسم با تذکراتی از سوی مأموران شهربانی همراه بود:

مسلم آقا علیخانی مسئول حزب پان ایرانیست استان گیلان ضمن مذاکراتی در محل تالار خاک و خون شهرستان لنگرود درباره برنامه جشن ۲۸ مرداد و جریان جلوگیری شهربانی از اجرای برنامه تظاهرات حزب مزبور اظهار داشت: من به

شهربانی رفتم و هدف از تظاهرات ۲۸ مرداد را با آنان در میان گذاشتم. رئیس شهربانی اظهار نمود متأسفم از اینکه شما نباید برنامه ای اجرا کنید. من هم قبول کردم و برگشتم ولی به طوری که اطلاع دارم افراد حزبی شهرستان رودسر با تمام محدودیت های موجود برنامه مختصری اجرا نمودند که طی آن اجتماع چند نفری در محل تشکیلات حزب صورت گرفت و ایرج کریم پور پیرامون روز ۲۸ مرداد صحبت کرد.(۲)

بدین ترتیب موضوع بحرین اجازه نمی داد رهبران و اعضای این حزب حتی در سالگرد رخدادهای تأسف باری نظیر کودتای بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ هم ارادت قلبی خود را نسبت به محمدرضا پهلوی تجدید نمایند.

## جشن های دوهزاروپانصدمین سال شاهنشاهی ایران

جشن های موسوم به دوهزاروپانصد سال شاهنشاهی ایران در مهرماه ۱۳۵۰ برگزار شد، اما سال ها قبل از آن مقدمات این نمایش بزرگ شروع شده بود. پزشکپور به عنوان لیدر فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست در مجلس شورا نیز در «کمیسیون جشن های



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی» عضویت داشت.(۱) در تاریخ بیست و پنجم دی ماه ۱۳۴۸ پزشکپور در نامه ای به شرح زیر رئوس برنامه های این حزب برای شرکت فعال در مراسم جشن های مذکور را به رئیس وقت شورای مرکزی این جشن ها، جواد بوشهری، ارائه داد:

جناب آقای جواد بوشهری ریاست محترم

شورای مرکزی جشن های «شاهنشاهی ایران»

به پیوست طرح حاوی سازمان شوراهای جشن های شاهنشاهی به حزب پان ایرانیست و نیز برنامه کلی سازمان ها و پایگاه های حزبی را به هنگام برگزاری جشن های

شاهنشاهی ایران برای بررسی و تأیید شورای محترم مرکزی جشن های شاهنشاهی ایران ا رسال می گردد.

بدیهی است، هرگاه طرح و یا برنامه تفصیلی و تکمیلی دیگری مربوط به برنامه کلی در نظر گرفته شد، متعاقباً گزارش می گردد.

با احترام محسن پزشکپور(۲)

گروه محسن پزشکپور برای سنگ تمام گذاشتن در این جشن ها و عرض ارادت خود به شاه، برنامه مفصلی ارائه کردند.

مدت کوتاهی پس از ارائه این برنامه به شورای برگزاری جشن های مذکور، موضوع انتزاع بحرین پیش آمد و حزب پان ایرانیست به سرعت مورد غضب قرار گرفت. جواد بوشهری در نامه ای به تاریخ بیست و یکم مهر ۱۳۴۹ به شرح زیر خطاب به محسن پزشکپور موافقت اصولی شورای جشن ها را با شرکت حزب پان ایرانیست در مراسم مذکور اعلام کرد و همچنانکه مطلب ذیل همین نامه نشان می دهد، رونوشتی از آن و نیز رئوس برنامه های مورد موافقت قرار گرفته آن را نیز برای نماینده ساواک در شورای جشن های فوق فرستاد:

جناب آقای پزشکپور دبیرکل محترم حزب پان ایرانیست

پنج نسخه از برنامه حزب محترم پان ایرانیست در برگزاری مراسم جشن شاهنشاهی که در سوکمیسیون مربوطه بررسی شده و در کمیسیون برنامه و تشریفات این شورا با حضور جناب آقای دکتر عاملی نماینده تام الاختیار آن حزب و نماینده مجلس شورای ملی



---

۱- بزم اهریمن: جشن های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۱۴۳.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تصویب گردیده برای اجرا به پیوست نامه حاضر ایفاد می گردد.

بسیار متشکر خواهم شد وصول آن را اعلام فرمایند.

رئیس شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران

سناتور جواد بوشهری

رونوشت تمام به انضمام یک نسخه از برنامه مربوطه برای استحضار تیمسار زالتاش نماینده محترم سازمان امنیت در شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران فرستاده می شود.

رئیس شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران

سناتور جواد بوشهری(۱)

عینی زالتاش نماینده ساواک در شورای جشن های مذکور رونوشت نامه بوشهری خطاب به پزشکپور را به همراه رئوس برنامه های توافق شده برای حزب پان ایرانیست، برای استعلام و کسب تکلیف برای ناصر مقدم، مدیرکل اداره سوم ساواک فرستاد:

درباره برنامه حزب پان ایرانیست در برگزاری مراسم جشن بیست و پنجمین سده بنیادگذاری شاهنشاهی ایران

پیرو شماره ۳۹۲۹/۰۰۱-۲۷/۳/۴۹ بدینوسیله یک برگ فتوکپی نامه شماره ۲۰۵۹/۳۳۱۹-۲۱/۴/۴۹ شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران به انضمام ۴ برگ فتوکپی برنامه حزب پان ایرانیست جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی به پیوست ایفاد می گردد. خواهشمند است دستور فرمایید وصول آن را اعلام دارند.

رئیس ستاد ویژه – عینی زالتاش(۲)

شورای مرکزی جشن های دوهزاروپانصد سال شاهنشاهی تقریباً با تمام برنامه های پیشنهادی دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست موافقت کرد. به دنبال استعلام زالتاش از اداره کل سوم ساواک، بخش ۳۱۲ آن اداره کل در بیست وهفتم تیر ماه ۱۳۴۹ جهت تعیین تکلیف نهایی حزب پان ایرانیست گزارشی از رئوس برنامه های آن حزب تهیه کرد تا به شخص نصیری ریاست ساواک ارائه شود. در این گزارش که در هفتم مرداد ماه ۱۳۴۹



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برای نصیری ارسال شد، چنین می خوانیم:

درباره برنامه حزب پان ایرانیست در برگزاری مراسم جشن بیست و پنجمین سده بنیانگذاری شاهنشاهی ایران

محترماً به استحضار می رساند.

منظور – عرض وضعیت و کسب دستور در مورد ممانعت از شرکت حزب پان ایرانیست در

مراسم مذکور.

سابقه – چندی قبل رهبران حزب پان ایرانیست به منظور شرکت در مراسم جشن بیست و پنجمین سده بنیانگذاری شاهنشاهی ایران برنامه حزب مذکور را تقدیم شورای مرکزی جشن شاهنشاهی نموده بود که اخیراً توسط شورای مذکور با حضور دکتر عاملی تهرانی نماینده تام الاختیار حزب مزبور مورد بررسی و تصویب قرار گرفته و مراتب جهت اجرا به محسن پزشکپور رهبر این حزب ابلاغ گردیده است.

حزب پان ایرانیست در برنامه مورد بحث مواردی را جهت شرکت در مراسم مذکور در نظر گرفته که اهم مطالب آن به شرح زیر از عرض می گذرد.

چراغانی محل های حزب مذکور، شرکت در آیین نیایش میدان شهیاد آریامهر، برگزاری آیین نیایش در میدان مزبور، گل افشانی پیکره شاهنشاه آریامهر، نثار تاج های گل به آرامگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر، درج مطالبی در زمینه عظمت شاهنشاهی ایران در روزنامه خاک و خون، تزیین میدان های مرکزی شهرستان ها، انتشار اعلامیه ها، تراکت ها و بروشورها قبل از آغاز جشن به زبان های فارسی و کشورهای شرکت کننده در این جشن، تشکیل

جلسات متعدد و ایراد سخنانی پیرامون آیین شاهنشاهی ایران، کوشش های تاریخی و اجتماعی آریامهر شاهنشاه ایران زمین و اهمیت و ارزش جهانی آغاز بیست و پنجمین سده بنیانگذاری شاهنشاهی ایران و اصول انقلاب شاه و مردم، تهیه و پخش جزوه ها و بروشورهایی پیرامون آیین شاهنشاهی ایران و فلسفه آن، افروختن بیست و پنج مشعل در محل حزب تا پایان جشن مزبور، برگزاری مجالس جشن و سرور در کلیه شعب حزب در داخل و خارج از کشور، برپا نمودن برنامه های جشن در خیابان ها و محل های همگانی، نثار تاج گل در آرامگاه کورش کبیر، ساختن یادگاری از سنگ و سیمان در یکی از پارک ها و یا میدان بزرگ تهران و اهدای لااقل ۳۰۰ جلد کتاب به چند کتابخانه ویژه جوانان توسط امنای

کتابخانه ها توسط عناصر وابسته به حزب پان ایرانیست.

نظریه – با توجه به اینکه اخیراً در نحوه فعالیت حزب پان ایرانیست تحولاتی به وقوع پیوسته و عناصر حزب مذکور تبلیغات و فعالیت هایی را علیه اقدامات دولت در مورد بحرین به عمل آورده اند لذا به منظور جلوگیری از هرگونه تظاهرات و فعالیت های خلاف مصلحت افراد وابسته به

حزب موصوف اصلح است اقدام مقتضی در مورد ممانعت از شرکت این حزب در مراسم مورد بحث صورت گیرد.

مستدعی است در صورت تصویب اجازه فرمایند به همین نحو درباره این حزب اقدام گردد. موکول به اوامر عالی است.(۱)

چنانکه پیش بینی می شد، نصیری با مشارکت رسمی حزب پان ایرانیست در مراسم جشن های دوهزاروپانصد سال شاهنشاهی موافقت نکرد و به دنبال آن ناصر مقدم در هجدهم مرداد ماه ۱۳۴۹ خطاب به عینی زالتاش چنین اطلاع داد:

درباره برنامه حزب پان ایرانیست در برگزاری مراسم جشن بیست و پنجمین سده بنیانگذاری شاهنشاهی ایران

عطف به ۴۲۷۱/۰۰۱–۶/۵/۴۹

در تاریخ ۱۳/۵/۴۹ طی گزارشی چگونگی برنامه حزب پان ایرانیست در برگزاری جشن بیست و پنجمین سده بنیانگذاری شاهنشاهی ایران به عرض رسید و تیمسار ریاست ساواک در ذیل آن پی نوشت فرمودند:

«مانند یک فرد ایرانی می توانند در جشن شرکت نمایند نه به نام پان ایرانیست.» خواهشمند است دستور فرمایید در اجرای اوامر صادره در این زمینه اقدام مقتضی معمول و نتیجه را به این اداره کل اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم – مقدم(۲)

در نهایت نصیری در بیستم مرداد ماه ۱۳۴۹ ذیل نامه ای به «ریاست شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران» ادارات کل سوم، چهارم، هشتم ساواک و نیز ساواک تهران را



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مأمور پیگیری حسن اجرای این دستورالعمل کرد:

درباره برنامه حزب پان ایرانیست در برگزاری مراسم جشن بیست و پنجمین سده بنیاد گذاری شاهنشاهی ایران

عطف به شماره ۲۰۵۹/۳۳۱۹-۲۱/۴/۴۹

با اعلام اینکه افراد حزب نامبرده می توانند مانند یک فرد ایرانی در جشن مذکور شرکت نمایند نه به نام پان ایرانیست، خواهشمند است دستور فرمایید در این باره اقدام مقتضی معمول و نتیجه را اعلام دارند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور – سپهبد نصیری

گیرندگان

اداره کل سوم عطف به شماره ۲۳۸۴/۳۱۲-۱۹/۵/۴۹ جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی

اداره کل چهارم پیرو شماره ۴۱۳۴/۰۰۱-۲۲/۴/۴۹ جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی

اداره کل هشتم پیرو شماره ۴۱۳۴/۰۰۱-۲۲/۴/۴۹ جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی

ساواک تهران پیرو شماره ۴۱۳۴/۰۰۱-

۲۲/۴/۴۹ جهت اطلاع و هرگونه اقدام مقتضی(۱)

چنین بود که حزب پان ایرانیست با وجود آن همه برنامه رنگارنگ و پر سر و صدا که برای حضور فعال و چشمگیر در جشن های دوهزاروپانصد سال شاهنشاهی تدارک دیده بود، «افتخار» شرکت در آن نمایش را از دست داد.

## عبور از بحران

در اوایل سال ۱۳۵۰ مسئولان حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف کشور طی نامه هایی خطاب به ساواک خواستار بازگشایی شعب و مراکز حزبی خود شدند. در اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ شهربانی کل کشور در نامه ای به نصیری پیرامون چگونگی برخورد با فعالیت های حزب پان ایرانیست کسب تکلیف کرده بود. نصیری در شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ در پاسخ به نامه شهربانی به شرح زیر موافقت خود را با تداوم فعالیت مشروط



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حزب پان ایرانیست اعلام کرد:

درباره ادامه فعالیت حزب پان ایرانیست

پیرو ۱/۲/۵۰-۶۷۲/۳۱۲

با بررسی مجددی که به عمل آمد فعالیت حزب پان ایرانیست مشروط بر اینکه مغایر با مصالح عالیه مملکت نباشد و جلسات متشکله حزب موصوف موجب بر هم زدن نظم نگردد از نظر این سازمان بلامانع است. علیهذا مراتب جهت استحضار و هر گونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور -

سپهبد نصیری(۱)

اداره کل سوم ساواک در بیست و دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ رونوشت نامه رئیس ساواک به شهربانی کل کشور را برای رؤسای کلیه ساواک های کشور ارسال و به شرح زیر موضوع از سرگیری فعالیت حزب پان ایرانیست را به آنان ابلاغ کرد:

به: ریاست کلیه ساواک ها

از: اداره کل سوم (۳۱۲)

درباره فعالیت حزب پان ایرانیست

بدینوسیله یک برگ رونوشت نامه شماره ۱۶/۲/۵۰-۱۰۲۵/۳۱۲ ساواک صادره به شهربانی کل کشور درباره ادامه فعالیت حزب پان ایرانیست به پیوست ایفاد می گردد. علیهذا مراتب جهت اطلاع اعلام، خواهشمند است دستور فرمایید به وسیله منابع و عوامل دیگر آن ساواک در جلسات و اجتماعات حزب پان ایرانیست نفوذ و از اعمال و رفتار عناصر حزب مذکور مراقبت و نتیجه را به این اداره کل اعلام دارند.

مدیرکل اداره سوم - مقدم(۲)

رهبران حزب پان ایرانیست اجازه تمدید فعالیت حزب و نصب دوباره تابلوهای حزب بر سردر ساختمان ها و دفاتر حزبی را پیروزی بزرگی برای خود و شکست قابل توجهی برای دولت هویدا ارزیابی کردند. نظیر سالیان گذشته کماکان از چاشنی تمجید و ستایش شاه به



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مثابه سپر دفاعی مستحکمی در برابر دولت بهره می بردند. اما این تجدید فعالیت، ظاهراً

بی دردسر هم نبود:

ساعت ۰۰/۱۴ روز ۲۰/۳/۵۰ منوچهر یزدی مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست یزد با اتومبیل به اصفهان عزیمت و ساعت ۰۰/۱۰ روز ۲۱/۳/۵۰ در تالار خاك و خون شهرستان اصفهان با آقای دکتر طالع و مسئول تالار مزبور در اصفهان و نیز مسئول تشکیلات حزب مزبور در شهرکرد ملاقات می نماید. موضوعات عنوان شده بین آنان پیرامون فعالیت مجدد حزب و فعالیت در انتخابات مجلسین بوده است. آقای یزدی در این جلسه اظهار می دارد شهربانی و ساواك یزد به من اجازه نصب تابلو حزب را نمی دهند. آقای دکتر طالع به وی می گوید شما تابلو را نصب نمایید ببینید چه عکس العملی از ناحیه سازمان های مزبور صورت می گیرد. آقای یزدی اظهار می دارد اگر من چنین کاری انجام دهم و دستگاه های مورد نظر تابلو حزب را پایین بیاورند دیگر حتی یك نفر از اهالی یزد با توجه به خصوصیات ذاتیشان حاضر نخواهند شد به حزب پان ایرانیست بگروند. بنابراین انجام این عمل به مصلحت نمی باشد. آقای دکتر طالع اظهار می دارد پس شما روز یکشنبه ۲۳/۳/۵۰ تلفنی با من تماس بگیرید تا من راه حلی دیگر به شما

توصیه نمایم. در این هنگام مسئول تشکیلات شهرکرد اظهار می دارد من با رئیس شهربانی شهرکرد تماس گرفتم [و] نامبرده به من اجازه نصب تابلو حزب را داد. پس از آن مقرر گردید که مسئولان تشکیلات یزد، اصفهان و شهرکرد لااقل ماهی یک بار و هر بار در یکی از شهرستان های مزبور به گرد هم جمع شوند و پیرامون مسائل جاری و موضوعات حزبی به بحث و تبادل نظر بپردازند و روی این اصل اولین جلسه آنان در تاریخ ۱۲/۴/۵۰ در یزد تشکیل خواهد شد. پس از آن راجع به تابلو حزب در اصفهان بحث گردیده و قرار می شود روز ۲۳/۳/۵۰ تابلو حزب مزبور در اصفهان نصب شود.(۱)

رهبری حزب پان ایرانیست برای در امان ماندن از مانع تراشی بیشتر دستگاه های دولتی از شخص شاه استمداد طلبید. شاه که از فضولی بیجای حزب در قضیه بحرین ناراحت بود، با بی میلی دستور داد که از کار حزب جلوگیری نشود. به دنبال آن نصیری رئیس



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساواک در دوازدهم تیر ماه ۱۳۵۰ و طی نامه ای خطاب به وزارت اطلاعات که رونوشت هایی از آن هم برای شهربانی و ژاندارمری کل کشور ارسال شده چنین نوشت:

درباره حزب پان ایرانیست

گزارش تقدیمی رهبران حزب پان ایرانیست به شرف عرض شاهنشاه آریامهر رسیده و اوامری به شرح زیر شرف صدور یافته است:

به مقامات مربوطه گفته شود که لازم نیست به این حزب کمک کنند ولی جلوگیری بیهوده نیز نشود چون بالاخره تعداد اینها به دو حزب ایران نوین و مردم نمی رسد. فوراً انجام گیرد.

مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد نصیری

گیرندگان

تیمسار فرماندهی ژاندارمری کل کشور (رکن دوم دایره اطلاعات) جهت استحضار و هرگونه اقدام لازم.

ریاست شهربانی کل کشور (اداره اطلاعات)(۱)

این دستورالعمل شاه باعث شد از دامنه فشارهای دولت و مراجع انتظامی و امنیتی بر مجموعه فعالیت های اعضای حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف کاسته شود. ضمن اینکه علاقه شاه به عدم کمک به حزب پان ایرانیست پیام و در واقع حربه مؤثری در اختیار دولت هویدا قرار می داد. با این حال سیاست کلی حاکمیت مبتنی بر پایان دادن به تضییقات و محدودیت هایی بود که درباره حزب پان ایرانیست اعمال می شد. همچنانکه ساواک طی گزارشی به شرح زیر وعده داد، به دنبال دستور شاه از آن پس مانعی جدی بر سر راه فعالیت پان ایرانیست ها ایجاد نخواهد کرد:

در اجرای اوامر مطاع ملوکانه در مورد وضعیت حزب پان ایرانیست مراتب به شرح زیر از عرض می گذرد:

۱- پس از مخالفت حزب پان ایرانیست با سیاست دولت در مورد مسئله بحرین در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

فروردین ماه سال ۴۹ به علت دادن رأی موافق از طرف دکتر فضل الله صدر عضو فراکسیون پارلمانی سابق حزب پان ایرانیست به تصمیم دولت در خصوص مسئله بحرین، انشعابی در حزب مزبور به وقوع پیوست و در نتیجه این حزب به دو جناح تقسیم گردید. جناح اول که مخالف برخی از اقدامات دولت، منجمله مسئله بحرین بود کماکان به گردانندگی محسن پزشکپور، دکتر محمدرضا عاملی تهرانی، دکتر اسماعیل فریور و هوشنگ طالع (اعضای فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست) به فعالیت های خود در حزب مزبور ادامه داد.

جناح دوم که موافق اقدام دولت در مورد مسئله بحرین بود به رهبری دکتر فضل الله صدر حزب جدیدی را به نام «حزب ایرانیان» تشکیل دادند.

متعاقب این انشعاب حزب پان ایرانیست به رهبری محسن پزشکپور مخالفت خود را با سیاست دولت در زمینه های مختلف گسترش و با موضع گیری خاص مبادرت به فعالیت های حادی علیه دولت در مورد مسئله بحرین و انتشار جزواتی در این خصوص نمود و در

خارج از کشور نیز افراد وابسته به این حزب با انتشار مجدد نشریه «ناسیونالیسم» حملاتی را متوجه دولت نمودند که به وسیله دولت مقرر شد از فعالیت جناح مخالف (حزب پان ایرانیست) جلوگیری به عمل آید.

۲- در مورد قسمت دوم اوامر مطاع ملوکانه اطاعت می شود؛ منبعد تضییقاتی جهت حزب پان ایرانیست به عمل نخواهد آمد.(۱)

### طرح توسعه فعالیت ها در فضای نومیدی

دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست کوشید به طرق گوناگون مانع از به بن بست رسیدن فعالیت این حزب شده و تشکیلات و اعضای آن در گوشه و کنار کشور ولو به طور صوری و غیر مؤثر حضور خود را در عرصه سیاسی کشور تداوم بخشند. به همین دلیل تلاش می شد از حداقل فرصت و امکانات موجود برای نگه داشتن اعضا و تشکیل جلسات و نشست های پیدا و پنهان ولو در منازل اعضا و نظایر آن به سود حزب بهره برداری شود. در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اواسط سال ۱۳۴۹ و در وضعیتی که امکان انتقاد از دولت و حاکمیت دشوارتر شده بود، رهبران حزب به اعضای آن توصیه می کردند ولو با طرح مسائل غیرسیاسی نظیر موضوعات و فعالیت های ورزشی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی، سعی کنند به آمد و شدها و ارتباطات درون حزبی خود قوت بخشیده و مانع از پراکندگی بیشتر شوند. در همان حال در جلسات حزبی هم سعی می شد کمتر درباره مسائل جاری کشور سخن به میان آید و سخنرانان به مسائل انتزاعی و کم اهمیت تر می پرداختند. با پیشبرد همین احتیاط ها و رفتار کج دار و مریز بود که از اواسط اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ رهبران و مسؤلان

حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف فرصت و اجازه دوباره ای برای گسترش فعالیت های حزبی پیدا کرده و همراه با دایر شدن تدریجی دفاتر و شعب حزب تحرک جدیدی برای برگزاری جلسات، کنفرانس ها و آمد و شدهای حزبی فراهم گردید.

ساواک درباره تحرک دوباره حزب پان ایرانیست در بخش های مختلف کشور (و از جمله خوزستان) گزارش کرده بود:

به دستور محسن پزشکپور در تاریخ ۲۵/۲/۵۰ دو نفر از فعالین حزب پان ایرانیست به اسامی حسین شهریار (عطوان) و خرم از تهران به اهواز آمده اند تا به اتفاق مهندس رضا کرمانی و غلامحسین آصف دو تن از اعضای حزب مزبور در اهواز به شهرستانی در استان خوزستان که این حزب شعبی در آن دارد عزیمت و مسئولین حزب در این نقاط ابلاغ نمایند از چه تاریخی پس از یک دوره تقریباً رکود، فعالیت های حزبی را تشدید کنند و قرار شده ظرف همین چند روز این موضوع به اعضای حزب در اهواز نیز اطلاع داده شود. ضمناً یک حلقه نوار سخنرانی و گفتار محسن پزشکپور و محمدرضا عاملی تهرانی در جریان کنگره ششم منعقده حزب مذکور در تهران که اوایل اردیبهشت ماه جاری برگزار شده توسط دو نفر موصوف به خوزستان آورده شده تا در دفاتر شعب حزب در شهرستان ها مورد استفاده اعضایی که موفق به شرکت در کنگره مزبور و استماع

این گفتار نشده اند قرار گیرد. به علاوه شخص دیگری هم به نام مهندس ثقفی که وابسته به این حزب هستند از تهران به اهواز آمده است.(۱)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در میان اعضا و مسئولان حزب جنب و جوشی دوباره شروع شده بود؛ نظیر آنچه ساواک کهگیلویه و بویراحمد در بیستم خرداد ماه ۱۳۵۰ گزارش کرده بود:

به استحضار می رساند پس از برگزاری کنفرانس اخیر حزب پان ایرانیست در تهران و با توجه به اقداماتی که از طرف مسئولین حزب مذکور به منظور اخذ اجازه در جهت گسترش فعالیت حزبی در سطح کشور به عمل آمده و نتیجتاً فعالیت حزب مورد بحث را بلامانع تشخیص داده اند به تدریج تحرک و تلاشی از سوی عناصر فعال این حزب در دوگنبدان مشاهده گردید و متعاقب آن آقای حافظ کهوائی مسئول سابق تشکیلات حزب پان ایرانیست دوگنبدان از اهواز به این بخش مراجعه و ضمن ملاقات ها و تبادل نظراتی با اعضای فعال و مؤمن به حزب مذکور یک باب مغازه را جهت استقرار دفتر حزب انتخاب و در تاریخ ۱۶/۳/۵۰ تابلوی حزب پان ایرانیست تشکیلات کهگیلویه را در محل استیجاری نصب نمودند. علیهذا با عرض اینکه تاکنون

رسماً محل دفتر حزب موصوف افتتاح نگردیده است قرار است در حضور آقای حافظ کهوائی و تعدادی از اعضای حزب مزبور ضمن مراسمی نسبت به افتتاح و آغاز فعالیت این حزب اقدام نمایند که مراتب به موقع به عرض خواهد رسید.

رئیس ساواک فرمانداری کل کهگیلویه و بویراحمد - سالاری(۱)

از جمله اقشاری که رهبران حزب پان ایرانیست تلاش کردند ارتباطشان را با آنها تداوم بخشند، کارگران کارخانجات و کارگاه های تولیدی به ویژه در مناطق کارگری کشور بودند. از جمله در:

مورخه ۲/۸/۴۹ در پایگاه مرکزی حزب پان ایرانیست محسن پزشکپور کارگران راه آهن عضو حزب را به اطاق خود دعوت کرده و ضمن صحبت در مورد اجاره ساختمان جدید، اظهار نموده که بایستی فعالیت ها را شدیدتر نمود و افرادی را به حزب آورد تا به ایده های حزب مؤمن باشند و در حال حاضر امکان فعالیت از چند ماه دیگر بیشتر است و اگر سندیکای کارگران راه آهن و فرش منحل شد با آماده نمودن افرادی مطمئن می توان فعالیت را ادامه داد. پزشکپور ضمن تأکید در این مورد که مطالب عنوان شده در جلسه نزد سایر



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

افراد بازگو نشود در مورد رعایت مراقبت در زمینه پـذیرش افراد جدیـد آموزش هایی داده و در پایان تأکید نموده که جزوات حزبی را مطالعه نمایند.(۱)

در اوایـل اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ اداره کـل سوم سـاواک موضوع نفوذ و حضور حزب پـان ایرانیست در میـان کـارگران و گروه های کارگری را با نگرانی دنبال می کرد:

برابر اطلاع واصله بعضاً تعدادی از کارگران پاره ای از واحدهای کارگری به طور دانسته یا ندانسته به محل هایی از حزب پان ایرانیست کشانیـده شده و بحث هایی پیرامون مسائل مختلف (به ویژه امور کارگری مناطق مختلف) به عمل می آورند. علیهذا خواهشـمند است دسـتور فرمایید با توجه به مفاد گزارش خبر شماره ۸۲۷۷/۲۰ ه ۲ پیرامون شـناسایی این قبیل کارگران و مفاد اظهارات آنها و نحوه بهره برداری های حزبی در مسائل کارگری تحقیقات لازم معمول و نتیجه را اعلام نمایند.

مدیرکل اداره سوم – مقدم(۲)

سـاواک همواره نگران بود مبـادا زیـاده روی حزب پـان ایرانیست در طرح مشـکلات و نارسـایی هـای موجود در محیـط هـای کارگری باعث گسترش نارضایتی در میان کارگران شده و آنان را نسبت به رژیم و نیز دولت هویدا بدبین نماید و بر مخالفت ها دامن بزنند. از جمله:

موضوع: اجتماع عده ای از افراد وابسته به حزب پان ایرانیست در سندیکای واگن خانه راه آهن.

ساعت ۰۰/۱۶ روز ۵/۳/۵۰ در حدود ۵۰ نفر از اعضای سـندیکای واگن خانه راه آهن در محل سـندیکا اجتماع نموده بودند. ابتـدا شـمس اله میرزایی اظهـار داشت در این هفته با اکثر مقامات راه آهن تماس گرفته ام و از مهنـدس آفرین دعوت به عمل آمده که وقت تعیین نماید تا کارگران را دعوت و به مشکلات آنان رسیدگی نماید و همچنین نامه در مورد کارگران روزمرد دائم به مقامات نوشـته ایم که با توجه به قانون اسـتخدام کشوری نسـبت به وضع اسـتخدامی ما عمل گردد. سپس تقی رحیمی اظهـار داشـت چنـد روز پیش پلیس راه آهن مرا احضـار و تـذکر داد بـا این عملی که می نماییـد در مـورد رسـیدگی به امـور کارگران راه آهن



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

امکـان دارد آنـان اعتصـاب و زن و بچه خـود را به راه آهن بیاورنـد و در جواب گفتم زن و بچه هم حق خود را می خواهنـد. رحیمی اظهـار داشت تـا به حـال هرگونه شـکایتی در مورد کـارگران داشتیم به مقامـات مربوطه نوشـته ایم چنـانچه به کـار ما رسیدگی ننمایند به شخص اول مملکت و ولیعهد نامه خواهم نوشت که به وضع ما رسیدگی

نمایند.(۱)

وقتی در اواخر آذر مـاه ۱۳۴۹ گفته شـد، حاکم بحرین به زودی از ایران دیـدن خواهد کرد، پزشـکپور تمام اعضای حزب پان ایرانیست را از هرگونه حرکت اعتراض آمیز احتمـالی به شـدت برحـذر داشت. به گزارش سـاواک یکی از اعضـای حزب پان ایرانیسـت از رژیـم پهلوی بـه خـاطر تجزیـه بحرین از ایران که به شـدت موجبـات سـرخوردگی او را فراهم آورده بـود، چنین اظهارنظر کرده است:

موضوع: اظهارات غژمانی عضو حزب پان ایرانیست.

ساعت ۰۰/۱۸ روز ۲۳/۴/۵۰ غژمـانی کارمنـد بانـک ایران و خاورمیـانه در محـل حزب در حضـور خسـرو امیری، حسن زاده، فراهانی، سـلطان زاده دانشـجوی دانشکده اقتصاد ضمن خواندن روزنامه کیهان اظهار داشت موقعی که دولتی استعفا می نماید تا تعیین دولت جدید معلوم نیست حکومت به دست چه کسـی اداره خواهد شد ولی در کشور ما هنوز هویدا اسـتعفا نداده، در روزنامه نوشـته اند که در کابینه جدید هویدا چهره های تازه وجود خواهد داشت. سلطان زاده گفت باور کنید مدت یک سال و نیم است به قـدری از این مملکت و حکـومت آن بیزار شـده ام که حاضـر نیسـتم حتـی کلمه ای راجع به این کشور بشـنوم. سپس اضافه نمود یکی نیست به اینها بگوید

شمـا که می خواستیـد بحرین را به این آسانی از دست بدهیـد لااقل آنچنان حکومتی اعمال می نمودیـد که ده هزار نفر ایرانی مقیم آن جـا در بحرین سـهمی داشـته باشـند نه اینکه آنهـا را در اختیـار کشورهـای عربی بگذاریـد. غژمـانی گفت اینهـا روی قاجـاریه را سـفید کردنـد، بـاز [به] آنها. چون قاجاریه تا انـدازه ای در مقابل مبارزات ایسـتادگی می کردنـد ولی اینها افتضاح کردند.(۲)

اسناد نشان می دهد، موضع مخالف پزشکپور و فراکسیون حزب پان ایرانیست با طرح

ص:۲۹۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تجزیه بحرین از ایران نظر مساعد اقشاری از مردم را به سوی آن جلب نمود؛ چنانکه ساواک در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ درباره اقبال اقشاری از مردم کشور به سوی این حزب چنین گزارش کرد:

در چند روز اخیر افراد قدیمی حزب پان ایرانیست با رده های بالای حزب در تماس می باشند و پیغام همکاری داده اند. عده ای از قبیل دانشجویان – کارمندان و آموزگاران نیز با محسن پزشکپور تماس گرفته اند و از وی تقاضای عضویت در حزب را می کنند و از مسئله حمله حزب به دولت و دفاع از بحرین اظهار تشکر مینمایند. چند روز قبل چهار نفر ضمن حضور در محل دفتر مرکزی حزب به پزشکپور اظهار

داشتند که ما سازمان آموزگاران کشور را زیر نظر داریم و در جلسه ای مسئله اخیر را بررسی کرده ایم و همه ما حاضر به هرگونه همکاری و کمک مادی هستیم [و] گروه ما بیش از هزار نفر می باشد. پزشکپور ضمن اظهار تشکر از آنان گفت فعلاً برنامه این است که شما با نظریات حزب آشنا شوید و اصول حزبی را فراگیرید و بعداً در جلسات حزبی راهنمایی خواهید شد.(۱)

## دور باطل سرخوردگی و چاپلوسی

بنابر شواهد و اسناد موضوع بحرین مجموعه اعضا و مسئولان حزب پان ایرانیست را دچار بحران و رکودی روزافزون ساخته بود؛ چنانکه وقتی تعدادی از اعضای حزب پان ایرانیست در بیست ونهم فروردین ماه ۱۳۴۹ از حافظ کهوائی جویای موقعیت فعلی و تکلیف آتی حزب شدند، پاسخ داد:

مسلماً در سطح عالی مملکت مسائلی هست که ما به آنها واقف نیستیم و فکر می کنم تنها راه فعلاً سکوت است. چون با موقعیت فعلی مملکت، ما حتی نباید کوچکترین سر و صدایی راه بیندازیم. به طور کلی پان ایرانیست ها با ناامنی و هو و جنجال در مملکت مخالف هستند.

نظریه منبع – روحیه و طرز فکر حافظ

کهوائی مسئول تشکیلات نسبت به گذشته تفاوت محسوسی نموده است. به طوری که شخصاً دست از فعالیت برداشته و اخیراً چنین



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

استدلال می نماید که با توجه به شرایط کنونی کشور بهترین و اصلح ترین کار این است که حزب پان ایرانیست سکوت نماید.

نظریه رهبر عملیات – با توجه به اظهارات کهوائی و نظریه منبع چنین استنباط می شود که حافظ کهوائی در مسافرت دو روزه خود به خوزستان دستوراتی مبنی بر عدم فعالیت اعضا و سکوت در مقابل جریان بحرین از سران و مسئولین تشکیلات این حزب در آبادان یا اهواز اخذ نموده باشد.(۱)

آنانی که فرصت طلب تر بوده و شناخت دقیق تری از روحیات و علایق دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست داشتند، با مشاهده اوضاع بحرانی سایه افکنده بر حزب پان ایرانیست استیضاح دولت توسط سران حزب عضو مجلس را «کار بیجایی» تلقی می کردند که به زعم آنها «جز اینکه خود را از اطمینان و امتیاز دولت انداخته اند کار دیگری از پیش نبرده اند و در آینده هم در مجلس راه نخواهند یافت». یکی از مسئولان محلی حزب به اعضای اندک و در عین حال مغموم آن هشدار می داد: «من به آقایان توصیه می کنم که به هیچ وجه در محیط خارج حق اظهار نظر در هیچ موردی را ندارند. اگر احیاناً در منطقه موردی اتفاق افتاد که به حزب هیچ ربطی نداشت، چنانچه عموم مردم درباره آن اظهار نظر نمودند، باز شما دوستان در آن مورد هیچ گونه صحبت و یا بحثی نکنید و کاملاً

ساکت باشید. مسلماً تکلیف حزب در عرض یکی دو ماه آینده روشن خواهد شد و اگر قرار باشد که دوباره حزب فعالیت را از نو آغاز کند که هدف خود را دنبال خواهیم کرد و اگر هم بایست مثل سابق فعالیت نداشته باشد ما هم همان طور عمل خواهیم نمود». بدین ترتیب طی چند ماه پس از طرح انتزاع بحرین از ایران در مجلس از دامنه اعتماد و اعتقاد اعضای میانی و عادی حزب پان ایرانیست به رهبران این حزب و نیز حاکمیت به شدت کاسته شده بود. از جمله یکی از اعضای حزب پان ایرانیست در پنجم خرداد ماه ۱۳۴۹ در استعفا نامه اش آورده بود:

کمیته مرکزی حزب پان ایرانیست

محترماً با توجه به بیانات آقای دکتر صدر در مجله وزین روشنفکر به شماره ۷۶۱ و

ص:۲۹۶

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

سخنرانی هایی که از مشارالیه در سابق شنیده شده و رویه ای که مسئولین حزب اخیراً در قبال دولت پیش کشیده اند بدین وسیله استعفای خود را از حزب تقدیم و کماکان هدف خود را به منزله یک سرباز وطن پرست [و] وفاداری خود را نیز نسبت به استقلال مملکت و شاهنشاهی محبوب ایران دنبال خواهم کرد و به هیچ حزب وابستگی ندارم.

با تقدیم احترام

قلهک – کارمند وزارت راه – احمد خانیا(۱)

در این میان محسن پزشکپور هر از گاه اعضای حزب را دلداری می داد که «روابط بین ما و دولت و دستگاه حکومت مثل خانواده ای که بین آنها نقار و کدورتی رخ داده است

می باشد و در آینده ای نزدیک این کدورت و اختلاف از بین خواهد رفت و امیدواری بسیار وجود دارد که وضع به حال عادی و سابق برگردد». ساواک که از نزدیک رفتار و عملکرد پزشکپور را تحت مراقبت داشت بر این باور بود که اظهاراتی از این دست «بیشتر از آن جهت صورت گرفته که مانع سردی و سرخوردگی اعضا از حزب مزبور شده و در افراد و بخصوص عناصر مردد حزبی که وضع و آینده این تشکیلات را مبهم و نامشخص می دانند نوعی ایجاد امیدواری نماید».

### کنگره ششم (فوق العاده)

در حالی که فشارها و دردسرسازی های دولت با نوساناتی همچنان ادامه داشت، رهبری حزب پان ایرانیست بر آن شده بود کنگره ششم این حزب را در اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ برگزار کند. ساواک در بیست و پنجم فروردین ماه ۱۳۵۰ خبر داد، هوشنگ طالع و محمد جهانگیری از سوی پزشکپور مسئولیت یافته اند تا مقدمات برگزاری این کنگره را فراهم آورند. ساواک ضمن گزارشی چنین نوشته است:

مورخه ۲۶/۱/۵۰ جلسه ای با شرکت محسن پزشکپور – محمدرضا عاملی – هوشنگ طالع – مجید ضامنی – اسماعیل فریور – در محل حزب پان ایرانیست تشکیل گردید و نسبت به کار کنگره ششم حزب بررسی و قرار شد که کنگره در ۳/۲/۵۰ در محل حزب



---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برگزار گردد. اسمعیل فریور اظهار داشت محل حزب مناسب کنگره نیست و صلاح است در هتل یا محل دیگری که آبرومند باشد تشکیل شود. محسن پزشکپور اظهار داشت بیرون از محیط حزب مستلزم اجازه از مقامات است که امکان دارد مخالفت نمایند. بنابراین در محل حزب بهتر است و هر کدام از

نامبردگان مسئولیتی را عهده دار شدند. قرار شد هوشنگ طالع مأمور تزیین و چاپ دعوت نامه ها و مجید ضامنی مسئول تدارکات و محمدرضا عاملی مسئول تشکیلات شهرستان ها جهت آماده شدن افراد رسمی حزب در کنگره و اسمعیل فریور رسیدگی به امور تهران و کسانی که تاکنون عضو رسمی حزب شناخته نشده اند ولی مدتی است با حزب همکاری دارند در حدود ۶۷ نفر می باشند [که] تعدادی از آنان سوگند یاد نموده و بقیه قرار شده روز ۳۱/۱/۵۰ پس از انجام تشریفات عضو رسمی حزب شناخته خواهند شد. در این کنگره در حدود ۴۵۰ نفر شرکت خواهند نمود و کنگره ششم نسبت به اخذ تصمیم درباره شرکت در انتخابات دوره ۲۳ مجلس شورای ملی و خط مشی آینده حزب تصمیم خواهند گرفت.(۱)

برای در امان ماندن از فشارهای مضاعف دولت، مقدمات برگزاری کنگره ششم حزب پان ایرانیست تقریباً خیلی زود فراهم شد و در حالی که روزنامه ها در اواخر فروردین خبر می دادند کنگره فوق سوم یا چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ کار خود را آغاز خواهد کرد، «محسن پزشکپور روز ۲۸/۱/۵۰ طی نامه ای به حزب پان ایرانیست استان مازندران [همچنانکه اسناد موجود نشان می دهد، نامه های مشابه دیگری به برخی شعب حزب در استان های دیگر هم ارسال شد] دستور داد که عده ای از نفرات قسم خورده را رؤسای حزب در شهرستان های استان عصر روز ۲/۲/۵۰ با خود به کنگره تهران ببرند». همچنانکه سند

زیر نشان می دهد، پزشکپور اصرار داشت کنگره ششم حزب بدون جار و جنجال و حتی المقدور محرمانه برگزار شود:

در ساعت ۰۰/۱۹ روز ۲۲/۱/۵۰ یک جلسه خصوصی در اطاق کار آقای محسن پزشکپور با حضور آقایان دکتر عاملی و دکتر فریور و دکتر طالع و میرقاسمی به منظور تشکیل کنگره ششم حزب پان ایرانیست در روز جمعه سوم اردیبهشت ماه مذاکراتی به عمل آمد و آقای



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پزشکپور تأکید نمود موضوع تشکیل کنگره خیلی محرمانه باشد و کسی از جریان تشکیل کنگره تا روز پنجشنبه ۲/۱/۵۰ [۲/۲/۵۰] نباید آگاه شود و ضمناً به آقای میرقاسمی اظهار داشت خودت را آماده کن که امسال باید از شهرضا کاندید نمایندگی مجلس شورای ملی شوی و از طرف حزب شما کاندید خواهید شد. سپس آقای میرقاسمی سؤال نمود چرا برخلاف کنگره های قبلی امسال کنگره را محرمانه تشکیل می دهید و آقای پزشکپور گفت چون امکان دارد بعضی افراد ناباب و یا مأمورین ساواک زیاد شرکت کنند و وضع کنگره را از مسیر اصلی خود خارج کنند.

توضیح شنبه – آقای میرقاسمی در تاریخ ۲/۱/۵۰ [۲/۲/۵۰] به صوب تهران حرکت تا روز جمعه ۳/۱/۵۰[۳/۲/۵۰] در کنگره

مذکور شرکت نماید.(۱)

این نگرانی و پرده پوشی های محسن پزشکپور چندان هم بی راه نبود. مدیرکل اداره سوم ساواک در اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ در این باره خطاب به ساواک تهران نوشته بود:

درباره: برگزاری ششمین کنگره حزب پان ایرانیست

عطف به ۸۳۰۹/۲۰ ه ۲– ۳۱/۱/۵۰

خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به دستورالعمل های صادره قبلی به آن ساواک درباره ممانعت از تشکیل جلسات و فعالیت حزب پان ایرانیست از برگزاری کنگره حزب مذکور به نحو مقتضی جلوگیری و نتیجه را به این اداره کل گزارش نمایند. ضمناً مراتب به شهربانی کل کشور نیز اعلام گردیده است.

مدیرکل اداره سوم – مقدم(۲)

بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک گزارشی در اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ به ناصر مقدم مدیرکل آن اداره ارائه داد که در آن چنین آمده بود:

درباره: تشکیل ششمین کنگره حزب پان ایرانیست

محترماً به استحضار می رساند:

برابر گزارشات واصله قرار است ششمین کنگره حزب پان ایرانیست در اوایل اردیبهشت ماه



---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

سال ۵۰ با شرکت تعدادی از

افراد فعال حزب مذکور به منظور انتخاب رهبر و بررسی و تعیین خط مشی این حزب در چهار سال آینده برگزار گردد. ضمناً روزنامه کیهان در تاریخ ۲۹/۱/۵۰ ضمن انتشار خبر مذکور اضافه نموده برابر اظهار سخنگوی حزب پان ایرانیست، نمایندگان حزب مزبور از تهران، شهرستان ها و خارج از کشور در این کنگره شرکت خواهند کرد و دکتر محمدرضا عاملی تهرانی قائم مقام حزب مذکور مسئول تدارک و برگزاری کنگره موصوف است.

با عرض اینکه قبلاً ـ اوامری در مورد ممانعت از تشکیل جلسات و فعالیت حزب پان ایرانیست صادر گردیده و مراتب نیز به منظور جلوگیری از برگزاری جلسات حزب موصوف به شهربانی کل کشور اعلام و دستورالعمل های لازم نیز در این مورد به کلیه ساواک ها ابلاغ شده علیهذا مراتب فوق جهت استحضار معروض، مستدعی است اوامر عالی را در مورد تشکیل ششمین کنگره حزب پان ایرانیست امر به ابلاغ فرمایند.

مقدم بلافاصله مفاد این گزارش را در اختیار نصیری قرار داد و او دستور داد نظیر دستورالعمل های قبلی از برگزاری کنگره ششم حزب پان ایرانیست جلوگیری به عمل آید.

ناصر مقدم در نامه ای که به دنبال این گزارش بخش ۳۱۲ و دستورالعمل نصیری و در همان روز اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ برای ساواک های سراسر کشور ارسال کرد به آنها

دستور داد:

قرار است در اوایل اردیبهشت ماه سال ۵۰ ششمین کنگره حزب پان ایرانیست در مرکز برگزار شود با توجه به دستورالعمل های قبلی به طور غیرمحسوس ترتیبی اتخاذ گردد که نمایندگان از شرکت در این کنگره خودداری و نتیجه اعلام [شود] - مقدم.(۱)

نصیری هم در نامه ای خطاب به ریاست شهربانی کل کشور یادآور شد:

درباره: برگزاری ششمین کنگره حزب پان ایرانیست

طبق اطلاع واصله قرار است روز ۳/۲/۵۰ ششمین کنگره حزب پان ایرانیست با شرکت تعدادی از عناصر فعال این حزب در محل حزب مذکور در تهران برگزار شود. با توجه به اینکه قبلاً نیز لزوم ممانعت از تشکیل جلسات و اجتماعات حزب مزبور به آگاهی رسیده



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

علیهـذا مراتب جهت اطلاـع و هرگونه اقـدام مقتضـی اعلاـم خواهشـمند است دسـتور فرماییـد نتیجه اقـدامات معموله را به این سازمان منعکس سازند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد نصیری(۱)

پیشگیری ساواک در مورد این کنگره موفق نبود و بسیاری از نمایندگان تعیین شده ولو مخفیانه راهی تهران می شدند، چنانکه از اصفهان گزارش رسیده بود:

برابر اعلاـم سـاواک یزد در اجرای اوامر صادره اقـدام مقتضـی معمول و از عزیـمت افراد مزبور به تهران جلوگیری به عمل آمد فقـط شخصـی به نـام احمـد نجف آبـادی کارمنـد معـدن چغـارت بافق وابسـته به این حزب بعـد از ظهر روز ۱/۲/۵۰ بـه تهران عزیمت نموده بود. ضمناً با تماسی که با آقای دکتر اردشیر ظفری در اصفهان انجام گرفت از حرکت اعضا و نمایندگان حزب پـان ایرانیسـت به تهران جلـوگیری شـد لکن برابر تحقیقـات سه نفر آقایـان: ۱- مهنـدس امین صـالحی مهنـدس ذوب آهن ۲- حسین طباخیان خدمتگزار آموزش و پرورش ۳- محمدعلی حسینی آموزگار که وابسته به حزب مزبور می باشند قبل از وصول تلگراف معطوفی به تهران عزیمت نموده بودند - تقوی.

و نیز ساواک کرمانشاه نوشته بود:

دکـتر عـاملی توسـط رشـید کیخسـروی کارمنـد اداره کـار کرمانشـاه کـه از اعضـای افراطی می باشـد از سـرپرست حزب پـان ایرانیست سنندج دعوت کرده که روز ۳/۲/۵۰ جهت شرکت در کنگره حزب به تهران برود که در اجرای امر از عزیمت وی به تهران

جلوگیری شـد. ضـمناً کنگره مزبور در مورد سیر حرکت آینـده حزب و مشـی فعـالیت آن بررسـی و رهـبر حزب بـار دیگر با رفراندوم اعضای اصلی حزب برای مدتی دیگر تعیین [می شود] - لیقوانی.(۲)

نماینـدگان حزب در برخی شـهرها هم که پیشـاپیش احساس کرده بودنـد ساواک و شـهربانی مانع از مسافرت آنها به تهران و شرکت در کنگره خواهنـد شد، روزها قبل از موعد مقرر محل زندگی خود در شـهرهای مختلف را به سوی تهران ترک کرده بودند. بسیاری از آنان فقط ساعاتی قبل از وصول دستورالعمل اداره کل سوم ساواک و نیز



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

شهربانی محل، شهرهای خود را به قصد تهران ترک کرده بودند. از جمله ساواک خوی به تهران گزارش کرد:

برابر گزارش ساواک خوی طبق تحقیقاتی که به عمل آمده اسکندر ابوالحسن زاده کارمند آموزش و پرورش و سرپرست حزب پان ایرانیست شاهپور مورخه ۱/۲/۵۰ به مدت ۹ روز مرخصی اخذ و شاهپور را ترک نموده. احتمالاً برای شرکت در کنگره مزبور به تهران عزیمت نموده است.

همچنین ساواک رضائیه گزارش کرده بود:

چهار نفر از اعضای حزب پان ایرانیست رضائیه به اسامی رحیمی – جعفری – خوش کردار و بهار روز گذشته قبل از وصول امریه معطوفی جهت شرکت در کنگره حزب مزبور رضائیه را به قصد تهران ترک

گفته اند – صیادیان(۱)

با تمام این احوال همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست تا واپسین ساعات روز دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ برای برگزاری کنگره حزب در صبح روز بعد تمهیدات قابل قبولی فراهم آورده بود:

کلیه کوشش و فعالیت رهبران و مسئولین امور مختلفه حزبی در یک هفته اخیر جهت تهیه مقدمات برگزاری کنگره ششم حزب مصروف گشته که در آن حدود ۵۰۰ نفر از افراد حزبی تهران و شهرستان ها و عده ای میهمان نیز حضور

خواهند یافت و اکثراً افراد آزمایشی تهران نیز مراسم سوگند رسمی را به جای آورده تا بتوانند در کنگره با حق رأی شرکت نمایند. کنگره از ساعت ۹ صبح روز ۳/۲/۵۰ حداکثر تا ساعت ۸ شب به کار خود ادامه خواهد داد و تقریباً کلیه لوازم و وسایل مورد نیاز نیز آماده شده است. کارت های دعوت جهت شخصیت ها و مقامات مختلف و روزنامه نگاران و خبرگزاری ها طبق اسامی که پزشکپور و دکتر فریور تعیین نموده اند از روز ۳۱/۱/۵۰ شروع به توزیع گردید. ضمناً طبق توافقی که بین پزشکپور و روزبیانی به عمل آمد قرار شد که عده ای از کردان نیز با لباس های محلی در

این مراسم شرکت نمایند. کارت هایی نیز جهت شرکت افراد در کنگره تهیه شد که اسامی آنها وسیله دکتر محمدرضا عاملی صادر می گردد و از لحاظ انتظامات و اقدامات احتیاطی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

دکتر هوشنگ طالع شخصاً سرپرستی افراد گارد حزب را تحت نظر گرفته و اداره خواهد نمود. ضمناً آرم یادبود کنگره و نشریات مربوط به این مراسم نیز در دست تهیه می باشد که حداکثر تا روز ۲/۲/۵۰ آماده خواهد گردید. مسئولیت دبیرخانه کنگره را دکتر طالع عهده دار می باشد و مسئولین امور برگزاری مربوط به این کنگره را رهبران حزبی به این شرح تعیین نموده اند.

مجید ضامنی مسئول امور مالی – محمد جهانگیری مسئول تدارکات و تهیه لوازم مربوط به کنگره و انتشارات و ضبط مراسم و تزیین محل – بهاءالدین هاتفی مسئول تهیه غذا – ابراهیم میرانی مسئول توزیع و کنترل کارت های دعوت شخصیت ها – حسن حاج سیدجوادی و حسین شهریار مسئول [ناخوانا] جهت افراد شهرستانی و معرفی آنان.(۱)

دستگاه رهبری حزب به منظور پیشدستی بر فشارهایی که آشکار بود ساواک و دیگر

نیروهای امنیتی و انتظامی بر آنان وارد خواهند ساخت تدابیری اندیشید. به گزارش ساواک:

از ساعت ۰۰/۱۳ روز ۲/۲ حدود یکصد نفر از اعضای حزب پان ایرانیسم در محل حزب حاضر و تا ساعت ۳۰/۲۳ همان روز با حضور محسن پزشکپور رهبر حزب یک کنگره فوق العاده تحت عنوان «ظفر» تشکیل و متفقاً رأی دادند که کلیه اختیارات به نامبرده واگذار شده و محمدرضا عاملی تهرانی نیز به سمت قائم مقام انتخاب گردد، سپس عده ای محل حزب را ترک و تعدادی شب را در حزب ماندند که پزشکپور، هوشنگ طالع، اسمعیل فریور و محمدرضا عاملی تهرانی جزو کسانی بودند که شب را در حزب ماندند. ضمناً دو فقره تلگراف به پیشگاه شاهنشاه آریامهر مخابره و از اینکه دولت از برگزاری مراسم جلوگیری نموده است تقاضای رسیدگی نموده اند. یک نفر از اعضای حزب پان ایرانیسم که به پلیس به علت جلوگیری از تظاهرات اعتراض می کرد به وسیله پلیس دستگیر گردید و ضمناً پلیس از وارد کردن غذا و وسائل دیگر به محل حزب جلوگیری نموده و همچنین مشاجره کوتاهی بین هوشنگ طالع و افسر پلیس درگرفت که اسمعیل فریور میانجی شد و موضوع خاتمه

پذیرفت.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در ساعت ۳۰/۰۹ روز جاری افرادی که شب گذشته از محل حزب خارج شده اند بنا به دستور ابراهیم میرانی یکی از اعضا شعارهایی به شرح «پان ایرانیسم پیروز است، پیروز باد رهبر حزب پان ایرانیسم» می دادند که پلیس جلوگیری نمود.

چون قرار بود روز جاری کنگره حزب مجدداً تشکیل گردد لذا از عده ای وسیله کارت دعوت به عمل آمده بود لکن از تشکیل کنگره حزبی و ورود افراد به داخل محل حزب جلوگیری شد و افراد به طور متفرق در گروه های ۵ تا ۶ نفری در اطراف محل حزب جمع شده و تعدادی نیز در داخل محل حزب هستند. امکان دارد احتمالاً تظاهراتی وسیله این گروه های متفرق به عمل آید.(۱)

آنچه بود این تلگرافات رهبری حزب پان ایرانیست به سرعت در اختیار شاه قرار گرفت. در گزارش ساواک در این باره چنین می خوانیم:

روز ۳/۲ گزارش ساواک درباره تشکیل کنگره فوق العاده حزب پان ایرانیسم در روز ۲/۲ و دادن اختیارات به پزشکپور رهبر حزب و انتخاب محمدرضا عاملی تهرانی به سمت قائم مقام و تقدیم دو فقره تلگراف به پیشگاه شاهنشاه آریامهر

مبنی بر اینکه دولت از برگزاری مراسم جلوگیری نموده است و اینکه قرار بوده است روز جاری کنگره حزب مجدداً تشکیل شود لکن از تشکیل کنگره حزبی و ورود افراد به داخل محوطه حزب جلوگیری شده، از شرف عرض مبارک همایونی گذشت.

اوامر مبارک ملوکانه شرف صدور یافت:

«به دستور کی جلوگیری شده، مگر این حزب غیرقانونی اعلام شده؟»

اوامر مبارک شاهانه به رئیس ساواک ابلاغ شد، اظهار داشت:

«حزب پان ایرانیسم به دو دسته تقسیم شده، دسته مخالف و دسته موافق. این همان دسته مخالف هستند که به وسیله دولت مقرر شده بود که از فعالیت آنها جلوگیری شود لکن از دسته موافق حمایت خواهد شد.»(۲)

اما شاه به نصیری تذکر داد که «چه نوع فعالیتی؟ اینها در مجلس هستند، بی خود سر



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

به سر اینها نگذارید».(۱)

به رغم فشارهای ساواک و شهربانی و کارشکنی های پیدا و پنهان دیگر مراجع دولتی، شرکت کنندگان در کنگره و دیگر اعضا و هواداران حزب پان ایرانیست چندان راحت هم میدان را برای حریف رند و کینه ت-وز خود (هویدا) خالی نکردند:

ساعت ۹ بامداد مورخه ۳/۲ به تدریج اعضا

و نمایندگان حزب پان ایرانیست که از شهرستان های مختلف ایران جهت شرکت در کنگره ششم این حزب به تهران آمده بودند جهت ورودبه دفتر روزنامه خاک و خون که در ضمن تالار اجتماع حزب پان ایرانیست نیز محسوب می شود در کوچه شاهرخ واقع در خیابان نادری اجتماع نموده لیکن پلیس از ورود اعضای این حزب به داخل دفتر روزنامه خاک و خون جلوگیری به عمل آورده است. اعضای حزب پان ایرانیست شهرستان ها که بالغ بر هزار تا هزار و پانصد نفر می شدند در حالی که شعارهایی از قبیل (دولت هویدا باید سقوط کند)، (جلوگیری از برگزاری کنگره ششم حزب پان ایرانیست نقض قانون اساسی است)، (حکومت یک حزبی بنا به فرمان شاهنشاه آریامهر در ایران پابرجا نمی باشد)، ( ما از شهرستان ها گرد آمده ایم تا برای سرافرازی ملت مبارزات میهن پرستانه خود را دنبال کنیم)، (دولت بناحق از عملیات ما جلوگیری می کند)، (عمل حکومت هویدا نقض کامل قانون اساسی است) می دادند به طور پراکنده در حول و حوش کوچه شاهرخ و خیابان نادری به حال انتظار بودند. در حالی که مهندس کرمانی و علیرضا فرهمند و چند نفر دیگر از پان ایرانیست ها که از

شهرستان ها به تهران آمده بودند تلفناً با محسن پزشکپور در تماس بوده و از وی دستور اخذ می نمودند و به سایرین اطلاع می دادند. در بین افراد حزبی که از شهرستان های مختلف ایران گرد آمده بودند عده ای نیز از استان کردستان به رهبری شخصی به نام جاف شرکت داشتند که با لباس های محلی کردی در بین پان ایرانیست ها دیده می شدند. در حدود ۲۰ الی ۴۰ نفر نیز از بانوان عضو حزب با لباس های مخصوص حزبی در بین سایر اعضا وجود داشتند. افرادی که علناً مبادرت به دادن شعارهای حزبی می نمودند به نام های عزیز سالمی (در حال خدمت سربازی) میرانی دانشجوی دانشگاه تهران (از اهالی گچساران است) بودند.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

محسن پزشکپور متعاقب تلگراف اولی تلگراف دیگری نیز به پیشگاه شاهنشاه آریامهر مخابره نمود که اعضای حزب امیدوار بودند از وزارت دربار شاهنشاهی دستوراتی به شهربانی کل کشور صادر گردد لیکن این امر صورت نگرفت لذا پزشکپور که با افراد خارج تلفناً در تماس بود بدانها ابلاغ نمود برای صرف ناهار متفرق شوند و مجدداً در ساعت ۳ بعد از ظهر در جلو دفتر روزنامه خاک و خون حضور به هم

رسانند. به موجب این دستور اعضای حزب متفرق گشته و در ساعت ۵/۳ بعد از ظهر همان افراد مجدداً در محل روزنامه خاک و خون اجتماع نمودند. در ساعت پنج بعد از ظهر از طرف محسن پزشکپور به افراد حاضر در خیابان دستور حرکت به طرف حزب داده شد که افراد به دسته های ۱۰ الی ۲۰ نفری تقسیم شده و از نقاط مختلف به سوی دفتر حزب حرکت نمودند. در این هنگام پلیس سعی نمود با ملایمت و خونسردی افراد را از داخل شدن به محل حزب باز دارد لیکن چون افراد توجهی به اخطار پلیس ننمودند پلیس نیز ناچار گردید که به اعمال خشونت آمیز متوسل گشته و چند نفر از پان ایرانیست ها در جریان کشمکش با پلیس دستگیر گردیده اند. پزشکپور که از داخل دفتر حزب شاهد و ناظر صحنه مبارزه پلیس با اعضای حزب بود ناچاراً به وسیله تلفن به اعضا دستور داد تا نمایندگان شهرستان ها به محل های خود مراجعت نمایند و پس از این دستور عده ای از اعضای حزبی شهرستان ها که جهت شرکت در کنگره ششم حزب پان ایرانیست به تهران آمده بودند و موفق به شرکت در این کنگره نگردیده

مأیوسانه به شهرستان های خود مراجعت نمودند.(۱)

بدین ترتیب هر چند ساواک و شهربانی مانع از برگزاری منظم جلسات کنگره حزب پان ایرانیست شدند، با این حال دستگاه رهبری حزب بالاخص شخص محسن پزشکپور احساس می کرد این های و هوی حزبی و درگیری های پراکنده ای که پلیس و ساواک با اعضای حزب پیدا کرده و شعارهایی که بر ضد دولت داده شد، او و حزبش را کفایت کرده و پیام و هدف کنگره ششم (فوق العاده) را برآورده ساخته است. ساواک در این باره گزارش کرده بود:

ساعت ۳۰/۱۰ روز ۴/۲/۵۰ آقایان مهندس هوشنگ قربانی – مهندس شهنواز در منزل



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

محسن پزشکپور بودنـد. محسن پزشـکپور اظهـار داشت دولت هویـدا برای کوبیـدن مـا این کارهـا را کرد اما نمی دانست که بزرگترین تبلیغ را برای مـا و حزب مـا انجـام داد. اگر رهـبران حزب پـان ایرانیست صـدها هزار تومـان خرج می کردنـد نمی توانسـتند جریان کنگره را به این صورت برگزار نماینـد که در یک وضع غیرعادی انجام شده و خبرنگاران خارجی چگونگی را به دنیا مخابره نمایند. امکان نداشت. اما اقدام آقای هویدا سبب شد که جریان به نفع ما تمام شود.(۱)

با پایان یافتن کنگره و در حالی که به نظر می رسید رهبران حزب پان ایرانیست از نظر

مساعد اخیر شاه نسبت به خود اطلاعاتی به دست آورده اند، اعضای فراکسیون کوچک این حزب در مجلس رو به زوال دوره بیسـت و دوم در روز پنجـم اردیبهشت مـاه ۱۳۵۰ دولت هویـدا را به دلیـل ممـانعت از برگزاری منظم جلسـات کنگره مـذکور تقریباً با شـدت مورد انتقاد قرار دادنـد و به دنبال آن درگیری های لفظی میان آنها با برخی نماینـدگان عضو فراکسـیون ایران نوین روی داد. برگزاری اضطراری و بدون اطلاع قبلی کنگره فوق العاده حزب پان ایرانیست برخی از رهبران این حزب را هم که گویا فرصت نشده بود در کنگره مذکور حاضر شوند، ناراضی ساخت؛ از جمله این افراد اسماعیل فریور بود:

اسـمعیل فریـور اظهـار داشت بـا همه اقـدامات حزب پـان ایرانیست چه از نظر تشـکیل کنگره و همچنین بـا کنگره فـوق العـاده مخـالف بودیم و حتی روز ۲/۲/۵۰ به محسن پزشـکپور گفتم که تو داری خودت را به سـرعت نـابود می کنی و به حرف های محمدرضا عاملی توجه زیادی نداشـته باش. به هر حال راه حزب درست نیست و ما باید برنامه اصولی تری را پیاده کنیم. حتی موقع تشـکیل کنگره فوق العـاده محسن پزشـکپور مرا به دنبـال تلگراف فرسـتاد و گفت برو به شاهنشاه تلگراف بزن. من وقتی رفتم تلگراف زدم و آمدم متوجه شدم که کنگره تشکیل داده اند و مدتی است که کمتر به محل حزب رفت و آمد دارم.(۲)

در این میان انتشار اعلامیه هایی از سوی دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست بار دیگر

مسئولان امر در ساواک را نگران کرد. بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک در شانزدهم



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ در این باره به شرح زیر از مدیرکل آن اداره کسب تکلیف کرد:

درباره: توزیع اعلامیه های حزب پان ایرانیست

محترماً به استحضار می رساند.

منظور – عرض وضعیت و کسب دستور.

اخیراً حزب پان ایرانیست اعلامیه هایی در خصوص ششمین کنگره حزب مزبور تهیه و در آن ضمن تشریح جریان کنگره فوق العاده این حزب نسبت به جلوگیری پلیس از ورود عناصر حزب مذکور به محل کنگره و همچنین ممانعت از برگزاری آن اعتراض و پیام رهبر حزب پان ایرانیست و کیفیت انتخاب مجدد محسن پزشکپور به رهبری این حزب توضیح و به مخابره تلگراف به پیشگاه شاهنشاه آریامهر در این زمینه از طرف حزب اشاره شده است.

ضمناً حدود ۱۰۰ طغری پاکت از اعلامیه های مربوط به حزب یاد شده که توسط عناصر حزب موصوف و به نشانی های اشخاص مختلف به ویژه شخصیت های مملکتی پست گردیده توسط بخش ۳۴۳ ضبط شده. علیهذا با توجه به اینکه اخیراً مقرر گردیده از فعالیت های این حزب جلوگیری نشود مستدعی است اوامر عالی را در مورد توزیع یا

عدم توزیع آن امر به ابلاغ فرمایند.(۱)

نصیری در بیست و دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ به ریاست شهربانی کل کشور، چنین نوشت:

اعلامیه ها و نشریات حزب پان ایرانیست

پیرو ۱۰۲۵/۳۱۲–۱۶/۲/۵۰

نظر به اینکه بعضاً از طرف عناصر حزب پان ایرانیست اعلامیه ها و نشریاتی منتشر می گردد که مفاد آنها برخلاف مصالح کشور می باشد علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید ترتیبی اتخاذگردد که منبعد پخش هرگونه اعلامیه و نشریات توسط حزب مذکور با کسب اجازه قبلی صورت گیرد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور – سپهبد نصیری(۲)

ص:۳۰۸

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برخی از رهبران حزب گاه جرأت می کردند در نشست های محدود و چند نفره حزبی به انتقاد مستقیم از شاه لب گشوده و او را مسئول تمام اتفاقات و حوادث جاری در کشور قلمداد کنند. هوشنگ طالع یکی از همین افراد انگشت شمار بود که ساواک در پنجم خرداد ماه ۱۳۵۰ درباره او نوشته بود:

محسن پزشکپور چندین نوار را که سال ها قبل ضبط شده بود به دکتر هوشنگ طالع داد. یکی از آنها به نام حماسه خلیج فارس که به وسیله رادیو ایران پخش شده بود وجود داشت. نوار مذکور نیز به طور

خصوصی پخش شد. در قسمت آخر این نوار گوینده خطاب به بادها و ابرها می گوید اکنون ایران همان ایران و شه از آن شاهان و ملت آن ملت دانش بصیرت عدل و احسان بود. بگویید انقلاب شاه و ملت را که بنیاد ایمان بود. دکتر طالع پس از شنیدن این نوار دستور می دهد این قطعه را از نوار حذف کنند. این سخنان مسخره ای است. اینها خجالت نمی کشند خود را با شاهان بزرگ ایران مقایسه می کنند و خود را وارث آن تاج و تخت می دانند. آنها کجا و این کجا. اینها فقط مرتباً دم از انقلاب می زنند، کارهای خودشان را به رخ ملت ایران می کشند. و دکتر طالع نوار مذکور را قطع نمود. ضمناً تمثال بزرگ شاهنشاه آریامهر که در یکی از اطاق های بزرگ حزب که محل برگزاری جلسات عمومی است نصب گردیده بود به دستور دکتر طالع به نام نظافت و تعمیر در جشن چهارشنبه سوری برداشته شد که تاکنون در انبار حزب قرار دارد و در هفته گذشته جهت نصب از طالع اجازه گرفته شد، نامبرده اظهار داشت که احتیاجی به نصب آن نیست.(۱)

## پان ایرانیست ها در معرض حملات رادیو پیک ایران

حزب پان ایرانیست به دلیل تداوم مخالفت و دشمنی اش با حزب توده و گروه های چپ در معرض حملات رادیو پیک ایران قرار داشت. این رادیو در اخبار ساعت بیست روز ششم آذر ماه ۱۳۴۶ خود و به بهانه چگونگی و دلایل راه یافتن اعضای پنج نفره حزب پان ایرانیست به مجلس شورا و نقش و حیطه وظایفی که حاکمیت برای آن تعریف کرده بود، در تحلیل خود دلایل و روند تکوین و شکل گیری این حزب طی دو سه دهه گذشته



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تاریخ ایران را چنین مورد ارزیابی قرار داد:

شنوندگان عزیز. در این اواخر در مجلس فرمایشی شورا پدیده نوظهوری مشاهده می شود. فراکسیون پان ایرانیست ها مطالبی مطرح می سازند، پیرامون لزوم تقلیل دستمزد نمایندگان مجلس، لزوم کسر میزان حقوق کارمندان عالیرتبه دولت و یا لزوم رفع تبعیض در سیستم آموزشی. فراکسیون پان ایرانیست ها که اعضای ۵ گانه آن بر روی کرسی های سمت چپ مجلس هم جلوس کرده اند می کوشند بدین سان چهره مخالفه اصلاح طلب و مستقل نسبت به اکثریت و اقلیت قلابی حزب ایران نوین و مردم به خود بگیرند.

این پدیده، پدیده نوظهور و جالبی است که جا دارد سخنی چند پیرامون ماهیت آن گفته شود. برای شناخت این ماهیت باید به چند سؤال پاسخ داده شود، از جمله حزب پان ایرانیست ها چگونه و چرا به وجود

آمده است، پان ایرانیست ها چگونه و چرا به مجلس راه یافتند، نقش پان ایرانیست ها در مجلس و خارج از آن در شرایط کنونی چیست. برای پاسخ به این سؤالات ابتدا کمی به عقب برگردیم. چنان که می دانیم قبل از جنگ دوم جهانی در کشور ما مانند بسیاری کشورهای دیگر یک شبکه گسترده ای از جاسوسان آلمان هیتلری به نام ستون پنجم مستقر و مشغول فعالیت شدند. این شبکه جاسوسی با عده زیادی از ایرانی نماهای صاحب مقامات حساس ارتباط گرفته بود و آنها را به سود مقاصد توسعه طلبانه و جهانخوارانه فاشیزم آلمان به کار واداشته بود.

پس از ورود ارتش های متفقین به ایران این شبکه جاسوسی به طور عمده متلاشی شد و ضمناً چندین صد نفر از ایرانیان همکار جاسوسان آلمانی توقیف شدند. در بین این عده افرادی بودند از قبیل زاهدی و منوچهری که بعدها اولی نقش اولین نخست وزیر رژیم کودتای ۲۸ مرداد را ایفا کرد و دومی به نام بهرام آریانا رئیس ستاد ارتش شد ولی توقیف این ایرانیان مزدور اداره جاسوسی آلمان دیری نپایید. به کمک انگلیسی ها و آمریکایی ها آنها مرخص شدند و عده ای از آنها به رهبری

جاسوسان بازمانده آلمانی یک سازمان خرابکار پنهانی به وجود آوردند به نام حزب کبود. رهبر آلمانی آن مایر جاسوس معروف هیتلر و رهبر ایرانی آن نوبخت نماینده فراری مجلس بود. تحول در شرایط سپس باعث شد که حزب کبود نیز تغییر شکل و نام دهد و چهره جدیدی به خود بگیرد تحت عنوان حزب نهضت ملی. رئیس این حزب سرلشکر ارفع بود که مستقیماً با سفارت انگلیس مربوط بود

و دستورات خود را از آن سفارتخانه یا بهتر بگوییم از اینتلیجنت سرویس دریافت می داشت... چنانکه می دانیم سرهنگ منوچهری بود که همان ارتشبد بهرام آریانا است. حزب نهضت ملی نیز که با اسلوب فاشیستی سعی داشت به ویژه در بین افسران ارتش نفوذ کند عمر درازی نکرد [و] مجدداً تغییر شکل داد و نام حزب پان ایرانیست بر خود نهاد و در جریان این تحولات و تغییر اشکال حزب کبود از دست شبکه جاسوسی آلمان هیتلری درآمد و به نام حزب نهضت ملی در اختیار شبکه جاسوسی انگلستان قرار گرفت و حزب نهضت ملی نیز سپس از دست شبکه جاسوسی انگلستان خارج شد و به نام پان ایرانیسم در اختیار اداره مرکزی جاسوسی آمریکا داده شد. این تحولات برای

ما شگفت انگیز نخواهد بود، اگر در نظر بگیریم که اصولاً تمامی شبکه جاسوسی آلمان هیتلری پس از شکست نظامی فاشیزم آلمان جزو سازمان جاسوسی آمریکا شد و فقط قریب ۲ سال پیش مجدداً استقلال نسبی کسب کرد و اداره آن به آلمان فدرال واگذار گردید. حزب پان ایرانیست تا کودتای ۲۸ مرداد به فعالیت خود ادامه داد، ولی کاری از پیش نبرد و نمی توانست ببرد زیرا گسترش مبارزات آزادی بخش در ایران میدانی به احزابی نظیر اراده ملی، پان ایرانیسم و نظایر این گونه احزاب ساخته امپریالیست ها نمی داد. پس از انجام کودتای ۲۸ مرداد فعالیت حزب پان ایرانیسم را تقریباً متوقف ساختند زیرا کار آن در واقع از این پس تحصیل حاصل بود. امپریالیست ها به هدف خود رسیده بودند و رژیمی دست نشانده در ایران برقرار کرده بودند و دیگر نیازی به فعالیت این گونه سازمان ها نبود ولی چند سالی گذشت و معلوم شد نبرد اجتماعی در ایران ادامه دارد به این فکر افتادند که برای فریب افکار عمومی احزاب قلابی به نام مردم و ملیون از بالا ـ بسازند به نام این احزاب فراکسیون های قلابی در مجلس ایجاد کنند و بدین سان

تقلیدی از دموکراسی درآورند تا بر رژیم استبدادی ترور و اختناق پلیس جامه عوام فریبانه بپوشانند. این تشبث هم منتهی به نتیجه نشد. کسی فریب نخورد و طشت رسوایی احزاب به ویژه در انتخابات دوره بیستم از بام افتاد. به فکر افتادند که اصلاحات نیم بندی را به نام انقلاب سفید آغاز کنند و حزب به اصطلاح پاسدار انقلاب به نام ایران نوین ایجاد نمایند که می بایستی نقش اکثریت را ایفا کند و حزب مردم هم نقش اقلیت. ولی هیچ یک از این اقدامات کسی را فریب نداد. بر عکس مردم به تجربه دریافتند که در نتیجه مبارزه و فشار می توان رژیم را به

عقب نشینی هایی واداشت و همه دیدند و دانستند که اصلاحات نیم بندی که رژیم بدان متوسل شده است بناچار بوده است.

ضمناً مردم که دیدند و دانستند که این اصلاحات و این رژیم استبدادی و اختناق قادر نیست دردهای عدیده اجتماعی و ملی ایران را درمان کند بر شدت نارضایتی مردم افزوده گشت. در چنین شرایطی حزب پان ایرانیست این بار بنا به مصلحت آمریکایی ها و در کنف حمایت ساواک مجدداً به فعالیت پرداخت. هدف از تجدید فعالیت این سازمان که ظاهراً بر خلاف دو حزب

دولتی دیگر علناً بنا به دستور تشکیل نشده بود این بود که شاید بتوان با توسل به این حیله قشری از مردم به خصوص جوانان ناراضی را در آن متشکل ساخت، این قشر را از جنبش آزادی بخش ملی جدا کرد و در اختیار ارتجاع و امپریالیزم قرار داد. بدین سان حزب پان ایرانیست که سکان آن در دست جاسوسان آمریکایی و مأموران ساواک می باشد در غرفه انتخابات دوره بیست و دوم مجلس امکان به اصطلاح مبارزات انتخاباتی ]به آن[ دادند. بودجه ای در اختیار به اصطلاح سرورانش قرار دادند که با طبل و شیپور و اونیفورم این طرف و آن طرف مسافرت کنند و میتینگ تشکیل دهند و به دنبال این صحنه سازی نام عده ای از آنها در لیست کسانی که بنا به دستور می بایستی بر کرسی های مجلس شورا جلوس کنند گنجانیدند. بدین ترتیب فراکسیون پان ایرانیست ها در مجلس تشکیل شد و نقشی که بر عهده آنها گذارده شده است ابراز مخالفت است. ناهمگون با نحوه مخالف حزب مردم در عین حال پان ایرانیست ها موظفند با راست کردن رگ گردن با چهره های برافروخته و با حرارتی بیش از دو حزب دیگر از استبداد، از سیاست ضدملی رژیم،

از سیاست نظامی رژیم با تمام عواقب شوم سیاسی و اقتصادی اش دفاع کنند و این دفاع را به شیوه فاشیست ها از موضوع ناسیونالیزم متجاوز و توسعه طلب مطرح سازند. فاشیست های وطنی عمداً سبک های فاشیستی اونیفورم، علامت روی بازو، انضباط نظامی در سازمان خود، نحوه گفتار خاص و اصلاحاتی نظیر نژاد آریایی و نژاد ایرانی، تیره های نژاد ایرانی، تیره های نژاد ایرانی آن سوی مرزها، نیاخاک ایران به کار می برند. به تصور اینکه از این طریق می توانند قشری از جوانان را با زهر ناسیونالیزم متجاوز و توسعه طلب مسموم سازند. این بدبخت ها نمی دانند که جوانان و مردم ایران پس از این همه تجاربی که اندوخته است هیچ گاه به چنین ادعاهایی گرفتار نمی شوند و دنیای امروز نیز دنیایی نیست

ص:۳۱۲

که اجازه رشـد مجـدد به فاشـیزم آن هم در کشوری ماننـد ایران بدهد. مردم ایران فاشـیزم را خوب می شناسـند چه به صورت حزب پـان ایرانیست جلوه کنـد، چه در لحظه بیـان صاحبان مقامات رسـمی نظیر ریاست سـتاد ارتش، بهرام آریانا بروز نمایـد. مردم ایران به خوبی می دانند که این گونه افراد با چه مراکز متجاوز خطرناکی

پیوند دارند و دیرزمانی است که داغ عامل اسـتعمار بر پیشانی آنها زده اند. عوام فریبی های فراکسـیون پارلمانی فاشیست های وطنی هیچ گاه قادر نیست این داغ را پاک کند.(۱)

رادیو پیک ایران در شانزدهم آذر ماه ۱۳۴۶ هم دفاع پان ایرانیست ها از حقوق و خواست های اکراد ساکن در خاک عراق را عـوام فریبـانه و در راسـتای سیاسـت هـای رژیم پهلوی و کشورهـای آمریکـا و انگلسـتان ارزیـابی نمود و از رهـبران این حزب پرسـید، اگر حافظ و خواسـتار دفـاع از حقوق کردها هسـتند، پس چرا سـخنی در حمایت از حقوق و منافع کردهای ساکن در خاک ایران بر زبان نمی آورند؟ این رادیو اضافه کرده بود:

موجودیت فاشـیست هـای وطنی رابطه ناگسـستنی بـا موجودیت اسـتعمارگران انگلیسـی و نواسـتعماریون آمریکـایی دارد. چه کسـانی سـال هـا است که هزینه هنگفت چـاپ و انتشـار روزنـامه آنها را در داخل کشور و در خارج آن تأمین می کننـد؟ چه کسـانی پول تهیه اونیفورم خاکستری رنگ فاشـیست های وطنی و همچنین مخارج سـرسام آور هزینه مسافرت های آنها را در داخـل و خارج ایران می پردازنـد؟ چه کسانی پول هنگفت تشـکیل به اصـطلاح شـعب حزب و میتینگ ها و مجالس فاشیسـت های وطنی را تأمین می کنند؟ جواب روشن است اینتلیجنت سرویس، سازمان

مرکزی جاسوسی آمریکا، سازمان امنیت.(۲)

در بیست وپنجم بهمن ماه ۱۳۴۶ هم حزب پان ایرانیست به شدت مورد سرزنش رادیو پیک ایران قرار گرفت:

طبـق الگـوی سازمـان هـای مرحوم هیتلر جنـاب آقـای سـرور پزشـکپور هیتلر ایران زمین است. او حـتی سـبیلی نظیر آن مرحوم گذاشـته تا کسـی در اصالت پاکی خونش تردیـد نکنـد. دست چپش را پشت کمر می زند و دست راسـتش را به بالا پرت می کند و بسان هیتلر سلام



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

می کند. آقایان سروران به جای سخن گفتن عربده می کشند تا روح هیتلر پیشوای مرحوم از بازماندگان خود شاد باشد.(۱)

رادیو پیک ایران در برنامه ساعت بیست در نهم فروردین ماه ۱۳۴۷ خود طی یک مصاحبه خیالی با محسن پزشکپور، رهبر حزب پان ایرانیست، موضوع اشتیاق زایدالوصف او به تقلید از ادا و اطوار هیتلر و تبعیت از شیوه نازی های آلمان و فاشیست های ایتالیا در دوران جنگ دوم جهانی را به سخره گرفت و به شدت به او تاخت. در برنامه ساعت نوزده روز پانزدهم بهمن ماه ۱۳۴۸ این رادیو نیز چنین آمده است:

دار و دسته فاشیستی پان ایرانیست ها به خودکامگی و زد و بند ادامه می دهند زیرا که از حمایت رژیم برخوردارند و سران رژیم آنها را به عنوان یک گروه ضربتی به عنوان یک ذخیره روز مبادا در آستین

نگاه داشته و البته وابستگان به آن هم سعی می کنند در همین چند روزه که نوبتشان است بخورند و ببرند [و] پست و مقام بگیرند و بارشان را ببندند.

از این نظر هیچ فرقی بین این جوجه فاشیست ها با سایر پاسداران انقلاب کذائی وجود ندارد. اما سران این دار و دسته که دیر آمده و هر چه زودتر و بیشتر می خواهند ببرند در این راه از توسل به کثیف ترین و ضدانسانی ترین شیوه ها نیز ابائی ندارند. از این رو است که نقش جاسوسی را برای رژیم به آسانی می پذیرند. به سهولت خدمتکار و خبرچین سازمان امنیت می شوند در اینجا و آنجا کارشان به پرونده سازی و گزارش دادن منحصر می گردد و همه این شیوه های پست را در زیر الفاظ پر آب و تاب در زیر صحنه سازی های هیتلرمآبانه با پرچم و بازوبند و چکمه و بلوز نیمه نظامی انجام می دهند. کیست که در زیر این نقاب چهره واقعی و زشت سبک فاشیسم را نبیند؟ همه کس می داند که اگر یک لحظه دست حمایت گر سازمان امنیت و سازمان جاسوسی رژیم از سر این سروران کوتاه شود بساطشان به اندازه کاهی هم در مقابل طوفان نهضت خلق مقاومت نخواهد کرد.

رؤسا و گردانندگان این دار و دسته که راه عوام فریبی و سوء استفاده از احساسات را برگزیده اند خود نیز می دانند چند مرده حلاجند و به همین جهت خدمت به سیا سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا را وظیفه اساسی خود قرار داده اند. بسیاری از همان دستگیری ها –



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تبعیدها – که نمونه خشن سیاستِ ضددموکراتیک رژیم کنونی است ثمره خبرچینی ها و پرونده سازی های همین ها است.(۱)

هنگامی که به دنبال استیضاح دولت هویدا در مجلس، نخست وزیر سخنانی به شدت تند و تحقیرآمیز افکار و ایده های پزشکپور و حزب تحت هدایتش را مسخره کرد، باز رادیو پیک ایران در مطلبی سرزنش آلود رهبری این حزب را خطاب قرار داد که به رغم آن همه خدمات صادقانه به حاکمیت استبدادگرا و سلطه پذیر پهلوی و به مجرد انتقادی کم اهمیت از سوء عملکرد آن، این گونه بی رحمانه مورد حمله نخست وزیر قرار گرفته است.

## موضع دولت عراق در برابر پان ایرانیست ها

حزب پان ایرانیست به خاطر انتقادات و حملات همیشگی اش به دولت عراق، همواره مورد بغض حکومت آن کشور قرار داشت. سفارت آن کشور در تهران در مقاطع مختلف از وزارت امور خارجه ایران می خواست مانع از حملات تبلیغاتی و سیاسی حزب پان ایرانیست شده و رهبران و اعضا و نیز روزنامه ارگان حزب را از تداوم انتقاد از دولت مرکزی عراق و پشتیبانی از کردهای آن کشور باز دارد. اما تداوم تنش سیاسی میان دو کشور ایران و عراق در تمام سال های دهه ۱۳۴۰ و حتی پس از آن مانع از آن می شد تا حکومت ایران پان ایرانیست ها را از حملات گاه بسیار تند و شدیدی که متوجه حکومت عراق می کردند،

باز دارد. با این حال وزارت امور خارجه ایران هر از گاه آخرین اعتراضات سفارت عراق در تهران را به مسئولان امر در حکومت و از جمله ساواک منتقل و خواستار واکنش یا پاسخ مقتضی می شد. چنانکه یک بار بخش ۳۱۲ اداره کل سوم ساواک در بیست وپنجم اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ خطاب به مدیرکل این اداره گزارش کرده بود:

محترماً به استحضار می رساند:

منظور – وزارت امور خارجه در سال ۴۶ ضمن ارسال رونوشت یادداشت اعتراضیه سفارت جمهوری عراق در مورد اقدامات و فعالیت های ضدعراقی حزب پان ایرانیست نسبت به مطالب مندرج در شماره ۲۴۶ روزنامه خاک و خون نظریه این سازمان را استعلام نموده بود



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

که چگـونگی طی گزارشـی به عرض رسـید و پاسـخی دایر بر اینکه «بـا تـوجه به سـیاست کنونی مملکت و برخورداری عموم طبقـات اجتمـاع از آزادی کـاملی که تحت رهبری شاهنشـاه آریـامهر در کشور حکمفرمـا می باشـد جرایـد و مطبوعات نیز در اظهار عقاید خود در چهارچوب قانون اساسی دارای آزادی می باشند» به وزارت مزبور داده شد. وزارت امور خارجه مجدداً با ارسال رونوشت یادداشت اعتراضـیه سـفارت جمهوری عراق نسبت به مطالب مندرج در شماره ۳۴۶-۲۷/۱/۴۷ روزنامه مذکور یادآور شده «نظر به اینکه در این اواخر جراید عراق مطالبی علیه ایران انتشار نداده اند و دولت عراق به سفارت

شاهنشاهی در بغداد قول داده است که مانع انتشار اخبار و مقالاتی علیه ایران خواهد شد نظر نویسندگان روزنامه مورد بحث را متوجه این مطلب بنمایند که از نشر مقالات زننده و ضدعراقی خودداری نمایند».

عرض وضعیت:

خلاصه مطالب مندرج در شماره ۳۴۶ روزنامه مزبور به شـرح زیر از عرض می گذرد: روزنامه مذکور تحت عنوان «بهانه های تازه ای برای اعمال سـیاست تبعیض نژادی» اطلاعیه منتشره از وزارت دفاع عراق در شمال آن کشور را مبنی بر اینکه در اثر زد و خورد ده نفر به قتل رسـیده و مجریان حوادث مزبور از عوامل اسـتعمار و یهودی ها معرفی شده اند مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و جهت آشـنایی به سـرزمین کردان آن سـوی مرز دربـاره چگـونگی سـیاست انگلسـتان بعـد از جنـگ بین الملـل اول در خاورمیانه و غفلت هیأت حاکمه ایران در مورد عدم حمایت از کردان آن سوی مرز بحث و اضافه نموده:

«عوامل اسـتعمارگران از این غفلت خیانت آمیز حکومت مرکزی ایران سوء اسـتفاده کردند و به تدریج سران ایران پرست کُرد را با توطئه های گوناگون

از میان برداشتند و بالاخره حکومت مخلوق استعماری عراق را به وجود آوردند که با وجود بودن اکثریت کردان ایرانی نژاد و گروه کثیری از آشوریـان زمام امور را به دست اقلیت تازیان سپردنـد و حقوق انسانی اکثریت ایرانی را نادیـده گرفتنـد. کردان ایرانی نژاد آن سوی مرز در برابر تهاجمـات عناصـر افراطی و عـاملین سـیاست تبعیض نژادی عرب از همان آغاز نهضتی جهت مبـارزه و دفـاع از حقـوق انسـانی خـود بـه وجـود آوردنــد. اخیراً در نـتیجه مبـارزات دلیرانـه کُردان آن سـوی مرز بـه رهـبری ملامصطفی بارزانی شکست های سختی به ارتش عراق وارد آمد و با پیشنهاد

دولت مزبور مصالحه ای با ۱۲ ماده مقرر گردید لیکن آنچه که مربوط به تعهدات حکومت عراق بود تاکنون به انجام نرسیده است. روزنامه خاک و خون افتخار دارد که برای نخستین بار پرده از ماجرای تبعیض نژادی عناصر افراطی عرب برگرفته است و نمی تواند در برابر اینگونه توطئه ها خاموش بنشیند و هرگونه تجاوز به سرزمین ها و حقوق انسانی کُردان آن سوی مرز را به مثابه توطئه بر ضد ملت و شاهنشاهی ایران زمین تلقی می نماید.

نظریه:

با عرض مراتب فوق و با توجه به اینکه دولت عراق به سفارت شاهنشاهی ایران در آن کشور قول داده که مانع انتشار اخبار و مقالاتی علیه ایران خواهد شد لذا مستدعی است در صورت تصویب اجازه فرمایند به مسئولین حزب پان ایرانیست توجه داده شود که در این موارد سیاست اصولی خارجی دولت را مرعی داشته و از ایجاد هرگونه اختلافات و سوء تفاهمات تا حد امکان خودداری نمایند و به وزارت امور خارجه نیز پاسخ داده شود تذکر لازم به نویسندگان روزنامه خاک و خون در این زمینه داده شد.

موکول به اوامر عالی است.(۱)

همچنانکه خواسته حکومت بود، نصیری رئیس ساواک هم موافقت نکرد بر سر حملات و تبلیغات پان ایرانیست ها بر ضد حکومت بغداد مانعی ایجاد شود و در نامه ای که به تاریخ بیست وسوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ برای وزارت امور خارجه فرستاد مدعی شد:

با توجه به اینکه جراید و مطبوعات در اظهار عقاید خود در چهارچوب قانون اساسی دارای آزادی می باشند و روزنامه خاک و خون نیز یکی از جراید رسمی کشور بوده لذا به نظر این سازمان اقدام به جلوگیری از تجزیه و تحلیل روزنامه مزبور در مورد مسائل مختلف سیاست داخلی

و خارجی کشور و اوضاع جاری جهان منافات با آزادی تفویض شده به مطبوعات دارد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد نصیری(۲)

بدین ترتیب حتی دولت عراق را تردیدی نبود که پان ایرانیست ها اساساً در چارچوب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

خواست هـا و سیاست هـای جـاری و سـاری حکومت مرکزی ایران به حکومت بغـداد حمله و از اکراد آن کشور حمایت می کننـد. به همین دلیـل دولت عراق از هیـچ فرصتی برای حمله رسانه ای و تبلیغاتی بر ضـد حزب پان ایرانیست و نقش و جایگاه آن در مجموعه حاکمیت ایران فروگذار نمی کرد. به ویژه رادیو بغداد در برنامه های فارسـی خود مجموعه حزب را آلت فعل حکومت و ساواک معرفی می کرد. چنانکه یک بار در اخبار ساعت بیست ویک روز سیزدهم اسفند ماه ۱۳۴۸ خود که مقارن با تیر گی شدید روابط سیاسـی میان دو کشور بود، طی مطلبی که مدعی بود از سوی یکی از دانشـجویان دانشگاه تهران برای آن رادیو ارسال شده است، چنین مطرح کرد:

چرا هیأت حاکمه مرتجع ایران به حزب پان ایرانیست این جوجه فاشیست های عصر ما پر و بال می دهد. عمر این گونه احزاب معمولاًـ بیش از چنـد سـال دوام نمی آورد. درجه ایمان به اصـطلاح اعضا بسـتگی به مقـدار حقوق و درآمـدی دارد که از راه وابسـتگی بـه این احزاب به دست می آورنـد. این احزاب معمولاًـ نقش عروسـک هـای خیمه شب بـازی را در گـاردن پـارتی مجالس قلابی بازی می کنند.

حزب ایران نوین رل اکثریت را که همان

پهلوان پنبه باشـد و حزب مردم یعنی کاکاسـیاه در رل اقلیتنـد. فراموش نشود که مطربی این گاردن پارتی نیز به عهده سـروران جدیـدالورود یعنی اعضـای حزب پـان ایرانیست می باشـد و امـا تراژدی این احزاب تنهـا به مجالس خاتمه نمی یابـد. در زمینه تبلیغاتی نوکرمآبانه سینه چاک می دهنـد و به اصـطلاح شـیلنگ تخته انـداخته ادا و اطوار انقلابی درآورده که آنها را یک نه بلکه صد دل فدایی ایران بدانند البته برای این آقایان ایران چیزی است در ردیف کاخها.

جالب ترین شـکل کمدی احزاب فانتزی پان ایرانیسم است. بزرگ سرور نیز که همیشه به عنوان ارائه سند افتخار ادعا می کند که در سن سـیزده سالگی هنگام اشغال ایران به وسیله نیروهای متفقین با سنگ به تانک های انگلیس حمله کرده است خود از عوامل اسـتعمارگران بوده و به وسـیله سازمان های جاسوسـی ایران آموزش دیده است. این شـخص در سال های اوج نهضـت ضـدامپریالیستی در ایران بر اثر کشف روابطش بـا سازمان جاسوسـی انگلسـتان و مقامات امنیتی ایران از صـفوف مبارزین طرد گردید و بلافاصله به عنوان متخصص بر پا کردن گروه های فاشیستی در اختیار

سران رژیم قرار می گیرد. این عامل

ص:۳۱۸

سرسپرده مدعی ایجاد برتر آریایی بوده ادعا می کند که باید درفش ایران زمین دوباره به اهتزاز درآید.

مشتی اوباش هماننـد خود را در محافل سازمان امنیت گرد آورده و بـدین ترتیب هیتلریزم معروف را در ایران بنیاد می گذارد. چنانچه از ترهات سـرور خاکستری پوش برمی آید این دار و دسـته علیرغم ادعاهایش یک سازمان جاسوسی متکی به سازمان امنیت بوده و به مثابه گروه ضربتی برضد جنبش های مترقی مردم ایران ایجادگردیده است.

سازمان امنیت رأسا امور این دار و دسته را اداره می کند و مبالغ هنگفتی بودجه در اختیار آن می گذارد.

ارگان نشریاتی این دسته خاک و خون ناشر اندیشه های منحط فاشیستی است.

شوونیزم نژادپرسـتانه اصل مهم تبلیغاتی آنهاست، برای در هم کوبیـدن جنبش های مترقی خلق های ایران و نیز تبـدیل ایران به پایگـاهی برای سـرکوب جنبش هـای ضـدامپریالیستی در خاورمیانه فاشـیزم را در قالب ناسـیونالیزم تبلیغ می کنـد تا با تبلیغات زهرآگین خود سدی در مقابل افکار مترقی ایجاد کرده زنجیرهای اسارت

خلق های ایران را باز هم محکم تر نمایـد. امپریالیزم انگلسـتان بر اثر مبارزات قهرآمیز خلق های خلیـج ناگزیر شده پایگاه های خود را برچیده و گورش را گم کند و چون دخالت در امور خلیج برای امپریالیزم دیگر مسـتقیماً امکان پذیر نیست بارها اعلام داشته است باید این خلأ به وسیله دولت ایران پر شود.

رژیـم پوسـیده و عامـل امپریـالیزم ایران بارهـا چهره ضـدخلقی خـود را نشـان داده اسـت. سـال هـاست نفـت ایران در خـدمت امپریالیزم و صـهیونیزم برای در هم کوبیـدن شـهرها و روسـتاهای خلق های برادر در ویتنام و منطقه عربی خاورمیانه پیش کش می شود.

عوامل این سازمان فاشـیستی مسـتقیماً و دوش به دوش سازمان امنیت ارتش و ژاندارمری در کشـتار مردم قهرمان کرد شـرکت می کند.

نمونه بـارز تنفر توده هـای ایران از این جوجه فاشـیست هـای عوام فریب مسـافرت اخیر یکی از به اصـطلاح سـرورهای آنها به اروپا که مأموریت یافته بود برای اشاعه نظریات منحط و بی خریـدار پان ایرانیسم در میان دانشـجویان و محصـلین ایرانی خارج از کشور نطق هایی ایراد کند. این سرور

کوچولو قبـل از اینکه مأموریت خود را در کارلسـروهه آلمان به انجام برسانـد وقتی که در سالن یکی از هتل ها مشـغول تقلید اداهای هیتلر بود و از انقلاب سفید با

حرارت سخن می گفت مورد حمله شدید دانشجویان مبارز ایرانی قرار گرفت.

بنابر نوشته های مطبوعات ایران در این حادثه سرور از یک چشم محروم گردیدند. جالب این است که بزرگ اوباش این دار و دسته از پشت تریبون مجلس قلابی وقیحانه فریاد می زند که عده ای چاقوکش و اوباش در کارلسروهه به سرور ظفری حمله کردند و هیچ کدامشان دانشجو نبوده و اصولاً کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین هیچ گونه رابطه ای با دانشجویان ایرانی ندارد و فقط مرکز تجمع عده ای آواره بی وطن است. این جوجه فاشیسم بی شرمانه نسبت های ناروایی به دانشجویان مبارز و آزاده ایرانی می دهد که شایسته خود اوست.

باید به این دلال استعمارگران با صدای رسا گفت مردم ایران سال هاست شاهد مبارزات پیگیر نیروهای ایرانی خارج از کشور به ویژه دانشجویان عضو کنفدراسیون جهانی هستند. مردم ایران آن دور از وطنان را به خوبی می شناسند. آنان

فرزندان خلق های رنجدیده ایران هستند که زندگی شان را وقف مبارزه بر ضد پستی، بیداد، بر ضد امپریالیزم دشمن خلق ها کرده اند.

چاقوکشان و اوباشان حقیقی کسانی جز مأموران آدم دزد سازمان امنیت و دار و دسته پان ایرانیست ها نیستند.

این جوجه فاشیست های وطنی قدرت درک این را ندارند که مترقی ترین اندیشه های علمی در اختیار جوانان بیدار ایران است. این جوجه فاشیست ها تصور می کنند که با مزخرفات تهوع آور خود گویا می توانند با اندیشه های مترقی مبارزه کنند. افتخار ملت ایران عبارت از همان تاریخ تابناک مبارزات توده ای با چهره های قهرمانانه اش می باشد.(۱)

به دنبال زد و خورد اعضای حزب پان ایرانیست در آلمان غربی با گروهی از دانشجویان ایرانی مخالف رژیم پهلوی در آن کشور، چند تن از پان ایرانیست های مهاجم مصدوم و مجروح شده و از جمله پرویز ظفری عضو بلندپایه این حزب یک چشم خود را از دست داد و به دنبال این درگیری محسن پزشکپور در صحن علنی مجلس از دولت و پلیس آن کشور انتقاد کرد، باز رادیو بغداد فرصت یافت تا در اخبار ساعت بیست ویک روز نوزدهم اسفند ماه ۱۳۴۸ خود و با لحنی استهزاآمیز پان ایرانیست های داخل و خارج از ایران را



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

همکاران و آلت دست های بدون چون و چرای ساواک خوانده و همداستانی و همگامی پان ایرانیست های خارج از کشور و از جمله آلمان غربی با ساواک را در سرکوب و برخورد

قهرآمیز با مخالفان سیاسی و دانشجویان ضد رژیم پهلوی که با نظر مساعد مقامات سیاسی و انتظامی و اطلاعاتی کشورهای میزبان صورت عملی به خود می گرفت، مورد سرزنش قرار دهد:

باید به حال عدالت گریه کرد. روزنامه کیهان در شماره سی ام بهمن ماه ۱۳۴۸ خود اطلاع می دهد که سفیر جمهوری فدرال آلمان در دربار شاهنشاهی اطلاعیه ای درباره واقعه کارلسروهه انتشار داده است.

متن اطلاعیه که در روزنامه کیهان منتشر شده خود روشنی هایی به سیاست دولت ایران و سیاست دوستان آلمانی ایشان می افکند.

سفیر جمهوری فدرال آلمان با اشاره به اظهارات پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست در مجلس به اصطلاح شورای ملی در مورد حوادث اواخر سال مسیحی گذشته در کارلسروهه مراتب تأسف عمیق خود را ابراز داشته است. به خاطر آنکه مقامات پلیس آلمان نتوانسته اند مانع از آن شوند که اتباع ایران از طرف عده ای دیگر که به وضوح معلوم شده است که هموطنان خودشان بوده اند معدوم شوند.

وی اضافه می کند که مقامات دادستانی آلمان در حال حاضر مشغول تحقیقند که بتوانند مسئول بروز این حادثه را تعیین کنند و نباید از نظر دور داشت که این افراد در برابر دادگاه صالحه آلمان

محاکمه خواهند شد.

جریان واقعه از این قرار است که گروهی از سروران دار و دسته فاشیستی پان ایرانیست ها در کارلسروهه مأموریت می یابند که با دانشجویان صحبت کنند بلکه بتوانند دانشجویان مبارز را از مبارزه علیه رژیم بازدارند.

این صحبت ها و مذاکرات به افشای ماهیت رژیم ضدخلقی می انجامد. هر چند این سروران عادت کرده اند که هر وقت دلیل نداشتند و در منطق ضعیف گردیدند به دشنام گویی و ضرب و شتم بپردازند، در این جا نیز به فکر استفاده از این افتادند اما این دفعه چشم مأموران سازمان امنیت و مدافعین دور بوده و دوستان آلمانی ایشان نیز به موقع نرسیده اند. بدین جهت چند تن از سروران مصدوم گردیده اند. به دنبال چنین حادثه ای است که سفیر

جمهوری فدرال آلمان مراتب تأسف عمیق مقامات آلمانی را به ویژه به خاطر آنکه مقامات پلیس آلمان نتوانسته اند مانع مصدوم شدن سروران پان ایرانیست بشوند اعلام می دارد.

شنوندگان عزیز مشاهده می کنید که موضوع، موضوع بسیار جالبی است. فاشیست های ایرانی بارها به اروپا سفر کرده اند و

تعدادی از چاقوکشان سازمان امنیت را نیز همراه برده اند.

مقامات پلیس آلمان نیز همیشه یار و همکار چاقوکشان سازمان امنیت بوده اند. بارها اتفاق افتاده است که دانشجویان ایرانی به دست چاقوکشان سازمان امنیت و رفقای آلمانی آنها مضروب و مجروح شده اند. حتی یک بار یک دانشجوی آلمانی که با دانشجویان ایرانی همدردی کرده بود و علیه رژیم ایران شعار داده بود با تیر پلیس آلمان به قتل رسید. این همه جنایات که به دست چاقوکشان سازمان امنیت و هم قطاران ایشان در میان مأمورین پلیس آلمان غربی صورت می گیرد ابراز تأسفی به دنبال ندارد و این احتمال هرگز برای چاقوکشان سازمان امنیت وجود ندارد که در دادگاه صالحه آلمان محاکمه شوند.

ده ها دانشجوی ایرانی در آلمان غربی به دست چاقوکشان سازمان امنیت مجروح و مصدوم می شوند و از طرف مقامات آلمانی ابراز تأسفی نمی شود اما اگر یک بار چشم زخم به سروران پان ایرانیست وارد آید انسانیت مقامات آلمانی گل می کند و مراتب تأسف عمیق خود را اعلام می دارند. واقعاً عالی است.

سرور پزشکپور از اینکه نوچه هایش لت و پار شده اند خون آریایی اش به جوش می آید و در مجلس داد و فریاد می کند که چرا باید چنین وضعی فراهم آید و سرورانی که خون پاک آریایی در رگشان جریان دارد مصدوم شوند.

عالی تر از این نمی شود. وقتی صدها نفر از چاقوکشان سازمان امنیت و همکارانشان از میان پلیس آلمان به جان دانشجویان آزادیخواه ایرانی می افتند هیچ عیبی ندارد — انسانیت خفته است — عدالت نیست — دادگاه های صالحه آلمان کاری ندارند — مقامات صالحه آلمان کاری ندارند.

اما وقتی هم سنگران چاقوکش پزشکپور مصدوم می شوند دادستان آلمان به یاد انجام وظیفه می افتد واقعاً که باید به حال عدالت گریه کرد.(۱)

ص:۳۲۲

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

رادیو بغداد در اخبار ساعت بیست ویک روز سی ام فروردین ماه ۱۳۴۹هم حزب پان ایرانیست را شعبه ای از ساواک و رهبران و کارگردانان آن را عامل و حقوق بگیر ساواک، موساد و سیا معرفی کرد که در مقابله با منافع ملت ایران در شئون مختلف از هیچ اقدام سخیفی فروگذار نمی کنند. در بخش هایی از گفتار رادیو بغداد چنین آمده بود:

توده های میهن پرست مبارز ایران! حزب فاشیستی پان ایرانیست مانند سایر احزاب شعبه ای است از سازمان امنیت. این

جاسوسان بی وطن چهره کریه خود را زیر نقاب ناسیونالیزم مخفی نگاه می دارند. فریب این مأموران سازمان امنیت را نخورده و با آنان مبارزه کنید.

جوانان آزادیخواه،

این پان ایرانیست ها، این فاشیست های وطنی، وظیفه ای جز تعقیب همان روش وطن فروشانه دولت دست نشانده را ندارند. اینان خود نوکران امپریالیزم آمریکا و دستیاران سازمان امنیتند. فریب سخنان ظاهرفریبشان را نخورده و با این جاسوسان دورنگ به شدت مبارزه کنید.

پان ایرانیست دشمن منافع خلق های ایران است. بدواً باید خاطرنشان ساخت که در این بررسی نظر ما نفی جنبه صحیح ناسیونالیزم یعنی احساسات اصیل و صادقانه ملی نیست ما معتقدیم که اگر وطن پرستی جدا از غرور و نژادپرستی و بر مبنای اصول واقعی و خالی از هرگونه شوونیزم و خودخواهی باشد امری مقدس و قابل احترام و در خور ستایش است. اما در این بیان سخن ما بر سر گونه دیگری از به اصطلاح ناسیونالیزم یعنی جنبه ارتجاعی و ضدانسانی آن است، سخن بر سر پان ایرانیست است. پان ایرانیست مجمعی است آشوبگر، فریبکار، جاسوس پرور و در

واقع شعبه ای از سازمان امنیت ایران است و راهنمایی شده از جانب سیا سازمان جاسوسی آمریکایی است.

تبلیغ علیه جریانات قشری اصیل و خلقی در زیر سرپوش افتخارآمیز گذشته است. تکیه بر تاریخ نژادی است. توهین و تحقیر نژادهای دیگر تکیه بر نازیسم آلمان و فاشیسم ایتالیا خرابکاری و انحراف در رشد نهضت های اصیل قشری، تشکیل گروه ضربت به مشابه نگهداری (پارازیت) خرابکاری و جاسوسی ترویج و پرورش امپریالیستی در زمینه های فرهنگی و سیاسی و بالاخره آنچه که برای امپریالیزم و رژیم (... نامفهوم) و در خدمت آنهاست. ... سرور در آرزوی تجدید امپراطوری هخامنشی است. با افتخار تمام صبح تا

شب سم به زمین می کوبد و عربده های هیتلرگونه سرمی دهد و شدیداً تلاش می ورزد تا فاشیزم را در ایران زنده کند و آن جنازه به گور رفته را دوباره به رقص درآورد و بدین علت به تمام معنی از جانب محافل امپریالیستی پشتیبانی می گردد.

اعضای این اوباشخانه به زور سرنیزه فراهم گردیده اند و ضامن بقای آنان در این محفل بودجه ای است که حضرت سرور

شخصاً از دربار و سفارت آمریکا به عنوان مزد خیانت به میهن به دست می آورند. علاوه بر این سرور به افتخار بازی در تماشاخانه مجلس نائل گردید و با هم طویله های بسیار مقتدرش تحت عنوان وکلای ملی در مجلس قلابی سخت مشغول به انباشتن کیسه های دریوزگی و پخش ترهات می باشد. پان ایرانیست طرح درازمدت امپریالیزم در جهت سرکوبی انقلابی خلق های ایران است و ریشه آن به دوران دیکتاتوری سیاه متصل است. در سال هایی که خلق های ایران تحت تأثیر انقلاب کبیر اکتبر در روسیه و مبارزات قهرمانانه در آن سامان به مبارزات عاقلانه خویش شکل پیروزی بخشی می دادند و مراکز دهقانی و کارگری ایران عرصه پیکار بی امان زحمتکشان قرار گرفته بود. امپریالیزم از وحشت مرگ (... پارازیت) حربه اساسی در سرکوب انقلابیون ایرانی عبارت بود از قهر وحشیانه و کشتارهای جنایتکارانه با همراهی تبلیغات ضدسوسیالیستی و نژادپرستانه به صورت تبلیغات ضدروسی به منظور انحراف افکار عمومی مردم از سرزمین انقلاب اکتبر و دستاوردهای اعجاب انگیز آن که به خودی خود عامل بسیار مهمی در روشنی افکار زحمتکشان و

رشد مبارزات خلقی به شمار می رفت. تبلیغات خائنانه دستگاه در زمینه های گوناگون علاوه بر باز کردن پای نازیست های آلمان هیتلری و اجازه فعالیت های فاشیستی در ایران موجی از اندیشه های نژادپرستانه را در بعضی محافل که وابستگی مستقیم به ارتجاع و دربار دارند به وجود آورد. به تدریج حصار ارتجاع و دربار را شکسته (... پارازیت) تا آنکه بعد از شهریور ۲۰ در هیأت حزب فاشیستی سومکا تجلی نمود. این حزب که به دستور و حمایت امپریالیزم و دربار به وجود آمده بود در اثر مبارزات خلقی در سال های قبل از کودتا علیرغم پشتیبانی فراوان دستگاه حاکمه عملاً از عرصه سیاست خارج گردید. از سال ۱۳۳۸ به بعد که دوباره موجی عظیم از مبارزات خلقی سراسر ایران را فراگرفت و روز به روز بیشتر و وسیع گردید دوباره امپریالیزم جهانخوار به شیوه کهن اقدام به زنده کردن همان تشکیلات فاشیستی منتهی با نام و شکل خاص

دیگری نمود. هدف امپریالیزم از احیای این روح پوسیده این بار فقط همان علت ایجاد سومکا نبود بلکه علاوه بر فعالیت های ضدشوروی مسئله مخالفت با مبارزات مردم

عرب به ویژه پیکار قهرمانانه خلق دلاور فلسطین و جلوگیری از نفوذ آن به ایران علل دیگری به شمار می رفته است. پان ایرانیست زاییده طبیعی این برنامه ضدخلقی امپریالیزم در منطقه خاورمیانه و حربه سرکوبی نهضت های پیشرفته خلق های ایران است. از اینجا هدف و شعارهای عمده امپریالیزم یعنی شعار ضدعربی محتوی اندیشه پان ایرانیست قرار می گیرد. پان ایرانیست معتقد است که باید نژادهای غیرآریایی از ایران که متعلق به آریاهاست، خارج گردد. این اندیشه ضدخلقی دولت مزدور است که از مدت ها پیش به اخراج عرب ها از سرزمین آبا و اجدادی خود همت گماشته و آنان را به نقاط دوردست می کوچانند. پان ایرانیست و این رویه های ضدخلقی نخواهد توانست حقیقت دردناک و رسواکننده خیانت رژیم جلاد و دست نشانده را از نظر خلق های ایران مخفی نگاه دارد.(۱)

به دنبال استیضاح دولت هویدا در مجلس شورا توسط پان ایرانیست ها که در اعتراض به طرح تجزیه بحرین از ایران صورت عملی به خود گرفت، باز رادیو بغداد این موضع فراکسیون پان ایرانیست ها را عوام فریبی و دغلکارانه ارزیابی کرد. در بخش هایی از این گفتار رادیو بغداد در روز هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ چنین آمد:

فاشیست های وطنی و چاقوکشان دژخیم را بهتر بشناسیم. رژیم ضدملی و ضددمکراتیک ایران برای جلوگیری از رشد افکار مترقی گذشته از تبلیغات سوء و فراهم آوردن محیط مساعد جهت پرورش و توسعه فرهنگ ارتجاعی امپریالیستی گاهی از آخرین حربه های خود نیز استفاده می کند به این امید که شاید توده های زحمتکش و جوانان ناآگاه را فریب دهد. برخی از این وظایف خطیر رژیم ضد خلقی به عهده حزب فاشیستی پان ایرانیست محول گردیده است. این حزب که رابطه مستقیم با سازمان جاسوسی آمریکا دارد سعی می کند از احساسات پاک ناسیونالیستی مردم سوء استفاده کرده نیروی خلاق آنان را که باید به مبارزه با رژیم پوشالی به کار افتد از راه اصلی خود منحرف سازد. این به اصطلاح حزب چند نماینده به مجلس قلابی شورا وارد ساخته است که گفتارها و نطقشان بسیار مضحک و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ابلهـانه و در عین حـال مشـحون از عوام فریـبی است. اینـان در مجلس اغلب به عنوان مخـالف داد سـخن می دهنـد و از دولت توضـیح می خواهنـد و از پـاره ای اقـدامات دولت انتقاد می کننـد. تازه ترین عمل انقلابی این عروسک های کوکی استیضاح دولت در جریان بحرین است. البته این تظاهر

عمـل شـجاعانه ای است که نماینـده ای از مجلس قلابی دولت را استیضاح می کنـد و اگر این نماینـده قلابی بجز جوجه هیتلر معروف پزشـکپور کس دیگری می بود شاید می شد کمی درباره اش فکر کرد که چگونه در مجلس نماینده ای پیدا شود که چنین جرأتی به خرج دهد و دولت را استیضاح کند اما برای مردمی که پزشـکپور جاسوس را می شناسند و با سوابقش آشنایی دارنـد جای هیـچ گونه تردیـدی باقی نمی ماند که این به دسـتور رژیم و باز هم به منظور ملی جلوه دادن حزب آبروباخته پان ایرانیست صورت گرفته است. آخر اینهـا چنـدین سـال است برای عوام فریبی از مسئله بحرین اسـتفاده کرده انـد و بارها اعلام داشـته انـد خونشـان بایـد در راه بازگردانیـدن بحرین ریخته شود. حال چگونه می تواننـد ساکت بماننـد. اینجاست که رژیم به دادشان می رسد و اجازه می دهد دولت را در این امر استیضاح کنند تا بعد بتوانند بگویند ما با دولت مخالفت کردیم و دولت به حرف هـای مـا توجه نکرد و این دیگر تقصـیر از حزب نیست چون که حزب سرسـختانه در مقابـل دولت ایسـتادگی کرد و حتی آن را استیضاح کرده است. این را می گویند عوام فریبی آلوده به حماقت. زیرا خلق های رنجدیده و

آگاه ایران می دانند که حدود اختیارات نمایندگان قلابی از صـحیح گویی و احسـنت گویی تجاوز نمی کند و اگر غیر از این اصـلی را قبول کنیم باید معتقد باشـیم که انتخابات آزاد صورت گرفته و مردم نمایندگان واقعی خود را به مجلس فرسـتاده اند در صورتی که هر ایرانی آگاه و با حـداقل شـعور سیاسـی می داند که تاکنون بجز چند مورد انگشت شـمار آن هم به تعدادی معدود، نمایندگان واقعی توده ها نتوانسته اند به این مجلس شورای ملی که باید مرکز تجمع نمایندگان توده ها و خلق ها باشد راه یابند.

هیـأت حـاکمه ارتجـاعی و امپریـالیزم تجاوزکـار در تمـام ادوار انتخابات اعمال نفوذ کرده و نام هر کس را که خواسـته انـد از صنـدوق بیرون کشـیده اند زیرا فقط در چنین صورتی است که ارتجاع امپریالیزم نیز می تواند همچنان بر توده ما مسـلط باشد، در چنین صورتی امکـان پـذیر است مشتی رجـاله وطن فروش هر نوع قرارداد اسـارت بـار اقتصـادی را به تصویب به اصـطلاح مجلس بفرستند و ایران را در تار و پود پیمان های نظامی تجاوزکار چندجانبه گرفتار کنند.

امپریالیزم و ارتجاع اجازه نخواهند داد حتی یک نفر از

نماینـدگان واقعی مردم به مجلس راه یابـد و ما این را در انتخابات دوره نوزدهـم مشاهده کردیم و دیدیم که وقتی یکی دو نفر از اعضـای حزبی ملی انتخـاب گردیدنـد سـران رژیم برای طرد آنـان مجلس را چگـونه منحـل کردنـد و این نمـونه وحشت از نماینـدگان واقعی تـوده هـاست. پس از کودتـای ننگین امپریـالیستی ۲۸ مرداد مجلس همیشـه یـک دسـت بـوده اسـت و مرکز جاسوسـی امپریالیست ها، حال فاشیست های وطنی با ژست ها و اداهای شناخته شده می خواهند وانمود کنند که نماینده ملتند و می خواهند از حقوق مردم دفاع کنند. زهی بی شرمی و

وقاحت! نمایندگان واقعی مردم در زندان ها و شکنجه گاه های رژیم دیکتاتور به سر می برند. نمایندگان مردم آن انسان های شرافتمنـدی هسـتند که دست همکـاری به رژیم ضـدخلقی نـداده همچنـان به توده هـا متکی مانـده انـد. از ادعاهـای تـازه این فاشـیست ها یکی هم ایجاد سازمان جوانان حزب پان ایرانیست است. این تهی مغزان آبروباخته به شیوه احزاب واقعی، سازمان جوانان درست کرده، سـعی می کننـد به دانشـگاه ها و مـدارس راه یابنـد به امید اینکه چند جوانی ناآگاه و ساده لوح را فریب داده به جرگه چاقوکشان و

اوباشان پان ایرانیست وارد کنند.

این جاسوسـان وطن فروش برای جلب مشـتری از کثیف ترین شـیوه هـای ممکن اسـتفاده می کننـد به طوری که یکی از آنـان ضمن تبلیغ افکـار فاشـیستی برای فریب و وارد سـاختن یکی از دانشـجویان به سازمـان جوانـان پان ایرانیست وعـده نماینـدگی مجلس را به آن دانشـجو می دهـد و دانش آموزی را بـا وعـده قبولی در کنکور دانشـگاه سـعی می کنـد فریب دهـد. آیـا این مسـخره نیست که به این شـکل مفتضـحانه سازمـان جوانـان حزبی تشـکیل گردد؟ آیا این نشانه شـکست کامل و رسوایی تمام نیست؟ وقتی که منطق در کار نیست زمانی که مطلبی برای عرض وجود ندارد و به هنگامی که همه حقه ها و فریب ها خوانده شـده و مردم بیـدار گردیـده اند آن وقت دیگر رسوایان یاوه سـرایی که هنوز حاضـر نیسـتند به افتضاح خود اعتراف کنند باید چاقوها را تیز کنند و برای افتتاح کنگره های زوری و برای دعوت دیگران به بیراهه شان پنجه بکس به کار برند. همه می دانید که پزشکپور خودفروش چاقوکش و ولگرد استخدام می کند و دست به فریب جوانان می زند. ناگفته نماند سرور پزشکپور بر حسب نیاز مبرم حزبی دست به چنین اقدامی

می زند چون بالاخره گروه ضربت فاشیست به

چاقوکشان جوان هم احتیاج دارد.(۱)

این رادیو در بخش دیگری از گفتار خود به موضوع کشف پنجه بکس های ارسالی دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست در اروپا و آلمان غربی در بهمن ماه سال قبل از آن اشاره کرد که با هدایت و هماهنگی ساواک و برای زد و خورد با مخالفان سیاسی و دانشجویی رژیم پهلوی (و عمدتاً گروه های چپ و اعضای کنفدراسیون) به آن کشور ارسال شده بود. گویندگان رادیو بغداد که اسناد نشان می دهد، گرایش چپ داشتند در بخش های دیگری از اظهارات خود (به شرح زیر) موضوع ارتباط پزشکپور و نزدیکانش در حزب پان ایرانیست را با عوامل اطلاعاتی و امنیتی رژیم پهلوی و نیز دستگاه اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا، پیش کشیدند:

حنای آنان دیگر رنگی ندارد و توده های آگاه مبارز ایران خوب آنها را شناخته اند و کمتر کسی است که از سوابق این سرورهای جاسوس آگاهی نداشته باشد. برای مثال بد نیست نظری به پرونده جوجه فاشیست معروف، پزشکپور بیفکنیم. این جاسوس نوکر بیگانگان در سال هایی که مبارزات ضداستعماری در ایران به اوج خود رسیده و ناسیونالیسم امکان رشد یافت به همراه ۵ تن دیگر از جمله دکتر صدرعاملی که یکی از شاهکارهایش را به سمع رساندیم به گروهی از جوانان میهن پرست که دارای احساسات ناسیونالیستی بودند پیوستند. اما به

زودی نقش خرابکارانه آنان و جاسوسی شان به نفع انگلستان کشف شد. و اسناد و مدارکی به دست ناسیونالیست ها افتاد که نشان می داد آقایان با زاهدی – سیدمهدی پیراسته و رکن ۲ ستاد ارتش همکاری داشته اند. ناسیونالیست های میهن پرست پس از کشف این خیانت جاسوسان را از حزب بیرون راندند. اینان پس از اخراج بلافاصله از طرف امپریالیست ها مأموریت یافتند که حزب پان ایرانیست را علم کنند. اما فعالیت های مخرب پزشکپور در مقابل ناسیونالیست های واقعی محدود به تأسیس این لانه جاسوسی نگردید. او باز موظف شد که به کمک یکی از افسران رکن ۲ ارتش به یکی از هواداران دکتر مصدق به نام مهرداد که روزنامه پرچمدار را منتشر می ساخت سوء قصد کند. او در این حمله ناجوانمردانه موفق شد مهرداد را از پای درآورد. پس از کودتای ۲۸ مرداد نه تنها



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پرونده ترور و ده ها چاقوکشی پزشکپور یکباره نابود شد بلکه از طرف سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) او مأموریت یافت با ناسیونالیسم کاذب و عاری از هرگونه محتوی ضدامپریالیستی، جوانان پرشور را فریب داده و آنان را از مبارزه ضدآمریکایی بازدارد و اکنون

می بینید که با گرایش روزافزون حکومت ایران به سوی فاشیسم، پزشکپور و دیگر جاسوسان وطن فروش نیز مأموریت می یابند که تبلیغات وسیع مسموم کننده خود را در سرتاسر ایران گسترش دهند تا بار دیگر تحت این سرپوش ظاهرفریب ایران را لانه جاسوسان امپریالیسم کرده خلق ها را به زنجیر کشند...(۱)

بدین ترتیب پان ایرانیست های تحت هدایت پزشکپور در تمام سال های دهه ۱۳۴۰ و مدت ها پس از آن همواره مورد تهاجم رسانه ای و تبلیغاتی رژیم بغداد و به ویژه رادیو بغداد بودند و مخالفان سیاسی حکومت شاه از اقشار و گروه های مختلف نیز کمابیش قضاوتی نظیر آنچه رادیو بغداد می کرد، درباره دستگاه رهبری و کارگردانی این حزب داشتند.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

## فصل هفتم: از میان پرده انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورا تا پایان بازی احزاب (۱۳۵۳-۱۳۵۰)

### انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی

شایع بود که در آستانه طرح انتزاع بحرین از ایران در دوره بیست و دوم مجلس، امیرعباس هویدا نخست وزیر در ملاقات محرمانه اش با محسن پزشکپور، رئیس فراکسیون پان ایرانیست ها در مجلس، به او وعده داده بود اگر در صحن علنی مجلس با طرح فوق مخالفتی نکند، در دوره بعدی مجلس شورا افراد بیشتری از اعضای حزب پان ایرانیست حضور پیدا خواهند کرد. گفته می شد هویدا در این ملاقات وعده سی کرسی نمایندگی را به پزشکپور داده بود. هیچ گاه صحت و سقم این شایعات اثبات نشد، اما پس از آنکه عبارت «این آخرین ترانه من است» از زبان او شنیده شد، تردیدی نبود که پان ایرانیست ها امکان حضور در مجلس شورای دوره آتی را از دست داده اند. با وجود آنکه کادر رهبری حزب پان ایرانیست حضور نمایندگانی از خود را در مجلس بعدی تقریباً غیرممکن می دانست، اما از اواخر سال ۱۳۴۹ فعالیت خود را برای انتخابات مجلس بعدی آغاز کرده و به ویژه بر لزوم برگزاری آزادانه و دور از تقلب آن تأکید می کردند. از اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست به تدریج کاندیداهای خود را از شهرهای مختلف انتخاب می کرد. در اواسط خرداد ماه ۱۳۵۰ رهبران حزب پان ایرانیست بر آن بودند که

بسیار گسترده تر از دوره قبلی در انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورا مشارکت کنند و قصد داشتند موضوع انتخابات را به فرصت مطلوبی برای پیشبرد مقاصد سیاسی و حزبی خود تبدیل سازند. از جمله محمدرضا عاملی تهرانی قائم مقام پزشکپور در حزب پان ایرانیست در سیزدهم خرداد ماه ۱۳۵۰ گفته بود:

[سیاست] انتخاباتی حزب همان توضیحاتی است که محسن پزشکپور در جلسه روز یکشنبه در مجلس شورای ملی اظهار داشته اند و ما برنامه انتخاباتی و بررسی مسائل انتخاباتی را در دو مرحله آغاز کردیم و دنبال می کنیم.

بررسی امکانات حزب برای مبارزه انتخاباتی که شامل حوزه هایی است که حزب می تواند در آن جا مبارزه انتخاباتی را آغاز کند و بررسی افراد کاندیدای حزب، یک مرحله داخلی است و روی عوامل داخلی خود حساب می کنیم و بر روی قدرت های حزب حساب می شود که در شرف پایان است و حوزه های کاندیداهای نهایی در نظر گرفته شده است و احتمال دارد در حدود ۷۰ حوزه حزب مبارزه انتخاباتی داشته باشد. در مبارزات انتخاباتی دوره بیست و دوم مجلس شورای ملی ما تنها در ۱۸ حوزه اجازه انتخابات داشتیم و در ۵ حوزه توانستیم برنده شویم. فقط منظور ما از شرکت در انتخابات برای گسترش افکار و عقاید حزب پان ایرانیست می باشد و از هر

موقع مناسب باید استفاده نمود و فعالیت کرد تا مردم نسبت به آرمان های تاریخی حزب پان ایرانیست بیشتر آشنا شوند. ولی نباید از نظر دور داشت که در زمانی که ما امکان انتخاباتی نداشتیم فعالیت های ما بدون ثمر نبوده و در هر حال ما کوشش های خود را دنبال می کنیم چنانچه رویه دولت از نظر اعمال بی طرفی و انصاف در امر انتخاباتی باشد، اگر رفتار دولت نسبت به روزنامه خاک و خون همچون گذشته است و از اجتماعات ما در کنگره ششم جلوگیری به عمل آورد خلاصه دولت بخواهد سلب آزادی نماید و ما را آزمایش کند ما هم تصمیماتی دیگر خواهیم گرفت.(۱)

محسن پزشکپور وانمود می کرد که شخص شاه خواستار برگزاری آزادانه و بدون تقلب انتخابات مجلس شورا بوده و اگر دولت این قاعده را زیر پا بگذارد، در واقع با خواست و علاقه شاه مخالفت کرده است. با این حال رهبران حزب که هنوز تردید داشتند دولت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اجازه دهـد کاندیـداهای آنان به بهارسـتان راه پیدا کنند با نوعی بیم و امید همواره از احتمال عدم شـرکت حزب در انتخابات سخن به میان می آوردند. از جمله محمدرضا عاملی تهرانی در بیستم خرداد ماه ۱۳۵۰ گفته بود:

مـا هنوز تصـمیم قطعی جهت شـرکت یا عـدم شـرکت نگرفته ایم فقط به اعضا آمادگی خود را اعلام نموده ایم و تا یک هفته آینده معلوم خواهد شد که شرکت می کنیم یا نه.

به هر صورت بعداً از طرف حزب اعلام خواهد شد.(۱)

در جریـان میتینـگ حزب پان ایرانیست در تهران که با فراخوانی اکثریت نیروهای فعال حزب از شـهرهای مختلف کشور و در روز سوم تیر ماه ۱۳۵۰ برگزار شده بود، محسن پزشـکپور و محمدرضا عاملی تهرانی سخنرانی و طی آن حملات تندی متوجه دولت هویدا و حزب ایران نوین کردند. در بخش هایی از سخنان پزشکپور چنین آمده بود:

در این چنـد روزه من با افراد حزب اکثریت گفت و شـنود نمودم و از آنها خواسـتم برای اینکه ملت ایران از جریان آگاه شود حاضـرم مصـاحبه رادیو تلویزیونی تشـکیل بدهنـد تا با یکـدیگر صـحبت کنیم ولی گرداننـدگان حزب اکثریت می هراسـند و حاضر نشدند. وسایل و امکانات تبلیغاتی موقع مبارزه انتخاباتی باید در اختیار همه احزاب قرار گیرد ولی حزب اکثریت به طور یک جانبه استفاده می کند.

نخست وزیر حزبی در نطق خود در امجـدیه اظهـار داشت مـا چه بحثی می توانیم بـا حزب اقلیت داشـته باشـیم. یـک موقع هم خطاب به من در مجلس فرمودند آقای پزشکپور این آخرین ترانه تست ولی بایستی گفت ممکن است انسان ها از بین بروند و سینه ها خسته بشوند ولی این ترانه سابقه سی سال مبارزه حزبی دارد. این ترانه ها از بین

نخواهـد رفت و این آخرین ترانه نخواهـد بود. زیرا صـدای ملت ایران است. دبیرکل حزب اکثریت در سـخنرانی خود گفت ما در مجلس نماینده اقلیت قوی در مقابل خودمان ندیدیم. البته پاسخ وی را باید ملت ایران بدهد زیرا مبارزات ما در مدت چهار سال در مجلس برای همه روشن است پس چرا نمایندگان حزب اکثریت سی روز در مجلس خوابیدند که نوبت سخنرانی به ما نرسد؟ دیگر قدرت از این بالاتر؟ اگر پرونده اعضای حزب اکثریت را



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بررسی نماییم خواهید دید در گذشته چه سوابقی داشته اند. من به شما قول می دهم اگر تبعیض انتخاباتی از بین برود و به ما قدرت فعالیت بدهند همه خواهند دید که ملت ایران کدام یک از ما را انتخاب خواهد کرد. ما در اینجا اعلام می کنیم چنانچه تا روز چهارشنبه آینده روزنامه خاک و خون ارگان رسمی حزب آزاد شده و آزادی مطلق انتخاباتی به ما دادند در ۷۰ حوزه انتخاباتی شرکت خواهیم کرد و اگر غیر از این باشد در انتخابات شرکت نخواهیم کرد.(۱)

رهبران و کارگردانان حزب تردیدی نداشتند که اگر شخص شاه اراده کند، البته هویدا

و مجموعه دوایر دولتی هم دیگر قادر نخواهند شد حضور حزب پان ایرانیست در انتخابات را تقریباً به حد هیچ تنزل دهند. ساواک در این باره گزارش کرده بود:

ساعت ۳۰/۰ روز ۳/۴/۵۰ پس از خارج شدن از محل حزب پان ایرانیست در تهران داریوش نظری به عنوان بدرقه اعضای حزب پان ایرانیست شرکت کننده در میتینگ از مازندران را تا خیابان بدرقه و هنگام خداحافظی محمدعلی ایمانی از یادشده سؤال نمود آیا امیدی به پیروزی حزب در انتخابات دارید؟ یادشده در پاسخ گفت فکر نمی کنم کاری بشود[کرد]، تنها امید ما شاه است و این (اهانت به شاهنشاه) فعلاً در تهران نیست. سپس محمدعلی ایمانی اظهار می دارد در این مسئله شاهنشاه مقصر نیست، من فکر نمی کنم چنین باشد. مشارالیه در مقابل گفت چرا، همه این کارها را او کرد و به هر حال شما افراد را بیشتر برای فعالیت بعدی آماده کنید.(۲)

رهبران حزب پان ایرانیست در اوایل تیر ماه ۱۳۵۰ نامه شکایت آمیزی برای شاه فرستادند که در آن تقاضا شده بود در فرصت کوتاه باقیمانده تا موعد برگزاری انتخابات، موجبات حضور آزادانه کاندیداهای حزب در انتخابات فراهم شود. در بخش هایی از این نامه رهبری حزب پان ایرانیست خطاب به شاه چنین آمده بود:

پیرو گزارشات قبلی پس از صدور دستور

رفع تضییق و افتتاح مجدد شعب حزب پان ایرانیست در برخی از شهرستان ها، تضییقات دیگری به خصوص از طرف وزارت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اطلاعـات نسـبت بـه حزب و برنـامه هـای مربـوط بـه آن معمـول گرديـد و هرچـه به دوران انتخابـات نزديـک تر شـده ايم اين تضييقات بسيار شديدتر شده است، از جمله آنكه:

۱- در يزد، شـهرباني، مسئول حزب پان ايرانيست را احضار و گفته است حزب مزبور در آن شهرستان حق فعاليت ندارد و مانع از نصب تابلو حزب شده است و با وجودی كه در اين مورد به رئيس شـهرباني كل كشور مراجعه شده و گفته است كه دستور رفع تضييق را خواهد داد معذالک هنوز تابلو حزب در آن شهرستان نصب نگرديده است.

۲- در كرمانشاه، ساواک صريحاً به مسئول حزب گفته است حزب پان ايرانيست در آن شهرستان حق فعاليت ندارد.

۳- در شهرسـتان رودسر كه از حوزه های انتخابيه حزب پان ايرانيست می باشد ژاندارمری دستور داده كه از برگزاری ميتينگ های حزب پان ايرانيست در روسـتاهای شهرسـتان مزبور ممانعت شود و اين موضوع در آستانه انتخابات، فعاليت های حزبی را در آن شهرستان تحديد كرده است.

۴- در اهواز كه از كانون های مهم فعاليت ديرينه حزب پان ايرانيست می باشـد، درست مقارن شـروع فعاليت های انتخاباتی با ايجاد صـحنه سازی در كارخانه شوش كه مسـتقيماً تحت نظر رئيس اداره كار و امور اجتماعی و مدير كارخانه انجام شده، ۱۵ نفر از كـارگران هوادار و يـا عضو حزب پـان ايرانيست را بازداشت نمودنـد كه بعـداً ۹ نفر از كـارگران هـوادار حزب را آزاد كردند ولی ۶ نفر ديگر كه از افراد حزب هسـتند هنوز در شـرايط سـخت در بـازداشت می باشـند و حتی به آنها تكليف شـده است كه از حزب پان ايرانيست اسـتعفا دهنـد. اين اقدام بدين منظور است كه موجبات ارعاب كارگران كارخانه شوش و حتی سـاير كارخـانه هـا را كه به سـبب فعـاليت ديرينه در آن منطقه به حزب پـان ايرانيست علاقه قلبی دارنـد فراهم شـده و از حزب مزبور دوری گزينند.

۵- وزارت اطلاعات كه تا چندی پيش فقط به چاپخانه های شهرسـتان تهران دسـتور منع چاپ هرگونه نشـريه و اطلاعيه حزب پان ايرانيست را ابلاغ كرده بود، در آسـتانه انتخابات اين دستور را به كليه شهرستان ها ابلاغ نموده است، در اجرای اين دستور در حال حاضر چاپخانه های

سراسر كشور، حتی يک دعوتنامه ساده حزبی را هم چاپ نمی نمايند.

با عرض مراتب بالا به شرف عرض می رسانيم كه در مورد انتخابات نه فقط از طرف

سازمان ها و مقامات ذیربط هنوز هیچ گونه تماسی که معمول بوده است با حزب گرفته نشده و در نتیجه حزب از این جهت کاملاً بلاتکلیف باقیمانده است، بلکه به انحای مختلف در سطح بسیار وسیع مشکلات و تضییقات زیادی که نمونه ای از آنها به عرض رسید برای حزب به وجود آمده است که بالنتیجه با آنکه از نظر کاندیداها و حوزه هایی که حزب می توانست در آنها فعالیت های انتخاباتی [بنماید] حذف نموده اند و دیگر فرصتی باقی نیست. لذا حزب، برنامه انتخاباتی را منتفی شده تلقی نموده و در میتینگ اخیر چنین تصمیم گرفته شد که هرگاه تضییقات برطرف گردد کاندیداهای حزب پان ایرانیست در فعالیت های انتخاباتی شرکت خواهند کرد.

با عرض اینکه حزب پان ایرانیست در هر شرایطی اعم از اینکه در پارلمان نمایندگان داشته یا نداشته باشد با ایمان و اعتقاد کامل وظایفی را که در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و ملت ایران به عهده دارد انجام خواهد داد، استدعا

دارد اوامر مقتضی جهت رفع تضییقات از فعالیت های حزبی صادر و به مقامات مربوطه ابلاغ گردد.

در پایان برای چاکران مایه بسی مباهات و سرافرازی است که رهبر عالیقدر ملت ایران اجازه فرمایند در فرصت مقتضی برای درک تعلیمات آن شاهنشاه بزرگ به افتخار شرفیابی نائل گردیم.(۱)

اما برخلاف انتظار و تصور دستگاه رهبری حزب که بیهوده می کوشیدند نظر مساعد شاه را جلب نمایند، این بار هیچ گونه قرینه ای وجود نداشت که نشان دهد شاه قصد دارد در مجلس جایی ولو بسیار ناچیز برای پان ایرانیست ها در نظر بگیرد. به همین دلیل بود که برای در امان ماندن از تبعات سوء یک تحقیر بزرگ دیگر، محسن پزشکپور پس از مشورت با دیگر اعضای کادر رهبری حزب در دهم تیر ماه ۱۳۵۰ با صدور بیانیه ای به شرح زیر اعلام کرد که حزب پان ایرانیست در انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی شرکت نمی کند:

بیان نامه رهبر حزب پان ایرانیست

حزب پان ایرانیست در انتخابات شرکت نمی کند – مبارزات سرسختانه دنبال می شود



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

زنان و مردان ایرانی

اکنون که چند روز بیش به هنگام اخذ رأی باقی نمانده است، اقدامات تبعیض آمیز و ناقض قانون حزب حاکم نسبت به حزب پان ایرانیست همچنان ادامه دارد.

خاک و خون، تنها روزنامه ندای آزادگان

ایران پرست همچنان در توقیف غیرقانونی دولت حزب ایران نوین است. فرستنده های رادیو و تلویزیون به طور دربست در اختیار حزب حاکم قرار دارد. مقامات مسئول و مجری برنامه های انتخابات هرگز بی طرفی لازم و موازین قانونی را در اجرای برنامه های انتخاباتی معمول نداشته اند.

در چنین شرایطی حزب پان ایرانیست به عنوان اعتراض به نحوه اقدامات حزب حاکم و دولت وابسته به آن در انتخابات شرکت نمی نماید.

هم میهنان

حزب پان ایرانیست، با درک همه رسالت های تاریخی و اجتماعی، نبرد را در سطحی هرچه وسیع تر و با تلاش هر چه بیشتر برای وصول به پیروزی هر چه سریع تر دنبال می کند. حزب پان ایرانیست به گواهی نزدیک به سی سال تاریخ مبارزاتی که پشت سر دارد، همواره در هر شرایطی آرمانخواه و نبردجوی [ناخوانا] رستاخیز ملت ایران را به پیش برده است و همچنان این وظیفه مقدس را ایفا خواهد کرد.

تلاش و مجاهدت عظیم هزارها کوشندگان پان ایرانیست، با سرسختی و سرفرازی و با اتکا بر اصول یاد شده در زیر که چکیده

هدف ها و روش های مبارزاتی است دنبال می گردد:

۱- به رسالت شاهنشاهی ایران و ملت ایران در پیشگاه جامعه بشری ایمان جازم داریم.

۲- حقوق ملت ایران و همبستگی همه شاخه های فرهنگی و نیروهای انسانی وابسته به ملت ایران را پاس می داریم.

۳- به اصول و موازین قانون اساسی وفاداریم.

۴- با استعمار و استعمارگران، به هر رنگ و شکل که باشند، نبردی بی امان داریم.

۵- استثمار انسان ها از انسان ها را محکوم می کنیم.

۶- «وضع قوانین عادلانه و استقرار دقیق حکومت قانون» را تنها مفهوم انقلابی و راستین «عدالت اجتماعی» می شناسیم.

۷- همه نیروهای مترقی و میهن پرست را برای رزمی هم آهنگ در راه استقرار نظم

ص:۳۳۷

ناسیونالیستی ملت ایران فرامی خوانیم.

ما دست های یکایک آزادگان ایران پرست را در راه این نبرد مقدس و برای رسیدن به این آرنگ های پر فروز با گرمی هر چه بیشتر می فشاریم.

دهم تیرماه ۱۳۵۰

رهبر حزب پان ایرانیست

محسن پزشکپور(۱)

به رغم صدور این بیانیه محسن پزشکپور، دو روز بعد در دوازدهم تیر ماه ۱۳۵۰ شاه در واکنش به نامه ارسالی پزشکپور دستوری داد و ساواک بلافاصله طی نامه ای با امضای نصیری خطاب به وزارت اطلاعات چنین نوشت:

درباره حزب پان ایرانیست

گزارش تقدیمی رهبران حزب پان ایرانیست به شرف عرض شاهنشاه آریامهر رسیده و اوامری به شرح زیر شرف صدور یافته است:

به مقامات مربوطه گفته شود که لازم نیست به این حزب کمک کنند ولی جلوگیری بیهوده نیز نشود چون بالاخره تعداد اینها به دو حزب ایران نوین و مردم نمی رسد. فوراً انجام گیرد.

مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام مقتضی اعلام می گردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور - سپهبد نصیری

گیرندگان

تیمسار فرماندهی ژاندارمری کل کشور (رکن دوم دایره اطلاعات) جهت استحضار و هرگونه اقدام لازم.

ریاست شهربانی کل کشور (اداره اطلاعات)(۲)

به تبع آن ناصر مقدم، مدیرکل اداره سوم ساواک طی نامه هایی متحدالمآل از کلیه ساواک های شهرها و استان های کشور خواست:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

به فرموده نظر به اینکه تعداد افراد حزب پان ایرانیست به دو حزب ایران نوین و مردم نمی رسد علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید از ایجاد هرگونه تضییقات [ناخوانا] حزب پان ایرانیست جلوگیری و ترتیبی اتخاذ گردد [که] مساعدتی هم به این حزب نشود و فعالیت خود را به طور طبیعی که برخلاف مصالح عالیه کشور نباشد دنبال نماید.

مدیرکل اداره سوم - مقدم(۱)

با این حال این دستورالعمل جدید هیچ نکته امیدوارکننده ای برای پان ایرانیست ها نداشت و نهایتاً هم کاندیداها و اعضای حزب از حضور در انتخابات خودداری کردند و این تحریم انتخابات را پیروزی بزرگی برای حزب خود ارزیابی نمودند و حتی خود را از آیت الله امام خمینی(ره) هم پیشروتر به شمار آوردند و بسی خود را ستودند. حال آنکه تنها چون هویدا و به طریق اولی شاه نظر به ورود افرادی از حزب مذکور به مجلس بیست و سوم شورا نداشتند از شرکت در انتخابات مذکور خودداری کردند. ساواک در این باره گزارش کرد:

روز سه شنبه ۲۲/۴/۵۰ در دفتر دکتر طالع تعدادی از افراد حزب پان ایرانیست حضور داشتند که عبارت بودند از دکتر طالع، میرانی، هاتفی، جهانگیری. در ابتدا هاتفی اظهار نمود رادیو بغداد نوار

سخنرانی [امام] خمینی را هر شب پخش می کند که این مرد بزرگ (خمینی) و مبارز به انتخابات فرمایشی ایران اعتراض نموده و آن را محکوم کرده است و حملات شدیدی به دولت می نماید. سپس جهانگیری اظهار نمود که دیگر مردم فریب گفتارهای [امام] خمینی را نخواهند خورد چون او با دشمنان ملت ایران هماهنگ است و اگر او راست می گوید و دلسوز ملت ایران بود می بایستی اقدامات حزب پان ایرانیست را تأیید می کرد. اینها هیچ کدام و در هیچ وقت اقدامات ما را تأیید نکردند و ادامه داد حزب ما تنها حزب و نهضت وابسته به ملت ایران است و کسانی که ادعای مبارزه با حکومت حاکمه فاسد فعلی را دارند بایستی در این صف گرد آیند تا ملت ایران حقوق از دست رفته خود را به دست آورد. سپس دکتر طالع به طور خصوصی اظهار نمود که ما در این انتخابات استفاده تبلیغاتی زیادی بردیم و همه مردم ما را تأیید نمودند. دکتر طالع اضافه کرد یکی - دو شب قبل رادیوهای لندن و کلن آلمان اقدامات حزب ما را تأیید کرده و بر عدم آزادی و بی طرفی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در انتخابات ایران اشاره کردند و قسمتی از بیان نامه رهبر حزب را در مورد عدم شرکت

حزب پـان ایرانیست در انتخابـات خواندنـد و همچنین رادیو صـدای ملی و جبهه ملی در این مورد به نفع حزب ما مطالبی ایراد نموده اند و دوسـتان ما نیز در جلسات متعددی که تشکیل دادند هدف های حزبی را تشریح نمودند و به انتخابات ایران که در شرایط کاملاً دولتی انجام گرفت اعتراض نموده اند.(۱)

رهبران حزب مـدعی می شدنـد، موضوع تحریم انتخابـات موقعیت حزب پان ایرانیست را نزد مردم ایران سـخت ارتقا بخشـیده است. به رغم این خودسـتایی هـا شـهربانی کـل کشور پس از پایـان انتخابـات به این نـتیجه رسـیده بود که موقعیت حزب پـان ایرانیست هیچ گاه تا آن اندازه متزلزل و غیرقابل اعتنا نشده است! بولتن محرمانه شهربانی در سوم مرداد ماه ۱۳۵۰ درباره وضع حزب پان ایرانیست چنین قضاوت کرده بود:

حزب پـان ایرانیست در اوایـل مـاه جاری فعالیت هایی برای به دست آوردن چنـد کرسـی از دوره جدیـد قانونگـذاری به عمل آورد ولی بـا تـوجه به محـدودیت امکانـات خود، کـاری از پیش نـبرد و عـدم شـرکت آن در انتخابـات و سـپس اعلام نتـایج انتخابـاتی نشـان داد که حزب در حال حاضـر آخرین پایگاه خود را برای اعلام نظریات خویش در سـطح کشور از دست داده است. اکنون این حزب نه تنها در جناح راست یعنی گروه های طرفدار دولت، بلکه در جناح های

مخالف نیز از پشتیبانی قابل توجهی برخوردار نمی باشد و مسـلماً این سـرنوشت محتوم احزابی است که بدون توجه به موقعیت تاریخی و اجتماعی و سیاسی کشور، هدف های مبتنی بر ناسیونالیسم افراطی و شعارهای مربوط به آن را در سرلوحه کار خود قرار می دهند و با تعصب هرچه تمام تر از آن دفاع می کنند.(۲)

جلوگیری از حضور مؤثر حزب پان ایرانیست در انتخابات و به تبع آن عـدم حضور حتی یک تن از اعضای این حزب در دوره بیست و سوم مجلس شورا نشان از آن داشت که دسـتگاه رهبری این حزب تا جلب تمام و کمال نظر مساعد دولت و حاکمیت و در درجه اول شخص شاه هنوز نیازمند ممارست وفادارانه سیاسی و حزبی بیشتری است.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در سال بعد رهبران و مسئولان حزب پان ایرانیست در خلال سخنرانی ها و اظهار نظرهای خود هر از گاه انتقاداتی را نیز متوجه سوء عملکرد مجلس شورا و ناتوانی و فساد دامنگیر نمایندگان حزب اکثریت ایران نوین در مجلس مذکور می کردند. ضمن اینکه گاه ابراز امیدواری می کردند، تا موعد برگزاری انتخابات مجلس شورای بعدی زمینه لازم برای حضور فعال آنان در انتخابات فراهم شود.(۱)

## دور جدید یأس و سرخوردگی

با فرونشستن تب و تاب انتخابات، رونق شعب و دفاتر حزب در شهرهای مختلف بسیار کمتر از سابق شده و به دنبال فراگیرتر شدن مشکلات مالی، بار دیگر بسیاری از ساختمان های حزب در شهرهای مختلف تعطیل شد. حتی اگر حق عضویت اعضای کم شمار حزب منظم هم پرداخت می شد - که نمی شد - باز هم تکافوی هزینه های جاری

حزب را نمی کرد. همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، طی سال های نخست دهه ۱۳۵۰ حزب پان ایرانیست با مشکلات مالی قابل توجهی دست به گریبان بود:

رونوشت گزارش خبر شماره ۱۶۶۰۲/۲۰ ه ۱۲ – ۱۲/۹/۵۱ – منبع ۷۷۹

موضوع: جلسه حزب پان ایرانیست

در تاریخ ۶/۶/۵۱ در محل حزب پان ایرانیست با حضور محسن پزشکپور محمدرضا عاملی تهرانی و حسن حاج سیدجوادی در مورد مسئولیت دریافت شهریه از اعضا مذاکراتی به عمل آمد و سیدجوادی مسئولیت امور مالی را قبول نکرد و صادق جعفری قرار شد به عنوان مسئول امور مالی انتخاب گردد. ضمناً مدت ۸ ماه است کرایه محل حزب پرداخت نشده و وضع مالی حزب به علت عدم پرداخت تعهد افراد حزبی رضایتبخش نمی باشد و علت کناره گیری حاج سید جوادی و جهانگیری نیز که سابقاً این امر را به عهده داشتند به علت همین ضعف مالی حزب بوده است.

نظریه یکشنبه: به صحت گزارش شنبه می توان اعتماد نمود.

نظریه سه شنبه: نظریه یکشنبه مورد تأیید است.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نظریه چهارشنبه: نظریه سه شنبه مورد

تأیید است.(۱)

هر از گاه از شهرهای مختلف خبر می رسید «حزب مزبور هیچ گونه» اعتباری برای فعالیت های خود ندارد و «اغلب اعضای حزب عملاً تماس خود را با حزب قطع کرده اند و در جلسات یا میتینگ های آن شرکت نمی کنند».(۲)

در این اوضاع بیشترین تلاش رهبران و مسئولان حزب بر سر یافتن سرپل های مالی و اقتصادی جدیدی متمرکز شده بود. از جمله پزشکپور به گروهی از مسئولان و اعضای فعال حزب گفته بود «حزب فعلاً در مضیقه مالی است و حتی اگر دوستان بتوانند کمک بیشتری و یا یک چک تاریخی برای ماه های بعد بدهند که بتوانیم به موقع پول ها را دریافت داریم بهتر است». در برخی شهرها هم مسئولان حزب برای دریافت کمک های مالی از اعضا و هواداران، قبض های رسید ویژه ای چاپ کرده بودند. با این حال مشکلات تمام شدنی نبود. رهبری حزب توصیه می کرد ولو با حضور یکی - دو تن از اعضا، شعب و دفاتر حزب دایر بماند و چنان وانمود شود که حزب پان ایرانیست کماکان به فعالیت خود ادامه می دهد. همچنین توصیه می شد، اعضا و هواداران حزب در شهرهای مختلف به رغم تعطیلی شعب و دفاتر حزبی هر از گاه در منازل و محل کار یکدیگر با هم دیدار کنند و یا برنامه های تفریحی و سرگرم کننده دسته جمعی داشته باشند تا به تبع آن مسائل و مباحث مربوط به حزب هم مطرح شده و به دست فراموشی سپرده نشود. بدین ترتیب حزب پان ایرانیست در حالی پای در دهه ۱۳۵۰ می گذاشت که رکود و کسادی کم سابقه ای گریبانگیر آن شده بود. برای نمونه ساواک در ششم آذر ماه ۱۳۵۰ درباره موقعیت حزب پان ایرانیست در شرق گیلان چنین گزارش کرد:

تشکیلات حزب مذکور از حیث تعداد افراد با توجه به جریان فروردین ماه سال ۱۳۴۹ که منجر به پاشیدگی دستجات وابسته آن در مرکز و شهرستان ها گردید در حال حاضر

حداکثر از ۲۰ الی ۳۰ نفر آن هم به دور از هرگونه ایمان و دلبستگی واقعی محاسبه می شود و با اینکه تعداد بسیاری از تابلوهای حزب در روستاهای شهرستان رودسر بر روی دیوار خانه ها



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نصب شده که نشان دهنده فعالیت های پیشین این حزب در آن نقاط می باشد مع الوصف هیچ گونه موجودیتی در چهارچوبه خانه های موصوف احساس نمی شود و اصولاً کسی نیست که حاضر شود به طور مرتب و متوالی چند نفری را به دور خود جمع کند و از افکار حزب پان ایرانیست بحث نماید.

نظر به اینکه افراد آشنا با افکار حزب پان ایرانیست هر یک به جهاتی به دلیل ناکامی های حاصله از رهبران و بزرگان حزب نتوانسته اند به هدف و نظر خود که اغلب شامل انجام کارهای اداری و اجتماعی آنان بوده برسند و در حال حاضر هیچ گونه گرایشی (البته باطناً) به حزب پان ایرانیست ندارند و اگر احیاناً روزی به علت آمدن یکی از افراد و یا اجرای برنامه ای چند نفری دور هم جمع می شوند از روی ایمان و اعتقاد نبوده بلکه فقط به منظور جلب محبت و یا فراهم نمودن موقعیت و نزدیکی به کریم پور و یا فردی از افراد مرکزی که در حزب عضویت دارد و

آن هم به دلیل نیازمندی های شهری و یا روستایی و درگیریهای اداری می باشد. حزب پان ایرانیست در شهرستان رودسر تنها در وجود ایرج کریم پور مسئول تشکیلات و عامل اجرائی همه نظریات و برنامه های حزبی که از تهران صادر می شود خلاصه می گردد و افرادی که در کارها با ایشان همکاری دارند کاملاً همه از نظر سواد و معلومات و فهم و شعور در طبقه پایین تر از کریم پور قرار دارند و در جمع تشکیلات به اصطلاح حزبی آنها فردی یافت نمی شود که بتوان از حیث محلی و اجتماعی روی ایشان حساب کرد و از نظر امکانات مالی نیز حزب مزبور کمترین پشتوانه ای در محل و روستاها ندارد و جمیع مخارج احتمالی از طریق دفتر سیاسی در تهران تأمین و در اختیار ایرج کریمپور قرار داده می شود و شاید مبلغ بسیار ناچیزی را کریم پور بتواند از بین افراد تحت نفوذ خود آن هم با الهام از احتیاجات آنان که به گونه های مختلف پیش می آید تأمین کند که چندان چشمگیر و قابل توجه نخواهد بود.

نظریه شنبه: در حال حاضرکریم پور با توسل به حیله و تزویر گوناگون و جلب محبت فرماندار شهرستان رودسر که آن هم به صورت ریاکارانه و واسطه اخاذی قرار

گرفتن و عامل سوء استفاده آقای فرماندار بودن صورت گرفته توانسته است در محدوده شهرستان رودسر نام حزب پان ایرانیست را زنده نگه دارد و آقای فرماندار نیز به لحاظ کاملاً روشن امتیازاتی به ایشان سپرده است که از جمله به کار گماردن کریم پور در فرمانداری رودسر و همکاری

وی در شهرداری کلاچای می باشد.

نظریه یکشنبه: ایرج کریم پور فرد خوشنامی نبوده و فردی اخاذ و رشوه گیر معرفی گردیده و اخیراً نیز به سمت دفترداری فرمانداری رودسر انتخاب گردیده که با توجه به سوابق بدنامی وی انتخاب وی به سمت مزبور به مصلحت نبوده و تأثیر خوبی نداشته است - بستام.(۱)

در اواخر سال ۱۳۵۰ که به دنبال آن صدها تن از ایرانیان مقیم عراق از آن کشور اخراج شدند، رهبران حزب پان ایرانیست به بهانه اعتراض به این اقدام حکومت عراق درصدد برآمدند مجموعه حزب را از رکود گرفتار آمده نجات داده و اعضای سرخورده و پراکنده را بار دیگر بر سر ذوق و شوق آورند. ساواک خوزستان در هشتم اسفند ماه ۱۳۵۰ در این باره گزارش کرد:

حزب پان ایرانیست اخیراً تصمیم گرفته مجدداً فعالیت های حزبی خود را آغاز نماید و به عناوین مختلف مردم را به

موجودیت حزب مذکور آگاه نماید و به همین منظور در اغلب شهرستان ها شعارهایی که نمونه آنها و اعلامیه و قطعنامه حزب مرکزی به پیوست می باشد بین طبقات مختلف مردم خصوصاً طبقه روحانیون توزیع نموده اند و قرار است در شهرستان هایی که سابقاً حزب فعالیتی داشته و یا در حال حاضر به صورت رکود درآمده از طرف حزب پان ایرانیست اهواز اعضای فعال به آن شهرستان ها اعزام و جلسات آشنایی را با علاقه مندان تشکیل دهند.(۲)

در همین راستا حزب کوشید از اعتقاد مذهبی مردم ایران بهره برداری کرده و ملی گرایی را با مذهب تشیع درهم آمیزد. این معنی در شعارهای تبلیغاتی حزب پان ایرانیست آشکارا قابل ردیابی بود. از جمله این شعارها باید به موارد زیر اشاره کرد: «نگذارید ایرانیان و شیعیان را در سرزمین عراق قتل عام بکنند... جهاد ملی و مذهبی را بر ضد دشمنان ایران آغاز کنید... به دفاع از شیعیان، ایرانیان و کردان ایرانی نژاد آن سوی مرزها برخیزید». رهبری حزب پان ایرانیست در راستای سیاست های کلی حاکمیت از این



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

هم فراتر رفت و طی نامه هایی همسان که خطاب به برخی علما و روحانیون فرستاد چنین آورده بود:

دارالعلم حضرت آیت الله...

چنانچه مستحضرید حزب پان ایرانیست در طی سی سال مبارزه در راه آزادگی ملت ایران و اعتلای فرهنگ ایران همواره پیشگام نبرد با دشمنان ملی و مذهبی ایرانیان

بوده و نظرات اصولی خود را پیرامون دفاع از حقوق ایرانیان و شیعیان در همه نقاط جهان بیان نموده است. اکنون که یک بار دیگر ایادی استعمار و دشمنان آیین مقدس تشیع بر علیه هزاران هموطن شیعه ما به اعمال غیرانسانی و دور از مسلمانی دست زده اند و متأسفانه اقدامات مقامات مسئول کشور غیرکافی است، حزب پان ایرانیست نظرات خود را طی اعلامیه ای از سوی رهبر حزب به اطلاع هموطنان گرامی می رساند. حزب پان ایرانیست از همه هموطنان عزیز خاصه علمای اعلام و حجج اسلام انتظار دارد که با همه توان خود در راه دفاع اصولی و کامل از حقوق شیعیان و ایرانیان رانده شده از عراق کوشش به عمل آورند.

با تقدیم احترام - حزب پان ایرانیست

رونوشت برابر رونوشت است.(۱)

محسن پزشکپور در راستای «دفاع از هزارها ایرانیان و ایرانی نژادان و شیعیان آن سوی مرزها» اعلامیه مفصلی در شانزدهم دی ماه ۱۳۵۰ منتشر کرد که در بخش هایی از آن چنین آمده بود:

... زنان و مردان ایرانی:

آیا باید مقامات مسئول، گروه ها و کسانی که حکومت دارند و اداره سرنوشت ملت را

در چنگ گرفته اند، همچنان برابر چنین توطئه ای ضدایرانی، ضدانسانی و دسیسه ای که آشکارا مقدمه توطئه ها و هجوم های دیگر دست نشاندگان استعمار خواهد بود، سکوت نمایند و بی تفاوت و سهل انگار و مماشات گر باشند؟

آیا باید بپذیرند که اموال، خانه و زندگی هزارها ایرانی و ایرانی نژاد را مصادره کنند؟ باید بپذیرند برخلاف همه اصول مسلم قانونی و به رغم همه پیمان های بین المللی و ضوابط



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مسلم «حقوق انسانی» حوزه های علمی تشیع و کانون های مذهبی این آیین را پس از یک هزار و اندی سال، دچار تعطیل و مشکلات و یورش های عدیده نمایند؟

بی گمان، ملت ایران، میلیون ها ایرانیان و کردان ایرانی نژاد و شیعیان آن سوی مرزها و نیز همه مردم آزاده جهان می خواهند با اعمال و اجرای اصول یادشده در زیر، یاغی گری و طغیانی که در سرزمین عراق از سوی گروهی معدود، بر ضد اکثریت مردم عراق و بر ضد هزارها ایرانیان و شیعیان سال هاست دنبال می گردد و خود تهدید آشکار بر امنیت و صلح این منطقه از جهان می باشد، پایان داده شود:

۱- تضییقات مذهبی نسبت به اکثریت مردم

شیعی مذهب عراق پایان یابد.

۲- موجبات استقرار مجد و امکان فعالیت های آزادانه و دور از تضییق و محدودیت حوزه های علمی تشیع در شهرهای مقدس کربلا و نجف و کاظمین و دیگر مراکز مذهبی سرزمین عراق فراهم گردد.

۳- موجبات مراجعت توأم با امنیت کامل هزارها ایرانی و ایرانی نژادان که خانه و کاشانه آنها در سرزمین عراق می باشد، فراهم شود. به طوری که تأمین حقوق مدنی، سیاسی و حیثیت انسانی آنها در سرزمین عراق از هر جهت تضمین گردد و همچنین اموال غارت شده این گروه عظیم به آنان بازگردانده شود و خسارات ناشی از تعدیات عمال حکومت بغداد به آنها جبران گردد.

۴- هرگونه سیاست تبعیض نژادی و مذهبی در سرزمین عراق کنار گذارده شود و اکثریت مردم عراق که از نظر نژادی غیرعرب و از نظر مذهبی، شیعی مذهب می باشند طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر – مقررات منشور ملل متحد و دیگر میثاق های بین المللی، حق دخالت در تعیین سرنوشت خود را بازیابند.

آنچه بیان گردید، آرمان ها و هدف هایی که از سیاست ملی ایران، سیاست صلح و امنیت

منطقه و بالقوه از مسئولیت هایی که ملت ایران برای دفاع از میلیون ها شیعیان و ایرانیان و ایرانی نژادان وابسته به خود دارد و نیز از مسئولیت هایی که ملت ایران به حکم رسالت تاریخی، برای دفاع از آیین انسانی به عهده دارد، جدا نیست.

فراهم ساختن موجبات رسیدن به مقاصد ملی و انسانی مزبور، وظیفه مهم و خطیر و انکارناپذیر مقامات مسئول و همه گروه ها و کسانی است که به نحوی از انحا در حکومت

قبول مسئولیت نموده و یا نقش وسیعی در کوشش های اجتماعی ملت ما پذیرفته اند.

مقاصد ملی و انسانی یادشده در بالا بدان درجه از اهمیت و ضرورت حیاتی می باشد که به هر تقدیر باید بدانها جامه تحقق پوشانید ولو به قیمت استقبال از جهاد بزرگ ملی و مذهبی.

در این راه و در این جهاد بزرگ، همه ملت ایران و نیز همه تیره های نژادی و شاخه های مذهبی و فرهنگی وابسته به ملت ایران، یک دل و هم آهنگ گام برخواهند داشت. بی گمان عدم توجه و بی اعتنایی به چنین مسئولیت های مهم ملی و انسانی، از ناحیه مقامات مسئول، احزاب و یا هر یک

از گروه های دیگری که باشد، هرگز در پیشگاه تاریخ و ملت ایران بخشوده نخواهد شد.

پاینده ایران

شانزدهم دی ماه ۱۳۵۰

رهبر حزب پان ایرانیست – محسن پزشکپور (پندار)(۱)

با فرونشستن آن موج تبلیغاتی درباره حکومت عراق در اواخر سال ۱۳۵۰ و اوایل سال بعد، بار دیگر فعالیت های حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف کمافی السابق دچار رکود و بی سامانی شد و به دلیل نومیدی از آینده سیاسی حزب باز هم افراد دیگری به تدریج حزب پان ایرانیست را ترک کردند. برخی از این رویگردانان از حزب پان ایرانیست بلافاصله عضویت حزب آینده دارتر ایران نوین را پذیرا می شدند:

بهرام بهادری که قبل از قاسمی سرپرست قبلی حزب پان ایرانیست آغاجاری سرپرست حزب مذکور بود بنا به توصیه دوستانش و به علت عدم سازش با قاسمی سرپرست حزب از حزب پان ایرانیست استعفا نمود و طی نامه ای به عنوان آقای هاشمی رئیس کمیته حزب ایران نوین آغاجاری تقاضای عضویت در حزب ایران نوین را نمود و انکت حزب را هم تنظیم کرد.

نظریه شنبه – علت استعفای نامبرده گرایش وی به ایدئولوژی حزب ایران نوین می باشد.

نظریه یکشنبه – استعفای نامبرده با توجه به عدم موفقیت های وی در انتخابات سندیکای



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

شماره یک و عدم فعالیت حزب پان ایرانیست بنا به اصرار دوستانش و برای شرکت در انتخابات انجمن های شهر و شهرستان می باشد و قبلاً چنین تصمیمی نداشته. ضمناً حزب پان ایرانیست آغاجاری هیچ گونه فعالیت حزبی ندارد.(۱)

در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ ساواک در گزارش دیگری خبر داد.

افراد نامبرده زیر از حزب پان ایرانیست آغاجاری استعفا کرده اند.

۱- ولی احمد بارانپور ۲- نامدار اسماعیلی ۳- نصرالله نریموسائی ۴- ابراهیم مردان پور ۵- غلامحسین نریموسائی ۶- محمد استاد ۷- دوست محمد قنبری ۸- سیدطالب صنعتی ۹- ماندگی کمائی ۱۰- دوست علی جلیلی ۱۱- بدران [ناخوانا].

نظریه یکشنبه – ضمن تأیید نظریه شنبه با کناره گیری نامبردگان و بهرام بهادری و عدم فعالیت ماندنی زاده، مسئولان قبلی حزب مذکور، و انتقال عزت الله عالیپور یکی از اعضای فعال حزب به اهواز حزب پان ایرانیست آغاجاری موقعیت قبلی خود

را از دست داده و فعالیتی ندارد.(۲)

معمولاً توضیحات و تجزیه و تحلیل های رهبران و مسئولان حزب برای شرکت کنندگان در جلسات حزبی کسالت آور شده و قانع کننده نبود و آنان معتقد بودند موضع گیری های سطحی و غیرعملی رهبران حزب در قبال آنچه در کشور جریان داشت، نمی تواند «خون تازه ای در رگ های حزب» روان سازد. چرا که «حزب مدتی است به صورت باشگاه درآمده و فعالیت حزبی ندارد».(۳) در بیست وهشتم خرداد ماه ۱۳۵۱ ساواک گزارش کرده بود:

ساعت ۰۰/۱۹ روز ۱۸/۳/۵۱ جلسه همگانی کارمندان و فرهنگیان حزب با شرکت در حدود ۳۵ نفر در محل حزب تشکیل گردید و نیایش حزب توسط ابوالقاسم پورهاشمی خوانده شد و مهدی صفارپور ضمن انتقاد از عدم حضور برخی از افراد حزبی در این جلسه از افراد حاضر درخواست نمود که عقیده خود را پیرامون مسائل و خط مشی حزب اعلام نمایند و پسیان مسن ترین فرد حاضر در جلسه به عنوان مسئول جلسه تعیین شد. آنگاه



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۳- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نیک آمال و احمدی از وضع فعلی حزب انتقاد نمودند و افزودند که حزب بایستی تحرک بیشتری داشته باشد و از سکوت و در جا زدن خودداری نماید و افراد بیشتری را جلب نماید. صفارپور پاسخ داد چون کلیه امکانات را از ما

سلب نموده اند بنابراین حزب بیشتر از این نمی تواند فعالیت نماید و فعلاً- دوره سازندگی حزب است و در پایان جلسه با حضور محسن پزشکپور و هوشنگ طالع اسلاید و موزیک که از کنگره پنجم تهیه شده بود به نمایش گذارده شد و این جلسه در ساعت ۰۰/۲۱ پایان یافت.(۱)

حتی خوش بین ترین فرصت طلبان و سودجویان هم دیگر علاقه مند نبودند با حضور و عضویت در حزب پان ایرانیست به زعم خود عمرشان را به بطالت بگذرانند زیرا بر این باور بودند که تا «ابد هم به این حزب امکان پیشروی» نخواهند داد.(۲)

بسیاری از اعضای حزب پان ایرانیست که اینک نسبت به فعالیت های حزبی سخت بی علاقه شده و عملاً ارتباط خود را با حزب قطع کرده بودند به رغم آگاهی از آنچه در کشور می گذشت، بدون آنکه خود را درگیر انتقاد احیاناً پرهزینه از دولت و حاکمیت بکنند، ترجیح می دادند سکوت کنند و به زندگی عادی خود سامان بدهند. ساواک در این باره چنین گزارش کرده بود:

ساعت ۲۱۰۰ روز جمعه ۱۹/۸/۵۱ آقای طلایی سرپرست حزب پان ایرانیست آبادان و آغاجاری و رئیس اداره ثبت اسناد شهرستان بهبهان به اتفاق همسر خود به منزل خدامراد غیبی یکی از اعضای حزب آمد و پس از اطلاع به چند نفر دیگر از اعضای حزب غلامرضا رحمانی، مختار غیبی و نجاران هم به منزل غیبی آمدند. آقای

طلایی و همسرش از اینکه حزب پان ایرانیست در آغاجاری فعالیتی ندارد و اعضای آن کناره گیری کرده یا نسبت به حزب بی تفاوت شده و جلساتی تشکیل نمی دهند اظهار تأسف و گله کردند. آقای طلایی اضافه کرد سرور پزشکپور پیغام داده که دولت نظر مخالفی با حزب ما ندارد. حتی جناب آقای هویدا گفته تقصیر خودتان است که فعالیت نمی کنید بنابراین من نمی دانم شما چرا خودتان را کنار کشیده اید. بهادری و خدامراد غیبی از اعضای فعال حزب بودند که بهادری



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

استعفا کرد و غیبی هم عملاً خود را کنار کشید. اگر از طرف مأمورین دولت ممانعتی هست بگویید خدامراد گفت هیچ کس به ما کاری ندارد و جلو فعالیت ما را نگرفته، این پوچ بودن خود حزب هست که ما را متوجه کرده تا خود را کنار بکشیم، من اصلاً علاقه ای به فعالیت ندارم و می خواهم به زندگی خودم برسم. بهادری هم حق داشت خود را کنار کشید و اکنون عضو حزب ایران نوین است. طلایی اظهار کرد من امیدوارم که بتوانم فعالیتی بکنم تا حزب مجدداً فعالیت خود را در آغاجاری شروع کند و هر چند که وجود شما و بهادری برای حزب مؤثر بود ولی جلو فعالیت های ما را نخواهد گرفت.

چه بسا که دکتر صدر کنار رفت [اما] حزب فعالیت خود را ادامه داد. من از آبادان به بهبهان می رفتم، چند جزوه منشور حزب مربوط به کنگره آموزش و پرورش را گرفته بودم تا به شما بدهم. حالا خواهش می کنم آن را مطالعه کنید بعد بیشتر با هم تماس خواهیم داشت و به نجاران گفت شما فعالیت کنید افرادی را در میدان جعفر به حزب دعوت کنید. سپس حدود پانزده نسخه از منشور حزب پان ایرانیست را بین اعضای حاضر توزیع کرد و گفت شاید روز جمعه آینده مجدداً به آغاجاری بیاید و به میدان جعفر برود. غیبی در موقع خداحافظی تأکید کرد که من عضو حزب نیستم و فعالیتی هم نخواهم کرد.

نظریه شنبه. حزب پان ایرانیست در آغاجاری فعالیتی ندارد و جلسات آن تشکیل نمی شود و بعضی از اعضای آن استعفا کرده اند و بقیه هم تماسی با یکدیگر ندارند و جزوه مذکور شامل ۱۰ صفحه مربوط به کنگره آموزش و پرورش سال ۱۳۵۱ می باشد.

نظریه یکشنبه. قریب یک سال است که جلسات حزب پان ایرانیست در آغاجاری تشکیل نمی شود و اعضای فعال آن یا استعفا کرده اند یا عملاً خود را کنار

کشیده و علاقه ای به فعالیت در حزب از خود نشان نمی دهند و آقای طلایی هم به علت این امر تماسی با اعضای آن نمی گرفت و فعلاً تنها فرد تقریباً علاقه مند به حزب، نجاران می باشد و تعداد معدودی از اعضای باقیمانده فقط حق عضویت خود را می پردازند و فعالیت دیگری ندارند.(۱)

در بسیاری از شهرهای دیگر هم وضعیت مشابهی حاکم شده بود. رکود و کسادی

ص:۳۵۰

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حاکم بر فعالیت های حزب پان ایرانیست تا اواخر سال ۱۳۵۱ و اوایل سال ۱۳۵۲ چنان گسترده و فراگیر شد که حتی دولت و حاکمیت هم که پیش از آن اقدامات مؤثری در جلوگیری از فعالیت های این حزب انجام داده بودند، نگران شدند که مبادا تداوم آن وضعیت حقارت بار، مجموعه حاکمیت را از خدمات و فعالیت همین سوپاپ اطمینان و ویترین سخت ناکارآمد و غیرقابل اعتنا محروم سازد. به همین دلیل از اوایل سال ۱۳۵۲ مقامات امنیتی و مراجع دولتی و مهمتر از همه ساواک مأموریت یافتند مستقیم و غیرمستقیم موقعیت حزب پان ایرانیست را به تدریج تقویت کرده و به فعالیت های آن در شهرهای مختلف رونقی دوباره ببخشند. ضمن اینکه دوباره اجازه انتشار روزنامه خاک و خون (ارگان حزب) نیز صادر شد. بدین ترتیب بود که به تدریج گشایشی دوباره در فعالیت های حزب پان ایرانیست در برخی از شهرها و استان های کشور حاصل شد. اما تحرک بخشیدن دوباره به بخش ها و سطوح مختلف حزبی که طی چند سال به شدت آسیب دیده بود، چندان آسان به نظر نمی رسید.

در برخی از شهرها میان مسئولان حزب چند دستگی هایی هم بروز کرده بود تا باز هم موقعیت نابسامان این حزب ذره بینی و بی مقدار بحرانی تر شود. از جمله:

رونوشت گزارش خبر شماره ۱۵۳۳۲/۳ ه ۱-۹/۸/۵۳ منبع ۷۶۴

موضوع: دو دستگی در کمیته پان ایرانیست آذربایجان شرقی

اخیراً بین اعضای حزب پان ایرانیست در تبریز دو دستگی روی داده و دکتر طالع رئیس دفتر برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی و عضو حزب مذکور با تشکیل باندی که اکثراً از کارمندان اداری دفتر مذکور ترتیب یافته در مقابل علی زرینه باف ایستاده و فعالیت دارد به نحوی که هدفش برکناری زرینه باف بوده تا خودش مسئول کمیته باشد. ضمناً زرینه باف نیز با تشکیل جمعی از اعضا که از اعضای قبلی حزب در تبریز می باشند مانند آقایان اکبر سرقینی اهری کارمند اداره اطلاعات، سیدجواد پیمان نماینده بیمه ایران و سیدجلال وفایی سرپرست روزنامه آیندگان در مقابل دکتر طالع جبهه گرفته اند.

نظریه شنبه: دکتر طالع با توجه به بعضی از نقاط ضعف آقای زرینه باف که خانواده معلوم الحالی را در محل حزبی جای داده و ضمناً همسر قبلی اش را بدون عقدنامه در خانه نگه داشته است اعضای حزب را اغفال و به طرف خود جلب می نماید.

نظریه یکشنبه: مفاد خبر و نظریه شنبه مورد تأیید است. ضمناً دکتر هوشنگ طالع یزدی در ۳ ه و مرکز دارای سابقه بوده و

رئیس دفتر برنامه ریزی استان آذربایجان شرقی می باشد.(۱)

تا واپسین ماه های سال ۱۳۵۳ دستگاه رهبری حزب از رکود و ناملایمات داخلی خلاصی نیافت و تا این مقطع رهبران حزب با مسافرت های گاه و بیگاه به شهرها و استان های مختلف بیهوده می کوشیدند مشکلات دامنگیر حزب را از میان بردارند:

روز پنجشنبه مورخه ۶/۸/۵۳ ساعت ۳۰/۱۵ عده ای از اعضای حزب در محل حزب اجتماع کرده تا از رهبر حزب پان ایرانیست محسن پزشکپور استقبال به عمل آورند ولی تا ساعت ۳۰/۲۱ منتظر ماندند و محسن پزشکپور نیامد. قرار شد روز جمعه مورخه ۱۰/۸/۵۳ ساعت ۳۰/۸ به منزل دکتر فریور به ملاقات رهبر حزب بروند. تعداد ۲۵ نفر از اعضا صبح ساعت ۳۰/۸ منزل دکتر فریور رفتند و تا ساعت ۳۰/۹ ملاقات اعضا با رهبر حزب به طول انجامید و محسن پزشکپور از وضع کار و تشکیلات حزب در رضائیه اظهار نارضایتی نمود چون وضع مالی حزب خیلی ضعیف است و حتی مدت ۴ ماه می باشد که اجاره ساختمان حزب پرداخت نگردیده و به همین علت مدتی حزب تعطیل بود. محسن پزشکپور دستور داد که از این تاریخ به بعد حزب با سرپرستی دکتر فریور و آقای جعفری به کار خود

ادامه خواهد داد. به علت نبودن وقت کافی قرار بر این شد تا در منزل دکتر فریور اجتماع نموده [که] البته این جلسه محرمانه خواهد بود.(۲)

طی ماه های پایانی سال ۱۳۵۳ وضعیت حزب پان ایرانیست به رغم تمام تبلیغات و اقداماتی که دستگاه رهبری این حزب برای ساماندهی مجدد به تشکیلات و فعالیت های حزبی در شهرهای مختلف انجام می داد، به شدت نومیدکننده شده بود.(۳)

بیشترین تلاش ها برای یافتن اعضای جدید در میان اقشاری نظیر کارگران، کشاورزان و روستاییان و دیگر اقشار کم سواد و بی اطلاع صورت عملی به خود می گرفت. کارگردانان و مسئولان حزب عمدتاً با دادن وعده های به اصطلاح دور و دراز سعی می کردند در میان اقشاری از این دست برای خود، اعضا و هوادارانی جذب کنند؛ شگردی که ساواک از آن با



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- عبدالمجید مجیدی، خاطرات عبدالمجید مجیدی، صص ۵۶-۵۴.

عنوان «اغفال مردم» یاد می کرد:

آقای طلایی مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست بهبهان به اتفاق همسرش و مهندس موسوی و قاطع در مورخه ۲۲/۹/۵۳ از بهبهان به آغاجاری وارد و ساعت ۳۰/۴ با عده ای اعضای حزب در آغاجاری به نمره ۱۷ در میدان جعفر رفتند و خانم طلایی و موسوی برای عده ای از اهالی سخنرانی کردند و گفتند حزب پان ایرانیست در انتخابات آینده شرکت می کند و پس از موفقیت از حزب حاکم انتقام می گیرد. بعد یک نفر از اهالی خواسته های منطقه از

قبیل بیمارستان، جاده آسفالته، آب و گاز، وسیله نقلیه عمومی را مطرح کرد. سپس اعضای حزب به دفتر مشورتی حزب رفتند و از مردم دعوت کردند که آنکت حزبی را تنظیم نمایند و عده ای عضویت حزب را پذیرفتند. سپس به امیدیه صنعتی و علی آباد رفتند و در آن جا هم مردم را دعوت به عضویت نموده و عده ای آنکت حزبی را تنظیم کردند و قرار شد آقای طلایی چهارشنبه آینده هم به همین منظور به آغاجاری بیاید.

نظریه شنبه: فعالیت ها با توجه به نزدیک بودن انتخابات می باشد و بیشتر افرادی که اخیراً عضو شده اند از اهالی مناطق غیرشرکتی و طبقه کارگر و عامی می باشند.

نظریه یکشنبه: ضمن تأیید نظریه شنبه به استحضار می رساند با توجه به سوابق فعالیت های حزبی و تبلیغاتی آقای طلایی روش یادشده که صرفاً اغفال مردم برای جلب آنان به حزب و ازدیاد عضو می باشد در طرح مسائل و مطالب انتقادی صحیح به نظر نمی رسد و محققاً نتیجه مطلوبی جز بدبین نمودن افکار مردم نسبت به مسئولین مملکتی و آماده نمودن محیط نامناسب برای افراد فرصت طلب نخواهد داشت که اصلح است در این زمینه توجه

خاصی مبذول گردد.(۱)

حزب در آن برهه چنان دچار کمبود عضو شده بود که به هر تقاضا و ابراز تمایلی به سرعت پاسخ مثبت و قطعی داده و داوطلبان را با کمترین تحقیق و بررسی به عضویت خود می پذیرفت.

این رویه چنان شایع شده بود که حتی اعضای عادی حزب هم از رهبری آن شاکی شده بودند که «حزب هر کسی را که از راه می رسد به عضویت می پذیرد بدون اینکه



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

درباره آن فرد رسیدگی نماید».(۱)

مردم کشور هم مثل همیشه هیچ گونه اعتنایی به احزابی نظیر حزب پان ایرانیست نداشتند و افراد آگاه تر از مسائل سیاسی جاری در کشور هم پزشکپور و طرفداران او را آلت فعل کم ارزشی بیش در دست ساواک و تحت نظارت و هدایت شدید حاکمیت ارزیابی نمی کردند. به گزارش ساواک شمار اعضای واقعی حزب از «بیست» تن فراتر نمی رفت.(۲) ساواک پیرامون «عدم استقبال مردم» کشور از حزب پان ایرانیست گزارش های فراوانی از شهرهای مختلف ارسال می کرد. در تمام سال های نخست دهه ۱۳۵۰ حزب پان ایرانیست در بسیاری از شهرهای کشور فاقد حداقل عضو و هوادار حزبی بود.

## کرّ و فرهای کم حاصل

ظاهراً برای رهبران حزب همین اندازه کفایت می کرد که هر از گاه اعضا و هواداران حزب در ساختمان یا محوطه ای گرد آمده و مخاطب و مستمع سخنان تبلیغاتی و کم محتوای آنان باشند و به دنبال آن روزنامه ارگان حزب، خاک و خون احیاناً به طور مفصل موضوع و چگونگی برگزاری این جلسات و کنفرانس ها را با آب و تاب چاپ و منتشر کرده و پیرامون خواست ها و علایق انتزاعی و دست نایافتنی حزب پان ایرانیست و مدعیات رهبران آن مطالبی درج کند. نمونه ای از این جلسات را که در دوازدهم مرداد ماه ۱۳۵۱ در آبادان تشکیل شده بود، به روایت ساواک مرور می کنیم:

ساعت ۱۸/۰۰ روز ۱۲/۵/۵۱ جلسه کنفرانسی با شرکت عده ای از اعضا، منجمله عبدالرضا طلایی، علیرضا عریضی، قربانعلی منصوری، کازرونی نژاد، منصور امینی، پرویز نوبی، کیومرث پشتکوهی، منوچهر میرزائی، علی حسین پور، حسین حسین پور، فیروز حسین پور، بهرام خسرویان، یدالله آلاوه، گله گریان، اسفندیار ناطق، خدادادی، حسینی و بانوان، طلائی، نوبری، یاسمین کازرونی نژاد، عریضی و دوشیزه عفت فولادوند و عده ای از افراد متفرقه تشکیل گردیده. سرآغاز حزبی توسط دوشیزه عفت فولادوند و دکلمه هایی



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۳، ص ۷.

وسیله قربانعلی منصوری اجرا گردید. سپس سخنرانان کنفرانس مزبور (منصور امینی، بانو طلایی، علیرضا عریضی) سخنانی به شرح زیر ایراد نمودند.

ابتدا منصور امینی خطاب به جوانان اظهار داشت، شما جوانان بیش از پیش کوشش نمایید که با حزب پان ایرانیست در تماس باشید و آشنایی بیشتری پیدا کنید. دستگاه حکومت به قول خودشان پاسداران انقلاب به فکر شما محصلین نیستند ولی این حزب پان ایرانیست است که شماها را ارشاد خواهد نمود. سپس بانو طلایی رشته کلام را به دست گرفت و خطاب به بانوان

چنین اظهار داشت، شما بانوان و دوشیزگان باید کوشش نمایید معلومات خود را افزایش دهید و در کارها به پدران و برادران و شوهران خود کمک کنید. سپس سخنران سوم علیرضا عریضی درباره پیدایش حزب اظهار داشت، در سی سال قبل به همت دو نفر دانش آموز حزب پان ایرانیست به وجود آمد. نامبرده درباره مبانی حزب نیز اظهاراتی نمود و در پایان اظهارات وی افراد متفرقه و دانش آموزان که قبلاً دعوت شده بودند از جلسه خارج و پس از خارج شدن آنان جلسه ای جهت اعضای اصلی تشکیل و آقای طلایی خطاب به اعضای حاضر در جلسه اظهار داشت. طبق فرمان رهبر حزب آقای محسن پزشکپور در تاریخ ۱۵ شهریور آینده کنفرانس عظیمی به مدت سه روز با شرکت کلیه اعضای حزب در سراسر ایران در شهر تهران تشکیل خواهد شد و تا فرارسیدن این کنفرانس عظیم تشکیلات های شهرستان ها باید چندین کنفرانس برای آمادگی مردم علاقه مند داده شود و در آن موضوع اهمیت کنفرانس سه روزه که مصادف با سالروز تشکیل حزب پان ایرانیست است یادآوری نمایند، تا هر کس که مایل باشد در کنفرانس شرکت نماید به اتفاق اعضا به تهران بیاید و قبل از

تشکیل کنفرانس در اواخر مرداد یا اوایل شهریورماه سرور محسن پزشکپور جهت تشکیل یک کنفرانس به خوزستان خواهد آمد. نامبرده در پایان اظهارات خود رسماً آقای علیرضا عریضی را تا برطرف شدن گرفتاری های آقای کهوائی مسئول حزب (تشکیلات آبادان) و در بودن کهوائی به عنوان دستیار وی معرفی نمود و یادآور شد رهبر حزب (پزشکپور) دستور پیشرفت هر چه بیشتر در فعالیت های حزبی را داده و در سفر اخیر خود نیز شخصاً دستورات لازمه را خواهند داد.(۱)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

باز هم در این برهه نیروی گارد مهمترین و عزیزترین نیروی حزب پان ایرانیست محسوب می شد و رهبری حزب و در درجه اول شخص پزشکپور مراقب بود اعضای آن انضباط شبه نظامی خود را حفظ کنند و به نوعی ویترین حزب باقی بمانند. تلاش می شد اعضای نیروی گارد از آموزش های رزمی و شبه نظامی برخوردار باشند. در لباس پوشیدن و رفتار با انضباط و قاطع جلوه کنند و جلسات آن منظم تشکیل شده و اعضای آن وظایف محوله را با جدیت دنبال کنند. همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد پزشکپور کماکان نگاه ویژه ای به نیروی گارد داشت:

موضوع تشکیل جلسه نیروی گارد در دفتر محسن پزشکپور

در ساعت ۴۵/۱۹ روز ۲۵/۴/۵۱ پنجمین جلسه نیروی گارد با حضور محسن پزشکپور، عبدالله قنبری، محمد جهانگیری، فرج الله نیک آمال،

مهدی ظفری و دوشیزه نازیلا خسروی در دفتر محسن پزشکپور به صورت غیررسمی تشکیل گردید. ابتدا محسن پزشکپور به اهمیت نیروی گارد اشاره و از افراد خواست تا در راهی که قدم گذارده اند قاطع و بدون انحراف باشند و سپس نیک آمال از توجه رهبر حزب تشکر و از ایشان درخواست نمود تا توجه بیشتری به نیروی مذکور داشته و حتی هفته ای یک ساعت وقت خود را صرف نیروی گارد بنمایند و آنگاه رهبر حزب اظهار نمود مسائلی که می بایستی انجام شود با توجه به سیاست و موقعیت حزب خواهد بود و آنچه بایستی مورد توجه شما باشد مسئله اطاعت از رهبر و ایمان به حزب می باشد و من می دانم لازمه پیشرفت یک حزب داشتن واحدی مانند نیروی گارد می باشد که مسائل حزبی را از دریچه دید رهبر حزب مورد بررسی و رسیدگی قرار دهد مانند سازمان اس اس که گوش و چشم رهبر حزب نازی بود و افزود البته می دانم در این راه بایستی افراد گارد به سیاست حزب و خط مشی آن آگاهی داشته باشند و من هم سعی خواهم کرد هر ۱۵ روز یک بار در جلسات شما شرکت و مسائل حزبی را با شما در میان بگذارم و آنچه بایستی یادآور

شوم آگاهی کامل و معلومات کافی افراد گارد به مسائل و سیاست های حزبی است و اگر فردی معنی ناسیونالیسم با کنش های دیگر را نداند چطور می تواند فردی معتقد و استوار باشد. آنگاه قنبری از رهبر حزب سؤالاتی در مورد روش شرکت افراد حزب در نیروی گارد را نمود و قرار شد موسوی پور جعفری کارمند بانک بازرگانی، پیروی و صادق جعفری برای شرکت در نیروی گارد با رهبر حزب تماس

حاصل نمایند و جلسه مذکور در ساعت ۳۰/۲۰ خاتمه پذیرفت.(۱)

در اواسط تابستان سال ۱۳۵۱ سخن از آن بود که رهبری حزب قصد دارد حیطه وظایف نیروی گارد را به «سطح بالاتری» ارتقا دهد و وظایف حراستی و نظارتی آن را تا بالاترین بخش های اداری حزب افزایش دهد. از همین برهه دیگر سخن از «نیروی» گارد نبود، بلکه عنوان جدید «سازمان گارد حزب پان ایرانیست» برای آن انتخاب شده و پزشکپور خودش گزینش اعضای جدید برای آن را بر عهده گرفت و با افزایش گستره و دامنه فعالیت های آن اعلام شد که از آن پس سازمان گارد «کلیه امور حزبی اعم از بازرسی، کاخ داری، مراقبت، تشریفات، ورزشی و خدمات عمومی را عهده دار» خواهد شد.

با این حال هیچ گاه در تهران و دیگر شهرهای کشور نیروی (سازمان) گارد منظم و کارامدی تشکیل نشد و در مجموعه حزب پان ایرانیست که خود همواره دچار مشکلات عدیده ای بود، گستره و دامنه وظایف و عمل آن افزایش چشمگیر و تأثیرگذاری پیدا نکرد. همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، در جلسات و نشست های گاه و بیگاه نیروی گارد هم به ندرت موضوع قابل اعتنایی طرح می شد:

در ساعت ۳۰/۱۸ روز ۲۴/۸/۵۱ نیروی گارد تشکیلات حزب پان ایرانیست آبادان با شرکت کیومرث عوض پشتکوهی، منوچهر میرزائی، و دوشیزگان لیدا نوبری، نسرین و شهلا عظیم الشأن به نیروداری عریضی (به جای پرویز نوبری که به علت بیماری در بیمارستان شرکت ملی نفت بستری می باشد) در محل حزب تشکیل جلسه داد و موارد زیر در آن مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

۱- سرآغاز حزبی توسط دوشیزه نسرین عظیم الشأن خوانده شد.

۲- دوشیزه شهلا عظیم الشأن قسمتی از کتاب سیاست رفاهی را که عنوان پیوند استوار بود قرائت کرد.

۳- به دوشیزه شهلا عظیم الشأن مأموریت داده شد که کلنل محمدتقی خان پسیان را مطالعه و در جلسه آینده نیرو بخواند و همچنین کیومرث عوض پشتکوهی نیز کتاب رابطه حکومت با مردم را در جلسه آینده نیرو بخواند.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۴- جلسه نیرو در ساعت ۳۰/۱۹ با خواندن هفت پیمان حزبی توسط منوچهر میرزائی خاتمه یافت.(۱)

همچنان که گزارش ساواک به شرح زیر نشان می دهد، نیروی خیالی گارد با اینکه به

مثابه نیروی ضربتی و واکنش سریع بر ضد دولت تدارک شده بود، اما خود دچار مشکلات فراوانی بود:

ساعت ۰۰/۱۹ مورخه ۲۲/۱۲/۵۱ جلسه نیروی گارد آبادان به نیروداری حافظ کهوائی و حضور احمد قزلباش، منوچهر میرزائی، پرویز نوبری و دوشیزگان نسرین و شهلا عظیم الشأن و لیدا نوبری تشکیل گردید. ابتدا حافظ کهوائی در مورد تهیه لباس از افراد سؤال نمود که بعضی از آنان اظهار داشتند که تهیه نموده اند. سپس مشارالیه خطاب به افراد گارد گفت من نمی دانم شماها چرا این قدر سرد هستید؟ چرا تا به حال سؤال نکردید که در هنگام آمدن سرور پزشکپور چه نقشی دارید؟ پرویز نوبری پاسخ داد که افراد گارد این سؤال را از من می کنند و من که فرمانده گارد هستم از شما چندین مرتبه سئوالاتی نمودم اما جواب آن را تلگرافی و خیلی مختصر و بسیار سرد شنیدم. حافظ کهوائی در جواب اظهار داشت امکان دارد که شما در پیش غیرگاردی یا افراد غیرحزبی سؤال نموده باشید و من هم اجباراً این گونه که شما می گویید جواب دادم ولی کلیه کارهای مهم به دست افراد گارد انجام می گیرد و امکان دارد اگر روزی دولت با ما بیشتر از این مخالفت

نماید و چندین نفر از سران حزب را توقیف کند و آن وقت است که افراد گارد باید اول به دولت اعلام نمایند در صورتی که توقیفی ها را آزاد ننماید دست به اقدامات خرابکارانه خواهیم زد و در صورت ادامه توقیف افراد دستگیرشده طبق دستور حزب عملیات را شروع نمایند.(۲)

از جمله مباحث و اظهارات تکراری و آزاردهنده در سال های نخست دهه ۱۳۵۰ موضوع و مفهوم پان ایرانیسم، ناسیونالیسم، ایران گرایی و مسائلی از این دست بود.

پان ایرانیست ها در آن زمان ناسیونالیسم مورد ادعای خود را شامل ناسیونالیسمِ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می دانستند و در توضیح و تعریف آن می گفتند:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۱- ناسیونالیسم سیاسی، شناختن فلات ایران و حفظ آن وسیله دولت و ملت.

۲- ناسیونالیسم اجتماعی فراخواندن عموم ملت در یک اجتماع و آماده نمودن آنها به همکاری با یکدیگر. به خصوص ادارات دولتی باید با همدیگر سازش و همکاری داشته باشند آن هم با انقلاب اداری دولت آقای هویدا که نافرجام مانده.

۳- ناسیونالیسم اقتصادی، برآورد بودجه کشور از درآمد کشور و تقسیم بقیه در بین ملت که آن هم در کشور ما با این دستگاه دولت اصلاً نباید حرفش را بزنیم.(۱)

در همین برهه بود که محسن پزشکپور برخلاف آنچه تا آن زمان معمول بود مبحث جدید سوسیالیسم و دموکراسی بر بنیاد ناسیونالیسم را مطرح کرده و آن را نیاز گریزناپذیر حزب پان ایرانیست در عصر جدید دانست و به طور تلویحی مخالفان را به اخراج از حزب تهدید کرد. بنا به گزارش ساواک در تاریخ شانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۱:

پزشکپور ضمن سخنان خود حملات شدیدی به افراد حزب که با طرح جدید پیشنهادی او درباره سوسیالیسم و دموکراسی بر بنیاد ناسیونالیسم مخالفت می نمایند نمود و اظهار داشت نهضت به راه خود ادامه می دهد خواه این عده همگام باشند خواه صف مبارزه را ترک نمایند. عده ای از اعضای قدیمی آقایان زرشکی مسئول تشکیلات قزوین، روناسی مسئول تشکیلات بروجرد، میترا خسروی همسر مهندس ظفری با پیشنهاد جدید پزشکپور مخالفت نموده و اظهار می داشتند که ما سی سال است از ناسیونالیسم داریم دفاع می کنیم و سوسیالیسم و دموکراسی و سایر مکاتب سیاسی را محکوم کرده ایم حال بیاییم بگوییم اشتباه کردیم و هم سوسیالیسم و هم دموکراسی را در کنار ناسیونالیسم قبول داریم و بدین سبب جلسات بحث و انتقاد شدیدی در اطاق پزشکپور، دکتر عاملی و دکتر هوشنگ طالع تشکیل شد و در پایان هفت پیمان حزب توسط مهندس رضا

کرمانی مسئول تشکیلات اهواز خوانده شد.(۲)

با این حال این طرح التقاطی و نامأنوس و در عین حال مبهم پزشکپور نه در آن مقطع و نه طی سال های بعد چندان مورد توجه اعضا و مسئولان حزب پان ایرانیست در سطوح



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مختلف قرار نگرفته و در جلسات و نشست های حزبی و در شهرهای مختلف مورد بحث و بررسی واقع نشد. ضمن اینکه از آن پس حتی خود پزشکپور هم دیگر چندان پی گیر به اصطلاح تئوریزه کردن و جا انداختن این طرح نگردید.(۱)

## دولت هویدا و نقش ساواک

### الف. دولت

از همان ماه های نخست سال ۱۳۵۰ که با نظر مساعد شاه، پان ایرانیست ها در فضای سیاسی آزادانه تری فعالیت های خود را پی گرفتند، دستگاه های اطلاعاتی و انتظامی همچنانکه مطلوب حکومت بود با وسواس بیشتری مراقب این حزب و رفتار و عملکرد رهبران و اعضای آن شدند. ساواک در مردادماه ۱۳۵۰ هشدار می داد، به دلیل حوادث یک سال گذشته که باعث حاکم شدن فضای جدیدی در حزب و احتمال نفوذ و حضور افراد و عناصر به اصطلاح تندرو و افراطی در آن شده و احیاناً مخالفانی از حکومت در پوشش پان ایرانیست راهی این حزب شده اند، ضرورت دارد مخالفت ها و انتقادات حزب و اعضای آن از دولت با مراقبت بیشتری دنبال شود. همچنانکه گزارش زیر هم نشان می دهد، ساواک برای این استدلال هشداردهنده خود دلایلی هم داشت:

روز ۸/۷/۵۰ در محل حزب پان ایرانیست آقایان دکتر هوشنگ طالع، دکتر روح بخش، [ناخوانا] ضامنی، دکتر ظفری، مهندس هاتفی، فراهانی در اطاق هوشنگ طالع حضور داشتند. ابتدا طالع راجع به

ورشکستگی شدید کنونی ایران اظهار داشت مردی باید مثل امینی پیدا شود تا اعلام ورشکستگی ایران را به تمام مردم اطلاع بدهد. وی افزود به قدری اوضاع اقتصادی ایران خراب است که تصور آن را نمی شود کرد. یک نفر از ثروتمندان که مدیر چند معدن سرب و قلع و روی و مس است و تاجر مهمی می باشد و تاکنون سابقه نداشته که سفته های آن تاجر معروف واخواست شود در چند روز اخیر تمام سفته های وی واخواست شده است.

دکتر روح بخش نسبت به اقدامات چریک ها اظهار داشت وضع عجیبی شده است. به قدری



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نارضایتی ایجاد کرده اند که تمام طبقات پایین اجتماع با این افراد همکاری می کنند، حتی طبقه تحصیلکرده نیز همکاری می کنند و افزود چنانچه در یک ماجرا چریک ها را ببینید که امکان دارد دستگیر شوند باید تسهیلات فرار آنها را فراهم کنید که دستگیر نشوند و چون واقعاً قابل ستایش هستند. به هر حال آنها وابسته به یک اجنبی هم که باشند بهتر از این جوانان هیپی و لاابالی می باشند.(۱)

ساواک هشدار می داد که در این برهه اخیر افراد و عناصر جدیدی که نسبت به دولت

و حتی حاکمیت رویه مخالفت آمیز گاه شدیدی هم دارند، برای عضویت در حزب پان ایرانیست ابراز تمایل کرده اند. ساواک بر این باور بود که رفتار افرادی از این دست که هر از گاه سر و کله شان در محافل دانشجویی و نظایر آن پیدا می شد، نمی تواند در راستای موضع گیری کلی حزب پان ایرانیست مورد ارزیابی قرار گیرد. در این میان رهبری حزب البته سخت مراقب بود میان موضوع انتقاد از دولت با آنچه شاه انجام می داد تفاوتی، ولو مصلحتی، قائل شود.

ساعت ۱۹۰۰ روز ۱۷/۹/۱۳۵۰ عده ای از اعضای حزب پان ایرانیست در یک مصاحبه مطبوعاتی در هتل ویکتوریا واقع در تهران خیابان پهلوی شرکت نموده اند و آقای محسن پزشکپور در پاسخ یکی از خبرنگاران درباره برنامه های دولت اظهار داشته است:

«بعضی از برنامه ها به دلایل قاطع برنامه هایی است در سطح رهبری مملکت که با همت ملت انجام می گیرد ولی برنامه های حزب حاکم برنامه قانع کننده ای برای ملت ایران نیست که از آن برداشت های صحیح داشته باشند و حزب حاکم یا به قول خودشان حزب پاسدار انقلاب حزب موفقی نخواهد بود».(۲)

دیگر رهبران و کارگردانان درجه اول حزب هم مراقب بودند، انتقاد تند و صریح آنان از فساد، ناکارآمدی و ضعف مفرط حاکم بر دولت هویدا و حزب ایران نوین شخص شاه را آزرده خاطر نکند. اما همه اینها باعث نمی شد تا برخی رهبران حزب پان ایرانیست طی

جلسات محدود حزبی گاه حملات شدیدی را متوجه دولت و حتی ناتوانی شاه در برخورد

ص:۳۶۱

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

قاطع با فساد حاکم بر دولت نکنند:

روز ۱۷/۱۲/۵۰ دکتر هوشنگ طالع اظهار داشت هویدا واقعاً رفتنی نیست و فعلاً زورآزمایی جناح های انگلیسی و آمریکایی است و شاه هم دیگر پیر شده است و نمی تواند در این زورآزمایی قد علم کند. باید دید زور هویدا بیشتر است یا اردشیر زاهدی یا آموزگار و خلاصه هویدا بزرگترین خدمت را به دشمنان شاه کرده است. اولاً تمام طبقات مردم را نسبت به شاهنشاه بدبین نموده و دیگر کسی نیست که از ته قلب شاه را بخواهد و آمدن ویلی برانت نیز برای گرفتن حق و حساب است که بتواند دانشجویان ایرانی در آلمان را ساکت کند و بالاخره میلیون ها تن نفت به او می دهند که ساکت و راضی شود و افزود دانشگاه که مرتب اعتصاب است و دانشگاه فنی و علوم و دیگر مؤسسات برای همبستگی و پشتیبانی از اعدام ۱۰ الی ۱۵ نفر است که قرار است اعدام شوند. خلاصه هویدا تمام مملکت را به لجن کشیده است. بوی تعفن آن بالاخره خودشان را هم خواهد گرفت.(۱)

در حالی که در آغازین سال های دهه ۱۳۵۰ به رغم تمام سرکوبگری ها و خشونت آفرینی های حکومت مخالفت ها با حاکمیت در تزاید بود و بالاخص دانشجویان و محافل دانشجویی به سوی گروه ها و احزاب سیاسی و مذهبی مخالف حکومت گرایش آشکاری نشان می دادند، برخی رهبران حزب پان ایرانیست سیاست های غلط آموزشی دولت هویدا در آموزش و پرورش و وزارت علوم را عامل این رویگردانی روزافزون جوانان و دانشگاهیان از حاکمیت و تمایل آنان به سوی مخالفان حکومت ارزیابی کرده و خواستار برخورد کارشناسانه دولت و حاکمیت با موضوع دانشگاه و دانشجویان می شدند. از معدود رهبران حزب پان ایرانیست که در این راستا دیدگاه های صائب تری ارائه داده و دولت هویدا را محکوم می کرد، محمدرضا عاملی تهرانی بود که در کتابش «جنبه پرورش انقلاب آموزشی» به سوء عملکرد دولت در عرصه دانشگاه و نقش آن در گرایش دانشجویان به سوی مخالفان سیاسی حکومت چنین نوشته بود:

تنها فرمول پرورش اولیای دانشگاه ها این است که «سکوت کنید و کار به سیاست نداشته باشید.» و پرورش اجتماعی و سیاسی دانشجویان هرگز در هیچ سطحی نبوده است و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

هیچ گاه برای هیچ سازمان دانشگاهی مهم نبوده که اندیشه های جوانان ما در مسیر خدمت به ملت باشد و یا در فضای دیگری جولان کند. اگر اولیای دانشگاه وظیفه تربیت اجتماعی و سیاسی دانشجویان را به عهده نمی گیرند چرا هنگام پدید آمدن وقایع ناگوار دانشجویان را متهم می سازند و از آنها توقع دارند از بصیرت کامل برخوردار باشند. با وجود سیستم ارتباطی قوی جامعه کنونی، هموطنان ما در جریان

اخبار و پدیده های جوامع کمونیست قرار می گیرند و طبعاً در مورد مسائل مربوط به کمونیزم و کشورهای کمونیستی کنجکاو می شوند، اما با توجه به خصوصیات عمومی جوانان، آنها بیشتر خواهان آشنایی با موضوعات فوق هستند. میل به خودنمایی موجود در جوانان باعث می شود که در مقابل دیگران از داشتن عقیده ای که منع شده به خود ببالند و احتمالاً با توجه به روح پرخاشگری و برای رسیدن به هدف های کمونیزم از روش های افراطی کمک بگیرند. در صورتی که دستگاه های مسئول، اطلاعات کافی و صحیح در اختیار جوانان، به خصوص جوانان دانشجو، نگذارند اینگونه مطالب از منابع ناصالح و آن طوری که این منابع می خواهند در دسترس آنها قرار خواهد گرفت.(۱)

البته دستگاه رهبری و کارگردانان حزب همیشه هم نمی توانستند به اعضا و مخاطبان اندک خود که می پرسیدند اگر دولت هویدا فاسد، بدکاره و فاقد کارآیی لازم است، پس چرا شاه فرد صالحی را جایگزین او نمی کند، پاسخ قانع کننده ای بدهند. ساواک در چهارم خرداد ماه ۱۳۵۱ در این باره به پرسش و پاسخ چند تن از اعضای حزب پان ایرانیست در آبادان پرداخته بود:

یدالله شکراللهی سؤال نموده اگر انقلاب سفید درست پیاده نشده پس چطور شاهنشاه

از کار دولت همیشه اظهار رضایت می کند و چرا این دولت را عوض نمی کند؟

محمد ذوالقدر (معروف به فولادوند) در جواب وی اظهار داشت اولاً ـ گزارشات دروغی به شاهنشاه می دهند. ثانیاً اگر این دولت عوض شود فراماسیون های زیادی در این کشور وجود دارد. اگر هویدا عوض شود یک هویدای دیگری که از آن بدتر است به جای ایشان قرار می گیرد. مثلاً در پالایشگاه آبادان رمضانی نیا که یک فراماسیون بود وقتی عوض شد



۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

یک فراماسیون دیگری جای او گمارده شد.

حسین عظیم الشأن اظهار نموده این هویدای ... که مارکدار انگلیس و دست نشانده آنها است باید طبق دستور اربابان خود عمل کند در غیر این صورت نابودش می کنند.

از اوایل سال ۱۳۵۲ به بعد رهبران و اعضای حزب پان ایرانیست به شدت از طرح مباحث و مسائلی که شائبه انتقاد از شاه و حاکمیت پهلوی را به اذهان متبادر کند، پرهیز می کردند.

اما با افسوس و عصبانیت زمانی را آرزو می کردند که دولت هویدا برکنار و به حکومت مسلط حزب ایران نوین در اقصی نقاط کشور پایان داده شود. از جمله در جریان کنفرانس حزب در آبادان و در پانزدهم خرداد ماه ۱۳۵۳:

عبدالرحمن باوندپوری نژاد قبل از قرائت سرمقاله نوشته آقای محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست از شماره ۷۵۴ روزنامه

خاک و خون (انقلابی در کردار نه در گفتار) اظهار داشت که حزب ایران نوین که از عده ای چپاولگر تشکیل شده در مدت ده سال چه کار مفیدی برای مملکت و ملت انجام داده اند جز اینکه باعث گرانی و ناراحتی در مملکت شده اند. ما می گوییم هر چه زودتر میدان را خالی کنید و بگذارید که اشخاصی مفید و کاردان و فعال در رأس کار قرار گیرند.

۳- عبدالکاظم علی نژاد رابط حزب پان ایرانیست آبادان اظهار داشت حزب حاکم از فئودال های مجلس تشکیل شده و حکومت تک حزبی را در این مملکت رواج دادند و آنها معنی صحیح انقلاب را نمی دانند و اگر هم بدانند چون بعضی از مفاد انقلاب به ضرر آنهاست انجام نمی دهند. مثلاً درباره آموزش رایگان موضوع آموزش طبقاتی که هم خلاف خواسته مردم و هم خلاف دین اسلام است. اگر شما می خواهید رشته هنر در مدارس باشد چرا در همه مدارس نمی گذارند و چنانچه زبان خارجی در مدارس ابتدائی لازم است چرا در کلیه مدارس ابتدایی یکسان نباشد، این عمل حزب حاکم اختلاف طبقاتی آموزشی به وجود می آورد.

۴- یکی دیگر از اعضا به نام محمدعلی

عوض پشتکوهی اظهار نموده با توجه به اینکه رهبر انقلاب

فرمان تحصیل و بهداشت رایگان را برای همه صادر فرموده اند متأسفانه هنوز در ادارات تبعیضات و رشوه خواری و پارتی بازی برقرار است و خوشبختانه رهبر انقلاب

با هوشیاری و توجه کامل افراد خاطی را از کار برکنار می فرمایند.(۱)

نیز در جریان یک گردهمایی دیگر در گیلان مسئول حزب پان ایرانیست در آن استان همزمان از شاه دفاع و از دولت و حزب ایران نوین انتقاد کرده و گفته بود:

حزب حاکم در طول یازده سال حکومت خود نخواسته یا نتوانسته به اصول انقلاب تحقق ببخشد و آن را در سطوح جامعه ایرانی پیاده کند. اگر از گردانندگان حزب ایران نوین بپرسند که این قصور شما چه جهت دارد؟ چه دلیلی می توانند در پیشگاه ملت ایران ارائه بدهند؟ ملت ایران به هیچ وجه این خیانت آشکار را نخواهد بخشید. در پایان یادآور شدند که فرمان های رهبری مملکت همه متضمن سعادت است، مخصوصاً دستورهای اخیری که در زمینه آموزش و پرورش رایگان و بهداشت رایگان صادر فرمودند اما مسئولین قصور می کنند و به عناوین مختلف مانع اجرای

این دستورات زندگی ساز می شوند.(۲)

در بیست و هشتم تیر ماه ۱۳۵۳ هم ساواک درباره حملات شدیداللحن شخصی به نام کرمانی مسئول تشکیلات حزب پان ایرانیست در خوزستان، به دولت و حزب ایران نوین چنین گزارش کرده بود:

کرمانی شروع به سخنرانی نمود و به شدت حزب اکثریت و دولت وابسته به حزب را مورد انتقاد قرار داد. نامبرده دولت حزب اکثریت را متهم کرد که در مدت ده سال با همه امکانات نتوانست برنامه های انقلابی را به مرحله اجرا بگذارد و از لحاظ بهداشتی، کشاورزی، اقتصاد و تأمین ارزاق عمومی با شکست و ناکامی مواجه شده و بهتر است دولت حزب حاکم [به فکر] گوشت، نان، برنج، سیمان و سایر احتیاجات مردم [باشد که] به سرعت گران تر می شود و همچنین گفت مبلغ ۳۲ میلیون تومان اعتبار راه ایذه به دهدز را به کلی از بین بردند و حتی دو کیلومتر راه سالم تحویل مردم ندادند، با اینکه شاهنشاه آریامهر درباره رایگان نمودن دوران تحصیل ابتدایی تا آخر راهنمایی و بهداشت اوامری صادر فرموده اند ولی دولت نتوانست آن را اجرا کند. نامبرده که سخت ناراحت و احساساتی

شده بود گفت جمعیت ۲۰۰ نفری ایذه حتی یک بیمارستان ندارند و امسال هم



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

که کشاورزی کشاورزان از بین رفته دولت چه کرده و چطور انتظار دارد کشاورزان ایـذه گنـدم به دست آورنـد و سال آینـده سطح کشت آنها کمتر می شود. خوب بود کشاورزان بیمه می شدند که در موقع چنین پیش آمدها کمکی به آنها می کردند. در این موقع که همه امکانات را شاهنشاه آریامهر در اختیار دولت گذاشته و از فروش نفت مبلغ زیادی به خزانه مملکت اضافه شـده دولت نتوانست از آن اسـتفاده نمایـد. اگر زمانی این رهبر بزرگ را از دست دادیم چه باید کرد؟ دولت مقداری گندم و گوشت یخ زده از خارج خریداری نموده البته برای اینکه دزدی نماید، البته زبانم لال اگر دروغ گفته باشم و اگر راست باشـد چه عرض کنم. در خاتمه افزود شاهنشاه درباره رفاه و آسایش ملت ایران به دولت دسـتور می دهنـد ولی مأمورین دولت مانند گربه به زمین افتاده و توجه نمی کنند.(۱)

رهبران درجه اول حزب و از جمله پزشـکپور توأم با انتقاد از دولت هویـدا بلافاصـله تصـریح می کردند که «هر چه می بینید و پیشـرفت هایی که در مملکت انجام شده فقط ناشـی از احساسات ملت دوستی و علاقه مندی شخص شاهنشاه بوده» است و نیز در جای

دیگر یکی از مسئولان حزب پان ایرانیست از دولت هویدا و حزب ایران نوین انتقاد کرده بود که:

حزب حاکم در این مـدت هیـچ گونه فعالیت مثبتی برای ملت انجام نـداده. ما قبول داریم در این مملکت کارهایی انجام شـده ولی حزب حـاکم حق نـدارد آنهـا را به حسـاب خودش بگـذارد زیرا بـا توجه به آرمـان های رهبر انقلاب و افکار روشن ملت ایران باید چنین اقداماتی صورت می گرفت. ما حزب به اصطلاح پاسدار انقلاب را که از تمام امکانات این مملکت برخوردار بوده انقلابی نمی دانیم چون کاری انجام نداده.(۲)

محسن پزشـکپور هم یک بار در جریان میتینگ حزب پان ایرانیست در شوش (در تاریخ بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۵۲) انتقاد شدیـد از دولت هویـدا و حزب ایران نوین را با تمجید و تحسـین از شـخص شاه و پیروی بدون چون و چرای خود و حزبش از رژیم پهلوی همراه ساخت:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ما همچنان تلاش خود را در صحنه مبارزات حزبی برای ایجاد محیط سالم حزبی ادامه خواهیم داد زیرا ما سربازان رژیم شاهنشاهی ایران هستیم و برای همین منظور است که رسالت خود را بازیافته ایم و به هر کجا که می رویم از اصول ترقی طلب انقلاب شاه و ملت سخن می گوییم. متأسفانه

امروز شنیدیم که عوامل حزب حاکم ماهیت خود را نشان داده اند. به اعتقاد من این تلاش آخرین تلاش بازماندگان مدافعین رژیم قدرت یکپارچه بر توده های مردم است زیرا خواست رهبری ملت ایران چیزی سوای این نکات است. ما می خواهیم که هماهنگ با دیگر شاخه های رشد مملکت در خصوص آگاهی و بینش مردم نیز رشد کرده باشیم و یقین دارم که اگر حزب پان ایرانیست در انتخابات این منطقه شرکت نماید به طور قطع برنده خواهد بود زیرا حزب ما از پشتیبانی گروه های مختلف مردم برخوردار است و ما آنچنان محیطی نیاز داریم که بتوانیم آزادانه از افکار خود سخن بگوییم و اجراکنندگان نظریات شخص اول مملکت باشیم.(۱)

این شیوه کج دار و مریز حزب پان ایرانیست در قبال دولت و حاکمیت تا واپسین روزهای سال **۱۳۵۳** تداوم یافت.

### ب. نقش ساواک

رهبران پان ایرانیست به این باور رسیده بودند که رژیم پهلوی همان نظام سیاسی مطلوب و دلخواه آنان است که می توانند رؤیاهای سیاسی و میهنی خود را در راستای تداوم و تحکیم موقعیت آن محقق ببینند و این موضوع را بارها و بارها در سخنرانی ها، مصاحبه ها و دیگر اظهارات خود تصریح کرده بودند. دستگاه رهبری حزب از حاکمیت گله مند بود که

اجازه نمی دهد به وظایف خطیر خود در قبال دفاع از رژیم پهلوی در برابر مخالفان سیاسی در بخش های مختلف کشور نظیر دانشگاه ها، دبیرستان ها و غیره بپردازد و این باعث شده تا مخالفان با فراغ بال بیشتری در برابر حکومت موضع بگیرند. رهبری حزب پان ایرانیست وعده می داد اگر فرصت و امکان فعالیت بیشتری برای این حزب ایجاد شود و دستگاه های اطلاعاتی و مهمتر از همه ساواک مانع از فعالیت های دامنه دار و هدفمند آنان نشوند، در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

زمانی بسیار کوتاه حضور و نفوذ مخالفان حکومت را در میان دانش آموزان، دانشگاهیان و دیگر اقشار مردم کشور به حداقل خواهند رساند و چه بسا برای حکومت حامیان وفادار فراوانی دست و پا خواهند کرد! این معنی در خلال نامه ای که پزشکپور در اوایل فروردین ماه ۱۳۵۰ و به شرح زیر برای دفتر ویژه اطلاعات ارسال می کند تا در اختیار شخص شاه قرار گیرد، آشکارا به چشم می خورد:

۱- به طوری که به خوبی مشهود است در حال حاضر در اجتماع و به خصوص در بین جوانان و روشنفکران کشور ما طرز فکرهایی به وجود آمده که علاوه بر اینکه مشکلات کنونی را به وجود آورده، اعلام خطری است برای آینده مملکت.

گزارشاتی که ما داریم حکایت از این می کند که در دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز یک نوع طرز فکر تجزیه طلبانه بین دانشجویان آذربایجانی — کُرد و در مواردی هم بلوچ احساس می شود. مثلاً در دانشگاه تبریز از دانشجویان آذربایجانی کمتر به حزب پان ایرانیست می گروند. اینها مسائلی است که حتماً باید به رهبر مملکت گزارش شود مسلماً دولت هم این مسائل را درک کرده منتها چون مسئولیت

دارد نمی خواهد به عرض برساند ولی ما با علاقه ای که به کشور و به رژیم کشورمان داریم این حقایق را که احساس می کنیم باید به عرض برسانیم.

به خاطر داریم که پس از انقلاب شاه و مردم همه مخالفان حتی مارکسیست لنینیست ها ناچار به سکوت شدند ولی اکنون پس از گذشت ده سال یک روحیه معکوس پیدا شده به خصوص در بین روشنفکران که آن طور که ما برخورد کردیم اساسی ترین و پرمخاطره ترین مسئله است برای آینده و آن هم آینده نزدیک. مقابله با این مخاطره تنها با یک اقدام تبلیغات سطحی امکان ندارد باید در این باره یک بررسی بنیادی و ژرف انجام شود.

گزارشات خارج از کشور وضع سخت تری را نشان می دهد. باید با توجه به روح انقلاب که ده سال پیش جامعه متشتت و مأیوس و از هم گسیخته مردم را امیدوار کرد این مسئله خیلی اساسی مورد بررسی قرار گیرد که چرا با همه امکانات وسیعی که از لحاظ امنیتی، مالی، سیاست اطمینان بخش خارجی و غیره فراهم بوده الآن با چنین نتایجی رو به رو هستیم.

در مصر دانشجویان به پا می خیزند و جنگ قاطع می خواهند و در این جا اسلحه

می گیرند خود را به کشتن می دهند به خاطر حمایت از برنامه های بعث عراق، چرا؟ این دانشجو

ازکجا آمده است. این مسئله ای است که باید بررسی شود آیا ما بنیاد تاریخی محکم تر، فرهنگ عمیق تر، اصول انقلاب روشن تر، رسالت تاریخی و امکانات مالی بیشتر نداریم؟ پس چرا؟ اگر پاسخ صحیح پیدا نکنیم جامعه ما مواجه با خطرات سخت تر و قطعی تری خواهد شد.

۲- حزب پان ایرانیست که از بدو تأسیس در جهت مبارزه با بیگانگان و در راه ناسیونالیسم ایران نقش فعال و آکتیوی داشته. سال ها با برخورداری از امکانات محدود کار خود را می کرد و در داخل و خارج از کشور مبارزه را دنبال می نمود، روزنامه خاک و خون حزب ما در بسیاری از نقاط دنیا منجمله کشورهای همجوار پخش می شد و همین امر موجب می شد که گروه های وسیع تری را جلب کنیم و کوشندگان حزبی به عنوان یک تشکیلات قانونی کارشان را دنبال کنند. در واقع تشکیلات پان ایرانیست به صورت تنها شبکه اطمینان بخش و مؤثر علیه افکار خائنانه بود. امروز تشکیلات پان ایرانیست در وضع نامشخصی قرار دارد که این وضع نامشخص از نظر کادر رهبری و افراد مشکلات به

وجود آورده است. مثلاً ـ در مورد مسئله سه جزیره وسیع ترین تظاهرات را پان ایرانیست ها انجام دادند و برای اولین بار در دانشگاه ترتیب تظاهراتی را به همین مناسبت داد که بی سابقه بود و چون در این مورد ترتیب یک مصاحبه مطبوعاتی، رادیو و تلویزیونی گذاشته شد جلوی پخش این مصاحبه را گرفتند و به روزنامه ها هم دستور دادند مصاحبه را چاپ نکنند، باز به همین ترتیب در مورد رانده شدگان دستور داده شد روزنامه ها اعلامیه حزب ما را چاپ نکنند.

ما غالباً با اعتراضات سخت افراد حزبی روبه رو هستیم. به ما می گویند یعنی چه، اگر حزب ملی و قانونی هستیم این چه نوع رفتاری است که با ما می شود و تا کی ادامه دارد؟ به ما جسته و گریخته گفته می شود پس شما عوامل خاص دستگاه دولت هستید، اگر این طور نیست چرا عکس العمل نشان نمی دهید، چرا دائم ما را به بردباری دعوت می کنید.

۳- روزنامه خاک و خون ناشر افکار حزب ما هنوز توقیف است، وقتی آقای سام وزیر اطلاعات بود به من گفت که می خواهد موضوع را حل کند و از من خواست مجدداً تقاضای امتیاز برای خاک و خون کنم. به او گفتم

این کار را اگر من بکنم یعنی لغو امتیاز را قبول دارم که واقعاً این طور نبوده و در مورد عدم اجازه انتشار خاک و خون کار خلاف قانون

انجام شده است. به ایشان پیشنهاد کردم فرمول دیگری را بررسی کنند که قرار شد تا یک هفته نتیجه را به من بگویند که متأسفانه اکنون که شش هفت ماه گذشته هیچ خبری از وزارت اطلاعات به حزب داده نشده است.

۴- چندی قبل از طرف ساواک به نزد من آمدند و گفتند در دبیرستان ها حزب پان ایرانیست فعالیتی نکند. من گفتم پس لابد انتظار دارید مسلسل به دست ها در دبیرستان ها فعالیت داشته باشند. چرا نباید اندیشه سربلندی ایران، آزادی ایران، بزرگی ایران در دبیرستان ها توسعه یابد.

۵- در برنامه اجرای تظاهرات روز سه شنبه ۱۰/۱۲ از حزب پان ایرانیست دعوت نشد. معلوم نیست چرا؟ مسلماً اگر ما دعوت شده بودیم قطعنامه چنین نبود و با نظرات عمیق تری مطرح می شد. ما به جای اینکه از حزب بعث عراق که یک بازیچه بیش نیست یک غول بسازیم در قطعنامه اشاره می کردیم که حکومت بعثی عراق از لحاظ نژادی و مذهبی وابسته به اکثریت مردم عراق نیست

و از نظر حقوق بین الملل یک حکومت تلقی نمی شود.(۱)

ساواک نگران بود که دانشجویان مخالف حکومت بخواهند در پوشش هواداری از حزب پا ن ایرانیست مشکلات پیش بینی ناشده ای را متوجه حاکمیت سازند. ساواک در این باره در یازدهم مرداد ماه ۱۳۵۰ گزارش کرده بود:

حزب مذکور در میان دانش آموزان و دانشجویان نفوذ خاصی دارد و با توجه به اینکه حزب اکنون در مسیر دیگری قرار گرفته و مورد بغض و عناد دولت نیز هست لذا افراد چپی روز به روز به این پناهگاه هجوم آورده و در لباس حزب پان ایرانیست به نشر افکار و عقاید خود می پردازند و محیط مساعدی برای رشد و نمو خود یافته اند. همچنین در استنتاج از قرائن می توان به جرأت اظهار داشت که در جریان اخیر دانشگاه پان ایرانیست ها رُل مؤثری داشته اند زیرا آنها از هر اقدامی که منتج به ناراحتی دولت و عدم رضایت ملت از دولت باشد فروگذار نیستند و پیوسته سعی دارند ضعف و اشتباهات دولت را اگراندیسمان نمایند. علیهذا با توجه به جلسات و کنفرانس ها و نشست های اعضای این حزب نفوذ در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آنها و کنترل مداوم و مستعمر [مستمر] اعضای آن ضروری

به نظر رسیده و اصلح است از هرگونه نضج این حزب جلوگیری به عمل آید.(۱)

ساواک در جریان تقریباً تمام و کمال مذاکرات و جلسات محرمانه رهبری حزب در تهران و دیگر شهرهای کشور قرار داشت و حتی بسیاری از صحبت ها و گفت وگوهای دو نفره و درِ گوشی رهبران و کارگردانان و چه بسا اعضای عادی حزب هم از نگاه خبرچینان ساواک دور و پنهان نمی ماند. گسترش فعالیت های چریکی و مسلحانه از سوی مخالفان سیاسی حکومت در اقصی نقاط کشور از جمله دلایلی بود که در این برهه ساواک را به سوی مراقبت بیشتر و دقیق تر از مجموعه رفتار و عملکرد اعضای خرد و کلان حزب پان ایرانیست سوق می داد. شواهد نشان می داد برخی اعضای مؤثرتر حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف ملاقات های محفوظ و تقریباً منظم و دائمی با ساواک داشتند. از جمله در گزارشی از ساواک که تاریخ دوازدهم آبان ماه ۱۳۵۰ را بر پیشانی دارد، در این باره چنین می خوانیم:

موضوع: محمدحسین آدمیت

در ملاقاتی که بین نامبرده بالا ـ و یامین یامین پور (کارمند کشاورزی از اعضای حزب پان ایرانیست دزفول بوده و اخیراً به شهرستان سوسنگرد منتقل گردیده) روی داده آدمیت به یامین یامین پور گفته اگر چنانچه از طرف ساواک دشت میشان احضار گردیده [و] در مورد احزاب از شما سؤال بشود اگر واقعاً اراده و شهامت داشته باشید صریحاً جواب بدهید که عضو حزب پان ایرانیست هستید و اگر در مورد فعالیت های حزبی خواستند با این جمله

(بنا به دستور رهبر حزب فعلاً فعالیتی نداریم) به توضیحات خود خاتمه می دهید و اضافه نمود که من تاکنون چندین مرتبه از طرف ساواک احضار شده ام و شدیداً تحت کنترل هستم و با وجود این در این جشن ها اکثراً با رئیس ساواک ملاقات می کنم.(۲)

رهبری حزب در تهران که واقف بود ساواک جاسوسان و خبرچینانی در پوشش های مختلف راهی حزب کرده است، گاه برای در امان ماندن از اعمال نفوذ و تأثیرگذاری های



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مستقیم و غیرمستقیم عوامل ساواک در امور و فعالیت های حزبی تمهیدات شبه امنیتی و محرمانه نه چندان موفقی به کار می بست. همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، از جمله این تمهیدات طرح تشکیل هسته های کوچک حزبی و محول ساختن وظایف و مأموریت های حزبی تبلیغاتی به اصطلاح محرمانه و پنهان از اطلاع دیگر اعضای محلی حزب به هر یک از آنان بود:

در ساعت ۳۰/۱۸ روز ۲/۹/۵۰ نیروی کارمندان حزب پان ایرانیست آبادان با شرکت منصور امینی، احمد قزلباش، رجبیان و شفیق نوبری، محمد کازرونی نژاد تشکیل جلسه داد. ابتدا منصور امینی اظهار داشت با چهار نفر چگونه می توان نیرو تشکیل داد؟ چرا همه افراد نیرو به موقع حاضر نمی شوند. بهتر است نیرو را با کلیه اعضا یک جا تشکیل دهیم. سپس احمد قزلباش که خود را سرپرست حزب می داند در جواب اظهار نمود این دستور تشکیلات مرکز

است که نیروها باید به طور جداگانه تشکیل گردد زیرا وظایفی که به اعضا محول می گردد محرمانه است [و] نباید اعضای دیگر از آن اطلاع داشته باشند و اضافه کرد فعالیت اعضاء حزب ماهیانه و به طور محرمانه به مرکز گزارش می گردد.

آنگاه منصور امینی پیشنهاد نمود چند نفر از اعضای برجسته حزب یک کمیته تحت عنوان (هیأت رئیسه حزب) تشکیل شود که کلیه فعالیت حزب توسط کمیته مزبور طرح اقدام گردد. محمد کازرونی نژاد در پاسخ امینی چنین بیان داشت دستوراتی که از مرکز می رسد فقط در اختیار مسئول حزب قرار می گیرد و ایشان نیز به فرد فرد اعضا مأموریت می دهد و کسی از آن نباید اطلاع داشته باشد. مثلاً در گذشته (ضمن اشاره به موضوع بحرین) اظهار نمود از مرکز دستور آمده بود به چهار نفر از اعضا مأموریت دهید تا در تمام نقاط آبادان روی دیوارها شعار بنویسند و به چهار نفر از اعضا مأموریت داده شد [که] یکی از آنها خود من بودم که دستگاه نتوانست ماها را دستگیر نماید در صورتی که اعضا از این موضوع مطلع بودند امکان داشت ضمن صحبت با یکدیگر به گوش مقامات امنیتی برسد. ضمناً گفته می شود رهبر حزب

پان ایرانیست محسن پزشکپور قریباً به آبادان، خرمشهر و اهواز مسافرت می نماید.(۱)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساواک هرگاه مصلحت ایجاب می کرد ولو به طور مقطعی و موردی در تقویت موقعیت و فعالیت حزب پان ایرانیست هم می کوشید. از جمله این موارد هنگام برگزاری مراسم و جشن های مورد عنایت شخص شاه و رژیم پهلوی در شهرهای مختلف بود که طی آن سخنرانان حزبی به تمجید و تحسین بسیار گزافه آمیزی از شاه می پرداختند و نیز زمانی که تصور می رفت حضور و فعالیت محسوس تر حزب پان ایرانیست احیاناً مانع از نفوذ و رسوخ مخالفان سیاسی در میان گروه ها و اقشار جامعه خواهد شد، در تقویت موقعیت آن می کوشیدند. چنانکه ساواک ساری در بیست و هشتم آذر ماه ۱۳۵۱ به مسئولان امر در اداره کل سوم پیشنهاد کرد:

دانشجویان دانشسرای راهنمایی تحصیلی ساری (مرکز تربیت معلم) از نظر تمایلات سیاسی توده بی شکل و بی تفاوتی هستند و احزاب ایران نوین و مردم هم جاذبه ای برای آنان ندارد و همین خود عاملی است که گاه گدار به دانشجویانی برخورد شود که تمایلات انحرافی دارند.

نظریه شنبه: اگر تشکیلات پان ایرانیست ها در ساری تقویت شود با توجه به نظرات جوان پسندی که ارائه می کند شاید بتوان جوانان را به آن سو هدایت نمود و آنان را به معلمانی که معتقد به مبانی و

اصول ملی و میهنی باشند بدل ساخت.(۱)

رهبران و مسئولان حزب پان ایرانیست در سخنرانی ها، مصاحبه ها و اظهار نظرهای مختلف خود از به کار بردن واژه ها و عبارت هایی نظیر رنجبران، توده، خلق و امثال اینها که اصطلاحات رایج برخی گروه های سیاسی مخالف حکومت بود پرهیز می کردند و این معنی آشکارا توسط ساواک به آنان تفهیم شده بود. ضمن اینکه سخت مراقبت می شد در نوشته ها، اعلامیه ها، روزنامه و نشریات و دیگر آثار و تولیدات مکتوب و نوشتاری حزب هم واژه هایی از آن دست به کار نرود و در همان حال در گفتار و نوشتار آنان تمجید و تحسین از شاه و دفاع از سیاست ها و عملکرد حاکمیت به وضوح مطرح گردد. برای نمونه در گزارش ساواک استان مازندران خطاب به اداره کل سوم آن سازمان، به این موارد اشارات صریح و جالبی شده است:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

درباره حزب پان ایرانیست تشکیلات رودسر

پیرو شماره ۱۱۹۴۶/۱–ه – ۱۳/۱۰/۵۱

برابر گزارش ساواک لاهیجان ایرج کریم پور مسئول حزب پان ایرانیست شهرستان رودسر طی نامه ای که در مورخه ۱۲/۱۰/۵۱ به ساواک مزبور تسلیم داشته اعلام نمود اکنون که ملت ایران با خروش بسیار به استقبال دهمین سالگرد رستاخیز ششم بهمن می شتابد حزب پان ایرانیست نیز با اعتقاد جازم به اصول انقلاب و با توجه به اعلامیه رهبر حزب، پان ایرانیست ها در سراسر ایران و خارج از کشور با برگزاری میتینگ های متعدد به تشریح اصول انقلاب تحول طلب ایران می پردازند و به همین علت

از طرف حزب پان ایرانیست تشکیلات رودسر در شش نقطه گیلان شرق میتینگ هایی برگزار خواهد شد. علیهذا ضمن تقدیم شش برگ اطلاعیه های تسلیمی از طرف نامبرده بالا به استحضار می رساند چون در سرلوحه اطلاعیه ها کلمه رنجبران قید شده بود ضمن ملاقات با یادشده به وی تأکید گردید در صورت پاک نمودن کلمه رنجبران می تواند اطلاعیه های مذکور را توزیع نماید و مضافاً به مشارالیه تذکر داده شد از این پس قبل از چاپ این گونه اعلامیه ساواک را در جریان قرار داده و در سخنرانی های خود نیز درباره پیشرفت های اخیر مملکت و تحولات ناشی از انقلاب شاه و مردم صحبت نماید.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان یکم – موحدی (۱)

همچنین زمانی که در دی ماه ۱۳۵۱ جزوه ای با عنوان «مفهوم مبارزه انقلابی» به قلم محمدرضا عاملی تهرانی، قائم مقام پزشکپور در رهبری حزب پان ایرانیست چاپ و منتشر شد، کارشناسان ساواک به دقت مطالب و عبارات آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دادند تا مبادا در لابه لای این نوشته که با استدلالی متظاهرانه و روشنفکرمآبانه می کوشید از موضع رژیم پهلوی در مقابل مخالفان سیاسی و دانشجویی آن دفاع کرده و تبلیغی هم به نفع حزب پان ایرانیست به عمل آورده باشد، ولو تلویحی و غیرمستقیم اصل

نظام شاهنشاهی پهلوی و شخص شاه مورد انتقاد قرار بگیرد.(۲)



---

۱– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲– بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

از جمله هشدارهای مکرر مأموران ساواک در شهرهای مختلف، درباره گستره و دامنه مخالفت ها و انتقادات رهبران و مسئولان حزب پان ایرانیست نسبت به دولت هویدا و دوایر دولتی در مقاطع گوناگون بود. چنانکه یک بار ساواک در نوزدهم آذر ماه ۱۳۵۳ نسبت به موضع گیری رضا طلایی، مسئول محلی حزب پان ایرانیست در بهبهان چنین هشدار داد:

مسئولان و اعضای اصلی و فعال حزب خصوصاً آقای طلایی افرادی خودخواه و متکبر و متعصب و بی اعتنا به قوانین و مقررات می باشند و نه تنها برای انجام برنامه های تبلیغاتی و حزبی و برقراری میتینگ و اجتماعاتی نظیر برنامه مذکور اطلاعی به مقامات ذیصلاحیت نمی دهند بلکه به نحوی سعی دارند سایر اعضا و وابستگان خود را به همین نحو تربیت نمایند و آنان را نسبت به مقامات انتظامی افرادی مشکوک بار آورند. ضمناً برابر تحقیقاتی که به عمل آمده چون آقای طلایی در سخنرانی خود در دودانگه ضمن انتقاد شدید از حزب اکثریت و دولت و نماینده حزب از بهبهان اظهار می کند اکثر گردانندگان این حزب توده ای های سابق بوده اند، عبداللهی هم که عضو حزب ایران نوین است ضمن انتقاد از حزب پان ایرانیست آنها را متهم به توده ای

بودن می نماید [و] می گوید حزب ایران نوین مجری اوامر شاهنشاه آریامهر و پاسدار انقلاب است و تاکنون قدم های مؤثری برای همه طبقات خصوصاً کشاورزان برداشته و اضافه می کند اهالی این ده عضو حزب شما نخواهند شد و طلایی که وضع را مساعد نمی بیند برنامه را قطع و با عبداللهی از در دوستی درمی آید و پس از صرف چای در منزل وی به بهبهان مراجعت می نماید. علیهذا با توجه به مراتب فوق و چگونگی سوابق تبلیغاتی این حزب که قبلاً تقدیم شده به نظر می رسد روش حزب مذکور صحیح نباشد و در صورت ادامه منجر به بروز اختلافات شدیدی بین این دو حزب بشود.

نظریه ه ۴۶: رویه و روشی که سرور طلایی مسئول حزب پان ایرانیست بهبهان در تبلیغات پیش گرفته به نظر شدید و مبالغه آمیز می رسد. بهتر است به نحو مقتضی به مشارالیه تذکری داده شود که در سخنرانی های خود رعایت موازین اخلاقی را بنماید.(۱)

ساواک در گزارش هشداردهنده دیگری درباره لزوم برخورد با این فرد چنین نوشته بود:

ص:۳۷۵

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نظریه یکشنبه: ضمن تأیید نظریه شنبه به استحضار می رساند با توجه به سوابق

فعالیت های حزبی و تبلیغاتی آقای طلایی روش یادشده که صرفاً اغفال مردم برای جلب آنان به حزب و ازدیاد عضو می باشد در طرح

مسائل و مطالب انتقادی صحیح به نظر نمی رسد و محققاً نتیجه مطلوبی جز بدبین نمودن افکار مردم نسبت به مسئولین مملکتی و آماده نمودن محیط نامناسب برای افراد فرصت طلب نخواهد داشت که اصلح است در این زمینه توجه خاصی مبذول گردد.(۱)

بدین ترتیب تا واپسین روزهای سال ۱۳۵۳ که مقارن با تأسیس حزب واحد و به اصطلاح فراگیر رستاخیز بود، دستگاه رهبری و کارگردانی این حزب تقریباً کلیه خطوط قرمز تعیین شده از سوی ساواک و حاکمیت را رعایت می کرد و از تکالیف و وظایفی که مقرر بود تحت نظارت و مراقبت ساواک به انجام رساند آگاهی بسنده ای داشت؛ و در مجالس، نشست ها و مراسم رسمی و آشکار هیچ گاه رهبران و کارگردانان حزب ولو غیرمستقیم و تلویحی در مخالفت با اصل رژیم پهلوی و شخص شاه سخنی بر زبان نمی آوردند. ساواک هم در مجموع از عملکرد حزب پان ایرانیست راضی بود.

## حزب ایرانیان

هر چند پان ایرانیست ها هیچ گاه درصدد برنیامدند گروه انشعابی فضل الله صدر را در قامت یک حزب سیاسی رقیب به رسمیت بشناسند اما تشکیل حزب بی مقدارتر ایرانیان و سپس حضور صدر در دوره بیست و سوم مجلس به عنوان تنها عضو فراکسیون ایرانیان، هویدا می خواست پان ایرانیست های پزشکپور را تحقیر کند.(۲) با این حال رهبران حزب

پان ایرانیست همواره وانمود می کردند که حزب ایرانیان در جایگاه حزب آنان تزلزلی ایجاد نکرده است:

ساعت ۴۵/۱۸ روز ۱۷/۹/۴۰ مصاحبه رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتی رهبر حزب پان ایرانیست در محل هتل ویکتوریا شروع گردید. ابتدا محسن پزشکپور درباره



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- مظفر شاهدی، پیشین، ص ۲۳۸. مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، صص ۲۸۰-۲۷۴.

سیاست های استعماری در خلیج فارس مطالبی بیان نمود و راه حل هایی ارائه داد و منشور حزب پان ایرانیست را پیرامون مسائل منطقه ای که یک نسخه آن به پیوست ایفاد می گردد قرائت نمود و سپس به حکومت عراق که زاییده سیاست های استعماری می باشد سخت حمله نمود و تجاوزهای آنها را به حقوق ایرانیان محکوم کرد و به سؤالات خبرنگار روزنامه اطلاعات پاسخی به شرح زیر بیان داشت:

سؤال شد: چرا حزب پان ایرانیست در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت نداشت، آیا عدم شرکت حزب به علت نداشتن حوزه های انتخابی بود.

پزشکپور اظهار داشت: به علت تجاوز دولت کنونی و توقیف غیرقانونی خاک و خون و دخالت مستقیم حزب و دولت ایران نوین در انتخابات، با داشتن پیروزی در هفتاد حوزه از شرکت در انتخابات خودداری نمودیم. امیدوارم در انتخابات آینده با

موفقیت چشم گیری شرکت داشته باشیم.

سؤال شد: اکثر روزنامه ها می نویسند حزب ایرانیان با داشتن یک نفر نماینده جای اقلیت دوره قبل را پر نموده است. پزشکپور اظهار داشت: به نظر من حزب ایرانیان وجود ندارد و آنچه ممکن است باشد مؤسسه ای به نام ایرانیان...

سؤال شد: انشعاب که به وسیله دکتر صدر در حزب پان ایرانیست ایجاد گردید آیا باعث عقب ماندگی حزب نگردید. پزشکپور اظهار داشت انشعابی در حزب پان ایرانیست رخ نداد بلکه یکی از افراد حزب که در گروه پارلمانی نیز بود از طرف حزب اخراج گردید.(۱)

مسئولان و دست اندرکاران حزب می کوشیدند به ویژه در شهرهایی که تصور می کردند موقعیت مناسب تری دارند به هر نحو ممکن مانع از استقرار دفاتر و پایگاه های حزب ایرانیان شوند. ساواک در این باره گزارش هشداردهنده ای دارد:

رونوشت گزارش خبر شماره ۱۵۰۸۰/ه – ۲۷/۹/۵۰ منبع ۴۳۶۰

موضوع: مخالفت گردانندگان حزب پان ایرانیست خرمشهر با فعالیت حزب ایرانیان در این شهرستان.

روز ۲۳/۹/[۱۳۵۰] چند نفر از گردانندگان حزب پان ایرانیست خرمشهر به اسامی رحیم

ص:۳۷۷

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

گله داری، علی خرم، پرویز ساسان نیا و جامعی زاده در محل تجارتخانه حمید سالمی با یکدیگر ملاقات و گله داری اظهار داشته اخیراً شخصی به نام ثقه الاسلامی کارمند اداره آموزش و پرورش آبادان به خرمشهر منتقل و فعلاً رئیس دبیرستان دکتر هشترودی می باشد. گله داری اضافه نموده ثقه الاسلامی به وسیله شخص دیگری به نام نظری که در گذشته عضو حزب پان ایرانیست بوده و چندی است که مسئول تشکیلات حزب ایرانیان در خوزستان گردیده و در اهواز اقامت دارد حمایت می شود. در این ملاقات گله داری به پرویز ساسان نیا مأموریت داده که ضمن مراجعه به ثقه الاسلامی به او تذکر دهد چنانچه بخواهد به نفع حزب ایرانیان در خرمشهر فعالیت نماید با عکس العمل شدید اعضای حزب پان ایرانیست مواجه و موجبات ناراحتی خودش را فراهم خواهد کرد زیرا افراد موصوف به هر قیمتی که باشد نخواهند گذاشت حزب ایرانیان در خرمشهر گسترش یابد. گله داری به ساسان نیا گفته است ضمن مراجعه به ثقه الاسلامی به عنوان همکار فرهنگی به طور دوستانه موضوع را مطرح کرده و در صورتی که لازم باشد او را در این مورد تهدید نماید و چون ساسان نیا

اظهار داشته ممکن است ثقه الاسلامی در این زمینه شکایت کند گله داری به مشارالیه تذکر داده است که به عنوان مأموریت حزبی بایستی نسبت به انجام این کار مبادرت نماید.

نظریه شنبه – دکتر صدر رهبر حزب ایرانیان قبلاً معاون محسن پزشکپور بوده و چون از سیاست دولت درباره بحرین پشتیبانی کرده و این مورد خلاف سیاست حزب پان ایرانیست بوده، در نتیجه از حزب مذکور اخراج گردیده است و به این لحاظ گردانندگان حزب پان ایرانیست با دکتر صدر و حزب ایرانیان شدیداً مخالف و در صورتی که شخصی بخواهد جهت تأسیس و یا به نفع حزب ایرانیان در خرمشهر اقداماتی را انجام دهد با عکس العمل شدید پان ایرانیست های این شهرستان مواجه خواهد شد. ضمناً با توجه به اینکه به احتمال قوی ثقهالاسلامی مأمور فعالیت به نفع حزب ایرانیان در خرمشهر می باشد و در این زمینه مورد حمایت نظری مسئول تشکیلات این حزب در اهواز می باشد به نظر می رسد به محض شروع فعالیت های خود مورد تهدید پان ایرانیست های متعصب قرار گیرد.

نظریه یکشنبه – مفاد گزارش خبر صحیح بوده و به نظر می رسد موضوع به زودی با

ص:۳۷۸

ثقه الاسلامی مطرح گردد. ضمناً به طوری که استنباط می شود علت مخالفت گردانندگان حزب پان ایرانیست با گردانندگان حزب ایرانیان ریشه عمیق دارد و در آینده انتظار درگیری هایی بین آنها می رود.

نظریه دوشنبه – به احتمال قوی صحت خبر مورد تأیید است و مسئله حساس این است که هر دو حزب دست راستی بوده و باید در جهت منافع ملت گام بردارند و هر نوع تضادی بین آنها در وضع فعلی به مصلحت نمی باشد.(۱)

رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست نمی توانستند پنهان کنند که نگران گسترش فعالیت های آن هستند. گاه افرادی شناخته نشده خبر (البته به دروغ) می دادند که در محل برگزاری جلسات حزب ایرانیان بمب گذاری شده است تا موجبات رعب و وحشت اعضای این حزب را فراهم آورند. اخبار و شایعاتی از این دست از آن رو باورپذیرتر می شد که در آن برهه میان حکومت با گروه های چریکی و مسلح مخالف زد و خوردهای گاه و بی گاهی در جریان بود و در مواردی هم مخالفان در مراکز دولتی یا محافل و مراکز نزدیک به حکومت بمب گذاری می کردند؛ چنانکه ساواک خوزستان در این باره گزارش کرده بود:

آقای دکتر صدر ساعت ۰۰/۱۸ روز ۹/۳/۵۱ در محل حزب در اهواز پیرامون مسائل حزبی و برنامه های آن مطالبی ایراد و مقارن ساعت ۳۰/۱۹ روز ۹/۳/۵۱ شخص ناشناسی تلفنی به پلیس اعلام داد که در محل حزب مزبور بمبی کار گذاشته شده که

بلافاصله توسط مأمورین انتظامی و ساواک اهواز محل حزب تخلیه در بازرسی معموله بمب یا شیئی مشکوک مشاهده نشده و بعید نیست با توجه به انشعاب یاد شده از طرف حزب پان ایرانیست تلفن مزبور از طرف افراد این حزب شده باشد – خاوری.(۲)

البته به رغم حمایت های هویدا نه حزب ایرانیان صدر توانست شأن و موقعیتی برای خود دست و پا کند و نه رقابت ها، کارشکنی ها و مخالفت های حزب پان ایرانیست عامل ضعف و عجز حزب ایرانیان بود.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

## انتخابات انجمن های شهر؛ کنگره آموزشی

### الف. انتخابات انجمن های شهر

به دنبال واقعه بحرین تمامی نمایندگان حزب پان ایرانیست در انجمن های شهرهای مختلف کشور تقریباً به سرعت از انجمن ها برکنار شدند و در یکی دو شهر که اکثریت نمایندگان انجمن را اعضای حزب پان ایرانیست تشکیل می دادند، به طور کلی انجمن شهر منحل شد. دور دوم انتخابات انجمن های شهر، پس از چهار سال مقرر بود در تابستان سال ۱۳۵۱ برگزار شود. پان ایرانیست ها هم که به تازگی بحران پیشین را از سر گذرانده بودند و در فعالیت هایشان گشایش نسبی ایجاد شده بود، تردید داشتند که آیا در انتخابات انجمن های شهر شرکت کنند یا با تحریم انتخابات برای خود وجهه ای کسب نمایند. با این حال از اوایل اردیبهشت، مسئولان حزب در تهران و سایر شهرهای کشور به اعضای حزب برای حضور احتمالی در عرصه انتخابات آماده باش داده بودند و حتی ترکیب و اسامی کسانی که احتمالاً می توانستند در جایگاه کاندیداهای حزب برای حضور در انتخابات قرار گیرند، تا حد زیادی مشخص شده بود. پان ایرانیست ها حتی آماده می شدند به مناسبت فرارسیدن موعد انتخابات انجمن های شهر در نقاط مختلف کشور کنفرانس،

میتینگ و جلسات حزبی و تبلیغاتی برگزار کنند. از جمله ساواک خوزستان در شانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ در این باره گزارش کرده بود:

حافظ کهوائی سپس درباره شرکت حزب پان ایرانیست در انتخابات انجمن شهر در آینده اظهار داشت کلیه اعضای حزب باید از هم اکنون مردم را تا وصول دستور از مرکز برای شرکت در کنفرانس و میتینگ خیابانی حزب آماده نمایند و امکان دارد چند نوبت تظاهراتی نیز ایجاد بکنیم و چنانچه دستگاه مخالفت کند به صورت اعلامیه شبانه به دیوار می چسبانیم. آنگاه به محمدعلی عوض پشتکوهی که نماینده کارگران در یکی از سندیکاها می باشد مأموریت داد لیست و بیوگرافی کاندیداهای حزب مردم و حزب ایران نوین را تهیه تا در موقع لزوم فرد فرد آنان به مردم آبادان معرفی شوند. ضمناً قرار است در آینده نزدیک با شرکت مسئولین تشکیلات حزب شهرستان ها در تهران جلسه ای تشکیل گردد.(۱)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساواک خوزستان چند روز بعد و در گزارش مشابه دیگری ضمن اشاره به نگرانی و تردید پان ایرانیست ها برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات انجمن های شهر درباره واکنش های مختلفی که احتمال می رفت دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست و اعضای آن در شهرهای مختلف نسبت به این انتخابات نشان دهند، چنین نوشته بود:

نیروی کارمندان و کارگران با شرکت تعدادی از اعضا، منجمله محمد کازرونی نژاد، محمدعلی عوض پشتکوهی، محمد فتاحی مقدم، کیومرث عوض پشتکوهی، رضا فرحناک، پرویز شفیق نوبری، داریوش امین پور، محمد ذوالقدر (فولادوند)، علیرضا عریضی، بهرام خسرویان و با سرپرستی حافظ کهوائی در ساعت ۳۰/۱۸ روز ۱۸/۲/۵۱ تشکیل جلسه داد. کهوائی ابتدا از اعضا سؤال نمود که در مورد انتخابات انجمن شهر اطلاعاتی کسب نموده اید؟ دو نفر از اعضا به نام محمد فتاحی مقدم و محمدعلی عوض پشتکوهی اظهار داشتند در این مورد در محیط کار با همکاران خود صحبت کرده ایم. سپس رضا فرحناک از کهوائی سؤال نمود چنانچه حزب پان ایرانیست در انتخابات انجمن شهر شرکت نماید تبلیغات از هر لحاظ آزاد است؟ کهوائی در جواب بیان داشت هنوز معلوم نیست دستگاه های امنیتی با ما چگونه رفتار نمایند در صورتی که شرکت حزب پان ایرانیست مسلم شود و اجازه تبلیغات آزاد ندهند ما باید دست به هرکاری که لازم تشخیص داده شود بزنیم.

آنگاه محمد کازرونی نژاد اظهار داشت اگر چنین باشد ممکن است به پخش شب نامه و

دیوارنویسی اقدام نماییم. کهوائی در جواب او گفت نمی توانیم از حالا چنین تصمیمی بگیریم. اگر لازم باشد انجام خواهیم داد و چه بسا که برخلاف اصول و رویه حزب پان ایرانیسم که همیشه با تخریب مخالف است به تخریب نیز دست بزنیم. البته باید منتظر وصول دستور از مرکز باشیم. کهوائی اضافه کرد تمام افراد به مطالعه درباره کاندیداهای حزب ایران نوین و حزب مردم بپردازند و گوش مردم آبادان را برای شرکت حزب پان ایرانیست در انتخابات پر کنند. جلسه در ساعت ۲۵/۲۱ پایان یافت.(۱)

در حالی که امید کمی می رفت دولت هویدا اجازه بدهد کاندیداهای حزب پان ایرانیست



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

راهی به سوی انجمن های شهر بگشایند، برخی مسئولان و اعضای حزب اصرار می کردند ولو به هدف تخریب موقعیت حزب ایران نوین و دولت هویدا در جریان رقابت های انتخاباتی، ضرورتاً باید در انتخابات انجمن ها شرکت کرد.

با این حال در نهایت امر رهبری حزب پان ایرانیست با توجه به فضای سیاسی حاکم بر کشور و اینکه دولت هویدا اجازه نخواهد داد کاندیداهای حزب پان ایرانیست حتی در محیطی آرام، تبلیغات سیاسی و حزبی کنند، از شرکت در انتخابات کناره گرفت. بالاخص اینکه هنوز روزنامه خاک و خون توقیف بود و رهبری این حزب هیچ رسانه و نشریه تبلیغاتی قابل اعتنایی در اختیار نداشت.

این معنی به عیان در گزارش زیر دیده می شود:

در مورخه ۱۲/۷/۵۱ در محل حزب جلسه ای

تشکیل و چند نفر از اعضا حضور داشتند. از مهندس کرمانی سؤال شد که چرا از حزب پان ایرانیست کسی در انتخابات شرکت نکرد. پاسخ دادند روزنامه آزاد نیست و ما از دولت آزادی روزنامه و انتخابات را خواستیم ولی به خواسته های ما توجه نکردند، همه می بینیم که شناسنامه های مردم را شهرداری از کسبه و کارگر و غیره می گیرد و خودشان رأی صادر می کنند، حالا شما قضاوت کنید. با این وضع انتخابات، طبیعی است که ما شرکت نخواهیم کرد. ما در انتخاباتی شرکت خواهیم کرد که رأی طبیعی مردم را داشته باشیم. سپس یکی از حاضرین راجع به حزب مردم سؤال کرد. آقای کرمانی پاسخ داد حزب مردم هم یک شعبه از ایران نوین است که خودتان می بینید گاهی فلان رجل از صندوق حزب مردم بیرون می آید و گاهی از صندوق حزب ایران نوین. با این ترتیب فرقی بین این دو حزب نیست. سپس دیگری سؤال کرد نقش شما در انتخابات چیست کرمانی پاسخ داد نقش ما این است که افرادی روشن مثل شماها را به حزب بپیوندیم و فعالیتمان را زیاد کنیم تا بهره برداری کنیم و اضافه نمود دستوری از رهبر حزب رسیده که افراد حزب با

تمام گروه های سیاسی مملکت تماس بگیرند و اصول سیاسی سوسیالیست بر بنیاد ناسیونالیسم را برای آنها تشریح کنید و آنها را به حزب معرفی کنید.(۱)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

## ب. کنگره آموزشی

از اوایل مرداد ماه ۱۳۵۱ جسته و گریخته خبر می رسید، رهبری حزب پان ایرانیست بر آن شده است طی یکی دو ماه آینده سمینار یا کنگره ای آموزشی و با شرکت همه مسئولان حزبی (مسئولین تشکیلات حزب در تهران و سایر شهرهای کشور) در تهران برگزار کند. در روز سوم مرداد ماه ۱۳۵۱ پزشکپور اعلام کرد، این کنگره آموزشی روز پانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۱ و با شرکت افرادی از اعضای حزب در تهران و شهرستان ها تشکیل خواهد شد. چند روز بعد پزشکپور رقم نهایی شرکت کنندگان در این کنگره را حدود پانصد نفر اعلام کرد که با لباس های متحدالشکل خاکستری رنگ در جلسات کنگره و احتمالاً در یکی از هتل های بزرگ تهران حضور پیدا خواهند کرد. از همان هنگام رهبران و مسئولان حزب پنهان نمی کردند که نگران دخالت و کارشکنی دولت هویدا در جریان برگزاری این کنگره هستند. پزشکپور در جریان گفتگو با برخی از کارگردانان حزب گفته بود، «اگر [از تشکیل کنگره] جلوگیری نمایند آبروی خودشان می رود و به نفع ما تمام می شود» و یکی از مسئولان محلی حزب هم فکر می کرد «دستگاه [مقصود دولت هویدا بود] مزاحم نشود. اتفاقاً اگر دستگاه مزاحمت ایجاد کند بهتر است، چون عظمت کنگره در برابر مردم بیشتر خواهد شد».(۱)

در این راستا تا موعد برگزاری کنگره ده ها جلسه توجیهی و آموزشی برای نیروی گارد در تهران برگزار شد. در همان حال شماری از اعضای حزب مأمور تبلیغات و اطلاع رسانی پیرامون برگزاری کنگره آموزشی حزب در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۱ شدند و به تبع آن شعارهایی در معابر عمومی و دیوارها در تهران و برخی شهرهای دیگر نوشته و

اعلامیه هایی چاپ و در سطح تقریباً وسیع توزیع شد. در هفدهم مرداد ماه ۱۳۵۱ گفته شد:

در نظر است به مناسبت فرارسیدن روز پانزدهم شهریورماه روز بنیانگذاری حزب پان ایرانیست مراسمی در تهران و شهرستان ها برگزار گردد و به مدت دو روز کنگره آموزشی در تهران تشکیل شود. فعلاً تدارک برگزاری این کنگره در محل حزب در نظر گرفته شده که اگر امکان برگزاری آن در سالن های عمومی خارج از حزب امکان پذیر نگردید در حزب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تشکیل شود. جهت شرکت و دعوت شخصیت ها و افراد مؤثر پرسشنامه هایی بین برخی از افراد حزبی توزیع گردیده. ضمناً در تاریخ ۱۵/۵/۵۱ سه نوع شعار در مورد پانزده شهریور از هر یک در حدود ۷۰۰ نسخه در محل حزب پان ایرانیست پلی کپی گردیده و جهت تشکیلات حزب در شهرستان ها نیز ارسال خواهد شد که یک برگ از پرسشنامه و سه برگ از شعارها به پیوست ایفاد می گردد.(۱)

ساواک نگران بود مبادا نظیر آنچه تقریباً یک سال قبل اتفاق افتاد، این بار هم به رغم آن همه تمهیدات گسترده، دولت از برگزاری کنگره آموزشی مذکور جلوگیری به عمل آورد:

این روزها فعالیت شدیدی برای تدارک کنگره آموزشی در محیط حزب پان ایرانیست مشاهده می گردد که برنامه فعلاً جمع آوری

پول از اعضا و تهیه شعار و پرچم و هزینه پذیرایی و تهیه سالن است که ۲۵/۵/۵۱ سالن کوروش واقع در خیابان آریامهر را به مبلغ ۴۵۰۰۰ ریال برای چهارشنبه ۱۵/۶/۵۱ انتخاب نموده اند. ضمناً یک نمایش عکس از فعالیت دو دهه اخیر نیز برگزار خواهد شد و کنفرانس مطبوعاتی نیز داده خواهد شد. یک برگ فتوکپی وجوه جمع آوری شده تا این تاریخ و یک برگ از اطلاعیه مطبوعاتی نیز به پیوست ایفاد می گردد که به جراید و رادیو و تلویزیون داده شده است و قرار است از شهرستان هایی که حزب تشکیلاتی دارد افراد روز ۱۴/۶/۵۱ به تهران آمده و در ساعت ۰۰/۱۲ روز ۱۶/۶/۵۱ مراسم پایان خواهد یافت.

نظریه یکشنبه. چون سال گذشته هنگام برگزاری ششمین کنگره حزب پان ایرانیست که بنا به دعوت قبلی و با صرف هزینه قرار بود در یکی از هتل های تهران انجام شود از برگزاری آن در هتل تعیین شده جلوگیری به عمل آمده و مسئولین ناچاراً مراسم مزبور در محل حزب با توجه به اینکه پلیس محل مزبور را محاصره نموده بود برگزار گردید که نتیجتاً موجبات بدبینی زیاد اعضای حزب موصوف را نسبت

به دستگاه و دولت فراهم نمود. لذا چنانچه در سال جاری نیز مقرر است از انجام مراسم فوق در محل هایی غیر از محل حزب جلوگیری بشود با توجه به اینکه حزب مزبور هزینه هایی برای برگزاری کنگره آموزشی خود تقبل نموده اصلح است قبلاً به نحو مقتضی سیاست دولت در این مورد به مسئولین

ص:۳۸۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حزب ابلاغ شود.(۱)

رهبری حزب برای پرشکوه جلوه دادن و بهره مندی هر چه بیشتر تبلیغاتی از کنگره طی دستورالعملی از مسئولان محلی حزب در شهرها و استان های مختلف خواسته بود کلیه امکانات مالی، تشکیلاتی، تبلیغاتی و نیروی انسانی خود را به خدمت فراخوانده و گروهی از فعال ترین و آماده ترین اعضای حزب را برای حضور در کنگره یا شرکت در برنامه های جانبی و تبلیغاتی در موعد مقرر به تهران اعزام کنند. در ششم شهریور ماه ۱۳۵۱ در نامه هایی که به امضای پزشکپور رسیده بود از ۲۶۸ نماینده مجلس بیست و سوم دعوت شده بود تا در کنگره حزب پان ایرانیست در پانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۱ حضور پیدا کنند. در دوازدهم شهریور ماه ۱۳۵۱ گزارش شد:

این روزها تمام افراد حزب پان ایرانیست مشغول تدارک جشن ۱۵ شهریورماه و کنگره آموزشی حزب هستند و به تمام مسئولین شهرستان ها که حزب تشکیلاتی دارد دستور داده شده است که مسئله کنگره را برای افراد تشریح کنند و از هر شهرستان چند نفر را در روز کنگره به تهران اعزام دارند. تاکنون پنج هزار دعوتنامه با

اعلامیه مربوطه و پیام رهبر حزب جهت مقامات و افراد سرشناس تهران و شهرستان ها به وسیله پست فرستاده شده ضمناً تا این تاریخ در حدود مبلغ پنج هزار تومان از اعضا جمع آوری و طبق دستور محسن پزشکپور تا روز کنگره بایستی ۱۵ هزار تومان جمع آوری گردد.(۲)

ساواک تهران و سایر شهرهای کشور پیرامون برنامه های حزب پان ایرانیست، برای برگزاری کنگره گزارش های پرشماری به مرکز مخابره می کردند که نشان می داد این سازمان موضوع برگزاری کنگره آموزشی حزب را، آن هم پس از تجربه کنگره ششم حزب در سال گذشته دنبال می کند. در دوازدهم شهریور ماه ۱۳۵۱ ساواک ترکیب برگزاری جلسات کنگره و رئوس برنامه های آن را به شرح زیر صورت بندی کرد:

کنگره آموزشی حزب پان ایرانیست از ساعت ۳۰/۱۷ روز ۱۵/۶/۵۱ آغاز به کار و تا حدود ساعت ۰۰/۱۳ روز ۱۶/۶/۵۱ در تالار کورش ادامه خواهد داشت و در عصر روز پانزدهم

ص:۳۸۵

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مراسم بازدید افرادی که از شهرستان ها آمده اند با رهبر حزب محسن پزشکپور در محل حزب برگزار می شود و ضمناً آرم یادبود مخصوص جهت این کنگره که عبارت از یک ستون و آرم حزب در بالای آن می باشد و جمله (برای جامعه ایران نظمی نو خواهیم ساخت) در نظر گرفته شده و قرار است چاپ و بین شرکت کنندگان در

کنگره توزیع شود و نیز سه شعار مخصوص جهت این کنگره در نظر گرفته شده و از متن این شعارها تاکنون بجز رهبران حزبی کسی اطلاعی ندارد و قرار است که در موقع سخنرانی و گزارش پزشکپور این شعارها توزیع شود.

نظریه یکشنبه ۱- به شنبه آموزش لازم داده شد که متن سه شعار مخصوص کنگره را قبل از توزیع در روز ۱۵ شهریور تحقیق و نتیجه را گزارش نماید.(۱)

در نهایت همچنان که مقرر شده بود، کنگره آموزشی حزب پان ایرانیست با شرکت جمعیت زیادی از اعضا و هواداران و دیگر کسانی که دعوت رهبری حزب را پذیرا شده بودند، با هدایت پزشکپور و ریاست محمدرضا عاملی تهرانی طی روزهای پانزدهم و شانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۱ برگزار شد و همچنانکه گزارش های زیر نشان می دهد، رهبران و سخنرانان به زعم خود از سی سال حیات و فعالیت حزب پان ایرانیست تمجید کرده و دولت هویدا را به دلیل اعمال فشار بر حزب، تداوم توقیف روزنامه خاك و خون، سوء عملکرد و غیره مورد سرزنش قرار دادند.

رونوشت گزارش خبر شماره۱۴۲۵۳/۲۰ ه ۱۲- ۱۶/۶/۵۱ منبع ۷۷۰

موضوع. کنگره حزب پان ایرانیست

از ساعت ۱۰/۱۸ روز ۱۵/۶/۵۱ کنگره آموزشی حزب پان ایرانیست با شرکت هشتصد نفر با نواختن سرود شاهنشاهی و خواندن سرآغاز حزبی توسط بانو میترا خسروی

(پروین) آغاز گردید. ابتدا محسن پزشکپور رهبر حزب ضمن اظهار تشکر از حاضرین هیأت رئیسه کنگره را به ریاست محمدرضا عاملی تهرانی معرفی نمود و آنگاه دکتر عاملی ضمن قدردانی از افراد شرکت کننده گزارشی از کنگره های حزب که در غرب ایران و رضائیه تشکیل شده بود به اطلاع رسانید و سپس کنگره آموزشی تهران را بزرگ ترین کنگره



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آموزشی حزب نام برد و بعد هدایا و یادبودهای شهرستان ها را که به کنگره تقدیم شده بود به حاضرین نشان داد و سپس دوشیزه حنا ظفری از سوی دوشیزگان و بانوان و ابراهیم میرانی از سوی سازمان جوانان و رضا کرمانی از طرف سازمان های خارج از تهران فعالیت های سی و یک ساله حزب را ستودند و کنگره آموزشی حزب را مورد ستایش قرار دادند و آنگاه محسن پزشکپور ضمن تشریح فعالیت های حزب اعمال خلاف قانون دولت هویدا را که باعث عدم تشکیل کنگره حزب گردید سخت مورد انتقاد قرار داد و حکومت مداوم هویدا را فئودالیسم حکومت ها نام برد و سپس از کردهای عراق و دیگر هم نژادان ایرانی حمایت نمود و حکومت ملت ها بر ملت ها را محکوم کرد (مانند شوروی بر چکسلواکی) و در خاتمه

اظهار داشت تا آزادی روزنامه خاك و خون از شرکت در هرگونه انتخاباتی مانند انتخابات گذشته خودداری خواهیم نمود. آنگاه دکتر عاملی از مسئولین و رابطین حزب در تهران و شهرستان ها و افرادی که در برگزاری کنگره مذکور سهمی داشته اند تشکر و قدردانی نمود و قسمت اول کنگره در ساعت ۵۵/۲۰ با خواندن هفت پیمان توسط دکتر مسلم علیخانی پایان یافت و قسمت دوم از ساعت ۳۰/۰۸ روز ۱۶/۶/۵۱ در تالار کوروش تشکیل خواهد شد. ضمناً کنگره فوق به آرامی و بدون هیچ گونه حادثه ای خاتمه یافت و در اطاق مدیر تالار کوروش عده ای از مأمورین مشغول ضبط برنامه بودند و شخصی به نام خدابخشی یکی از افراد حزب مشغول ضبط برنامه بود که به محض متوجه شدن افراد گارد از تالار خارج و بعد بدون همراه داشتن ضبط صوت وارد تالار شد. یک برگ برنامه کنگره به پیوست ایفاد می گردد.

شنبه نظری ندارد...

رونوشت گزارش خبر شماره ۱۴۴۲۲/۲۰ ه ۱۲- ۲۲/۶/۵۱ منبع ۷۷۹

موضوع. حزب پان ایرانیست

ساعت ۴۵/۰۸ روز ۱۶/۶/۵۱ کنگره آموزشی حزب پان ایرانیست در تالار کوروش با شرکت

در حدود هشتصد نفر از افراد حزب با نواختن سرود شاهنشاهی و قرائت سرآغاز حزبی توسط مهندس شهنواز آغاز گردید. ابتدا مسئول تشکیلات رودسر پیرامون پرورش انسانی و اسلام مطالبی ایراد نمود و شهبازفر قطعه شعری قرائت و آنگاه دکتر عباس روحبخش درباره دموکراسی در بستر ناسیونالیسم سخنرانی کرد و علی زرینه باف از تبریز

در مـورد مـوازین دموکراسـی در قـوانین ایران مطـالبی ایراد نمـود و مسـئولین امر را مورد حمله شدیـد قرار داد. سـپس مهـدی صفـارپور پیرامـون آمـوزش ملی و مفهـوم مـدرسه و دکـتر هوشـنگ طـالع دربـاره ملی کردن سـرمایه و محـدود کردن سود و مهنـدس ظفری دربـاره مسائـل جامعه روسـتاها در نظام صـنعتی سـخنرانی نمودنـد. سـپس استراتژی جدیـد حزب توسط عاملی قرائت گردیـد کـه در ایـن منشـور بـه تفصـیل در مـورد سه اصـل پیشـنهادی روز قبـل محسن پزشـکپور دربـاره سوسـیالیسم و دموکراسـی بر بنیاد ناسـیونالیسم سـخنانی ایراد و خط مشـی جدیـد حزب را به این اصول اعلام نمود و آنگاه محسن پزشـکپور سخنرانی نمود و افراد را مجدداً به مبارزه همگانی با خط مشی جدید حزب دعوت کرد و از زحمات و فداکاری های حسین

مصـدقی کـه در راه حزب سـلامتی خـود را از دست داده تجلیـل کرد و سـپس دکـتر عـاملی از افرادی که جهت برگزاری این کنگره زحماتی کشـیده و کوشـش نموده بودند تشـکر کرد و آنان را به کنگره معرفی نمود و قطعنامه کنگره در ۵ ماده توسط جعفری مسـئول تشکیلات رضائیه قرائت گردید و در پایان هفت پیمان حزب توسط فضل الله امینی خوانده شد و این جلسه در ساعت ۴۰/۱۲ پایان یافت. ضمناً یک برگ قطعنامه کنگره به پیوست ایفاد می گردد.

نظریه یکشـنبه – به صـحت گزارش شـنبه می توان اعتمـاد نمود. ضـمناً نوار مربوط به آغـاز سـی و یکمین سـالروز نهضت پان ایرانیسم و برگزاری کنگره آموزشی حزب در روزهای ۱۵ و ۱۶/۶/۵۱ روی نوار ضبط شده و موجود می باشد.(۱)

در قطعنامه پنج ماده ای این کنگره عمدتاً از محسن پزشـکپور و مواضع او در موارد مختلف تعریف و تمجید شده و اعلام عدم شرکت حزب پان ایرانیست در انتخابات انجمن های شهر مهم ترین موضوع مندرج در آن قطعنامه به شمار می رفت. در همان حال قطعنامه در صـدها نسـخه تکثیر و برای بسـیاری از افراد سرشـناس وابسـته و نزدیک به حاکمیت و دولت و دیگران ارسال شد. طی همین کنگره آموزشی بود که برای اولین بار پزشکپور طرح عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی و نیز سوسیالیسم، دموکراسی و ناسیونالیسم به اصطلاح ملی و میهنی خود را به شرکت کنندگان ارائه داده و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

آن را مبنای جدید استراتژی حزب پان ایرانیست برشمرد و به رغم آنکه برخی از اعضای قدیمی حزب با آن مخالفت کردند، اما جمعیت حاضر در کنگره خواسته یا ناخواسته بر این طرح صحه نهادند. به دنبال پایان یافتن کنگره محمدرضا عاملی تهرانی برای ابهام زدایی از طرح جدید پزشکپور نوشته ای تنظیم کرد که در جزوه ای با عنوان «منشور حزب پان ایرانیست اعلام شده در کنگره بزرگ آموزشی» چاپ و در تیراژ تقریباً وسیعی منتشر و توزیع گردید.(۱)

## حزب رهبرمحور

در این برهه اخیر از حیات و فعالیت حزب پان ایرانیست، باز هم محسن پزشکپور محور و مظهر تمام حزب محسوب می شد و اعضای حزب پان ایرانیست خواسته یا ناخواسته شأن رهبری او بر حزب قائل می شدند و البته همه اینها از ویژگی های شخصیتی و روانی پزشکپور و گرایش او به نوعی تفکر فاشیستی نشأت می گرفت.

اعضای حزب رفتار، عملکرد، موضع گیری ها و تمام حرکات پزشکپور را به مثابه الگو و رهنمود اعضای حزب دانسته و مستقیم و غیرمستقیم پیرامون آن تبلیغ می شد. اعضای حزب چنان از «رهبر حزب» که اشاره مستقیمی به شخص پزشکپور بود، یاد می کردند که گویی در عالم هستی موجودی کم نظیر است و هرگاه او نباشد، حزب پان ایرانیست حیات نخواهد داشت. این همه البته به معنی عدم انتقاد از محسن پزشکپور از سوی برخی اعضا و حتی مسئولان محلی به ویژه در مجالس و محافل خصوصی و غیررسمی نبود. چنانکه برخی علناً پزشکپور را متهم می کردند که حزب پان ایرانیست را صرفاً وسیله جاه طلبی ها و فرصت جویی های شخصی خود قرار داده و سرنوشت مجموعه حزب را با علایق و خواست های مشخص خود گره زده است. از جمله در بیست و سوم فروردین ماه ۱۳۵۱ در گزارش ساواک می خوانیم:

علی حامد توسلی دانشجوی حقوق قضائی (سال دوم) در طول تعطیلات نوروزی

مسافرتی به رشت کرد و با ابوتراب مستوفی رئیس اخبار رادیو تلویزیون گیلان و مازندران



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

تماس گرفت. بنا به اظهار خودش مطالبی را با او در میان گذاشت و در مورد خط مشی حزب پان ایرانیست از ایشان نظر خواست. مستوفی که خود از اعضای فعال و مؤثر حزب پان ایرانیست می باشد و سابقه نیروداری در تشکیلات مرکزی را دارد در جریان اقدامات اخیر علی حامد توسلی قرار گرفته و برنامه وی و دوستانش را تأیید می کند. وی اظهار می دارد که در حال حاضر محسن پزشکپور حزب را وسیله پیشرفت خود قرار داده و به رسالت تاریخی آن بی توجه است، لازم است تحولی به وجود آید تا حزب از حال رکود درآید، چون پان ایرانیسم باید برای ایرانی محفوظ بماند و روش فعلی رهبران فعلی حزب پان ایرانیست نمی تواند نهضت را پیروز نماید. با این طرز رفتار نه تنها ما نمی توانیم در جوامع ایرانی نفوذ کنیم، بلکه سنگرهای موجود مبارزه را به ناچار روزی از دست خواهیم داد.(۱)

علاوه بر آن، خوش گذرانی ها و فساد اخلاقی پزشکپور هم از جمله مواردی بود که اعضای آگاه حزب را نسبت به او و رهبری اش بر حزب پان ایرانیست مأیوس می کرد. فساد

اخلاقی پزشکپور را بسیاری از اعضای برجسته حزب در تهران بارها دیده بودند، چنانکه در بیست و نهم دی ۱۳۵۳ ماه و در دفتر مرکزی حزب پان ایرانیست در تهران:

محمد جهانگیری گفت چند شب پیش محسن پزشکپور با حالت کاملاً مست به حزب آمده بود و با این کار باعث سقوط حزب خواهد شد. فرخی ضمن تأیید این مطلب گفت اوایل هفته گذشته پزشکپور با یک زن در دفتر کار خود مشغول معاشقه بود.(۲)

و نیز در واپسین روزهای بهمن ماه ۱۳۵۳ هم ساواک گزارش کرد:

محمد جهانگیری عضو حزب پان ایرانیست روز ۲۲/۱۱/۵۳ به طور خصوصی به یکی از دوستانش اظهار می داشت، پرویز فنائی عضو حزب مذکور در خرمشهر عکسی از محسن پزشکپور دارد که او را با خانم برهنه ای که در بغل گرفته نشان می دهد و در نظر دارد این عکس را به مبلغ پنجاه هزار تومان بفروشد.

نظریه شنبه. چنانچه درباره این خبر مستقیماً اقدام شود موجب شناخته شدن منبع خواهد شد.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نظریه یکشنبه. ضمن تأیید نظریه شنبه اضافه می نماید تهیه این عکس که نقطه ضعف پزشکپور را می رساند جهت بهره برداری های آینده مفید به نظر

می رسد.(۱)

## جزایر سه گانه ایرانی

جدایی تأسف بار بحرین از خاک ایران اکثریت قریب به اتفاق اعضا و هواداران حزب پان ایرانیست را دچار یأس و سرخوردگی کرده بود. دولت بریتانیا که در آن واقعه توطئه آمیز نقش اول را داشت، در آستانه خروج نیروهایش از خلیج فارس به رژیم پهلوی چراغ سبز نشان داد تا با پیاده کردن نیرو و اعمال حاکمیت مستقیم بر سه جزیره ایرانی تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی حقارت ناشی از تجزیه بحرین را جبران کند. در هشتم آذر ماه ۱۳۵۰ این اقدام انجام شد و فرصت مناسبی برای پان ایرانیست ها فراهم آورد تا سرخوردگی ناشی از انتزاع بحرین را با جار و جنجال سیاسی و تبلیغاتی التیام بخشند.

دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست به مناسبت استقرار نیروهای ایرانی در جزایر مذکور در روز پنجشنبه یازدهم آذر ماه ۱۳۵۰ کنفرانس پر سر و صدایی برگزار کرده و رژیم پهلوی و شخص شاه را سخت مورد تحسین و تمجید قرار دادند و در پایان قطعنامه ای هشت ماده ای تصویب نمودند که به شرح زیر از حقوق و منافع ایران و ایرانیان در خلیج فارس و عراق دفاع می کرد:

۱- سه جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک جزئی از میهن بزرگ ملت ایران است.

۲- استقرار واحدهای ارتش شاهنشاهی را بر سه جزیره ایرانی مزبور اقدامی مؤثر در راه استقرار حاکمیت بحق ملت ایران بر این سه جزیره ایرانی می دانیم.

۳- از دولت می خواهیم که حق حاکمیت ملت ایران را در جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک به نحو کامل و مطلق

اعمال نماید.

۴- خلیج فارس یک دریای ایرانی است، نفوذ و رسوخ هر قدرت و عامل بیگانه را به خلیج فارس محکوم می کنیم.

۵- خونسردی بیش از حد مقامات مسئول برابر حکومت خودکامه بغداد و دیگر



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

کانون های استعمار مسبب گردیده است دشمنان شناخته شده نژاد ایرانی این چنین به ژاژخوایی و یاوه گویی بپردازند.

اغماض و تسامح کافی است، ملت ایران یک دل و یک زبان خواستار است که با همه نیرو و توان به این خودکامان پاسخ دندان شکن داده شود.

۶- دولت برای دفاع از جان و مال و زندگی و حیثیت ده ها هزار ایرانیان ساکن عراق و خلیج فارس و نیز برای دفاع از حقوق میلیون ها ایرانی نژادان و شیعیان آن سوی مرزها مسئولیت های قطعی به عهده دارند. از دولت می خواهیم که به این مسئولیت حتمی خود رفتار نماید و با قاطعیت به دفاع از حقوق ایرانیان، شیعیان و ایرانی نژادان آن سوی مرزها برخیزد.

۷- حکومت خودکامه بغداد و دیگر حکومت های پوشالی و دست نشانده استعمار باید بدانند، ملت ایران همه حقوق

تاریخی و غارت شده خود را خواستار است و میلیون ها ایرانی و ایرانی نژاد در این رزم بزرگ ضداستعمار هم آهنگ می باشند.

۸- شهدای خلیج فارس، جانبازان رزم ضداستعمار ملت ایران هستند، درود همه ایرانی خود را به روان آنها نثار می کنیم.(۱)

همزمان با تهران در برخی دیگر از شهرهای کشور هم پان ایرانیست ها با برگزاری کنفرانس، جلسات و نشست های حزبی، استقرار حاکمیت دوباره ایران بر جزایر سه گانه تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی را به فال نیک گرفته و به اصطلاح شجاعت شاه در این اقدام متهورانه را که همگان می دانستند با نظر مساعد بریتانیا صورت عملی به خود گرفته است، ستودند. البته این واقعه فرصتی دوباره بود تا برخی اعضا و مسئولان حزب در شهرهای مختلف باز هویدا را به خاطر از دست دادن بحرین مورد شماتت قرار دهند. در این میان برخی اعضای صادق تر حزب در گفت و گوهای غیررسمی و خصوصی یادآور مخاطبان خود می شدند که نوشداروی تصرف جزایر سه گانه ایرانی نمی تواند مرهمی بر واقعه تأسف بار جداسازی بحرین از ایران باشد و تأکید هم می کردند، جار و جنجال های تبلیغاتی پر سر و صدای اخیر اساساً برای فراموش ساختن موضوع انتزاع بحرین صورت

ص:۳۹۲

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

می گیرد. اما دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست که فرصتی دوباره برای مطرح ساختن خود و کسب موقعیت در نزد حاکمیت پیدا کرده بود، چندان خود را درگیر این موضوع نمی کرد و به ویژه محسن پزشکپور با ایراد سخنرانی و مصاحبه پیرامون موضوع تصرف جزایر سه گانه می کوشید به حضور خود در عرصه سیاست رسمی کشور رونقی بدهد و در این میان البته از هر فرصتی برای تمجید و تحسین اقدام شاه فروگذار نمی کرد؛ چنانکه ساواک آغاجاری در هفدهم آذر ماه ۱۳۵۰ گزارش کرد:

با پیاده شدن افراد نیروی دریایی

شاهنشاهی ایران در جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی اعضای حزب پان ایرانیست آغاجاری بیش از اندازه اظهار خرسندی می نمایند و به قدری خوشحال هستند که بعد از کار روزانه به منزل خود رفته و به اخبار رادیو، تلویزیون گوش می دهند و در هر مجلس و محفلی صحبت از سیاست مدبرانه و خیراندیشانه شاهنشاه آریامهر می شود. آقای بهرام بهادری و مختار غیبی که از اعضای حزب مزبور می باشند قصد دارند تلگرام تبریکی به پیشگاه معظم شاهنشاه آریامهر به مناسبت پیروزی اخیر ایران که سرچشمه از نبوغ ذات شهریاری گرفته شده مخابره نمایند. ... حال با این مقدمه ای که گفتم باید پان ایرانیست ها بگویند پس گرفتن جزایر سه گانه خلیج فارس که توسط افراد دلیر نیروی شاهنشاهی ایران به خاک ایران ملحق گردید فقط به امر مبارک شاهنشاه آریامهر بوده است و بس.(۱)

پان ایرانیست ها در شهرهای مختلف اجازه کامل یافته بودند تا با برپایی جلسات و نشست های حزبی، ایراد سخنرانی، برگزاری میتینگ و دیگر مراسم، مراتب خرسندی خود را از اقدام شاه ابراز دارند. این معنی را برخی اعضای حزب هم درک کرده بودند. چنانکه

در آبادان و در جریان نشست چند تن از اعضای این حزب «محمدعلی عوض پشتکوهی از طلایی [مسئول سابق حزب پان ایرانیست آبادان] سؤال نمود که چطور شد دولت حاکم اجازه این میتینگ را در خارج از دفتر حزب داده است؟ طلایی در جواب گفت که این مرتبه به نفع خودشان بود که اجازه دادند و از اینها هر چه بگویید ساخته است».(۲)



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساواک مراقب بود این آزادی عمل برای حزب پان ایرانیست باعث تندروی رهبران و کارگردانان حزب در انتقاد احتمالی از دولت هویدا نشود:

ساعت ۰۰/۱۰ روز ۱۹/۹/۵۰ میتینگی از طرف حزب پان ایرانیست در جنب دبیرستان رازی آبادان انجام گردید. در این میتینگ ضمن دادن شعارهای حزبی و حمله به دشمنان ایران آقای محسن پزشکپور به مدت یک ساعت سخنرانی نمود و ضمن اثبات حقانیت ایران و اشاره به تضییقاتی که دولت برای حزب پان ایرانیست به عمل آورده از دولت نیز انتقاداتی نموده که چرا قبلاً نسبت به احقاق حقوق حقه ایران اقدام ننموده و چرا با توجه به ناراحتی هایی که دولت عراق برای ایرانیان مقیم آن کشور فراهم می نماید فقط با دستگاه تبلیغاتی خود خبر آن را به مردم می دهد و چرا اقدام عملی نمی نماید.

نظریه چهارشنبه:

شخصاً در میتینگ مزبور شرکت داشتم و به آقای پزشکپور توجه دادم در حالی که در

میتینگ عظیم آبادان برای سخنران حزب پان ایرانیست از نقطه نظر اثبات یکپارچگی ملت ایران برنامه ای در نظر گرفته می شود خوب نبود که شما نسبت به حزب حاکمه تا این حد انتقاد بفرمایید. ایشان گفتند بالاخره باید این قبیل مسائل هم تا حدودی گفته شود.(۱)

پزشکپور در جریان میتینگ حزبش در خرمشهر در تمجید از شاه سخنرانی غرّایی کرده و او را «شاهنشاه آریامهر فرمانده عالی کشور» لقب داده و از شاه استدعا کرد «برای اینکه حزب پان ایرانیست بتواند مبارزات ناسیونالیستی خود را بهتر دنبال نماید دستور فرمایند نسبت به آزادی روزنامه خاک و خون صدای آزادگان پان ایرانیست اقدام کنند». ساواک با ابراز رضایت از این موضع گیری پزشکپور توصیه کرد:

نظریه شنبه – به طور کلی در این میتینگ سیاست اخیر دولت نسبت به جزایر سه گانه خلیج فارس مورد تأیید قرار گرفته است.

نظریه یکشنبه – ضمن تأیید مفاد گزارش خبر و نظریه شنبه به استحضار می رساند:

۱- تأیید سیاست اخیر دولت درباره جزایر منظور به وسیله رهبران حزب پان ایرانیست دارای اثر مطلوبی در بین مردم بوده است.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- رهبران حزب موصوف ضمن تأیید افکار عالیه شاهنشاه آریامهر و سیاست دولت به طور آشکار استدعا داشته اند که نسبت به

آزادی روزنامه خاک و خون اقدام شود.

علیهذا با توجه به مراتب فوق اصلح است مسئولین مربوطه موضوع آزادی روزنامه خاک و خون را با در نظر گرفتن خط مشی سیاسی حزب مزبور مجدداً مورد بررسی قرار دهند.

نظریه دوشنبه – نظریه یکشنبه مورد تأیید است.

نظریه ۱۶- مورد تأیید است.(۱)

## سالگردهای بیست ویکم آذر ماه و کودتای بیست و هشتم مرداد

### الف. بیست ویکم آذر

از جمله برنامه های ترک ناشدنی حزب پان ایرانیست در سال های نخست دهه ۱۳۵۰ برگزاری مراسمی گاه پر سر و صدا در سالگرد بیست ویکم آذر ماه ۱۳۲۵ بود. با این حال در آذر ماه ۱۳۵۰ که هنوز مجموعه فعالیت های حزب پان ایرانیست با محدودیت هایی مواجه بود رهبران و مسئولان حزب در تهران و سایر شهرهای کشور خود را ناگزیر می دیدند برای برپایی مراسم سالگرد مذکور نظر مساعد مقامات سیاسی، اداری و امنیتی محلی را جلب کنند:

عصر روز ۱۳/۹/۵۰ جلسه ای با شرکت چند نفر از اعضای وابسته به حزب پان ایرانیست به اسامی علی زرینه باف، اکبر سرقینی اهری و حمدالله حسینقلیان در دفتر کار علی زرینه باف تشکیل شد. در این جلسه پیرامون نحوه برگزاری جشن به

مناسبت بزرگداشت روز ۲۱/۹/۵۰ تبادل نظر گردید و ابتدا اکبر سرقینی اهری اظهار داشت همان طوری که در جلسه گذشته نیز عرض کردم برگزار نمودن این جشن از طرف حزب باید با اطلاع و موافقت استاندار و مقامات ذیصلاح صورت بگیرد و مقامات مذکور و همچنین سایر مقامات محلی نیز باید به این جشن دعوت بشوند و در غیر این صورت تشکیل چنین جلسه ای خالی از اشکال و ناراحتی نخواهد بود. سپس افراد حاضر با پیشنهاد وی موافقت نمودند و قرار شد که در این زمینه علی زرینه باف با استاندار و مقامات ذیصلاح تماس



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

برقرار نماید.(۱)

اما در سال های بعد پان ایرانیست ها برای برگزاری مراسم سالگرد بیست و یکم آذر آزادی عمل بیشتری پیدا کردند. چنانکه در بیستم آذر ماه ۱۳۵۱ محسن پزشکپور در سخنرانی خود در تبریز باز نقش برجسته ای برای پیشگامان و بنیانگذاران حزب پان ایرانیست در واقعه آذربایجان قائل شد که البته مغایر با واقعیت تاریخی بود. در بیستم آذر ماه ۱۳۵۳ محسن پزشکپور با خودستایی و حزب ستایی و نیز شاه ستایی که گویی هر دو در آزادی آذربایجان نقش درجه اولی ایفا کرده اند، موضوع رسوخ و نفوذ گسترده چپگرایان سابق در دولت و حاکمیت و خطرات ناشی از آن را چنین گوشزد کرد:

پان ایرانیست با اتکا بر این عقاید که وابسته به سرنوشت جامعه ایرانی است بعد از شورش سال ۱۳۲۰ به وجود آمد و طی

سال های متمادی غالب احزاب و سازمان های اجتماعی که در سرزمین ما به وجود آمد یا وابسته به سیاست های بیگانه بودند و یا دست در دست هیأت حاکمه وقت داشتند [و] غیر از غارتگری چیزی نمی شناختند. وقتی ما در برابر دسیسه و توطئه های آشکار و غیرآشکار و حتی در برابر هیأت حاکم به پا خواستیم ]خاستیم[ و اعلام کردیم نباید بگذارید حقوق جدید را غارت کنند، بلکه بیایید و حقوق از دست رفته را به چنگ آوریم، ناطق اضافه نمود: آیا ما هم می بایستی دست در دست سیاست های ضدملی می گذاشتیم و یا آیا ما هم مثل کسانی که امروز در برابر ملت ایران اظهار ندامت می کنند سر تسلیم فرود بیاوریم. نزدیک به سه دهه از تجزیه آذرآبادگان گذشته است و ما نباید حتی بعد از قرن ها این روز را، این روز گریز اهریمن را فراموش کنیم. ما دو روز ۲۱ آذر داریم، یکی ۲۱ آذری که سیاست های شوم تجزیه طلب علم تجزیه را بلند کردند و این مسئله هرگز سیاست نو نبود بلکه ۱۵۰ سال کوشش استعماری بر ضد ملت ایران بود که عده ای از هم نژادان ما را به اسارت کشیده و حقوق ما را غارت کرده اند و در نتیجه بعد از ۱۵۰ سال به جای یک

ملت ایران بزرگ و نیرومند ایران تجزیه شده و جامعه غفلت زده به جای گذاشته و ۲۱ آذر دنباله ای بود از اجرای آن سیاست. ما نباید حادثه سه دهه را فراموش کنیم، ما نباید آن افرادی را فراموش کنیم که در این دسیسه و حادثه دخالت داشتند.

ص:۳۹۶

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پان ایرانیست به شدت این موضوع را دنبال می کند، این چه بی تفاوتی است، کسانی را که در جنایت تجزیه دخالت داشتند امروز در جایگاه های حساس سیاسی قرار دهند، آنها می گویند که این قبیل افراد اظهار ندامت کرده اند ولی نمی توان یک اظهار ندامت را قبول نمود. از کجا که بار دیگر با اظهار ندامت این قبیل روبه رو شویم. به چه مناسبت آنها باید چهره خودشان را به هزاران مردم ایران و استان آذربایجان نشان دهند که آنها عزیزان خود را در راه نجات آذربایجان از دست داده اند و یا در گذشته گوشه زندان ها مانده اند. امروز مسببینی با عنوان دیگر و مقام دیگر در صدر قرار دارند. [به] کسی که به هر کیفیت روزی به ملتش چنگ کشیده نباید اعتماد کرد. نشانه بیداری این است، نشانه قدردانی این است. ما امروز اینجا هستیم ولی این مدعیان کجا هستند؟ چرا چنین روزی را

فراموش کرده اند و ملت را فراموش کرده اند، کسی که سرودهای یگانگی را از یاد برد و امضای خود را زیر اعلامیه تجزیه گذاشت نباید در خیابان های شهر تبریز بگردد، چه رسد به اینکه مدعی رهبری سیاسی این مردم باشند. سروران! در جریان گریز اهریمن یکی به همت مردم و دیگری بدون هیچ گونه اغراق در سطح فرماندهی شاهنشاهی ایران روی داد. بعد از ۱۵۰ سال برای نخستین بار دست تجزیه طلب شکست، بعد از ۱۵۰ سال با اراده شاهنشاه توطئه تجزیه و عناصر ضدایرانی از بین رفت. ما عقیده داریم در مسائل داخلی تحولات عمیقی به وجود بیاید، ما نباید هماهنگ باشیم که پایگاه های سیاسی و اجتماعی در اختیار عناصری باشد که آزمایش صحیح و درست به ملت ایران نداده اند. اینها قادر نخواهند بود نیروهای ایرانی را برای رسیدن به آرمان های صحیح بسیج کنند. اینها خیلی وقت ها و بسیاری فرصت ها را که با رهبری شاهنشاه آریامهر نصیب ملت شده از دست داده اند و اگر اقداماتی هم شده آن هم فقط و فقط به رهبری شاهنشاه

بوده.(۱)

### ب. کودتای بیست و هشتم مرداد

در این برهه اخیر هم که هنوز حاکمیت و دولت عصبانیت خود از حزب پان ایرانیست را فراموش نکرده بودند، رهبران این حزب کوشیدند با مشارکت فعال و چشمگیر در مراسم



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پراهمیتی نظیر کودتای بیست وهشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ بالاخص شخص شاه را متوجه این نکته ظریف و مهم بکنند که به رغم تمام ناملایمات، حزب پان ایرانیست کماکان خود را تابع بدون چون و چرای او و سیاست ها و علایق او در شئون مختلف می داند. اینان امیدوار بودند دستاویز سالگرد آن کودتا را به فرصتی مطلوب برای رونق بخشیدن به فعالیت های حزبی خود مبدل سازند:

قرار است میتینگ و کنفرانس های حزب پان ایرانیست در گیلان و مازندران برگزار گردد و محسن پزشکپور و عده ای از اعضای حزب از تهران در این مراسم شرکت خواهند کرد. عصر روز پنجشنبه ۲۸/۵/۵۰ کنفرانس در رودسر و سپس جلسه مسئولان و رابطین حزب در لنگرود صبح روز جمعه میتینگ در ماچیان (تابع رودسر) و همان روز عصر میتینگ در کلاچای صبح روز ۳۰/۵/۵۰ کنفرانس جهت مسئولان و رابطین حزب در مازندران و گرگان و دشت در بابل و عصر کنفرانس حزب در شاهی عصر روز ۳۱/۵/۵۰ کنفرانس حزب در ساری و صبح روز ۱/۶/۵۰ کنفرانس در گرگان و عصر همان روز در

گنبد برگزار می گردد.(۱)

محسن پزشکپور کودتای بیست وهشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ را روز انقلاب شاه و مردم لقب داد و بزرگداشت آن روز به یادماندنی را از وظایف فراموش نشدنی حزب پان ایرانیست دانست:

ساعت ۰۰/۱۸ روز ۲۷/۵/۵۰ در محل سندیکای واگن خانه راه آهن وابسته به حزب پان ایرانیست در حدود ۱۰۷ نفر شرکت داشتند که در این جلسه محسن پزشکپور – ابوالقاسم پورهاشمی – ابراهیم میرانی – تقی رحیمی رئیس سندیکا حضور داشتند. ابتدا سرود شاهنشاهی نواخته شد و سپس شمس اله میرزائی – تقی رحیمی رئیس سندیکا حضور داشتند. ابتدا سرود شاهنشاهی نواخته شد و سپس شمس الله میرزائی سرآغاز حزب را خواند و تقی رحیمی اظهار داشت اجتماع امروز برای جشن ۲۸ مرداد است و از رهبر حزب دعوت به عمل آمده که در این جشن شرکت نماید. بعداً محسن پزشکپور اظهار داشت حزب پان ایرانیست افتخار دارد در حدود ۳۰ سال با تمام مشکلات توانسته است در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

انجام امور محوله وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد و اکثر مردم به ایده این حزب آشنایی دارند و در تمام مرزها اعضای حزب به

نحو شایسته ای مشغول فعالیت می باشند و اضافه نمود ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ روز انقلاب شاه و مردم است و حزب پان ایرانیست پاسدار نظم مردم و شاهنشاهی است و

افزود در دوره گذشته چند نفر از اعضای حزب در پارلمان بودیم. همیشه از دولت خواستار فرهنگ نوینی بودیم تا طبقه کارگر و زحمتکش هم بتوانند فرزندان خود را در دبیرستان ها و دانشگاه ها بفرستند. وضع اقتصادی کشور به دست شما کارگران است. متصدیان باید در رفاه و آسایش شما کوشش نمایند که زندگی بهتری داشته باشید. یک کارگر باید مسکن داشته باشد و به آینده خود امیدوار باشد که قادر باشد فرزندان خود را در دبیرستان ها و دانشگاه بفرستد و تربیت نماید و گفت که جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران کوروش بزرگ که بنای حقوق بشر را در آن موقع پایه گذاری نموده است باید جشن گرفت و از تمام کارگران برای جشن یادبود شهدای سوم شهریور به مرکز حزب دعوت نمود و سپس هفت پیمان توسط کاظم پیروی خوانده شد.(۱)

بی توجهی دولت هویدا به حزب پان ایرانیست و عدم دعوت از رهبران این حزب برای

شرکت در مراسم سالگرد کودتای بیست وهشتم مرداد در سال های پس از واقعه تجزیه بحرین، آنان را سخت عصبانی کرده بود. ساواک خوزستان در این باره گزارش کرده بود:

ساعت ۳۰/۱۸ روز ۲۸/۵/۵۳ کنفرانس حزب پان ایرانیست آبادان به مناسبت روز قیام ملی ۲۸ مرداد با شرکت اعضا در محل حزب تشکیل گردید. ضمن اینکه از بلندگو برای بیرون از حزب استفاده می شده موارد زیر در آن مطرح شد.

۱- سرآغاز حزبی توسط حسین حسینی پور خوانده شد.

۲- مدیریت برنامه به عهده خسرو رضازاده بود.

۳- عبدالکاظم علی نژاد رابط حزب ضمن سخنرانی چنین اظهار داشت:

الف: ما بارها از پشت بلندگو اعتراض خود را به عمال حزب حاکم رسانیدیم که چرا در جشن های ملی از تنها حزب ملت ایران (حزب پان ایرانیست) دعوت نمی کنند. شما می ترسید با نشان دادن حزب پان ایرانیست مردم به سوی حزب پان ایرانیست کشیده شوند



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حال که این چنین است در کنفرانس روز چهارشنبه ۳۰/۵/۵۳ که در حضور رهبر حزب آقای پزشکپور در آبادان میدان کارون برگزار می شود شرکت کنید اگر کور و کر هستید از دیگران کمک بگیرید تا دریابید ملت چطور

از رهبر حزب پان ایرانیست استقبال کرده و با دل و جان به سخنان ایشان توجه دارند.

ب – حزب بایستی وسیله ملت تشکیل شود نه اینکه آقای رئیس اداره کار به کارگران بگوید شما باید عضو حزب حاکم بشوید.

پ – کشاورزانی که وام کشاورزی دریافت می دارند حق عضویت حزب حاکم را از آن وام کسر می نمایند و بیچاره کشاورز داد و فریاد می کند که من عضو حزب نیستم ولی حضرات می گویند اگر وام می خواهید عضو حزب ایران نوین باشید.

ت – چرا فرامین صادر شده رهبر مملکت را در مورد اینکه از وزارت کشور تا ادارات وابسته به آن حق دخالت در امور احزاب و انتخابات را ندارند به آن توجه نمی شود و همان طوری که اطلاع دارید وزیر کشور به خاطر دخالت در این قبیل امور تعویض شد، لکن آقایان برای این فرمان پیراهن دیگری دوختند و مجدداً به کار خود ادامه می دهند ولی بدانید که در انتخابات آینده اگر به قیمت از دست دادن حزب پان ایرانیست هم باشد ما با شما مبارزه خواهیم کرد و نخواهیم گذاشت که شما از شناسنامه مرده ها استفاده کنید. کنفرانس با خواندن هفت پیمان حزبی در ساعت

۳۰/۲۰ خاتمه یافت.(۱)

## کنگره دهه انقلاب سفید

دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست در حالی که قریب به یک دهه از رفراندوم جعلی ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ سپری می شد، کماکان خود را بسیار بیش از حزب اکثریت ایران نوین محق می دانست که عنوان «پاسدار انقلاب سفید» به آنها اطلاق شود. رهبران این حزب مقامات دولتی و حزب ایران نوین را «فئودال های اداری» می دانستند که غاصبانه جایگزین «فئودال های ارضی» قبل از انقلاب سفید شده اند. با این حال هنگامی که خبر رسید هویدا وعده داده است از حزب پان ایرانیسم هم برای شرکت در این کنگره دعوت خواهد کرد،



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

محسن پزشکپور نگران تر شد که در وضعیت بحران دامنگیر حزب و مشکلات مالی چگونه خواهد توانست حزب تحت امر خود را برای حضور آبرومندانه در آن کنگره سر و سامانی بدهد. ساواک در سیزدهم آذر ماه ۱۳۵۱ گزارش کرد:

خانم محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست اظهار داشت جلسه ای در اصناف با حضور نخست وزیر تشکیل شده بود که در آن جلسه از طرف حزب ایرانیان دکتر تجدد نیز شرکت داشته است. راجع به برگزاری مراسم دهه انقلاب نخست وزیر سفارش لازم را کرده است و با حالت عصبانیت به تجار گفته است چرا تاکنون هیچ اقدامی نکرده اید. تجدد از نخست وزیر سؤال کرده که چرا از احزاب دعوت نکرده اید. آقای هویدا در پاسخ تجدد اظهار داشت ما از احزاب دعوت خواهیم

کرد و حزب پان ایرانیست را نیز دعوت می کنیم در این مراسم با نظم عالی که دارد شرکت کنند و اگر حزب پان ایرانیست شرکت کند مراسم جلوه خاص خواهد داشت و از این حرف ها. آقای قاسم لاجوردی این خبر را کسب و به محسن پزشکپور می گوید. پزشکپور بی نهایت ناراحت است و به خانمش اظهار داشته در شرایط خاص و فشاری که چه از لحاظ مادی و چه از لحاظ سیاسی داریم نمی دانم باید چه کار کنم. از یک طرف افراد مرا تحت فشار قرار داده اند از طرف دیگر فشار مادی مرا رنج می دهد. تاکنون چندین ماه است اجاره محل حزب را نپرداخته ام و از جهت دیگر دولت معلوم نیست درباره حزب چه تصمیمی خواهد گرفت. اگر از حزب دعوت به عمل آید و شرکت نکنیم مرا فوری مارک ضد شاهنشاه خواهند زد و مسئله را به این موضوع ربط خواهند داد و خواهند گفت در تظاهراتی که اعلیحضرت مورد نظرشان بود حزب پان ایرانیست شرکت نکرد. اگر بخواهیم شرکت کنیم هزینه آن را از کجا تأمین کنیم و نمی دانم تکلیف من چه خواهد بود. خلاصه به قدری ناراحت هستم که اکثر شب ها به زور قرص های خواب آور می خوابم.

نظریه یکشنبه – تحقیق مستقیم پیرامون

اظهارات خانم پزشکپور به حفاظت شنبه لطمه می زند.(۱)

به رغم این گزارش، در روزهای آتی هنوز هویدا رسماً از حزب پان ایرانیست برای



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

شرکت در کنگره دهه انقلاب سفید دعوت به عمل نیاورده بود و هنگامی که پزشکپور در نوزدهم آذر ماه ۱۳۵۱ هویدا را مورد انتقاد قرار داد که با عدم دعوت از حزب پان ایرانیست قصد دارد پان ایرانیست ها را باز هم منزوی تر سازد، یکی از مخاطبان احتمال داد، شاید شخص شاه هنوز تمایل ندارد حزب پان ایرانیست در عرصه سیاست رسمی کشور پر و بالی بگیرد. اما پزشکپور این نظر را مردود دانسته و مدعی شد: «اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر بهتر از هر کس به میهن پرستی ما واقف هستند و [اطلاع دارد] حزب پان ایرانیست در آن شرایط سخت جبهه ملی و فعالیت های سیاسی شب و روز مبارزه کرد و اصول انقلاب [سفید] را سرلوحه کار خود قرار» داد.

محسن پزشکپور که راغب بود در فرصت پیش آمده خودی نشان داده و نظر مساعد شاه را به سوی حزب تحت هدایتش جلب کند، زمان را از دست نداد و منتظر دعوت هویدا نماند و در همان روز نوزدهم آذر ماه ۱۳۵۱ طی اطلاعیه ای خطاب به اعضا و تشکیلات حزب پان ایرانیست در اقصی نقاط کشور خواستار برگزاری مراسم و کنفرانس هایی به مناسبت فرا رسیدن دهه انقلاب سفید (طی روزهای سی ام آذر تا پنجم بهمن ماه ۱۳۵۱) در شهرهای مختلف کشور شد. در این اطلاعیه که گفته شد هزاران نسخه از آن تکثیر و برای اعضا و تشکیلات حزب در سراسر کشور، خبرنگاران و اهالی مطبوعات ارسال شد، چنین آمده بود:

هم میهنان: اکنون که سالروز دهمین سال رستاخیز ششم بهمن ماه فرا می رسد، حزب پان ایرانیست که نخستین حزب سیاسی ایران است که با شرکت در «تصویب ملی ششم بهمن ماه» به ندای «شاهنشاه ایران زمین»

پاسخ «آری» داد، همچنان با اعتقاد جازم به اصول انقلاب به استقبال دهمین سالگرد رستاخیز اجتماعی ملت ایران می رود.

درک مسئولیت های خطیری که هر عنصر بیدار دل و هر حزب آرمانخواه برابر ملت ایران به عهده دارد، ایجاب می نماید که با ژرف اندیشی هر چه بیشتر و با بررسی دقیق و نظارت کامل نه تنها اقدامات گذشته را مورد ارزیابی قرار دهیم بلکه راهگشای کوشش های آینده رستاخیز ملت ایران برای وصول به هدف های انقلابی آن باشیم.

هم بدین سبب، حزب پان ایرانیست در موضع ویژه تاریخی و اجتماعی خود و به انگیزه بزرگداشت دهمین سالگرد انقلاب اجتماعی ایران، طی کنفرانس ها و اجتماعات متعدد به

بحث و بررسی خواهد پرداخت.

اجتماعات شکوهمند و متعدد پان ایرانیست ها در سرتاسر «ایران زمین» و در میان ایرانیان خارج از کشور، طبق برنامه خاصی از روز پنجشنبه سی ام آذرماه آغاز و تا پنجشنبه پنجم بهمن ماه ادامه خواهد یافت.

در اجتماعات عظیم و متعدد پان ایرانیست ها، اقدامات ده سال گذشته از دیدگاه هدف های رستاخیز اجتماعی ملت ایران ارزشیابی می گردد و وجوه مشترک

تلاش ها و کوشش های همه قشرهای ملت ایران برای برپا ساختن نظم انقلابی جامعه ایرانی مطرح خواهد شد.

همه زنان و مردان، دختران و پسران مترقی و ایران پرست و صاحب نظران را به شرکت در این اجتماعات فرامی خوانیم، تا نبردهای آزادگی بخش ملت ایران را گرامی داریم و راهگشای مبارزات آینده جامعه ایرانی باشیم.

پاینده ایران

نوزدهم آذرماه ۱۳۵۱

رهبر حزب پان ایرانیست

محسن پزشکپور (پندار)(۱)

گزارش ها و اخبار هم نشان می داد، مسئولان حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف با ارسال برنامه های خود برای رهبری حزب در تهران آمادگی خود را برای برگزاری میتینگ، کنفرانس و نشست حزبی به مناسبت دهه انقلاب سفید اعلام کرده اند و بدین ترتیب امید می رفت رهبری حزب از این آزمون حیثیتی سربلند بیرون بیاید. اما در عین حال اوضاع دشوار دامنگیر حزب پان ایرانیست و اینکه دولت و حاکمیت اجازه نمی دادند این حزب در بزرگداشت انقلاب سفید مراسمی حتی پر از تملق و تحسین شاه برگزار کند، بسیاری از اعضای میانی و عادی این حزب را نومید و ناراحت ساخته بود. این موضوع باعث شده بود - در برخی جلسات حزبی به اوضاع دشوار پیش آمده برای اعضای حزب، و مهمتر از آن کارنامه غیرقابل دفاع حیات ده ساله انقلاب سفید انتقاداتی وارد شود. از جمله:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ساعت ۳۰/۱۸ روز ۷/۱۰/۵۱ تعدادی در حدود

۲۴ نفر از اعضای نیروهای مختلف حزب پان ایرانیست و شش نفر از اشخاص علاقه مند به حزب که بنا به دعوت اعضا برای شرکت در کنفرانس روز مزبور در محل حزب دور هم گرد آمده بودند ابتدا حافظ کهوائی مسئول حزب درباره پیدایش انقلاب و اقدامات حزب پان ایرانیست در روز اخذ آراء اظهار داشت که حکومت حزبی یا حزب حاکمه معنای انقلاب را آن طوری که باید و شاید نفهمیده در نتیجه پس از ده سال کاری صورت نداده اند و انقلاب باید تمام آزادی را در بر داشته باشد. من که آزادی سیاسی ندارم و نمی توانم از ترس عمال حزب حاکمه قدم بردارم و برای کنفرانس ها تبلیغ نمایم، چه انقلاب و چه پیشرفتی؟ کنفرانس در ساعت ۳۰/۲۰ پایان یافت لکن بحث آزاد درباره پیشرفت انقلاب تا ساعت ۰۰/۲۱ ادامه یافت و یکی از اعضا به نام حسن عظیم الشأن بیان داشت با تمام ساز و دهل می گویند اثر انقلاب در دهات نمایان شده و کشاورزان با فکر روشن زندگی خود را ادامه می دهند ولی تعدادی از آنان که برای انجام خدمت نظام وظیفه احضار می شوند و آن عده ای که برگ معافی می گیرند باید مبلغی رشوه بدهند تا برگ معافی خود را اخذ کنند و

اضافه کرد این اتفاق برای برادر کوچک همسر من افتاده است. آنگاه حافظ کهوائی بیان داشت خودشان هم می گویند که ما در بعضی از موارد انقلاب شکست خورده ایم.(۱)

هر چه موعد برگزاری کنگره بزرگداشت دهه انقلاب سفید با کارگردانی هویدا نزدیک تر می شد، رهبران حزب پان ایرانیست نومیدتر از گذشته توجیه می کردند که عدم دعوت از آن و حضور نیافتن رسمی حزب در کنگره باعث می شود بعداً دولت هویدا نتواند ادعا کند که حزب پان ایرانیست هم عملکرد دولت او درباره لوایح انقلاب سفید را تأیید کرده است. البته ساواک این توجیه رهبران حزب پان ایرانیست را صرفاً بهانه ای ارزیابی می کرد برای رهایی از تأمین مخارج جشن های مذکور:

ساعت ۳۰/۱۷ روز ۱۳/۱۰/۵۱ آقایان محسن پزشکپور، محمدرضا عاملی تهرانی، مهدی مظفرپور، مجید ضامنی، هوشنگ طالع، ابراهیم میرانی، روناسی از بروجرد، عبدالله قنبری، فرج اله نیک مآل، عبدالحمید معصومی، سهراب زنگنه، محمد جهانگیری در محل حزب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پـان ایرانیست حضور داشـتند. ابتـدا روناسـی از اینکه رهبران حزب در کمیته برگزاری دهه انقلاب شـرکت نکرده انـد سـخت انتقاد نمود و این کار را نوعی شـکست حزبی نام برد و در جواب هوشـنگ طالع گفت اصولاً حزب اکثریت می دانـد که ما با طرح انقلاب کاملاً موافق هستیم ولی با نحوه اجرای آن خیر [ناخوانا] ما را

درکمیته راه نخواهند داد و صدای ما را به گوش دیگران نمی رسانند و چنانچه اجازه بدهند در کمیته شـرکت کنیم بعد اعلام می کننـد کـه حزب پـان ایرانیسـت از اجرای دهه انقلاب حمـایت کرده است و به این علت حزب در مراسم مـذکور شـرکت نخواهد نمود.

نظریه یکشنبه: به صحت گزارش شنبه می توان اعتماد نمود.

نظریه چهارشـنبه: از مـدت هـا قبـل محسن پزشـکپور در مورد عـدم وجود تمکن مـالی و تأمین مخارج جشن های دهه انقلاب اظهاراتی در حزب می نمود که به نظر می رسـد این عـدم شـرکت مربوط به امور مالی باشـد معهذا به این صورت آن را جلوه می دهند.(۱)

کنگره بزرگداشت دهه انقلاب سفید از اول بهمن ماه ۱۳۵۱ کار خود را آغاز کرده و پیشاپیش اعلام شده بود، که دبیران کل و رؤسای سه حزب ایرانیان، مردم و ایران نوین در بعد از ظهر روز دوم بهمن در کنگره سخنرانی خواهند کرد و بنابراین هویدا حزب پان ایرانیست را به کلی نادیـده گرفته بود، اما ناگهان اعلام شد به رغم برنامه ریزی های صورت گرفته شـخص محسـن پزشـکپور هم در کنگره سخنرانی خواهد کرد و او موفق شد در ساعت شانزده روز دوم بهمن ماه ۱۳۵۱ سخنرانی خود را آغاز نماید. هنگامی که ساواک تهران طی نامه ای خطاب به اداره کل سوم آن سازمان درباره این تغییر برنامه کنگره اسـتعلام کرد، پاسخ شـنید که «سـخنرانی مشارالیه [پزشکپور] طبق دستور صادره بوده است». اما نکته جالب تر پرهیز پزشکپور از انتقاد صریح و مستقیم از دولت هویدا و

حزب ایران نوین بود، که نشان می داد در این باره پیشاپیش به وی تذکر داده شده است. نطق پزشکپور هیچ نکته تازه ای دربر نداشت و تکرار همان مکررات درباره انقلاب سـفید، و مشـحون از چاپلوسی و تملق از شاه بود. البته پزشکپور فرصت را مغتنم دانست و در لابه لای سخنان خود بر لزوم وجود «احزاب» و نقش آنها در جامعه سخن گفت؛ که این



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

می توانست کنایه ای باشد به دولت و محدودیت هایی که برای حزب پان ایرانیست ایجاد شده بود. پزشکپور نطق خود را با شعار «پاینده ایران، افتخار بر آریامهر شاهنشاه ایران» پایان داد.(۱)

دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست این سخنرانی پزشکپور را چاپ و در صدها نسخه تکثیر و برای اعضا و تشکیلات حزب در سراسر کشور ارسال کرد. ضمن اینکه برخی روزنامه ها هم، نظیر روزنامه کیهان متن این سخنرانی را تقریباً به طور کامل منتشر کردند که نشان می داد دولت و حاکمیت از محتوای سخنان پزشکپور رضایت داشته است.

در روز پنجم بهمن ماه ۱۳۵۱ که مقارن با آخرین روزهای برگزاری کنفرانس های زنجیره ای پان ایرانیست ها به مناسبت تجلیل از انقلاب سفید شاه بود، در دفتر مرکزی این حزب در تهران کنفرانسی بزرگتر و پر سر و صداتر تشکیل شد که محسن پزشکپور سخنران اصلی آن بود. برخلاف سخنرانی در کنگره دهه انقلاب سفید در روز دوم بهمن ۱۳۵۱، در این کنفرانس پزشکپور دولت هویدا را به خاطر ناتوانی در تحقق اهداف انقلاب سفید مورد انتقاد قرار داد. ساواک در مجموع از عملکرد و موضع گیری کلی این حزب در قبال انقلاب سفید ابراز رضایت می کرد و در ذیل بسیاری از گزارش های ارسالی ساواک از شهرستان های مختلف که برگزاری کنفرانس های حزب پان ایرانیست به مناسبت بزرگداشت دهه انقلاب سفید را روایت می کردند، کارشناسان ساواک یادآور می شدند که «همه اعضا و سخنرانان از برنامه های شاهنشاه آریامهر تعریف و تمجید نمودند» و یا متذکر می شدند «اکثر اعضای حزب پان ایرانیست این شهر افرادی وطن پرست و شاه دوست می باشند».(۲)

در سال ۱۳۵۲ نیز حزب پان ایرانیست در سالگرد انقلاب سفید شاه در بهمن ماه مراسم و جشن هایی در تهران و برخی دیگر از شهرهای کشور برگزار کرد. برای رهبران حزب، افسوس بزرگتر همواره آن بود که برخلاف نیت خیر و آمادگی دائمی آنان، شخص شاه حزب پان ایرانیست را مورد عنایت قرار نمی داد و رهبر پا به خدمتِ آن حزب را در مقام



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نخست وزیری جایگزین هویدای کینه توز و فرصت سوز نمی کرد؛ چنانکه در بیست وسوم مرداد ماه ۱۳۵۳:

ساعت ۰۰/۱۸ روز سه شنبه اعضای حزب پان ایرانیست رضائیه در دبیرستان شاهدخت اجتماع نمودند و محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست مطالبی به شرح زیر ایراد نمود.

از طرف رهبر مملکت فرمانی به وزارت کشور صادر شده که هیچ استانداری یا فرمانداری و یا بخشداری حق ندارند در انتخابات به طرفداری یک حزب کاری انجام بدهند. اگر چنین باشد و حتماً هم خواهد شد حزب پان ایرانیست چندین نماینده [در] مجلس شورای ملی خواهد داشت و اگر کوچکترین تخلف دیده شود حزب پان ایرانیست باز مثل سابق در انتخابات شرکت نخواهدکرد.

اهالی غیور رضائیه، حزب حاکم ۱۱ سال است با تمام امکانات که در دست دارد نتوانسته خواسته های ملت ایران را بجا آورد من از شما انتظار دارم با پان ایرانیست همکاری کنید. ششم بهمن ماه

۴۱ موقعی که لوایح ششگانه از طرف رهبر مملکت برای ملت ایران هدیه گردید و ملت ایران با جان و دل آن را استقبال کردند از حزب حاکم خبری نبود، فقط حزبی که لبیک گفت و از لوایح شش گانه استقبال نمود حزب پان ایرانیست بود حالا حزب حاکم، پاسدار انقلاب شاه و مردم شده است.

پاسدار انقلاب شاه و مردم حزبی [باید] باشد که به انقلاب مؤمن باشد. انقلاب شاه و مردم انقلابی است بس عظیم که تاکنون در دنیا نظیر آن دیده نشده است ولی حزب حاکم در اجرای آن عاجز است. من با صدای بلند می گویم حزب حاکم نمی تواند کاری را انجام دهد.(۱)

با این حال پان ایرانیست ها هیچ گاه امید خود را از دست ندادند. همچنانکه پزشکپور در بیست وچهارم آبان ماه ۱۳۵۳ و در میتینگ حزب پان ایرانیست در شهر شوش خاطرنشان ساخته بود: «ما سربازان رزم شاهنشاهی ایران هستیم و برای همین منظور است که رسالت خود را بازیافته ایم و به هر کجا می رویم از اصول ترقی طلب انقلاب شاه و ملت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

سخن می گوییم و ما آنچنان محیطی نیاز داریم که بتوانیم آزادانه از افکار خود سخن بگوییم و اجراکنندگان نظریات شخص اول مملکت باشیم».(۱)

در بهمن سال ۱۳۵۳ هم حزب پان ایرانیست سالگرد انقلاب سفید شاه را باز با تمجید و ستایش از او گرامی داشت. بنابر گزارش ساواک:

ساعت ۳۰/۱۶ روز یکشنبه ۶/۱۱/۵۳ میتینگی به منظور بزرگداشت سالروز انقلاب تاریخی شاه و ملت با شرکت طبقات مختلف اجتماع و احزاب ایران نوین و پان ایرانیست آغاجاری در میدان ششم بهمن امیدیه تشکیل شد که در آن نمایندگان فرهنگیان، سپاهیان انقلاب، زنان، کشاورزان، کارگران، اصناف و احزاب ایران نوین و پان ایرانیست سخنرانی کردند و ضمن تشریح مواد انقلاب و قرائت آن در همه شئون مملکت و سپاس و قدردانی از شاهنشاه آریامهر رهبر انقلاب فداکاری خود را در راه اجرای منویات شاهنشاه آریامهر اعلام و نطق خود را با شعارهای زنده باد شاهنشاه آریامهر، جاوید ایران، برقرار باد پرچم سه رنگ ایران خاتمه می دادند لکن آقای طلایی مسئول حزب پان ایرانیست بهبهان که برای شرکت در میتینگ به آغاجاری آمده بود در سخنرانی خود ضمن اشاره به روز تاریخی ششم بهمن اظهار داشت در آن روز حزب پان ایرانیست تنها حزب اداری روشن است و در خاتمه ضمن شعار زنده باد شاهنشاه آریامهر نطق خود را با گفتن زنده باد سرور محسن پزشکپور پایان داد.

نظریه شنبه: صحت خبر مورد تأیید

می باشد. ضمناً به استحضار می رساند نظر به اینکه در چنین مراسم پرافتخاری همه نمایندگی طبقات شرکت کننده به منظور سپاس از شاهنشاه آریامهر و ابراز جانبازی در راه معظم له و ستایش از ثمرات همه جانبه انقلاب شاه و مردم اجتماع و سخنرانی کرده اند و حق هم همین می باشد و در تمام مدت میتینگ تأکید می گردید که تمام ملت ایران به ندای انسان دوستانه رهبر عالیقدر خود جواب مثبت داده، اظهارات آقای طلایی در مورد اینکه فقط حزب پان ایرانیست در آن روز پاسخ مثبت داده خصوصاً انتقاد وی از ماده ۱۲ انقلاب و اینکه در خاتمه سخنرانی خود زنده باد پزشکپور را ادا کرده تأثیر مطلوبی در افکار عمومی به جای نگذاشت به طوری که اکثریت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

شرکت کنندگان با نگاه های استفهامی به یکدیگر نگاه می کردند و قیافه ناراحتی پیدا کرده بودند. ضمناً رویه یادشده قبلاً نیز طی گزارشات مستمر تقدیم گردیده است.(۱)

پان ایرانیست ها در همه مراسم و جشن های به مناسبت بزرگداشت آن واقعه، «ضمن تشریح اصول انقلاب [سفید] سرسپردگی اعضای حزب [پان ایرانیست] را به اصول انقلاب

اعلام» می کردند و به رغم عجز دولت هویدا به زعم خود «از ثمراتی که از انقلاب نصیب ملت ایران گردیده بود» سخن ها می راندند.(۲)

## در تکاپوی انتخابات دوره بیست وچهارم مجلس شورا

همچنانکه می دانیم، هویدا احتمالاً ـ با نظر مساعد شاه مانع از حضور فعال پان ایرانیست ها در انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورا شده و در آن دوره حزب پان ایرانیست نماینده ای در مجلس نداشت. هر چند به تدریج از دامنه نامهربانی ها نسبت به این حزب کاسته شد، اما طی دو سه سال نخست پس از آغاز و تداوم فعالیت دوره بیست وسوم هیچ گونه قرینه ای وجود نداشت که نشان دهد پان ایرانیست ها شانسی برای حضور جدی در انتخابات بعدی داشته و مهمتر از آن بتوانند نماینده ای راهی دوره بیست و چهارم کنند. اما هنگامی که به دنبال ترمیم کابینه هویدا در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ و قرار گرفتن دکتر جمشید آموزگار در رأس وزارت کشور شاه مقرر گردید از آن پس وزیر کشور، استانداران و فرمانداران از میان افراد غیرحزبی برگزیده شوند (و مقصود آن بود که از آن پس این مشاغل سیاسی و اداری از سلطه حزب ایران نوین خارج شود)، پان ایرانیست ها به سرعت نتیجه گرفتند که جواز حضور فعال در انتخابات بعدی مجلس شورا صادر شده است. در همین راستا بود که بلافاصله پزشکپور کارگردانان و مسئولان حزب پان ایرانیست را امیدوارانه به لزوم تمهید مقدمات زودهنگام برای شرکت فعال در آن انتخابات که هنوز زمانی بیش از یک سال به موعد برگزاری آن باقی مانده بود، فراخواند و به دنبال آن از حدود اواخر اردیبهشت ماه ۱۳۵۳ پزشکپور و دیگر رهبران حزب پان ایرانیست به تناوب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

سفرهای تبلیغاتی و حزبی خود را به شـهرهای مختلف کشور آغاز کردند و از همان ابتدا هم به مخاطبان کم شـمار خود تأکید و تصـریح می نمودنـد، با اعلام غیرحزبی بودن مقامات ریز و درشت وزارت کشور که مفهوم آن از میان رفتن قدرت و سـلطه انحصاری دولت و حزب ایران نوین است، حزب پان ایرانیست در انتخابات آتی پیروزی چشمگیری کسب خواهد کرد.

رهبران حزب پـان ایرانیست بر این باور هم بودنـد که طرح غیرحزبی شـدن وزارت کشور یک پیام مهمتر هم دارد و آن نومید شدن شاه از حزب ایران نوین و دولت هویداست. در هر حال همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، دسـتگاه رهبری حزب پان ایرانیست امیدوارانه فعالیت زودهنگامی برای حضور تأثیرگذار در انتخابات پیش رو آغاز کرده بود:

روز ۷/۳/۵۳ محسن پزشـکپور در محـل حزب اظهـار نمود افرادی که در شهرسـتان هـا امکان مالی و فعالیت داشـته باشـند می توانند در انتخابات آینده مجلس شورای ملی فعالیت نمایند و خود پزشکپور نیز این دوره فعالیت انتخاباتی در خوزستان خواهد نمود و احیاناً از خرمشهر کاندیدا خواهد شد و دکتر محمدرضا عاملی از کردستان کاندیدا می باشد.

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه یکشـنبه: میتینـگ های اخیر حزب پان ایرانیست که در شهرسـتان ها برگزار می شود به منظور موفقیت بیشتر در انتخابات آینده مجلس شورای ملی است که با اعمال مراقبت های لازم فعل و انفعالات مربوطه به موقع گزارش خواهد شد.(۱)

سخنرانان از لزوم حضور و مشارکت اعضا و هواداران حزب در سطوح مختلف در انتخابات دوره بیست و چهارم مجلس شورا سخن به میان آورده و امیـدوارانه مـدعی پیروزی قطعی حزب در انتخابات می شدند. در همان حال اعضای قدیمی تر حزب به رهبران و مسئولان حزب هشدار می دادند، در موضوع انتخاب نهایی کاندیداهای حزب

برای حضور در عرصه انتخابـات مجلس ملاـحظه افراد به اصـطلاح اسـتخوان خردکرده تر حزب را بکننـد و اجـازه ندهنـد تازه واردان در حزب که عمـدتاً برای حضور در انتخابـات عضویت حزب را پـذیرفته انـد، میـدان دار انتخابـات شونـد. در هر حـال موضوع انتخابات،



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

دستاویز و فرصت مناسبی در اختیار رهبران حزب پان ایرانیست قرار داده بود تا با وعده های انتخاباتی، اعضا و هواداران پراکنده و کم شمار حزب را مهیای حضور فعال تر در عرصه فعالیت های حزبی سازند. این معنی در گزارش زیر به وضوح قابل ردیابی است:

ساعت ۳۰/۱۹ روز ۲۱/۵/۵۳ جلسه عمومی حزب پان ایرانیست با شرکت حدود ۴۵ نفر از اعضای حزبی در محل حزب پان ایرانیست تشکیل گردید. مهدی صفارپور ضمن اشاره به لزوم تشکیل این جلسات به طور ماهانه اظهار نمود به افرادی که فعلاً در مرخصی هستند و واجد شرایط می باشند اطلاع داده خواهد شد و فرم هایی که شامل نام، نام خانوادگی و آدرس محل کار و سکونت بود بین حضار تقسیم و پس از تکمیل جمع آوری شد تا در صورت لزوم جهت شرکت در جلسات متشکله در محل حزب از آنان دعوت شود، سپس دکتر محمدرضا عاملی شروع به صحبت نمود و مطالبی در مورد نحوه انتخابات آینده و نقش حزب پان ایرانیست ایراد نمود و افزود از حالا تا نزدیک شدن به صندوق های رأی یک برنامه داریم و پس از اینکه نام کاندیداهای حزب پان ایرانیست از صندوق ها بیرون آمد برنامه ای دیگر و برای پیشبرد نهضت پان ایرانیست است. و

اضافه نمود حالا ـ که به ما فرصت داده شده فعالیت کنیم و بین مردم برویم نهایت استفاده را برای اندیشه خود یعنی پان ایرانیست و ناسیونالیسم می نماییم و اگر موفقیت صد در صد در انتخابات تضمین شود و این موفقیت را با پیشنهاد دو شرط پیش ما قرار دهند اول با خواسته پان ایرانیست دوم بدون خواسته پان ایرانیست ما بدون شک راه اول را انتخاب می نماییم، اگر چه در انتخابات هم موفق نشویم و اصولاً ـ ما برای اینکه بهتر خواسته های ناسیونالیسم ملت ایران را مطرح کنیم خواستار کرسی های مجلس هستیم و شاید هم بتوانیم با پشتیبانی ملت ایران که با ایده پان ایرانیست آشنا شده اند دولت را در دوره های بعدی تشکیل دهیم و در حال حاضر آنچه مطلوب ما می باشد این است که از فرصت داده شده بی نهایت استفاده نماییم و هر چه بیشتر پان ایرانیست را در اجتماعات و سخنرانی های انتخاباتی به مردم بشناسانیم حال اگر هم انتخاب نشدیم ضرر نکرده ایم و افراد بیشتری را به حزب و ایده خود جذب نموده ایم.(۱)

در این میان رهبران حزب از هیچ فرصتی برای یادآوری فساد و ناکارآمدی دامنگیر



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

دولت هویدا و حزب ایران نوین فروگذار نمی کردند تا نشان دهند نسبت به پیروزی حزب خود در انتخابات آتی اطمینان زیادی دارند؛ چنانکه یک بار پزشکپور در این باره گفته بود:

حزب حاکمه نتوانسته هدف های انقلاب سپید ایران را آن طور که مورد نظر رهبر مملکت است انجام دهد و افزود اگر انقلاب اداری انجام می شد، اگر فساد و سوء استفاده ها از بین می رفت ما هر روز شاهد دستگیری عده ای در بخش دولتی و خصوصی نبودیم و روزنامه ها ماجراها را نمی نوشتند و از همه مهم تر شما باید بدانید که شاهنشاه ایران زمین به همین منظور و به خاطر جلوگیری از این مسائل دستورات خیلی قاطع و صریح صادر فرمودند. وی گفت در اثر اندیشه های بزرگ و بلند رهبر ایران برخلاف انتخابات قبلی چون دستور مبنی بر بی طرفی وزارت کشور و سایر مقامات ذیربط در انتخابات به وسیله رهبر مملکت صادر شده لذا حزب پان ایرانیست در انتخابات شرکت می کند و از هم اکنون خود را آماده نموده است.(۱)

ساواک که تحرکات پان ایرانیست ها برای شرکت فعال در انتخابات مجلس شورا را از نزدیک تحت مراقبت داشت از گسترش چشمگیر گردهمایی ها و نشست های انتخاباتی این حزب در شهرهای مختلف در طول پاییز ۱۳۵۳ خبر می داد؛ از جمله در گزارشی به

تاریخ شانزدهم آبان ماه ۱۳۵۳:

دستوراتی به شرح زیر از طرف آقای محسن پزشکپور در منزل دکتر فریور به مسئولین حزب در رضائیه داده شد و تأکید گردید که فوراً اجرا شود.

۱- فعالیت گسترده در روستاها با تشکیل شوراهای مشورتی.

۲- تشکیل نشست های حزبی.

۳- هر ۱۵ روز کنفرانس به سرپرستی دکتر فریور تشکیل گردد.

۴- در عرض ۵ ماه آینده باید چنان کوشش گردد که در انتخابات آینده موفقیت حاصل شود زیرا به فرمان شاهنشاه آریامهر انتخابات کاملاً آزاد است و هیچ مقامی مداخله نخواهد کرد و فرمان هایی که شاهنشاه آریامهر صادر فرموده اند همه اش مورد قبول و از خواسته های



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

حزب پان ایرانیست بوده است.(۱)

هر چند مسئولان و رهبران حزب کم مقدار پان ایرانیست مدعی بودند در میان مردم کشور هواداران پرشماری دارند. با این حال حتی ساواک هم این گونه اغراق گویی های پان ایرانیست ها را بسیار دور از ذهن ارزیابی کرده و به ویژه انتقادات گاه شدید و غیرمعمول آنان از دولت هویدا و حزب ایران نوین را برنمی تابید و بر این باور بود که موضع گیری هایی از این دست حتی اگر موقعیت حکومت را نزد افکار عمومی تنزل دهد موجب ارتقای جایگاه پان ایرانیست ها در نزد مردم کشور نخواهد شد. بنا به گزارش ساواک

در سی ویکم آبان ماه ۱۳۵۳:

ساعت ۰۰/۱۶ روز پنجشنبه میتینگی از طرف حزب پان ایرانیست آغاجاری در منطقه امیدیه صنعتی برگزار گردید. ابتدا سرود شاهنشاهی نواخته شد، بعد سرآغاز حزبی توسط منتظری قرائت گردید، سپس قاطع به شرکت کنندگان خوش آمد گفت و آنگاه شریفی قطعه شعری را خواند و و خدامراد غیبی از طرف کارگران صنعت نفت آغاجاری صحبت کرد. آنگاه مهندس موسوی در مورد فعالیت های حزب پان ایرانیست و اشاره به احزاب دیگر سخنرانی نمود و بعد آقای طلایی درباره تاریخچه ۳۳ ساله فعالیت حزب پان ایرانیست و فعالیت های این حزب و مشکلاتی را که برایش پیش آمده صحبت کرد و نسبت به حزب اکثریت شدیداً انتقاد نمود و اضافه کرد که چون حزب حاکم نتوانسته انقلاب شاه و ملت را به ثمر برساند شاهنشاه ناچاراً فرمان هایی برای رفاه حال مردم صادر می فرمایند و با اشاره به نزدیک بودن انتخابات و چگونگی دخالت هایی که در انتخابات گذشته می شد گفت قبلاً۔ مردم آراء خود را به حسن می دادند اما از صندوق نام تقی بیرون می آمد ولی امسال شخص اول مملکت در انتخابات نظارت کامل دارند و انتخابات

آزاد انجام خواهد شد. من نمی گویم به ما رأی بدهید ولی می گویم اگر [اول] قضاوت کنید بعد رأی بدهید. ضمناً سرور پزشکپور روز ۲۵ آبان ماه به آغاجاری می آیند و میتینگ بزرگی در میدان جعفر تشکیل خواهیم داد و از همه مردم دعوت می کنیم شرکت نمایند و در خاتمه هفت پیمان قرائت شد.

نظریه شنبه: انتقادات آقای طلایی بسیار شدید بود و تعداد شرکت کنندگان در میتینگ



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

قریب ۵۰ نفر بودند.

نظریه یکشنبه: افراد شرکت کننده در میتینگ اعم از اعضای حزب مذکور در آغاجاری و بهبهان و تماشاچی بسیار محدود بود [و] تـا اواخر میتینـگ قریب یکصـد نفر شـده بودنـد لیکن نکته قابـل تـوجه در این میتینـگ هـا و اجتماعـات نحوه انتقـادات و اظهارات شدیـداللحن آقای طلائی و موسوی می باشـد زیرا این افراد بدون توجه به چگونگی نتیجه گیری مردم از اظهاراتشان هـدفشان بـه دسـت آوردن اکـثریت می باشـد که به نظر می رسـد رسـیدن به این هـدف چه از طرف این حزب و چه از طرف احزاب دیگر نتیجه ای جز انحراف فکری جوانان و سلب اعتماد مردم نسبت به مقامات عالیه مملکتی نخواهد داشت.

نظریه ۴۶ ه : همان طور که در گزارش خبری به عرض رسـید اصلح است حزب پان ایرانیست را به اعتدال و میانه روی بیشتری تشویق و راهنمایی نمود.(۱)

موضوع انتخابـات فرصت مطلوبی برای رهبری حزب پـان ایرانیست فراهم آورده بود تـا طی چنـد مـاه پایانی سال ۱۳۵۳ برخی شعب و دفاتر تعطیل شده حزب در شهرهای مختلف را بازگشایی کند و نیز در پاره ای از شهرهای بزرگ برای اولین بار شعبه حزب را دایر نمایـد. پزشـکپور دربـاره فرصـت انتخابـات برای گسـترش فعـالیت هـای حزبی به یکی از مسـئولان حزب در یزد (منوچهر یزدی) گفته بود، «پیروزی و شـکست برای مـا مطرح نیست و ما بنا به مصـلحت مملکت در هر جا که حزب داریم در انتخابات شرکت خواهیم کرد و این فرصتی است که صفوف خود را متشکل تر کنیم».(۲)

سـاواک هم در برخی تحلیـل هـای خود این گونه فضاسـازی های تبلیغاتی این حزب را «صـرفاً اغفال مردم برای جلب آنان به حزب و ازدیاد عضو» ارزیابی می نمود. ساواک تصـریح می کرد، از تبلیغات صورت گرفته حتی این هدف اخیر رهبران حزب پـان ایرانیست هم محقق نمی شود و مهمترین نتیجه آن «بـدبین نمودن افکـار مردم نسـبت به مسـئولین مملکتی و آمـاده نمودن محیط نامناسب برای افراد فرصت طلب» خواهد بود.

ساواک و حاکمیت علاقه مند نبودند گستره انتخابات تا حد رسواسازی مجموعه

ص:۴۱۴

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اداره کنندگان کشور گسترش یابد، چنانکه در جریان یکی از همین میتینگ های تبلیغاتی در تاریخ بیست وهشتم آذر ماه ۱۳۵۳ پزشکپور گفته بود:

ما در شرایطی بودیم که در هر گوشه وطن ما یک سیاست وابسته به بیگانه برای تجزیه ایران، برای غارت حقوق جدیدی از ملت ایران توطئه و دسیسه می کردند.

توطئه برای تجزیه آذربایجان، توطئه برای کردستان، توطئه برای خوزستان و سرزمین های شمالی. اما در این توطئه ها چه کسانی و چه گروه هایی شرکت داشته اند. من با کمال صراحت بیان می کنم سوای رهبر ملت ایران شاهنشاه آریامهر، سوای حزب پان ایرانیست، غالب ارگان ها، احزاب و عوامل حاکمه موجود دانسته و یا ندانسته آگاه یا ناآگاه آشکار یا غیرآشکار در این توطئه های ضدملی دخالت داشتند. شاید خیلی ها تعجب کنند ولی این ادعانامه حزب پان ایرانیست است و حزب پان ایرانیست خیلی ها را بر روی صندلی اتهام می نشاند و از نظر حزب پان ایرانیست خیلی ها بر صندلی اتهام نشسته اند. ما نمی توانیم به هیچ عنوان چنین کسانی را شایستگی ]شایسته[ قرار گرفتن در موقعیت های رهبری سیاسی و اجتماعی بدانیم. برخی ها مستقیماً در این توطئه ها دخالت داشتند که اسناد و دلایل آن موجود است، مستقیماً زیر اعلامیه هایی را امضا گذاشتند، مستقیماً برابر ملتشان ایستادند، آشکارا به ملتشان پشت کردند، سر به آشیانه سیاست هایی که آنها طی ۱۵۰ سال تاریخ گذشته جز چنگ کشیدن به روی ملت ایران کاری نداشتند. در چنین شرایط حزب

پان ایرانیست چه گفت و چه کرد. من نمی فهمم این مدعیان سیاسی چه می گویند. اگر اوراق زندگی بعضی از آنها ورق زده شود جز اینکه عرق شرم بر پیشانی آنها نشسته شود هیچ حالت دیگری نمی توانند پیدا کنند.

مبارزات ما به جایی رسیده که دیگر ضرورت ندارد پان ایرانیست ها برای ملت ایران دلایلی را نشان دهند، اوراقی را نشان دهند. ما سال گذشته در انتخابات شرکت نکردیم لکن امسال که رهبر عالیقدر ایران فرمودند انتخابات باید در کمال آزادی انجام شود به همین دلیل حزب ما هم در انتخابات امسال شرکت می نماید. ما در انتخابات گذشته شرکت نکردیم چون ما نخواسته ایم دوره چهارساله را هشت سال و هشت ساله را دوازده سال نماییم، من نمی گویم به چه کسی رأی بدهید، من می گویم بروید مطالعه کنید و به کسی رأی بدهید که پیش وجدان خود ناراحت نشوید. ما تا به حال به کسی پشت نکرده ایم. دروغ نگفته ایم، راه

حقیقت پیموده ایم ولی به حزب حاکم بگویید با تمام امکانات در مدت ۱۲ سال چکار کرده است؟ اگر اقداماتی انجام شده فقط تحت رهبری های خردمندانه شاهنشاه آریامهر

بوده است.(۱)

بدین ترتیب تبلیغات انتخاباتی پان ایرانیست ها تا اوایل اسفند ماه **۱۳۵۳** که بالاخره فرمان انحلال احزاب حاضر در عرصه سیاست رسمی کشور از سوی شاه صادر شد، ادامه یافت.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

## فصل هشتم: از تک حزب رستاخیز تا انقراض رژیم شاهنشاهی در ایران (۱۱ اسفند ۱۳۵۳-۲۲ بهمن ۱۳۵۷)

### تأسیس حزب رستاخیز و انحلال حزب پان ایرانیست

درباره روند، دلایل و چگونگی تشکیل حزب رستاخیز و پایان فعالیت احزاب حکومت ساخته پیشین (ایران نوین، مردم، ایرانیان و پان ایرانیست) از شامگاه روز یکشنبه یازدهم اسفند ماه ۱۳۵۳، نگارنده این سطور پیش از این پژوهش های گسترده ای انجام داده است که حاصل آن چاپ و منتشر شده است.(۱) به رغم آنکه گمان می رود چند نفری در رأس دولت و حاکمیت نظیر امیرعباس هویدا پیشاپیش از تصمیم شاه مبنی بر انحلال احزاب موجود و تأسیس حزبی واحد و به اصطلاح فراگیر، اطلاعاتی کلی و در عین حال مبهم داشتند، با این حال اکثریت قریب به اتفاق رجال، دولتمردان و کارگزاران دولتی و حکومتی و حتی شخصی مانند امیراسدالله علم وزیر دربار که به دستور شاه مأمور تشکیل جلسه بعد از ظهر روز یکشنبه یازدهم اسفند ماه ۱۳۵۳ شده و افراد و شخصیت های دلخواه شاه و از جمله دبیران کل و رؤسای چهار حزب رسمی را به آن مراسم دعوت کرده بود نیز نمی دانست

ص:۴۱۷

---

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره بنگرید به: مظفر شاهدی، حزب رستاخیز؛ اشتباه بزرگ، ۲ ج، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶. مظفر شاهدی، سه حزب (مردم، ملیون، ایران نوین)، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷.

شاه به چه منظوری این نشست را برگزار می کند. به همین دلیل وقتی شاه پس از سخنانی مقدماتی، لزوم انحلال احزاب رسمی کشور و پیوستن همه اعضای آنها (نظیر دیگر آحاد مردم کشور) به حزب واحد مورد نظرش را گوشزد حاضرین در جلسه کرد، تقریباً همه حضار متحیر شدند؛ اما کسی از حاضرین در جلسه را جرأت آن نبود که آشکارا با این تصمیم شاه مخالفت کند. سخنان شاه تحکم آمیز و اجرای آن برای صاحبان احزاب مذکور که مطیع کامل شاه و رژیم بودند، چاره ناپذیر بود.

شاه تصریح کرد، کسانی که به سه اصل «قانون اساسی، نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن» باور دارند، ضرورتاً باید بلافاصله و بدون فوت وقت، از دیگر علایق حزبی و سیاسی خود دل کنده، به حزب واحد رستاخیز بپیوندند و اضافه کرد، مخالفین با این ایده سیاسی جدید او «توده ای و یا بی وطن» هستند که «خائن» محسوب شده و جایشان «در زندان» است و در غیر این صورت چون نمی شود این افراد اخیر را ایرانی دانست بلافاصله با دریافت گذرنامه باید کشور را ترک کنند. اما شاه کسانی را که به زعم او «توده ای» نباشند و «بی وطن هم» نباشند «ولی به این جریان [مقصود پیوستن به حزب رستاخیز بود] هم عقیده نداشته» باشند «آزاد» گذارده بود، با این شرط که «توقعاتی هم نداشته» باشند! بدین ترتیب شاه تقریباً به صراحت تمام مردم کشور را مجبور می کرد در حزب واحد رستاخیز عضو شوند.(۱) محسن پزشکپور، رهبر حزب پان ایرانیست که در آن جلسه شرکت کرده بود، هیچ انتظار نداشت از رهبری بلامنازع این حزب دل کنده و لقب «سرور» و اسم مستعار «پندار» خود را به کناری نهاده و به جریان سیاسی غیرقابل پیش بینی جدید بپیوندد. برای پزشکپور تقریباً آشکار بود با حضور امیرعباس هویدا در رأس تک حزب جدید، شأن و منزلتی قابل اعتنا نخواهد داشت.

در پایان سخنان شاه که خبرنگاران و روزنامه نگاران حاضر در جلسه سؤالاتی از او پیرامون این مولود جدید سیاسی حزبی پرسیدند، محسن پزشکپور هم که احساس می کرد تمام آن رؤیاهای پیشین در حال نابودی است وقتی از شاه پرسید، آیا احزاب موجود اجازه



---

۱- محمدرضا پهلوی، مجموعه تألیفات، نطق ها، پیام ها، مصاحبه ها و بیانات اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران، ج ۹، صص ۷۸۵۹-۷۸۳۴.

دارند با قبول آن سه اصل مورد عنایت او (قانون اساسی، نظام شاهنشاهی و انقلاب ششم بهمن) کماکان به فعالیت خود ادامه دهند، با واکنش و پاسخ منفی و در عین حال تند شاه مواجه شد که گویا به سخنان او توجه لازم را نکرده است. یکی از روزنامه نگاران حاضر در آن جلسه بعدها در این باره نوشته بود:

در این جلسه سؤالات مختلفی مطرح شد، که تکرار همه آنها در اینجا موردی ندارد، ولی اشاره به چند سؤال و پاسخ شاه به آنها ضروری به نظر می رسد. آقای پزشکپور که به عنوان رهبر حزب پان ایرانیست در آن جلسه شرکت کرده بود سؤالی به این مضمون مطرح کرد که آیا فعالیت احزاب مختلف با قبول سه اصل مورد نظر اعلیحضرت اشکالی دارد؟ شاه با لحنی خشم آلود پاسخ داد که معلوم می شود شما به حرف های من توجه نکرده اید، اگر قرار باشد باز هم احزاب مختلف فعالیت کنند و بازی اقلیت و اکثریت تکرار شود چه فرقی با حالا خواهد داشت؟(۱)

بدین ترتیب شاه با این واکنش تند حجت را بر محسن پزشکپور تمام کرد که چاره ای جز انحلال حزب پان ایرانیست خود و پیوستن به حزب واحد رستاخیز ندارد. البته پزشکپور بسیار فرصت طلب تر از آن بود که بیش از این در پایان بخشیدن به فعالیت رسمی حزب پان ایرانیست و کوچ کردن به این تشکیلات جدید درنگ کند.

چنین بود که هنوز ساعاتی چند از اعلام تأسیس حزب رستاخیز سپری نشده، رهبران احزاب سابق ضمن پایان دادن به فعالیت حزبی جاری خود، عضویت حزب رستاخیز را

پذیرا شدند. از جمله «حزب پان ایرانیست و دیگر گروه ها، کانون ها و انجمن های کشور تدارک جلسات فوق العاده امروز و فردا [دوازدهم و سیزدهم اسفند ماه ۱۳۵۳] را دیده اند تا در نخستین فرصت پیوستن خود را به رستاخیز ایران اعلام دارند. محسن پزشکپور دبیرکل حزب پان ایرانیست در مصاحبه ای پیوستن همه زنان و مردان پان ایرانیست به رستاخیز ایران را اعلام داشت».(۲)

امیرعباس هویدا، دبیرکل حزب رستاخیز، چند روز پس از اعلام تأسیس حزب



---

۱- محمود طلوعی، داستان انقلاب، ص ۲۳۸.

۲- روزنامه آیندگان، س ۸، ش ۲۱۶۵، دوشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۵۳، ص ۱۲.

رستاخیز، اعلام کرد، تمام فعالان حزبی سابق در تشکیلات جدید پذیرفته خواهند شد و آنان را زحمتکشانی توصیف نمود که طی سال های گذشته بار اصلی بازی سیاسی حزبی را بر دوش کشیده اند «و کار کرده اند».

پزشکپور در پاسخ به سؤال خبرنگاران نشریات که در همان جلسه حضور به هم رسانیده بودند، ضمن تمجید از شاه، اصول سه گانه حزب رستاخیز را معتقدات خدشه ناپذیر اعضای حزب پان ایرانیست عنوان کرد و گفت «سه اصلی را که شاهنشاه عنوان فرمودند به عنوان اصول یک مبارزه وسیع اجتماعی، اصولی است که همواره مورد اعتقاد پان ایرانیست ها بوده و همان طور که در گذشته با صداقت و وفاداری آن را دنبال کرده اند برای سال های آینده نیز با همان صداقت مبارزات اجتماعی را تعقیب نموده و بدیهی است که این سه اصل می تواند پایه های محکم مشترکی برای یک رستاخیز وسیع اجتماعی باشد».(۱)

به عقیده الموتی، محسن پزشکپور دبیرکل حزب پان ایرانیست که با پای شکسته در آن جلسه حضور داشت، اولین فردی بود که اعلام کرد حزب پان ایرانیست با تمام نیروهایش به حزب رستاخیز پیوسته است.(۲)

هر چند محسن پزشکپور از نخستین کسانی بود که به حزب رستاخیز پیوست، با این حال بنا بر اسناد موجود، او علاقه نداشت به سرعت تشکیلات و مجموعه حزب پان ایرانیست خود را یکسره از میان بردارد و ترجیح داد ولو غیررسمی و به اصطلاح

محفلی و خصوصی آن علایق و ارتباطات پیشین سیاسی، حزبی و رفاقتی خود را با اعضای مؤثر حزب پان ایرانیست حفظ کند تا حداقل آن سروری و رهبری پیشینش بر اعضای سابق حزب ولو در خفا و ارتباطات باندی ادامه پیدا کند. به همین دلیل او حتی حاضر نشد تمام دارایی ها و داشته های حزب سابق خود، پان ایرانیست را به رغم تظاهری که می کرد در اختیار حزب واحد رستاخیز قرار دهد.

رونوشت گزارش خبر شماره ۲۴۱۱۰/۲۰ ه ۱۲ — ۲۹/۱۲/۵۳ - منبع ۱۰۵۸۹

ص:۴۲۰

---

۱- روزنامه آیندگان، س ۸، ش ۲۱۶۵، دوشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۵۳، ص ۳۵۰.

۲- روزنامه آیندگان، س ۸، ش ۲۱۶۵، دوشنبه ۱۲ اسفند ماه ۱۳۵۳، ص ۳۴۷.

موضوع: دارایی حزب سابق پان ایرانیست

بـه دسـتور محسن پزشـکپور دارایی حزب مـذکور صـورت برداری شـده و قرار است بعضـی از آنهـا را نزد افراد مطمئن حزب مخفی و بقیه را به حزب رستاخیز ملی ایران تحویل دهند.(۱)

محسن پزشـکپور مایل بود کماکان همان انسجام درونی اعضای حزب سابق پان ایرانیست در حزب جدید حفظ شده و به مثابه نیرویی تقویت کننده پشت سر او قرار بگیرند. با این حال بعضی از اعضای حزب پان ایرانیست از اینکه حزب خود را وانهاده و به حزب رسـتاخیز بپیوندند ناراضـی بودند و صـرفاً از سر اجبار بر این تصمیم اخیر شاه گردن می نهادند. در این باره خبرچینان ساواک نوشته بودند:

رونوشت گزارش خبر شماره ۲۴۱۱۱/۳۰ ه ۱۲ – ۲۹/۱۲/۵۳ – منبع ۷۶۴۰

موضوع: اجتماع در محل حزب سابق پان ایرانیست

حدود ساعت ۱۸۰۰ روز ۱۷/۱۲/۵۳ عده ای از اعضای حزب سابق پان ایرانیست در محل حزب

اجتماع کرده بودنـد. به طوری که دیـده و شـنیده می شـد بیشتر اعضای حزب مـذکور از انحلال آن ناراضـی بودنـد و به گفته رحیمی برخی از افراد در خوزستان هنگام برداشتن تابلو حزب گریه کرده اند.

دکتر هوشـنگ طـالع و ابراهیم میرانی با ناراحتی از خاطرات سـی ساله سابقه حزب مزبور سـخن می گفتنـد. ضـمناً عـده ای از اعضا از انحلال حزب خوشـحال به نظر می رسـیدند و اظهار می داشتند با انحلال این حزب دوران تسلط پزشکپور بر یک عده جوان پایان یافته است.

نظریه یکشـنبه. به احتمـال قـوی خـبر صـحت دارد. به طـوری که قبلاًـ نیز به عرض رسـیده در موقع اعلاـم پیوسـتن حزب پـان ایرانیست به حزب رستاخیز ملی اعضای این حزب ناراحت بودند و حتی برخی نیز در همان جلسه گریه کرده اند.(۲)

ناصـر انقطـاع از پـان ایرانیست هـای قـدیمی و مخـالف محسن پزشـکپور و حزب پان ایرانیست او که پس از انشـعاب صـدر از پزشـکپور به حزب ایرانیان او پیوسـته و مسـئولیت روزنامه ایرانیان ارگان این حزب را بر عهده داشت، بعدها پیرامون جاه طلبی های شخص



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پزشکپور در جریان پیوستنش به حزب رستاخیز در خاطرات خود چنین نوشت:

اعلام موجودیت حزب رستاخیز به منزله اعلام انحلال حزب های چهارگانه

(ایران نوین، مردم، ایرانیان و پان ایرانیست) و تعطیل روزنامه های آنها نیز بود. و به خوبی به یاد دارم که در همان نشستی که شاه این موضوع را مطرح کرد (و از تلویزیون پخش شد) محسن پزشکپور از نخستین کسانی بود که ضمن ستایش فراوان از این اقدام شاه، اظهار داشت که آیا فعالیت احزاب مختلف، با قبول سه اصلی که اعلی حضرت مورد نظرشان است اشکالی دارد؟ (او می خواست هنوز بزرگ و سرور و رهبر باشد، حتی اگر هموندان حزبش تنها ده بیست تن بیشتر نباشند.)

شاه می گوید: معلوم می شود که شما به حرف های من توجه نکرده اید. اگر قرار باشد که باز هم احزاب مختلف فعالیت کنند، و بازی اقلیت و اکثریت تکرار شود، چه فرقی با حالا ـ خواهد داشت؟ (شاه اقرار کرد که تا آن روز همه فعالیت های احزاب جز یک «بازی» چیز دیگری نبوده است.)

چند روز بعد (۱۳ اسفند ماه ۱۳۵۳) در شماره ۸۶۳ روزنامه خاک و خون اعلامیه انحلال حزب پان ایرانیست، بدین گونه منتشر شد:

... با اعتقاد به نظام شاهنشاهی، ایمان

به قانون اساسی، اعتقاد به اصول انقلاب شاه و ملت، حزب پان ایرانیست، پیوستن خود را به حزب رستاخیز اعلام می کند...

به دنبال چاپ این مطلب، پزشکپور پیامی برای هموندان حزب ارباب فرموده خودش فرستاد و ضمن آن نوشت:

«... اکنون با توجه به ضرورت اجرای فرمان آریامهر، شاهنشاه ایران زمین که باید کوشش های میهنی و ناسیونالیستی خود را در صف رستاخیز ملی ایران، که شاهنشاه به بنیان گذاری آن فرمان داده اند، فعالانه و گسترده، ادامه دهند...»

همچنین در نطقی که در سال ۱۳۵۵ در مجلس شورای ملی ایراد کرد گفت:

«... تا این لحظه که اینجا ایستاده ام، کوشنده ای صدیق و جانباز، برای شاهنشاهی ایران بوده ام...»

(مذاکرات مجلس شورای ملی – صفحه ۲۱ – سال ۱۳۵۵)

رفتار او، بیش از همه، اهانت به یاران و هموندان حزبش بود. زیرا بی رایزنی با آنها، خود

می برید، و خود می دوخت و یاران و هموندان حزب را بازیچه هایی می پنداشت که تنها به فرمان او، جابه جا

می شدند.(۱)

### در خدمت حزب رستاخیز

از اولین و مهمترین اقدامات امیرعباس هویدا، نخست وزیر و دبیرکل حزب واحد و به اصطلاح فراگیر رستاخیز ملت ایران برای رسمیت بخشیدن و شناساندن این مولود جدید شاه، تدوین و تنظیم مرامنامه و اساسنامه ای مناسب برای آن بود. محمدرضا عاملی تهرانی و محسن پزشکپور از جمله مهمترین کسانی بودند که برای تهیه مرامنامه و اساسنامه حزب رستاخیز به کمک فراخوانده شدند. ناصر انقطاع که خود نیز از جمله تنظیم کنندگان متن اساسنامه و مرامنامه مذکور بود ماجرایی را از جریان تنظیم اساسنامه و مرامنامه روایت می کند:

هنگامی که می خواستند اساسنامه و مرامنامه حزب رستاخیز را بنویسند، گروهی از کارشناسان و دست اندرکاران سیاسی و اجتماعی را فراخواندند، تا در دو گروه جدا (یک گروه برای تنظیم اساسنامه، و یک گروه برای تنظیم مرامنامه) در دفتر نخست وزیر گرد هم آیند و با رایزنی با یکدیگر، مواد و بخش های یادشده را آماده کنند.

دکتر صدر و نویسنده این کتاب نیز از سوی حزب پیشین!! ایرانیان در بخش تنظیم «مرامنامه» شرکت داشتیم. (مرا برای ویراستاری و تنظیم مطالب، با نگرش به اصول دستوری زبان پارسی فراخوانده

بودند.)

آنچه که به یادم مانده است، بجز من و دکتر صدر، دکتر محمدرضا عاملی تهرانی، دکتر ضیاءمدرس، دکتر ناصر یگانه، محسن پزشکپور، مهدی قاسمی و چهار پنج تن دیگر، هموندان این گروه بودند.

به خوبی به یاد دارم که در یکی از شب ها، جلسه تا ساعت ۹ شب به درازا کشید، و در همان موقع هویدا که از دفتر خود بیرون آمده و راهی خانه اش بود، به اتاق تشکیل جلسه آمد، و از حاضران که تا آن ساعت سرگرم کار بودند، سپاسگزاری کرد.



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۱۷۲-۱۷۱.

در آن هنگام محسن پزشکپور برای خودنمایی برخاست و به شوخی گفت:

- آقای نخست وزیر، لطفاً دستور دهید برای ما شام بیاورند. تشکر تنها کافی نیست!

هویدا که آدم حاضر جوابی بود، در حالی که پکی به پیپ می زد و عصای معروفش در دستش بود گفت:

- جنابعالی که سال ها است نمک پرورده دولت هستید!!

به محض اینکه این سخن از دهان هویدا بیرون آمد، آوای شلیک خنده حاضران فضای تالار را پر کرد. زیرا سخن هویدا اشاره به مقرری ای بود که همه ماهه از سوی

بودجه محرمانه نخست وزیری برای حزب پان ایرانیست و پزشکپور فرستاده می شد.(۱)

امیرعباس هویدا اولین دبیرکل این حزب و این مقام انتصابی خود را مدیون شاه بود که در همان جلسه یازدهم اسفند این موضوع را گوشزد مخاطبان خود کرد.

همچنانکه به درستی پیش بینی می شد، تأسیس و تداوم فعالیت حزب رستاخیز بر آن رقابت ها، دشمنی ها و کینه های کهنه موجود میان رهبران، کارگردانان و تصمیم سازان احزاب چهارگانه مذکور (ایران نوین، مردم، ایرانیان و پان ایرانیست) پایان نداد و از جمله امیرعباس هویدا، نخست وزیر و اولین دبیرکل حزب رستاخیز هیچ نظر مساعدی نسبت به محسن پزشکپور و بسیاری از مسئولان و اعضای فعال و تأثیرگذار حزب سابق پان ایرانیست که احتمالاً علاقه مند بودند در صف این حزب واحد به خدمت خود ادامه دهند، نشان نمی داد.

اما محمدرضا عاملی تهرانی، قائم مقام سابق پزشکپور در حزب پان ایرانیست که برخلاف او از دانش سیاسی و حزبی قابل توجهی برخوردار بوده و هم چنین جاه طلبی ها و جنجال آفرینی های فردی، سیاسی و اداری او را نداشت و اگر داشت بسیار کمتر بود، بیشتر مورد توجه گردانندگان و دستگاه رهبری حزب واحد رستاخیز قرار گرفت.

هویدا که گویا قبل از اعلام رسمی تأسیس حزب رستاخیز از شاه شنیده بود که می خواهد با انحلال احزاب موجود، حزب واحد و فراگیری تأسیس کند، از همان هنگام لزوم بهره گیری از خدمات «افراد زبده احزاب دیگر منجمله دکتر [محمدرضا] عاملی



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۱۷۲-۱۷۱.

تهرانی» را در این حزب در حال تأسیس با برخی خواص خود در میان نهاده بود.(۱) عاملی تهرانی نقش قابل توجهی در تدوین و تنظیم نهایی مرامنامه و اساسنامه حزب رستاخیز ایفا کرد و طی دو سه سال نخست فعالیت این حزب مقالات متعددی در دفاع فکری، سیاسی، نظری و به اصطلاح فلسفی از حزب رستاخیز در نشریات آن روزگار نوشت و به چاپ رسانید و در دفاع از آرمان های حزب رستاخیز صداقت زیادی نشان داد. نام او را جزو

کسانی می بینیم که پس از پیروزی انقلاب اسلامی محاکمه و اعدام شدند.

## قضاوت و جایگاه اعضای حزب سابق پان ایرانیست

اسناد موجود نشان می دهد که اکثریت قابل توجهی از اعضای حزب پان ایرانیست تأسیس حزب واحد رستاخیز را برخلاف علایق و خواست های خود می دانستند و در این میان رهبران این حزب ضمن آنکه باطناً از این تصمیم شاه ناراضی بودند، اما علاقه زیادی داشتند که از این موقعیت تحمیل شده جدید در راستای منافع خود و حتی المقدور حزب سابق خود بهره بگیرند. همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، در میان اعضای حزب پان ایرانیست نسبت به این مولود جدید قضاوت ها و برداشت های گوناگونی شکل گرفته بود:

رونوشت گزارش خبر شماره ۲۴۱۰۶/۲۰ ه ۱۲- ۲۹/۱۲/۵۳ منبع ۱۰۵۸۹

موضوع. اظهار نظر درباره حزب رستاخیز ملی ایران

۱- عصر روز ۱۲/۱۲/۵۳ دکتر سجادیه در دفتر روزنامه خاك و خون در حضور چند نفر اظهار داشت این فرمانی که صادر شد مثل یک خنجر بود که از پشت به ملت ایران و حزب ما زده شد. اگر تا به حال ما سالی صد نفر را از چریك شدن باز می داشتیم از این پس این عده به حال خود می مانند. به هرحال این دستور را نمی توان به نفع ملت توجیه کرد.

۲- شب ۱۲/۱۲/۵۳ محمدرضا عاملی در حضور هشت نفر از اعضای حزب سابق پان ایرانیست گفت ما باید از این آب گل آلود ماهی

بگیریم و در حزب جدید یکپارچگی خود را حفظ کنیم و رهبری حزب را فراموش نکنیم.



---

۱- همان، ج ۱، صص ۱۲۹-۱۲۸.

۳- اکثر اعضای حزب موصوف از تشکیل حزب جدید ناراحت و بعضی بی تفاوت و برخی نیز آن را مسخره می کنند.(۱)

در این میان، دستگاه رهبری حزب پان ایرانیست هم که بدون اعتنا به اعضای حزب در شهرهای مختلف، خودسرانه دستور انحلال حزب را صادر کرده بود تا در تشکیلات جدید جایی مطلوب برای خود دست و پا کند، مورد انتقاد اعضای میانی و عادی حزب واقع می شد. چنانکه ساواک در هفدهم فروردین ماه ۱۳۵۴ گزارش کرد:

اخیراً برخی از اعضای پان ایرانیست سابق آبادان به اسامی زیر ضمن صحبت اظهاراتی به شرح زیر می نموده اند.

۱- عبدالکاظم علی نژاد اظهار داشت این هم یک جور ساخت و پاخت است که حزب رستاخیز به وجود بیاورند و احزاب را به طور کلی از سر راه خود بردارند و اضافه کرد می بایستی کمیته حزب رستاخیز ملی ایران از سران کلیه احزاب تشکیل می شد در صورتی که از مدیرکل تا کمیته همه باز هم از حزب حاکم تشکیل شده است. دیگر اینکه مرامنامه و اساسنامه را به صورت غلط تنظیم کرده اند.

۲- حسن عظیم الشأن از یکی بودن احزاب ابراز ناراحتی نموده و اظهار می داشت

اول حزب ها را از بین بردند بعد با عراق آشتی کردند که کردهای عراق را از بین ببرند.

۳- محمد فتاحی مقدم، محمد عوض پشتکوهی، کیومرث عوض پشتکوهی نیز از به هم خوردن احزاب ناراضی بوده و حتی نسبت به رهبری حزب پان ایرانیست نیز ایراد می گیرند که چرا می خواهند حزب را منحل کنند.(۲)

تا مدت ها اعضای حزب سابق پان ایرانیست درباره این تشکیلات حزبی جدید و تبعات و نتایج مترتب بر آن دچار سردرگمی بوده و پیرامون آن اظهار نظرها، قضاوت ها و پیش بینی های متضاد و متناقضی در جریان بود. برخی از اعضا نسبت به این رخداد و پیامدهای آن بدبین بودند. به گزارش ساواک:

اخیراً چند نفر از اعضای حزب پان ایرانیست سابق در دفتر حزب دور هم جمع بوده اند.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

مطالب زیر بین آنان مورد بحث و گفتگو قرار گرفت.

۱- علی نژاد رابط حزب پان ایرانیست سابق آبادان اظهار داشت چهار نفر از اعضای حزب پان ایرانیست برای شرکت در کنگره حزب رستاخیز ملی در مرکز به فرمانداری معرفی شده اند. نامبرده اضافه کرد اگر می دانستم برای سپاس است برای اعزام به مرکز انتخاب نمی شدم برای اینکه آقایان (حزب ایران نوینی های سابق) صدها نفر از

خودشان می فرستند ولی از ما (حزب پان ایرانیست سابق) فقط ۴ نفر اعزام می دارند آن هم به منظور سپاس.

۲- محمد فتاحی مقدم اظهار کرد اولاً- ما ندانسته تا به حال حمال حزب ایران نوین بودیم زیرا هر سندیکایی که با زحمت تشکیل دادیم وابستگی خود را به حزب ایران نوین اعلام کردند حالا هم شورای مشورتی ما به طرف حزب رستاخیز می رود. ثانیاً این مردم کور می روند از چه سپاس کنند؟ می خواهند بگویند دستت درد نکند خوب مملکت را خراب کرده و می کنی؟

۳- محمدعلی پشتکوهی گفت ملت می خواهند از آقا سپاس کنند که دنباله رو سلاطین گذشته که قسمتی از مملکت را بخشیدند و ایران را خراب کردند هستی.(۱)

هر چند طی همان چند ماه نخست تشکیل حزب رستاخیز، رهبران و کارگردانان درجه اول حزب سابق پان ایرانیست با حضور در مجلس رستاخیزی دوره بیست و چهارم به پاداش این تحولات جدید رخ داده در عرصه رسمی سیاست کشور دست یافتند، با این حال مخالفت و انتقادات عمدتاً پنهانی و محفلی آنان با نفوذ و سلطه دوباره حزب ایران نوین و دار و دسته هویدا در این حزب واحد جدید پایان نیافت. اعضای حزب سابق پان ایرانیست هر چه زمان بیشتری سپری می شد در محافل و مجالس درون گروهی خود انتقادات فزون تری را متوجه عملکرد حزب رستاخیز و کارگردانان آن می کردند. ساواک در هشتم خرداد ماه ۱۳۵۵ طی گزارشی هشداردهنده درباره انتقادات گروهی از رهبران و

کارگردانان حزب سابق پان ایرانیست از مجموعه آنچه در حزب رستاخیز جاری و ساری بود، چنین گزارش کرده است:



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بعـد از ظهر روز ۳۱/۲/۳۵ ]۲۵[ در جلسه دوسـتانه منزل دکـتر روحبخش، محسن پزشـکپور و بـانو، دکـتر طـبیب و بـانو، دکتر علیخانی و بانو، دکترعاملی و بانو، مهندس ظفری و بانو، میرانی و بانو، مجید ضامنی و بانو، صـفارپور و بانو، دکتر طالع و بانو، مهندس مرتضی آفتاب روشاد و بانو و خانم میترا خسروی به شام دعوت داشتند و در این جلسه ابتدا صفارپور به طور مفصل از مسئولان حزب رسـتاخیز انتقاد می نمود و اظهار داشت دستورات شاهنشاه و شهبانو را به طور غلط انجام می دهند و خط مشی رسـتاخیز را منحرف کرده انـد. محسن پزشـکپور اظهار داشت اینها می خواهنـد حزب را در مسـیری قرار دهنـد که حزب ایران نوین بود و همـان فراماسون ها زنجیروار به هم مربوط شـده انـد و چنان وضـعی به وجود آورده انـد که هر کس با آنها نباشـد برایش پرونـده سازی می کننـد و او را چنان از بالا بر زمین می زنند که دیگر بلند نشود. من می بینم که در حزب چه می شود و حزب را به چه راهی می برند. آخر من نمی توانم با اینها در مسیر غلط همگام شوم. گاهی

شیطنت هایی هم می کننـد و سوسه هایی هم می آینـد. حتی رهبران جناح ها نیز مطلقاً به جناح های خود عقیده ندارند و نمی داننـد چه می خواهند و چه بگویند. صـفارپور گفت در جلسه دولت که در تبریز تشـکیل شد یکی از اشـخاص که عضو گروه پیشـرو بود از گروه مترقی صحبت می کرد که آموزگار با شوخی گفت ایشان می خواهند بین دو گروه را داشته باشند و حتی انصاری نیز نمی دانست که راجع به گروه چه بگویـد. اصـلاً عقیـده ندارنـد و رسـتاخیز را دارند به لجن می کشـند. دکتر طالع گفت جز این نـامه ای ندارنـد، مثلاًـ همین اعضای محلی شهرسـتان ها که قرار است نماینـدگان خود را معرفی کننـد به قـدری اعمال نفوذ می شود و کثافتکاری کرده انـد که حـد نـدارد. صـفارپور گفت مقررات سـختی نگذاشـته اند و هر کس را که از تهران دسـتور دادنـد معرفی می کننـد. مگر هویـدا می گـذارد که جز دوسـتان و اسـتادان فراماسون کسـی دیگر مسـند کار در رسـتاخیز شود. بایـد در مسـیر آقایـان بود نه مسـیر رسـتاخیز. پزشـکپور گفت در مجلس آقای سـعیدی است که مرتب مشـغول منحرف کردن نمایندگان و احیاناً پرونده سازی برای افراد است. آقای آزمون مارکسیست هم چند

سخنرانی حفظ کرده دارد و لغات تز، سـنتز و آنتی تز را در کیسه دارد و مرتب با آن افکار مارکسیستی که دارد تمام مسائل را از آن دید نگاه می کند و دائم در مجلس داد و فریاد می زند اما تو خالی است. هیچ چیزی باقی نگذاشـته اند و رستاخیز مسیر غلطی را طی می نماید. جلسه دوستانه مزبور پس

از صرف مشروب و شام در ساعت ۲۴۰۰ پایان یافت.

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه سه شنبه: ۱- با توجه به مورد اعتماد بودن شنبه بیان مطالب مزبور از جانب افراد ذکرشده مورد تأیید است. ۲- از بیان مطالبی که محسن پزشکپور و همفکران وی و بعضی از اعضای سابق حزب پان ایرانیست ابراز داشتند، چنین استنباط می شود که نامبردگان ظاهراً با خط مشی رستاخیز خود را موافق نشان داده ولی در باطن امر دارای افکار مخالف خط مشی سیاسی اقتصادی و اجتماعی حزب رستاخیز ملت ایران می باشند و از طرفی چون این حزب بنا به اراده شاهنشاه آریامهر به وجود آمده لذا مخالفت علنی را جایز نمی دانند لکن به نظر می رسد پان ایرانیست ها تبلیغات سوء و بدبین کننده به رستاخیز را در محافل و

مجامع اخیراً شروع و به تدریج احتمال گسترش آن می رود. لذا مراقبت کامل از اعمال و رفتار آنان ضروری است و به همین جهت منابع مربوط توجیه لازم شده و خواهند شد.

نظریه چهارشنبه: مدتی بود که از تشکیل جلسات اعضای حزب پان ایرانیست سابق خبری نبود ولی به نظر می رسد پس از جای گیری کادر رهبری حزب موصوف در مجلس شورای ملی و حزب رستاخیز شروع به مخالفت نموده و ماهیت خویش را آشکار می سازند که البته امکان زدن ضرباتی از ناحیه آنان در جهت مخالفت باطنی با حزب می رود.(۱)

پزشکپور باز مدعی بود، حزب رستاخیز بیش از هر گروه و تشکل سیاسی حزبی دیگر با علایق و آرمان های سیاسی ناسیونالیستی و ملی حزب پان ایرانیست مطابقت دارد و به همین دلیل به اعضای حزب سابق پان ایرانیست اطمینان می داد که آرزوهای پیشین آنان در همین نظام سیاسی حزبی جدید هم قابل تحقق خواهد بود. پزشکپور در ماه های پایانی سال ۱۳۵۵ همچنان خواستار متشکل ماندن اعضای حزب سابق پان ایرانیست در بستر عضویت و حمایت از به اصطلاح آرمان ها و مقاصد حزب رستاخیز بود. بنا به گزارش ساواک:

در ساعت ۰۰/۱۹ روز ۲۸/۱۱/۳۵]۲۵[ محسن پزشکپور نماینده منتخب اهالی خرمشهر

ص:۴۲۹

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

در مجلس شورای ملی با هواپیما به خرمشهر

وارد و در فرودگاه آبادان مورد استقبال اعضای حزب سابق پان ایرانیست قرار گرفته و به منزل امیر سالمی عزیمت نموده است. محسن پزشکپور از تاریخ ۲۹/۱۱/۳۵ الی ساعت ۰۰/۱۲ روز ۲/۱۲/۳۵ اقداماتی به شرح زیر انجام داده است:

۱- در ساعت ۰۰/۰۹ روز ۲۹/۱۱/۳۵ در منزل علی خرم معاون شهرداری خرمشهر جلسه ای با اعضای سابق حزب پان ایرانیست تشکیل و عنوان داشت اولاً شما هر ۱۵ روز یک بار با افرادی که سابقاً نیرودار حزب بوده و در کادر رهبری بوده اند بدون هیچ گونه وقفه و تأخیر به دور هم جمع شوند زیرا آنچه طی بیش از سی سال موجب گردیده ما با هم باشیم مسئله وحدت است و این را تمام دستگاه ها می دانند. چرا ما با هم نباشیم؟ ما در برابر نسل آینده وظایف خطیری را به عهده داریم زیرا نسخه ای که شاهنشاه آریامهر برای رستاخیز ملت ایران دراین شرایط زمانی داده اند فعلاً مجریان رستاخیز نمی توانند اجرا کنند و چون ما اعتقاد به رستاخیز و ناسیونالیسم ملت ایران داریم و نهضت هیچ گاه توقف نخواهد کرد بلکه به پیروزی نزدیک می شود اما نه پیروزی که آسان به دست آید. می بایست وحدت را بین خودمان

از قدیم مستحکم تر سازیم زیرا لازمه بقای ماست. شما حق ندارید در مورد رستاخیز کوتاهی کنید زیرا بالاخره چون رستاخیز یعنی حزب را آن گونه که شایسته است اداره کنند. به سبب عدم اعتقاد کافی و هر چه تلاش می نمایند که حزب را در مسیر دیگر هدایت کنند موفق نمی شوند لذا در این زمینه درمانده اند. محسن پزشکپور افزود اگر در یک شغل اجتماعی سه نفر داوطلب وجود دارد وقتی یک نفر از آنان از معتقدین به مرام پان ایرانیست است به دلیل همفکری باید او را منصوب کنید و شدیداً از وی حمایت نمایید و اگر ضعفی در کسی است جلو مخالفین شدیداً از او حمایت کنید. سپس او را در جلسه ای به خاطر ضعف محاکمه کنید. این یک انضباط حزبی و ملی است. در این موقع مهندس کرمانی مسئول سابق حزب رستاخیز ملت ایران در خوزستان که در جلسه مذکور حضور داشت عنوان نمود در یکی از شماره های رستاخیز کارگران خواندم نویسنده مسائلی از جمله دین را عامل ارتجاع می دانست. پزشکپور پاسخ داد فوراً این روزنامه را برای من به تهران بفرستید زیرا اینها کمونیست ها هستند که می خواهند از این راه عقاید خود را

منتشر سازند. پزشکپور اضافه نمود داریوش همایون می گوید حزب با

حکومت کار نـدارد. عنوان این مطلب عدم آگاهی وی را درباره حکومت و حزب می رساند زیرا به دولت نمایندگان مجلس رأی اعتماد می دهند و نمایندگان مجلس از طریق حزب تعیین می گردند.

نظریه شنبه: اعضای سابق حزب پان ایرانیست درصدد هستند مسئولیت های حزبی را در خرمشهر در اختیار خود بگیرند.

نظریه یکشـنبه: مفاد خبر در زمینه تشـکیل جلسات مورد بحث با حضور محسن پزشـکپور و تعـدادی از اعضای سابق حزب پان ایرانیست و گفت و شـنود های مـذکور صـحت دارد. به منبع آموزش داده شـد تا چنانچه هر ۱۵ روز یـک بار جلسات اعضای سابق حزب پان ایرانیست تشکیل گردید در آن شرکت و نتیجه را به موقع گزارش نماید- افراز(۱)

سـاواک طی روزهای پایانی سال ۱۳۵۵ به محسن پزشـکپور هشـدار داد به دلیل فعالیت حزب رسـتاخیز اجازه ندارد از موضوع اتحـاد پـان ایرانیست هـای سابق سـخن به میان آورد و اگر باز هم بر این موضع خود اصـرار کنـد آن سازمان و مقامات دولتی واکنش تنـدی نشـان خواهنـد داد. بـا این حـال ارتباطـات محفلی و دوسـتانه اعضـای حزب سـابق پان ایرانیست با یکـدیگر در شهرهای مختلف هیچ گاه پایان نیافت. به ویژه اینکه گذشت زمان هم موضوع

در حاشـیه مانـدن آنان در این تشـکیلات جدید را حل نکرد و کماکان همان رقابت ها، تنش ها و اختلافات حزبی و شخصـی پیشین در بستر حزب واحد و به اصطلاح فراگیر رستاخیز ادامه یافت.

## حضور در دوره بیست و چهارم مجلس شورا (مجلس رستاخیز)

هرچنـد اعلاـم یکبـاره انحلاـل احزاب چهارگـانه و لزوم پیوسـتن همه اعضـای آنهـا به حزب واحـد رسـتاخیز تقریباً همگان را غافلگیر کرد. اما اعلام برگزاری انتخابات دوره بیست وچهارم مجلس شورا در موعد مقرر (سـی ویکم خرداد ماه ۱۳۵۴) نشان داد، زحمـات رهـبران و کارگردانـان حزب سـابق پـان ایرانیست که اینـك همگی به حزب واحـد رسـتاخیز پیوسـته بودنـد، در موضوع تبلیغات انتخاباتی طی حداقل یک سال قبل از آن هدر نخواهد



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

رفت. هر چند همان رقابت ها و جناح بندی ها در میان هواداران گروه ها و احزاب سابق وجود داشت، اما در صورت ظاهر همه این کاندیداها عضو حزب واحد رستاخیز به شمار می رفتند.

در برابر انحلال حزب پان ایرانیست و پیوستن به حزب رستاخیز، پنج تن از سردمداران پان ایرانیست، نمایندگی مجلس را پاداش گرفتند.

این پنج تن عبارت بودند از: محسن پزشکپور (از خرمشهر)، محمدرضا عاملی تهرانی (از تهران)، پرویز ظفری (از نهاوند)، منوچهر یزدی (از اردکان)، حسین طبیب (از بوشهر).

در شانزدهم تیر ماه ۱۳۵۴ به دنبال تأیید تمامی اعتبارنامه های نمایندگان جدید، جنب و جوش برای پیوستن به جناح ها در میان منتخبان شدت گرفته و درباره برخی افرادی که امید می رفت در آینده رهبری جناح های حزب در مجلس را عهده دار شوند، گمانه زنی هایی می شود. گفته می شد منوچهر آزمون، محسن پزشکپور و سپس مصطفی الموتی برای رهبری جناح ها در مجلس بیشترین بخت را دارند.(۱) در نوزدهم تیر ماه ۱۳۵۴، نشریات خبر دادند برخی شخصیت های برجسته مجلس برای پیوستن به هر یک از دو جناح اعلام آمادگی کرده اند و در این میان، هلاکو رامبد، محمدرضا عاملی تهرانی و محسن پزشکپور تمایل دارند به جناح

پیشرو بپیوندند و منوچهر آزمون هم به جناح لیبرال سازنده خواهد پیوست.

در مجلس رستاخیز، محسن پزشکپور به ریاست کمیسیون عرایض انتخاب شد. اما عبدالله ریاضی رئیس مجلس، پزشکپور را به خاطر تندروی هایش برای این سمت مناسب نمی دانست، اما جناح پیشرو همین ویژگی پزشکپور از دلایل موافقتش با انتصاب او به ریاست کمیسیون عرایض می دانست که نهایتاً هم نظر جناح پیشرو پذیرفته شد و تا واپسین ماه های فعالیت مجلس، پزشکپور کماکان در رأس کمیسیون عرایض باقی ماند.(۲)

همچنان که صورت مذاکرات دوره بیست وچهارم مجلس شورا نشان می دهد محمدرضا عاملی تهرانی هم در این مجلس ریاست کمیسیون علوم و آموزش عالی را عهده دار بود.(۳)



---

۱- روزنامه آیندگان، س ۸، ش ۲۲۶۴، دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۴، صص ۱ و ۱۶.

۲- همان، ج ۱۲، صص ۳۸۸-۳۸۶.

۳- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۵۵، پنجشنبه ۱۷ تیر ۱۳۵۵.

طی سال های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ اعضای حزب سابق پان ایرانیست در مجلس رستاخیزی از تأسیس حزب واحد رستاخیز به مثابه آخرین جلوه گاه نظم تاریخی شاهنشاهی ایران سخن به میان آوردند و دلایل و براهین گوناگونی ردیف می کردند که از منظر آنان نقش و جایگاه حزب رستاخیز را در رأس امور و بالاتر از دولت قرار می داد.

چنان که محمدرضا عاملی تهرانی معتقد بود، حزب رستاخیز به مثابه تنها ایدئولوگ و برنامه ریز سیاست های ریز و درشت کشور محسوب می شد و تعیین کننده مسیری بود که کشور در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از آن عبور کرده و به حیات خود ادامه می داد و در این میان، مجموعه دولت وظیفه ای جز اجرای برنامه ها و ارائه طریقه های حزب را نداشت و حیطه اختیارات و کارکردهای دولت هنگامی به کمال می رسید که سیاست های تعیین شده از سوی حزب را به شیوه ای مطلوب به انجام رساند. به عقیده عاملی، حزب رستاخیز علاوه بر ارائه مسیر آتی حیات کشور، وظیفه ای نظارتی هم در قبال دولت عهده دار بود. به عبارت بهتر، حزب هم از منظر تعیین سیاست ها و هم نظارت بر اجرای مطلوب این طرح ها باید بر مجموعه دولت اعمال نفوذ و قدرت می نمود.(۱)

از دیگر نمایندگان مجلس شورای ملی که درباره رابطه حزب رستاخیز با دولت اظهار عقیده نمود، عضو دیگر حزب سابق پان ایرانیست، دکتر حسین طبیب بود که طی سخنانی

مبسوط، ضمن تشریح ویژگی های عصر رستاخیز بر وظایف سیاستگذاری و نظارتی حزب بر فعالیت های دولت تأکید نمود و دولت را مجری سیاست هایی دانست که حزب بر اساس الگوی رفتار سیاسی اجتماعی کشور صورت بندی می کند. بدین ترتیب از منظر دکتر طبیب، حزب هم در کار سیاست گذاری و هم از حیث نظارتی، تعیین کننده خطوط کلی فعالیت های دولت به شمار می رفت.(۲)

محسن پزشکپور، رهبر و دبیرکل حزب منحل شده پان ایرانیست، حزب رستاخیز را آیینه تمام نمای مجموعه حاکمیت (دولت، مجلس و قوه قضائیه) قلمداد کرده و مکرر شاه را به خاطر این مولود جدید (حزب رستاخیز) مورد تمجید و ستایش قرار می داد:



---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۲۵، سه شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۴ (جلسه بعد از ظهر).
۲- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۲۴، سه شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۵۴ [جلسه صبح].

این حزب به مفهوم وسیعی که شاهنشاه فرموده اند، حزبی است فراگیرنده که با هیچ یک از مفاهیم اصطلاحی احزاب به کیفیتی که تاکنون بوده تطبیق نمی کند. همان طور که در ۱۱ اسفندماه [۱۳۵۳] شاهنشاه در آغاز رستاخیز ملت ایران فرمودند در حزب فراگیرنده ملت به سه اصل اتکا شده است، اصل نظام شاهنشاهی، اصل قانون اساسی و اصل انقلاب شاه و ملت. این سه اصل بنیادی جامعه ما بود: نظام شاهنشاهی که تا درازای همه تاریخ ایران ریشه دارد و اصل قانون اساسی بیش از یکصد سال مبارزه پدران ما بود و اصل انقلاب شاه و ملت از نظر فرم و شکل که در ۶ بهمن ماه ۱۳۴۱ تجلی کرد، در حالی که این اصل هم اصلی است که در تاریخ

ایران به گونه اصل پیوند شاه و ملت همواره بوده است. پس بیان این سه اصل به عنوان سه اصل مشترک بود، برای اینکه همه ملت ایران به این سه اصل اعتقاد دارد[!]. بنابراین حزب رستاخیز ملت ایران با این شکل و مفهوم وسیع پا در عرصه مبارزات اجتماعی گذاشت. بدیهی است در چنین شرایطی و با چنین کیفیتی حزب رستاخیز ملت ایران نه تنها گروه های خاصی را در بر گرفت بلکه عملاً سه قوه پیش بینی شده در قانون اساسی یعنی قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه را در بر گرفت. وقتی حزب فراگیرنده تشکل یافت و عبارت شد از تمامی مردم ایران پس همه قوای سه گانه در صفوف حزب رستاخیز ملت ایران قرار گرفتند. بنابراین حزب مستقیماً و نه حتی غیرمستقیم، مستقیماً در امر حکومت هم دخالت و هم نظارت دارد. امیدوار هستم که همه ما بتوانیم با درک مفاهیم رستاخیز ملت ایران در موضع چهره واقعی آن عناصری کوشنده در راه آرمان های ملی و در راه اجرای رهنمودهای شاهنشاه ایران زمین باشیم.(۱)

در خاطرات برخی از اعضای همان مجلس رستاخیزی هم به موضوع تعریف و

تمجیدهای غیرمعمول، ملال آور و کسل کننده اعضای حزب سابق پان ایرانیست از حزب رستاخیز که از هیچ فرصتی برای فلسفه بافی پیرامون این حزب و جایگاه آن در توسعه کشور در شئون و سطوح مختلف فروگذار نمی کردند، اشاراتی شده است.(۲)

هنگامی که از اوایل سال ۱۳۵۶ به تدریج ناآرامی های سیاسی و تحولات انقلابی در



---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۸۳، شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۵.

۲- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۸۳، شنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۵، برای نمونه بنگرید به: مرتضی مشیر، پیشین، ص ۱۵۳.

عرصه سیاسی و اجتماعی کشور، خود را نشان داد، پان ایرانیست های حاضر در مجلس رستاخیزی، هیچ فرصتی را در حمایت و دفاع از اصل نظام شاهنشاهی و شخص شاه در برابر مخالفان سیاسی از دست ندادند و تا توانستند، تلاش کردند وانمود سازند سطح مخالفت ها و مطالبات از حد نارضایتی از عملکرد دولت و نهادهای دولتی و حکومتی فراتر نمی رود.

هر چه از ماه های میانی سال ۱۳۵۶ بیشتر می گذشت، اعضای پان ایرانیست مجلس با صراحت بیشتری نسبت به ناآرامی های سیاسی اجتماعی پیدا و پنهان علیه حاکمیت هشدار می دادند. چنانکه وقتی در جریان برگزاری انتخابات میان دوره ای مجلسین شورا و سنا در تهران و تبریز مشخص شد که به ترتیب فقط حدود هفت و سه هزار نفر از مردم آن شهرها به پای صندوق های رأی رفته اند، محسن پزشکپور در اول آبان ماه ۱۳۵۶ آن را زنگ خطری جدی برای حاکمیت و دولت ارزیابی کرده و البته در لابه لای سخنان خود شخص شاه را از پیش آمدن و بروز چنین وضعیتی کاملاً مبرا دانسته و صرفاً دولت و مراجع دولتی را باعث و بانی بروز این شکاف عمیق میان ملت و حاکمیت ارزیابی کرد.(۱)

محسن پزشکپور در هشتم آذر ماه ۱۳۵۶ «در کانون حزبی شماره ۱۰۷۴ حزب رستاخیز درباره سه اصل جاودانی [!] نظام شاهنشاهی، قانون اساسی، انقلاب شاه و مردم» و نظایر آن سخنرانی و مخالفان حکومت را به مبارزه طلبید.(۲)

اما به دنبال تحولات مهمتری نظیر وقوع قیام مردم شهر قم در نوزدهم دی ۱۳۵۶ که آشکارتر شد ناآرامی های سیاسی، تحولاتی انقلابی را دنبال کرده و از سوی آیت الله امام

خمینی(ره) هدایت و رهبری می شود، پان ایرانیست ها بر دامنه انتقادات و هشدارهای خود از دولت و دوایر حکومتی افزودند و چه بسا راغب تر بودند با گشودن جبهه های جدید و برای جلوگیری از به خطر افتادن اصل نظام شاهنشاهی پهلوی همگام با مخالفان و منتقدان وفادار و به اصطلاح میانه رو بر ضدانقلابیون آشتی ناپذیر همداستان شوند. با وقوع قیام بیست ونهم بهمن ماه ۱۳۵۶ در شهر تبریز که ناتوانی فزاینده حاکمیت در برابر



---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، اول آبان ۱۳۵۶.

۲- انقلاب اسلامی در استان اصفهان به روایت اسناد ساواک، کتاب اول، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲، ص ۵۵.

مخالفان آشتی ناپذیر را نشان داد، محسن پزشکپور طی سخنانی مبسوط در صحن علنی مجلس چنین اظهار کرد:

تبریز شهر جنگ زده!

نمایندگان محترم نیز خاطرشان هست، در نخستین جلسه اجلاسیه اخیر، پشت این تریبون آمدم و عرض کردم که من حوادثی را پیش بینی می کنم، من مخاطراتی را پیش بینی می کنم. دلایل و جهاتی را هم ذکر کردم، سبب ها را توضیح دادم. ما نمی توانیم بی تفاوت نسبت به بسیاری از حوادثی که در سرزمین ما گذشته است، بگذریم. ما نمی توانیم نسبت به این تیتری که سرتاسر روزنامه های ما را در بر گرفته که تبریز شهر جنگ زده شده است، بی اعتنا باشیم. چرا شهر جنگ زده، چرا؟ مگر این سرزمین را بیگانه اشغال کرده بود؟ مگر این سرزمین مورد هجوم و یورش قرار گرفته بود؟ کدام دستگاه مسئولی است که در برابر این حادثه بتواند بی تفاوت بگذرد؟ کدام نماینده مجلس شورای ملی ایران است که در برابر این

حوادث و حوادث مشابه آن بتواند بی تفاوت بگذرد؟ صرف اینکه بگویید بعضی تحریکات شده است، این کافی نیست. سخن ما همیشه این بوده و هست که ما باید جامعه ای داشته باشیم که احیاناً هیچ گونه تحریکات و دسیسه های غیرایرانی نتواند آن را متزلزل کند. چه برسد به اینکه تبریز عزیز ما، کانون وطن پرستی و آزادگی میهن ما را به شهر جنگ زده تبدیل کنند! چنین مسائلی به نظر من مشخص می کند که ما در برهه های خطیر از تاریخ هستیم. و یا اگر در گذشته به مسائل خطیر توجه می شد، اگر همان طور که در نطق اولین جلسه این اجلاسیه عرض کردم که انتخاب نماینده تهران با هفت هزار رأی، انتخابات میان دوره ای سنا در تبریز با سه هزار رأی، این زنگ خطر است و ما باید بیدار باشیم، اگر توجه شده بود ما امروز با این حوادث روبه رو نمی شدیم (صحیح است) و بی تفاوت گذشتند و من امروز هم می بینم که بی تفاوت می گذریم.

لزوم یک جراحی قاطع در سازمان های اداری و اجتماعی:

من عرض می کنم که اگر به این نحو نسبت به اساسی ترین مسائل بی تفاوت بگذریم، با مخاطرات وسیع تر و حوادثی وسیع تر مواجه

خواهیم شد که نباید مواجه شویم. ولی این نه با شعار تحقق پیدا می کند نه با برنامه های تبلیغاتی رادیو و تلویزیون، نه با توضیحات نمایندگان مجلس در حوزه های انتخابیه شان. جلوگیری از بروز مخاطرات تنها با درک

عظمت مسئله، با درک مخاطرات امر، با پیدا کردن ریشه ها و بعد هم با یک جراحی قاطع در بسیاری از سازمان های اداری و اجتماعی ممکن است و بس (صحیح است). این جراحی قاطع را اگر نکنیم، پیکر جامعه ما مجروح خواهد شد. اینها جراحاتی است که به پیکر ملت ایران وارد آمده است. حادثه تبریز جراحت و زخم هولناکی است که بر پیکر جامعه ما وارد شده است، حوادث شهرهای دیگر جراحاتی است، این جراحات چرا ایجاد شده برای اینکه نخواستیم آن جراحی را در سازمان های اداری مملکت بنماییم، صورت جلسات مذاکرات مجلس را در تمام لوایح بودجه مطالعه بفرمایید، لااقل از ده سال گذشته تاکنون، مذاکرات نمایندگان ملت را مطالعه بفرمایید، رنج های آنها را از نابسامانی هایی که هست و گفته می شود تنگنا ولی من قبول ندارم بلکه نابسامانی است (آفرین)، اینکه بیان شود تنگنا، این یک پوششی

است بر آن چه نتیجه برنامه های نادرست یا عدم اجرای درست برنامه ها بوده است. توضیحات نمایندگان در مورد مسائل مملکتی بارها مطرح شده است، هزارها صفحه شده است. کو؟ کجا توجه شده؟ کجا رسیدگی شد، کجا عنایت شد؟ نشد که نشد.

منویات شاهنشاه را پوشش اقدامات خود قرار ندهید:

ما امروز مواجه با این مسائل هستیم و همیشه مواجه با این مسائل بودیم که خواستند و خواهند کرد وکرده اند، که مقدار زیادی از نابسامانی ها را متوجه مقام غیرمسئول مملکت، مقام شامخ و غیرمسئول مملکت، مقام شامخ و غیرمسئول اجرایی مملکت یعنی شاهنشاه بنمایند در حالی که چنین نیست، (آفرین، احسنت) و من چند بار در پشت این تریبون گفتم که نیایید به عنوان دفاع از برنامه ها و اقدامات خودتان مدام بگویید شاهنشاه چنین می خواهند، مدام گفتیم نگویید شاهنشاه می خواهند برنامه ها این طور باشد. چقدر گفتیم. هر مدیر اجرائی در هر کجا که کارش نادرست بود و یا غلط بود در پشت این تریبون آمد و در برابر مجلس آمد و منویات شاهنشاه را برای ما بیان کرد و پوشش کارها و اقدامات خود

قرار داد. می دانستیم که این نحوه اقدام جامعه را با چه آسیب پذیری هایی روبه رو خواهد نمود.(۱)

جالب تر آن است که محسن پزشکپور علی الظاهر بسیار زودتر از شاه و مشاوران او

ص:۴۳۷

---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، اسفند ماه ۱۳۵۶.

ضرورت دستگیری، برخورد و به اصطلاح مجازات افرادی از رجال و سیاستمداران بلندپایه حاکمیت را به هدف نجات رژیم پهلوی از سقوط حتمی دریافته بود. پزشکپور در اسفند ماه ۱۳۵۶ و به هنگام بررسی لایحه بودجه دولت آموزگار برای سال آینده، اقداماتی از این دست را برای جلوگیری از گسترش بحران سیاسی ضرورتی اجتناب ناپذیر ارزیابی می نمود. در بخش های از این سخنان پزشکپور چنین آمده است:

تحول به مفهوم تغییر مهره ها نیست!

جنابان آقایان وزرا، نمایندگان محترم، من همواره به یک اصل اعتقاد داشته و دارم و آن این است که جامعه ای که بخواهد سلامت، وحدت، یکپارچگی و حرکت خود را به سمت عظمت حفظ کند، در این جامعه نباید به خصوص نسبت به متجاوزین و خطاکاران و مقصرین به حقوق اجتماعی اغماض وجود داشته باشد (صحیح است). تحول هرگز به منزله تغییر مهره ها نیست، تحول مفهومی جز تغییر خط مشی ها به طور اساسی ندارد. مهره ها تغییر می کند، اما اگر بخواهیم خطاها و خبط ها و کم کاری ها و چه بسا جرائم گذشته را کتمان کنیم و یا پیگیری نکنیم، آن وقت ما هر چه

بگوییم و در کنار هم بنشینیم و بگوییم رشد درامد سرانه ما به اینجا رسیده است و چه شده است ولی یک دانشجو، یک کارگر و یک تاجرو یک برزگر، یک پیشه ور، یک زن خانه دار، یک نجار و یک آهنگر و یک دانش آموز، هر که و هر که از خود سؤال خواهد کرد، پرسش خواهد کرد که پس مسئول این نابسامانی ها و مسئولین ایجاد این نابسامانی ها چه کسانی بوده اند و چگونه با آنها رفتار شده است؟ چگونه آنها به چنگ قانون سپرده شده اند؟

کدام یک از بلندپایگان را مجازات نموده اند؟

من سال گذشته هم در بحث بودجه از وزیر دادگستری پرسش کردم، بفرمایید که دستگاه قضائی ما نه اینکه چه تعدادی ضابط و ثبات بلکه چه تعدادی از بلندپایگان اداری را که مقصرند و جرائمی را به طور قطع مرتکب شده اند تعقیب نموده و مجازات کرده است؟ من این مطالب را با احساس مسئولیت کامل می گویم. من به عنوان کسی که آشنا به مبانی حقوقی است گزارشات کمیسیون شاهنشاهی را شنیدم و خواندم و غالب مواردی را که در آن گزارش ها اعلام شده است تقصیرهایی را که اعلام شده، حیف و

میل ها را که در بیت المال مملکت شده است و جناب نخست وزیر در گزارششان به عنوان تبذیر و اسراف

مواد غذایی غیرضرور عنوان نموده اند، غالب اینها را متضمن عناصر جزائی می دانم. (صحیح است).

تنگنا، یعنی برنامه ریزی نادرست و عدم اجرای صحیح برنامه ها:

عرض من اینجاست که اگر برنامه ها درست تنظیم می شدند و اگر برنامه ها درست اجرا می شدند و اگر اجراکنندگان برنامه ها احساس نوعی عدم مسئولیت نمی کردند و اگر آنهایی که برنامه ها را اجرا می کردند و با احساس عدم مسئولیت کار می کردند، مورد تنبیه و مجازات قرار می گرفتند، امروز ما این گزارش را روی میز مجلس شورای ملی نمی دیدیم. اگر هر مشکلی را که ناشی از عدم برنامه ریزی صحیح و ناشی از عدم اجرای صحیح برنامه هاست تنگنا نمی نامیدیم اگر بسیار کسانی را که مرتکب این خطاها شده اند نمی دیدیم که امروز در جامعه آزادانه بلکه با غرور قدم برمی دارند، امروز در جامعه ایرانی ما این مسائل را نمی داشتیم.(۱)

پزشکپور طی همان سخنان مبسوط خود با اذعان و اعتراف به اینکه ناآرامی های

سیاسی و انقلابی جاری و ساری در کشور از سوی علمای مذهب تشیع هدایت و صورت عملی به خود می گیرد، با تحلیل تاریخی نه چندان استواری تلاش کرد میان نظام تاریخی شاهنشاهی ایران با مذهب تشیع ارتباط و پیوندی تنگاتنگ و ناگسستنی پیدا کند تا وانمود سازد میان رژیم پهلوی با مذهب تشیع و علمای شیعه پیوندی عمیق و ناگسستنی وجود داشته و مخالفان اسلام گرای حکومت در میان جامعه مسلمان و شیعه ایرانی و نیز در جمع علما و مراجع دینی، رقم قابل اعتنایی را تشکیل نمی دهند. در بخش هایی از همان سخنان چنین می خوانیم:

پیوند جدانشدنی مذهب و ملیت در جامعه ایرانی:

جامعه ایرانی با یک معتقدات قوی و محکم هزاران ساله، تنها جامعه ای است که دقیقاً مذهبش با ملیتش منطبق است و این آمیختگی ملیت و مذهب است که طی سده ها و قرن های متمادی ما را حفظ کرده است. (صحیح است). بسیاری از زمان ها بود که در ایران زمین اثری از حکومت ها نبود. چه بسا حکومت وجود نداشت. صدراعظم وجود نداشت،



---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، اسفند ماه ۱۳۵۶.

حاکم و والی وجود نداشت ولی چه چیزی این ملت و سرزمین را حفظ کرد: ملیت و مذهب به هم پیوسته ایران. من هر صدایی را که هر نوع تزلزلی را بخواهد در این اتحاد ایجاد کند، دشمنی به ملت ایران می دانم، مسئله برای ما شوخی نیست، ما سرنوشتی را پشت سر داریم، و یک سرنوشت هزاران ساله را طی خواهیم کرد. ما می خواهیم باشیم، با هویت

ایرانی، در تاریخ آینده و در زمان های آینده. ما باید پایگاه های قویم موجودیت ملت ایران را بشناسیم. دین، یکی از مهم ترین پایگاه های هم نژاد ایران را نیز در تار و پود خود نگاه داشت، آن زمانی که شاه اسماعیل بزرگ با شمشیر آخته به تو پ های عثمانی حمله کرد به نام مرشد بزرگ، دلاوران کرد در کنار او شمشیر زدند و دشت چالدران نشانه تجلی وحدت و هماهنگی نژاد و قوم و مذهب ما گردید. تا دوردست آفریقا و آسیا، بروید، به مناطق دیگر بروید میلیون ها شیعه از نظر مذهب خود را متعلق به ایران و شاهنشاهی ایران می دانند، این فضای وسیع همبسته را ما چگونه به دست آوردیم؟ با اتکا به بزرگان ملی، پیشوایان و رهبران بزرگ مذهبی. اینها بودند که همواره ملت ایران، سرزمین و نظام شاهنشاهی ایران را از جان و دل حمایت و حفاظت کردند. من به دستاورد بیش از یک هزار و سیصد سال فرهنگ عظیم ایران دوران اسلام نمی پردازم که چگونه به مانند یک ودیعه و میراث گرانقدر به جهان عرضه شد. در تمامی رگ ها و تار و پود این پیوند، ریشه و اثر مذهب ایران نهفته است و وجود دارد. تاریخ صد سال اخیر ملت

ایران نمی تواند بزرگانی را به مانند آیت الله شیرازی ها و ملاکاظم خراسانی ها و آیت الله بهبهانی ها، آیت الله طباطبائی ها، ثقه الاسلام ها که از همان تبریز عزیز برخاسته اند فراموش نماید. او برای چه برخاست، برای دفاع از موجودیت ایران و برای حفظ استقلال ایران بالای دار رفت. من وظیفه ملی دارم این نکات را در مجلس شورای ملی ایران بیان نمایم، این پیوند عظیم و فخیم، این پیوند ناگسستنی و محکم میان همه گروه ها، میان ملت ایران با معتقدات مذهبی اش، می بایست همچنان مصون و محفوظ بماند، حرمت آنها می بایست حفظ شود و آن وقت همه این مجموعه مانند همیشه، مانند صدها سال گذشته، به مانند دوران صفوی و دوران های دیگر، همه این مجموعه آن وقت نظام شاهنشاهی ایرانی را که از نظر حقوقی نیز بر قانون اساسی ایران اتکا دارد، پاس می دارد. جز این هر اندیشه ای ابراز شود و هر قلمی به گردش بیاید و هر قدمی برداشته شود، من عرض می کنم به مصلحت ایران و

خدمت به شاهنشاهی شیعه ایران و سرزمین ایران نیست (آفرین).(۱)

از همان ماه های پایانی سال ۱۳۵۶ مجلس نشینان سابقاً پان ایرانیست در روندی تدریجی، ولی معلوم، برای در امان نگه داشتن اصل نظام شاهنشاهی پهلوی به حربه لزوم تبعیت بدون کم و کاست از قانون اساسی نظام مشروطه متوسل می شدند و پنهان هم نمی کردند که برای حفظ نظام شاهنشاهی پهلوی از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند.(۲)

موضع گیری پزشکپور، اعضایی از حزب پیشین پان ایرانیست را که هنوز هم به طور مرتب جلساتی با یکدیگر داشتند، خوشحال و هیجان زده کرد که امیدوار بودند هشدارهای «بزرگ سرورشان» از سوی دولت و حاکمیت جدی تلقی شده و بدان عمل شود تا نظام شاهنشاهی پهلوی با خطر جدی مواجه نشود. ساواک در بیست وسوم اسفند ماه ۱۳۵۶ گزارش کرده بود:

در ساعت ۳۰/۲۰ روز ۱۹/۱۲/۳۶ ]۲۵[ اعضای سابق حزب پان ایرانیست با حضور مهندس رضا کرمانی مسئول سابق حزب مذکور در خوزستان و محسن پزشکپور نماینده اهالی خرمشهر در مجلس شورای ملی در منزل امیر سالمی مبادرت به تشکیل جلسه حزبی نموده و ابتدا کرمانی اظهار داشت دوستان و یاران و رزمندگان دیرگام! اطلاع دارید که در بحث بودجه آقای طبیب عضو حزب پان ایرانیست و نماینده بوشهر در مجلس نوبت خود را به سرور پزشکپور داده و آقای پزشکپور در خصوص اوضاع ایران و استبدادهایی که در ایران می باشد خصوصاً در اثر ضعف و نارسایی که سبب شده دشمنان ملت ایران متحد شوند و

برنامه های ضدملی پیاده نمایند و آن قدر به رهبر مملکت دروغ بگویند تا کار به جایی برسد که در تبریز به مدت دو روز آشوب و خرابکاری به عمل آید و نوجوانان ۱۶ ساله روی کرسی بر علیه منافع ملت ایران سخن بگویند سرور پزشکپور در سخنرانی خود در مجلس آگاهانه اعلام داشتند که مملکت در خطر است و باید دستگاه های مسئول اقدامات فوری به عمل آورند. اما مسئولین یا خیانت می کنند یا غافل هستند. طی سال های متمادی چه کار کردند. کدام وزیر دزد و خاطی را به محاکمه کشیدند. و مرتب دشمنان ایران

ص:۴۴۱

---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، اسفند ماه ۱۳۵۶.

۲- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، اسفند ماه ۱۳۵۶.

برنامه های خود را پیاده کردند. کرمانی افزود حزب رستاخیز ضعیف و بیکار شده اما دولت آموزگار به خصوص شخص آموزگار به خود اجازه داده به آنچه پان ایرانیست طی ۳۷ سال مبارزه ناسیونالیستی خود داشته با دیده تمسخر بنگرد، یا عناوینی دیگر دهد چون رهبر ما به موجب رسالت خود مشکلات و معضلات را در مجلس شورای ملی بی پرده اعلام داشته و سخنانش در روزنامه اطلاعات چاپ اول درج و به بعضی از شهرستان ها فرستاده شده و روزانه هزاران تلفن به منظور عرض تبریک از طرف مردم به پزشکپور می شود که او درد را

خوب شناخته است. بالاخص متن گفتار وی در تبریز بین مردم توزیع گردیده و اثر خوبی داشته است. زیرا ایران مهد شاهنشاهی شیعه اسلامی است...

در این موقع پزشکپور حاضرین را آرام کرده و گفت وضع شخصی من نیست. خطر مملکت را تهدید می کند. اگر یک جراحی بزرگ و فوری صورت نگیرد متأسفانه ما باید خود را برای یک رزم ملی آماده کنیم زیرا طی یک برنامه حساب شده دارند این مملکت را به سوی نابودی می برند. چرا باید تبریز دو روز در آتش باشد؟ من سه سال قبل در موقع انتخابات میان دوره ای تهران و تبریز گفتم سه هزار رأی برای تبریز زنگ خطر است و اما حال اعلام می کنم خود خطر آمده! چه قوانین ظالمانه آوردید و به دروغ تحت توجهات رهبر مملکت تصویب کردید. نگذاشتید قوه قضائیه و مجریه کار خود را انجام دهد. مردم بی تفاوت و بی ایمان شده اند. بر علیه شاهنشاهی ما دارند توطئه می کنند. آقای مهندس روحانی وزیر سابق کشاورزی و سایرین را پست مهمی مجدداً خواهند داد. من صراحتاً در مجلس اعلام کردم دوره بعد وکیل نخواهم شد اما به رسالت ملی خود تا پای جان ادامه می دهم. در این موقع

علی خرم گفت سرور! این مملکت دارد نابود می شود زیرا پسرم خشایار که ۷ سال دارد در منزل می گوید شاه خوب نیست. از او پرسیدم چرا پاسخ داد همه می گویند مردم را زندانی می کند. ملاحظه بفرمایید، دارند در مدرسه افکار دانش آموزان را نسبت به رژیم بدبین می کنند. سالمی اضافه نمود با یک برنامه حساب شده افکار دانش آموزان را دارند مسموم می نمایند. کرمانی اضافه نمود در قم بچه های ۷ و ۸ ساله شعار می دادند دین از دست رفته چرا قیام نمی کنید. اینها برنامه است. دارند این مملکت را به آشوب می کشند. چه آموزگار بخواهد چه نخواهد ما پان ایرانیست ها به دلیل حساسیت اوضاع قیام خود را آغاز می کنیم و افراد توده ای سابق جبهه ملی تلفنی ما را تأیید کرده اند.

دولت آمد کشاورزی را با برنامه حساب شده از بین برد و به قولی ملی کرد و سپس در اختیار آقایان مهدوی و هژبر یزدانی قرار داد. آخر عدالت کجاست. از مشهد تا شمال را مشاهده نمایید مال کیست، طومار وقتی حاضر شد به امضای کلیه پان ایرانیست های کشور خواهد رسید و سپس به دکتر آموزگار خواهیم داد تا تکلیف خود را یکسره

کنیم. این جلسه در ساعت ۰۰/۲۴ خاتمه یافت.(۱)

در این میان سخنان آسیب شناسانه و هشداردهنده محسن پزشکپور در جریان بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۵۷ در مجلس بیست وچهارم از سوی اعضای حزب سابق پان ایرانیست حروف چینی، تکثیر و در سطحی وسیع منتشر شد تا نشان داده شود، این تشکل سابق که اینک در راه رستاخیز گام برمی داشت تا چه اندازه به دوام و بقای حکومت پای بندی دارد. با آغاز سال ۱۳۵۷ و گسترش باز هم بیشتر ناآرامی های سیاسی، بر دامنه و تعداد نطق ها و اظهار نظرهای آسیب شناسانه و هشداردهنده پزشکپور و دیگر هم مسلکان حزبی سابقش در مجلس افزوده شد. پزشکپور از آن رو که رئیس کمیسیون عرایض مجلس هم بود، بیش از دیگران خود را محق می دانست از حقوق و شکایات ناراضیان و مخالفان وفادار و میانه رو حاکمیت در مجلس و بیرون از مجلس دفاع کند.(۲) طی تابستان ۱۳۵۷ و پس از آن دامنه مخالفت ها و انتقادات پزشکپور و دوستانش در مجلس، بسیاری از رجال و دولتمردان و دوایر گوناگون دولتی را در بر گرفت. شبح دهشتناک سقوط احتمالی رژیم پهلوی آنی پزشکپور و یارانش را رها نمی کرد. رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست طی سالیان فعالیت خود بارها و بارها پیرامون نظام شاهنشاهی ایران و رژیم پهلوی، و پیوند گسست ناپذیر آن با ناسیونالیسم و وطن پرستی و نیز حزب پان ایرانیست فلسفه بافی کرده و به اصطلاح آسمان و ریسمان به هم دوخته بودند و اینک برای آنها بسیار ناگوار بود که تقریباً به سرعت شاهد فروپاشی و زوال نظام شاهنشاهی پهلوی باشند. پزشکپور، عبدالله ریاضی را که از آغاز دوره بیست ویکم مجلس شورا تا اواسط سال ۱۳۵۷ رئیس مادام العمر مجلس نشینان بلااراده بود، در واپسین روزهای ریاستش بر دوره

ص:۴۴۳

---

۱- هژبر یزدانی به روایت اسناد ساواک، صص ۲۶۰-۲۵۷.

۲- صفحاتی از تاریخ معاصر ایران: اسناد نهضت آزادی ایران، ج ۹، دفتر ۲، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲، صص ۳۱۱-۳۰۸.

بیست وچهارم مجلس به شدت مورد انتقاد قرار داد. در بخش هایی از این انتقاد حساب شده پزشکپور از ریاضی که هماهنگ با دیگر افراد و گروه های میانه رو و وفادار به حاکمیت و به هدف نجات رژیم پهلوی از سقوط حتمی صورت گرفته و روزنامه های وقت هم آن را

تمام و کمال چاپ و منتشر کردند، چنین آمده بود:

... سبب و انگیزه ارسال این نامه سرگشاده، ملاحظه خبری بود که در شماره ۱۵۶۹۸ روزنامه اطلاعات مورخ هشتم شهریورماه ۱۳۵۷ درج گردیده است. در فراز نخست این خبر چنین آمده است: «... مهندس عبدالله ریاضی رئیس مجلس شورای ملی دیروز اعلام کرد که از روش ها و برنامه های دولت های گذشته دفاع می کند...». قرائت این خبر از دو جهت مرا غرق شگفتی و تألم و تأثر نمود. نخست آنکه چگونه ممکن است یک ایرانی [...] یک نماینده مجلس شورای ملی که معمولاً باید آگاه به مشکلات میهن خود، آشنا به رنج ها و غم های مردم میهن خود باشد، در شرایطی که به هر حال به سبب روش دولت های گذشته که بسیاری از دست اندرکاران دولت لاحق نیز در آن دولت ها، مسئولیت های مسلم و انکارناپذیر داشته اند، وضع اجتماعی ملت ایران به این حد از پراکندگی، نابسامانی، درهم ریختگی و شکست بسیاری از برنامه های اقتصادی انجامیده است، این چنین داوری کند. چگونه ممکن است یک ایرانی آن هم کسی که نماینده مردم در مجلس شورای ملی می باشد، به سبب و انگیزه های واقعی کشته

شدن گروه های عظیم از هم میهنان ما، تبعید و زندانی شدن گروه گروه مردم این سرزمین، ایجاد حوادث نامطلوب در سرتاسر مملکت و بالاخره عدم رضایت عمومی و مآلاً عصیانی که به وجود آمد توجه ننماید؟

جناب آقای مهندس عبدالله ریاضی، هرگاه مسئولیت بروز این حوادث، هرگاه مسئولیت ایجاد تورم را در ایران با بالاترین نرخ در صحنه اقتصاد جهانی، شکست برنامه های متعدد اقتصادی و اجتماعی، به هدر دادن بخش عظیم ثروت فناپذیر ملی از درآمد، درهم کوبیدن بسیاری از روستاهای مملکت و بالاخره هر گاه فراهم ساختن موجباتی برای تعدی و تجاوز زورگویان و ستمگران و غارتگران بر حقوق ملت و بر شرف و جان و مال مردم، که نمونه ای از آن پرونده هولناک جنایت های امثال هژبر یزدانی می باشد، با دولت ها و من حیث المجموع با حکومت ها نباشد، پس مسئولیت آن با کیست؟

نه تنها مسئولیت همه این نابسامانی ها و حوادث غم انگیز و کشتارها و تبعیدها و

شکست های متعدد در برنامه های اقتصادی و اجتماعی، با دولت ها بوده و هست، بلکه شخص شما، در ایجاد این نابسامانی ها، در انجام این تعدیات و قانون شکنی ها مسئولیت مستقیم و انکارناپذیر به عهده

داشته و دارید...

جنابعالی طی چهار دوره ریاست مجلس شورای ملی تاکنون چگونه مجلس ایران را اداره نموده اید. اجازه بفرمایید تا با صراحت بیان نمایم، متأسفانه نحوه ریاست شما بر مجلس شورای ملی ایران، جز این نتیجه ای نداشت که بالمره قوه مقننه را از موضع قانونی خود خارج نماید. استقلال قوه مقننه را متزلزل نماید و بالاخره اصل تفکیک قوا را به سود قوه مجریه مخدوش کند، ... و نوعی حکومت مستبد دیوانسالاری را بر همه مملکت مستولی سازد. ...(۱)

آگاهان می دانستند که هدف پزشکپور از این گونه انتقادات تند و شدیداللحن، غیرمسئول جلوه دادن شخص شاه (طبق قانون اساسی مشروطیت!) است که گویی طی سالیان طولانی گذشته، مجالس شورا و نیز دولت ها و دوایر مختلف دولتی و حکومتی در شئون و سطوح مختلف برخلاف تمایل و علایق شخص شاه عامدانه حقوق و منافع ملت ایران را پایمال ساخته اند و به تبع آن نه شاه و اصل نظام شاهنشاهی پهلوی بلکه باید همان دولت ها و دستگاه های اجرایی و نظایر آنها پاسخگوی اوضاع بحرانی پیش آمده باشند.(۲)

## در برابر دولت آموزگار

دکتر جمشید آموزگار رقیب دیرین امیرعباس هویدا در شانزدهم مرداد ماه ۱۳۵۶ طبق

خواسته شخص شاه در مقام نخست وزیری جایگزین هویدا شد و تا پنجم شهریور ماه ۱۳۵۷ در این سمت باقی بود. انتصاب آموزگار به نخست وزیری با نظر مساعد و خوشحالی پزشکپور و یارانش در مجلس مواجه شد که از سال ها زمامداری رندانه هویدا دل پری داشتند و بر این باور بودند که نخست وزیر جدید ارتباط دوستانه تری با آنان برقرار خواهد



---

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۵، ص ۱۹۰.

۲- یونس مروارید، از مشروطه تا جمهوری، ج ۳، صص ۹۰۶-۹۰۴. اسکندر دلدم، زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا، صص ۲۹۳-۲۹۲. روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۵، صص ۱۳۹-۱۳۸. حسین خطیبی، رنج رایگان، صص ۳۱۹-۳۱۶.

ساخت که تقریباً چنین هم بود و آموزگار وانمود ساخت به نظرات کارشناسانه پزشکپور برای مواجهه منطقی و کارآمد با مشکلات پیش روی دولت اهمیت می دهد. محمدرضا عاملی تهرانی هم از افراد مورد توجه آموزگار بود و هم او بود که در دوران دبیرکلی آموزگار در حزب رستاخیز مدتی قائم مقام او شد.

یکی از وکلای دادگستری که ارتباط نزدیکی با پزشکپور داشت، در پانزدهم مهر ۱۳۵۶ درباره ارتباط پزشکپور و عاملی با آموزگار و نظرخواهی از آن دو پیرامون پاره ای از مسائل مبتلا به دولت، به ابوالحسن عمیدی نوری گفته بود:

پزشکپور (او هم عضو هیأت مدیره کانون وکلا و هم وکیل مجلس است) برایم نقل نموده چند روز پیش دکتر آموزگار از او دعوتی نمود به اتفاق دکتر عاملی که با هم حزب داشتند. او می گفت خیال می کردم از این دعوت های تشریفاتی عمومی است ولی وقتی نزدش رفتم معلوم شد فقط ما دو نفر هستیم. بعد، از اوضاع مملکت از من نظر خواست بالخصوص وضع دادگستری که من به تفصیل خرابی ها بالخصوص امر دادگستری و افتضاحی که این کیان پور درآورده است، هم از نظر قوانین غلط و هم از نظر رفتاری که با قضات دارد [را گفتم]. در حالی که دادگستری یک قوه مستقل قانونی است که وزیر حق دخالت در آن ندارد، او

مرتب قضات را جریحه دار می کند، امر و نهی می نماید. پزشکپور بعد گفت آموزگار مطالب مرا (قسمتی از آنها مخصوصاً درباره دادگستری) یادداشت می کرد و من خیال می کنم که او از طرف شاه مأموریت درباره رسیدگی به کار کیان پور دارد. من خیال می کنم که آموزگار جریانات را به شاه گفته، او هم یگانه، رئیس دیوان کشور را خواسته از جریانات دادگستری و عدم رضایت قضات و غیره استفسار نموده است.(۱)

اما با گسترش تدریجی ناآرامی های سیاسی پزشکپور و یارانش در مجلس در سلک منتقدان و ناصحان نخست وزیر درآمدند و همچنانکه پیش از این هم اشاره شد در اسفند ماه ۱۳۵۶ محسن پزشکپور در انتقاد و مخالفت با لایحه بودجه دولت برای سال ۱۳۵۷ و سوء عملکرد و ناکارآمدی وزارتخانه ها و دستگاه های مختلف دولتی سخنان مبسوطی ایراد کرد که با واکنش آموزگار مواجه شد که در یازدهم اسفند ماه ۱۳۵۶ و در صحن علنی



---

۱- ابوالحسن عمیدی نوری، یادداشت های یک روزنامه نگار، ج ۲، صص ۳۳۱-۳۳۰.

مجلس سخن پرویز ظفری، دیگر نماینده عضو حزب پان ایرانیست را که از رابطه مرید و مرادی خود با پزشکپور سخن به میان آورده و او را مرشد خود خوانده بود مورد استهزا قرار داد. با این حال همچنانکه اسناد نشان می دهد، در آن برهه پزشکپور به واکنش اخیر نخست وزیر پاسخی نداد تا مبادا دولت وقت در انظار عمومی تضعیف شود.(۱) همچنانکه گزارش زیر (۱۵/۱۲/۱۳۵۶) نشان می دهد، سخنرانی انتقادآمیز پزشکپور در هنگام طرح لایحه بودجه سال ۱۳۵۷ در مجلس هم عمدتاً از شایعه ای نشأت می گرفت که گویی آموزگار تهدید کرده بود اگر پزشکپور با دولت و برنامه های او مخالفت کند، در دور آتی

انتخابات جواز حضور در مجلس آتی را به دست نخواهد آورد:

در روزهای اخیر بین افراد سابق حزب پان ایرانیست شور و هیجان زیادی راجع به لایحه بودجه که وسیله آقای نخست وزیر تقدیم مجلس شد مشاهده گردید. افراد زیادی با پزشکپور تماس گرفتند و می خواستند ببینند ایشان راجع به بودجه مخالفت خواهند کرد یا نه، چون پیغام آقای نخست وزیر را شنیده بودند که به وسیله دکتر عاملی و دکتر طبیب و مهندس یزدی برای پزشکپور فرستاده و گفتند که به پزشکپور بگویید این قدر سؤال از دولت مطرح نکند و راجع به بودجه هم سخت نگیرد والا من هم دبیرکل حزب هستم و هم نخست وزیر، در دوره آینده انتخابات نخواهم گذاشت که ایشان شرکت کند. پیغام آقای نخست وزیر به سرعت به گوش پزشکپور و همکاران وی رسیده نتیجتاً پزشکپور مبادرت به نطق در زمینه بودجه نیز نمود و در ضمن خطاب به نخست وزیر بیان داشت که پیغام شما رسید اما من برای وکالت مجلس قبا ندوخته ام که از پیغام های شما ترسی داشته باشم، قرار است نطق پزشکپور توسط دکتر طالع استنسیل شده و سپس برای افراد حزب پان ایرانیست ارسال گردد.

نظریه شنبه: افراد سابق حزب

پان ایرانیست در پاسخ آقای نخست وزیر و اینکه ایشان تهدید به سکوت کرده اند ناراحت و عصبانی بوده و قرار است متن کامل مذاکرات را (نطق پزشکپور و پاسخ نخست وزیر) توزیع نمایند.

نظریه سه شنبه: ۱- شنبه مورد اعتماد است و به صحت گزارشات وی اطمینان حاصل است.

ص:۴۴۷

---

۱- جمشید آموزگار به روایت اسناد ساواک، صص ۴۲۸-۴۲۷.

۲- به نظر می رسد پزشکپور و اعضای حزب پان ایرانیست با نشستی به دور یکدیگر ضمن مخالفت هایی به اقدامات دولت فعالیت هایی را نیز شروع نمایند.(۱)

انتقادات پزشکپور از دولت آموزگار در مجلس با نظر مساعد اعضای مؤثر حزب پان ایرانیست روبه رو شد.

همچنین در بیانیه ای که گروهی از این پان ایرانیست های سابق خطاب به آموزگار انتشار دادند، باز هم از پزشکپور دفاع کردند و مستقیم و غیرمستقیم از نقش تاریخی حزب پان ایرانیست و پان ایرانیست ها در دفاع از نظام شاهنشاهی پهلوی سخن به میان آورده و بر تداوم این راه تأکید کردند.

از جمله طرح های ساواک و احیاناً حاکمیت برای جلوگیری از گسترش ناآرامی ها در اوایل سال ۱۳۵۷ ایجاد رعب و وحشت در میان گروه هایی از مخالفان سیاسی بود. در همین راستا افرادی که خود را «کمیته انتقام» لقب می دادند، از اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ در محل کار یا منازل افرادی از مخالفان حکومت بمب های نه چندان مخربی منفجر کرده و یا آنان را مورد ضرب و جرح قرار داده و می گریختند. هنگامی که اخباری از این دست روزافزون شد، در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ محسن پزشکپور فرصت طلبانه در صحن علنی مجلس دولت آموزگار را مورد پرسش قرار داده و

خواستار آشکار کردن هر چه سریع تر هویت مهاجمان و بمب گذاران شد.

محسن پزشکپور یکی از نمایندگان مجلس ایران از دولت خواست در مورد کسانی که در انفجار بمب در خانه مخالفان دولت در تهران دست داشته اند توضیح داده و بگوید که چرا برای دستگیری این عده اقداماتی صورت نگرفت.

وی گفت تشکیلات دولتی مجری قانون کاملاً قادر به تشخیص هویت گروه تروریستی مذکور می باشد اما در انجام این کار کوتاهی کرده اند.

برای دومین بار در عرض یک ماه و نیم گذشته دولت ایران با حادثه ای فوق العاده غیر معمولی روبه رو شده است و در مجلس شورای ملی در رابطه با امواج ناآرامی در کشور مورد سؤال قرار می گیرد. به گزارشی در این باره از خبرنگار بی.بی.سی. در تهران، آندرو

ص:۴۴۸

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ویتلی، گوش می کنیم:

تازه ترین سؤالی که دولت جمشید آموزگار نخست وزیر ایران با آن روبه رو شده است، ناشی از انفجار بمب در منازل مخالفان سلطنت و دولت می باشد، آقای محسن پزشکپور یکی از وکلای سرشناس مجلس شورا دیروز دولت را با طرح سه سؤال در مورد اینکه مسئولان این انفجار چه کسانی

بوده اند و چرا تا حال دستگیر نشده اند مورد استیضاح قرار داد. اهمیت قضیه در این است که آقای پزشکپور در استیضاح خود که احتمالاً ـ برای دولت بسیار ناراحت کننده است اشعار می دارد که قانون اساسی ایران حمایت از افراد و املاك را تضمین کرده است. وی گفت که منفجر کردن منازل وکلایی که از دانشجویان شرکت کننده در تظاهرات دفاع کرده اند به حق دفاع قانونی لطمه زده و سایر اصول عدالت را پایمال می کند.

هیچ اظهار نظر و یا بیانیه رسمی در مورد این حوادث که حدود سه هفته پیش شروع شد، انتشار نیافته است. در واقع دولت مجبور است که به استیضاح پارلمانی جواب بدهد ولی به نظر می رسد که هنوز موعدی برای این جواب تعیین نشده است.(۱)

بدین ترتیب پزشکپور و همفکرانش در مجلس و بیرون از مجلس زیرکانه می کوشیدند چنان القا کنند که گستره مخالفت های عمومی از عملکرد سوء و ناکارآمدی دولت و مجموعه دوایر و دستگاه های دولتی فراتر نمی رود و طرح شعارهایی نظیر «قانون اساسی» و لزوم پایبندی تمام و کمال به آن خواهد توانست اصل نظام شاهنشاهی پهلوی را از خطرات احتمالی مصون نگه دارد.

در همین راستا بود که در طول بهار و تابستان ۱۳۵۷ دولت آموزگار در چارچوب همان وظایف به اصطلاح قانونی (بر حسب قانون اساسی مشروطیت) مورد پرسش و انتقاد

پزشکپور و یارانش قرار داشت.(۲) هر چه زمان بیشتر می گذشت، پزشکپور نیز همچون عده ای دیگر از فرصت طلبان، انتقادهای خود را تندتر و تندتر می کرد. اکنون که مشخص شده بود، روحانیت و اسلام، جایگاه ویژه ای در آینده ایران دارند، به یکباره همه



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۴۳۶.

فرصت طلبان عابد و زاهد ومسلمان شده بودند. اما این فرصت طلبان، نگران از هرگونه فروپاشی که به معنای فرود آمدن آوار بر سر خود آنها بود، سنگر قانون اساسی را رها نمی کردند؛ و دم از پیروی آن دسته از روحانیون می زدند که آنها نیز سنگرشان قانون اساسی بود. آیت الله سید کاظم شریعتمداری در رأس تمام این روحانیون جای داشت.

پزشکپور و همفکرانش می کوشیدند در تحولات جاری کشور نقشی محوری برای او قائل شده و مستقیم و غیرمستقیم موقعیت او را تقویت کنند. چنانکه وقتی در جریان اقدام مشکوک گروهی از مأموران منزل آیت الله شریعتمداری در قم مورد تهاجم قرار گرفت، محسن پزشکپور طی نامه ای خطاب به رئیس مجلس شورا به شرح زیر تقاضا کرد نخست وزیر در اولین فرصت در مجلس حضور یافته و در آن باره توضیح دهد:

خواهشمند است مقرر فرمایید جناب آقای نخست وزیر در مجلس شورای ملی حضور یافته به پرسش زیر پاسخ گویند:

با توجه به اعلامیه صادره از طرف دولت به شرح مندرج در روزنامه های عصر شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه جاری و نیز به شرح منعکسه در دیگر وسایل ارتباط جمعی روز چهارشنبه بیستم اردیبهشت ماه حریم خانه یکی از مراجع عالیقدر تقلید و پیشوایان بزرگ مذهبی ملت ایران، مورد هجوم گروهی از مأموران انتظامی قرار می گیرد که در اثر این حادثه شوم و غم انگیز یکی از

نزدیکان این مرجع عالیقدر فوت می گردد و حوادث نامطلوب دیگر از این قبیل نیز به وقوع می پیوندد.

با توجه به اینکه حفظ حریم حوزه های علمی، به ویژه حوزه های علمی مذهبی و نیز حفظ حریم سکونت همه آحاد و افراد مردم به ویژه پیشوایان عالیقدر مذهبی، از مهمترین وظایف و تکالیف ملی و شرعی و قانونی همه سازمان های مسئول و مأموران دولت می باشد و با توجه به اینکه بی گمان فرماندار و دیگر مسئولان کشوری و انتظامی شهرستان قم می بایست شناسایی لازم را نسبت به محل سکونت مراجع عالیقدر تقلید داشته باشند و جز این هم نیست، چگونه و چرا چنین حادثه شوم و غم انگیز به وقوع پیوست و دولت برای تعقیب و معرفی مسئولان وقوع این حادثه چه اقداماتی نموده است و برای ایفای وظایف قانونی و شرعی و ملی خود بر اینکه هرگز چنین حوادث شوم وجریحه دار کننده احساسات ملت ایران و میلیون ها شیعیان جهان به وقوع بپیوندد ]نپیوندد[ چه تمهیداتی را در نظر

گرفته اند؟(۱)

در بسیاری از مقاطع دوران انقلاب، دانشجویان و دانشگاهیان پیشگام تحرکات ضدحکومتی بودند و جدای از آنکه از گروه های سیاسی مختلفی حمایت می کردند، تقریباً همگی آنان خواستار به سقوط کشانیدن رژیم پهلوی بودند. اما محسن پزشکپور و یاران سلطنت طلب او در مجلس و خارج از مجلس با طرح مسائل حاشیه ای و بی اهمیت تلاش می کردند از نخست وزیر وقت جمشید آموزگار خواسته شود تا در مجلس حاضر شده و در آن باره توضیح دهد:

حسب خبرهای مندرج در روزنامه ها و دیگر وسائل ارتباط جمعی چنین وانموده اند که جمعی دانشجو در یکی از تظاهرات خود پرچم کشور بیگانه ای را حرکت داده اند، از آنجا که چنین توجیهی بیش از یک اتهام ناروا و تمهید زشت و ناهنجار برای واژگونه جلوه دادن تمایلات وسیع تحول طلب میلیون ها مردم ایران پرست نمی باشد و از آنجا که هر ایرانی با وحدت ملی و استقلال و آزادگی ملی پیوندی ناگسستنی دارد و از آنجا که هزاران هزار دختران و پسران دانشجو فرزندان همان خانواده های مؤمن و میهن پرستی هستند که هزاران هزار سربازان و افسران وطن پرست را در دامان خود پرورش داده اند، و از آنجا که این اتهام در شأن هیچ یک از گروه های جامعه ایرانی نیست، دولت چه اقدامی برای معرفی فوری کسانی که مدعی هستند درفش کشوری بیگانه را بر پا داشته اند معمول داشت تا آنها

را به ملت ایران و مجلس ایران معرفی نماید، تا معلوم گردد دامان هزاران دانشجو و خانواده های ایران پرست مبرا از این اتهامات ناروا و زشت می باشد؟

با احترام

محسن پزشکپور(۲)

از طرف دیگر، هر روز آشکارتر می شد که اسلامگرایان تحت رهبری آیت الله العظمی امام خمینی(ره) در رأس جنبش انقلابی مردم ایران بوده و هدفی جز سرنگون ساختن رژیم پهلوی را دنبال نمی کنند، اما پزشکپور رندانه می کوشید در تحولات جاری نقش قابل



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

توجهی برای علما و روحانیون وفادار به حاکمیت قائل شده و با نادیده گرفتن و کم اهمیت جلوه دادن جایگاه رهبری آیت الله امام خمینی(ره) چنان وانمود سازد که آن گروه نخست هرگز اجازه نخواهند داد اصل نظام شاهنشاهی پهلوی با خطری جدی مواجه شود. در گزارشی از ساواک که حاصل گفت و گوی محسن پزشکپور با عبدالرضا حجازی از روحانیون میانه رو بود، چنین اشاره شده است:

بعد از ظهر روز ۲۶/۲/۳۷ ]۲۵[ محسن پزشکپور در دفتر کار خود ضمن صحبت با دوستان همفکر خود سؤال خود را از آقای نخست وزیر که در مورد حمله قوای انتظامی به خانه یکی از علمای قم نموده بود، مطرح کرد و گفت روزنامه ها چاپ نکردند و قرار شد متن سؤال مورخه ۲۶/۲/۳۷ ]۲۵[ در روزنامه کیهان و اطلاعات به چاپ رسد. پزشکپور اظهار داشت دیروز دکتر عبدالرضا حجازی به مجلس آمده بود و

اظهار تشکر و قدردانی از دفاعی که از جامعه روحانیت کرده ام نمود و اظهار داشت علمای حوزه ای که من در اختیار دارم و همین طور مردم مسلمان به من مأموریت داده اند تا از شما و از زحمات شما تشکر کنم و افتخار بکنم که استادی همچون شما داریم. پزشکپور اضافه نمود به مدت یک ساعت برای دکتر عبدالرضا حجازی رابطه ملت ایران و عالم تشیع و روحانیت و اصولاً پیوند نظام شاهنشاهی با شیعه و دین اسلام را تشریح کردم و همین طور وظیفه روحانیون را نسبت به اشاعه دین با نظام شاهنشاهی و پیوستگی کردها و شیعیان با نظام شاهنشاهی در طول تاریخ را. دکتر حجازی گفت دنیای دیگری جلوی چشمان من باز شد و حالا می فهمم پیوند دین با شاهنشاهی ایران بسیار عمیق است و حتی ما در قانون اساسی داریم که مشروطیت و شاهنشاهی ایران باید تا ظهور امام دوازدهم پابرجا باشد. پس چرا دولتی ها و حکومت این قدر کوشش می کنند که فاصله بین مردم و دین و نظام شاهنشاهی باشد. پزشکپور اظهار داشت به او گفتم این همان خطری است که ملت ایران و نظام شاهنشاهی ما را تهدید می کند و حالا وظیفه شما علمای دین است

که نگذارید این چنین شکافی به وجود آید. چون در طول تاریخ دشمن موقعی موفق شده است که بین شاهنشاهی ایران و دین فاصله ایجاد شده است. دکتر حجازی گفت از این به بعد در این راه گام خواهم برداشت و دو جلد از کتاب های خود یکی به نام سیستم اقتصادی اسلام و دیگری رسالت قرآن در عصر فضا را با جمله تقدیم به استاد و دانشمند میهن پرست آقای محسن پزشکپور پیشکش کرده و امضا

نموده و به من داد و سپس گفت اگر دولت آموزگار متوجه این احساسات ملی و میهنی باشد و سعی کند که فاصله شاه و دین و مردم زیاد نشود این بدبختی ها در مملکت به وجود نخواهد آمد.

نظریه شنبه: پزشکپور از برخورد خود با دکتر حجازی بسیار خوشحال به نظر می رسید.(۱)

آخرین باری که پزشکپور و یارانش در مجلس شورا دولت آموزگار را با تمسک به قانون اساسی مشروطیت و متمم آن مورد پرسش قرار داده و استیضاح کردند، بیست ونهم مرداد ماه ۱۳۵۷ و به دنبال آتش سوزی سینما رکس آبادان و طرح دولت برای برقراری حکومت نظامی در اصفهان و برخی شهرهای دیگر بود. در متن این استیضاح که در صحن علنی دوره بیست وچهارم مجلس شورای ملی طرح شد، چنین می خوانیم:

ریاست محترم مجلس شورای ملی

با نهایت تأسف بار دیگر باید تکرار کرد که اکنون ملت ایران در یکی از خطیرترین مراحل سرنوشت خود قرار دارد.

آنچه اینک و پس از تعطیل نابهنگام مجلس در جلسه فوق العاده امروز به عنوان لایحه پیشنهادی دولت برای تجویز ابقای حکومت نظامی در اصفهان مطرح می باشد، نموداری غم انگیز از نتایج قانون شکنی ها و استقرار نوعی حکومت «توتالیتر بوروکرات» به جای نظامات و نهادهای قانونی است.

وقوع حوادثی نظیر وقایع تبریز، قم، شیراز، اصفهان، یزد، جهرم، اردکان و رفسنجان و بسیار مناطق دیگر میهن ما مسلماً پیامد حوادث شوم و غم انگیز بسیار دیگر می باشد که نتیجه قانون شکنی ها و خودکامگی های استبدادگران بوروکرات است.

بدیهی است حاصل اعمال چنین روشی طی چندین سال از طرف بسیاری از مجریان امر به هر کیفیت کشتار گروه بسیاری از هم میهنان ما، تبعید گروه هایی از مردم، انباشته شدن پیاپی زندان ها به محاکمه کشیدن مستمر دانشجویان و بالاخره ایجاد حوادثی نامطلوب از این قبیل است.

بی گمان نتیجه چندین سال قانون شکنی های پیاپی مسئولان، در هم شکستن موازین

قانون



---

۱- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۵، صص ۴۷۹-۴۷۸.

و حقوق عمومی و بی اعتنایی به خواست ها و اعتراضات بحق گروه های عظیم مردم میهن ما، پیامدی جز آنچه که دیده ایم و می بینیم نمی توانست داشته باشد.

این توجیه منطقی و راستین از سوی نمایندگانی بیان می گردد که هر یک در مسیر آرمان های ملی همواره در راه استقلال و دفاع از وحدت ملی و آزادی و حراست قانون اساسی و تعمیم عدالت اجتماعی مجاهدتی بی دریغ داشته اند.

این توجیه از سوی نمایندگانی بیان می شود که هر یک زندگی سیاسی روشنی در متن مبارزات ملت ایران علیه هرگونه سیاست ضدایرانی و استعماری داشته و برای حفظ میراث فرهنگی جامعه ایرانی تلاشی وسیع را دنبال نموده اند و اکنون نیز مسئولیت بروز حوادثی نظیر حادثه اصفهان و دیگر وقایع را بیش از هر چیز متوجه نحوه عملکرد دولت ها طی سال های گذشته تاکنون می دانند.

این توجیه از سوی نمایندگانی است که در آینده نیز برای دفاع از وحدت ملی و اصول مترقی قانون اساسی و آزادی های دموکراتیک در پناه حکومت قانون تا پای جان خواهند ایستاد.

آنچه به عنوان انگیزه اصلی و زمینه سازی قبلی بروز این حوادث و وقایع به عنوان قانون شکنی ها و خودکامگی های دولت بیان گردید متأسفانه با آنکه کراراً از سوی وطن پرستان و مصلحت اندیشان مورد تذکر و توجه مکرر قرار گرفت هرگز تأثیری در نحوه رفتار کلی دولت ها و مقامات مسئول ننموده و هر چند بیان قانون شکنی دولت ها که معارض با نظام قانونی مملکت و مباین با خواست و مصالح جامعه ایرانی مسبب اصلی بروز این حوادث است، مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد ولی به طور خلاصه و اجمال به چند مورد کلی از آن اشاره می گردد.

۱- اقدامات مکرر و پیاپی دولت ها در نقض اصول ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ متمم قانون اساسی و در نتیجه نقض اصل تفکیک قوا و تسری خواست و تمایل قوه مجریه در نحوه کار قوه مقننه و قوه قضائیه.

۲- نقض اصول بیستم و بیست و یکم قانون اساسی از طرف مقامات اجرائی و در نتیجه نقض اصل آزادی اجتماعات و آزادی مطبوعات که به ویژه در یک ماه اخیر و پس از تعطیل نابهنگام مجلس علیرغم تمایل قلبی دارندگان و نویسندگان مطبوعات شدیدترین نحوه

ص:۴۵۴

سانسور از طرف

دولت در مطبوعات و دیگر وسایل ارتباط جمعی اعمال گردیده است.

۳- عدم پاسخگویی دولت به پرسش های متعدد طرح شده از سوی نمایندگان مجلس شورای ملی که پاره ای از آنها بیش از یک سال است مطرح گردیده و بدین کیفیت عملاً ـ اعمال نظارت مجلس شورای ملی در نحوه اجرای قوانین دچار عسرت گردیده است، از جمله اینکه بیش از یک سال است که از طرح سؤال در مورد وصول بدون مجوز عوارض گذرنامه و ماه هاست که از طرح سؤال مربوط به هجوم و یورش مسلحانه مأموران دولت به خانه حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدکاظم شریعتمداری می گذرد، ولی هنوز دولت به هیچ یک از این سؤالات پاسخ نداده است.

۴- عدم تعقیب و مجازات قانونی کسانی که سال ها به بیت المال مملکت تجاوز نموده اند، چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی، و بالاخره عدم تعقیب و مجازات کسانی که بخشی عظیم از ثروت فناپذیر ملی یعنی درامد نفت را به انحای گوناگون حیف و میل نموده اند.

۵- عدم تعقیب و مجازات کسانی که مسئولیت مستقیم و انکارناپذیر شکست بسیاری از برنامه های اقتصادی و اجتماعی

را به عهده دارند که از این طریق مهم ترین فرصت های زمانی و امکانات مالی میهن را از دست داده و می دهند.

۶- عدم اجرای قوانین، به سود گروه قدرتمند و متعدی و بازگذاردن دست آنان در تجاوز به حقوق عمومی و جان و مال و شرف مردم که سؤال های مطروحه در این مورد در مجلس شورای ملی که هنوز دولت به آنها پاسخ نداده است روشنگر این واقعیت می باشد.

اینهاست نمونه هایی چند از آنچه سال های متمادی است دولت را از موضع قانونی خود به موضع نوعی حکومت خودکامه بوروکرات منتقل نموده است، که ادامه چنین روشی در حکومت سوای ایجاد عدم رضایت عمومی و بالاخره بروز عصیان نتیجه ای نتواند داشت.

با توجه به اینکه بسیاری از اعضای هیأت دولت کنونی و از جمله جناب آقای نخست وزیر نیز در دولت های گذشته مشارکت و مسئولیت مشترک داشته اند و نیز با توجه به اینکه هنوز همچنان همان قانون شکنی ها و روش های معارض اصول قانون اساسی و مصالح عمومی و خواست بحق مردم ادامه دارد، امضاکنندگان این تقاضانامه حسب مقررات ماده ۱۵۶ آیین نامه داخلی

مجلس شورای ملی دولت جناب آقای جمشید آموزگار را استیضاح می نماییم.

ص:۴۵۵

محسن پزشکپور – احمد بنی احمد – دکتر سیدحسین طبیب – علی اصغر مظهری – مهندس پرویز ظفری – غلامرضا اخلاق پور – منوچهر یزدی(۱)

به دنبال این استیضاح و بحران گسترده ای که متعاقب آتش سوزی در سینما رکس آبادان و افزایش روزافزون تحرکات انقلابی دامنگیر دولت شده بود، جمشید آموزگار با نظر شاه و حامیان خارجی او ناگزیز در پنجم شهریور ماه ۱۳۵۷ از مقام نخست وزیری کناره گرفت.

## خروج از حزب رستاخیز

### تجدید فعالیت حزب پان ایرانیست

هنگامی که سال ۱۳۵۶ از نیمه گذشت و پاییز آن سال به پایان خود رسید، علایم گرفتاری مزمن و پایان ناپذیر حزب رستاخیز بیشتر خود را نشان داد. قرائن نشان می داد، در وضعیت ناتوانی و ضعف مفرط حزب رستاخیز و در حالی که اعلام فضای باز سیاسی به تدریج افراد و گروه های بیشتری از منتقدان حکومت را در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور ظاهر خواهد ساخت، حاکمیت بی علاقه نبود که راهی کارآمد برای برون رفت از بحران رستاخیز پیدا شود. بنابراین وقتی از اواسط زمستان ۱۳۵۶ محسن پزشکپور و برخی دیگر از دوستانش در مجلس و نیز بیرون از مجلس آرام آرام در محافل رسمی و آشکار عملکرد حزب رستاخیز و اداره کنندگان آن در سطوح مختلف را مورد انتقاد قرار دادند، آگاه ترین ها دریافتند که این گروه کوچک احتمالاًـ از سوی مقامات عالیه سیاسی و احیاناً اطلاعاتی امنیتی برای انتقاد از این حزب به اصطلاح چراغ سبز دریافت کرده است. بدین ترتیب بود که در آن برهه شاهد افزایش تحرک دوباره دستگاه رهبری و کارگردانی حزب منحل شده

پان ایرانیست هستیم.(۲)

اسناد و مدارک حاکی از آنند که حداقل از اواخر سال ۱۳۵۶ پان ایرانیست های مجلس در صدد بودند حزب رستاخیز را به کناری نهند و احتمالاً بار دیگر حزب پان ایرانیست را تجدید سازمان کنند. اما در آن دوره، هنوز امکانی برای آشکار ساختن مقاصد خود نداشتند.



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

رژیم به رغم آغاز مخالفت ها، هنوز آن قدر خوفناک بود که گروه کوچک پان ایرانیست ها را به سکوت وادار سازد. ساواک در بیست وهفتم بهمن ماه ۱۳۵۶ به نارضایتی های محسن پزشکپور و گروهی از پان ایرانیست ها از روند حاکم بر حزب رستاخیز و طرح اولیه آنان برای تجدید فعالیت حزب پان ایرانیست چنین اشاره کرده است:

دکتر ذکاء در یک مذاکره خصوصی عنوان نموده است، محسن پزشکپور نماینده مجلس شورای ملی اخیراً از سفر آمریکا به کشور مراجعت نموده و اعضای حزب سابق پان ایرانیست را دعوت و به آنان اظهار داشته است که حزب رستاخیز ملت ایران هم برای ما حزب نمی شود. بایستی فکر دیگری بکنیم و به همین مناسبت نیز فعالیت هایی را آغاز کرده و وقتی که خبر فعالیت های اخیر وی به اطلاع آقای آموزگار نخست وزیر رسیده مشارالیه برای پزشکپور پیغام داده است که توجه داشته باشد که وی (آموزگار) هم رئیس دولت است و هم دبیرکل حزب و می تواند به راحتی جلو فعالیت های او (پزشکپور) را بگیرد. پزشکپور در پاسخ به آقای نخست وزیر پیغام داده است که حالا ـ به گفته های آقای نخست وزیر مبنی بر اینکه دولت ایشان دولت صدق و راستی است اعتقاد پیدا کرده زیرا دولت های سابق هم همین کارها را می کردند اما چیزی نمی گفتند ولی آقای آموزگار لااقل اعتراف می کند که ممکن است دست به این قبیل اقدامات هم بزنند.(۱)

افزایش گردهمایی های محفلی و غیررسمی رهبران و کارگردانان حزب سابق پان ایرانیست با محوریت پزشکپور که از اواخر اسفند ماه ۱۳۵۶ شدت بیشتری گرفته بود، حکایت از آن داشت که این افراد در آستانه اقدام جدیدی هستند. همچنانکه ساواک در بیست وششم اردیبهشت ماه ۱۳۵۷ گزارش کرده بود:

اخیراً فعالیت گروه سابق پان ایرانیست با نشر و پخش سخنان پزشکپور در مجلس آغاز شده و جنب و جوش در افراد پیدا شده و فعلاً ـ جلساتی با شرکت اعضای قدیمی به صورت دور هم جمع شدن و بررسی و تجزیه و تحلیل کردن وقایع به خصوص مسائل اخیر که دولت آموزگار انجام داده است، فعالیت خود را شروع نموده اند. به طوری که دکتر طالع اظهار داشته وقایع اخیر صرفاً ناشی از بی عرضگی و عدم لیاقت حکومت است و دولت هویدا با



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب رستاخیز).

هر زرنگی که بود مملکت را ظاهراً حفظ می کرد. هر چند دولت آموزگار دارد در لجن هایی که دولت قبلی به وجود آورده دست و پا می زند و خود آلوده وقایع گذشته شده است اما ایشان به قدری بی عرضه و بی لیاقت است که هر جا در قافیه می ماند یک شعر نو می خواند و خیال می کند مشکل حل شده و از همه حقه بازتر سخنگوی دولت و وزیر اطلاعات می باشد و از همه کثیف تر است و سرهنگ دستگاه CIA می باشد.

نظریه شنبه: پزشکپور و اعضای قدیمی مورد اعتماد وی ضمن برگزاری جلسات در پوشش های میهمانی درصدد تجدید فعالیت می باشند.

نظریه سه شنبه: ۱- شنبه مورد اعتماد است

و به صحت گزارشات وی اطمینان حاصل است. ۲- خبر بالا- قابل ملاحظه بوده و به احتمال قوی محسن پزشکپور با گردهم آیی اعضای قدیمی حزب پان ایرانیست درصدد تجدید فعالیت بوده و بدون شک سرلوحه فعالیت آنان مخالفت با دولت آقای آموزگار و مبارزه با ایشان خواهد بود. علیهذا به شنبه آموزش لازم داده شده تا نسبت به کسب اخبار مورد نیاز از هدف مزبور به موقع اقدام و گزارش نماید.(۱)

در اوایل سال ۱۳۵۷، که از طرفی ناکارآمدی دولت ها و مجلس های رستاخیزی کاملاً اثبات شده بود، و از طرفی رژیم شاه زیر فشار سیاست حقوق بشر کارتر قرار داشت، و از همه مهم تر نهضت اسلامی مردم ایران روز به روز اوج می گرفت، محسن پزشکپور فرصت را برای تجدید حیات حزبش، مغتنم شمرد و در هشتم خرداد ماه ۱۳۵۷ که مقارن با کشته شدن علیرضا رئیس از پیشگامان پان ایرانیست ها بود، دستگاه رهبری این حزب سابق طی بیانیه ای تلویحی گوشزد مخاطبانش ساخت که قصد دارد بار دیگر فعالیت حزب پان ایرانیست را تجدید کند. در بخش هایی از این بیانیه چنین آمده بود:

اکنون که سی و دو سال از زمان صدور «فرمان رئیس» می گذرد، پان ایرانیست ها به مانند همه سالان گذشته، با آگاهی کامل به همه وظایف و رسالت های خود در پیشگاه ملت ایران، همدوش با همه معتقدان راه آزادی و سرفرازی این ملت بزرگ، نبرد را دنبال می کنند.

مبارزه ما، مبارزه ای است بر ضد همه عوامل غارتگر داخلی و خارجی و همه نیروهای استعمار جهانی. مبارزه ای است برای استقرار نظمی قانونی که در آن قوانین به صورت



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب رستاخیز).

عادلانه ای تنظیم گردند و عادلانه به مورد اجرا گذارده شوند.

این مبارزه نبردی است در راه رسیدن به عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی و عدالت سیاسی. اکنون نیز پس از گذشت سی و دو سال، همه پرورش یافتگان نهضت پان ایرانیسم و حزب پان ایرانیست همچنان به راه آزادگی و سرفرازی ملت ایران گام برمی دارد.

اکنون نیز به مانند سالان گذشته با احساس رسالت ها و وظایف خطیر خود برابر موجودیت ملت ایران، همگام و هم دوش با همه نیروهای تحول طلب جامعه ایرانی، مبارزه را دنبال می نماییم.

برای ما مبارزان پان ایرانیست، جای تردید نیست که چونان بیش از سه دهه گذشته، عوامل آشکار و ناآشکار استعمار و یا برخی از تفرقه اندازان حرفه ای، برای ایجاد تزلزل در مبارزه عظیم و تحول طلب میلیون ها مردم این سرزمین دست به اقداماتی مذبوحانه خواهند زد. ولی آنچه مسلم است، مبارزان پان ایرانیست

همچنان با درک رسالت های تاریخی و اجتماعی در موضع مبارزاتی خود پابرجا خواهند بود و همگام با هر کوشش تحول طلب در راه نیرومندی، آزادگی و سرفرازی ملت ایران، گام برخواهند داشت.(۱)

بدین ترتیب و همچنانکه گزارش های ساواک نشان می دهد، در اواسط خرداد ماه ۱۳۵۷ رهبران و کارگردانان حزب پان ایرانیست آماده تر از قبل و فقط منتظر اشاره و نظر مساعد شاه بودند تا با اعلام خروج از حزب ناتوان رستاخیز، سنگر خود در دفاع از رژیم پهلوی را به حزب سابقشان منتقل نمایند. ساواک در چهاردهم خرداد ماه ۱۳۵۷ گزارش کرده بود:

اعضای سابق حزب پان ایرانیست مجدداً در همه شهرها دور هم اجتماع نموده و با چاپ نشریه و سخنان پزشکپور در مجلس شورای ملی و همچنین درگیری او با دیگران به صورت پلی کپی برای افراد در شهرستان ها ارسال می دارند. روز هشتم خرداد که سالروز مرگ علیرضا رئیس است اعلامیه ای در این مورد از طرف حزب پان ایرانیست انتشار می یابد و پس از تکثیر به شهرستان هایی که افراد حزب در آن هستند و خارج از ایران پست و به وسیله پیک ارسال گردیده و مجدداً افراد را جهت اجتماع به دور هم به منظور تعلیم

ص:۴۵۹

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

افکار ناسیونالیستی و

پـان ایرانیست دعوت تـا رابطه آنهـا بـدینسان بـا مرکز برقرار باشـد. پان ایرانیست ها می خواهنـد تا روزی که منصور(۱) اجازه دهند حزب مزبور مجدداً به فعالیت بپردازد و ضمن گردهم آیی با مرکز ارتباط برقرار نمایند.

یک نسخه فتوکپی اعلامیه مورد بحث به پیوست می باشد.

نظریه شنبه: نظری ندارد.

نظریه سه شنبه: ۱- شنبه مورد اعتماد است و در تقدیم گزارشات صادق می باشد.

۲- انتشـار اعلامیه مزبور نشانه ای از تجدیـد فعالیت حزب پان ایرانیست بوده و محسن پزشـکپور رهبر حزب به این صورت از اعضای سابق خواسته است که ضمن گردهم آیی در مسیر خط مشی سیاسی حزب پان ایرانیست فعالیت هایی را دارا باشند.

۳- بـا توجه به فعـالیت هـای اخیر محسن پزشـکپور و مخالفت وی با دولت آقای آموزگار تجدیـد فعالیت حزب پان ایرانیسـت متصور بوده لذا به شنبه آموزش داده شد تا در جریان کلیه فعالیت های حزب مزبور واقع و هرگونه خبری را به موقع گزارش

نماید.(۲)

در اوایـل سال ۱۳۵۷ شـاه از عملکرد حزب رسـتاخیز اظهـار نارضـایتی کرد و اعلام نمود حزب رسـتاخیز از آرمان هایی که او برای آن در نظر گرفته بود، دور شـده است. در واقع در اوایـل سال ۱۳۵۷ دیگر کمتر کسـی باور داشت این حزب بتواند نقشی درخور در مجموعه نظـام سیاسی حـاکم بر کشور ایفـا نمایـد. پـان ایرانیست هـا هم که از مـدت هـا قبل برای خروج از حزب رسـتاخیز، با بخشـی از حاکمیت و احتمالاً شـخص شاه به توافق رسـیده بودند، سـخنان انتقادی شاه را مغتنم شـمرده، در بیسـت وهشتم خرداد ماه ۱۳۵۷ ضـمن انتقاد از عملکرد سوء حزب رسـتاخیز تداوم عضویت و همکاری خود با آن را منتفی دانسـتند. پیشگام این کار، محسن پزشکپور بود که طی سخنانی به شرح زیر به نمایندگان مجلس اطلاع داد، بر آن شده است حزب پان ایرانیست را بار دیگر فعال نماید:

موجودیت ملی بسـتگی به دفـاع از سـرزمین و تمـامیت ارضـی و موجودیت سیاسـی و فرهنگی دارد و این به اسـتنباط من یعنی رستاخیز. این رستاخیزی بوده است که طی تاریخ



---

۱- مقصود ساواک از واژه منصور اشاره به شخص شاه است.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

ایران، هزاران سال بود به صورت نهضت های عظیم ملی استمرار داشته است. رستاخیز بدین مفهوم ناظر بر گروه خاصی نیست، ناظر به عده خاصی نیست. من دیدم که یکی از قائم مقامان دبیرکل حزب رستاخیز گفت که بعضی جناح ها را با حزب اشتباه می کنند ولی من باید بگویم جناب آقای قائم مقام، جنابعالی اصول رستاخیز را با حزب اشتباه می کنید، حزب یا پارتی یعنی گوشه ای از اجتماع. این اصول مورد

اعتقاد تمام ملت ایران است. این باور ملت ماست، مشروطیت باور ملت ماست... رستاخیز بدین مفهوم به تمامی ملت ایران تعلق دارد، اما شما این حزب رستاخیز را چه کردید؟ متأسفم که باید این را بیان کنم، این حزب رستاخیز که به اعتقاد من از آن مفهوم اصلی و واقعی رستاخیز فاصله گرفته که خود موجب بسیاری از نابسامانی ها در کل جامعه ایرانی شده است... بنابراین، چون من حزب رستاخیز را بدین گونه که بیان داشتم در مسیر رستاخیز ملت ایران نمی بینم و نمی توانم سنگر مبارزات ملی را ترک کنم در این لحظه تاریخی عرض می کنم که در سنگر حزب پان ایرانیست مبارزاتم را دنبال می کنم.(۱)

به دنبال پزشکپور، حسین طبیب و پرویز ظفری، دیگر نمایندگان پان ایرانیست در مجلس رستاخیزی هم اعلام کردند به پیروی از پزشکپور عضویتشان در حزب رستاخیز ایران را پایان یافته می دانند. پس از آن منوچهر یزدی دیگر هم مسلک سابق پان ایرانیست ها طی سخنانی به شرح زیر عضویتش در حزب رستاخیز را پس گرفت:

به پیروی از نیت این مرد بزرگ تاریخ ایران سرور محسن پزشکپور که این مسیر و الگو را فراراه ما قرار داد و با اعتقاد به اینکه اصول بنیادی رستاخیز را همچنان بدان ایمان و اعتقاد داریم

یعنی قانون اساسی را می بوسیم... و به انقلاب شاه و ملت ارج می نهیم و سنگر مبارزه را در راه پان ایرانیست دنبال خواهیم کرد... ما رستاخیز را پذیرفته ایم. من و دیگران و هم ملت نه به عنوان اینکه این چنین امروز شاهد و ناظرش باشیم، رستاخیز را پذیرفتیم، به عنوان راه گشای راه وحدت و یگانگی ملت ایران، ولی با کمال تأسف بگذارید این نشانه ای از وطن پرستی را برای آخرین بار عرض کنم گروهی فرصت طلب در آنجا سنگر گرفته اند و آن چنان ضربه های آگاهانه و گاه ناآگاهانه بر پیکر رستاخیز وارد کردند که من امروز با صدای بلند اعلام می کنم که



---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۱۷۵، یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۵۷.

اینها از سوی عوامل بیگانه دستور داشتند وگرنه اگر کسی معتقد به نظام شاهنشاهی و قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت بود این رستاخیز را با جان و دل پاسداری می کرد. به همین دلیل به عنوان کسی که در این ساحت مقدس سوگند یاد کرده و کسی که شاهنشاه را به عنوان یک اندیشمند بزرگ تاریخ ایران می شناسد و اصول بنیادی رستاخیز را حفظ و حراست خواهد کرد، سنگرم را در حزب

پان ایرانیست حفظ خواهم کرد.(۱)

با توجه به موضع گیری های بعدی حزب پان ایرانیست در دفاع از حاکمیت و تلاش برای نجات آن از ورطه سقوط، باید گفت، اقدام آنها حرکتی برای کاستن از التهابات سیاسی و کاهش فشار مخالفان پرتوان حاکمیت بود، تا با متوجه ساختن خشم معارضان به زیرمجموعه هایی نظیر حزب رستاخیز و گردانندگان آن، امید بقای شاه و رژیم پهلوی را افزایش دهند. در گزارشی از ساواک در ششم آذر ماه ۱۳۵۷ می خوانیم:

طبق دستورات رهبر حزب [پان ایرانیست] جلسات آن به صورت نیمه مخفی در منازل و مکان هایی که امکان اجتماع هست، تشکیل و در جلسات بعد از بررسی اوضاع و احوال روز و احیاناً اگر دستوری از رهبری حزب به شعب رسیده باشد به اطلاع اعضا ابلاغ سپس مبانی و اصول ناسیونالیست از دیدگاه پان ایرانیست نیز تشریح می گردد... مجید ضامنی یکی از اعضای مؤمن به حزب پان ایرانیست اخیراً به خوزستان عزیمت و ضمن تماس با مسئولین حزب در آن جا دستورات رهبری حزب را با آنان در میان گذاشته و نحوه فعالیت را نیز برایشان روشن کرده و تشریح کرده توطئه های بیگانگان برای تفرقه میان ملت و نظام شاهنشاهی است و از این نوع حوادث فقط کمونیست ها هستند که می توانند بهره برداری نمایند. سپس قرار شد

مسئولین در این زمینه تبلیغات لازم را بنمایند و حتی الامکان مبارزات و فعالیت را در مسیر ناسیونالیسم ایران انجام دهند و یادآور شوند باید برای حفظ ملک و مملکت به دور از آشوب در مسیر ناسیونالیسم ملت ایران از دیدگاه پان ایرانیست مبارزه نموده و عنوان شود خطر تجزیه ایران به وسیله عناصری که خواهان زبونی ملت هستند چه در لباس روحانیت و چه در لباس وجیه المله بودن با شناخت سوابق آنها در کادر رهبری جبهه ملی وجود دارد و برای حفظ قانون اساسی و حفظ حدود و ثغور کشور



---

۱- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۲۴، جلسه ۱۷۵، یکشنبه ۲۸ خرداد ۱۳۵۷.

باید فعالیت نمود...

نظریه شنبه: فعالیت حزب پان ایرانیست بر پایه حفظ قانون اساسی و مبارزه با چپاول گران برقرار گشته است.(۱)

اعلام خروج پان ایرانیست های سابق از حزب رستاخیز علاوه بر نشریات و رسانه های داخلی در برخی خبرگزاری های خارجی هم انعکاس پیدا کرد. در آن برهه کمتر کسی در داخل یا خارج از کشور باور می کرد که پان ایرانیست های سابق بدون نظر مساعد شاه، حزب رستاخیز را ترک کرده باشند. حتی رادیو لندن (بی.بی.سی.) و خبرگزاری یونایتدپرس که موضوع خروج پان ایرانیست های مجلس از حزب رستاخیز را گزارش کرده بودند از وفاداری پزشکپور و یارانش نسبت به نظام شاهنشاهی پهلوی سخن به میان آوردند.

از معدود پان ایرانیست هایی که در آن برهه از حزب رستاخیز اعلام خروج نکرد، دکتر

محمدرضا عاملی تهرانی بود که علاوه بر نمایندگی مجلس شورای ملی، قائم مقامی حزب رستاخیز را نیز بر عهده داشت. عاملی تهرانی که مدتی بعد خود نیز از سوی سایر رهبران حزب نادیده گرفته شد و به ناچار از قائم مقامی حزب رستاخیز کناره گیری نمود، پس از اعلام خروج تعدادی از پان ایرانیست ها از حزب رستاخیز به طور تلویحی اقدام آنان را تأیید کرد، ولی طی سخنانی تردیدآمیز اظهار داشت «از رستاخیز نباید مأیوس شد. آنها که اعلام کردند از حزب رستاخیز کناره گرفته اند از جریان اجرایی حزب ناراحت بودند و به نظر من نباید مأیوس شد».(۲)

اعلام خروج پان ایرانیست های مجلس از حزب رستاخیز، از سوی نمایندگان مجلس و دست اندرکاران حزب رستاخیز واکنش های تند و انتقادآمیزی به همراه داشت.

در جلسات بعدی مجلس شورای ملی تعداد بیشتری از نمایندگان علیه پزشکپور و دوستان او موضع گرفتند. مصطفی الموتی ضمن تمجید از آرمان های بلند حزب رستاخیز و تجلیل از شخصیت بی نظیر شاه که با تأسیس حزب رستاخیز تمام ملت ایران را مرهون خود ساخته بود، پزشکپور را ندا داد که عضویتش در حزب رستاخیز بود که نمایندگی



---

۱- فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، صص ۲۹۲-۲۹۱.

۲- روزنامه آیندگان، س ۱۱، ش ۳۱۴۷، شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۵۷.

مجلس شورای ملی را برای او و هم مسلکان سیاسی اش محقق ساخت، دیگر به چه حق عضویتش در حزب رستاخیز را فسخ می کند؟ وی پزشکپور را تهدید کرد که در آینده نمایندگان رستاخیزی در تخطئه آنان خواهند کوشید. همزمان با طرح انتقادات علیه پزشکپور و یاران او، که البته از سوی آنان بدون پاسخ هم نمی ماند، اعلام شد دوازده تن از نمایندگان «به رهبری [احمد] بنی احمد تهدید کرده اند از حزب [رستاخیز] خارج خواهند شد»، و «پزشکپور به زودی فعالیت حزبی خود را در کشور از سر می گیرد» احمد بنی احمد هم در تاکتیک دفاع از رژیم پهلوی نظری مشابه پان ایرانیست ها داشت. روزنامه کیهان در پنجم تیرماه ۱۳۵۷ از قول بنی احمد نماینده مجلس شورای ملی نوشت که وی قصد دارد حزب جدیدی تشکیل دهد و این حزب برای جلوگیری از گسترش بحران سیاسی، میان روشنفکران و مذهبیون پل خواهد زد. اظهارات بنی احمد از سوی برخی همکاران وی در مجلس به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. از جمله کیوان صدری با اشاره به اظهارات

بنی احمد او را متهم کرد از فضای سیاسی حاکم بر کشور سوء استفاده کرده و مصالح عالیه مملکت را نادیده گرفته است. رسانه های تحت سلطه رژیم، با آب و تاب، مواضع و سخنان افرادی نظیر پزشکپور و بنی احمد را منعکس می کردند تا بلکه افکار عمومی را به سوی آنان معطوف کنند.

رژیم پهلوی امیدوار بود با آغاز دوباره فعالیت احزابی مانند پان ایرانیست و جریاناتی نظیر احمد بنی احمد، در صف مخالفان سیاسی آشتی ناپذیر خود انشقاق ایجاد کند، اما احزاب و گروه های سیاسِی واقعاً مخالف حکومت، حتی احزاب و گروه های نزدیک به جبهه ملی، و حزب ملت ایران داریوش فروهر هم به این اعلام استقلال کذایی پزشکپور و

همفکرانش اعتنا نکردند. همگان حزب پان ایرانیست را کماکان وابسته و دنباله رو رژیم رو به زوال پهلوی می دانستند که بیهوده تلاش می کرد موعد سقوط حتمی آن را به تأخیر اندازد.

## استراتژی جدید

محسن پزشکپور در جایگاه رهبر حزب در اول تیر ۱۳۵۷ پیامی با عنوان «استراتژی مبارزات پان ایرانیست ها در مسیر جنبش ملی ایران» منتشر کرد که حتی در همان زمان هم کسانی که متن آن را مطالعه می کردند، هیچ گاه نتیجه نمی گرفتند که پزشکپور و همفکرانش واقعاً قصد کرده اند «در مسیر جنبش ملی ایران» فعالیت خود را تجدید کنند. محتوای این پیام آشکارا از قصد پان ایرانیست ها مبنی بر تداوم حمایت همه جانبه از رژیم استبدادگرا و قانون ستیز پهلوی حکایت داشت. این پیام تقریباً مفصل و مبسوط در سه بخش کلی تنظیم شده بود و در بخش هایی از آن چنین آمده بود:

پیام رهبر حزب پان ایرانیست

پیرامون استراتژی مبارزات پان ایرانیست ها در مسیر جنبش ملی ایران

هم میهنان، شما میلیون ها زنان و مردان، دختران و پسران، نوجوانان و کودکان آزاده و میهن پرست ایرانی، شما گروه ها گروه مبارزان و مجاهدان حفظ وحدت و

سرفرازی، حاکمیت و آزادی ملی، شما نبردجویان راه استقرار بی چون و چرای عدالت اجتماعی:

اکنون مبارزان دیرگام پان ایرانیست، در این برهه خاص از تاریخ دگرگون بخش جهان، در این مقطع ویژه زمانی از تاریخ تحولات ملت بزرگ ایران، روی سخن را با همه شما دارند و دست های خود را به سوی اراده های ایرانی و اندیشه های آزادگی بخش و زندگی آفرین شما به پیش می آورند...

اکنون پس از گذشت سی و هفت سال مبارزات صادقانه و معطوف به هدف هایی که بدان اشارت رفت، بار دیگر مهمترین تکیه گاه های فکری و عقیدتی مجاهدت های جنبش عظیم ملی را که در گذشته نیز راهنما و پایگاه های همه مبارزات ملی و تحول بخش بوده است، به عنوان اصول رهنمون کننده مبارزات آینده ناسیونالیست ها که رزم همه ملت ایران است، با شما در میان می گذاریم:

الف – ناسیونالیسم تکیه گاه شناخت موجودیت کمی و کیفی ملت ایران و راهنمای شناخت همه حقوق تاریخی و اجتماعی به هم پیوسته و تجزیه ناپذیر می باشد.

ناسیونالیسم ایران، پایگاه های موجودیت

و وحدت ملی جامعه بزرگ ایرانی و میهن واحد و گسترده ایرانیان را برما می شناساند و هر مبارز ایران پرست را موظف به شناخت، حمایت و حراست از این پایگاه های موجودیت و وحدت ملی می نماید.

از این دیـدگاه است که دفاع از همه دسـتاوردها و تکیه گاه های فرهنگی، فلسـفی و مـذهبی وابسـته به جامعه بزرگ ایرانی از برترین رسالت ها و وظایف ملی شناخته می شود و هم بدین سبب است که بزرگداشت آیین تشیع و دفاع از همه شیعیان جهان و حفظ حرمت پیشوایان

ص:۴۶۵

دینی، چونان وظیفه بزرگ ملی و حفظ موجودیت ملی بر چهره زندگی ملت ایران نقش می بندد...

ب – قانون اساسی، از سویی نظام دیرین سیاسی جامعه ایرانی را که همان نظام شاهنشاهی است، در موضع و پایگاه قانونی به عنوان نظام مشروطه سلطنتی در بر گرفته است و از سویی دیگر حقوق ملت، اصل تفکیک قوا و اصل مهم حاکمیت ملی و اینکه قوای مملکت ناشی از اراده ملت می باشد و بالاخره حقوق و آزادی های اجتماعی و فردی را در بر گرفته و مشخص نموده است. قانون اساسی ایران، برای استقرار و تحکیم نظم تاریخی و اجتماعی جامعه ایرانی، دموکراسی را به عنوان طریقی که

حاکمیت و اراده ملی اعمال گردد و قوای مملکتی را پایه ریزی کند، پذیرا گردیده است.

طی بیش از هفتاد سال که از زمان وضع قانون اساسی می گذرد، همواره از سوی خودکامگان و غارتگران حقوق عمومی از سوی ستمگران و متجاوزین به حقوق اجتماعی و فردی، اصول و موازین قانون اساسی و بالاخره حدود و مرزهای دموکراسی مورد تهدید و دستبرد قرار گرفته است. این توجیه نادرست و دور از حقیقت بوده و می باشد که گسترش دموکراسی و آزادیهای اجتماعی و فردی، متضمن خطرات احتمالی برای موجودیت و وحدت ملی و نظام تاریخی و سیاسی جامعه ایرانی تلقی گردد.

دموکراسی و آزادی در جامعه ایرانی هرگز تهدیدکننده وحدت ملی و نظام تاریخی و سیاسی ملت ایران نبوده و نیست. زیرا، طی هزارها سال این مردم ایران بوده اند که وحدت و حاکمیت ملی ایران و نظام سیاسی ایران را محافظت و حراست نموده اند.

دموکراسی و آزادی در این سرزمین، تنها تهدیدکننده غارتگری ها و خودکامگی ها می باشد و تنها با تعمیم دموکراسی و استقرار آزادی های اجتماعی و فردی

بدانگونه که در قانون اساسی آمده است، انجام این برنامه عظیم ملی ممکن تواند بود.

پ – طی دهه های گذشته تاکنون، سیاست های غارتگر خارجی و داخلی، متجاوزین به حقوق ملت ایران، گسترش و روش های غارتگرانه، استثمار مردم ایران و بالاخره ایجاد تبعیض را چه به گونه وضع قوانین غیرعادلانه و چه به گونه اجرای تبعیض آمیز قوانین، از مؤثرترین شیوه های اعمال نظرات و امیال خود تشخیص داده اند.

برای حفظ وحدت ملی، برای رسیدن به هدف های بزرگ ملی، برای بسیج همه نیروهای

ملت ایران معطوف به آرمان های سرنوشت ساز ملی، باید هرگونه روش های تبعیض آمیز، روش هایی که عملاً موجبات استثمار هم میهنان ما را فراهم سازد، روش هایی که موجب شود درآمد و ثروت ملی به طور غیرعادلانه میان مردم توزیع گردد، ریشه کن شود. باید متجاوزین به حقوق عمومی و به ویژه متجاوزین به بیت المال مملکت به عنوان خطرناک ترین دشمنان جامعه ملی شناخته شوند و باید چنان نظامات قضائی و اداری مستقر گردد که متجاوزین به بیت المال مملکت، به

ویژه آنها که در مقامات بالا و شامخ اداری و اجتماعی، مرتکب چنین جنایاتی نسبت به جامعه ایرانی می گردند، به مانند مقدمین علیه موجودیت و امنیت ملی مجازات گردند.

کوتاه سخن آنکه، استقرار عدالت اجتماعی، در ابعاد وسیع و صحیح آن، هدف غایی جامعه متحول ایرانی و تحولات عظیم ملت ایران است. ...

اصول و مبانی فکری و عقیدتی که مورد توضیح و توجیه قرار گرفت، سه شعار هم آهنگ کننده مبارزات ملی و تحول طلب جامعه بزرگ ایرانی را بدین سان برابر ما قرار می دهد: وحدت ملی – قانون اساسی – عدالت اجتماعی.

ما پان ایرانیست ها، معطوف به آرمان های سه گانه و تکیه گاه های فکری و عقیدتی یادشده در بالا، مبارزات خود را دنبال می کنیم. اطمینان داریم که تنها ما پویندگان راه این مبارزه عظیم ملی نیستیم، بلکه میلیون ها مبارزان دیگر، و می توان گفت همه آزادگان و ایران پرستان، به سوی چنین آرمان هایی شامخ و افتخارآفرین در حرکت می باشند. ما نیز در کنار آنها و با آنها، کوشش ها و مبارزات خود را دنبال می کنیم.

چنین مبارزه ای هم آهنگ از میلیون ها زنان و مردان آزاده و میهن پرست است که جنبش عظیم ملی ایران را به سوی آرمان های شامخ جامعه بزرگ ایران رهنمون خواهد شد.

پاینده ایران

یکم تیرماه ۲۵۳۷ شاهنشاهی (۱۳۵۷ شمسی)

رهبر حزب پان ایرانیست

محسن پزشکپور «پندار»(۱)



---

۱- روزنامه آیندگان، س ۱۱، ش ۳۱۴۷، شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۵۷.

در حالی که رژیم به روزهای آخر عمر خود نزدیک می شد، «سرور پندار» بر رعایت اصول «قانون اساسی» تأکید می کرد.

پزشکپور در جلسات محرمانه با افراد گوناگون صراحتاً اظهار می داشت که برای حمایت کارامدتر از نظام شاهنشاهی پهلوی در برابر خطراتی که موجودیت آن را تهدید می کند، فعالیت حزب پان ایرانیست را تجدید می نماید و خروج او از حزب رستاخیز هم صرفاً به دلیل ناتوانی آن حزب در دفاع از رژیم پهلوی و شخص شاه صورت گرفته است. ساواک در هفتم تیر ۱۳۵۷ در این باره گزارش کرده است:

محسن پزشکپور ادامه داد من مدت ۳۷ سال است که در راه نظام شاهنشاهی و میهن خود فعالیت دارم و هر وقت ببینم که نظام شاهنشاهی و میهن در معرض خطر قرار گرفته به پا می خیزم و اکنون هم که حزب رستاخیز از مسیر اصلی خارج گردیده وظیفه خود دانستم که به پاخیزم و در

سنگر پان ایرانیست در حفظ نظام شاهنشاهی و میهن خود فعالیت نمایم.

بنابر اسناد موجود، مسئولان و اعضای فعال حزب پان ایرانیست در شهرهای مختلف از سوی دستگاه رهبری حزب در تهران و به طور مشخص پزشکپور توصیه شده بودند که تجدید فعالیت آنان اساساً به هدف حمایت از نظام شاهنشاهی پهلوی و شخص شاه صورت عملی به خود گرفته است و باید سخت هوشیار باشند که موضع گیری ها و مخالف خوانی های احتمالی آنان ایستادگی آنان در برابر کلیت نظام را به اذهان تداعی نکند و گستره انتقادات دامن شخص شاه را نگیرد. آنها امیدوار بودند، همچنانکه ساواک گزارش کرده، باز هم نظیر سالیان گذشته «پدر بزرگ» (منظور شاه است)» بر امور کشور مسلط شود. بیشترین انتقادی که در آن برهه از شاه داشتند این بود که چرا «شاهنشاه» اجازه نمی دهد اعضای حزب پان ایرانیست در آن موقعیت دشوار مصدر امور شده و با بیرون راندن فاسدان و بدکاران از مجاری امور کشور، اوضاع را به وضع عادی بازگردانند.(۱)

شاه بر آن بود تا با میدان دادن به احزاب و گروه های میانه رو و وفادار به حاکمیت و قانون اساسی مشروطیت و همراه ساختن برخی محافل دینی و روحانی (نظیر جریان آیت الله شریعتمداری) با آنها، ابتکار عمل را از مخالفان و انقلابیون آشتی ناپذیر سلب کند.



---

۱- روزنامه آیندگان، س ۱۱، ش ۳۱۴۷، شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۵۷.

همچنانکه اسناد به دست آمده از سفارت آمریکا در تهران نشان می دهد، در اواسط تیر ۱۳۵۷ شاه به طور مشخص امیدوار بود این تشکل ها بتوانند عرصه را بر اسلام گرایان تحت رهبری آیت الله امام خمینی(ره) تنگ کنند.(۱)

بدین ترتیب و با چنین هدفی بود که محسن پزشکپور در دوم مرداد ۱۳۵۷ با صدور «دستورالعملی» از مسئولان و اعضای حزب پان ایرانیست در سراسر کشور خواست تا تشکیلات و شعب حزب را سر و سامان داده و فعالیت های سیاسی و حزبی خود را هماهنگ با استراتژی کلی اعلام شده تداوم دهند.(۲)

در همان روزهای نخست پس از آغاز زمامداری شریف امامی گفته می شد که پزشکپور علاقه مند است برای توسعه فعالیت هایش «با جبهه ملی ائتلاف نماید». این شایعه از آن اهمیت داشت که بسیاری از اعضای جبهه ملی در آن برهه و حتی تا روزهای پایانی عمر رژیم پهلوی مشی اصلاح طلبانه و لزوم بازگشت به اصول قانون اساسی مشروطیت را دنبال می کردند و بنابراین نمی شد آنان را در جرگه انقلابیون جای داد.(۳) در اوایل مهر ۱۳۵۷ وقتی اعلام شد حزب رستاخیز در آستانه فروپاشی کامل قرار گرفته است، محسن پزشکپور که از آغاز تأسیس این حزب و در راستای علایق شخصی شاه، خود و اعضای حزب پان ایرانیستش بدان پیوسته و شخصاً متملقانه درباره حزب رستاخیز فلسفه بافی کرده بود، تمام پیشینه خود را به فراموشی سپرده و باز از آنجا که واقف بود حزب رستاخیز دیگر اصلاً مورد عنایت شاه نیست، فرصت پیدا کرد تا واضح تر و مفصل تر زبان به انتقاد از این حزب شوربخت بگشاید و مدعی شود، به دلایل عدیده رستاخیز را اصولاً هیچ گاه حزب نمی دانسته است!(۴)

جالب تر آن بود که محسن پزشکپور به تحرکات انقلابی روزافزونی که تحت رهبری آیت الله امام خمینی(ره) به سرعت پایه های قدرت و موجودیت رژیم پهلوی را از میان



---

۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۹، [چاپ جدید]، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷، صص ۸۲-۸۰.

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۳- حزب رستاخیز ملت ایران به روایت اسناد ساواک، ص ۶۳۲.

۴- روزشمار انقلاب اسلامی،ج ۶، صص ۸۱-۸۰.

برمی داشت هیچ اشاره ای نمی کرد و مستقیم و غیرمستقیم، از جریان روحانی و اسلام گرای میانه رو و وفادار به حاکمیت، و نیز پیرامون ارتباط نزدیک و تنگاتنگ خود و حزبش با آن جریان سخن به میان می آورد که آیت الله شریعتمداری مهمترین رهبر آن به شمار می رفت. در همین راستا پزشکپور مدعی بود:

حزب پان ایرانیست با جامعه روحانیت و مراجع عالیقدر شیعه پیوند عمیقی دارد و خواسته های آنان را در راه اجرای دقیق قانون اساسی و دفع عوامل فساد و تعظیم شعائر مذهبی مورد تأیید و حمایت قرار

می دهد و در این راه به تشکیلات حزب در کشورهای اروپایی دستور داده شد که ضمن ادامه مبارزه همه نیروهای خود را برای تبلیغ نظرات مراجع تقلید و ترجمه مصاحبه آنان و توزیع آن در میان خارجی ها و ایرانی های مقیم خارج به کار برند.(۱)

فارغ از تلاش های پیدا و پنهان ساواک برای تقویت موقعیت حزب پان ایرانیست در اواخر تابستان و اوایل پاییز سال ۱۳۵۷ ساواک از موضع گیری شفاف تر محسن پزشکپور اظهار رضایت می کرد و بسیار خرسند بود که پزشکپور هیچ ارتباطی با آیت الله امام خمینی(ره) و جریان سیاسی تحت هدایت ایشان نداشته و خواستار تقویت موقعیت میانه روها و منتقدانی شده است که پشت سر آیت الله شریعتمداری سنگر گرفته بودند. این معنی به وضوح در بولتن محرمانه ای که ساواک در سی ام شهریور ۱۳۵۷ پیرامون آخرین وضعیت و موضع گیری حزب پان ایرانیست در قبال تحولات جاری و ساری در کشور تهیه کرده بود، قابل ردیابی است. در بخش هایی از این بولتن چنین می خوانیم:

ت – روز ۲۱/۶/۵۷ محسن پزشکپور با سه نفر خبرنگار (دو نفر ایتالیایی و یک نفر فرانسوی) مصاحبه کرده است.

نامبرده در این مصاحبه اعتقاد خود را به قانون اساسی اعلام و اضافه کرده بنابراین حزب پان ایرانیست با شاهنشاه موافق است و با تغییر رژیم موافق نیست.

یاد شده حکومت نظامی را یک عارضه قلمداد و گفته:

حکومت نظامی مورد تأیید حزب پان ایرانیست نیست زیرا دولت می توانست با روش



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۹۲.

ملایمتری عمل کند.

یاد شده به استناد اصل ۲۱ متمم قانون اساسی اعلام کرده که حزب منحله توده نمی تواند فعالیت داشته باشد.

محسن پزشکپور در جواب یکی از خبرنگاران که سؤال کرده بود چه کسی از ]امام[ خمینی حمایت می کند و آیا حزب پان ایرانیست از او پشتیبانی می کند یا خیر؟ جواب داده:

این سؤالی است که من هم دارم. پشتیبان ]امام[ خمینی کیست؟ اما من جامعه روحانیت مخصوصاً آیت الله سیدکاظم شریعتمداری را تأیید می کنم، زیرا ایشان یکی از رهبران مذهبی است که نهایت کوشش را می کند تا آرامش در مملکت برقرار و قانون اساسی نیز رعایت شود.

۶- روابط با احزاب و دستجات دیگر، دولت و مجلسین:

حزب پان ایرانیست مخالف دولت بوده و به آن رأی کبود داده است.

محسن پزشکپور پس از اعلام فعالیت های جدید حزب پان ایرانیست ارتباطات نزدیکی با آیت الله سیدکاظم شریعتمداری داشته و ملاقات هایی نیز با شریعتمداری نموده

است.

وی در برخی از تماس های خود از آیت الله شریعتمداری خواسته نظریات خود را در زمینه های مختلف عنوان تا وی آن را به نحوی در مجلس شورای ملی مطرح نماید.

یاد شده از طرف دیگر با علی امینی نیز تماس و ملاقات هایی داشته است.

محسن پزشکپور همچنین با احمد بنی احمد نماینده مردم تبریز در مجلس شورای ملی و رهبر جمعیت «اتحاد برای آزادی» در مجلس همکاری داشته و جبهه مخالف دولت را با چند نفر دیگر تشکیل می دهند.

خط حرکت جدید حزب پان ایرانیست در زمینه های مذهبی و حمایت از جامعه روحانیت که تا قبل از مرحله جدید فعالیت های این حزب در هدف ها و برنامه های این حزب مطرح نبوده، معلول تماس ها و ارتباطات فوق بوده است.

۷- میزان نفوذ:

به دنبال فعالیت های جدید حزب پان ایرانیست ضمن آنکه عده ای از اعضای سابق این حزب به آن روی آورده اند، در نتیجه تبلیغات حزب مذکور توجه گروه هایی از طبقات مردم به حزب مورد بحث جلب شده است.

۸- اقدامات انجام شده:

برای آگاهی از فعالیت ها و هدف ها و برنامه های حزب پان ایرانیست کوشش های اطلاعاتی به عمل آمده است.

۹- مقایسه و نظریه:

فعالیت حزب پان ایرانیست در مدت تحت بررسی حالت مشخص گذشته خود را به نام «پان ایرانیست» پیدا کرده و گرایش این حزب به جامعه روحانیت نیز برای هم رنگ شدن با جریانات مخالف دولت ایران و بهره گیری از آن در جهت توسعه فعالیت های حزب مذکور در بین قشرهایی از جامعه و به اصطلاح پیدا کردن نقطه اتکایی برای حرکت های بعدی این حزب و ایجاد موقعیت جدید برای آن و توسعه نفوذ حزب پان ایرانیست بود، لذا به نظر می رسد که در آینده روند فعالیت های حزب مذکور گسترده تر شود و این حزب مراکز فعالیت خود را در نقاطی دیگر از کشور برای گسترش فعالیت احیا نماید.(۱)

در طول پاییز ۱۳۵۷ پان ایرانیست ها کماکان در همان چارچوب های مورد عنایت حاکمیت و ساواک فعالیت های خود را ادامه دادند. حتی در وضعیت حکومت نظامی که با روی کار آمدن دولت شریف امامی و به ویژه در دوره زمامداری ارتشبد غلامرضا ازهاری تشدید شده بود، باز تسهیلات لازم برای برگزاری جلسات پان ایرانیست ها فراهم بود. رهبران و اعضای فعال تر حزب پان ایرانیست نیز به سبب دفاع بدون شائبه از رژیم پهلوی

و حاکمیت، همچنان مقبول ساواک و دیگر مراجع حکومتی بودند. چنانکه ساواک در دوازدهم آذر ۱۳۵۷ گزارش کرده بود:

نحوه فعالیت های اعضای حزب پان ایرانیست بعد از روی کار آمدن دولت نظامی

به دنبال روی کار آمدن دولت نظامی جلسات حزب پان ایرانیست به صورت نیمه مخفی در منازل و مکان هایی که امکان اجتماع هست، تشکیل و در جلسات بعدی اوضاع و احوال روز و احیاناً اگر دستوری از رهبری حزب به شعب رسیده باشد به اعضا ابلاغ می گردد. همچنین مبانی و اصول ناسیونالیستی از دیدگاه پان ایرانیست نیز تشریح می گردد تا افراد کماکان در جریان وقایع روز و مبانی فکری حزبی قرار گیرند.

ضمناً برای جلب افراد جدید به عضویت حزب، به نمایندگان حزبی دستور داده شد، در



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۹۲.

تهران فعالیت ها، حتی الامکان در مناطقی انجام شود که افراد در آن منطقه ساکن باشند، البته ممکن است به علت ممنوعیت ساعات عبور و مرور حکومت نظامی بعضی از جلسات فعلاً تشکیل نمی گردد. همچنین دستور داده شده اعلامیه هایی که چاپ می شود بین اعضا توزیع گردد و افراد موظف به پخش اعلامیه ها باشند.

متعاقب فعالیت های اعضای حزب مذکور، یکی

از فعالین حزب پان ایرانیست اخیراً به خوزستان عزیمت و ضمن تماس با مسئولین حزب در استان مزبور، دستورات رهبری حزب را با آنان در میان گذاشته و نحوه فعالیت را نیز برایشان روشن نموده و تشریح کرده که توطئه های بیگانگان برای تفرقه میان ملت و نظام شاهنشاهی است.

نامبرده ادامه داد:

فقط کمونیست ها هستند که از این نوع حوادث می توانند بهره گیری نمایند.

بعد از تشریح دستورات به اعضای حزب پان ایرانیست در خوزستان، قرار شده مسئولین در این زمینه تبلیغات لازم را بنمایند و حتی الامکان مبارزات و فعالیت را در مسیر ناسیونالیسم ایران انجام دهند و یادآور شوند که باید برای حفظ ملک و مملکت به دور از آشوب در مسیر ناسیونالیست ملت ایران از نظر دیدگاه پان ایرانیست مبارزه نمایند.

ضمناً عنوان شده، خطر تجزیه ایران به وسیله عناصری که خواهان زبونی ملت هستند چه در لباس روحانیت و چه در لباس وجیه المله بودن با شناخت سوابق آنها در کادر رهبری جبهه ملی وجود دارد و برای حفظ قانون اساسی و حفظ حدود و ثغور کشور باید فعالیت نمود.

ارزیابی خبر:

خبر صحت دارد.

اقدامات انجام شده:

مراتب به نخست وزیری اعلام گردیده است.(۱)

### انتظار حاکمیت؛ واکنش افکار عمومی

حزب پان ایرانیست در اوایل آبان ۱۳۵۷ که رژیم شاهنشاهی در سراشیبی سقوط حتمی



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۹۲.

قرار گرفته بود، منشوری پر از اصطلاحات و تعابیر و شعارهای کلی و بی تأثیر انتشار داد.(۱)

همزمان با ربوده شدن امام موسی صدر در شهریور ۵۷، پزشکپور فرصت دیگری برای خودنمایی پیدا کرد و در نامه ای خطاب به رئیس مجلس خواستار اقدام سریع دولت ایران شد. در مهرماه ۱۳۵۷، همزمان با اوج گیری انقلاب، که همه طرفداران رژیم به دنبال راهی برای نجات آن بودند، محسن پزشکپور نیز خواهان مبارزه با فساد مسئولان کشور شد؛ وی خواستار آن شد که «وزیر دادگستری در جلسه فوق العاده مجلس گزارشی از عملکرد ده سال اخیر دیوان کیفر ارائه دهد تا مردم باور کنند مبارزه با فساد جدّی است». همچنین در راستای نجات رژیم، پزشکپور از آزادی زندانیان سیاسی و رسیدگی به وضعیت شکنجه شدگان سخن به میان آورد.

البته محسن پزشکپور هر از گاه با اظهاراتی به شرح زیر شناخت ماهیتش در نزد مخالفان و موافقان رژیم پهلوی را آسان تر می ساخت:

من مدت سی و هفت سال است که در راه نظام شاهنشاهی و میهن خود فعالیت دارم و هر وقت مشاهده کنم نظام شاهنشاهی و میهن در معرض خطر است به پا می خیزم. اکنون که رستاخیز ملت ایران از مسیر

اصلی خود خارج شده وظیفه خود دانستم که به پا خیزم و در سنگر پان ایرانیسم در حفظ نظام شاهنشاهی و میهن خود فعالیت نمایم.(۲)

اما مواضع مردم و روحانیت در برابر افرادی مثل پزشکپور بسیار روشن بود:

ساعت ۲۱۰۰ روز ۲۱/۷/۵۷ سیدکاظم نورمفیدی یکی از روحانیون تبعیدی به بندر لنگه ضمن گفتگو با تعدادی از افرادی که به منزل وی رفته بودند در پاسخ این سؤال که رفتار آقای شریعتمداری و دیگر رهبران مذهبی با [امام]خمینی چگونه است پاسخ داده، آقای شریعتمداری نیز مانند سایر ملت مانند پزشکپور – بنی احمد – شاه و نخست وزیر می گوید قانون اساسی، در صورتی که فرمایشات رهبر ما ([امام] خمینی) ماورای اینها است و می افزاید توجه کنید به اندیشمند رهبر ما و ببینید در چه سطحی فکر می کند و می گوید چنانچه فرودگاه به فرودگاه بروم حرف هایم را خواهم گفت و یا اینکه به آمریکا –



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۹۲.
۲- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۷، ص ۴۳.

چین – انگلستان و شوروی حمله کرده و آنها را به باد انتقاد گرفته است و ادامه می دهد انسان باید چقدر قدرت و شهامت و

شجاعت و دلگرمی از پیروان خود داشته باشد و از قدرت الهی الهام گرفته باشد تا بتواند یک چنین انتقادی از چهار رهبر بزرگ جهان را بنماید.

زمانی که کارتر رهبری های نوکرش را در مورد آزادی های سیاسی می نماید و می گوید به هیچ وجه آمریکا در امور داخلی ایران دخالتی نداشته این حرف همان جواب رهبر دوراندیش و ابرقدرت و آینده نگر ماست و حضرت محمد[ص] نیز فرموده انسان های قوی و نیرومند و هوشیار همیشه در عذاب و اذیت هستند و حکومت های طاغوتی و پوشالی در هر اعصار این افراد را مغضوب خواهند کرد ولی خداوند بزرگ در قرآن می فرماید با توجه به اینکه مردان هوشیار از طریق حکومت های طاغوتی تحت فشار قرار می گیرند ولی پیروزی با حق است و اسلحه آنان فقط ایمان بوده و حکومت های الهی پیاده شده است و ادامه می دهد همان طوری که می بینیم فاصله ای با حکومت های الهی و اسلامی نداریم و امید است با رهبری های خردمندانه آقای خمینی و با پشتیبانی ملت آگاه و روشن ایران این فاصله را کوتاه کنیم. در این موقع محمدصادق صادقی گیوی معروف به خلخالی تبعیدی به لنگه می گوید من از شما یک خواهش دارم،

هیچ وقت نام نامردان را حتی برای یک بار هم به زبان نیاورید، همه باید بروند اعم از نوکر کارتر و آقای پزشکپور و بنی احمد، اینها را رهبر ما (]امام[ خمینی) جزء آدم به حساب نمی آورد که ما از آنها حرفی بزنیم.(۱)

طی ماه های پایانی عمر رژیم پهلوی که هر از گاه برخی محافل مخالف حکومت اقدام به شناسایی و انتشار اسامی اعضا و همکاران ساواک می کردند، «لیستی از کارکنان ساواك و وابستگان آن تهیه و توزیع گردید که نام محسن پزشکپور و محمدرضا عاملی تهرانی [هم] در آن ذکر گردیده» بود. در آن مقطع حساس و سرنوشت ساز دستگاه رهبری و کارگردانی حزب پان ایرانیست و به طور مشخص محسن پزشکپور سرسپرده حاکمیت پهلوی محسوب می شدند.(۲)



---

۱- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۱۳، صص ۳۵۹-۳۵۸.

۲- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۲، ص ۳۲۵.

خسرو شاهانی، طنزنویس هفته نامه خواندنیها هم موضوع قانون گرایی و دفاع محسن پزشکپور از قانون اساسی را به شرح زیر به سخره گرفته بود:

نزدیک به سی سال است که جناب پزشکپور را از نزدیک بدون اینکه هم کلام شده باشیم می شناسم... می خواستم از ایشان بپرسم تکلیف شعار معروف «فلات ایران زیر یک پرچم» چه شد؟ تکلیف هرات و قندهار و هفده شهر قفقاز چه شد؟ کار مجمع الجزایر بحرین در خلیج فارس به کجا کشید؟ چرا وقتی ایشان نماینده مجلس شورای ملی بودند و هنوز هم هستند و آن اختناق و

خفقان را دولت اسبق (دولت جناب هویدا) برای بریدن زبان ملت — که مطبوعات باشد — و فرد فرد مردم این کشور به مدت قریب سیزده سال به وجود آورد، با داشتن مصونیت پارلمانی دم از سازش زدند و اینک دادخواهی می کنند؟ مگر در آن موقع زبانم لال در دهان ایشان ماست بسته بودند؟ یا آرد ریخته بودند؟

... دوست عزیز دیده و نادیده، جناب آقای پزشکپور، آن موقع یعنی چهار سال پیش که دولت ابدمدت جناب آقای هویدا بر سر کار بودند و شما هم نماینده ما در مجلس شورای ملی و ما هم رکن چهارم مشروطیت و پاسدار قانون اساسی، کجا بودید که از قانون اساسی و رکن چهارم مشروطیت دفاع کنید و دولت را سؤال پیچ کنید که چرا بدون هیچ مجوز قانونی شصت تا هفتاد نشریه را در تهران و شهرستان ها توقیف و تعطیل کردند و زبان و قلم پاسداران قانون اساسی را بریدند و شکستند و لب ما را دوختند. چطور شد جناب آقای محسن پزشکپور یک مرتبه از خواب بیدار شدید و در آن زمان حتی از توقیف و تعطیل ارگان حزب پان ایرانیست یا ایرانیسم خودتان با داشتن مصونیت پارلمانی دم نزدید؟ و نگفتید دولت اسبق

به چه مجوزی و چه قانونی چنین کاری کرد. حالا چه شده که شمشیر و قمه را از رو بسته اید؟(۱)

## نظر امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) در پیامی که در بیست وسوم شهریور ۱۳۵۷ به مناسبت کشتار غیرانسانی مردم توسط رژیم شاه صادر کردند درباره حامیان نظام شاهنشاهی پهلوی در مجلس (و از



---

۱- همان، ج ۷، صص ۸۰-۷۹.

جمله پزشکپور) چنین گفتند: «اکنون که عمال از خدا بی خبر شاه در مجلس گرد هم جمع شده و با صحنه سازی های مبتذل و اغفال کننده می خواهند مجرم اصلی را تبرئه و گناه بزرگ و خیانت عظیم را به دیگران که آلت فعلی بیش نیستند، نسبت داده و خود را مقرب الخاقان قرار دهند، اکنون که تمام خیانتکاران خارج و داخل پشتیبانی از جنایات شاه می کنند، اکنون که از چهره های کریه آزادی خواهی و طرفداری از حقوق بشر پرده برداشته شده، ملت مظلوم و بزرگ ایران باید اعتصاب نموده در عزا بنشینند.»(۱)

امام خمینی(ره) طی همین پیام خود به انقلابیون هشدار دادند که «گول خیمه شب بازی های دولت و وکلای شاه را نخورید که با حرف های فریبنده می خواهند شاه را که در شرف مرگ است نجات دهند. دنیا شاه را محکوم کرد و به پشتیبانی شما برخاست، اگر چه مشتی جنایتکار که می خواهند خزانه ملت را ببرند و حق ملت را زیر پا بگذارند، به او امید می دهند».(۲)

امام خمینی(ره) که از مقصود نهایی افرادی از این دست آگاهی تمام و کمالی داشتند، بارها و بارها از حضور غاصبانه آنان در مجلس به اصطلاح شورای ملی سخن به میان آورده و از جمله در دوم آبان ۱۳۵۷ خطاب به افرادی که مدعی نمایندگی مردم کشور در مجلس بودند، چنین هشدار داده بودند: «این اعضایی که در مجلس هستند، همه شان خیانتکارند، برای اینکه همه می دانند به امر شاه آمده اند در مجلس و ملت اطلاع ندارند.

این انتصاب شاه است، این مأموریت شاه است. شما این را می دانید و رفتید مجلس. اول اشکالی که به آنهایی که الآن می گویند ما ملی هستیم، اول اشکال این است که شما چرا توی این مجلس رفتید؟ آخر کسی شما را مجبور نکرد که حتماً باید بروید توی مجلس. خودتان هم داوطلب بودید و رفتید، با همه کارها هم موافقت کردید. حالا می گویید که، دیدید یک مدتی، خوب، این طرفی دارد می آید، می خواهید برای خودتان جا درست کنید. اشکال این است که برای چه شما توی مجلسی که انتصاب است و خلاف قانون اساسی است، [رفتید]؛ یک همچو مجلسی مخالف قانون اساسی است.»(۳)



---

۱- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۰۳.

۲- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، صص ۱۹۹-۱۹۸.

آیت الله امام خمینی(ره) در دوازدهم آبان هم تحرکات مصلحت اندیشانه پان ایرانیست ها و خروج آنها از حزب رستاخیز و یا کناره گیری از مشاغل دولتی و نیز استعفا از نمایندگی مجلس را برای فریب افکار عمومی ارزیابی کرده و تأکید نمودند: «این اشتباه است که می خواهند همان ها مردم را بازی بدهند، گاهی از شغل وزارت استعفا کنند، گاهی از شغل وکالت استعفا کنند و گاهی از – عرض کنم که – حزب رستاخیز کنار بروند. همه اینها دیگر یک حرف هایی است که این ملت ما نمی پذیرد.»(۱)

## آخرین تلاش ها در آخرین روزها؛ از شریف امامی تا بختیار

### اشاره

آخرین روزهای رژیم پهلوی با آمدن شریف امامی آغاز شد. در صفحات قبل رئوس کلی تحرکات پزشکپور و حزب پان ایرانیستِ او را در برابر انقلاب اسلامی آوردیم. در صفحات پیش رو نیز به مواضع پزشکپور در برابر سه دولت شه فرموده شریف امامی، ازهاری و بختیار اشاره می کنیم.

### شریف امامی

#### اشاره

به دنبال تشدید مخالفت ها با نظام شاهنشاهی در رمضان سال ۱۳۵۷ و برقراری بی نتیجه حکومت نظامی در اصفهان و سپس فاجعه سینما رکس آبادان، دولت آموزگار به

دستور شاه کنار رفت و جعفر شریف امامی، رئیس مجلس سنا و رئیس بنیاد پهلوی، فرمان نخست وزیری خود را از شاه گرفت. وی با اقداماتی نمایشی نظیر بستن قمارخانه ها و آزادی نسبی مطبوعات و لغو تاریخ شاهنشاهی و دم زدن از تفاهم با روحانیت به مثابه ضربه گیری در برابر امواج توفنده انقلاب اسلامی عمل کند. در کابینه شریف امامی، یار دیرین پزشکپور در حزب پان ایرانیست، محمدرضا عاملی تهرانی، وزیر اطلاعات و جهانگردی شد.

همان طور که گذشت با اعلام آزادی مطبوعات حزب پان ایرانیست نیز فعالیت مجدد خود را آغاز کرد. این تجدید فعالیت چیزی نبود جز صدور چند اعلامیه و اتخاذ چند موضع



---

۱- امام خمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۸۳.

در برابر حوادث جاری کشور از سوی پزشکپور. رسانه های گروهی دولتی نیز برای سیاستمدار تراشیدن و رهبر درست کردن مواضع و سخنان پزشکپور و نظایر او را با آب و تاب منعکس می کردند؛ اما در آن اوضاع گوش کسی به امثال پزشکپور بدهکار نبود.

در حالی که دولت شریف امامی تا حدود ده روز پس از آغاز فعالیت هنوز برای اخذ رأی اعتماد به مجلس معرفی نشده بود، محسن پزشکپور همین موضوع را دستاویزی ساخت تا درباره قانونی بودن آن دولت تشکیک کرده و اعلام کند به دولت او رأی مخالف خواهد داد. پزشکپور و دیگر میانه روهای حامی حاکمیت پهلوی در مجلس انتقاد مهمتری هم به دولت شریف امامی داشتند و آن این بود که اکثر قریب به اتفاق اعضای دولت او پیش از آن در زمره رجال و کارگزاران شناخته شده و معروف رژیم پهلوی بوده و در مشاغل حساس و درجه اول خدمت کرده بودند و بنابراین نمی توانستند به دلیل آن سوء پیشینه طولانی، نظر مساعد مخالفان را به سوی خود جلب کنند. پزشکپور طی مصاحبه ای که روزنامه اطلاعات در روز پانزدهم شهریور ۱۳۵۷ متن آن را چاپ و منتشر کرد، باز هم از ایرادات قانونی دولت شریف امامی و نیز التزام عملی خود و حزب پان ایرانیست به مذهب تشیع و پیروی از مرجعیت شیعه سخن به میان آورده و از دغدغه «علمای بزرگ شیعه» (مقصود آیت الله شریعتمداری و طرفدارانش بود) برای اجرا شدن تمام و کمال قانون اساسی مشروطیت داد سخن در داد.[1] در حالی که هنوز دولت شریف امامی به مجلس شورا

معرفی نشده بود، فاجعه دیگری رخ داد که موقعیت میانه روهای وفاداری مانند پزشکپور و هم مسلکانش در داخل و خارج از مجلس را در برابر افکار عمومی بی اعتبارتر ساخت و آن اعلام حکومت نظامی در دوازده شهر کشور طی شامگاه پانزدهم شهریور ۱۳۵۷، و بدتر از آن کشتار مردم تهران در روز جمعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷ به ویژه در میدان ژاله (شهدا) و اطراف آن بود که طرح به اصطلاح آشتی ملی شریف امامی و تلاش های چند ماهه افرادی نظیر محسن پزشکپور و دیگر میانه روهای وفادار را تقریباً یک سره بر باد داد. بگذریم از اینکه هنوز افرادی مانند پزشکپور تلاش می کردند دامن اصل نظام شاهنشاهی پهلوی را از دست زدن به چنین فجایعی مبرا جلوه دهند و تقصیر را یکسره متوجه شریف امامی و

ص:۴۷۹

---

۱- روزنامه اطلاعات، ۱۱ شهریور ۱۳۵۷ و همان، ۱۵ شهریور ۱۳۵۷.

دولت او سازند که تا آن هنگام هنوز هم از مجلس شورا رأی اعتماد نگرفته بود.

در هر حال، هنگامی که موضوع رأی اعتماد مجلس نشینان به دولت شریف امامی (در روز نوزدهم شهریور ۱۳۵۷) مطرح شد، محسن پزشکپور حملات شدیدی را متوجه شریف امامی کرده و همراه با سایر اعضای فراکسیون پان ایرانیست و تنی چند از دیگر نمایندگان، صحن علنی مجلس را به اعتراض ترک کرد. رادیو بی.بی.سی. با اشاره تلویحی به نقش برآب شدن مشی میانه روهای وفادار به حاکمیت برای یافتن راهکار تخفیف بحران سیاسی متعاقب واقعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷ خاطرنشان ساخته بود:

واقعه جمعه سیاه در ۱۷ شهریور، آغاز مرحله تازه ای در انقلاب بود. حوادث آن روز شاه، ارتش و دولت را سخت متزلزل کرد، راه مسالمت بین شاه و مخالفان را بست و به جریان انقلاب شتاب تازه ای داد. دیگر حتی بعضی از نمایندگان مجلس هم به اعتراض برخاسته بودند. دو روز بعد از واقعه ۱۷ شهریور که مجلس جلسه داشت ۹ تن از نمایندگان مجلس شورای ملی ایران جلسه را که جهت دادن رأی اعتماد به دولت جدید تشکیل شده بود به عنوان

اعتراض ترک گفتند. در حالی که شریف امامی قصد تقدیم برنامه دولت خود را داشت، محسن پزشکپور رهبر حزب سیاسی پان ایرانیست که اخیراً دوباره به حیات سیاسی کشور پاگذارده بود، از کرسی خود برخاست و فریاد برآورد که نخست وزیر از هم اکنون دستش به خون هموطنان آلوده شده است و سپس گروه نمایندگان هوادار او از مجلس خارج شدند.(۱)

سفارت آمریکا در تهران هم طی گزارش هایی به وزارت خارجه آن کشور در واشنگتن کشتار هفدهم شهریور ۱۳۵۷ را مانعی جدی بر سر پدید آمدن هرگونه توافق میان حاکمیت و مخالفان و منتقدان پرشمار و روزافزون آن ارزیابی کرده و یادآور شد به این دلیل دولت شریف امامی با مخالفت شدید پزشکپور و یارانش در مجلس روبه رو گردید.(۲)

در آستانه معرفی دولت شریف امامی به مجلس شورا، محسن پزشکپور طی سخنانی گفت:



---

۱- به نقل از: محمدرضا علم، انقلاب اسلامی در اهواز، ج ۲، ص ۱۸۴.
۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا [چاپ جدید]، ج ۹، صص ۱۲۸-۱۲۶ و صص ۱۳۵-۱۳۳ و صص ۱۴۲-۱۴۱.

اصولی را که به عنوان اصول استراتژیکی نهضت بیان داشته ایم اصول قدیمی و دیرین حزب ماست و اکنون بیان آن تأکیدی مجدد بر این اصول است و از این اصول، اصل اول که برای ما مقدس ترین است وحدت ملی است و مسلماً با هرگونه سیاست و برنامه ای که بخواهد حتی یک وجب از میهن ما را تجزیه کند مبارزه می کنیم.

کمااینکه در سابق هم این چنین کردیم. اصل دوم، قانون اساسی و دموکراسی است که در قانون اساسی طرق اعمال حق حاکمیت و حدود و ثغور و نحوه کار قوای سه گانه دقیقاً مشخص شده است و قویاً معتقد هستیم که تا حکومت ها به واقع تن به تمکین و اجرای این اصول ندهند، هیچ گونه تحول مطلوب و بنیادی به وجود نخواهد آمد. اصل سوم، مسئله استقرار عدالت اجتماعی است. باید با قاطعیت و بدون هیچ گونه محافظه کاری، متجاوزین به بیت المال مملکت، یعنی دزدان و دست اندازان به حقوق عمومی، تعقیب و مجازات شوند. چه بسا ضرورت است که در این مرحله بحرانی این محاکمات در دادگاه های ویژه با سرعت و قاطعیت انجام گیرد و این آن چیزی است که در حال حاضر ملت ایران می خواهد و سوای تعارفات معمول، همان خواهد شد که جناب شریف امامی در مصاحبه اخیر خود گفت که پرونده هایی را بدون دلیل به دادگستری نمی فرستیم و پرسش ما این است چه دلیلی مهمتر و محکم تر از قانون از کجا آورده ای؟ اگر آقای شریف امامی به دنبال این دلایل می گردند، شاید ظاهراً هرگز چنین دلایلی را پیدا نکنند و نکته دوم از عدالت اجتماعی، اینکه ایجاد

نوعی ضوابط و روابط اقتصادی و اجتماعی است که واقعاً امکان هرگونه استعمار فرد از فرد را در جامعه ملی ایران از میان بردارد.

ما در موضع مخالف با دولت هستیم. نمایندگان پان ایرانیست و هم پیمانان در مجلس شورای ملی، به عنوان مخالف با دولت صحبت خواهند نمود و به دولت رأی کبود خواهند داد، زیرا ما میان دولت کنونی و دولت سابق و اسبق هیچ فرقی جز تغییر چند مهره نمی بینیم.(۱)

پزشکپور، شریف امامی را فاقد هرگونه صلاحیتی می دانست که بتواند با سنگر گرفتن در پناه قانون اساسی، نظام شاهنشاهی محبوب او را از زوال حتمی نجات بخشد:



---

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۵، صص ۲۳۴-۲۳۵.

آقای شریف امامی! شما و دولت شما را می شناسیم و می دانیم که قدرت انجام اصلاحات مورد نیاز جامعه را ندارید. شما در گذشته عملاً- یکی از مهم ترین ستون های نظام حاکم بوده اید. مگر نه این است که جنابعالی و مهندس ریاضی مسئولیت مستقیم و انکارناپذیر سلب قدرت مجلسین و گذراندن قوانین نارسا و ظالمانه را داشته اید و مسئولیت رؤسای مجلسین را در قوه مقننه در وضع بسیاری از قوانین ظالمانه یادآور می شوم. دولتی که هنوز

رأی اعتماد نگرفته نمی تواند عزل و نصب کند چه رسد به برقراری حکومت نظامی که نتیجه آن کشتار وسیع و نقض اصل مسلم آزادی ها و حقوق قانونی مردم است.

جنابعالی یکی از مسئولان وضع نابسامان قانونگذاری هستید و در این شرایط نمی توانید ریاست دولت انتقالی و ایجاد تحول را به عهده داشته باشید. مردم این دولت را دولت تحولی نمی شناسند بلکه دولت استمرار وضع گذشته می دانند. اکنون چه شده کسانی که ظلم ها و ستم ها و خودکامگی ها و ندانم کاری های گذشته را تذکر می دهند مؤتلف مارکسیست ها شده اند. وزیر دادگستری شما گفت طبقات روحانی با مارکسیست ها رابطه پیدا کرده اند (چند تن از نمایندگان: درست گفته) این دشمنی با ملت است. شما پیش از قانونی شدن کارهایی انجام داده اید که حق آن را نداشته اید. بدون اعلام قبلی در ۱۲ شهر حکومت نظامی برقرار کرده اید. مردم از آن بی اطلاع بوده اند که با هجوم نیروهای مسلح روبه رو شده اند که تلفات آن در تاریخ یکصد ساله وسیع ترین آنها بوده است. دولتی که ادعای (آشتی ملی) را دارد نمی تواند این طور اقدام کند. با اعلام حکومت نظامی دولت شما شبیه یک

دولت نظامی است که نتیجه آن از هم پاشیده شدن نهادهای دموکراتیک می باشد. باید مسئولین ایجاد نابسامانی ها و قانون شکنی ها و وضع قوانین ظالمانه و غارتگران بیت المال محاکمه و مجازات شوند. مخالفین این دولت همه از عناصر ملی هستند و این دولت را قبول ندارند.(۱)

به رغم این مخالفت های پزشکپور و تنی چند از دیگر نمایندگان، دولت شریف امامی پس از نطق تقریباً طولانی او که در دفاع از قانون اساسی مشروطیت، آزادی های سیاسی و نظایر آن بود از مجلس رأی اعتماد گرفت. پزشکپور در حالی که نمایندگان آماده



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، صص ۲۱۴-۲۱۳.

می شدند تا به دولت شریف امامی رأی بدهند، بار دیگر در پشت تریبون مجلس قرار گرفته و به شرح زیر از قانون اساسی و نظام شاهنشاهی پهلوی دفاع کرد:

من، دیگر نمایندگان اقلیت و همه نمایندگان با دقت، سخنان مبسوط و توأم با جملات بسیار زیبا و دل انگیز جناب شریف امامی را گوش دادیم. چند نکته ای بود که می بایست مطلبی عرض کنم.

نکته اولی مربوط به آنچه که نسبت به مسئولیت های پارلمان اشاره شد و آنچه را که من به عنوان حکومت توتالیتر بوروکرات عنوان کردم و به خصوص آنجا که فرمودند اگر مسئولیتی هست من می پذیرم، ولی باید نمایندگان هم بپذیرند. آنجا که مسئولیت هایی داشته اند. من و

پان ایرانیست ها و آنها که در صف اقلیت بودند، از آن هنگام که قسم یاد کردیم نسبت به اصول قانون اساسی و وحدت ملی و نظام مشروطیت سلطنتی صدیق و وفادار باشیم، با وجدان بیدار و صداقت و جانبازی به این وظیفه عمل کردیم. باید عرض کنم که شخصاً خود و نمایندگان پان ایرانیست را در پیشگاه ملت ایران به سبب عدم انجام این وظیفه مقصر نمی دانم. آرزو دارم دادگاه خاص ملی تشکیل شود و در آن یکایک کسانی که در مواضع گوناگون اجرایی خیانت کرده اند، به محاکمه کشانده شوند (تشنج و همهمه نمایندگان) تا معلوم شود کی وظایف خود را انجام نداده است.(۱)

هر چند طی روزهای بعدی نخست وزیری شریف امامی، باز هم انتقادات پزشکپور و هم فکرانش در مجلس از دولت ادامه پیدا کرد، با این حال مخالفان سازش ناپذیر حکومت هیچ گاه چنین سر و صداهایی را جدی نگرفتند.

وقتی به دنبال تداوم خشونت ورزی ها و کشتار مردم انقلابی در شهر کرمان توسط نیروهای دولتی باز هم افرادی نظیر پزشکپور، دولت شریف امامی را مورد پرسش قرار دادند، این واکنش ها از نگاه ناظران به امور بی اهمیت تلقی شد:

دولت شریف امامی در پایان مهرماه ۵۷ در سراشیبی کامل سقوط قرار گرفت و دست به جنایتی زد که کمتر از فاجعه سینما رکس

آبادان نبود. دولت با اجیر نمودن تعداد زیادی کولی بی خبر در روز ۲۴ مهرماه یعنی روز چهلم شهدای ۱۷ شهریور حادثه دیگری در



---

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۵، صص ۴۲۴-۴۲۳.

مسجد جامع کرمان آفرید. در این ماجرا کولی ها و مأمورین از پشت بام و درب مسجد با چوب و سنگ و آجر و چماق و اسلحه گرم به مردم حمله بردند و از هیچ گونه فحاشی، هتاکی، سوختن، پاره کردن قرآن و کتاب ها و دیگر اشیاء مسجد خودداری ننمودند. دامنه جنایت به قدری وحشتناک بود که نمایندگان دست نشانده دولت در مجلس فرمایشی، دولت را زیر سؤال کشیدند و با شرح گوشه هایی از آن فاجعه و شرح رفتار مأمورین به بانوان و دوشیزگان ماهیت حاکمیت دولت آشتی ملی را برملا نمودند. با توجه به آنکه نمایندگان مجلس کلاً منتخب دولت بودند ساختگی بودن صحنه های مزبور و قراردادی بودن انتقادات آنان با شناخت ماهیت نمایندگانی چون پزشکپور، اخلاقی و بنی احمد که گوشه ای از پرونده اش در ذیل از نظر می گذرد، از نظر تیزبین مردم دور نمی ماند و این خود یکی دیگر از تاکتیک های دولت برای بازی دادن مردم و

خاموش کردن هیجانات انقلابی آنان بود.(۱)

وقتی محمد معتضد باهری، وزیر دادگستری دولت شریف امامی در نهم مهر ۱۳۵۷ لایحه تأمین آزادی اجتماعات و فعالیت احزاب و گروه های سیاسی را به مجلس برد، محسن پزشکپور به شدت در برابر این لایحه موضع مخالف گرفته و به وزیر دادگستری هشدار داد، قانون اساسی مشروطیت آزادی فعالیت احزاب و گروه های سیاسی را در کشور تضمین کرده است. در بخش هایی از این اظهارات پزشکپور چنین آمده بود:

این لایحه مغایر با قانون اساسی است زیرا قانون اساسی این آزادگی را برای ملت تأمین کرده است و فریاد ملت این بود که دولت ها این اصل آزادی را نادیده گرفته اند. ناطق افزود: ملت بعد از ۷۳ سال مشروطیت نمی تواند از دولت لایحه ای تحویل بگیرد که عنوانش تأمین آزادی اجتماعات است. این یعنی ما تازه می خواهیم آزادی را به دست آوریم.

۷۳ سال پیش از این، ملت این آزادی ها را که آقای وزیر دادگستری عنوان کرده و لایحه اش را به مجلس آورده است، به دست آورد و جای تعجب بسیار است که امروز در این جلسه لایحه ای از طرف دولت تقدیم شود زیر عنوان «تأمین آزادی های اجتماعی»، این لایحه مغایر با قانون اساسی است. زیرا که آزادی های فردی و اجتماعی را دارا هستیم. فریاد ملت



---

۱- بهرام افراسیابی، ایران و تاریخ، چاپ دوم، ص ۵۵۱.

از دولت ها این

بوده است که اصول آزادی را زیر پا لگدمال کرده اند. اگر شما آقای وزیر دادگستری لایحه ای تقدیم می کردید زیر عنوان نحوه تنظیم تظاهرات، باز قابل طرح در مجلس بود ولی مجلس شورای ملی پس از ۷۳ سال که از مشروطیت می گذرد نمی تواند لایحه ای را تحویل بگیرد که عنوانش تأمین آزادی های اجتماعی باشد.

تقدیم این لایحه به منزله آن است که ما در قوانین خود اصولی برای حفظ و حراست آزادی های اجتماعی نداشتیم و تازه می خواهیم این آزادی ها را به دست آوریم و این همان است که دولت ها آن را تکرار کرده اند.

به هر حال این لایحه را من معارض با قانون اساسی می دانم و یک نوع بی حرمتی به مبارزات و مجاهدات و خون هایی می دانم که در راه مشروطیت ریخته شده است. ناطق در پایان یادآور شد که تقاضا می کند دولت این لایحه را همین جا پس بگیرد و ببرد عنوانش را عوض کند و مجدداً به مجلس بیاورد.(۱)

هنگامی که در اواخر دولت شریف امامی و به دنبال تشدید سانسور و اعمال فشار بر

مطبوعات، نویسندگان و هیأت های تحریریه و مسئولان بسیاری از روزنامه ها و نشریات (عمدتاً در تهران) دست به اعتراض زدند و کارکنان برخی روزنامه های کثیرالانتشار (کیهان، اطلاعات و آیندگان) موقتاً دست از کار کشیدند، بار دیگر محسن پزشکپور و هم فکرانش در مجلس، دولت وقت را مورد پرسش قرار دادند که چرا برخلاف اصول مصرّح در قانون اساسی، آزادی فعالیت مطبوعات و روزنامه ها را تأمین نمی کند. در همین راستا پزشکپور و گروهی دیگر از نمایندگان به اصطلاح اقلیت مجلس شورا با هیأت مدیره سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ملاقات پر سر و صدایی کردند و وعده دادند، به زودی دولت را وادار خواهند ساخت «هر چه زودتر تسهیلات لازم قانونی» را برای انتشار نشریات فراهم کرده و بر اساس «اصل بیستم متمم قانون اساسی» از اعمال سانسور در مطبوعات اجتناب ورزد.(۲)

پزشکپور در شانزدهم آبان ۱۳۵۷ به دولت تازه از راه رسیده ازهاری به شرح زیر تذکر



---

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۶، ص ۱۲۳. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد، ج ۲۱، ص ۷۲ و ص ۳۱۲. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، [چاپ جدید]، ج ۹، ص ۱۷۲. مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، ص ۲۴۴.
۲- محمدعلی سفری، پیشین، ج ۴، صص ۱۱۴-۱۱۲.

داد که بر اساس قانون اساسی حقوق مطبوعات را محترم شمارد:

ریاست محترم مجلس شورای ملی

خواهشمند است مقرر فرمایید با توجه به ماده ۱۵۱ آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی مراتب زیر را به دولت ابلاغ نمایند:

به سبب مداخلات آشکار مقامات اجرایی در کار روزنامه ها و اصرار دولت بر اعمال سانسور شدید و حتی تا آنجا که اطلاع حاصل گردیده است به علت بازداشت تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران، روزنامه های صبح و عصر تهران منتشر نمی گردد.

بدیهی است این اقدام نه تنها معارض با قوانین اساسی مملکت بلکه دقیقاً معارض

با روند آزادی های فردی و اجتماعی است که از هدف های اساسی جنبش و انقلاب ملت ایران است.

بنابر این ضرور است که هرچه زودتر با آزادی خبرنگاران و نویسندگان بازداشت شده و رفع تضییقات از روزنامه ها، موجبات انتشار آزاد روزنامه ها فراهم گردد.(۱)

در اواخر مهر ۱۳۵۷ که دیگر قطعی شده بود دولت شریف امامی در جلوگیری از ضربه های کوبنده انقلاب کاملاً ناتوان است، نمایندگان احزاب و گروه های مختلفی که مجموعاً جریان میانه رو وفادار به اصل نظام شاهنشاهی پهلوی را شکل می دادند، در دفتر ریاست دانشگاه تهران گرد آمدند تا برای برون رفت از بحران و یافتن راهکارهای عملی برای نجات رژیم رو به زوال پهلوی از سقوط حتمی هم اندیشی کنند. جبهه ملی، انجمن حقوق بشر، حزب پان ایرانیست، و اتحاد برای آزادی، از جمله تشکل هایی بودند که نمایندگانی به این جلسه فرستاده بودند. آیت الله شریعتمداری، پسر و دامادش را به این جمع گسیل داشته بود. در این جلسه که با میزبانی هوشنگ نهاوندی رئیس دانشگاه تهران و حضور افراد دیگری و از جمله علی امینی تشکیل شده بود، حضار متفق القول بودند که اوضاع رژیم، سخت بحرانی است و امام خمینی(ره) ابتکار عمل رهبری تحرکات انقلابی مردم ایران را به دست دارند و بنابراین باید برای جلوگیری از گسترش بحران و نجات حکومت از سقوط حتمی راهی جستجو کرد. اما «نخبگان» گرد آمده در این



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

نشست، نیز نتوانستند راهی برای نجات شاه پیدا کنند.(۱)

پزشکپور و هم فکرانش برای آرام کردن فضای سیاسی کشور هر از گاهی در شهرهای مختلف کشور به سخنرانی پرداخته و مستقیم و غیرمستقیم، و هر چند ناموفق، تلاش

می کردند برای آیت الله شریعتمداری و جریان تحت هدایت او شأن و جایگاهی دست و پا کنند. با این همه، روند حوادث نشان نمی داد این میانه روهای تحت هدایت آیت الله شریعتمداری و حامیان نظریه حفظ نظام شاهنشاهی پهلوی با حربه قانون اساسی مشروطیت بتوانند بر سر راه انقلابیون آشتی ناپذیر که شمارشان روزافزون بود و تحت رهبری امام خمینی(ره) بودند، مانعی قابل اعتنا ایجاد کنند.

پزشکپور در بیست ویکم شهریور ۱۳۵۷ طی مصاحبه ای با خبرنگاران ایتالیایی و فرانسوی درباره پیروی حزبش از اصول قانون اساسی مدعی شده بود:

بعد از ظهر روز ۲۱/۶/۵۷ (۲۵۳۷ شاهنشاهی)، سه نفر خبرنگار خارجی (دو نفر ایتالیایی و یک نفر فرانسوی)، در محل دفتر حزب پان ایرانیست در تهران با محسن پزشکپور و تنی چند از همفکرانش مصاحبه به عمل آورده اند.

یکی از خبرنگاران از پزشکپور سؤال کرده که: حزب پان ایرانیست وابسته به شاه است؟

پزشکپور جواب داده: دشمنان حزب این نسبت را می دهند، چون حزب پان ایرانیست در چارچوب قانون اساسی فعالیت دارد و تمام مواد قانون اساسی را محترم می شمارد، بنابراین به شاهنشاه احترام می گذارد و با تغییر رژیم موافق نمی باشد. حزب پان ایرانیست دولت هایی را که وابسته به ملت نباشند نمی پذیرد.

خبرنگار نظر پزشکپور را درباره حکومت نظامی سؤال کرده و وی جواب داده: حکومت

نظامی یک عارضه است و مورد تأیید نیست زیرا دولت جدید می توانست با روش ملایم تری عمل کند.

خبرنگار دیگر سؤال کرده: چنانچه حزب شما به حکومت برسد به احزاب دیگر و به خصوص حزب توده اجازه فعالیت خواهید داد؟ و اصولاً از نظر شما، حزب توده می تواند



---

۱- نگاه کنید به: در آستانه انقلاب اسلامی، به کوشش جلال فرهمند، صص ۴۹-۴۱ (این سند با شماره ۶۶-۳۲-۸۴۹ن در مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران مضبوط است).

فعالیت داشته باشد؟

پزشکپور پاسخ داده: همان طوری که بارها گفته ام، حزب ما در چارچوب قانون اساسی فعالیت می کند و ماده ۲۱ قانون اساسی فعالیت حزب توده را ممنوع کرده است. اما اگر در زمان حکومت ما حزب توده بخواهد فعالیتی داشته باشد جلوگیری نخواهد شد، زیرا اطمینان دارم این حزب در میان ملت ایران جایی ندارد. احزاب دیگر نیز در چارچوب قانون اساسی می توانند فعالیت داشته باشند.(۱)

پزشکپور طی همین مصاحبه تصریح کرده بود، به آیت الله ]امام[ خمینی از آن رو ارجی نمی گذارد که ملتزم به رعایت قانون اساسی نیست، اما آیت الله شریعتمداری از آن منظر که نهایت تلاش خود را به کار می برد تا آرامش به کشور بازگشته و اصول قانون اساسی مشروطیت اجرا شود، سخت مورد تکریم اوست.(۲)

در راستای تداوم دفاع از قانون اساسی، شعبه حزب پان ایرانیست در استان مازندران در

هفتم آبان ۱۳۵۷ متن کامل قانون اساسی و متمم آن را در ده ها نسخه تکثیر و برای فروش در اختیار روزنامه فروشی های آن استان قرار داد. شعبه یادشده درباره دلایل این اقدام خود تصریح کرده بود:

قانون شکنی ها و خودکامگی های هیأت های حاکمه فاسد ایران در چندین سال اخیر، اختناق و خفقان، حبس و شکنجه گروه ها گروه مردمی که جز وضع قوانین عادلانه و اجرای عادلانه قوانین خواستی دیگر نداشتند، غارت و چپاول سرمایه های ملی – به ویژه ثروت غیرقابل جبران نفت – آنچنان نابسامانی در میهن ما پدید آورده است که می تواند مخاطرات عظیمی برای ملت ما به وجود آورد.

در این سال های دراز، قانون اساسی ایران، این سند وحدت و آزادگی ملت و خونبهای شهدای راه مشروطیت، به دست دولت های خودکامه آنچنانی، دست آموزان سیاست های استعماری، می رفت تا برای همیشه معروض نسیان گردد و ثمره مجاهدات مبارزان صدر مشروطیت ایران فراموش شود و این تتمه حیثیات ملی به دست دولت های توتالیتر



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

بوروکرات و تکنوکرات های بی آرمان بر باد رود.

به دنبال نهضتی که امروز به طور همگانی در مسیر تحقق دقیق حکومت قانون، مبتنی بر اصول قوانین اساسی ایران، سراسر

میهن ما را فراگرفته است، به دنبال این خروش بی امان میلیون ها ایرانی که از ستم به جان آمده اند و خواستار آزادی و آزادگی هستند، برخی از مردم می پرسند پس کجاست این قانون اساسی که این چنین ملعبه خودکامگان گردیده است؟ قانونی که قدرتمندان حاکم به عمد آن را از دسترس مردم دور نگه داشته اند؟

تشکیلات حزب پان ایرانیست در مازندران که اصول آرمان های حزب خود را: عدالت سیاسی بر بنیاد ناسیونالیسم، عدالت اقتصادی با رهنمودهای جامعه گرایی (سوسیالیسم) و همچنین عدالت اجتماعی بر اساس دموکراسی و حکومت قانون می شناسد، افتخار دارد این سند گرانبهای ملی را با اطلاع و تأیید سرور محسن پزشکپور رهبر سرفراز حزب پان ایرانیست در اختیار همگان قرار دهد تا روشنگر راه همه مبارزان تحول طلب جامعه بزرگ ایرانی باشد.

ساری – ۷/۸/۱۳۵۷ سرپرست سازمان های حزب پان ایرانیست در مازندران

فخرالدین سورتیجی(۱)

در حالی که طی ماه های پایانی پاییز و اوایل زمستان ۱۳۵۷ دولت های وقت تظاهرات انقلابیون را در شهرهای مختلف کشور با گلوله های آتشین پاسخ داده و صدها تن را به

قتل رسانیدند. حزب پان ایرانیست هر از گاه با صدور اعلامیه هایی ضمن ابراز همدردی با بازماندگان کشته شدگان تنها راه برون رفت از بحران و بازگشت آرامش به کشور را پیروی از اصول قانون اساسی مشروطیت می دانست.(۲)

### اقدامات پیشگیرانه

### اعتصابات کارگری

همچنانکه می دانیم با گسترش مخالفت های سیاسی و به ویژه از اواسط سال ۱۳۵۷ در



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست). مهدی مهرعلیزاده، تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، صص ۱۲۸-۱۲۷.

روندی تدریجی ولی مداوم محیط های کارگری در کارخانجات و کارگاه های تولیدی، خدماتی، صنعتی و غیره با تحرکات انقلابی مردم ایران همگام و همراه شدند و به دنبال آن اعتصابات کارگری و به تعطیلی کشانیدن کارخانجات گوناگون، از مهم ترین اقدامات بود که می توانست رژیم رو به زوال پهلوی را بیش از پیش با بحران مواجه سازد. از جمله مهمترین و تأثیرگذارترین بخش های کارگری ایران در آن برهه، شرکت ملی نفت بود که با صدور روزانه حدود شش میلیون بشکه نفت، توان مالی و اقتصادی دولت و حاکمیت را به گونه ای مطلوب ارتقا می داد.

بدین ترتیب و در حالی که حاکمیت هم سخت نگران حفظ و تداوم شریان های اقتصادی اش در شرکت نفت بود، از اوایل مهر ۱۳۵۷ زمزمه اعتصابات کارکنان شرکت نفت، رژیم پهلوی را با دشواری های جدی جدیدی مواجه ساخت. ساواک در گزارشی ضمن اشاره به عصبانیت شدید پزشکپور از محبوبیت یافتن بی بدیل آیت الله امام خمینی(ره) در میان کارگران شرکت نفت و دیگر واحدهای تولیدی و صنعتی کشور درباره گفت و گوی او با آیت الله شریعتمداری پیرامون لزوم برخورد با ناآرامی های سیاسی در میان کارگران چنین اظهار نظر کرده بود:

صبح روز ۱۳/۸/۵۷ محسن پزشکپور ضمن تماس تلفنی با آیت الله شریعتمداری در قم اظهار داشته: تلگرافی از طرف کارگران صنعت

نفت از خوزستان دریافت و فردا عازم اهواز هستم. چند نفر از نمایندگان آنان را دعوت به تهران می کنم تا شاید از طریق کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی این موضوع حساس حل شود. شریعتمداری گفته: کارمندی از طرف آنان دیشب آمده بود نزد من و چون صحبت می کرد که فلانی هم باید محاکمه شود، من توی دهنش زدم و گفتم چه مناسبتی دارد، چون همان طوری که می دانید بعضی ها یا چپی هستند یا الهام می گیرند.

محسن پزشکپور ضمن تأیید مطالب بالا گفته: کارهای غیرضروری انجام می دهند، مثل اینکه عوامل خاصی [امام] خمینی را به حد امام خمینی رسانیده اند.

شریعتمداری اظهار داشته: در این حال نصیحتشان کنید که ضمن احقاق حق خود، متوجه وضع مملکت هم باشند.

محسن پزشکپور به دنبال تماس تلفنی بالا، بار دیگر با آیت الله شریعتمداری تماس گرفته

و اظهـار داشـته: خبرهـای خیلی نـاراحت کننـده ای از کردسـتان برایـم رسـیده، مبنی بر اینکه اسـلحه زیـادی در آن جـا پخش شده.(۱)

محسن پزشکپور در هماهنگی با جریان آیت الله شریعتمداری و دیگر منتقدان میانه رو حامی حکومت، در سیزدهم آبان ۱۳۵۷ با شماری از نمایندگان کارگران اعتصاب کرده شرکت نفت ملاقات کرد.

درباره این ملاقات و وعده های پزشکپور، نشریات نوشته بودند:

در همین حال ۱۵ تن از نماینـدگان کارگران اعتصابی صـنایع نفت جنوب امروز همراه محسن پزشـکپور، نماینده خرمشـهر در مجلس شورا و رئیس کمیسـیون عرایض مجلس به تهران آمدنـد و در جلسه ای با حضور مقامات شـرکت ملی نفت در مجلس بـه گفتگـو نشسـتند. «محسـن پزشـکپور کـه در پی تظلم کـارگران به اهـواز رفته بـود، به خبرنگـاران گفت که خـواست هـای کارگران اعتصابی ۱۶ مورد است که ۴ مورد آن جنبه سیاسی دارد و عبارت است از لغو حکومت نظامی، آزادی کلیه زندانیان سیاسـی و همگـامی بـا خواست هـای فرهنگیـان و دانشـگاهیان. آنچه از درخواست های سیاسـی کارگران اعتصابی مهم اسـت خواست چهـارم است که می گوینـد تمام سازمان های وابسـته به صـنعت نفت در داخل و خارج کشور بایـد طبق یک جـدول زمانی به تدریج در اختیار ایرانیان گذاشته شود».

پزشکپور همچنین با اشاره به مذاکره با

آقای شریعتمداری گفت: پیش از رفتن به اهواز، خواست ها و تقاضاهای کارگران را به آگاهی حضرت آیت الله شریعتمداری رساندم و ایشان خواستند مراتب حمایت ایشان به کارگران اعتصابی ابلاغ شود.

پزشـکپور در مورد قطع صـادرات نفت نیز گفت: «مـا اگر دارای نظام سالم اقتصادی بودیم و بسـیاری از برنامه های مملکت به درستی انجام شـده بود، امروز حتی برای مخارج روزمره خودمان احتیاج به تولیـد و صدور نفت نبود و در واقع، هر کاسه نفت که دیرتر اسـتخراج می شـد به سود مملکت بود ولی متأسـفانه طی ۱۵ سـال گذشـته یک اقتصاد ناسالم بر این مملکت تحمیل کرده اند که در نتیجه نیازمند به فروش نفت هستیم. از این نظر ضرورت



---

۱- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۱۵، ص ۱۰۲. سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد، ج ۱۹، ص ۳۶۷.

دارد که خواست های کارگران و کارکنان مورد توجه فوری قرار گیرد».(۱)

در آن برهه همگان می دانستند که آیت الله امام خمینی(ره) رهبر انقلاب از اعتصاب کارکنان و کارگران شرکت نفت حمایت می کنند و این موضوع باعث شده بود تا جناح میانه رو نظیر آیت الله شریعتمداری و محسن پزشکپور با طرح موضوعات انحرافی و از جمله اینکه اعتصاب کارگران باعث توقف رسیدن نفت و فراورده های نفتی به بخش های مختلف کشور و از جمله مناطق سردسیر خواهد شد، قصد داشتند مانع از تحقق خواست های آیت الله امام خمینی(ره) و پیروان ایشان شوند. در جلوگیری از چنین

ترفندهایی بود که گروهی از انقلابیون با مدیریت مهندس مهدی بازرگان، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و چند تن دیگر «کمیته تنظیم اعتصابات نفت» را تشکیل دادند تا ضمن جلوگیری از صدور نفت به کشورهای خارجی در روند ارسال و توزیع سوخت در داخل کشور خللی پدید نیاید. یکی از مطلعان درباره نقش «کمیته تنظیم اعتصابات نفت» چنین اظهارنظر کرده است:

از طرف دیگر و در یک جریان مشکوک که از سوی حکومت در واقع به وجود آمده بود، آقای پزشکپور نماینده مجلس شورای ملی و رئیس حزب پان ایرانیست که در مجلس، خود را مخالف رژیم معرفی می کرد، از نمایندگان کارکنان اعتصابی نفت برای مذاکره در مجلس شورای ملی دعوت کرده بودند که این نمایندگان به آن جا بروند و دیدگاه ها و خواسته هایشان را مطرح کنند تا مجلس هم اگر می تواند کمک کند به مثلاً روند و پیشبرد قضایا؛ در نتیجه تعدادی از اعضای کمیته از جمله بنده به تهران رفتیم و در مجلس صحبت کردیم؛ از مجلس شورای ملی نیز تعدادی از جمله خود آقای پزشکپور هم بودند. در آن جا به آنها گفتیم که ما اعتصاب را شروع کردیم و تا زمانی که به خواسته های سیاسی خود نرسیم، نمی توانیم از برادران خود بخواهیم که اعتصاب را بشکنند و اگر شما نمی توانید کاری برای ما انجام دهید، از ما انتظار نداشته باشیدکه کوتاه

بیاییم. در واقع هیچ امتیازی نه به آقای پزشکپور و نه مجلس آن دوره ندادیم؛ اما تأثیری که این سفر داشت، این بود که کارکنان اعتصابی نفت و به طور کلی در صنعت نفت جنوب احساس شد که نمایندگان



---

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۷، ص ۳۱۷.

اعتصابیون اینکه به عنوان یک وزنه مهم از طرف نظام پذیرفته شده و به طور رسمی با آنها مذاکره کرده اند.

## در برابر دولت ازهاری

گسترش روزافزون مخالفت های عمومی و ناتوانی شریف امامی در جلوگیری از افزایش تحرکات انقلابی باعث شد تا شاه و احیاناً حامیان خارجی او طرح بهره گیری از عنصری نظامی را که گمان می رفت در برخورد قهرآمیز و سرکوبگرانه با مخالفان مؤثرتر عمل خواهد کرد، مورد توجه قرار دهند و به دنبال آن ارتشبد غلامرضا ازهاری که اتفاقاً فرد بی عرضه ای بود، در اواسط آبان ۱۳۵۷ در مقام نخست وزیری جایگزین شریف امامی شد. محسن پزشکپور از جمله بیست وهفت نفری بود که در روز دوم آذر ۱۳۵۷ به دولت ازهاری رأی مخالف دادند و این رأی در راستای همان سیاست حمایت از اصل نظام شاهنشاهی با حربه انتقاد از کارگزاران ریز و درشت حاکمیت بود. پزشکپور تصور می کرد سوء عملکرد، فساد و ناتوانی آن کارگزاران موقعیت رژیم پهلوی را در مقابل مخالفان و بحران جاری ضعیف تر خواهد ساخت. پزشکپور بر این باور بود که در آن اوضاع بحرانی شخصی در قواره ازهاری قادر نخواهد بود بحران دامنگیر حاکمیت را کاهش دهد. به همین دلیل فراکسیون کوچک پان ایرانیست ها در مجلس به همراه احمد بنی احمد و گروهی دیگر دولت تازه معرفی شده ازهاری به مجلس را چند روز پس از رأی اعتماد مورد استیضاح قرار داده و نالایق تر از آن ارزیابی کردند که بتواند مشکلات رژیم را حل کند.(۱)

در آن برهه پزشکپور و محمدرضا عاملی تهرانی قائم مقام او در حزب پان ایرانیست که اینک در کابینه ازهاری، وزیر آموزش و پرورش شده بود، سرکوبگری و اعمال خشونت بیشتر را راه حل مناسب برای مواجهه با بحران انقلابی در کشور نمی دانستند. پزشکپور کماکان بازداشت دولتمردان و رجال درجه اول کشور در سال های گذشته را راه مؤثرتری می دانست که البته از سوی شاه و دولت ازهاری هم به مورد اجرا گذارده شد و ده ها تن از رجال درجه اول کشور که امیرعباس هویدا از جمله آنان بود، بازداشت و زندانی شدند. در



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، صص ۳۶۸-۳۶۶. مرتضی مشیر، پیشین، ص ۲۲۱.

دوره ازهاری برای مقابله با ناآرامی های انقلابی، کمیته ای با عنوان «بحران» تشکیل شد که محمدرضا عاملی تهرانی در آن عضویت داشت.(۱) علاوه بر عاملی تهرانی در مقام وزارت، برخی دیگر از اعضای حزب پان ایرانیست در وزارتخانه تحت هدایت او، به مقامات گوناگونی گمارده شده بودند و همچنانکه گزارش های ساواک نشان می دهد، برخی از این فراد و از جمله صفارپور، موجبات نارضایتی کارمندان آن وزارتخانه را فراهم آورده بودند.(۲)

## طرح حضور در کابینه احتمالی صدیقی

از همان دوره نخست وزیری شریف امامی موضوع روی کار آوردن دولتی میانه رو در محافل سیاسی نزدیک و مرتبط با رژیم مطرح بود. پس از آنکه خیلی زود آشکار شد که ارتشبد غلامرضا ازهاری فاقد صلاحیت لازم برای جلوگیری از گسترش بحران سیاسی است، بار دیگر لزوم سپردن مقام نخست وزیری به فرد و گروهی که بتواند با تشبث به قانون اساسی مشروطیت، فضای سیاسی ملتهب کشور را آرام تر سازد قوت بیشتری گرفت. مهمترین گزینه مشاوران و کسانی که برای نظر شاه با او و محافل آمریکایی در ارتباط بودند، غلامحسین صدیقی بود که در دوران نخست وزیری دکتر محمد مصدق وزیر بود و سابقه یکی دو سال زندان را نیز در کارنامه اش داشت و چنان تصور می شد که اگر در مقام نخست وزیری قرار بگیرد، با تز دفاع از قانون اساسی و اینکه شاه باید سلطنت کند و نه حکومت، خواهد توانست انقلابیون آشتی ناپذیر پرشماری را که فقط از سوی آیت الله امام

خمینی(ره) هدایت و رهبری می شدند، و حتی شخص ایشان را، بر سر مهر آورد. حداقل از اواسط آذر ۱۳۵۷ موضوع نخست وزیر شدن صدیقی جدی شده و او علی الظاهر با شروطی پذیرفته بود در آن مقام قرار بگیرد. در این میان محسن پزشکپور مهمترین گزینه انتصاب به وزارت دادگستری در کابینه احتمالی صدیقی بود که طی ماه های اخیر خواستار برخورد با رجال، کارگزاران، صاحبان جاه و مقام و ثروت شده بود که به زعم او با فساد خود مسئول و مقصر بحران بودند و برخورد شدید قضایی با آنان می توانست اوضاع را به حالت



---

۱- محمدعلی سفری، پیشین، ج ۴، ص ۳۶ و صص ۶۲-۶۰. مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۳، ص ۳۳۲. باقر عاقلی، نخست وزیران ایران، صص ۱۱۸۳-۱۱۸۱.

۲- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۲، ص ۹۸.

عادی بازگرداند. البته پزشکپور وکیل سابقه داری هم بود و معمولاً از صحنه گردانان کانون وکلای دادگستری محسوب می شد. درباره طرح نخست وزیری صدیقی و نقشی که احتمالاًـ پزشکپور باید در مقام وزیر دادگستری ایفا کند، ساواک در بیست وسوم آذر ۱۳۵۷ گفتگوی میان مهدی بهار و احسان نراقی را ثبت و ضبط کرده بود که هر دو ارتباط نزدیکی با دربار و میانه روها داشتند:

موضوع: دکتر مهدی بهار

نامبرده فوق ضمن صحبت با احسان نراقی اظهار داشت که شنیده ام دکتر صدیقی نخست وزیری را قبول کرده و چهارشنبه یا پنجشنبه بعد از عاشورا معرفی خواهد شد که نراقی اظهار داشت فکر می کنم با شرایطی قبول کرده ... آنگاه [نراقی] افزود که ممکن است پزشکپور به وزارت دادگستری منصوب گردد و نظر شما چیست؟ دکتر بهار گفت هر فرد که با قاطعیت و سریع عمل کند خوب است به شرط آنکه قضات او را قبول داشته باشند.(۱)

تا اواخر هفته نخست دی ۱۳۵۷ هنوز افراد و گروه های میانه رو منتقد حاکمیت برای

تشکیل کابینه ای به ریاست غلامحسین صدیقی و عضویت افرادی مانند محسن پزشکپور (در مقام وزیر دادگستری) تلاش می کردند. در این باره ارتباط نزدیکی میان دربار و سفارت آمریکا در تهران و افراد و محافل نزدیک به جبهه ملی و تا حدودی نهضت آزادی برقرار بود. مهمترین دغدغه و نگرانی مدافعان نخست وزیری صدیقی که اساساً با هدف جلوگیری از سقوط نهایی نظام شاهنشاهی پهلوی و با شعار حفظ قانون اساسی مشروطیت صورت می گرفت، مخالفت آیت الله امام خمینی(ره) رهبر انقلاب بود که به کمتر از سقوط نهایی رژیم استبدادگرا، قانون گریز، مردم ستیز و سلطه پذیر و بلااراده پهلوی نمی اندیشیدند.(۲) با این حال همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، در پنجم دی ۱۳۵۷ صدیقی بیش از هر زمان دیگری آماده پذیرفتن مقام نخست وزیری بوده و همکارانش را انتخاب کرده بود:

ص:۴۹۵

---

۱- فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، صص ۳۲۰-۳۱۹.
۲- اسناد لانه جاسوسی آمریکا [چاپ جدید]، ج ۳، صص ۳۱۷-۳۱۶.

برابر گزارش منبع ۱۵۸۵ از مهمانسرای دانشگاه آذرآبادگان، تلویزیون آمریکا در مورد وضع ایران تفسیر کرده و گفته دکتر صدیقی امروز اعضای کابینه را به مجلس معرفی و احتمالاً ـ احمد بنی احمد و پزشکپور و حاج سیدجوادی اعضای کابینه خواهند شد. همچنین شایع است که دکتر صدیقی حسن افشار را به عنوان وزیر امور خارجه، دکتر غلامحسین مصدق را وزیر بهداری و دکتر بیانی را وزیر آموزش و پرورش تعیین نموده است.(۱)

با این حال غلامحسین صدیقی، در نهایت از پذیرش مقام نخست وزیری خودداری کرد. در آن برهه دیگر امید چندانی به حفظ نظام شاهنشاهی پهلوی نبود و صدیقی و

بسیاری دیگر از اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی ایران علاقه نداشتند با قبول مسئولیت تشکیل دولت، موقعیت خود را در آینده کشور با مشکلاتی پیش بینی ناشده روبه رو سازند.

## طرح حضور در شورای سلطنت

از دیگر ترفندهایی که دست کم از اواسط آذر ۱۳۵۷ از سوی مشاوران و نزدیکان شاه به کار بسته شد تا بلکه راهی برای حفظ نظام شاهنشاهی پهلوی پیدا شود، طرح تشکیل شورای سلطنت بود. علی امینی احتمالاً از مبدعان این فکر بود. او که در این باره با شاه هم مذاکره کرد، بر این باور بود که با تشکیل شورای سلطنت، ترتیبی داده خواهد شد تا شخص شاه و اصل نظام شاهنشاهی از مسئولیت بحران و گرفتاری هایی که از آن پس میان دولت و حاکمیت با انقلابیون و مخالفان پدید خواهد آمد، مصون خواهد ماند و این همه به مسئولان امر در حکومت امکان خواهد داد آرام آرام فضای سیاسی ملتهب و بحرانی حاکم بر کشور را مهار کنند. محسن پزشکپور از کسانی بود که علی امینی حضور او را در شورای سلطنت سودمند تشخیص داده بود. همچنانکه گزارش زیر نشان می دهد، این ایده امینی مورد توجه سفارت آمریکا هم قرار گرفته بود:

۱- مورخه ۲۴/۹/۵۷ شخصی به نام رضا با دکتر علی امینی تماس حاصل و پس از احوالپرسی رضا به امینی اظهار داشت جای تعجب است که سنجابی را به حضور شاهنشاه برده اند و امینی در جواب گفت زندانی که نبوده خودش خواسته بود و مقدم (تیمسار



---

۱- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۲، ص ۲۲۹.

ریاست) هم او را برده و اضافه نمود سنجابی یک تبلیغات مزخرف می کند که نتیجه ای ندارد. بعد رضا با خنده گفت سنجابی خودش را باخته است و افزود بنی احمد یک مصاحبه ای کرده و گفته است ما قانون اساسی داریم و ما می بایستی که

طبق قانون اساسی عمل کنیم و الآن می بایستی هیأتی مرکب از نمایندگان روحانیون و طبقات مختلف تشکیل شود و یک حکومتی را راه بیندازند و گفته فقط از این طریق است که شاه می تواند آبروی خودش را حفظ کند. سپس رضا افزود اگر چنین عمل شود بسیار خوب خواهد بود با توجه به اینکه شنیده ام بنی احمد با چند تن از روحانیون تماس نزدیک دارد. پس از آن امینی اظهار داشت بنی احمد و پزشکپور دیروز عصر پیش من بودند و اضافه نمود در شرفیابی من مطالب را گفته ام و اگر شورا تشکیل شود راهش همان است که من به اعلیحضرت گفته ام یعنی نمایندگان ارتش و دولت می ت-وانند کار شما را انجام دهند و بگذارید که خشم مردم از شما دور شود و بیندازید به گردن دولت. بعد رضا اظهار داشت سفیر هم معتقد بود و می گفت نمی دانم چرا شاهنشاه از این فکر می ترسید (تشکیل شورا) و افزود حتماً جنابعالی طوری گفته اید که ترسش ریخته و امینی گفت من صراحتاً گفته ام و رضا بیان داشت سفیر می گفت که اعلیحضرت یک کمی روی امینی حساسیت دارد و می ترسد که شما این حرف را بزنید (منظور پیشنهاد شورا). بعد امینی به رضا گفت درست است

و شکی نیست و رضا بیان داشت سفیر از این می ترسد که ارتباط قطع گردد و امینی در خاتمه به رضا یادآور شد به سفیر بگویید که دنبالش را بگیرد شاید مسئله حل شود.(۱)

با این حال به رغم آنکه شاه در آغاز امر به این ایده امینی نظر مساعد نشان داده بود (و یکی از شروط امینی برای تشکیل شورای سلطنت، لزوم خروج شاه از کشور بود) اما هنگامی که افرادی نظیر اردشیر زاهدی و ارتشبد غلامعلی اویسی، شاه را از تبعات سوء این طرح ترسانیدند، شاه از آن موافقت اولیه خود عدول کرده و به علی امینی اطلاع داد که تشکیل شورای سلطنت با آن شروط را در آن اوضاع و احوال صلاح نمی داند. با این حال وقتی در اواسط دی ماه ۱۳۵۷ آشکارتر شد که شاه چاره ای جز خروج از کشور ندارد،



---

۱- علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، بخش ۲، صص ۶۲۵-۶۲۴.

طرح تشکیل شورای سلطنت بیش از پیش به عرصه عمل وارد شد. این بار تحت فشار محافل آمریکایی و در حالی که شاپور بختیار در مقام آخرین نخست وزیر شاه، جایگزین ازهاری شده بود، شورای سلطنت تشکیل و مقرر شد پس از خروج شاه از کشور، به نوعی وظایف او را در قبال دولت، حاکمیت و کشور عهده دار شود. در این شورای سلطنت جدید دیگر نامی از محسن پزشکپور در میان نبود.(۱)

### ادعای نخست وزیری

از همان اواسط خرداد و اوایل تیر سال ۱۳۵۷ که ناتوانی دولت آموزگار در اداره امور کشور و مهار بحران سیاسی آشکارتر شد، هر از گاه اعضایی از حزبِ دوباره فعال شده پان ایرانیست مستقیم و غیرمستقیم مدعی شدند، اگر رهبری این حزب در رأس دولت قرار گیرد، در مدت زمانی کوتاه گرفتاری های دامنگیر حاکمیت را از میان خواهد برد! این گونه اظهارات البته به مذاق شخص محسن پزشکپور بسیار خوش می آمد. در اواخر دوران

نخست وزیری جمشید آموزگار که باز موضوع انتصاب فردی قابل اعتنا به آن مقام مطرح بود و مذاکره میان دربار، مشاوران شاه و احیاناً آمریکاییان صورت می گرفت، در کنار کسانی نظیر علی امینی و شریف امامی از محسن پزشکپور هم اسمی برده می شد که گویا علاقه مندی خود را برای احراز این مقام به گوش کارگزاران حاکمیت رسانیده بود. هر چند شریف امامی جایگزین آموزگار شد، با این حال در تمام دوران نخست وزیری او و هنوز محسن پزشکپور آشکار و نهان می کوشید، نظر مساعد شاه و برخی افراد مؤثر در حکومت را به خود جلب کرده، بخت خود را برای مقام نخست وزیری بیازماید. در حالی که پزشکپور در طول دوران نخست وزیری شریف امامی حملات گاه بسیار تندی را از تریبون مجلس شورا متوجه او و دولتش می کرد، برخی محافل آگاه بر این باور بودند که پزشکپور با این قبیل اقدامات می کوشد زمینه انتصاب خود به مقام نخست وزیری را فراهم آورد. بگذریم از اینکه در آن برهه به رغم تمام سر و صداها و جنجال آفرینی ها، حتی نزد حاکمیت هم تا



---

۱- ابراهیم یزدی، آخرین تلاش ها در آخرین روزها، صص ۶۷-۶۴ و صص ۱۲۲-۱۲۰. مسعود بهنود، از سیدضیاء تا بختیار، صص ۸۳۱-۸۳۰ و صص ۸۶۷-۸۶۶.

آن اندازه از شأن و اعتبار برخوردار نبود که موضوع قرار گرفتن او در جایگاه مهم نخست وزیری مطرح باشد. اسناد نشان می دهد، پزشکپور در این تقلای ناموفق خود عمدتاً متوقع بود کسانی نظیر آیت الله شریعتمداری که ارتباط بسیار نزدیکی با او داشت، به یاری او بشتابند. چنانکه وقتی دولت ازهاری جانشین کابینه شریف امامی شد و او هم خیلی زود نشان داد، ناتوان از اداره امور کشور است، باز محسن پزشکپور مستقیم و غیرمستقیم در گفت و گو با آیت الله شریعتمداری و برخی دیگر از هم فکران خود، برای احراز مقام نخست وزیری ابراز تمایل می کرد. بالاخص هنگامی که موضوع نخست وزیری بختیار جدی شد، پزشکپور به طرق گوناگون می کوشید چنین القا کند که وی گزینه مطلوبی برای این مقام نیست.

شواهد هم نشان می دهد، در آن برهه آیت الله شریعتمداری احتمالاً بی علاقه نبود فرصتی برای آزمودن محسن پزشکپور در جایگاه نخست وزیری فراهم شود.(۱) از فاصله منتفی شدن موضوع نخست وزیری غلامحسین صدیقی تا گماردن بختیار در آن مقام، محسن پزشکپور تقلای پیدا و پنهانی می کرد تا بلکه شاه و دیگر تصمیم سازان داخلی و

خارجی موضوع نخست وزیر کردن او را مورد توجه قرار دهند. آگاهان می گفتند، پزشکپور برای احراز پست نخست وزیری در آن اوضاع دشوار به نوعی خود را رقیب بختیار می دید که گویا تصور می کرد بهتر از هر کس دیگری خواهد توانست مشکلات و بحران های گسترده دامنگیر حکومت رو به زوال پهلوی را حل و فصل کند. احمد بنی احمد از دوستان نزدیک پزشکپور بعدها در این باره به مصطفی الموتی گفته بود:

شاه هنگام روی کار آمدن شاپور بختیار به ۱۱ نفر پیشنهاد نخست وزیری کرده بود. بسیاری از این پیشنهادات پایه ای نداشت بلکه شاه می خواست بازتاب آنان را دریابد و تا روی کار آمدن نخست وزیر از خرابکاری و بند و بست های تازه جلوگیری کند. شاه بدین گونه راه های بازگشایی از بن بست را نیز شناسایی می کرد. روزی که یادآور شدم که من یا هر کس دیگر نمی توانیم بن بست را از بین ببریم و باید کسانی که در راه آزادی کوشیده و بین مردم پایگاهی دارند دولتی در برابر سرکشی ها و ناآرامی ها تشکیل دهند تا بتوانند کشور را از



---

۱- اسناد لانه جاسوسی آمریکا [چاپ جدید]، ج ۳، صص ۳۲۲-۳۲۱.

بحران رها سازند، شاه با شگفتی گفت دو نفر برای این کار خیلی پافشاری دارند: بختیار و پزشکپور.(۱)

محسن پزشکپور در جریان مطرح شدن موضوع نخست وزیری غلامحسین صدیقی، کاندیدای میانه روها برای وزارت دادگستری بود، در حالی که هم صدیقی و هم برخی

اطرافیان او تردید داشتند که بتوان به تشکیل دولتی منسجم و کارامد موفق شد. پزشکپور به سفارت آمریکا در تهران گفته بود چندان علاقه مند نیست در مقام وزیر دادگستری وارد دولت احتمالی صدیقی شود، بلکه ترجیح می دهد امکانی جدی برای قرار گرفتن او در مقام نخست وزیری فراهم شود. پزشکپور از آن رو این تمایل خود را با اعضای سفارت در میان نهاده بود که حدس می زد سفارت آمریکا می تواند در موضوع تعیین نخست وزیر بر شخص شاه تأثیر بگذارد. سفارت آمریکا در تهران در هفتم دی ماه ۱۳۵۷ (۲۸ دسامبر ۱۹۷۸) طی گزارشی به وزارت امور خارجه آن کشور در واشنگتن در این باره چنین نوشته بود:

خلاصه: نامطمئنی قابل توجهی در این مورد که صدیقی در تلاش هایش برای تشکیل دولت به کجا رسیده است وجود دارد. مدارکی قوی وجود دارد که او شانس کمی در تشکیل کابینه داشته است ولی شایعات بر این اصرار دارند (خصوصاً در محافل دیپلماتیک) که وی ممکن است به، به دست گیری زمام امور نزدیک باشد. برخی از نامزدهای کابینه مشهور او متعاقباً به طور علنی و یا خصوصی اشاره کرده اند که آنها (در کابینه) خدمت نخواهند کرد. حتی اگر صدیقی تحت شرایط فعلی قادر به تشکیل دولت باشد در خیلی از قسمت ها سوء ظن سختی وجود دارد که کابینه او بتواند کار زیادی انجام دهد. در نتیجه درهم ریختگی کلی نظم عمومی در تهران و کمبودهای فعلی و پیش بینی شده مواد اصلی از قبیل نفت و بنزین به نظر سفارت این طور می آید که زمان برای سیاست خیلی

کوتاه است. پایان خلاصه...

تعدادی از نامزدهای کابینه گزارش شده ولی متعاقباً یا به صورت علنی یا خصوصی اشاره کرده اند که آنها نسبت به دولت ائتلافی علاقه مند نیستند، پزشکپور در جلسه غیرعلنی پارلمان در ۲۷ دسامبر گفت که دولتی ناآلوده، رادیکال و جوان مورد نیاز است. در یک

ص:۵۰۰

---

۱- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۲۳، صص ۱۵۱-۱۵۰.

مکالمه خصوصی بعدی که توسط ما بر آن اصرار شده بود وی تصدیق کرد که وی آماده است که خود را به عنوان کاندیدای نخست وزیری پیشنهاد کند و بنابراین اشاره می کند که وی در وزیر دادگستری صدیقی شدن همان طوری که قبلاً فریاد کرده ذیعلاقه نیست.(۱)

به رغم این احوال در آن برهه دشوار بختیار بیش از دیگر داوطلبان نخست وزیری و از جمله محسن پزشکپور برای احراز این مقام، مطلوب تشخیص داده شد.

## دولت بختیار و آخرین تلاش های پان ایرانیست ها

### سقوط رژیم پهلوی و سرگردانی پزشکپور

هنگامی که از حدود پایان هفته نخست دی ماه ۱۳۵۷ آشکار شد که غلامحسین صدیقی مقام نخست وزیری را نپذیرفته است، مطالعه درباره گزینه های دیگری که بتوانند همان اهداف منظور شده برای ریاست دولتی نظیر صدیقی را دنبال کنند، مورد توجه جدی قرار گرفت. اما دیگر دیر شده بود و بسیاری از همان میانه روها و اصلاح طلبان منتقد حاکمیت هم حاضر نمی شدند با پذیرفتن خطر نخست وزیری، آینده سیاسی خود را مخدوش کنند.

اما ناگهان شاپور بختیار، از اعضای قدیمی تر جبهه ملی برای پذیرفتن مقام نخست وزیری اعلام آمادگی کرد و به رغم تردیدهای اولیه، شاه ناگزیر با زمامداری او موافقت نمود. چنین به نظر می رسید که بختیار آخرین برگ میانه روها، محافل آمریکایی و طرفداران شاه برای بقای نظام شاهنشاهی پهلوی به شمار می رفت که در آن برهه علائم حیاتی آن از میان رفته و قطع شده بود. با این حال، وزارت امور خارجه آمریکا و میانه روهایی نظیر آیت الله شریعتمداری، پزشکپور و دیگران در هشتم دی ۱۳۵۷ امیدوار بودند همزمان و همگام با تشکیل و آغاز فعالیت شورای سلطنت، کابینه ای با ریاست بختیار بتواند افسار اوضاع را در اختیار بگیرد:

۱- تهران امروز صبح نسبت به چند روز گذشته آرام تر بوده است. تمرکز، امروز روی نقطه نظرهای سیاسی بود که سفارت از یکی از وزرای دولت ازهاری شنید که به طور قطعی در روز ۳۰ دسامبر استعفا خواهد کرد. به علاوه دکتر شاهپور بختیار رهبر جبهه ملی ایران



---

۱- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۸، ص ۵۰ و همان، ج ۱۴، ص ۴۶.

با استوارنامه ای تا اندازه ای مشکوک به سفارت گفت که شاه به او در روز ۲۸ دسامبر حکم اختیار برای تشکیل یک دولت جدید را داده است. او می خواست که در تاریخ ۳۰ دسامبر، یک مأمور سفارت را ببیند و امید به حمایت ایالات متحده دارد. به علاوه یک منبع خبرگزاری آمریکایی از فعالیت بزرگی در قسمت زاهدی گزارش می دهد. همه طرف صحبت ها، در مورد شکست کوشش های صدیقی مطمئن هستند.

۲- مخالفین میانه رو موافقند که شاه

هنوز حداقل قدرت را دارد، تا انتقال به شورای نیابت سلطنت را که آنها می خواهند، انجام دهد. با این مفهوم، یک شورای نیابت سلطنت قدرت های اجرایی شاه را بعد از اینکه شاه کشور را ترک کرد، به دست خواهد گرفت. یک نخست وزیر و کابینه تعیین خواهد کرد. مخالفین از هرج و مرجی که از رفتن بدون برنامه شاه نتیجه می شود، وحشت دارند...(۱)

از آن هنگام تا تشکیل نهایی دولت بختیار، میان افرادی نظیر محسن پزشکپور با آیت الله شریعتمداری و دیگرانی که هنوز امیدوار بودند برای نجات شاه و رژیم پهلوی از سقوط نهایی راهی پیدا شود همواره مشورت و تبادل نظرهایی در جریان بود. هر چند به نظر می رسید این گروه نسبت به موضع گیری ها و شیوه ای که بختیار در اداره امور کشور به کار خواهد بست تا حدی نگران و دچار سوء ظن بودند، اما چاره دیگری هم پیش روی خود نمی دیدند. اینان نگران بودند مبادا بختیار در عرصه عمل از چارچوب قانون اساسی مشروطیت و لزوم حفظ نظام مشروطه سلطنتی فراتر رفته و مقدمات تأسیس حکومتی با تفکر سیاسی جدید را فراهم سازد. اینان با یکدیگر مشاوره می کردند که طرح مسائل و بر زبان آوردن عباراتی مانند «سوسیال دمکرات» از سوی بختیار چه معنا و تبعاتی می تواند به دنبال داشته باشد. ساواک در این باره چنین گزارش کرده بود:

شب هنگام مورخ ۱۳/۱۰/۵۷، محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست در یک تماس خصوصی با آیت الله سیدکاظم شریعتمداری، اظهار داشته:

به حضور یکی دیگر از مقامات عالیه کشور

رسیدم و ضمن ابراز نظریات خود نسبت به مسائل مملکتی و در مورد نطق شاپور بختیار به عرض آن مقام رساندم که عنوان سوسیال

ص:۵۰۲

---

۱- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۱۰، صص ۳۴۲ و ۳۴۸.

دموکرات از لحاظ شریعت ما و مصالح مملکت قابل بحث می باشد و نمی توان آن را نادیده گرفت. آیت الله شریعتمداری اظهار نموده:

می بایست روشن شود مقصود چه نوع سوسیال دموکراتی است، چون این موضوع از لحاظ کشور مشروطه و حکومت مردم بر مردم هم جای بحث است و به هر حال باید تصحیح و روشن گردد که مقصود از سوسیال دموکرات همین مشروطه است، زیرا نخست وزیر آینده می بایست مجری قانون اساسی باشد و وظیفه یک نخست وزیر نیست که بگوید من مردم را به فلان حزب دعوت خواهم کرد.

آیت الله شریعتمداری در دنباله اظهاراتش از پزشکپور خواسته تا در مجلس از شاپور بختیار سؤال نماید که نظریاتش را در مورد سوسیال دموکرات بودن به طور مشروح بیان نماید و اضافه کند اگر در یک کشور مانند فرانسه و انگلیس نخست وزیر چنین نظریاتی را عنوان نماید، بلافاصله مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت، چون برخلاف قانون اساسی است.

آیت الله شریعتمداری افزوده:

البته تذکراتی که ما داده ایم مؤثر بوده است.

محسن پزشکپور سپس درباره سوسیال دموکرات توضیح داده:

سوسیال دموکرات یک نوع جنبشی است که در اروپای غربی برای جدا کردن مذهب از سیاست و دولت به وجود آمده ولی در ایران مذهب تشیع همیشه با سیاست همراه بوده است.

آنگاه آیت الله شریعتمداری در مورد ملاقات با شاپور بختیار اظهار نموده: سه ماه قبل با این شخص ملاقات داشتم ولی در حال حاضر تا زمانی که ما از وضع وی مطلع نشویم و گفته های اشتباه آمیز خود را تصحیح نکند، نمی توانیم تماسی با هم داشته باشیم.

محسن پزشکپور در خاتمه این تماس درباره جلسه خصوصی روز ۱۲/۱۰/۵۷ مجلس شورای ملی اظهار داشته: روزگار عجیبی است، همان افرادی که برای هویدا هورا می کشیدند، امروز برای بختیار هم که از قیام ۲۸ امرداد به عنوان کودتا یاد نموده، هورا خواهند کشید.

نامبرده ادامه داده:

ولی در این کار شتاب شده، زیرا حق این بود که قبل از ایراد چنین نطقی از طرف

بختیار با

انجام مقدمات لازم، مجلسین اظهار تمایل به روی کار آمدن وی می نمودند.(۱)

با این حال رفتار پزشکپور در مجلس با دولت معرفی شده بختیار که در آستانه خروج شاه از کشور صورت عملی به خود می گرفت، به رسم مألوف او، بسیار فرصت طلبانه و مصلحت اندیشانه بود. به همین دلیل در موضع مخالفت با دولت قرار گرفت. پزشکپور البته بسیار تندتر از نظام سیاسی حاکم بر کشور در سالیان گذشته انتقاد کرده و ترجیح داد دولت بختیار را پیشاپیش شکست خورده ارزیابی کند. اما او هنوز حاضر نبود آشکارا ارباب رو به زوال خود را از خود و حزبش نومید سازد. مصطفی الموتی درباره موضع گیری پزشکپور در برابر دولت معرفی شده بختیار به مجلس نوشته است:

پزشکپور گفت: هیأت حاکمه ایران طی سال های متمادی به گونه ای خشن ترین و ظالمانه ترین و فاسدترین نوع حکومت های استبدادی را بر جامعه ایران تحمیل کرده است. غارتگری نسبت به ملت ایران در تاریخ جهان بی سابقه است و رسیدگی سریع و دقیق در این زمینه در وظایف اولیه نظام انقلابی ملی خواهد بود. تاکنون جز عده قلیلی بازداشت نشده اند و بقیه هم رفتند. آقای بختیار شما گفتید که ما نمی خواهیم ژاندارم خلیج فارس باشیم. این خطرناک ترین زمزمه ای است که من شنیده ام.(۲)

در آن جلسه پزشکپور از حساس بودن اوضاع کشور سخن به میان آورد و اینکه «میهن ما در موقعیت خاصی» قرار دارد که به زعم او «هر یک باید به فکر مملکت باشیم و بیش از پیش احساس مسئولیت کنیم».

محسن پزشکپور در مصاحبه اش در بیستم دی ماه ۱۳۵۷ با روزنامه آیندگان، نشان داد تا چه حد نگران سقوط رژیم پهلوی است. در بخش هایی از این مصاحبه چنین می خوانیم:

من نسبت به وضع کنونی و آینده مملکت بسیار نگرانم و احساس من چنین است که بسیاری از کسان چه در مسئولیت های اداری و چه در برخی مواضع اجتماعی که قرار دارند آن گونه که باید به مصالح ملت ایران نیندیشیده اند. اکنون ملت ایران در یکی از خطرناک ترین برهه های تاریخ زندگی خود قرار دارد. از سویی گروه های فاسد، غارتگر و



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

۲- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۱۸.

قانون شکن و از سویی دیگر سیاست ها و عوامل مخالف با یکپارچگی و وحدت ملت ایران عرصه را بر همه مبارزان ملی و میهن پرستان واقعی تنگ کرده اند. من به همه ملت ایران هشدار می دهم که می بایست به خود آییم و درباره یک جنبش بسیط و وسیع ملی که معطوف به حفظ وحدت ملی، دفاع از آزادگی جامعه ایرانی و نیز مبارزه با هرگونه فساد و قانون شکنی باشد فراخوانیم و باید اعلام کنم که هرگاه به این اساس توجه نشود موجودیت ملی، حاکمیت و استقلال ملی مورد مخاطره عظیم قرار

خواهد گرفت و در این شرایط است که جامعه ایرانی به یک مبارزه ملی و انقلابی احتیاج دارد. ملی از آن جهت که با هرگونه سیاست تجزیه طلبانه و استعماری مبارزه شود و انقلابی از آن جهت که بدون هیچ گونه پروا و اعمال خشونت تمامی عوامل فساد و قانون شکنی و نابسامانی شدیداً مؤاخذه گردند و موجبات استقرار یک حکومت فراهم شود.(۱)

گروه پارلمانی پان ایرانیست در راستای دفاع از نظام شاهنشاهی پهلوی تا واپسین روزهای دی ماه ۱۳۵۷ کماکان در سنگر مجلس وظیفه اش را انجام می داد ولی به دنبال خروج شاه از کشور و مهمتر از آن «در پی اخطار آیت الله العظمی خمینی درباره خودداری نمایندگان مجلس شورای ملی از شرکت در مذاکرات، استعفای خود را از نمایندگی مجلس به رئیس مجلس شورای ملی» ارائه کردند. در استعفانامه گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست هیچ اشاره ای به تأیید تحرکات انقلابی مردم ایران به رهبری آیت الله امام خمینی(ره) نشده بود و در حالی که تقریباً برای همگان مسجل شده بود رژیم پهلوی در آستانه سقوطی حتمی قرار گرفته است، این اقدام فراکسیون پان ایرانیست ها نه برای همراهی با انقلابیون بلکه نشانگر فرصت طلبی آنان بود.(۲) در این میان محسن پزشکپور، بر آن بود که برای حفظ موقعیت خود و حزب پان ایرانیست در نظام سیاسی انقلابی جدید به نوعی خود را با وضعیت جدید هماهنگ سازد. در همین راستا به جواد سعید رئیس مجلس دوره بیست وچهارم پیشنهاد کرده بود «مجلس، دولت بختیار را معزول و دولت بازرگان را به رسمیت بشناسد». پزشکپور حتی به دکتر سعید وعده بازگشت دوباره به صحن علنی

ص:۵۰۵

---

۱- روزنامه آیندگان، س ۱۱، ش ۳۲۶۰، چهارشنبه ۲۰ دی ۱۳۵۷، ص ۳.

۲- مصطفی الموتی، پیشین، ج ۱۲، صص ۴۹۵-۴۹۴. نیز بنگرید به: مهدی هروی و احمد سمیعی، ۲۲ نخست وزیر در ۳۷ سال، ص ۴۲۷.

مجلس را داده بود که از فرصت طلبی بی اندازه او حکایت می کرد:

احمد سمیعی می نویسد: پزشکپور اظهار داشته که با دکتر سعید رئیس مجلس مذاکره کرده ایم تا مجلس دولت بختیار را معزول و دولت بازرگان را به رسمیت بشناسد. قرار شد سریعاً مجلس را تشکیل و ما هم استعفای خود را از نمایندگی پس گرفته در جلسه ای برای این کار شرکت کنیم ولی نمی دانم به چه دلیلی دکتر سعید این کار را نکرد.(۱)

ص:۵۰۶

---

۱- فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، صص ۳۳۰-۳۲۹.

## فصل نهم: پان ایرانیست ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۸۸-۱۳۵۷ شمسی)

### چرخش در مواضع

به رغم تمام تلاش های حامیان رژیم پهلوی و برخلاف خواست افراد و گروه هایی مانند محسن پزشکپور و حزب پان ایرانیست، ملت ایران تحت رهبری امام خمینی(ره) سرانجام روز بیست ودوم بهمن ماه ۱۳۵۷ نظام شاهنشاهی را در ایران سرنگون کرد و با ظهور انقلاب اسلامی عصر نوینی در تاریخ تحولات سیاسی و بلکه جهان آغاز شد. در همان روز پیروزی انقلاب اسلامی حزب پان ایرانیست از نظام سیاسی ساقط شده پهلوی تبری جسته و با دولت موقت انقلاب (به نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان) اعلام همبستگی کرد و از همه اعضای خود (که بنابر گزارش های ساواک شمارشان کمتر از بیست نفر بود) خواست که از دولت موقت پشتیبانی کنند:

هم میهن:

نظامات فاسد دیرین حاکمه که سبب تجزیه سرزمین های ایرانی و پراکندگی و پریشانی ملت ایران و تسلط استعمارگران بر میهن ما بوده است و طی سال ها اختناق و

چپاولگری و فساد، جامعه ایرانی را از زندگی سرافراز خود بازداشته است، به همت و پایمردی ملت بزرگ ایران و کوشش نیروهای میهن پرست و پیشوایی روحانیت بیدار در هم فروریخت.

پان ایرانیست ها که همواره برای استقرار نظامی شایسته ملت بزرگ و یگانه ایران و تداوم و تعالی فرهنگ ملی ایران همدوش و همگام همه نیروهای جنگنده و دگرگونی طلب ملت ایران چه در سنگر پارلمان و چه در نبردهای مردمی و فکری با گام های استوار راه پیموده اند.

در این برهه از تاریخ مبارزات ملت ایران که انقلاب دگرگونی طلب و رهایی بخش بسیاری از سنگرهای نظامات فاسد دیرین را در هم کوبیده و به صبح پیروزی نزدیک می شود ضمن پیشکش کردن شادباش های خود به ملت ایران و رهبری هوشیار مبارزات انقلابی ملت از همه کوشندگان خود می خواهد که با همه توان، دولت آقای مهندس بازرگان را در راه نظمی همه ایرانی و توفیق در انجام وظایف خطیری که به عهده دارد یاری و پشتیبانی نمایند و چونان گذشته از هیچ کوشش و فداکاری دریغ ننموده و با هوشیاری توطئه های احتمالی عوامل استعمار چپ و

راست را نقش بر آب نمایند.

پیروز باد ملت قهرمان ایران

درود بر روان همه شهدای راه سرافرازی و آزادی ملت ایران

بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۵۷

حزب پان ایرانیست(۱)

بدین ترتیب فصل جدیدی از چرخش سیاسی و فعالیت حزب پان ایرانیست آغاز شد. محسن پزشکپور در بیست وششم اسفند ۱۳۵۷ طی مصاحبه ای با خبرگزاری پارس تأکید کرد، در رفراندوم تعیین نوع حکومت برای نظام انقلابی جدید شرکت کرده و خود و اعضای حزب به نظام جمهوری اسلامی رأی مثبت و موافق خواهند داد. در پنجم فروردین ۱۳۵۸ در اعلامیه ای مبسوط ضمن تأکید مجدد بر رأی مثبت خود و حزب پان ایرانیست به نظام جمهوری اسلامی تصریح کرد نوع و عنوان نظام برای او و حزبش اهمیت چندانی ندارد و آنچه مهم است محتوا و ویژگی های درونی و عملی این نظام خواهد بود.

با انتصاب مهندس مهدی بازرگان به مقام نخست وزیری دولت موقت انقلاب، موجب



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

شد

که همراه او ده ها تن از اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی و دیگرانی که چندان همراه با ایده های انقلابی امام خمینی(ره) نبودند در دولت و بسیاری دیگر از مراکز حساس کشور به کار گمارده شوند. این اقدام کسانی از محافل داخلی و جریانات موسوم به میانه رو را که با پشتیبانی و هدایت آمریکا و کشورهای غربی تلاش می کردند موقعیت و منافع خود را در درون نظام جدید جستجو کنند و آن را به بیراهه بکشانند، امیدوار کرد.

حزب پان ایرانیست هم در لابه لای همین جریان های مخالف با رهبری امام خمینی(ره) می خواست موقعیت و جایگاهی برای خود دست و پا کند. استعفای پزشکپور و هم فکران پان ایرانیستش از نمایندگی مجلس شورا (در اواخر دی ۱۳۵۷) به عنوان ترفندی برای کسب جایگاه در جریان انقلابی تحت رهبری امام خمینی(ره) قابل ارزیابی است.

انتقادات تند پزشکپور از بختیار چنان بود که حتی آن نخست وزیر نگون بخت هم به اعتراض برآمده و خطاب به پزشکپور گفته بود: «آقای پزشکپور! خوب به یاد دارم که شما تا چندی پیش با عرب ها و عرب گرایان و لغات عربی به سختی مخالف بودید. حال چطور زیر سایه آخوندها رفته اید و برای آنها سینه چاک می کنید. متأسفانه تمام کسانی که نماینده ساواک هستند و از سوی ساواک تعیین شده بودند حال آزادیخواه شده اند».(۱) به نوشته سرهنگ غلامرضا نجاتی:

خروج شاه از کشور و بازگشت امام خمینی به ایران نشانه پایان سلطنت محمدرضا شاه بود. از آن پس، دیگر بحث درباره نظام مشروطه سلطنتی و قانون اساسی سال ۱۲۸۵ و متمم آن، در بین هیچ یک از گروه های سیاسی مطرح نبود.

از نخستین روز ورود امام خمینی به ایران و سخنرانی در فرودگاه و بهشت زهرا، مقامات مختلف رژیم در حال انقراض، با اعلام استعفا و همبستگی با امام خمینی نسبت به یکدیگر سبقت گرفتند. جواد شهرستانی، شهردار تهران، اولین مقام کشوری بود که به نشانه همبستگی با انقلاب استعفا کرد. سپهبد بازنشسته کمال نیز اعلام همبستگی نمود.

تلاش در پیشی گرفتن اعلام همبستگی بین مقامات رژیم شاه، شتاب گرفت.

اعلام همبستگی افرادی چون شهرستانی و

سپهبد کمال، جنبه اغفال و فریب داشت.

ص:۵۰۹

---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۱۷۹-۱۷۷.

شهرستانی شهردار تهران، از مداحان شاه بود. کمال نیز، از همکاران کودتاچیان ۲۸ مرداد بود و سال ها ریاست رکن دوم ستاد ارتش را بعد از کودتا، به عهده داشت. افراد دیگری بودند که در دو دهه و نیم قبل از انقلاب، با اعلام طرفداری از جنبش مردمی، خود را در صف ملت جای زده اند و در حساس ترین دوره مبارزه از پشت بر پیکر ملت ما، خنجر فرو کردند. تعداد این فرصت طلبان فراوان است و نمونه مشخص آن مظفر بقائی، محسن پزشکپور، احمد بنی احمد هستند. اولی از پیشتازان نهضت ملی بود و در گرماگرم پیکار، به خدمت دشمن درآمد؛ دومی، پس از کودتای ۲۸ مرداد، با انتشار روزنامه خاک و خون از شاه و انقلاب سفید دفاع کرد؛ سومی (بنی احمد) کودتای ۲۸ مرداد را، رستاخیز ملت نامید و کتابی زیر عنوان «پنج روز رستاخیز ملت» منتشر کرد. پزشکپور و بنی احمد از نمایندگان دوره ۲۴ مجلس شورای ملی بودند. اینان، همراه مظفر بقائی، در اوج پیروزی انقلاب، تظاهرات فریبنده ای به عمل

آوردند که مورد توجه هیچ یک از جناح های ملی و مذهبی قرار نگرفت.(۱)

طرح موضوع مخالفت پان ایرانیست ها با انتزاع بحرین که به عنوان یک سناریوی از پیش طراحی شده توسط صادق طباطبایی معاون سیاسی وزارت کشور در دولت مهندس مهدی بازرگان در آستانه برگزاری رفراندوم تعیین نوع نظام انقلابی جدید پیش کشیده شد، باعث گردید تا یک روز پس از برگزاری این رفراندوم، سیزدهم فروردین ۱۳۵۸ اعضای شورای معاونان رهبر حزب پان ایرانیست (هوشنگ طالع، پرویز ظفری، عباس روحبخش، حسن کیانزاد و ابراهیم میرانی) طی اعلامیه ای، این اظهارات را مورد انتقاد قرار داده و تأکید کنند که مخالفت های فراکسیون وقت حزب پان ایرانیست و بالاخص شخص محسن پزشکپور در مجلس شورا با توطئه انتزاع بحرین اقدامی کاملاً جدی و برخلاف خواست رژیم پهلوی و دولت هویدا صورت گرفته بود.

اما آنها این موضوع را پنهان کردند که رهبری حزب پان ایرانیست و بالاخص شخص محسن پزشکپور کمتر از دو ماه بعد از استیضاح دولت هویدا تقریباً به صراحت اعلام کرد

ص:۵۱۰

---

۱- غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۳۷۱.

که به دلیل موافقت شاهنشاه با انتزاع بحرین از ایران از این سیاست پیروی خواهد کرد.(۱)

هنگامی که با نظر مساعد امام خمینی(ره) کارگزاران رژیم پیشین و از جمله کسانی که سابقه وزارت و وکالت داشتند از حضور در مسئولیت ها و مدیریت های نظام جمهوری اسلامی منع شدند و در همان حال وکلای مجالس سابق موظف شدند حقوق و مزایای دریافتی در طول دوران نمایندگی مجلس را مسترد دارند، پزشکپور و نمایندگان پان ایرانیست، با توجه به جوّ آزاد پس از انقلاب (برخلاف همه انقلاب های تاریخ) بابت همکاری وسیع خود تا آخرین روزهای رژیم شاه، نه تنها محاکمه نشدند بلکه از ملت و رهبری طلبکار شدند. در اواخر سال ۱۳۸۵ و همزمان با برگزاری اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، پزشکپور به دادسرای انقلاب احضار شد و حزب به این مناسبت اطلاعیه ای صادر و اعلام کرد:

متأسفانه همان گونه که آگاهی دارید به موجب مقررات مصوب شورای انقلاب صرفاً به عنوان اینکه برخی از مبارزترین فرزندان ملت ایران پس از سال ۱۳۴۲ در سنگر مبارزاتی پان ایرانیسم در پارلمان حضور داشتند آنها را از حق شرکت در انتخابات محروم نموده اند؟! این اقدامات غیرمنصفانه نسبت به یکی از صدیق ترین و مبارزترین نهضت های میهن پرست و ضداستعمار ملت ایران تا بدانجا گسترش یافت که «محسن پزشکپور» نخستین کوشنده و رهبر نهضت پان ایرانیسم را که در سی و هفت سال پیش از این، در زمانی که بسیاری از مبارزان کنونی، در خاموشی و سکوت بودند، چونان خروش تاریخ، نبرد ضداستعمار و ضداستثمار و ضداستبداد را آغاز نمود، به دادسرای انقلاب احضار نمودند.

هر چند ملت ایران و همه خواستاران نیرومندی و یگانگی و آزادی این ملت بزرگ داوری راستین خود را دارند – هر چند هر یک از کسانی که ثمره ای از موقعیت اداری و غیراداری انقلاب ملت ایران را چیده اند، در نهاد وجدان خود می دانند که مبارزات پزشکپور و دیگر چهره های مبارز پان ایرانیست چه نقش عظیم و بیداری بخشی در جنبش های ملی و انقلابی جامعه ایرانی داشته است – هر چند هرگز مبارزات پان ایرانیست ها در هیچ شرایطی متزلزل نخواهد شد و ما همچنان به پیروزی انقلاب در راه راستین آن چشم امید بسته و بی امان



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

خواهیم کوشید اما به دلیل تضییقاتی که شمه ای از آن بیان شد و در نتیجه عملاً امکان فعالیت آزاد و منصفانه در مبارزات انتخاباتی از پان ایرانیست ها سلب گردیده است، حزب پان ایرانیست در انتخاباتی که در پیش است برای هیچ یک از حوزه ها کاندیدایی نخواهد داشت. بدیهی است پیگیری های لازم را در جهت رفع این گونه تضییقات از مبارزان پان ایرانیست از طریق ارگان های مسئول قانونی ادامه خواهیم داد.(۱)

حزب پان ایرانیست که در سال ۱۳۳۰ با انشعاب از گروه داریوش فروهر به تدریج از اردوگاه طرفداران دکتر مصدق خارج شده و از سال ۱۳۳۲ به اردوگاه کودتاچیان پیوست، کودتای آمریکایی انگلیسی ۲۸ مرداد را «قیام ملی» می خواند و هر سال در مراسم بزرگداشت آن کودتا شرکت می کرد، و در تمام سال های پس از ۲۸ مرداد نه تنها نام مصدق را فراموش کرده بود، بلکه مستقیم و غیرمستقیم او را به باد انتقاد می گرفت، در

چهاردهم اسفند ۱۳۵۸ رنگ عوض کرد و یاد «دکتر محمد مصدق رهبر مبارزات ملی و ضداستعماری ایران» را گرامی داشت و از او به عنوان رهبر مبارزات عظیم ضداستعماری ملت ایران نام برد و او را نخست وزیری شجاع و بلکه تبلور آرمان های دیرینه ملت ایران نامید!(۲)

اوایل اردیبهشت ۱۳۵۸ محمدرضا عاملی تهرانی قائم مقام حزب که تا ماه های پایانی عمر رژیم پهلوی حزب را همراهی نمود از سوی دادگاه انقلاب بازداشت شد. پزشکپور برای آنکه خود را از سرنوشت احتمالی مشابهی مصون سازد، از سر بی وفایی منکر ارتباط و قائم مقامی محمدرضا عاملی تهرانی گردید و طی اعلامیه ای گفت:

محمدرضا عاملی تهرانی نه تنها دیگر سمت قائم مقامی حزب را عهده دار نیستند، بلکه دیگر عضو حزب هم محسوب نمی شوند، زیرا برخلاف نظریات حزب ایشان در موقعیت هایی قرار گرفتند که در نتیجه برخلاف نظریات و استراتژی حزب بود و در نتیجه ارتباط ایشان با حزب قطع شد...(۳)

البته موضع گیری هایی از این دست نتوانست پیشینه طولانی حمایت و خدمت

ص:۵۱۲

---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).
۲- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست)، اعلامیه ۱۳/۱۲/۱۳۵۸ حزب پان ایرانیست.
۳- روزنامه آیندگان، س ۱۲، ش ۳۳۱۷، سه شنبه ۲۹ اسفند ۱۳۵۷، صص ۱ و ۲.

پان ایرانیست های تحت سیطره پزشکپور از رژیم پهلوی را بپوشاند. وقتی محسن پزشکپور در اوایل سال ۱۳۵۸ موضوع انتزاع بحرین از ایران را دستاویزی قرار داد تا وانمود سازد با برنامه های رژیم پهلوی مخالف و همواره مدافع منافع ملی ایرانیان بوده، محمد امینیان، یکی از کسانی که پزشکپور را از سالیان گذشته نیک می شناخت، طی مقاله ای ادعای واهی دفاع او از منافع ملی جامعه ایرانی را به سخره گرفته و او را مورد سرزنش قرار داد:

نمی دانم این از مختصات انقلابات ایران است یا همه جای دنیا به همین روال است.

هنوز چند صباحی از انقلاب ایران نگذشته است و هنوز خون شهدای بی شمار ایران بر در و دیوارهاست لیکن از هر سو افراد شناخته شده ای قد علم کرده و با یک پشتک زدن خود را در صف مبارزین جای می دهند. این افراد که ملت را با مسائل حیاتی و بزرگتر درگیر می بینند فرصت را غنیمت شمرده و با فراموش کردن سوابق خود و با مقدمه چینی در برخی از مجلات و روزنامه ها خود را به میدان نزدیک تر می کنند. از جمله آقای پزشکپور با سوابق درخشانی که در تأیید نظام شاهنشاهی

و ایفای نقش های محوله در مجالس فرمایشی رژیم گذشته دارند مدعی داشتن سوابق ممتد مبارزاتی اند. آقای پزشکپور! شما از لحظه ای که به مجلس راه یافتید مأمور بودید و معذورید. شما نقش محوله را بازی می کردید و حق خود را می گرفتید. در جریان بحرین کسانی مبارزه کردند که سال هایی از عمر خود را به خاطر اعتراض به جدا شدن بحرین در زندان ها گذرانیدند و هم اکنون هم کوچکترین ادعایی ندارند. آقای پزشکپور! فراموش کردید که با یک اشاره ارباب حزب پان ایرانیست را برچیدید و به امید در متن بودن به حزب رستاخیز آریامهری پیوستید و از هیچ

کوششی برای خوش خدمتی فروگذار نکردید و چند ماه به پایان کار ارباب چون جهت باد را دگرگونه یافتید دو مرتبه بساط خود را علم کردید. آقای پزشکپور! آن کارمند دون پایه ای که لیست عضویت در حزب رستاخیز را با علم به اینکه با بی کاری و گرسنگی روبه رو خواهد شد امضا نکرد، مبارزه نمود، نه شما که به هر نسیمی جهت عوض کردید و رنگ باختید. شما همیشه عضو صمیمی و پابرجای حزب باد بوده اید. آقای پزشکپور! فراموش کردید که در سال ۵۲ [۱۳] وقتی به دفتر شما آمدم تا در مورد مطالبی که روزنامه خاک و خون در تأیید نظام شاهنشاهی نوشته بود نظر شما را بپرسم، شما توضیح دادید که: «ما برخلاف کسانی که تظاهر به طرفداری از سلطنت می کنند معتقد به نظام شاهنشاهی

هستیم و اگر حرفی می زنیم از اعتقـادات مـا سرچشـمه می گیرد». این جملات را با گوش خود و از دهان شـما شـنیده ام. اگر یادتـان رفته است به شـماره هـای خـاک و خون مراجعه کنیـد جملات فوق را به کرات خواهیـد یافت. آقای پزشـکپور! گویا فراموش کرده اید که بدون زد و بند و سپردن تعهد همکاری با دسـتگاه های مختلف رژیم کسـی نمی توانسته است به مجلس راه یابد. آقای پزشکپور!

فراموش کرده ایـد که تمـام نماینـدگان عصـر انقلاب شاه و مردم نماینـدگان انتصابی دولت و به عبارت دیگر قلابی بوده انـد. آقـای پزشـکپور! فراموش کرده ایـد که قاسم لاجوردی (برادر زنتان) توانست شـما را از صـندوق انتخابات بیرون بیاورد. همان گونه که شـاه از تمـام افتخـارات ملت ایران به نفع خود سوء اسـتفاده می کرد شـما نیز برای رسـیدن به قـدرت از خصوصـیات فرهنگی، تاریخی و احساسات جوانان این کشور اسـتفاده کردیـد تا از نردبان ترقی بالا بروید، زیرا معتقدید که هرگز نخواهند پرسـید که چگونه به قـدرت رسـیدید. شـما بـا فریب جوانـان این مرز و بوم به بقای شاه کمک کردیـد. حالا چه می گوییـد و مـدعی چه هستیـد. حال که رژیم عوض شـده هنوز هم دست بردار نیستید. هنوز هم صـحبت از فدا کردن جسم ناچیز خود در راه وطن می کنیـد و در سُرنا می دمید که: «زاده شدم برای ایران – زندگی می کنم برای ایران – و می میرم برای ایران.» آخر این صحبت ها از زبان شما دیگر کهنه شده است. حنای شما دیگر رنگی ندارد. شما اگر می خواستید جان خود را فدای ایران کنید در دوران ۲۵ ساله اختناق ایران هزاران بار بهترین موقعیت را داشتید. چرا یک بار

این کـار را نکردیـد تـا شـر شـما از سـر همه کم شود. دوستی می گفت در این بـاره چیزی ننویس زیرا ایشان منتظر یک چنین مطلبی در روزنـامه هـا هسـتند و اگر چه موضوع بر علیه ایشـان است امـا چنـدین بـار نام او در نوشـته آمـده است و همین برای جنـاب سـرور تبلیغ است، زیرا نام و ننگ مطرح نیست، بلکه در متن بودن برای او مهم است. به هر حال در شـگفتم که شـما با تکیه بر کـدام پشـتوانه به میـدان آمـده ایـد. شاید معتقدید که در این مملکت یک جو رو داشـتن سـرمایه عظیمی است و شـما خروارهایش را دارید.(۱)



---

۱- روزنامه آیندگان، س ۱۲، ش ۳۳۲۸، دوشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۵۸، ص ۱۱.

## حزب پان ایرانیست در صف ضدانقلاب

حزب علیرغم سکوت معنادارش در مورد حوادث داخلی که عمدتاً از فراسوی مرزها هدایت می شد و انقلاب را درگیر نموده بود - مانند اغتشاشات گروهک ها، ماجرای حزب خلق مسلمان به رهبری آقای شریعتمداری و تضاد جریان های سازشکار با منویات امام خمینی(ره)- به تدریج همراه با ضدانقلاب داخلی و همسو با رسانه های آمریکا و غرب با انقلاب زاویه گرفت و باطن خویش را آشکار نمود.

پس از آن که برای استقرار ثبات و امنیت حاکمیت قانون، رهبران انقلاب تصمیم گرفتند برخلاف همه انقلاب ها که تا سالیان درازی به تدوین قانون اساسی بی اعتنا می ماندند، به جای مجلس مؤسسان، مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی را تشکیل دهند، حزب پان ایرانیست، هم سو با اکثر قریب به اتفاق مخالفان انقلاب در نامه ای

سرگشاده در هفتم مرداد ۱۳۵۸ به مهندس بازرگان نخست وزیر، خواستار جلوگیری از انتخابات شد و خود نیز آن را تحریم نمود.(۱)

با آغاز ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر، محسن پزشکپور به جریان تحت رهبری او نزدیک شد. زمانی که سفارت آمریکا در ایران اشغال شد، آن کشور همچنان مستقیم و غیرمستقیم ضدانقلاب را در مصاف با نظام جمهوری اسلامی یاری می داد تا اگر نتواند اصل موجودیت نظام نوپای جمهوری اسلامی را از میان بردارد، مانع از تسلط یافتن سازش ناپذیران تحت هدایت امام خمینی(ره) بر بخش های مختلف مدیریتی نظام شود. تحولات پرشتاب سال ۱۳۵۸ ثابت کرد امثال پزشکپور دیگر نمی توانند اندک جای پایی برای خود فراهم کنند. او که هنوز قدرت عظیم انقلاب را باور نکرده بود، تلاش کرد بخت خود را از طریق دیگری بیازماید؛ «حقوق دان آزادیخواه» و «ناسیونالیست» با استفاده از فضای بعد از انقلاب، چشم امید به معدود افسران سلطنت طلب باقیمانده در ارتش دوخته بود.

برادر محسن پزشکپور، احمد پزشکپور که در دوره نخست وزیری بازرگان در ارتش صاحب مقام و منزلت بود، از شهریور ۱۳۵۸ به تدریج در صف ضدانقلابیون سلطنت طلب قرار گرفته و با محافل نظامی مخالف در خارج و داخل کشور مرتبط شده بود.

ص:۵۱۵

---

۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

اوایل سال ۱۳۵۹ شواهدی به دست آمد که نشان می داد محسن پزشکپور و برخی اعضای حزب پان ایرانیست با محافل و گروه های برانداز و ضدانقلاب ارتباط پیدا کرده و در پی یافتن راهکارهایی، حتی کودتا، برای از میان برداشتن نظام جمهوری اسلامی هستند. قراین نشان می داد شخص محسن پزشکپور در جریان کودتای نوژه قرار داشت و آماده بود پس از موفقیت کودتا نیروهایش را به نفع کودتاگران وارد عمل کند. اما سراب خیالات پزشکپور محو گردید، و شبکه افسران سلطنت طلب که قصد کودتا داشتند کشف و توطئه آنان خنثی شد. مسئولان امر در جمهوری اسلامی بعدها پی بردند که محسن پزشکپور حتی پس از عقیم ماندن توطئه نافرجام کودتا هنوز با شبکه هایی از سلطنت طلبان طرفدار کودتا و سایر شبکه های برانداز که توسط آمریکا و اسرائیل حمایت می شدند ارتباط دارد.

محمد محمدی ری شهری رئیس وقت دادگاه انقلاب ارتش در واپسین روزهای فروردین ۱۳۶۱ طی مصاحبه ای مطبوعاتی به هنگام افشای شبکه ها و گروه های برانداز که قصد داشتند با کودتا به مقابله با نظام جمهوری اسلامی برخیزند، یادی هم از محسن پزشکپور کرد. کیهان هوایی در این باره از قول حجت الاسلام ری شهری نوشته بود:

اولین گروه براندازی «پارس» بود، که مخفف «پاسداران رژیم سلطنتی» است. دومین گروه براندازی «نمارا» بود و سومین گروه «نیما» نام داشت و چهارمین گروه که آقای قطب زاده نام آن را «نجات انقلاب ایران» گذارده بود. ارتباط تمامی این گروه ها با واسطه یا بی واسطه به سازمان جاسوسی «سیا» و شیطان بزرگ برمی گردد. طبق مدارکی که در دست است، شخصی به نام آرمین با نام مستعار «آرش» ضمن تماس با خانواده منحوس پهلوی در مصر و ژنرال علا در آن کشور گروه «پارس» را تشکیل می دهد، که اعضای این گروه حدود یک سال و نیم قبل دستگیر شدند. از اعضای این باند، مهاجری با قطب زاده تماس داشته است. پس از دستگیری این باند، متوجه توطئه باند و شبکه دیگری به نام «نمارا» شدیم، عامل ارتباطی این شبکه پزشکپور بود، که در تماس مستقیم با اسرائیل بود و رهبر آن سرهنگ رضازاده بود. بعد از دستگیری اینها شبکه دیگری به نام «نیما» کشف شد، که

حدود یک ماه قبل برادران سپاه موفق به کشف این شبکه و دستگیری اعضایش شدند، که در این رابطه حدود ۲۵ نفر شناسایی و دستگیر شدند. خط ارتباطی این شبکه با سازمان «سیا»، «جبهه

ملی» و دکتر منوچهر شایگان بوده است. جالب این است که این افراد حتی کابینه خود را هم تشکیل داده بودند.(۱)

گزارش ها حکایت از آن داشت که حتی قبل از برملا شدن طرح کودتای نوژه، محسن پزشکپور همراه با برخی افراد و محافل نظامی طرفدار سلطنت به فکر کودتا افتاده بودند. سرهنگ هادی عزیز مرادی از اعضای مهم شاخه نظامی کودتای نوژه از کسانی بود که قبل از طرح کودتای مذکور برای برپایی عملیاتی براندازانه با محسن پزشکپور و احتمالاً برخی اعضای حزب پان ایرانیست ارتباطاتی پیدا کرده و به توافقاتی دست یافته بود.

در نیروی زمینی، بیش از همه لشکر ۱ (گارد جاویدان سابق و حوزه نفوذ اویسی) مورد توجه قرار گرفت. هواداران سلطنت در این لشکر حتی پیش از عضویت در شبکه کودتا، خود تشکل های کوچکی برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی پدید آورده بودند.

در لشکر ۲، سرهنگ هادی ایزدی، معاون فرمانده لشکر، شروع به کار کرد و به ادعای خود موفق شد در همه واحدهای لشکر

شاخه بزند و تعداد قابل توجهی از پرسنل را جذب کند.

در لشکر ۹۲ زرهی اهواز، سرهنگ عزیز مرادی علاوه بر بسیج و تسلیح شیوخ وابسته عشایر عرب، وظیفه توجیه و جذب نیروهای داخل لشکر را به عهده گرفت. عزیز مرادی پیش از آنکه با سازمان «کودتای نوژه» رابطه پیدا کند، در صدد ایجاد شاخه نظامی برای حزب «پان ایرانیست»، به رهبری پزشکپور، جهت عملیات براندازی بود.

در لشکر ۸۱ باختران، بنی عامری روی سرهنگ سهرابی، که با یکی از سران متنفذ ایل جاف رابطه داشت، کار می کرد. اما به دلیل اعزام این سرهنگ به مأموریت کردستان و دستگیری اش، کار روی لشکر مذکور ناتمام ماند...(۲)

آقای محمدی ری شهری به مناسبت برشمردن توطئه هایی که متعاقب کودتای نافرجام نوژه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی از سوی ضدانقلاب داخلی و حامیان خارجی آنان صورت می گرفت، درباره طرح پان ایرانیست ها برای انجام کودتایی بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران جزئیات بیشتری را در اختیار مخاطبان خود قرار داد:



---

۱- کیهان هوایی، ۳۱ فروردین ۱۳۶۱. نیز بنگرید به: کودتای نوژه، از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، چاپ چهارم، صص ۵۵-۵۴.

۲- کودتای نوژه، صص ۱۶۷-۱۶۶.

حزب پان ایرانیست به رهبری پزشکپور نیز در همین زمان قصد کودتا داشت، هوشنگ ناهید، دکتر عباس روحبخش، حسن مقبل زاده

و پزشکپور به سرپرستی شخصی به نام عزیز مرادی با عده ای از سپاه جامگان پان ایرانیست و عده ای از ارتشیان بازنشسته قصد براندازی داشتند که قصد آنان نافرجام ماند و این طرح نیز کشف گردید و مجریان آن به مجازات های خود رسیدند. جریان ماجرا از این قرار بود که بعد از پیروزی انقلاب و اشغال جاسوس خانه آمریکا در ایران هوشنگ ناهید از آمریکا به ایران برمی گردد و با عزیز مرادی در اهواز تماس حاصل می نماید و چند جلسه در خانه دکتر عباس روحبخش تشکیل می شود که در این جلسات محسن پزشکپور نیز حضور داشته است و طرح و اساس توطئه در این جلسات بررسی می گردد و متهمین در همین خانه لو می روند.

مقبل زاده در تحقیقات خود اعتراف می نماید: «ما گروهی را تشکیل داده بودیم که رژیم فعلی را سرنگون کنیم. با عزیز مرادی و پزشکپور در خانه آقای روحبخش جلساتی داشتیم و شاخه نظامی گروه پان ایرانیست مسئول اجرای کودتا بود.(۱)»

آقای هاشمی رفسنجانی هم در خاطرات بیست ونهم خرداد ۱۳۶۰ خود به توطئه های

براندازانه ای اشاره می کند که پیش از آن توسط افرادی مانند محسن پزشکپور و سلطنت طلبان و البته تحت حمایت آمریکاییان بر ضد نظام جمهوری اسلامی طراحی شده بود:

آقای رضائی از اطلاعات سپاه آمد و اطلاعاتی در مورد فعالیت ضدانقلاب و اسنادی که از لانه جاسوسی علیه آقای بنی صدر به دست آمده، گزارش داد. فعالیت های [شاپور] بختیار، اشرف، رضا[پهلوی]، فرح پهلوی، [حسن] نزیه، اویسی و [محسن] پزشکپور و فعالیت های عوامل داخلی آنها را در جزوه ای تنظیم کرده بودند که با هدایت آمریکا می خواسته اند، هماهنگ کنند، ولی نتوانسته اند.(۲)

## فرار محسن پزشکپور به خارج از کشور

خروج مخفیانه محسن پزشکپور از ایران در اواخر تیر ۱۳۵۹ که همزمان با برملا شدن



---

۱- غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹: ظهور و سقوط ضدانقلاب، ص ۲۳۷.

۲- اکبر هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران (سال ۶۰)، ص ۱۶۱.

توطئه کودتـای نوژه بود، روشن سـاخت که او بـا کودتـاگران در ارتبـاط نزدیـک بوده و احسـاس می کرد بـا به دست آمـدن مدارک جدید لاجرم دستگیر و تحت تعقیب قضایی قرار گرفته و احتمالاً مجازات سختی در انتظارش خواهد بود. در آن زمان حزب پان ایرانیست عملاً عضو قابل توجهی در اختیار نداشت و با کنار کشـیدن اکثر اعضای سابق عملاً عده ای انگشت شمار در داخل و خارج از کشور و آن هم در صف مخالفان و معانـدان نظام جمهوری اسـلامی به آن وفادار بودند. برخی منابع رقم اعضا و طرفداران حزب پان ایرانیست را حدود چهارده نفر ذکر کرده اند.(۱)

پس از کشف توطئه کودتـای نوژه در روزهای پایانی تابسـتان ۱۳۵۹، صـدام حسـین با هماهنگی آمریکا، به خاک ایران حمله کرد و جنگی هشت ساله آغاز شـد که طی آن ملت ایران گوهر اصـلی خود را به زیباترین شـکل به نمایش گـذاشت. با اینکه تمـام جهـان از شـرق و غرب امکانـات نظامی و سیاسـی و تبلیغاتی خود را در اختیار صـدام گذاشـته بود و همه گروهک های داخلی با توطئه های رنگارنگ و به خصوص جنگ مسـلحانه و ترور به کمک صـدام آمـده بودند، ملت با چنگ و دندان و با وجود نابسامـانی ارتش و نوپـایی سـپاه و بسـیج، غریبانه و در جنگی نابرابر از اسـلام و ایران دفاع نمودنـد و اجازه ندادنـد یک وجب از خـاک میهن به دست اجنبی بیفتـد. ملت سـلحشوری که اگر در جنـگ هـای ایران و روس از رهبری امام خمینی(ره) برخوردار بود هرگز اجـازه نمی داد ننـگ ترکمانچـای و گلسـتان و شـهریور ۲۰ بر پیشـینه ایران اسـلامی حـک شـود. در آن بحبوحه ای که همه وطن خواهـان و وطن پرسـتان و ملی گراهـا جوانـان این مملکت را در جبهه هـا تنها گذاردنـد و با اعلامیه هـای خود نقش سـتون پنجم دشـمن را بـازی کردنـد و در وضـعیتی که حتی خون اقلیت هـای مـذهبی با خون شـهدای اسـلام درآمیخت، آنها نه یک روز در این جنگ سهم داشتند و نه خونی تقدیم وطن کردند و ایران خواهی آنها سنگ محک خورد و روسیاهی به روی آنان مانـد. محسن پزشـکپور که در فرانسه به سـر می برد در دوازدهم اسـفند ۱۳۵۹ در نـامه ای به دونالد ریگان رئیس جمهور تازه آمریکا نظام جمهوری اسلامی را «استبداد سیاه» خواند و



---

۱- م. افتخـارزاده، انقلاب اسـلامی ایران و مواضع اسـتکبار جهانی، صـص ۱۳۳-۱۳۲ و صـص ۱۳۹-۱۳۸. محمـد محمدی ری شهری، خاطره ها، ج ۱، صص ۴۲۳-۴۲۲.

سقوط شاه را نتیجه توطئه کارتر، هایزر و سولیوان و کنفرانس گوادلوپ دانست.

او در این نامه ضمن دفاع از نظام شاهنشاهی و شخص محمدرضا پهلوی حضور افراد فاسد و بدکاره ای نظیر حسنعلی منصور و هویدا را توطئه قدرت های بیگانه برشمرد که هدفی جز سقوط ایران دنبال نمی کردند. وی انقلاب اسلامی را نیز محصول توطئه استعمارگران شرق و غرب ارزیابی نمود!

او حتی خروج امام خمینی(ره) از عراق و حضور ایشان در پاریس در پاییز ۱۳۵۷ را توطئه بیگانگان غربی عنوان کرد.

با برکناری بنی صدر، نابسامانی در اوضاع دفاعی در جبهه ها پایان یافت و از مهرماه ۱۳۶۰ پیروزی های درخشان ارتش و سپاه آغاز شد. ادامه این پیروزی ها که با شکستن حصر آبادان آغاز شده بود در خرداد ۱۳۶۱ به حماسه آزادی خرمشهر کشید و پزشکپور از

مقر خود در کشور فرانسه (حامی استراتژیک صدام) در بیانیه عجیبی مسئولان را متهم کرد که آگاهانه و از روی قصد نبرد خرمشهر تا سرنگونی صدام ادامه ندادند و باعث نجات صدام شدند و لذا خواستار سرنگونی همزمان رژیم دست نشانده بغداد و نظام جمهوری اسلامی ایران شد!

بیش از یک ماه از نبرد رهایی بخش خرمشهر و پیروزی درخشان ملت و نیروهای مسلح ایران، علیه دشمن متجاوز نمی گذرد. به دنبال این پیروزی، انتظار منطقی و عادلانه ملت ایران این بود که جنگ تحمیلی وارد مرحله قطعی گردد و به نتیجه برسد. این جنگ را، رژیم فاشیستی عراق به تحریک استعمارگران کهنه و نو و با همکاری رژیم های ارتجاعی منطقه و معدودی ایرانی نما، علیه ایران آغاز کرد. به همین جهت ملت ایران از آغاز این جنگ، هدفی جز دفاع از حقوق عادلانه خویش نداشته و ندارد... .

به همین سبب انتظار طبیعی این بود که پیروزی خرمشهر بلافاصله، به عنوان سرآغاز یک ضدحمله سراسری ایران، هم در صحنه های نبرد و هم در میدان دیپلماسی باشد. اما اکنون می بینیم که سران رژیم «استبداد سیاه» در تهران، عالماً و عامداً، مانع از آن شدند که پیروزی خرمشهر در جهت این هدف های ضرور ملی، طی طریق نماید. سران «استبداد سیاه»،

اکنون به همان راهی می روند که در جریان گروگان گیری آمریکایی ها رفتند. اینان در واقع به مانند برخی دیگر که علناً دست در دست رژیم متجاوز بعث عراق گذاردند، به عنوان ستون

پنجم دشمنان ایران عمل می کنند و در این جنگ سرنوشت ساز، از پشت به ملت ایران و نیروهای مسلح ایران خنجر می زنند.

به دنبال پیروزی خرمشهر، و در حالی که قوای صدام تکریتی در حال فرار بود، ایران نزدیک به ۱۵۰ هزار سرباز تازه نفس در استان های خوزستان، ایلام، پشتکوه و کرمانشاهان، آماده نبرد داشت. در همان حال، اختلافات درونی در بغداد، همراه با محیط کلی بین المللی بهترین فرصت را برای سرکوب متجاوز در قلمرو حکومت ظالمانه خودش، فراهم آورده بود. همه می دانند که فرماندهان ایرانی در جبهه نبرد مصرانه می خواستند که از این فرصت استفاده بشود.

اگر این کارشکنی های جنایتکارانه نمی بود، نیروهای صدام مزدور به مراتب زودتر از این در هم کوبیده می شد. امروز نیز محافل وابسته به استعمار کهنه و نو و عوامل جاسوسی غرب و شرق که تا مغز استخوان «جمهوری به اصطلاح اسلامی» نفوذ

کرده اند، بار دیگر نغمه شوم انحلال ارتش یا ادغام آن را در «سپاه پاسداران» از سر گرفته اند.

در حالی که از یک سو دیگر نیروهای به اصطلاح ملی مانند نهضت آزادی و جبهه ملی، با آزادی خرمشهر معتقد بودند جنگ به پایان راه رسیده و باید صلح برقرار و از پیشروی در خاک عراق پرهیز شود و ایران را متهم به ماجراجویی می کردند، این حزب وطن پرست چنان شعارهایی سر می داد و نظام جمهوری اسلامی را به مسامحه در جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران متهم می کرد. اما حتی آشتی ناپذیرترین مخالفان و دشمنان نظام در داخل و خارج از کشور هم می دانستند که رهبر نظام و دیگر مسئولان ارشد حکومت و نیز فرماندهان نظامی متفق القول خواستار برخورد قاطع و بدون اغماض با رژیم سفاک بعث هستند و اتفاقاً رزمندگان ایرانی حرف شنوی بدون چون و چرا و قلبی از رهبری نظام جمهوری اسلامی داشتند و برخلاف نظر پزشکپور دفاع از کشور و تمامیت ارضی ایران را با دفاع از شعائر و آموزه های اسلام و مذهب تشیع همسان می دانستند.(۱)

به هر رو، مخالفت محسن پزشکپور با نظام جمهوری اسلامی و حملاتش به رژیم



---

۱- نگارنده این سطور که افتخار داشت چند ماهی در رکاب رزمندگان ایرانی در نبرد در برابر ارتش متجاوز عراق حضور پیدا کند، این موضوع را کاملاً و به عیان لمس می کرد.

بعثی عراق طی سال های بعـد هم دنبال شـد. هر چه زمان بیشتری سپری می شـد او و حزبش حتی در نزد ایرانیان مخالف نظام جمهوری اسـلامی در خارج از کشور بی اعتبارتر شـده و حتی سـلطنت طلبان نیز او و حزبش را به هیـچ گرفتنـد. در طول سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ گویا شـخص پزشـکپور چنـد بار از سوی افرادی احیاناً ایرانی و عرب در محل زنـدگیش در پاریس مورد حمله قرار گرفته و مجروح شـده بود. همه اینهـا باعث شـده بود که در اواسط دهه ۱۳۶۰ پزشـکپور دچار نوعی سرخوردگی و ترس شـود. پزشـکپور طی اعلامیه ای کـه در نهـم بهمـن ۱۳۶۵ صـادر کرد، بـا ادعـای اینکـه از دوران نوجوانی و در مقـاطع گوناگون عمر لحظه ای از مبارزه در راه دفاع از کشور و حقوق مردم ایران فروگـذار نکرده است، از مبارزه بـدون وقفه اش با نظام جمهوری اسلامی و سپس رژیم متجاوز عراق

طی سال های پس از پیروزی انقلاب اسـلامی سـخن به میان آورد و با اشاره به حملات متعـددی که به او شده بود، می گفت که خود را آماده مرگ کرده و نومیدانه و ترحم برانگیز به مخاطبان خود وصیت نموده و می خواهد هرگاه دور از خاک ایران جان خود را از دست داد در اولین فرصت جسد او را به ایران منتقل کرده و به خاک بسـپارند. پزشکپور ضمن آنکه تأکید می کرد کماکان به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی ادامه خواهد داد مدعی بود که برخلاف بسیاری دیگر از مخالفان و معاندان نظام جمهوری اسلامی حاضر نشده است از بیگانگان و از جمله رژیم بعثی عراق کمک مالی دریافت نماید.(۱)

در حـالی که هنوز جنـگ تحمیلی عراق بر ضـد نظام جمهوری اسـلامی ادامه داشت، از اعلامیه های حزب پان ایرانیست چنین برمی آمد که این حزب با تحکیم و تثبیت روزافزون موقعیت نظام جمهوری اسـلامی، از اثربخشی مخالفت ها بر حیات و بقای نظام نومید شده است. گذشته از اقتدار روزافزون نظام جمهوری اسلامی در عرصه داخلی و بین المللی و رعبی که در آن برهه بر دل مخالفـان و معانـدان داخلی و خارجی انـداخته بود، نقش بی بـدیل نیروهای وفادار به نظام جمهوری اسـلامی در دفاع از تمـامیت ارضـی ایران در مقـابله با ارتش متجاوز عراق و هم پیمانان منطقه ای و جهانی آن در خلیـج فارس پان ایرانیست ها را نیز نظیر بسیاری دیگر از مخالفان سیاسی در مقابل نظام جمهوری اسلامی که به رغم



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

پاره ای مشکلات از مشروعیت تمام و کمالی در نزد افکار عمومی برخوردار بود، خلع سلاح می کرد. به همین دلیل اعلامیه های حزب پان ایرانیست در سال ۱۳۶۶ نشان داد که این حزب دیگر امیدی به سقوط نظام جمهوری اسلامی نداشته و بالاخص در عرصه مقابله با دشمنان خارجی نمی توانست ایستادگی و مقاومت نظام را نادیده بگیرد.(۱) از آن پس دیگر شاهد انتقادات شدیداللحن این حزب از نظام جمهوری اسلامی نیستیم و صرفاً از اختلاف نظر خود با قدرت های حاکم سخن به میان آورده و در مجموع برای آشتی با نظام جمهوری اسلامی دنبال نوعی راهکار دیپلماتیک و احیاناً پوزش خواهانه بود. اوج این نرمش و همراهی چاره ناپذیر در جریان نامه محسن پزشکپور رهبر حزب پان ایرانیست به

خاویر پرز دکوئه یار در پنجم مرداد ۱۳۶۶ (۲۷ ژوئیه ۱۹۸۷) به چشم می خورد که پزشکپور تقریباً نظیر یک ایرانی وفادار به نظام جمهوری اسلامی و گویا از مواضع وزارت امور خارجه ایران به متن و محتوای قطعنامه ۵۹۸ و چگونگی تصویب آن در شورای امنیت سازمان ملل اعتراض کرده است.

وی واقعه اسفناک بمباران شیمیایی حلبچه را در ۷/۲/۶۷ از محل اقامتش در شهر کوچک پوتو، طی بیانیه ای محکوم نمود. اعلامیه مذکور برای درک تغییر موضع پزشکپور در برابر نظام جمهوری اسلامی و آنچه در ایران می گذشت، سند بسیار مهمی به شمار می رود. هر چند برخی مخالفان پزشکپور در خارج از کشور این تغییر موضع و تأیید دوباره اش از نظام جمهوری اسلامی را فرصت طلبانه ارزیابی می کردند که اساساً از سرخوردگی و یأس او در تداوم مقابله با نظام جمهوری اسلامی و بی اعتنایی دیگر افراد و گروه های اپوزیسیون خارج نشین به او و حزبش نشأت می گرفت، با این حال واقعیت داشت که وی در کارنامه فعالیت سیاسی و حزبی اش تغییر و چرخش سیاسی دیگری را تجربه می کند و چه بسا امیدوار است مسئولان نظام جمهوری اسلامی این تغییر جهت سیاسی او را پذیرفته و حساب او را از سایر معاندان در داخل و خارج



---

۱- بایگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی (اسناد حزب پان ایرانیست).

از کشور جدا کنند. در بخش هایی از اعلامیه «منشور حلبچه» که طی آن، هم از رژیم بغداد و هم از حامیان خارجی آن و نیز افراد و گروه های سیاسی مخالف نظام جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور انتقادات شدیدی شده و در همان حال مقاومت و ایستادگی ملت ایران و نیز نظام جمهوری اسلامی در برابر دشمنان خارجی مورد تمجید قرار گرفته چنین می خوانیم:

مگر نه آنکه در آستانه سال نو «دستاورد روزگار» یکی از عظیم ترین جلوه های مقاومت و عشق و ایثار و شهادت بود. از سویی دیگر جهان بشری نظاره کننده بر یکی از جنایت های تاریخ شد که چونان زخمی التیام ناپذیر، تا جهان برپاست، بر چهره دژم ستمگری و خودکامگی نقش بسته است.

«صدام حسین» و «رژیم بعث عراق» تنها آدمک و «ماسک» ارتکاب چنین جنایت های فجیع بر ضد «جامعه بزرگ ایرانی» و دیگر جوامعی است که با انقلاب عظیم و توفنده ضداستعماری ملت بزرگ ایران پیوند یافته اند. انقلابی ضداستعماری که دست کم ریشه های دویست ساله دارد.

لحن اعلامیه ها و موضع گیری های محسن پزشکپور در قبال نظام جمهوری اسلامی طی یکی دو سال پایانی دهه ۱۳۶۰ باز هم ملایم تر شد و نهایتاً در آغاز دهه ۱۳۷۰ او وارد ایران شده و مسئولان نظام جمهوری اسلامی وی را کریمانه پذیرفتند و همراهی او را با دشمنان ملت و رژیم بعثی در پنجه کشیدن به روی ملت در دوران سخت جنگ، به رخ نکشیدند و بدین ترتیب آزمون دیگری برای مدعی میهن پرستی و فدایی آب و خاک و ملت، به تلخی و رفوزگی رقم خورد. همچنانکه اسناد موجود نشان می دهد در بیست ودوم مهر ۱۳۷۴ بود که گروهی از اعضا و هواداران حزب پان ایرانیست طی اطلاعیه ای با عنوان «منشور استراتژیک هواداران پان ایرانیسم» دیدگاه های خود را به مخاطبان خود ارائه دادند.

ناصر انقطاع از پان ایرانیست های قدیمی در خاطرات خود به روند دل کندن پزشکپور از نظام زوال یافته شاهنشاهی پهلوی در اواخر دهه ۱۳۵۰، همکاری اش با میانه روها و سپس ضد انقلاب خارج نشین و نهایتاً بازگشت و زندگی اش در ایران از آغاز دهه ۱۳۷۰ بدین سو چنین اشاره کرده است:

پزشکپور، در شش هفت ماه پایانی رژیم پیشین، به محض اینکه حس کرد بوی «الرحمان» آن بلند شده است، ضمن اعلام موجودیت سه باره!! حزب پان ایرانیست، بنای مخالفت را با رژیم شاه گذارد، و همان گونه که آمد، به هنگام معرفی کابینه بختیار با او درگیر شد، به این

امید که در دگرگونی های بعدی، باز هم روی امواج رویداد ها سوار باشد.

در اجرای این خواست، از آغاز سال ۱۳۵۷ به ایراد نطق های داغ و پر سر و صدا و جنجال برانگیز علیه رژیم پرداخت ولی زیرکانه مهره های درجه دوم و سوم رژیم را به باد حمله گرفت. یعنی با کسانی خواست تسویه حساب کند که از سال ۱۳۴۰ به بعد با آنها بر سر نزدیکی به دربار سرشاخ شده بود.

به این ترتیب که نخست اقدامات مردم با توطئه بیگانگان برای ایجاد تفرقه میان ملت و «نظام شاهنشاهی» به شمار آورد، و پیشنهاد تأسیس حزبی سراسری را در ایران داد که جانشین حزب رستاخیز شود و با این کار می خواست آزمایشی از جو موجود بکند. و چون با واکنش دلخواه روبه رو نشد، به هنگام نخست وزیری جمشید آموزگار (۱۳۵۷) ضمن نطقی در مجلس برای بار سوم تجدید فعالیت حزب پان ایرانیست را اعلام کرد. و آن گونه که بولتن مذاکرات مجلس نشان می دهد، تنی چند از نمایندگان مجلس از جمله مصطفی الموتی زبان به انتقاد او گشودند و پزشکپور در پاسخ انتقاد آنها گفت:

«چون من، حزب رستاخیز را در مسیر

رستاخیز ایران نمی بینم، و نمی توانم سنگر مبارزات ملی را ترک کنم (!) در این لحظه تاریخی عرض می کنم که در سنگر نهضت حزب پان ایرانیست مبارزاتم را دنبال می کنم.»

پس از واقعه هفدهم شهریور ۱۳۵۷، باز به هنگام رأی اعتماد به دولت شریف امامی، پزشکپور فریاد زد «نخست وزیر از هم اکنون دستش به خون هم وطنان آلوده شده است».

ولی با وجود مخالفت پزشکپور، دکتر عاملی دوست و همکار همیشگی و معلم او، در کابینه شریف امامی پست وزارت گرفت!

چون در آن روزها «آیت الله شریعتمداری» در درون کشور مطرح بود. پزشکپور در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۵۷ با وی تماس می گیرد و به وی قول می دهد که خواست ها و دستورهای او را اجرا کند.

پس از خروج شاه از ایران، دیگر پزشکپور نه تنها سخنی از شاه و شاهنشاهی بر زبان نراند، بلکه اصولاً مسئله قانون اساسی ۱۲۸۵ مشروطیت را نیز فراموش کرد و آن گونه که از زبان سرهنگ غلامرضا نجاتی در کتاب «تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران» آمده است نوشتم، به محض آمدن [امام] خمینی[ره] به ایران به دست بوس او رفت و درباره تشکیل دولت و

مسائل جاری با [امام]خمینی[ره]، نظرات خود را در میان گذارد.

این بود که چون محیط را نامساعد دید روز ۲۲ تیرماه ۵۹ از راه کردستان به فرانسه گریخت و در آن جا نخست خواست با دکتر بختیار پیوند برقرار کند. که با آن پیشینه ناخوشایند و برخوردش با دکتر در مجلس مورد بی اعتنایی رهبر نهضت مقاومت ملی قرار گرفت و تیرش به سنگ خورد.

پس آنگاه دست به دامن تنی چند از دست اندرکاران سیاسی هوادار پادشاهی در برون مرز زد تا شاید بتواند، زیر پرتو مهر و پشتیبانی «رضا پهلوی» برود. ولی شاهزاده نیز پخته تر و زرنگ تر از آن بود که پزشکپور گمان می کرد، و روی خوش به او نشان نداد.

در پاریس هم پیوسته آماج تیر اهانت و رفتارهای مخالفت آمیز و خشم ایرانیانی که او را به خوبی می شناختند شده بود. و حتی روزی یکی از ایرانیان ماندگار در پاریس در خیابان به وی تف انداخت. اما او، کسی نبود که از این واکنش ها بیدار شود و بنشیند و با خود بیندیشد که انگیزه این واپس زده شدن ها، چیست.

هنگامی که از سوی اپوزیسیون ناامید شد

به اندیشه پیوند با جمهوری اسلامی افتاد، و با نزدیک شدن به مهدی روحانی که خود را رهبر شیعیان! اروپا می دانست و در پاریس به سر می برد، به جلسه های روضه خوانی که در خانه این آخوند برپا می شد رفت، و موقع مرثیه خوانی ها، در پای منبر گریه می کرد و به پیشانی می زد!! به این امید که جاسوسان رژیم در آن مجلس گزارش صداقت او و ایمانش را به آخوندها بدهند.

در همان سال های آغازین یک نشریه چهاربرگی را چاپ و در تعداد محدودی منتشر کرد که هر آدم تیزهوشی که آن را می خواند پی می برد که وی در سراسر برگ های این نشریه کوچکترین حمله ای به آخوند و به جمهوری آخوندی نمی کند، و در سراپای نوشته هایش مشتی کلی گویی و شعارهای محتاطانه به چشم می خورد، و پایه کارش در نشریه یادشده تنها و تنها ناسزاگویی به صدام حسین بود.

خوب به یاد دارم که در یکی از شماره های این نشریه نوشته بود: ما پان ایرانیست ها (کدام پان ایرانیست ها؟!) آماده ایم به ایران برویم و علیه صدام حسین بجنگیم!!

خواست او از این پیشنهاد که جنبه تعارف! و شعار داشت این بود که ببیند

از سوی جمهوری اسلامی چه واکنشی دیده می شود. و آیا چراغ سبزی برایش روشن می کنند که به ایران برگردد، و بساط پیشین را بگسترد، یا نه؟

در درازای جنگ هشت ساله ایران و عراق، هر چند گاه یک بار، نامه ای برای سازمان ملل متحد می فرستاد که: چرا صدام حسین بمب شیمیایی به کار می برد؟ چرا غرامت جنگی نمی دهد؟ و چرا سازمان ملل متحد صدام را محکوم نمی کند؟ و از این گونه چراهای حساب شده!

به هنگامی که نیروهای ایران شروع به پیشروی در خاک عراق کردند، مقاله ای در همان نشریه ۴ برگی خود نوشت که: «ما پان ایرانیست ها (جالب است که خود را همه پان ایرانیست ها می داند!) تنها سازمانی و تنها کسانی بودیم که موافق با جنگ بودیم!!

سخن کوتاه، پیوسته و پیوسته سرگرم زمینه سازی بود تا به گونه ای بتواند خط پیوندی با جمهوری اسلامی پدید آورد.

گفتم که او، به روضه خوانی های خانه سیدمهدی روحانی می رفت و در آن جا خود را به عوامل و کارکنان سفارت جمهوری اسلامی در پاریس که گهگاه برای تهیه گزارش به آن نشست ها می آمدند نزدیک کرد و به آنان

فهمانید که به سختی مایل است که به ایران بازگردد. و از ایشان درخواست یاری کرد.

یکی دو تن از آنها گزارشی در این باره تهیه می کنند و به تهران می فرستند. و پس از گفتگوی فراوان، از تهران دستور می رسد که پزشکپور نامه ای برای رفسنجانی (که در آن زمان رئیس جمهور بود) بنویسد، و در ضمن ستایش از رژیم، و اظهار بندگی! درخواست بازگشت کند.

پزشکپور نیز بی درنگ این دستور را اجرا می کند و نه تنها یک، که دو سه نامه ای سراسر ستایش و چاپلوسی و التماس برای رفسنجانی می فرستد، و در آنها از تنگدستی خود در یک کشور بیگانه می نالد و درخواست بازگشت می کند. (یکی از این نامه ها در کیهان هوایی چاپ می شود.)

سرانجام بازگشت پزشکپور، مورد موافقت رفسنجانی قرار می گیرد، و هنگامی که وی مطمئن می شود که دیگر خطری او را تهدید نمی کند، در روز سه شنبه هجدهم اردیبهشت ۱۳۷۰ (۷ ماه می ۱۹۹۱) به ایران بازمی گردد.

خبر ورود او به ایران، با واکنش های چندی روبه رو می شود و چند روزنامه علیه او مطالبی می نویسند. از آن میان،

روزنامه «سلام» در شماره ۲۶ تیرماه ۱۳۷۰ مقاله ای زیر سرنویس

«بازگشت بدون بازداشت» در مخالفت با او، منتشر کرد. ولی پزشکپور زیر حمایت رفسنجانی بود و این نوشته تأثیری در وضع او نکرد.

هنوز چند ماهی از ورود این آقای آرمان خواه پان ایرانیست!! به ایران نگذشته بود که وی ضمن آگاهینامه ای پیشنهاد تشکیل «اتحاد جماهیر اسلامی!» را در روزنامه «تهران تایمز» (یکشنبه ۴ امرداد ۱۳۷۱) می کند، و یکباره یک چرخش یکصد و هشتاد زینه ای را انجام می دهد و «پان اسلامیست!» می شود.

من بر این باورم که او برای هیچ کس و هیچ دولت و هیچ سازمانی خطر ندارد، جز برای اندیشه پان ایرانیسم و پان ایرانیست ها! در تیرماه ۱۳۷۸ که جنبش دانشجویی در ایران رخ داد و همونـدان «حزب ملت ایران» با آنها همکاری کردنـد، و در نتیجه بسیاری از پان ایرانیست ها مانند خسرو سیف، کامران میرعبدالباقی، بهرام نمازی و شماری دیگر بازداشت شدند، پزشکپور وسیله دوستانش شایع کرد که او را نیز گرفته انـد. ولی چون دروغ، به انـدازه ای روشن بود که کسی آن را باور نکرد، بعد شایع کردند که او،

پنهان! شده است. و سپس مسئله فراموش شد.(۱)

داریوش فروهر دیگر پان ایرانیست قدیمی که از اواخر سال ۱۳۳۰ راه خود را از محسن پزشکپور و حزب پان ایرانیست تحت سیطره وی جـدا کرده بود و در تمـام دوران پهلوی منتقـد او بود، پس از آنکه محسن پزشکپور به ایران بازگشت، در گفت و گویی با ناصر انقطاع به شرح زیر از آن همه رنگ به رنگ شدن کم نظیر و پایان ناپذیر پزشکپور اظهار شگفتی کرد:

از فروهر پرسیدم: درباره محسن پزشکپور که فعلاًـ به ایران آمـده و زیر سایه رهبران کنونی رژیم رفته است چه نظری داری. البته او را همه مـا میهن دوستان و ملت گرایـان به خـوبی می شناسیم. ولی به هر روی در زمینه وضع کنـونی او نظر تو را می خواهم. زیرا نظر تو با آن همه پیشینه آرمانی و سیاسی مشترکی که با هم داشتیم شنیدنی است.

فروهر پاسخ داد: بـا افسوس بسیار بایـد بگویم که این شخص هم اکنون به صورت یک مریـد بی چون و چرای رژیم کنونی درآمده است.

ص:۵۲۸

---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۲۰۱-۱۹۷.

تو خود وی را می شناسی و می دانی که او، در رژیم پیشین همکاری تنگاتنگ و همه جانبه ای با نظام شاهنشاهی پهلوی داشت. و در حالی که ما پیوسته به زندان

می افتادیم، وی وکیل مجلس و رهبر حزب فرمایشی بود. و حالا در بازگشت به ایران، یکسره جابه جا شده و اندیشه هایی را که دست کم به ظاهر داشت و به آن تظاهر می کرد، و حتی در آغاز انقلاب، نشان شیر و خورشید را نشان رسمی!! حزب خود کرده بود کنار گذارده است و هیچ سخنی از آن آرمان ها به میان نمی آورد و در عوض جز مشتی ناسزا و بهتان به هم میهنان برون مرز، و اتهام های ناروا به آنان، و مشتی به به چه چه به مسئولان کنونی چیز دیگری نمی گوید.

چندی پیش او با خبرنگار نشریه کیهان هوایی گفتگویی داشت و مشتی ناسزا، هم به ایرانیان برون مرز و هم به حزب ملت ایران گفت.(۱)

## آخرین موضع گیری ها

هر چند هنوز حزب پان ایرانیست مدعی تداوم فعالیت سیاسی و اجتماعی است، با این همه، هیچ نقش و جایگاهی در عرصه سیاسی و اجتماعی و خاطره ملت ایران ندارند. فقط یکی دو سایت اینترنتی گاهی پیرامون این حزب و مواضع آن اطلاعاتی به مخاطبان خود می دهند و مدعی تداوم فعالیت و حضور این حزب در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور می شوند. اطلاعات به دست آمده از سایت سازمان جوانان حزب پان ایرانیست نشان می دهد هفتمین کنگره حزب در بهمن ۱۳۷۶ تشکیل و مدیریت حزب پان ایرانیست به

شورایی عالی متشکل از هفت تن سپرده شده است و بنابراین از اواخر سال ۱۳۷۶ محسن پزشکپور که بر اثر کهولت سن قدرت تکلم خود را از دست داده است،(۲) دیگر رهبر مطلق حزب پان ایرانیست نیست. گرچه او در جایگاه بزرگ سرور کماکان مورد تکریم اعضای این حزب قرار داد. گویا از آغاز سال ۱۳۷۷ این حزب نشریه ای با عنوان «ضداستعمار» منتشر می کرد که از شماره ۴۴ بدین سو به «حاکمیت ملت» تغییر نام داده است.



---

۱- ناصر انقطاع، پیشین، صص ۲۳۹-۲۳۸.

۲- این خبر را دکتر باقر عاقلی در صبح روز یکشنبه ۸ آذر ۱۳۸۸ به نگارنده این سطور داده است.

حزب در مرداد ۱۳۷۹، با توجه به فضای پس از دوم خرداد، فرصت را مغتنم شمرده و در بیانیه ای سقوط رژیم دیکتاتوری شاه را نه در نتیجه انقلاب مردم ایران، بلکه در اثر «توطئه قدرت های بزرگ» تحلیل کرد و مدعی شد اگر رژیم شاهنشاهی برقرار مانده بود، پس از فروپاشی شوروی، قفقاز و آسیای میانه به ایران ملحق می شد.(۱)

این حزب در پرتو فضای سیاسی و اجتماعی آزادانه ای که در کشور وجود دارد، در آستانه برگزاری انتخابات گوناگون با صدور اعلامیه و بیانیه ضمن تحریم انتخابات، مردم را به عدم شرکت در انتخابات فرامی خواند.

در آستانه برگزاری انتخابات خبرگان رهبری و انتخابات شوراهای شهر و روستا در سال ۱۳۸۵، نیز حزب پان ایرانیست طی اعلامیه ای از مخاطبانش خواست تا انتخابات را تحریم کنند. (۲) این حزب در اسفند ۱۳۸۶ طی بیانیه ای، انتخابات را تحریم نمود. محسن پزشکپور و حزبش که انتخابات آزاد ایران را با این تهمت ها تحریم می کردند، هیچ گونه توضیحی درباره شرکت فعالشان در انتخابات نمایشی شاهنشاهی و رستاخیزی و نمایندگان سفارشی از سوی دربار و سفارت های آمریکا و انگلیس، ندادند. لابد به زعم آنان آن انتخابات آزاد و دمکراتیک بوده است.

در آستانه برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ هم که ملت ایران به گونه ای کم سابقه خود را مهیای شرکت در این انتخابات می کرد، حزب پان ایرانیست طی بیانیه ای به تاریخ هجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ شرکت در این انتخابات را تحریم کرد. بنا به ادعای سایت اینترنتی این حزب تاکنون حدود ۱۰۹ شماره از حاکمیت

ملت که تنها نشریه منظم ارگان حزب پان ایرانیست محسوب می شود به صورت بولتن داخلی میان اعضا و هواداران توزیع شده است. برخی از اعضای قدیمی تر حزب پان ایرانیست که تا واپسین سال های حیات رژیم پهلوی در کادر رهبری و کارگردانی این حزب قرار داشتند از فعالیت سیاسی و حزبی در چارچوب این حزب احتراز جسته اند. هر چند هنوز اعضای مؤثر و فعال حزب پان ایرانیست برای محسن پزشکپور احترام ویژه ای



---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، جمعه ۲۷ مرداد ۱۳۸۵.

۲- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، جمعه ۲۳ مهر ۱۳۸۵.

قائل هستند، با این حال پزشکپور سال هاست که به دلیل کهولت سن و مشکلات جسمی و احتمالاً روحی در اداره این حزب هیچ نقشی ندارد.

با تمام مخالف خوانی ها و دشمنی های حزب پان ایرانیست با نظام جمهوری اسلامی، هیچ قرینه ای وجود ندارد که نشان دهد اعضا و هواداران انگشت شمار این حزب از سوی مراکز سیاسی امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران تحت فشار یا آزار و اذیت قرار گرفته باشند و میان آنان با دیگر شهروندان کشور تفاوتی معمول شده باشد. این حزب در داخل یا خارج از کشور دارای تشکیلات و سازمان منسجم و تأثیرگذاری نیست و چنین به نظر می رسد که همراه با پیری و ناتوانی جسمی و فکری محسن پزشکپور که حتی در اوج دوران فعالیت حزب پان ایرانیست یگانه رهبر و هدایتگر آن بود، مجموعه این حزب هم به تبع رهبر سالمند خود به پایان راه نزدیک می شود.

## ناسیونالیسم و ملی گرایی

مطالب منتشره در سایت های اینترنتی وابسته و نزدیک به حزب پان ایرانیست نشان می دهد، اینان همچنان بر دیدگاه های شوونیستی و ناسیونالیستی تند و افراطی پیشین خود اصرار داشته و کمابیش با همان شعار «فلات ایران زیر یک پرچم» در اندیشه اتحاد سرزمینی و سیاسی ایران بزرگ هستند. پان ایرانیست ها فارغ از دیدگاه های سیاسی و حزبی خود در قبال حکومت و دیگر افراد و گروه های سیاسی ایرانی در داخل و خارج از کشور طرح هرگونه ایده تجزیه طلبانه از سوی هر کس یا گروهی را به شدت تقبیح می کنند. اینان از یک سو نظام جمهوری اسلامی ایران را به باد انتقاد می گیرند که به مسائل ملی و تمامیت ارضی کشور بی اعتنا است و از سوی دیگر افراد و گروه های سیاسی مخالف حکومت ایران و نیز برخی رسانه های فارسی زبان مخالف نظام جمهوری اسلامی نظیر تلویزیون فارسی صدای آمریکا و

غیره را متهم می کنند که با موضع گیری های آگاهانه یا ناآگاهانه خود عملاً تحرکات و تفکرات تجزیه طلبانه را ترویج و تبلیغ می نمایند.(۱) پان ایرانیست ها با کسانی از فعالان سیاسی، اجتماعی و طرفداران حقوق بشر که به زعم آنان تفکرات و ایده های تجزیه طلبانه و



---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، جمعه ۲۹ شهریور ۱۳۸۷ و یکشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۸۶.

قوم گرایانه خود را در پوشش روشنفکرنمایی ابراز می نمایند، به شدت مخالفند و علایق و مواضع آنها را در راستای خواست کشورهای استعماری و سلطه جو می دانند. چنانکه یکی از اعضای قدیمی پان ایرانیست طی مطلبی با عنوان «گفتمان قوم گرایی یک فتنه غربی است» در این باره چنین نوشته بود:

... به نظر می رسد یک بار دیگر برخی روشنفکران مدعی آزادی، فرصت را برای فرود آوردن آخرین ضربه ها بر پیکر استقلال و تمامیت ارضی ایران مناسب تشخیص داده اند و همچون سال های گذشته گاه دانسته و زمانی ندانسته آب بر آسیاب دشمن می ریزند...! برای جلوگیری از اشاعه این اندیشه های مخرب، مسائل را از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار می دهیم تا نسل جوان کشور از کم و کیف این نظریه پردازی های وحدت شکن و نقش سیاست های بیگانه در طول زمان برای تجزیه خوزستان آگاه گردد.

آنچه که برخی از روشنفکرنماها تحت عنوان قوم گرایی یا ملت سازی!! در حوزه های جغرافیایی یک کشور به ویژه ایران زمین طرح می کنند ناشی از دو

دیدگاه است:

۱- دیدگاه لیبرالی و مارکسیستی که به «حق تعیین سرنوشت و خودمختاری اقوام» می پردازند. منشأ ظهور و بروز این تفکر مغرب زمین است.

۲- دیدگاه بین المللی، که از طریق آثار سیاسی و کتاب های شرق شناسان غربی، به کشورهای خاورمیانه به ویژه ایران راه یافته است.

متأسفانه هر دو نگاه، مطالعات و تحقیقات شرق شناسان در جهت حفظ منافع استراتژیک قدرت های استعماری انجام شده است و همین دولت های استعمارگر بوده اند که از ثمره کوشش های علمی جهت دار محققین برای شناسایی اقوام و تیره های هر جامعه استفاده ابزاری کرده اند...

متأسفانه برخی قلم به دستان قوم گرا که مروج اندیشه های «پان ترکیسم و پان عربیسم و پان اسلامیسم» می باشند تحت تأثیر آثار شرق شناسان غربی بوده و با استناد به این مطالعات جهت دار، جامعه ایرانی را که در حال گذر از دوران انسداد سیاسی به سوی توسعه سیاسی است با نگرانی هایی مواجه ساخته اند...

اقدام به پررنگ کردن تفاوت لهجه ها، زبان ها و مذاهب اقوام ایرانی در شرایط

حساس فعلی نه یک کوشش فرهنگی است و نه دلسوزی برای ایران...! بدون تردید بررسی نیازهای اقوام

و تیره های ایرانی فقط در چهارچوب یک ایران آزاد و مستقل و به دور از تنش های داخلی تحت «حاکمیت ملت» مقدور است و بس. آنان که از مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی در پی اجرای اصول ۱۵ و ۱۹ آن می باشند چرا اصل مربوط به حقوق ملت را فراموش کرده اند؟ آیا کسانی که امروز دغدغه خاطرشان زبان اقوام است توجه دارند که استقلال زبان ترکی، کردی و عربی و گسستن آن از زبان فارسی، سرآغازی است برای توطئه های بعدی و سپس تجزیه و جدایی؟!

ملت ایران از تاریخ معاصر خودآموخته و به یاد دارد که در جنگ جهانی دوم و به هنگام توطئه جدایی آذربایجان سران فرقه دمکرات به اولین مطلبی که پرداختند مسئله «استقلال زبان ترکی و جدا شدن آن از حوزه زبان رسمی کشور بود». «پیشه وری» که روزنامه آژیر را در تهران به زبان فارسی منتشر می کرد در «روزنامه آذربایجان» ارگان فرقه دمکرات به نوشتن مقالات ترکی اقدام کرد. فرقه دمکرات در آغاز فقط مسئله زبان را مطرح و آنگاه گام به گام به سوی جدایی آذربایجان از

پیکره ایران زمین پیش رفت...!

ملت ایران به یاد دارد که مطالبات «پیشه وری ها و غلام یحیی ها» بر اساس خواست و نیاز مردم آن سامان نبود بلکه پشت سر این ماجرا، سیاست سلطه گر شوروی قرار داشت و به همین دلیل هنگامی که مذاکرات «قوام السلطنه» با «استالین» به نتیجه دلخواه رسید، روس ها از آذربایجان عقب نشینی کردند و اراده مردم آزاده آذربایجان پیشه وری و دار و دسته اش را فراری داد...!

قلم به دستان قوم گرای امروزی با تحریف رویدادها و جعل وقایع و سیاسی کاری، محدوده فرهنگی جامعه بزرگ ایران را که از محدوده سیاسی و جغرافیایی آن به مراتب بزرگتر و بیشتر است نادیده گرفته اند و با ایجاد اختلافات مذهبی و زبانی، قدرت عظیم یک ملت را به سوی فروپاشی سوق می دهند بدون آنکه خود صاحب اقتداری گردند... سابقه تاریخی گواه است جاهایی که از سرزمین مادر جدا شده اند به صورت یک لقمه چرب و نرم توسط غول های اقتصادی و سیاسی بلعیده شده و حقوق مردم آن سامان به کلی از بین رفته

است!»(۱)



---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، سه شنبه ۴ مهر ۱۳۸۵.

پان ایرانیست ها در راستای همان ایده پان ایرانیستی و ناسیونالیستی شان، خود را مدافع حقوق کردها و شیعیان عراقی دانسته و آنـان را در زمره آریـایی نژادان و هم وطن دیگر ایرانیـان می داننـد. اینان درباره شـیعیان دیگر نقاط جهان و از جمله لبنان هم همین عقیده را دنبال کرده و اجحاف در حقوق آنان توسط دولت های عربی، اسرائیل و غرب را محکوم می کنند. این موضع گیری در مقاله ای با عنوان «شیعه کشی تا کی؟» چنین تبیین شده است:

بمب گـذاری هـا و فجـایع انسـانی اخیر در عراق (میـان رودان) که قتل عام شـیعیان و تحریک آنها برای ایجاد جنگ داخلی و تـداوم نسـل کشـی وابسـتگان به فرهنگی ملت ایران را هـدف قرار داده و حملات لجـام گسـیخته به جنوب شـیعه نشـین لبنان حکـایت از طراحی نقشـه جـامعی برای حـذف آثـار حضـور فرهنگی ملت ایران و وابسـتگان آن در خاورمیـانه دارد که گرچه القاعـده و اسـرائیل به ظـاهر ایفاگران نقش اول آن در کشـتار و به مبارزه طلبیـدن شـیعیان را بازی می کننـد ولی در پشت سـر دست هـای پنهـان امپریـالیسم و سـرمایه داری جهـانی و حمـایت هـای آشـکار و نهـان کشورهـای عربی را به آسانی می توان دریافت.

استقرار حاکمیت مردمی در عراق و اتحاد وابستگان به ملت بزرگ ایران یعنی کردها و شعیان آن سامان که حدود هشتاد سال

توسط حکومت های مخلوق و وابسـته به استعمار مرتباً و مکرراً قتل عام نژادی و فرهنگی می شدند طلیعه حیات دوباره اقوام و وابستگان ملت ایران و آغاز دوران سازندگی و خلاقیت آنها و ایجاد شرایط لازم برای زیست سرافراز به موجب اصول اعلامیه جهانی حقوق بشـر و قرار گرفتن عراق متحد و ایران خواه و ایران جو در کنار ملت بزرگ ایران خشم و کینه تاریخی دشـمنان آیین و فرهنگ آشنای ملت بزرگ ایران را فراهم کرده است و بی دلیل نیست که حتی مبارک رئیس جمهوری مصر که هنوز نادانسته در طبل توخالی عبدالناصر گجستک(۱) برای عربیت مصـر و رهبری جهان خیالی آن که هرگز وجود خارجی نداشته اعـتراف کرده (و البته گـاف بزرگ از نظر خودشـان و مصالـح کشورداری) که شـیعیان کشورهـای عربی قبـل از خود به ایران وفادار هسـتند و این عمق نفوذ فرهنگی ملت ایران را از یک زاویه نشان می دهـد و از زوایه دیگر خشم حاکمین کشورهای به اصطلاح عرب را نسبت به حقوق و توانایی های معنوی و مادی ملت ایران به



---

۱- ملعون، خبیث.

نمایش می گذارد.(۱)

پان ایرانیست ها عراق را سرزمینی ایرانی و آریایی نشین می دانند و با ابراز خشنودی از سقوط صدام، از استقرار دولت شیعی کردی در آن کشور حمایت می کنند و از همبستگی میان کردها و شیعیان عراق به مثابه هم نژادان آریایی ایرانیان دفاع می کنند و خواستار پیوند فکری، فرهنگی و سیاسی هر چه بیشتر آنان با مردم ایران هستند.(۲)

پان ایرانیست ها خواستار گسترش نفوذ و سلطه ایران در خلیج فارس بوده و مدعیات واهی شیخ نشین امارات درباره جزایر سه گانه ایرانی (تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی) و حمایت کشورهای عربی از این توهم امارات را به شدت محکوم کرده و خواستار برخورد قاطع حکومت ایران با این گونه مدعیات بدون اساس هستند.(۳)

پان ایرانیست ها البته دستیابی به انرژی هسته ای را نیز «حق مسلم ملت ایران» دانسته و از نظام جمهوری اسلامی ایران می خواهند قاطعانه در این راستا در برابر بیگانگان بایستند. چنانکه وقتی همزمان با فشارهای خارجی، نهضت آزادی ایران طی بیانیه ای نظام جمهوری اسلامی ایران را متهم کرد که در پناه شعار «انرژی هسته ای حق مسلم ملت ایران» دیگر حقوق سیاسی و اجتماعی مردم کشور را نادیده می گیرد، در مقاله ای به آن بیانیه و در ضرورت دلایل دستیابی ایران به برترین تکنولوژی های هسته ای چنین پاسخ دادند:

در میان هیاهوی برون مرزی، در درون کشور نیز واکنش ها پیرامون قطعنامه شورای امنیت متفاوت بود، از جمله نهضت به اصطلاح آزادی ایران مبادرت به صدور بیانیه ای کرد که مثل همیشه باعث حیرت و شگفتی همگان از این کج سلیقگی سیاسی شد...

در این بیانیه که به نوعی فرار از حوزه

مسئولیت ملی تلقی می شود، امر انرژی هسته ای را موکول به سایر مطالبات بر حق ملت ایران از حکومت نموده و در یک تفسیر مفصل و فرافکنی مضحک چراغ سبزی برای بیگانگان روشن کرده است.

البته این رویه سیاسی کار جدیدی نیست؛ از سال های ۱۳۴۰ خورشیدی تا به امروز ۱۳۸۵ یعنی حدود نیم قرن نهضت آزادی و آقایان ملی مذهبی ها هرگز نگاهشان به واقعیت های



---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، جمعه ۲۷ مرداد ۱۳۸۵.

۲- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، ۲۶ و ۲۷ مرداد ۱۳۸۶ و ۱۳ تیر ۱۳۸۷.

۳- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷؛ و ۱۱ و ۲۲ فروردین ۱۳۸۷.

ملموس داخلی نبوده و عادت ثانوی آنها این شده که گوششان را با صداهای آن سوی مرز نزدیک ساخته و به سیاست های حزبی شان شکل بدهند.

توسل به بیگانه از عبدالناصر تا رمزی کلارک و از شوقی افندی تا ریچارد کاتم که منجر به اشغال کرسی های قدرت در دولت متوقف گردید، دهان آقایان را شیرین کرده ولی تلخی قضاوت تاریخ و یک ملت را نادیده انگاشته اند.

اینک نیز در شرایطی که با برنامه های خطرناک بیگانگان، تمامیت و استقلال ایران در معرض تهاجم می باشد و دشمنان دیروزی و امروزی ملت ایران به یک اجماع سیاسی رسیده اند، نهضت به اصطلاح آزادی باز به خاکی زده و به تبعیت از سنت سیاسی دیرین رهبران شان به عوام فریبی

پرداخته اند.

در این اوضاع و احوال تأسف بار سؤال این است که این مدعیان آزادی داخل مرزی کی و چه زمانی می خواهند ایران را و دوستان و دشمنان ایران را بشناسند؟!

کی خواهند فهمید که آمریکا و اروپا و چین و روسیه و هیچ قدرت خارجی دیگر برای ایران و هر جای دیگر دنیا دموکراسی و آزادی و عدالت اقتصادی طلب نمی کنند. آنان در پی منافع خودشان و ایجاد بازار مناسب برای فروش کالاهایشان و تحصیل و دسترسی به نفت و منابع ارزان هستند و این همان جایی است که منافع آنان با منافع ملت ها در تضاد کامل است. واقعیت اینکه ایران برای باقی ماندن مقتدرانه در عرصه جهانی باید به آخرین فناوری های نظامی و تکنولوژی مجهز باشد. باید مشت گره کرده اش برای پاسخ گویی به صدها دشمن آشکار و پنهان آماده باشد. باید نیروهای مسلح قدرتمند ایران بتوانند از منافع و مصالح ملت ایران پاسداری کنند.

دور تا دور ایران را دوستان نادان و دشمنان دانا فراگرفته اند و دولت های مقتدر شرق و غرب هم ثابت کرده اند که در روزهای سخت همراه ما نیستند و با

استقلال ایران سر ناسازگاری دارند.

رهبران نهضت آزادی باید بدانند حق مسلم ما، قدرتمند شدن است نه زیر پرچم قدرت های بیگانه ایستادن و سینه زدن والتماس کردن...!

چرا این مدعیان آزادی نتوانستند بفهمند که در دهه های اخیر چگونه افغانستان زیر چرخ تانک های روسی له شد؟ چگونه ایران عرصه تاخت و تاز کشورهای همسایه عرب قرار

گرفت؟! و چه سان صدام حسین مهره دست نشانده غرب و شرق از سوراخ بیرون کشیده و به دار مجازات آویخته شد...؟! فراموش نکنند چگونه غرب با پادشاه ایران «محمدرضاشاه» یار غارشان برخورد ناجوانمردانه کردند...؟!

آقایان باید بدانند و دیدند که تضعیف ارتش و اعدام فرماندهان آن چگونه دشمنان ایران را شایق وعلاقه مند تجاوز به ایران نمود...؟!

حتماً ملی مذهبی ها شنیده اند صدام حسین در پای چوبه دار برای ملت ایران طلب مرگ کرد...! این آخرین آرزوی صدام فقط یک دشنام نبود، این یک پیام بود که به دشمنان ایران داده شد... به همه آنهایی که او را یاری کردند تا به ایران حمله کند... به همه آنانی که خلیج فارس را

خلیج عربی می نامند. به آنانی که جزایر ایرانی را طلب می کنند. به آنانی که هزینه طرح تجزیه ایران را داده اند. به همه کسانی که جشن کتاب سوزان به راه می اندازند تا عقده حقارت و بی هویتی شان را بر سر فردوسی و سعدی و شهریار و ... خالی کنند. این پیام را دشمنان ما شنیدند. چرا مدعیان نهضت آزادی و مردان ملی مذهبی نمی شنوند؟

احزاب و جریان های سیاسی ایران باید کشور را در ظرف زمان و تاریخش ببینند نه در معاملات شخصیت های سیاسی و حکومتی جهان...!

آنچه باید بماند ایران است. بوش ها، کارترها، بلرها، صدام ها رفتنی هستند. دل خوش داشتن به شعارهای بیرونی و آمریکایی و غافل ماندن از قدرت ملی درد امروز ما نیست. دیروز هم این آقایان پیام آوران وابستگی و فرومایگی بودند...!!(۱)

پان ایرانیست ها در رفتار و برخورد با مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران مواضع گاه به شدت متناقضی را ابراز می کنند. آنان ضمن اینکه از یک سو خواستار دستیابی ایران به تکنولوژی برتر انرژی هسته ای هستند، از انقلاب اسلامی به عنوان یک «فاجعه» یاد می کنند و رهبران انقلاب را وابستگان به سیاست های استعماری بیگانگان در

ایران توصیف می نمایند! چنانکه یک بار سایت حزب پان ایرانیست (تارنگار جوانان پان ایرانیست کرمان) به بهانه حمله به ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی ایران نوشت:

ابراهیم یزدی یکی از عناصر اصلی آمریکا در فاجعه ۵۷ بود. وی از ابتدا به عنوان سفیر



---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، پنجشنبه ۱۴ دی ۱۳۸۵.

آمریکا در ایران رابط روحانیون و آمریکاییان بود و توسط او رمزی کلارک، نماینـده جیمی کارتر در نوفل لوشاتو با آیت الله خمینی دیـدار و از او حمـایت می کنـد. او همچنیـن در رابطه بـا یاسـر عرفـات و ورود تروریست هـای فلسـطینی به ایران نقش اساسی داشته است.

ابراهیم یزدی زمـانی که به تهران وارد شـد، یک لیست ۴۸۲۰ نفره در دست داشت که حـدود ۱۰۰ نفر از آنها از سـران رژیم گذشـته و مابقی از امرای ارتش، افسـران ارشد، وزرا، وکلا، بازرگانان، اسـتادان دانشگاه، پزشکان شاغل در کادرهای دولتی، روحـانیون مخـالف انقلاب، روزنـامه نویسان و به طور کل مخالفین سـیاست آمریکا و انگلیس در ایران بودنـد. در این لیسـت ۳۰۰۰ نفر توسط آمریکایی ها تعیین شـده بودند که اکثراً در نیروهای مسـلح بودند و ۱۸۲۰ نفر جزء لیست انگلیسـی ها بود که می بایست طی ده روز اول انقلاب اعدام می شدند که شدند. البته لازم به تذکر است که تعدادی از روحانیون

مخالف سـیاست آمریکا و انگلیس نیز به طرق مختلف در ابتـدای انقلاب ترور و اعـدام شدنـد. ابراهیم یزدی نقش اساسـی در اعدام شـیرمردان ارتش ایران مانند سـپهبد مهدی رحیمی، سرلشـکر منوچهر خسـروداد، سرلشـکر رضا ناجی، ارتشـبد نصـیری، سپهبد نادر جهانبانی، سـپهبد امیرحسین ربیعی و ده ها تن دیگر از میهن پرستان داشت. البته فیلم بازجویی این شیرمردان ارتش ایران توسط خبیث ابراهیم یزدی به وسیله پارس ویدئو پخش و تکثیر شده است.

ابراهیم یزدی به عنوان قدرت مطلق و نماینده سـفیر آمریکا در ایران در سایه، چرخ حکومت اسـلامی را به گردش درمی آورد و سـناریوهای مختلـف در ایران برای اسـتمرار حکـومت اسـلامی توسـط وی بـه گروه هـای مختلـف در ایران دیکته می شـود. نـامبرده در اواخر دوره دوم ریـاست جمهوری خـاتمی به آمریکا می رود و به اربابانش پیشـنهاد می کنـد که از انتخاب مجـدد رفسنجانی حمایت کنند و در صورتی امکان تغییراتی در قانون اساسی ایران نیز داده شود. یزدی در هوستون تگزاس با دوستان قـدیمی آمریکایی خود (سـیا) ملاقات می کند و طی چندین مصاحبه مطبوعاتی وی و گروهی از آمریکایی ها حمایت خود را از رفسنجانی

اعلام می دارنـد. پس از آن لابی بسـیار فعـال رفسـنجانی زیر نظر هوشـنگ امیراحمـدی در ایالات متحـده آمریکـا همراه با سیدحسـین نصر، مجید تهرانی نیا (تهرانیان) و داریوش شایگان و همچنین در اروپا احسان نراقی در فرانسه مشغول به تبلیغات و هماهنگی به نفع انتخابات ریاست جمهوری رفسنجانی می کنند، ولی با صدور حکم دادگاه میکونوس و

مجرم شناخته شدن رفسنجانی و همپالگی هایش، این پروژه به هم می خورد.

در ابتدا ابراهیم یزدی خواهان حمایت آمریکا از ریاست جمهوری خود می شود ولی اسرائیلی ها محمد خاتمی را ترجیح می دهند و قرعه به نام او می افتد. هزینه تبلیغات در رسانه های گروهی آمریکا و اروپا، از جمله پخش پیام محمد خاتمی از سی ان ان که در قالب مصاحبه ای با «کریستیان امان پور» صورت گرفت توسط شرکت های نفتی اروپایی و آمریکایی پرداخت شد. در اینجا باید اشاره شود که کمپانی نفتی «رویال داچ شل» و «بریتیش پترولیوم» رأی به معمار بزرگ فراماسونری ملایان در ایران «لژ اسدآبادی» آقای رضا مهدوی کنی دادند ولی لابی اسرائیلی کمیسیون سه جانبه

محمد خاتمی را ترجیح داد. در این زمان سهام خبرگزاری انگلیسی «رویتر» توسط بریتیش پترولیوم خریداری شد و برای تبلیغات و حمایت از خاتمی تشکیلات کنفدراسیون قدیمی به صورت کانون نویسندگان ایران در تبعید ظهور کرد و در این روند برای استمرار حکومت اسلامی، سلطنت طلبان در رأس آنان رضا پهلوی، فرح دیبا، داریوش همایون و کنفدراسیون های قدیمی از جمله منوچهر ثابتیان و مجاهدین خلق نیز از این پروژه حمایت کرده و به خاتمی رأی مثبت دادند.

بعد از هشت سال جنایت، خیانت و دزدی در زمان خاتمی، سناریوی احمدی نژاد توسط لابی اسرائیل در آمریکا برنامه ریزی شد و همواره ابراهیم یزدی سفیر آمریکا در ایران همراه با عوامل، عناصر و مزدوران ضدایرانی که به زبان پارسی سخن می گویند و نام آنها قبلاً ذکر شده است سناریوی جدید را اجرا نمودند و این بار فضای بحرانی را برای استمرار حکومت ملایان در نظر گرفتند. اکنون نیز برای منحرف نمودن افکار ملت ایران از براندازی حکومت اسلامی، سناریوی ائتلاف ابراهیم یزدی و شیرین عبادی برای دفاع از اجرای حقوق بشر و آزادی های فردی و اجتماعی در

ایران طراحی شده است.

شیرین عبادی حقوقدان که ۶۰ سال دارد، در زمان رژیم پهلوی به دلیل فراماسون بودنش به پست قضاوت می رسد و بعد از انقلاب و همراهی با آن و وابستگی او به لژ فراماسونری اسدآبادی (وابسته به لژ بزرگ اسکاتلند) که تمام حاکمان حکومت اسلامی عضو آن هستند به کار خود در حکومت پلید و جانی اسلامی ادامه می دهد و با شعار «اسلام هیچ گونه مغایرتی با دمکراسی ندارد» در دانشگاه تهران مشغول تدریس و گمراه کردن

ص:۵۳۹

فرزندان ایران زمین می شود و دفتر وکالت خویش را نیز در تهران اداره می نماید.

نامبرده به دلیل فعال بودن در سیستم استعماری انگلیسی اخوان المسلمین، صهیونیسم و فراماسونیسم، خواستار فعالیت سیاسی اجتماعی بهائیان در ایران می شود.

وی بعد از جان باختن فروهرها به دست حکومت اسلامی، وکیل بازماندگان آنها می شود و نیز وکالت دانشجویان مبارز را بعد از قیام آنها برای آزادی به عهده می گیرد تا مسیر مبارزات آنها را تغییر دهد.

خانم شیرین عبادی در سال ۲۰۰۰ به ۵ سال

زندان تعلیقی محکوم می شود ولی بعد از ۳ هفته آزاد می گردد (طریقه قهرمان سازی حکومت) و بعد از آن جایزه ای از دست آقای حسن روحانی مسئول شورای امنیت کل کشور که وزارت اطلاعات نیز تحت نظر او اداره می شود برای فعالیت های آزادیخواهانه در جهت رشد دمکراسی در ایران و حمایت او از خاتمی دریافت می دارد.(۱)

همچنانکه مطلب زیر نشان می دهد بنا به ادعای پان ایرانیست ها واژه ها و عبارات درفش حزبی، پوشش حزبی، پاینده ایران، اسلام پان ایرانیستی، سرور، و نیز عضویت در حزب پان ایرانیست، در نزد پان ایرانیست ها آداب و رسوم ویژه ای داشته و از ترتیبات خاصی پیروی می کند:

پان ایرانیست ها در هنگام برخورد با یکدیگر و حتی در زندگی شخصی دارای منش ها و رفتارهای خاصی هستند که هر یک به گونه ای نشانگر و تقویت کننده وطن پرستی است.

در پایین به بخشی از آنها اشاره می رود.

الف) درفش حزبی: پرچم حزبی پان ایرانیست ها به رنگ های پرچم ایران است و نشان مخالف در میان یک دایره سفید رنگ بر درفش سبز نقش بسته است. در سرتاسر این درفش یک هاله یا نوار سیاه

نقش بسته است که نشانگر عزاداری پان ایرانیست ها در غم از دست رفتن سرزمین های ایرانی می باشد.

گفتنی است پس از دگردیسی های سال ۱۳۵۷ در ایران و تغییر درفش شیر و خورشید، حزب در یک بیانیه رسمی شدیداً به این اقدام اعتراض کرده و اعلام نمود که از این پس



---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۸۷.

پرچم شیر و خورشید را در شمار درفش های رسمی حزبی خواهد آورد و از آن با جان و دل پاسداری خواهد نمود.

ب) پوشش حزبی: لباس حزبی پان ایرانیست ها شلوار و پیراهن خاکستری رنگ به همراه پوتین و بازوبند پان ایرانیستی می باشد. لباس اندامان گارد حزبی به رنگ مشکی با بازوبند سرخ رنگ می باشد. وظیفه گروه ضربت یا گارد حزب محافظت از نشست ها و میتینگ های حزبی می باشد. نیز برقراری نظم و سامان نشست ها با اعضای گارد می باشد.

پوشش حزبی برای بانوان، پیراهن و دامن خاکستری با بازوبند حزبی می باشد.

ج) پاینده ایران: پان ایرانیست ها در هنگام برخورد به هم به جای درود و بدرود عبارت پاینده ایران را به کار می برند. در آیین پان ایرانیست ها میهن و کشور بیش از هر چیز دیگری ارج دار است،

پس به جای آرزوی تندرستی برای هم خواستار پایندگی و جاودانگی میهن اند. پان ایرانیست ها نوشته ها و نامه های خود را با پاینده ایران آغاز می کنند و با پاینده ایران به پایان می رسانند.

چ) سلام پان ایرانیستی: پان ایرانیست ها برای رعایت نظم و بسامان بودن هنگام برخورد با یکدیگر پیش از دست دادن، دست راست خود را به سینه برده و پاینده ایران می گویند.

ژ) واژه سرور: یک پان ایرانیست هنگام خطاب به یک هم پیمان و یا سخن گفتن در مورد وی، پیش از آوردن نام او، واژه سرور را به آغاز نام او می افزاید و هیچ گاه واژه هایی چون بنده و قربان و سایر واژه های چاپلوسانه را به کار نمی برد. همچنین پان ایرانیست از به کار بردن واژه جناب و آقا پرهیز می کند. پان ایرانیست ها هنگام اشاره به خود از واژه من استفاده می کنند.

پ) عضویت در حزب پان ایرانیست: عضویت در حزب پان ایرانیست مراحل ویژه ای دارد. هر فرد ایرانی نژادی که به آینده میهن بزرگ خود (ایران بزرگ) علاقه مند است و در اندیشه سربلندی همه تیره های نژاد ایرانی می باشد، می تواند در هر سنی به

هموندی حزب درآید. نخستین مرحله آشنایی اجمالی فرد با اندیشه ها و آرمان های پان ایرانیسم است. برای این کار فرد بایستی دست کم چهار بار در نشست های هفتگی حزب در تهران یا هر یک از شهرستان ها که نشست برگزار می شود، شرکت نموده و به وسیله یکی از اندامان رسمی به مقامات بلندپایه حزبی معرفی گردد. پس از کسب آشنایی در صورت علاقه فرد به عضویت آزمایشی درآید. مدت این دوره شش ماه است. پس از شش ماه در صورت

صلاحدید مقامات حزبی فرد به عضویت دائم حزب پان ایرانیست مفتخر می گردد.

آیین عضویت: عضویت در حزب با آیین ویژه ای امکان پذیر است. در هر یک از مراحل عضویت باید یکی از اعضای شورای رهبری حضور داشته باشد و بدون حضور دست کم یکی از اعضای شورای رهبری آیین رسمی تلقی نخواهد شد.

پس از فراهم آمدن شرایط با حضور یک منشی و یک اندام شورای عالی رهبری، فرد در حالی که در حال ادای سلام پان ایرانیستی است و در برابر درفش رسمی حزب و درفش ملی ایران (شیر و خورشید) ایستاده، متن سوگند حزبی را که توسط منشی خوانده می شود تکرار می نماید. پس

از پایان متن فرد در برابر درفش شیر و خورشید زانو می زند و دست خود را بر روی یکی از کتب آسمانی (اوستا، قرآن، انجیل) و یا شاهنامه فردوسی می گذارد و پس از بوسیدن درفش شیر و خورشید، پاینده ایران گفته به هموندی «حزب پان ایرانیست بر بنیاد مکتب پان ایرانیسم» سرافراز می گردد.

آیین سوگند همیشگی در حزب پان ایرانیست با یک سوگندنامه متفاوت صورت می گیرد و فرد در حالی که در برابر درفش ملی و حزبی زانو زده و دست بر سینه دارد متن سوگند را تکرار می نماید و پس از پایان دست بر یکی از کتاب های بالا گذاشته و پرچم ایران را بوسیده پاینده ایران می گوید.(۱)

پان ایرانیست ها پانزدهم شهریور هر سال را سالروز تأسیس مکتب پان ایرانیسم می دانند و مراسم یادبود برگزار می کنند. در این روز بالاخص از شخص محسن پزشکپور تجلیل می شود.(۲)

### نتیجه

بررسی مستند تاریخچه پان ایرانیست نشان می دهد که آبشخور ملت گرایی ادعایی آنان الگویی بدلی و دست دوم از ناسیونالیسم و هویت آن کاملاً تقلیدی است.

این حزب علی رغم تظاهر به مبارزه با استعمار، بعضاً بهترین طعمه و بازیچه

ص:۵۴۲

---

۱- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، جمعه ۷ تیر ۱۳۸۷.

۲- برگرفته از سایت اینترنتی Paniranist.blogfa.com، جمعه ۱۵ شهریور ۱۳۸۷ و دوشنبه ۱۰ تیر ۱۳۸۷.

استعمارگران می شد. پان ایرانیست ها در ادعا ضد فراماسونری و در عمل عضو کابینه استاد اعظم لژ فراماسونری ایران، شریف امامی، بودند. آنان تا پایان عمر رژیم پهلوی به «آرمان های فراملی (دینی)» باور نیاوردند، اما ناگاه بنابر مصلحت زمان، تغییر موضع داده، دم از اتحاد اسلامی زدند.

حزب پان ایرانیست با ملی گرایی لائیک شکل گرفت و بر اثر تضاد درونی دچار انشعاب و انشقاق شد و پس از مدتی، وابسته دربار شاهنشاهی گشت و مدل جدیدی از «ملی گرایی درباری» را ارائه نمود.

عشق ورزیدن به خاک و خون و آب و دیار وطن بدون توجه، به آداب و سنن و فرهنگ و دین و ناتوانی از ایجاد توازن و تعادل میان هویت دینی و هویت ملی، ایدئولوژی این حزب بود.(۱)

این بود روایت شصت ساله آغاز و انجام و پیدا و نهان یکی از دهها حزب ریز و درشت تاریخ صد ساله سرزمین ایران.

امید که این روایت مستند پاسخ این سئوال را داده باشد که چرا احزابی از این دست هیچ گاه در عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران نقش و جایگاهی تأثیرگذار پیدا نکردند.

ص:۵۴۳

---

۱- ر.ک: رزم جو، علی اکبر، پیشین، صص ۱۵۸-۱۵۳.

## منابع و مآخذ

الف. کتاب


- آشوری، داریوش. فرهنگ سیاسی، چاپ دوم، تهران، مروارید، ۱۳۴۷.

- آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران، بهرنگ، ۱۳۶۶.

- اردشیر زاهدی به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.

- اسناد فراماسونری در ایران، ۲ ج، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۰.

- اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۰ ج، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷-۱۳۸۶.

- اسنادی از احزاب سیاسی ایران، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران: ۱۳۴۰-۱۳۲۰ ه ش، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.

- اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران، ۳ ج، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.

- اسنادی از قیام سی تیر ۱۳۳۱، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.

- اسنادی از مطبوعات ایران: ۱۳۴۰-۱۳۲۰ ه ش، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.

- افتخارزاده. م، انقلاب اسلامی ایران و مواضع استکبار جهانی، چاپ اول، قم، مرکز بررسی های


ص:۵۴۵

اسلامی، ۱۳۶۱.

– افراسیابی. بهرام، ایران و تاریخ، چاپ دوم، تهران، علم، ۱۳۶۷.

– الموتی. مصطفی، ایران در عصر پهلوی، ۱۶ ج، چاپ اول، لندن، پکا، ۱۹۹۳–۱۹۸۹م/۱۳۷۲–۱۳۶۸ش.

– الهی، حسین، احزاب و سازمان های سیاسی در خراسان، چاپ اول، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲.

– انقطاع، ناصر، پان ایرانیست ها و پنجاه سال تاریخ: آرمان خواهان و آرمان فروشان، لس آنجلس (آمریکا)، شرکت کتاب، ۲۰۰۱م/۱۳۷۹ش.

– انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب ۷ تا کتاب ۲۲، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۶–۱۳۷۹.

– انقلاب اسلامی در استان اصفهان به روایت اسناد ساواک، کتاب اول، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲.

انقلاب ششم بهمن رستاخیز پیروز، نژاد ایرانی و شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران، حزب پان ایرانیست، بی تا [مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران – مدارک فارسی].

– بختیاری، شهلا، حزب پان ایرانیست به روایت اسناد، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

– بزم اهریمن: جشن های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک،۴ ج، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.

– بهرامی، روح الله، فعالیت های سیاسی – اجتماعی نخشب به روایت اسناد، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

– بهنود، مسعود، از سیدضیاء تا بختیار، چاپ اول، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶.

– بیل. جیمز و ویلیام راجر لوئیس، مصدق؛ نفت؛ ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، چاپ اول، تهران، نو، ۱۳۶۸.

– پهلوی. محمدرضا، مجموعه تألیفات، نطق ها، پیام ها، مصاحبه ها و بیانات اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران، ۱۰ ج، چاپ اول، تهران، بی نا، بی تا.

– تبرائیان، صفاءالدین، وزیر خاکستری، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران،

.۱۳۸۳

– تربتی سنجابی، محمود، نخست وزیر سه دقیقه قبل درگذشت، چاپ اول، تهران، عطایی، ۱۳۸۳.

– ترکمان. محمد، تهران در آتش: کابینه قوام و حوادث سی ام تیر، چاپ اول، تهران، امیر، بی تا.

– تهرانی، خانبابا، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، به کوشش حمید شوکت، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.

– جبهه ملی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

– جزنی، بیژن، تاریخ سی ساله ایران، ۲ ج، چاپ اول، بی جا، بی نا، بی تا.

– جمشید آموزگار به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳.

– چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ج ۱ تا ۱۰، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱–۱۳۷۸.

– حجازی، مسعود، رویدادها و داوری ها: خاطرات مسعود حجازی (۱۳۳۹–۱۳۲۹)، چاپ اول، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۵.

– حزب ایران: مجموعه ای از اسناد و بیانیه ها (۱۳۳۲–۱۳۲۳)، به کوشش مسعود کوهستانی نژاد، چاپ اول، تهران، شیرازه، ۱۳۷۹.

– حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ۵ ج، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخ، ۱۳۸۵–۱۳۸۳.

– حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی: ۱۳۶۸–۱۳۲۰، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷.

– حزب مردم به روایت اسناد ساواک، به کوشش فاطمه اورجی نیک آبادی و غلامعلی پاشازاده، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

– حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمدرضا گلپایگانی به روایت اسناد ساواک، ج ۲، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۵.

– خطیبی، حسین، رنج رایگان، به کوشش مرتضی رسولی پور، چاپ اول، تهران، نوگل، ۱۳۸۲.

– خلیل ملکی به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

– خمینی، روح الله، صحیفه نور، ۲۲ ج، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، بهمن ۱۳۶۱.

– داریوش همایون به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.

– در آستانه انقلاب اسلامی، به کوشش جلال فرهمند، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.

– دلدم، اسکندر، زندگی و خاطرات امیرعباس هویدا، چاپ اول، تهران، گلفام، ۱۳۷۲.

– ذاکرحسین، عبدالرحیم، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.

– رزم جو، علی اکبر، حزب پان ایرانیست، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

– روابط ایران و عراق به روایت اسناد ساواک، ۲ ج، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۰.

– روحانی، فؤاد، تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، چاپ اول، تهران، جیبی، ۱۳۵۲.

– روحانی مبارز آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ج ۱، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

– روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۱ تا ج ۱۰، چاپ اول، تهران، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶-۱۳۷۶.

– روزنامه فرمان به روایت اسناد ساواک، کتاب ۹، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴.

– زرقانی، مهدی، چشم انداز شعر معاصر ایران، چاپ اول، تهران، ثالث، ۱۳۸۳.

– زندفرد. فریدون، خاطرات خدمت در وزارت امور خارجه: سیمای دیپلماسی نوین ایران، چاپ اول، تهران، آبی، ۱۳۸۳.

– زهتاب فرد، رحیم، خاطرات در خاطرات، ج ۱، چاپ اول، تهران، ویستار، ۱۳۷۳.

– سازمان های متشکله اتحاد نیروهای جبهه ملی، چاپ اول، خارج از کشور، نهضت آزادی ایران، مرداد ۱۳۵۷.

– سیاوشی. سوزان، لیبرال ناسیونالیسم در ایران، ترجمه محمدعلی قدسی، چاپ اول، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.

– سیدحسن تقی زاده به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳.

- سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک، ۲۲ ج، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶.

- شاهدی، مظفر، حزب رستاخیز؛ اشتباه بزرگ، ۲ ج، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶.

- شاهدی، مظفر، سه حزب (ملیون، مردم، ایران نوین)، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷.

- شاهدی، مظفر، مردی برای تمام فصول: اسدالله علم و سلطنت محمدرضا شاه پهلوی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶.

- صفحاتی از تاریخ معاصر ایران: اسناد نهضت آزادی ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۴)، ج ۹، دفتر ۲، چاپ اول، تهران، نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۲.

- طالع، هوشنگ، تاریخچه مکتب پان ایرانیسم، چاپ اول، رشت، سمرقند، ۱۳۸۱.

- طلوعی، محمود، داستان انقلاب، چاپ اول، تهران، علم، ۱۳۷۰.

- عاقلی، باقر، نخست وزیران ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران، جاویدان، ۱۳۷۴.

- عبدالله ریاضی به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴.

- عزیزی، غلامرضا، حزب سوسیالیست ملی کارگران ایران (سومکا)، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

- عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران: ۱۳۳۲-۱۳۲۰، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، چاپ اول، تهران، البرز، ۱۳۸۲.

- علم، اسدالله، گفت و گوهای من با شاه، ۲ ج، چاپ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱.

- علم، محمدرضا، انقلاب اسلامی در اهواز، ج ۲، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

- علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، بخش ۱ و ۲، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

- غائله چهاردهم اسفند ۱۳۵۹: ظهور و سقوط ضدانقلاب، چاپ اول، تهران، دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴.

– فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، چاپ اول، تهران، بی نا، ۱۳۶۸.

– فرخ رو پارسای به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲.

– قنات آبادی، شمس، سیری در نهضت ملی شدن نفت: خاطرات شمس قنات آبادی، ج ۱، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۷.

– قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۸.

– کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان دوره پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ هفتم، تهران، مرکز، ۱۳۷۹.

– کاتوزیان، محمدعلی همایون، مصدق و نبرد قدرت در ایران، ترجمه احمد تدین، چاپ اول، تهران، رسا، ۱۳۷۱.

– کانون نویسندگان ایران به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲.

– کودتای نوژه، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۴.

– کوهستانی نژاد، مسعود، اختیارات، اصلاحات و لوایح قانونی دکتر محمد مصدق، چاپ اول، تهران، نی، ۱۳۸۳.

– کیا، ب، ارتش تاریکی، چاپ اول، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶.

– کیانوری، نورالدین، گفتگو با تاریخ، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶.

– گازیوروسکی، مارک. ج، سیاست خارجی آمریکا و شاه: ایجاد یک حکومت سلطه پذیر در ایران، ترجمه جمشید زنگنه، با مقدمه غلامرضا نجاتی، چاپ اول، تهران، رسا، ۱۳۷۱.

– گازیوروسکی، مارک، ج، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه غلامرضا نجاتی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۷.

– مجله تهران مصور به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۹.

– مجیدی، عبدالمجید، خاطرات عبدالمجید مجیدی، به کوشش حبیب لاجوردی، چاپ اول، تهران، گام نو، ۱۳۸۱.

– محمدی ری شهری، محمد، خاطره ها، ج ۱، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

– مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری، ج ۳، چاپ اول، تهران، اوحدی، ۱۳۷۷.

– مسعود انصاری، احمدعلی، من و خاندان پهلوی، به کوشش محمد برقعی و حسین سرفراز، چاپ دوم، تهران، فاخته، ۱۳۷۱.

– مصدق؛ دولت ملی و کودتا، به کوشش عزت الله سحابی، چاپ اول، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.

– مطالعات سیاسی، ج ۱، به کوشش نادر توسلی، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۷۰.

– منصوری، جواد، قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.

– منوچهر آزمون به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳.

– مهدی نیا، جعفر، زندگی سیاسی رزم آرا، چاپ چهارم، تهران، پانوس و پاسارگاد، ۱۳۶۸.

– مهربان، رسول، بررسی مختصر احزاب بورژوازی لیبرال در مقابله با جنبش کارگری و انقلابی ایران، چاپ دوم، تهران، پیک ایران، ۱۳۶۰.

– مهرعلیزاده، مهدی، تاریخ سیاسی انقلاب اسلامی در اصفهان، چاپ اول، اصفهان، شهرداری اصفهان، ۱۳۸۶.

– نجاتی، غلامرضا، تاریخ

سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ۲ ج، چاپ اول، تهران، رسا، ۱۳۷۱.

– نجاتی، غلامرضا، مصدق؛

سال های مبارزه و مقاومت، ج ۱، چاپ اول، تهران، رسا، ۱۳۷۷.

– نجمی، ناصر، با

مصدق و دکتر فاطمی، چاپ اول، تهران، معاصر، ۱۳۶۸.

– نصرت الله

معینیان به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴.

– نوذری، عزت الله، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، چاپ اول، شیراز، نوید شیراز، ۱۳۸۰.

- هاشـمی رفسـنجانی، اکبر، عبور از بحران: کارنامه و خاطرات هاشـمی رفسنجانی (سال ۶۰)، به کوشـش یاسر هاشمی، چاپ اول، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۸.

- هروی، مهدی و احمد سمیعی، ۲۲ نخست وزیر در ۳۷ سال، چاپ اول، تهران، نوگل، ۱۳۸۴.

- هژبر

یزدانی به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴.

ص:551

- هوشنگ نهاوندی به روایت اسناد ساواک، چاپ اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۴.

- یادداشت های

یک روزنامه نگار: تحولات نیم قرن اخیر تاریخ معاصر ایران از نگاه ابوالحسن عمیدی نوری، ج ۲، به کوشش مختار جدیدی و جلال فرهمند، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.

- یزدی، ابراهیم، آخرین

تلاش ها در آخرین روزها، چاپ چهارم، تهران، قلم، ۱۳۶۳.

ب. روزنامه و نشریات ادواری

- اندیشه های رستاخیز (۱۳۵۶-۱۳۵۴).

- خواندنیها (۱۳۵۷-۱۳۲۸).

- آیندگان (۱۳۵۸-۱۳۵۳).

- اطلاعات (۱۳۵۹-۱۳۵۷).

ج. مذاکرات مجلس

- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره ۲۴ (۱۳۵۷-۱۳۵۴).

د. مراکز اسناد

- مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- مرکز اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

## فهرست اعلام


آ. ا

آبادان/ ۱۲۵, ۱۴۱, ۲۴۴, ۲۴۵, ۲۵۸, ۲۶۲, ۲۶۳, ۲۷۵, ۲۹۶, ۳۵۰, ۳۵۴, ۳۶۳, ۳۶۴, ۳۷۲, ۴۰۰

آدمیت، محمد حسین/ ۱۰۲, ۲۵۸, ۲۶۱, ۲۶۲، ۳۷۱

آذربایجان شرقی/ ۱۲۱, ۱۶۶

آذربایجان غربی/ ۷۲, ۷۳, ۲۲۸

آذربایجان/ ۵۷, ۳۹۶, ۳۹۷, ۴۱۵

آریانا، بهرام/ ۳۱۰, ۳۱۳

آزادی، حمید/ ۱۴۷

آزمون، منوچهر/ ۵۴, ۴۲۸، ۴۳۲

آشتی، هوشمند/ ۱۹

آشوری، داریوش/ ۱۲

آصف، غلامحسین/ ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۶۲, ۱۶۳, ۲۶۹, ۲۹۱

آغاجاری/ ۳۵۰, ۳۵۳, ۴۱۳, ۴۱۴

آفتاب روشاد، مرتضی (مهندس)/ ۷۹, ۹۹، ۴۲۸

آقا علیخانی، مسلم/ ۲۸۱

آق بیاتی، منوچهر/ ۱۹، ۲۸، ۲۹

آل بویه/ ۸۰

آلمان غربی/ ۱۵۷, ۲۵۸, ۳۲۰, ۳۲۲, ۳۲۸

آلمان/ ۱۴, ۱۷, ۲۰, ۲۱, ۲۲, ۳۳, ۷۵، ۸۴, ۹۲, ۱۰۳, ۱۱۰, ۱۲۴, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۷, ۲۳۶, ۲۵۸, ۲۵۹,

۳۱۰, ۳۱۴, ۳۱۹, ۳۲۰, ۳۲۱, ۳۲۲, ۳۲۳, ۳۲۴, ۳۲۸, ۳۳۹, ۳۶۲

آمریکا/ ۱۷, ۲۱, ۴۷, ۷۳, ۷۵, ۸۴, ۹۹, ۱۱۶, ۱۴۳, ۱۵۴, ۱۶۶, ۲۱۸, ۳۱۳, ۴۷۴, ۴۷۵, ۵۱۸

آموزگار، جمشید/ ۳۶۲، ۴۰۹، ۴۲۸، ۴۳۸،

۴۴۲, ۴۴۳, ۴۴۵, ۴۴۶, ۴۴۷, ۴۴۸, ۴۵۱, ۴۵۳، ۴۵۶, ۴۵۷, ۴۵۸، ۴۷۸، ۴۹۸، ۵۰۲

ابوالهدی، جلال/ ۱۹

اتریش (اطریش)/ ۷۵، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۷

اخلاق پور، غلامرضا/ ۴۵۶

اخلاقی/ ۴۸۴

اردکان/ ۴۳۲, ۴۵۳

اردن/ ۸۱, ۱۶۳

ارژنگی، آذر/ ۱۹

ارژنگی، مهین/ ۱۹

ارفع، حسن (سرلشگر)/ ۱۴، ۲۱۲، ۳۱۰

اروپا/ ۳۱, ۵۴, ۷۳, ۷۴, ۷۵, ۸۴, ۸۵, ۹۲, ۱۱۶, ۱۳۹, ۱۴۳, ۱۴۴, ۱۴۶, ۱۵۰, ۱۷۴, ۲۵۲, ۳۱۹, ۳۲۲, ۳۲۸, ۵۲۶, ۵۳۶, ۵۳۸, ۵۳۹

اروند رود/ ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۶۳

ازهاری، غلامرضا (ارتشبد)/ ۴۷۲, ۴۷۸، ۴۹۳, ۴۹۴, ۴۹۸، ۵۰۱

اس-دآبادی، سیدجمال الدین/ ۱۶۴

اسرائیل/ ۶۷, ۸۴, ۱۱۹, ۱۳۸, ۱۶۳

اشرف، احمد/ ۱۹

اشگی، اسحاق/ ۱۴۷

اصفهان/ ۶۷, ۱۸۵, ۲۱۴, ۲۸۸, ۳۰۱, ۴۳۵, ۴۵۳, ۴۵۴, ۴۷۸, ۴۸۹

اعظم زنگنه، سهراب/ ۱۰۱

اغراقی، اکبر/ ۱۴۷

افتخارزاده، م/ ۵۱۹

افراسیابی، بهرام/ ۴۸۴

افسرپور، عبدالله/ ۱۹

افشار، امیراصلان/ ۱۴۴

افشار، حسن/ ۴۹۶

افشاریزدی، محمود (دکتر)/ ۱۳، ۱۵، ۲۷

افغانستان/ ۲۶, ۸۸, ۱۵۸, ۱۶۲, ۱۶۳

امارات متحده عربی/ ۲۱۸

امام زاده ای، محمد حسین/ ۱۵۵

امامی، موسی/ ۲۸, ۲۹, ۳۵

امیدی، پرویز/ ۱۹

امیرانی، علی اصغر/ ۲۴۹

امیرعلایی، شمس الدین (دکتر)/ ۳۹

امیری/ ۱۲۹

امین صالحی، محمود/ ۱۷۶

امین زاده، ناصر/ ۲۳۲, ۲۳۳

امینی انجدانی، فضل الله/ ۱۱۸, ۱۳۲، ۱۷۶, ۳۸۸

امینی، علی (دکتر)/ ۵۵, ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۷۶, ۳۶۰، ۴۷۱, ۴۸۶, ۴۹۶, ۴۹۷, ۴۹۸

امینی، منصور/ ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۷۲

امینیان، محمد/ ۵۱۳

انجمن آتشکده/ ۵۲

انجمن حقوق بشر/ ۴۸۶

انجمن هنری جام جم/ ۲۰, ۲۱

ص:۵۵۴

انجمن هنری و ادبی آناهیتا/ ۵۲

انجمن های ایالتی و ولایتی/ ۵۷

انصاری، هوشنگ/ ۴۲۸

انقطاع، ناصر/ ۱۴, ۱۵, ۱۹, ۲۰, ۲۴, ۳۴, ۳۶, ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۴۳, ۴۴, ۴۵, ۴۹, ۵۰, ۵۴, ۶۷, ۲۰۵, ۲۰۶, ۴۲۱, ۴۲۳, ۵۰۹, ۵۲۴, ۵۲۸

انقلاب سفید/ ۳۷, ۵۵, ۵۸, ۶۰, ۶۲, ۷۷, ۸۲, ۱۳۵، ۱۸۰، ۱۸۱, ۱۹۱, ۲۲۳, ۲۷۷, ۲۷۸، ۲۸۴، ۳۱۱, ۳۱۹, ۳۶۳, ۳۶۸، ۳۷۴، ۴۰۰, ۴۰۲, ۴۰۳, ۴۰۴, ۴۰۵, ۴۰۶, ۴۰۷، ۴۰۸, ۴۳۵، ۵۱۰

انقلاب مشروطیت/ ۱۱, ۶۰

انگلستان/ ۱۷, ۲۱، ۲۳، ۴۵, ۴۷, ۵۷، ۷۴, ۷۵, ۸۶, ۱۲۶, ۱۵۳، ۱۵۴, ۱۵۷, ۲۱۱, ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۲۹, ۲۵۶, ۲۷۴، ۳۱۱, ۳۱۳, ۳۱۶, ۳۱۸, ۳۱۹, ۳۲۸, ۳۶۴، ۴۷۵، ۵۰۳

اوتانت/ ۱۵۳, ۲۱۹, ۲۲۶, ۲۲۷

اوربول، ونسان/ ۳۱

اویسی، غلامعلی (ارتشبد)/ ۴۹۷، ۵۱۸

اهواز/ ۲۹, ۱۰۴, ۱۰۵, ۱۲۳, ۱۴۱, ۱۴۲, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۱, ۱۹۸, ۱۹۹, ۲۲۵, ۲۲۷, ۲۴۴, ۲۵۷, ۲۵۸, ۲۶۵, ۲۷۵, ۲۷۷, ۲۷۸, ۲۷۹, ۲۹۱, ۲۹۲, ۲۹۶, ۳۳۵, ۳۴۸, ۳۷۲, ۳۷۸, ۳۷۹, ۴۹۰, ۴۹۱, ۵۱۸

ایذه/ ۳۶۵

ایران/ ۵۵, ۷۷, ۸۳, ۸۵, ۸۶, ۸۷, ۸۸, ۸۹, ۹۰, ۹۱, ۹۸, ۱۰۰, ۱۰۶, ۱۱۰, ۱۱۹, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۳, ۱۴۹, ۱۵۴, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۶۶, ۲۱۱, ۲۱۲, ۲۱۶, ۲۱۷, ۲۱۸, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۸, ۲۲۹, ۲۳۱, ۲۳۲, ۲۳۴, ۲۳۷, ۲۴۳, ۲۴۴, ۲۴۵, ۲۵۰, ۲۵۱, ۲۵۳, ۲۵۸, ۲۷۰, ۲۹۴, ۲۹۵, ۲۹۶, ۳۱۱, ۳۱۳, ۳۱۵, ۳۱۶, ۳۲۵, ۳۲۸, ۳۳۱, ۳۹۲, ۴۴۱, ۵۱۸, ۵۲۵, ۵۲۷

اینتلیجنت سرویس (انگلستان)/ ۳۱۱, ۳۱۳

السعید، نوری/ ۱۶۳

الموتی، مصطفی/ ۶۰, ۲۰۵, ۲۱۶, ۴۳۲, ۴۶۳, ۴۹۹, ۵۰۴

الموتی، مظفر/ ۲۱۷, ۳۷۶, ۴۷۰, ۴۸۲, ۴۸۵, ۴۹۳, ۴۹۴, ۵۰۱, ۵۰۴, ۵۰۵, ۵۲۵

الهی، حسین/ ۳۳

ب

بابل/ ۳۹۸

بارزانی، ملا مصطفی/ ۸۶, ۸۷, ۱۳۹, ۳۱۶

بازرگان، مهدی (مهندس)/ ۴۹۲, ۵۰۸

باقرپور، خسرو/ ۱۴۷

باقری، سید محمد/ ۱۰۲

بامداد ماچیانی، غلامعلی/ ۲۳۲, ۲۳۳

بانه/ ۱۹۱, ۲۷۳

باوندپوری نژاد، عبدالرحمن/ ۳۶۴

بحرین/ ۲۷, ۸۶, ۱۰۰, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۲۶, ۱۳۵, ۱۳۸, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۵۸, ۱۶۳, ۱۶۶, ۱۷۷, ۲۰۳, ۲۰۹, ۲۱۱, ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۱۴, ۲۱۵, ۲۱۶, ۲۱۷, ۲۱۸, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۲۵, ۲۲۶, ۲۲۷, ۲۲۸, ۲۲۹, ۲۳۱, ۲۳۲, ۲۳۸, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۲, ۲۴۳, ۲۴۴, ۲۴۵, ۲۴۹, ۲۵۰, ۲۵۱, ۲۵۲, ۲۵۳, ۲۶۰, ۲۶۱, ۲۶۴, ۲۶۵, ۲۶۸, ۲۶۹, ۲۷۰, ۲۷۱, ۲۷۲, ۲۷۳, ۲۷۴, ۲۷۵, ۲۸۱, ۲۸۲, ۲۸۵, ۲۸۸, ۲۸۹, ۲۹۰, ۲۹۴, ۲۹۵, ۲۹۶, ۳۲۵, ۳۲۶, ۳۳۱, ۳۷۲, ۳۷۸, ۳۸۰, ۳۹۱, ۳۹۲, ۳۹۹, ۴۷۶, ۵۱۰, ۵۱۱, ۵۱۳

بختیار، تیمور/ ۱۴۷، ۱۵۰، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹

بختیار، شاپور/ ۴۷۸، ۴۹۸, ۴۹۹, ۵۰۰, ۵۰۱, ۵۰۲, ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۹، ۵۱۸، ۵۲۶

بختیاری، شهلا/ ۴۵

بختیاری نژاد، قدرت الله/ ۱۹

بخشنده/ ۱۰۲

بدامن (تشکیلات)/ ۲۳، ۲۴، ۴۷

برانت، ویلی/ ۳۶۲

برلین/ ۱۴۷

بروجرد/ ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۸۶, ۲۴۷, ۲۴۸, ۲۵۳

بریتانیا ! انگلستان (انگلیس)

بستام/ ۳۴۴

بغداد/ ۸۶, ۸۷, ۱۲۲, ۱۳۸, ۱۴۲, ۱۵۰, ۳۱۶, ۳۱۷, ۳۱۸, ۳۲۸, ۳۲۹, ۳۴۶, ۳۹۱, ۳۹۲, ۵۲۱, ۵۲۳

بقائی کرمانی، مظفر/ ۵۱۰

بندر لنگه/ ۴۷۴

بنی احمد، احمد/ ۴۵۶, ۴۶۴, ۴۷۱, ۴۷۴, ۴۷۵, ۴۸۴, ۴۹۳, ۴۹۶, ۴۹۷, ۴۹۹, ۵۱۰

بنی صدر، ابوالحسن/ ۱۴۷، ۵۱۸

بوشهر/ ۴۳۲

بوشهری، جواد/ ۲۸۲, ۲۸۳

بوکان/ ۱۵۷

بویراحمد/ ۱۱۳، ۱۷۸, ۱۷۹

بهار، مهدی (دکتر)/ ۴۹۵

بهبهان/ ۳۵۰, ۳۵۳, ۳۷۵, ۴۱۴

بهداد، صادق/ ۲۷, ۳۰

بهرامی، روح الله/ ۴۹

بهره مند، مهدی/ ۱۵, ۱۹

بهزادی، امیر/ ۵۲

بهزادی، امیرقاسم/ ۱۹

بهشت زهرا (گورستان)/ ۵۰۹

ص:۵۵۶

بهنام، علی اصغر/ ۳۶

بهنود، مسعود/ ۴۹۸

بی.بی.سی (رادیو لندن)/ ۴۶۳، ۴۸۰

بیات، کاوه/ ۱۷

بیانی (دکتر)/ ۴۹۶

بیگدلی/ ۱۸۷

بیگلری/ ۱۱۵

بیل، جیمز/ ۱۷

پ

پارسای، فرخ رو/ ۱۸۶, ۱۸۷

پاریس/ ۵۲۶

پاکستان/ ۸۸, ۱۶۲, ۱۶۳

پالایشگاه آبادان/ ۳۶۳

پروین، شاهپور/ ۱۹

پزشک (دکتر)/ ۱۴۷

پزشکپور، محسن/اکثر صفحات

پسیان، جمال/ ۱۸، ۱۹

پکن/ ۱۵۰

پورتراب، هادی/ ۱۹

پورهاشمی، ابوالقاسم/ ۱۵, ۱۰۲، ۲۲۴, ۳۴۸, ۳۹۸

پهلوی(دیبا)، فرح/ ۱۸۷، ۵۱۸

پهلوی، اشرف/ ۵۱۸

پهلوی، رضاشاه/ ۱۱, ۱۶, ۱۷، ۷۹, ۸۰, ۲۸۴

پهلوی، محمدرضا/ ۱۶، ۱۷, ۵۳, ۲۱۷, ۲۳۷، ۲۸۱، ۴۱۸، ۵۰۹، ۵۱۸، ۵۲۶، ۵۳۷

پیراسته، سیدمهدی/ ۳۵، ۱۲۰، ۳۲۸

پیشداد، امیرحسین/ ۱۹

ت. ث

تبرائیان، صفاءالدین/ ۲۱, ۲۲

تبریز/ ۳۵۱, ۳۹۶, ۴۲۸, ۴۳۵, ۴۳۶, ۴۴۰, ۴۴۱, ۴۴۲, ۴۵۳

تجدد، حسین/ ۱۹, ۱۶۴, ۲۲۹، ۲۳۸، ۴۰۱

تدین، احمد/ ۳۳

تربتی سنجابی، محمود/ ۲۲۱

ترکمنچای (قرارداد)/ ۵۷

تعاون، همایون/ ۱۹

تفت/ ۱۸۵

تقی زاده، جواد/ ۱۵, ۱۹

تقی زاده، فریدون/ ۱۵

تنب بزرگ/ ۳۹۱, ۳۹۲, ۳۹۳

تنب کوچک/ ۳۹۱, ۳۹۲

توانا، غلامحسین/ ۲۳۲, ۲۳۳

توفیقی/ ۳۰

توفیقی، حسین (مهندس)/ ۲۳۹

توفیقی، شمس/ ۳۶

توکلی، تقی/ ۱۹

تهران/ اکثر صفحات

تهرانی، حسین/ ۱۹

ص:۵۵۷

تیمسار، منوچهر/ ۱۹

تیمور، عبدالمحمد/ ۱۱۱, ۱۱۲

تیمور، محمد/ ۱۰۲, ۲۶۱, ۲۶۲

ثابتی، پرویز/ ۱۳۳, ۱۳۴, ۱۷۰

ج

ج--امعه س-وسیالیس-ت های نهضت ملی ایران/ ۲۵۶

جبهه رهایی بخش ملی ایران/ ۲۵۳

جبهه ملی/ ۲۳, ۳۱, ۳۲, ۳۴, ۴۴, ۵۱, ۵۳, ۵۴، ۵۶, ۵۷, ۵۸, ۵۹, ۷۵, ۷۶, ۹۲, ۱۸۱, ۲۴۸, ۲۵۴, ۴۰۲, ۴۶۴, ۴۶۹, ۴۸۶, ۴۹۵

جزایری، سید کریم/ ۱۱۱, ۲۲۵

جزنی، بیژن/ ۳۳

جزیره ابوموسی/ ۲۴۵، ۳۹۱, ۳۹۲, ۳۹۳

جعفری، صادق/ ۳۴۱

جعفری، قدرت الله/ ۱۰۱

جنگ جهانی دوم/ ۳۱۴, ۵۳۳

جهانگیری، محمد/ ۸۴, ۹۸, ۹۹, ۲۲۴, ۲۶۷, ۲۹۷, ۳۰۳, ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۵۶, ۳۹۰, ۴۰۴

جهرم/ ۴۵۳

چ

چکسلواکی/ ۳۸۷

چومبه، موسی/ ۱۵۶

چین/ ۴۷۵

ح

حاج س-یدجوادی، حس--ن/ ۱۷۶، ۳۰۳, ۳۴۱، ۴۹۶

حجازی، عبدالرضا (دکتر)/ ۴۵۲, ۴۵۳

حجازی، مسعود/ ۳۲

حدادی/ ۱۴۷

حزب آریا/ ۱۴, ۳۲, ۴۳، ۴۴

حزب اجتماعیون اعتدالیون/ ۱۱

حزب اراده ملی/ ۳۱۱

حزب ایران/ ۳۴, ۴۱, ۵۲, ۲۵۶

حزب ایران نوین/ ۱۷, ۶۵، ۶۶, ۷۷, ۱۰۵, ۱۱۲, ۱۱۴, ۱۳۰، ۱۴۱, ۱۵۱, ۱۶۲, ۱۶۹, ۱۷۷, ۱۷۹, ۱۸۰, ۱۸۱, ۱۸۲, ۱۸۳, ۱۸۵, ۱۸۶, ۱۸۷, ۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۰, ۱۹۱, ۱۹۲, ۱۹۳, ۱۹۴, ۱۹۵, ۱۹۶, ۱۹۷, ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۲, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۵, ۲۰۶, ۲۰۷, ۲۰۹, ۲۱۲, ۲۱۵, ۲۱۶, ۲۲۹، ۲۳۷, ۲۵۳, ۲۶۱, ۲۶۳، ۲۶۴, ۲۷۱, ۲۷۳, ۲۷۹، ۲۸۹، ۳۱۰, ۳۱۱، ۳۱۸, ۳۳۳, ۳۳۷, ۳۳۸, ۳۳۹, ۳۴۷, ۳۵۰, ۳۶۱, ۳۶۴, ۳۶۵, ۳۶۶, ۳۷۳، ۳۷۵, ۳۸۰, ۳۸۱, ۳۸۲, ۴۰۰, ۴۰۵، ۴۰۹, ۴۱۰, ۴۱۲, ۴۱۳, ۴۱۷، ۴۲۲، ۴۲۷, ۴۲۸

حزب ایرانیان/ ۱۳۰, ۲۱۶، ۲۲۹، ۲۴۰, ۲۴۱,

۲۹۰، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۴۰۱، ۴۰۵, ۴۱۷, ۴۲۱، ۴۲۲

حزب بعث عراق/ ۱۳۷, ۳۷۰

حزب پارت دموکرات کردستان/ ۱۳۹

حزب توده/ ۱۴, ۱۷, ۲۰, ۲۳, ۲۷, ۲۸, ۳۱, ۳۳, ۳۷, ۴۰، ۴۵, ۴۷, ۴۸, ۵۱, ۵۵, ۵۶, ۵۷, ۷۶, ۷۷, ۷۸، ۱۶۱, ۱۸۱, ۱۹۲, ۲۵۴, ۳۰۹, ۴۸۷, ۴۸۸

ح-زب دم-وک-رات کردستان عراق/ ۸۷، ۱۳۹

حزب رستاخیز/ ۵۵, ۹۷, ۱۰۰، ۱۳۰، ۴۱۷, ۴۱۸, ۴۱۹, ۴۲۰, ۴۲۱, ۴۲۲, ۴۲۳, ۴۲۴, ۴۲۵, ۴۲۶, ۴۲۷, ۴۲۸, ۴۲۹, ۴۳۰, ۴۳۳, ۴۳۴, ۴۳۵, ۴۴۲، ۴۴۶, ۴۵۶, ۴۵۷, ۴۵۸, ۴۶۰, ۴۶۱, ۴۶۲, ۴۶۳, ۴۶۴, ۴۶۸, ۴۶۹, ۴۷۸, ۵۱۳, ۵۲۵

حزب زحمتکشان/ ۲۸, ۴۰, ۴۷, ۵۳، ۲۵۶

حزب سومکا/ ۱۴, ۲۱, ۲۲, ۲۳, ۳۲، ۴۰، ۴۳، ۴۴، ۴۶, ۴۷، ۴۸, ۱۱۰، ۱۸۱، ۳۲۴، ۳۲۵

حزب کاژیک/ ۱۳۹

حزب کبود/ ۳۱۰, ۳۱۱

حزب محافظه کار (انگلستان)/ ۲۵۶

حزب مردم ایران/ ۲۵۶

حزب مردم/ ۵۲, ۵۳, ۶۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۰, ۱۸۱, ۱۸۶، ۱۹۵، ۱۹۷, ۲۰۶, ۲۲۹, ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۷۹, ۲۸۹, ۳۱۰, ۳۱۱, ۳۱۲, ۳۱۸، ۳۳۸, ۳۳۹, ۳۷۳, ۳۸۲، ۴۰۵, ۴۱۷, ۴۲۲

حزب ملت ایران/ ۲۴, ۲۵, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۳۹, ۴۳, ۴۴, ۴۹, ۵۰, ۵۴, ۵۸, ۲۴۹, ۲۵۶, ۳۹۹, ۴۶۴، ۵۲۸, ۵۲۹

حزب ملیون/ ۵۲, ۵۳, ۱۸۱, ۳۱۱

حزب نازی/ ۲۲, ۳۳, ۴۴

حزب نبرد ایران/ ۲۵, ۳۴

حزب ندای ملت ایران/ ۲۸, ۲۹

حزب نهضت ملی/ ۳۱۰, ۳۱۱

حزب نیروی سوم/ ۴۱

حسابی، حسن/ ۱۹

حضرت محمد (ص)/ ۴۷۵

حقدادی، اسدالله/ ۱۹

حق نویس، حسن/ ۱۵، ۳۱

حکیمیان (تیمسار)/ ۱۸۲

حمیدی، امیرهوشنگ/ ۹۹، ۱۱۸، ۲۴۵

حیرانی، مظفر/ ۱۹

خ

خاقانی، عباس/ ۳۵

خانباباتهرانی، مهدی/ ۵۴

خان مصدقی، حسین/ ۱۴۸, ۱۷۶

خان مصدقی، محسن/ ۱۴۹

خاورمیانه/ ۳۱۶, ۳۲۵

خاوری (تیمسار)/ ۲۴۴

خاوری، هایده/ ۱۰۲

خبرگزاری یونایتدپرس/ ۴۶۳

خرم، علی/ ۱۷۷, ۱۷۸, ۳۷۸, ۴۳۰, ۴۴۲

خرم آباد/ ۱۱۰, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۸۶, ۱۸۸, ۱۸۹، ۲۴۸

خرمشهر/ ۱۰۷, ۱۴۱, ۱۷۶, ۱۷۸, ۱۸۶, ۱۸۷, ۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۷, ۲۰۲, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۵, ۲۲۲, ۲۲۵, ۲۴۵, ۲۵۸, ۲۶۵, ۲۷۹, ۳۷۲, ۳۷۷, ۳۷۸, ۳۹۰, ۳۹۴, ۴۱۰, ۴۳۰, ۴۳۱, ۴۳۲, ۴۴۱, ۴۹۱, ۵۲۰, ۵۲۱

خزاعی، کریمعلی/ ۱۹

خسروی، میترا/ ۳۵۹, ۳۸۶, ۴۲۸

خسروی، نازیلا/ ۲۶۷, ۳۵۶

خطیبی، حسین/ ۲۲۱, ۴۴۵

خطیر، کاظم/ ۱۹

خلخالی، محمدصادق (آیت الله)/ ۴۷۵

خلعت بری/ ۲۱۸, ۲۲۰

خلیج فارس/ ۲۷، ۶۷, ۷۱, ۷۳, ۷۴, ۷۶, ۸۴, ۸۵, ۱۴۰, ۱۵۲, ۲۰۵, ۲۱۸, ۲۳۷, ۲۵۰, ۲۵۱, ۲۵۲, ۳۷۷, ۳۹۱, ۴۷۶, ۵۲۲

خمین--ی، روح الله (امام)/ ۶۵, ۸۲, ۲۲۸, ۳۳۹, ۴۳۵, ۴۵۱, ۴۵۲, ۴۶۹, ۴۷۰, ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶, ۴۷۷, ۴۷۸, ۴۸۵, ۴۸۶, ۴۸۷, ۴۸۸، ۴۹۰, ۴۹۱, ۴۹۲, ۴۹۴, ۴۹۵, ۵۰۵, ۵۰۷, ۵۰۹, ۵۱۵، ۵۲۵

خواجه نوری، محسن/ ۲۰۴

خوزستان/ ۲۷, ۵۵, ۶۸, ۷۱, ۷۳, ۱۰۵, ۱۱۷, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۲, ۱۸۶, ۱۸۸, ۱۸۹, ۲۰۱, ۲۰۵, ۲۲۵, ۲۴۵, ۲۴۶, ۲۵۲, ۲۵۷, ۲۶۱, ۲۶۵, ۲۹۱, ۲۹۶, ۳۴۴, ۳۵۵, ۳۶۵, ۳۷۸, ۳۷۹, ۳۸۰, ۳۸۱, ۳۹۹, ۴۱۰, ۴۱۵, ۴۲۱, ۴۳۰, ۴۴۱, ۴۶۲, ۴۷۳, ۴۹۰, ۵۲۱,

د

دارابیان، هوشنگ/ ۱۷۶

دانشگاه تبریز/ ۱۳۵, ۳۶۸

دانشگاه تهران/ ۲۷, ۱۳۵, ۲۵۸, ۳۶۸

دانشگاه جندی شاپور/ ۱۶۲

دزفول/ ۲۹, ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۸۶, ۲۶۱

دلدم، اسکندر/ ۲۲۰, ۴۴۵

دودانگه/ ۳۷۵

دوگنبدان/ ۲۶۲, ۲۹۲

دهلی نو/ ۱۵۶

ذ

ذاکرحسین، عبدالرحیم/ ۳۲

ذکاء (دکتر)/ ۴۵۷

ذوالقدر، محمد (فولادوند)/ ۳۶۳, ۳۸۱

ص:۵۶۰

ر

رئیس، علیرضا/ ۱۵, ۱۷۷, ۴۵۸, ۴۵۹

رائین، اسماعیل/ ۱۶۵

راپوکی/ ۱۲۹

راجر، لوئیس، ویلیام/ ۱۷

رادیو ایران/ ۱۵۰, ۳۰۹

رادیو بغداد/ ۲۴۶, ۳۱۸, ۳۲۰, ۳۲۳, ۳۲۵, ۳۲۹, ۳۳۹

رادیو پیک ایران/ ۳۰۹, ۳۱۳, ۳۱۴, ۳۱۵

رادیو کردی/ ۸۷

راسخ، محمود/ ۱۴۷

رامبد، هلاکو/ ۲۱۲, ۲۱۸, ۴۳۲

رامهرمز/ ۱۶۲

رحمانی، جمشید/ ۱۵

رحمانی، ناصر/ ۲۰۱

رحیمی، تقی/ ۲۴۱، ۲۶۷

رزم جو، علی اکبر/ ۴۵, ۵۶, ۹۵, ۱۱۵

رشت/ ۳۸۹

رضا، مجید/ ۱۴۶

رضائی، مرتضی/ ۵۱۸

رضائیه (ارومیه)/ ۱۹۵, ۲۰۵, ۲۴۱، ۲۷۵, ۲۷۶, ۳۰۲، ۳۵۲, ۳۸۶, ۳۸۸، ۴۰۷، ۴۱۲

رضوی، عباس/ ۱۹

رفسنجان/ ۴۵۳

رفیعی/ ۱۱۵

رمضانی نیا/ ۳۶۳

روحانی (وزیر کشاورزی)/ ۴۴۲

روحانی، جواد/ ۱۹

روحانی، فؤاد/ ۳۸

روحانی، مهدی/ ۵۲۶

روح بخش، عباس/ ۱۹, ۹۹, ۲۳۹، ۳۶۰، ۳۸۷، ۵۱۸

رودسر/ ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۱, ۱۷۲, ۱۸۹, ۱۹۱, ۱۹۳, ۱۹۶, ۲۰۵, ۲۰۶, ۲۰۸, ۲۲۵, ۲۳۲, ۲۴۱، ۲۸۱, ۳۳۵, ۳۴۲, ۳۴۳, ۳۴۴, ۳۷۴, ۳۸۷, ۳۹۸

روزبیانی/ ۳۰۲

روزنامه آپادانا/ ۲۸, ۳۰

روزنامه آیندگان/ ۱۲۰, ۲۱۸، ۲۳۱, ۲۷۱, ۳۵۱, ۴۱۹, ۴۳۲, ۴۶۳, ۵۰۴, ۵۰۵, ۵۱۲

روزنامه اراده آذربایجان/ ۱۱۷، ۱۲۸

روزنامه اطلاعات/ ۵۷، ۲۱۸، ۲۲۶، ۲۳۱, ۲۳۶, ۲۵۰, ۳۷۷, ۴۴۲, ۴۴۴, ۴۵۲، ۴۷۹

روزنامه ایرانیان/ ۴۲۱

روزنامه پایگاه آزادی/ ۴۰، ۴۳

روزنامه پرچمدار/ ۳۰, ۳۲۸

روزنامه پندار/ ۱۱۶

روزنامه پیام ما/ ۱۱۶

روزنامه تهران تایمز/ ۵۲۸

روزنامه تهران مصور/ ۱۲۸

ص:۵۶۱

روزنامه جانسپاران/ ۳۰

روزنامه جوانان پان ایرانیسم/ ۱۱۶

روزنـامه خاک و خون/ ۷۱, ۸۳، ۹۵، ۹۸, ۹۹، ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۲۶, ۱۲۷, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۴, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۴۰, ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۳, ۱۶۶, ۱۷۳, ۱۷۷, ۱۸۸, ۱۹۴, ۲۲۶, ۲۴۵، ۲۵۲, ۲۵۷، ۲۶۳, ۲۶۹, ۲۸۴, ۳۰۵، ۳۱۵, ۳۱۷, ۳۱۹, ۳۳۲, ۳۳۴, ۳۳۷, ۳۵۱, ۳۵۴, ۳۶۴, ۳۶۹, ۳۸۲, ۳۸۶, ۳۸۷, ۳۹۴, ۳۹۵, ۴۲۲, ۴۲۵، ۵۱۰, ۵۱۳, ۵۱۴

روزنامه روشنفکر/ ۲۹۶

روزنامه ساسانی/ ۲۷, ۳۰، ۱۱۵

روزنامه سلام/ ۵۲۷

روزنامه فردوسی/ ۱۱۶

روزنامه کیهان هوایی/ ۵۱۶، ۵۱۷, ۵۲۷، ۵۲۹

روزنامه کیهان/ ۴۶, ۵۷, ۱۵۰, ۲۹۴, ۳۰۰, ۳۲۱, ۴۰۶, ۴۵۲, ۴۶۴

روزنامه مباحث ناسیونالیسم ایران/ ۱۲۴

روزنامه مرد امروز/ ۱۰۰

روزنامه مهد آزادی/ ۱۲۸

روزنامه ناسیونالیسم/ ۷۱، ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۲۴, ۱۴۴, ۱۶۵, ۲۹۰

روزنامه ندای پان ایرانیست/ ۲۹، ۳۰، ۳۵, ۳۶، ۱۱۵، ۱۷۳

روزنامه نسل جوان/ ۱۱۶, ۱۱۷

روزنامه یک گام دیگر/ ۱۱۶

روناسی، اکبر/ ۲۵۳، ۳۵۹

ریاضی، عبدالله (مهندس)/ ۱۶۵، ۲۰۷، ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۶۶، ۲۶۷, ۲۶۸، ۴۳۲، ۴۴۴, ۴۸۲

ز

زالتاش، عینی/ ۲۸۳, ۲۸۵

زاهدی، اردشیر/ ۲۰۹, ۲۱۵, ۲۲۰, ۲۲۹, ۳۶۲, ۴۹۷

زاهدی، حسن/ ۲۶۴

زاهدی، فضل الله/ ۴۸، ۳۱۰، ۳۲۸

زربخش/ ۱۴۷, ۱۵۰, ۱۵۱

زرشکی، محمدعلی/ ۱۹، ۳۵۹

زرشناس، کیومرث/ ۱۴۷

زرقانی، مهدی/ ۱۷

زرنگار/ ۱۲۶

زندفر، فریدون/ ۲۲۱

زندنیا، شاپور/ ۲۰, ۲۱، ۲۷، ۲۸

زندی، علی/ ۱۵

زنگنه، سهراب/ ۲۷، ۲۶۷, ۴۰۴

زهتاب فرد، رحیم/ ۳۱، ۱۱۷

س

ساری/ ۳۷۳, ۳۹۸

ص:۵۶۲

سازمان پان ایرانیست/ ۲۴, ۳۴, ۳۶, ۴۳, ۴۴, ۴۹، ۱۱۴

سازمان جاسوسی آمریکا (سیا)/ ۲۳، ۴۷، ۳۱۱, ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۵, ۳۲۹

سازمان دانشجویان حزب پان ایرانیست/ ۱۰۷

سازمان زنان حزب پان ایرانیست/ ۱۰۲، ۱۰۷

سازمان ملل/ ۳۱, ۸۴, ۱۵۵, ۱۵۶, ۲۱۹, ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۶, ۲۳۱, ۵۲۳, ۵۲۷

ساعی، احمد/ ۱۴۷

سالمی، مجید/ ۱۷۶

سالور، مهرداد/ ۱۹

سام/ ۱۳۷, ۳۶۹

ساواک/ اکثر صفحات

ساوه/ ۱۸۷

سبقتی/ ۳۶

سپانلو، فرید/ ۱۹

سحابی، عزت الله/ ۴۰, ۴۷

سراج/ ۱۷۷

سرتیپ پور، جهانگیر/ ۲۱۷

سرخوش، پریوش/ ۱۹

سردارفاخر حکمت/ ۵۷

سرشار، احمد/ ۱۹

سعادت نژاد، احمد/ ۱۹

سعید، جواد (دکتر)/ ۵۰۵, ۵۰۶

سفارت آمریکا (تهران)/ ۴۷, ۱۱۳, ۴۶۹, ۴۸۰, ۴۹۵, ۴۹۶, ۵۰۰

سفارت انگلیس (تهران)/ ۳۱۰

سفارت ایران (اطریش)/ ۱۴۴

سفارت عراق (تهران)/ ۳۱۵, ۳۱۶

سفری، محمدعلی/ ۱۷, ۵۴, ۴۸۵, ۴۹۴

سمیعی، احمد/ ۵۰۵, ۵۰۶

سنجابی، کریم (دکتر)/ ۴۹۶, ۴۹۷

سندوزی، اسماعیل/ ۱۹

سنندج/ ۱۹۵

سورتیجی، سیما/ ۱۰۲

سورتیجی، فخرالدین/ ۱۹، ۴۸۹

سورتیجی، منیژه/ ۱۰۲

سورتیجی، مینا/ ۱۰۲

سوسنگرد/ ۳۷۱

سیاح سپانلو، فرید/ ۱۵

سیادت، سید مهدی/ ۲۳۸, ۲۳۹

سیاوشی، سوزان/ ۱۷

سی سخت/ ۱۷۸

سیف، خسرو/ ۳۶

سینما رکس آبادان/ ۴۵۳, ۴۵۶, ۴۷۸, ۴۸۳

ش

شاکری، علی/ ۱۹

شاکرین، محمد/ ۱۹

شاهانی، خسرو/ ۴۷۶

ص:۵۶۳

شاهدی، مظفر/ ۱, ۲, ۵۳, ۵۵, ۵۶, ۲۱۷, ۳۷۶, ۴۱۷

شاهرخ، بهرام/ ۲۰

شاه سلطان حسین صفوی/ ۸۰

شاهنده/ ۱۱۸

شایگان (دکتر)/ ۴۱

شرکت نفت انگلیس و ایران/ ۳۱

شریعتمداری، سیدمحمدکاظم (آیت الله)/ ۴۵۰, ۴۵۵، ۴۷۰, ۴۷۱, ۴۷۴، ۴۷۹, ۴۸۶, ۴۸۷, ۴۸۸, ۴۹۰, ۴۹۱, ۴۹۲, ۴۹۹, ۵۰۱، ۵۰۲, ۵۰۳, ۵۲۵

شریف امامی، جعفر (مهندس)/ ۱۰۰، ۱۱۸، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۹۳، ۴۹۸

شعبانی، علی/ ۲۵۰

شکراللهی، یدالله/ ۳۶۳

شکری، علی محمد/ ۱۹

شمس توفیقی، پرویز/ ۱۹

شورای امنیت/ ۲۲۰, ۲۲۶, ۲۷، ۲۳۱, ۵۲۳, ۵۳۵, ۵۴۰

شوروی/ ۱۲, ۲۳, ۲۷، ۴۷, ۵۵, ۵۷, ۲۲۶, ۲۵۲, ۲۵۸, ۳۸۷, ۴۷۵, ۵۳۳

شوش/ ۳۶۶, ۴۰۷

شوشتر/ ۱۴۱, ۱۹۵, ۱۹۶, ۲۶۵

شوشتری، حکیم/ ۱۹۶, ۲۰۲

شهرستانی، جواد/ ۵۰۹, ۵۱۰

شهرضا/ ۲۹۹

شهرکرد/ ۲۸۸

شهریار (عطوان)، حسین/ ۲۹۱، ۳۰۳

شهریار/ ۱۲۹

شهریاری/ ۱۰۱

شهنواز، هوشنگ (مهندس)/ ۱۱۲, ۱۷۶، ۳۰۶

شیراز/ ۱۵۵, ۴۵۳

ص

صادقی، میرمحمد/ ۳۵

صارم کلالی، حسنعلی/ ۱۵، ۱۹

صالح (دکتر)/ ۶۹

صالحی، محمد امین/ ۱۹

صدام حسین/ ۵۲۶, ۵۲۷

صدر، فضل اله (دکتر)/ ۳۵، ۶۵، ۶۸, ۷۵، ۷۶، ۸۴, ۸۵، ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۸، ۱۲۴، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۸, ۱۴۹, ۱۶۵، ۱۹۴, ۱۹۵، ۲۰۵, ۲۱۳, ۲۱۴, ۲۱۵, ۲۱۶, ۲۲۰, ۲۲۸، ۲۲۹, ۲۳۰, ۲۳۱، ۲۳۲, ۲۳۳, ۲۳۴, ۲۳۵، ۲۳۷, ۲۳۸, ۲۳۹, ۲۴۰, ۲۴۱، ۲۵۲, ۲۵۵, ۲۵۹, ۲۹۰, ۲۹۶, ۳۵۰, ۳۷۶، ۳۷۷, ۳۷۸, ۳۷۹, ۴۲۱، ۴۲۳

صدر، موسی (امام)/ ۴۷۴

صدرعاملی (دکتر)/ ۳۲۸

صدری، کیوان/ ۴۶۴

صدوقی/ ۲۷

صدیق، منوچهر/ ۱۹

صدیقی، غلامحسین/ ۴۹۴, ۴۹۵, ۴۹۶, ۵۰۰, ۵۰۱, ۵۰۲

صدیقی، مهدی/ ۱۹, ۳۵, ۳۹

صفاپور، زهرا/ ۱۰۱

صفارپور، مهدی/ ۱۲۳, ۱۲۹، ۱۶۱، ۱۸۴, ۱۹۱، ۲۰۱, ۲۲۴, ۲۳۷, ۲۴۴, ۲۴۶, ۲۵۷، ۲۶۱, ۲۶۵, ۲۶۷, ۳۴۸, ۳۴۹, ۳۸۸, ۴۱۱، ۴۲۸، ۴۹۴

صفوی، شاهرخ/ ۱۰۲

صفی پور، علی اکبر/ ۱۸۶

صفی یاری، پرویز/ ۱۵

ض

ضامنی، مجید/ ۹۹, ۱۷۶, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۹۷, ۲۹۸, ۳۰۳, ۳۶۰، ۴۰۴, ۴۲۸, ۴۶۲

ضرغامی/ ۱۲۹

ط

طالع، هوشنگ/ ۱۳, ۱۵, ۱۹، ۹۲, ۹۸, ۹۹, ۱۰۰, ۱۰۳, ۱۱۳، ۱۱۸, ۱۲۴, ۱۳۹, ۱۴۱, ۱۴۸, ۱۵۵، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۰۵, ۲۰۶، ۲۰۸, ۲۱۵، ۲۳۰, ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۶۶, ۲۶۷, ۲۶۸, ۲۷۵, ۲۸۸، ۲۹۰, ۲۹۷, ۲۹۸, ۳۰۳, ۳۰۹, ۳۳۹، ۳۴۹, ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۹, ۳۶۰, ۳۶۲، ۳۸۸, ۴۰۴, ۴۰۵, ۴۲۱, ۴۲۸، ۴۴۷، ۴۵۷

طباطبایی/ ۲۹

طبیب، سید حسین (دکتر)/ ۱۹، ۹۹، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۴۱، ۴۴۷، ۴۵۶، ۴۶۱

طلائی، حسن/ ۲۶۷

طلوعی، محمود/ ۴۱۹

طهماسبیان، رحیم/ ۱۰۲

ظ

ظفری، اردشیر (دکتر)/ ۳۰۱، ۳۶۰

ظفری، ایرج/ ۱۹

ظفری، پرویز/ ۶۸، ۱۱۲، ۱۴۷، ۱۵۰، ۳۲۰, ۳۸۸، ۴۲۸، ۴۳۲, ۴۴۷, ۴۵۶، ۴۶۱, ۵۱۰

ظفری، حنا/ ۳۸۷

ظفری، مهدی/ ۲۶۷, ۳۵۶

ع

عارف (ژنرال)/ ۹۰

عاقلی، باقر/ ۴۹۴, ۵۲۹

عالیخانی، علینقی/ ۱۵, ۱۹, ۲۷, ۲۸, ۶۶، ۱۴۶

عاملی تهرانی، محمدرضا/ ۱۵, ۱۹, ۲۴, ۲۷، ۲۸, ۲۹، ۳۵، ۳۹, ۵۷, ۶۰, ۶۵، ۷۰، ۷۸, ۸۵, ۸۸, ۹۰، ۹۲، ۹۳, ۹۴, ۹۷, ۹۸, ۹۹, ۱۰۰, ۱۰۵, ۱۰۶, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۲,

ص:۵۶۵

۱۲۶, ۱۳۲, ۱۵۷, ۲۰۰, ۲۰۵, ۲۱۴, ۲۱۶, ۲۱۸، ۲۲۹, ۲۳۰، ۲۳۱, ۲۳۲، ۲۴۱, ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۷, ۲۷۱, ۲۷۲, ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۹۰, ۲۹۱, ۲۹۷, ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲, ۳۰۳, ۳۰۴, ۳۰۷، ۳۳۲, ۳۳۳, ۳۴۱, ۳۵۹, ۳۶۲, ۳۷۴, ۳۸۶, ۳۸۸، ۳۸۹, ۴۰۴, ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۳, ۴۲۴, ۴۲۵, ۴۲۸، ۴۳۲, ۴۳۳, ۴۴۶, ۴۴۷, ۴۶۳, ۴۷۵, ۴۹۳, ۴۹۴, ۵۱۲, ۵۲۵

عبدالناصر، جمال/ ۶۶, ۷۱, ۷۴, ۷۵, ۸۳, ۸۴, ۱۱۹، ۲۰۵, ۲۰۶, ۵۳۴, ۵۳۶

عبده، مهدی/ ۱۵

عراق/ ۷۱, ۷۲, ۸۱, ۸۴, ۸۶, ۸۷, ۸۸, ۹۰, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۴۰, ۱۴۱, ۱۴۲, ۱۴۳, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۵۸, ۱۶۳, ۱۶۵, ۲۵۸, ۲۵۹, ۳۱۳, ۳۱۵, ۳۱۶, ۳۱۷, ۳۴۴, ۳۴۵, ۳۴۶, ۳۴۷, ۳۶۸, ۳۷۰, ۳۷۷, ۳۸۷, ۳۹۱, ۳۹۲, ۳۹۴, ۴۲۶, ۵۲۰, ۵۲۱, ۵۲۲, ۵۲۴, ۵۲۷, ۵۳۴, ۵۳۵

عربستان (سعودی)/ ۱۶۳

عزیز مرادی، هادی/ ۵۱۷, ۵۱۸

عزیزی، غلامرضا/ ۱۴, ۲۲, ۳۸

عسکر کاشی، ناصر/ ۱۹

عطاپور/ ۱۷۰

عطوان، حسین/ ۲۶۹

عظیما، امیر/ ۲۸, ۲۹، ۳۰

عظیما، جهانگیر/ ۲۹

عظیمی، فخرالدین/ ۴۰

علم، اسدالله/ ۵۲، ۵۳, ۵۶، ۵۷, ۵۸, ۲۱۷، ۴۱۷

علم، جواد/ ۱۴۷

علم، محمدرضا/ ۴۸۰

علوی، مهدی/ ۱۹

علیخانی (دکتر)/ ۱۱۸، ۲۲۴، ۲۳۲, ۲۳۳, ۲۳۴, ۳۸۷، ۴۲۸

علی زاده، احمد/ ۲۴۱

علی زاده، حسین/ ۱۹

علی نژاد، عبدالکاظم/ ۳۶۴, ۳۹۹, ۴۲۶

عمیدی نوری، ابوالحسن/ ۴۴۶

عوض پشتکوهی، محمدعلی/ ۳۶۴, ۳۸۰, ۳۸۱, ۳۹۳

غ

غروی، علی/ ۲۴۷

غفوری غروی، حسن/ ۲۰

غفوری نژاد/ ۱۵

غنی پور، اسماعیل/ ۱۱۳, ۲۳۳

ف

فاطمی (دکتر)/ ۳۸

ص:۵۶۶

فتح الله نیا/ ۱۴۷

فرانسه/ ۳۱, ۷۵, ۵۰۳, ۵۲۶, ۵۳۸

فراهانی/ ۲۶۷, ۳۶۰

فرخ/ ۱۱۵

فردوست، حسین (ارتشبد)/ ۱۳۵

فرمانفرمائیان، خداداد/ ۱۵

فروهر، اسماعیل/ ۹۹

فروهر، بیژن/ ۱۵, ۲۰

فروهر، داریوش/ ۱۵, ۲۰, ۲۵, ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱, ۳۲, ۳۳, ۳۴, ۳۵, ۳۶, ۳۸, ۳۹, ۴۴, ۵۰, ۵۴, ۵۸, ۹۹, ۲۴۹, ۵۲۸

فرهمند، جلال/ ۴۸۷

فرهمند، علیرضا/ ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۸۶، ۱۸۷، ۳۰۵

فریار/ ۳۱

فریور، اسماعیل (دکتر)/ ۲۰، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۹، ۹۳، ۱۰۰، ۱۶۰، ۲۰۰, ۲۰۵، ۲۰۷, ۲۱۴، ۲۲۶، ۲۳۰, ۲۴۱، ۲۷۵, ۲۹۰, ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۵۲، ۴۱۲

فلسطین/ ۲۶, ۹۱

ق

قاسم، عبدالکریم/ ۸۴

قاسمی، حبیب الله/ ۱۷۶

قاسمی، رحمت الله/ ۲۰

قاسمی، مهدی/ ۱۶۱, ۴۲۳

قدسی، محمدعلی/ ۱۷

قربانی، هوشنگ (مهندس)/ ۳۰۶

قریب/ ۲۸

قزلباش/ ۱۲۹

قزوین/ ۱۱۳, ۱۵۴, ۱۷۴, ۳۵۹

قطر/ ۲۵۱

قفقاز/ ۲۶, ۲۷

قم/ ۱۶۹, ۱۹۶, ۲۰۵, ۲۳۹, ۴۵۰, ۴۵۲, ۴۵۳, ۴۹۰

قنائی، پرویز/ ۱۷۶

قنات آبادی، شمس/ ۱۴

قنبری، عبدالله/ ۱۷۶, ۲۵۴, ۳۵۶, ۴۰۴

قندهار/ ۴۷۶

قهرمانی، ایرج/ ۱۴۷

قیاسیان، ابراهیم/ ۲۶۲, ۲۶۷

ک

کارتر، جیمی/ ۴۵۸, ۴۷۵

کارلسروهه (آلمان)/ ۱۴۵, ۱۴۷, ۱۴۸، ۱۴۹، ۳۱۹, ۳۲۰, ۳۲۱

کاشانی، سیدابوالقاسم (آیت الله)/ ۴۱, ۴۲, ۴۶

کاظمین/ ۳۴۶

کامبخش، حسن/ ۲۰, ۲۸, ۲۹

کامیابی، کامیاب/ ۱۱۳, ۲۳۲, ۲۳۳

کامیار، بهمن/ ۲۰

ص:۵۶۷

کرباسچیان، علی/ ۳۱

کرباسی، حسن/ ۶۶

کربلا/ ۳۴۶

کردستان عراق/ ۸۶, ۸۷, ۱۳۹

کردستان/ ۷۱, ۷۲, ۷۳, ۸۶, ۸۸, ۱۴۰, ۱۸۶, ۲۰۴, ۳۰۵, ۴۱۰, ۴۱۵, ۴۹۱, ۵۲۶

کرمان/ ۴۸۳

کرمانشاه (کرمانشاهان)/ ۷۲, ۷۳، ۱۱۳, ۳۰۱, ۳۳۵

کرمانی، رضا (مهندس)/ ۱۰۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۸۴, ۲۶۲, ۲۶۳, ۲۶۵، ۲۷۸, ۲۹۱, ۳۰۵، ۳۵۹, ۳۶۵، ۳۸۲، ۳۸۷, ۴۳۰، ۴۴۱، ۴۴۲

کریم دیزانی، هوشنگ/ ۸۴, ۸۵

کریم پور، ایرج/ ۱۱۳, ۱۸۹, ۱۹۰, ۱۹۳, ۲۲۵, ۲۳۲, ۲۳۳, ۲۴۱, ۲۸۱, ۳۴۳, ۳۴۴, ۳۷۴

کشکولی (مهندس)/ ۱۷۶

کلاچای/ ۳۴۴, ۳۹۸

کلالی، امیرتیمور/ ۲۶، ۲۰۳

کمال (سپهبد)/ ۴۲، ۵۰۹, ۵۱۰

کمالی، منوچهر/ ۲۰

کنگرلو/ ۱۷۲

کوبا/ ۱۵۰

کودتای ۲۸ مرداد/ ۲۴, ۴۸, ۵۳، ۳۲۸، ۳۹۸، ۵۱۰

کودتای نوژه/ ۵۱۶, ۵۱۷

کوهستانی نژاد، مسعود/ ۳۸, ۴۰, ۴۳

کویت/ ۱۶۳

کهک (قم)/ ۲۰۵, ۲۲۹

کهگیلویه و بویراحمد/ ۱۵۲

کهوائی، حافظ/ ۱۵۳, ۱۵۶, ۱۸۰, ۱۸۱, ۲۲۳, ۲۲۴, ۲۹۲, ۲۹۵, ۲۹۶, ۳۵۵, ۳۵۸, ۳۸۰, ۳۸۱, ۴۰۴

کیا، ب/ ۳۲, ۲۲۱

کیان پور/ ۴۴۶

کیانژاد/ ۱۲۸

کیانوری (دکتر)/ ۲۸

کیانوری، مجتبی/ ۲۰

کیانوری، مرتضی/ ۲۰

کیانوری، نورالدین/ ۱۷, ۳۸

کیخسروی، رشید/ ۳۰۱

کیهان آذر، محمود/ ۱۴۷

گ

گازیوروسکی، مارک. ج/ ۲۳، ۲۴, ۴۷، ۵۳, ۷۶

گچساران/ ۱۵۳, ۲۲۳

گراتس (اطریش)/ ۱۴۷

گرگان/ ۲۹, ۳۹۸

گلستان (قرارداد)/ ۵۷، ۲۷۰

گنبد کاووس/ ۳۹۸

گودرزی، خسرو (دکتر)/ ۲۴۷

گیچاردی/ ۲۱۹, ۲۲۰، ۲۲۷

گیلان/ ۳۶۵, ۳۹۸

ل

لاجوردی، قاسم/ ۵۱۴

لرستان/ ۲۴۷

لس آنجلس/ ۱۴, ۳۶

لشکری، عباس/ ۳۰

لشکری، محمدعلی/ ۲۰، ۳۰، ۳۶

لطفی، علی/ ۲۰

لمبتون/ ۲۴، ۳۵

لندن/ ۱۴۶, ۲۱۶

لنگرود/ ۳۹۸

لونتال، ریشارد/ ۱۲۸

م

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی/ ۲, ۳۱, ۳۷, ۳۸, ۴۳, ۴۹, ۵۲, ۵۵, ۵۶, ۵۸, ۶۷, ۷۲, ۷۶, ۷۷, ۸۰, ۸۶, ۸۷, ۹۳, ۹۸, ۱۰۰, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۳, ۱۴۵, ۱۵۱, ۱۶۵, ۱۸۴, ۱۸۹, ۲۰۴, ۲۰۷, ۲۱۵, ۲۲۱, ۲۳۰, ۲۳۲, ۲۳۸, ۲۵۳, ۲۸۲, ۳۳۲, ۳۵۳, ۳۷۷, ۴۱۷, ۴۲۱, ۴۲۶, ۴۴۸, ۴۵۱, ۴۵۹, ۴۶۰, ۴۶۹, ۴۸۶, ۴۸۹, ۵۰۴, ۵۰۸, ۵۱۱, ۵۱۵, ۵۱۷, ۵۲۲

مازندران/ ۳۳۴, ۳۹۸, ۴۸۸, ۴۸۹

ماضدی، ناصر/ ۱۵

مالیک، جاکوب/ ۲۲۶

ماهشهر/ ۲۶۳

ماهنامه ناسیونالیسم/ ۱۶, ۱۰۱

مایر، آن/ ۳۱۰

مجلس سنا/ ۲۲۰

مجلس شورای ملی/ ۱۱, ۴۰, ۵۳, ۶۹, ۷۲, ۹۹, ۱۲۳, ۱۴۰, ۱۴۸, ۱۵۲, ۱۶۲, ۱۷۴, ۱۸۲, ۱۸۴, ۱۹۵, ۱۹۶, ۲۰۳, ۲۰۴, ۲۰۵, ۲۰۷, ۲۰۸, ۲۱۲, ۲۱۳, ۲۱۴, ۲۱۶, ۲۱۷, ۲۱۸, ۲۲۱, ۲۲۳, ۲۲۵, ۲۲۶, ۲۲۷, ۲۲۸، ۲۳۱, ۲۴۲, ۲۴۹, ۲۵۰, ۲۶۰, ۲۶۷, ۲۶۹, ۲۷۰, ۲۷۵, ۲۷۷, ۲۸۲, ۲۹۸, ۲۹۹, ۳۲۶, ۳۳۱, ۳۳۲, ۳۳۶, ۳۷۷, ۴۰۷, ۴۱۰, ۴۲۲, ۴۲۹, ۴۳۰, ۴۳۲, ۴۳۳, ۴۳۵, ۴۳۶, ۴۳۷, ۴۳۹, ۴۴۰, ۴۴۲, ۴۴۴, ۴۴۵, ۴۴۸, ۴۵۰, ۴۵۳, ۴۵۵, ۴۵۷, ۴۵۹, ۴۶۱, ۴۶۳, ۴۶۴, ۴۷۱, ۴۷۶, ۴۸۰, ۴۸۱, ۴۸۵, ۴۸۶, ۴۹۰, ۴۹۲, ۵۰۳, ۵۰۵, ۵۱۰

مجلسی، محمد/ ۲۰

مجله روزنامه ناسیونالیست/ ۲۸، ۳۱

مجیدی، عبدالمجید/ ۳۵۲

محمدی ری شهری، مح-مد/ ۵۱۶, ۵۱۷، ۵۱۹

محیط، بهزاد/ ۲۰

ص:۵۶۹

مختاری، احمد/ ۱۵

مدرس، ضیاء/ ۲۰, ۲۱، ۲۷، ۲۸، ۴۲۳

مرادیان، افضل/ ۱۵۴, ۲۶۲

مروارید، یونس/ ۲۲۱, ۴۴۵

مسجد جامع کرمان/ ۴۸۴

مسعودانصاری، احمدعلی/ ۲۲۸, ۲۲۹

مسعودنیا، عبدالمحمد/ ۱۱۱

مسعودی، عباس/ ۲۱۸, ۲۲۶

مسعودی، علی/ ۳۶

مسکو/ ۱۵۰

مشهد/ ۲۹, ۱۱۰, ۴۴۳

مشیر، مرتضی/ ۴۳۴, ۴۹۳

مصدق، حسین/ ۱۹, ۹۹

مصدق، غلامحسین (دکتر)/ ۴۹۶

مصدق، محمد/ ۲۴، ۲۸، ۳۳, ۳۳، ۳۴، ۳۷, ۳۸, ۳۹, ۴۰, ۴۲، ۴۳، ۴۴, ۴۵, ۴۶, ۴۷, ۴۸, ۵۶, ۹۲، ۲۴۹, ۲۵۴, ۲۵۶, ۳۲۸, ۴۹۴

مصدقی، حسین/ ۳۸۸

مصر/ ۸۴, ۱۳۶, ۱۵۰, ۳۶۸

مظفری، پرویز/ ۷۵

مظهری، علی اصغر/ ۴۵۶

معتضد باهری، محمد/ ۴۸۴

معدلت، محمدعلی/ ۲۰, ۱۷۶

معصومی، عبدالحمید/ ۲۶۷, ۴۰۴

معصومی، محمدحسین/ ۲۰

معینیان، (نصرت الله)/ ۲۰۴، ۲۱۴

مقبل زاده، حسن/ ۵۱۸

مقدادی، اسداله/ ۹۹

مقدسی، محمد/ ۲۰

مقدم، ناصر/ ۷۰, ۱۵۵, ۱۷۰, ۱۷۱, ۱۷۲, ۲۴۲، ۲۴۳, ۲۵۶, ۲۸۳, ۲۸۵, ۲۹۹, ۳۰۰, ۳۳۸، ۴۹۶

مکی/ ۲۸

ملک زاده، نصراله/ ۳۱

ملکی، خلیل/ ۴۱, ۴۲, ۷۵, ۹۱, ۹۲

ملکی، منوچهر/ ۲۰

منشی زاده، داوود/ ۲۱، ۲۲

منصور، حسنعلی/ ۶۶, ۷۷

منصوری، جواد/ ۳۲

منطقی، عباس/ ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۲, ۲۳۹

مهاباد/ ۱۶۹, ۱۷۰, ۱۷۱, ۱۷۲, ۱۸۶, ۲۰۰, ۲۰۵, ۲۳۹, ۲۴۱, ۲۷۱

مهدوی/ ۴۴۳

مهربان، رسول/ ۵۱

مهرداد، محمد/ ۱۹, ۲۰، ۳۰، ۳۲۸

مهرعلیزاده، مهدی/ ۴۸۹

مهری، حسین/ ۳۶

میدان بهارستان/ ۲۸, ۴۳

میرانی، ابراهیم/ ۱۰۱, ۱۷۶, ۲۶۱, ۲۶۴, ۲۶۷, ۳۰۳, ۳۰۴, ۳۳۹، ۳۸۷, ۳۹۸, ۴۰۴, ۴۲۱، ۴۲۸

میرعبدالباقی/ ۳۶

میرقاسمی/ ۲۹۸, ۲۹۹

ن

نادرشاه افشار/ ۸۰

نادری، عزت الله/ ۲۰

ناهید، هوشنگ/ ۵۱۸

نجاتی، غلامرضا/ ۱۴, ۱۸, ۳۳, ۵۰۹, ۵۱۰، ۵۲۵

نجف/ ۳۴۶

نجفی، مقرب/ ۱۴۷

نجفیانی، پرویز/ ۱۶۹, ۱۷۰

نجمی، ناصر/ ۳۸

نخجوانی، خسرو/ ۱۹

نراقی، احسان (دکتر)/ ۴۹۵

نزیه، حسن/ ۵۱۸

نصیری، نعمت الله/ ۷۰، ۱۳۲, ۲۵۴, ۲۵۷، ۲۶۳, ۲۷۶، ۲۷۷, ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶, ۲۸۷, ۲۸۸، ۲۸۹, ۳۰۰، ۳۰۱, ۳۰۴, ۳۰۸, ۳۱۷, ۳۳۸

نطاق، جواد/ ۲۰

نظری، داریوش/ ۳۳۴

نفیسی، سعید/ ۹۱

نکیسا، پرویز/ ۲۰

نمازی، بهرام/ ۳۵

نوبخت/ ۳۱۰

نوذری، عزت الله/ ۳۲

نورمفیدی، سیدکاظم (آیت الله)/ ۴۷۴

نهاوند/ ۱۸۶, ۴۳۲

نهاوندی، هوشنگ/ ۴۸۶

نهضت آزادی/ ۲۵۶, ۴۹۵

نهضت ملی شدن صنعت نفت/ ۲۴

نیرومند/ ۱۴۷

نیک آمال، فرج الله/ ۲۲۴, ۲۶۷، ۳۵۶

نیکسون، ریچارد/ ۱۶۶

نیکوکار، یحیی/ ۱۱۳

و

ورجاوند، پرویز/ ۲۰

وزارت امور خارجه آمریکا/ ۵۰۱

وزارت دادگستری/ ۴۹۴, ۴۹۵, ۵۰۰

ولادیکا، نستور/ ۱۵

ویتلی، آندرو/ ۴۴۹

ویتنام/ ۳۱۹

وین/ ۱۴۵، ۱۴۷

ه


هاتفی (مهندس)/ ۳۶۰

هاتفی/ ۳۳۹

هاتفی، بهاء الدین/ ۱۷۶, ۲۶۷, ۳۰۳

هاشمی رفسنجانی، اکبر/ ۴۹۲، ۵۱۸، ۵۲۷، ۵۲۸

هرات/ ۴۷۶

هروی، مهدی/ ۵۰۵

هفته نامه خواندنیها/ ۲۴۹, ۲۵۲, ۴۷۶

هلند/ ۸۱

همایون کاتوزیان، محمدعلی/ ۱۶, ۱۷, ۳۳

همایون، داریوش/ ۱۵, ۲۰, ۲۱, ۲۲, ۱۲۰, ۲۱۸, ۲۵۰, ۴۳۰

هند (هندوستانن)/ ۸۸, ۱۶۲, ۱۶۳

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا/ ۱۷

هویدا، امیرعباس/ ۷۰، ۷۷، ۸۵, ۱۰۰, ۱۲۵, ۱۲۶, ۱۳۸, ۱۴۵, ۱۵۰, ۱۵۵, ۱۶۵, ۱۶۹, ۱۷۶, ۱۷۷, ۱۸۰, ۱۸۳, ۱۹۲, ۲۰۰, ۲۰۱, ۲۰۴, ۲۰۶, ۲۰۷, ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۳, ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰, ۲۲۱, ۲۲۲، ۲۲۸, ۲۲۹, ۲۳۴, ۲۳۵, ۲۳۶, ۲۳۷, ۲۴۰, ۲۴۱, ۲۴۳, ۲۴۴، ۲۴۵, ۲۴۶, ۲۴۷، ۲۵۲, ۲۵۳, ۲۵۵, ۲۵۶, ۲۶۴, ۲۶۵, ۲۶۶، ۲۶۸, ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷, ۲۸۷, ۲۸۹, ۲۹۳, ۲۹۴، ۳۰۵, ۳۰۷, ۳۱۵, ۳۲۵, ۳۳۱، ۳۳۳, ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۹، ۳۵۹, ۳۶۰, ۳۶۱, ۳۶۲, ۳۶۳, ۳۶۴, ۳۶۶, ۳۷۵, ۳۷۶, ۳۷۹، ۳۸۱, ۳۸۲, ۳۸۳, ۳۸۶, ۳۸۷, ۳۹۲، ۳۹۴, ۳۹۹, ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴, ۴۰۵, ۴۰۶, ۴۰۹, ۴۱۲, ۴۱۳, ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۴۵، ۴۵۷, ۴۷۶، ۴۹۳، ۵۰۳، ۵۱۰

هیتلر، آدولف/ ۱۷، ۲۲، ۳۳, ۱۰۳, ۳۱۰، ۳۱۳, ۳۱۴, ۳۱۹

ی

یاسوج/ ۱۷۸, ۱۷۹, ۲۴۶

یامین پور، یامین/ ۲۶۱, ۳۷۱

یزد/ ۱۸۰, ۲۸۸, ۳۳۵, ۴۱۴, ۴۵۳

یزدانی، هژبر/ ۴۴۳, ۴۴۴

یزدی، ابراهیم/ ۴۴۷، ۴۹۸, ۵۳۷, ۵۳۸, ۵۳۹

یزدی، شهپر/ ۱۵

یزدی، منوچهر/ ۱۰۱, ۲۲۴, ۲۸۸, ۴۱۴, ۴۳۲, ۴۵۶, ۴۶۱, ۵۳۵

یگانه، ناصر (دکتر)/ ۴۲۳

## عکس ها

ص:۵۷۳

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹